

بسمه تعالی



دانشگاه کردستان

سال یازدهم
شماره چهل و چهار
پاییز ۱۴۰۱
شاپا: ۲۸۷۵ - ۲۳۲۲

مطالعات شهری

فصلنامه علمی مطالعات شهری

صاحب امتیاز: دانشگاه کردستان

مدیر مسئول: هوشمند علیزاده

سر دبیر: مظفر صرافی

معاون سردبیر: کیومرث ایران دوست

مدیر داخلی: کیومرث حبیبی

کارشناس نشریه: محمد بشیر رباطی

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی):
کیومرث ایران دوست، برنامه ریزی شهری، دانشیار، دانشگاه کردستان
مصطفی بهزادفر، طراحی شهری، استاد، دانشگاه علم و صنعت ایران
جهان شاه پاکزاد، طراحی شهری، استاد، دانشگاه شهید بهشتی
پروین پرتوی، شهرسازی، استاد، دانشگاه تهران
کیومرث حبیبی، شهرسازی، دانشیار، دانشگاه کردستان
مهرداد حجازی، مهندسی عمران، دانشیار، دانشگاه اصفهان
اسفندیار زبردست، برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، استاد، دانشگاه تهران
حسن سجاذزاده، شهرسازی اسلامی، دانشیار، دانشگاه بوعلی سینا
علی سلطانی، طراحی شهری، استاد، دانشگاه شیراز
هیمن شهابی، ژئومورفولوژی، دانشیار، دانشگاه کردستان
اسماعیل شیعه، شهرسازی، استاد، دانشگاه علم و صنعت
میرستار صدر موسوی، برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، استاد، دانشگاه تبریز
حاجی حسین عزیزی، زمین شناسی، استاد، دانشگاه کردستان
صدیقه لطفی، برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، استاد، دانشگاه مازندران
فرشاد نوریان، شهرسازی، دانشیار، دانشگاه تهران

اعضای تحریریه بین المللی:

Nadhir Al-Ansari, Professor, Luleå University of Technology, Sweden.

Assefa M. Melesse, Professor, Florida International University, USA.

Robert Musil, Working Group Leader, Institute for Urban and Regional Research
(Austrian Academy of Sciences), Austria.

داورهای این شماره (به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی): احمدی، محمدآزاد؛ اسدیپور، علی؛ اسدی، ایرج؛ اکبری، حسن؛ ایزدی، محمد سعید؛ بصیرت، میثم؛ پژوهان، موسی؛ جواهری پور، مهرداد؛ حبیب، فرح؛ حریری، آزاده؛ حیدرآبادی، ابوالقاسم؛ خاکساری رفسنجانی، علی؛ خانی، سعید؛ خلیجی، محمد علی؛ دانش مهر، حسین؛ رفیعیان، مجتبی؛ سجاذزاده، حسن؛ سرور، رحیم؛ سعیدی رضوانی، نوید؛ شافعی، رضا؛ شیعه، اسماعیل؛ فردوسی، سجاد؛ قره بگلو، مینو؛ کرمی، اسلام؛ کریمی مشاور، مهرداد؛ کهزادی، سالار؛ محمدی، علیرضا؛ مدیری، آتوسا؛ میرغلامی، مرتضی؛ یوسفی، زاهد.

۰۸۷ - ۳۳۶۶۶۷۱

شنبه الی سه شنبه ساعت ۱۲-۱۳

www.urbstudies.ir

urbstudies@uok.ac.ir

تلفن:

ساعت تماس:

آدرس وب سایت نشریه:

آدرس ایمیل نشریه:

طرح جلد: کورش عنبری

صفحه آرا: جواد ده جانی

ویراستار فارسی: فرحناز نوبخت

ویراستار انگلیسی: نوید برادران همتی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نشانی: سنندج، بلوار پاسداران، دانشگاه کردستان، دانشکده هنر و معماری، گروه مهندسی شهرسازی - کد پستی: ۶۶۱۷۷ - ۱۵۱۷۵

این فصلنامه طی نامه شماره ۱۶۱۹۲۷ به تاریخ ۱۳۹۰/۰۸/۲۲ مدیر کل امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با درجه علمی-پژوهشی منتشر می شود.

ناشر: مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری
پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

این نشریه در «ایران ژورنال» نظام نمایه‌سازی مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری (RiCEST) به نشانی www.ricest.ac.ir و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام به نشانی www.isc.gov.ir نمایه می شود.

مطالعات شهری فهرست

- کاربست رویکرد آینده‌نگرانه (اینفرمال آرمچر) در ساماندهی فضایی سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری (ارزیابی در شرایط شهر سنندج)
کیومرث ایراندوست، میلاد دوستوندی، کسری آشوری، سید محمد قانع‌زاده
۳
- ارزیابی بازنمایی فضاهای شهری در آثار منتخب سینمای ایران با تمرکز بر فضاهای عمومی شهر تهران
سیده سارا صالحی، حسن سجادزاده، محمد سعید ایزدی، کسری کتاب‌اللهی
۱۷
- پدیدارشناسی تجربه زیسته سازندگان شهر تهران در نظام مدیریت ساخت و ساز شهری
غلامرضا کاظمیان، حسین اصلی‌پور، آرش تقی‌پور اختری
۳۱
- تأثیر سنج‌های کالبدی-فضایی خیابان شهری بر تحریک هیجانی عابرین پیاده با استفاده از EEG
عصمت پای‌کن، محمدرضا پورجعفر، احسان رنجبر
۴۷
- چارچوب کیفی برنامه ریزی و طراحی عرصه‌های میانی مجتمع‌های مسکونی برای ارتقاء استقلال حرکتی کودکان
نمونه مورد مطالعه: شهر تهران | معصومه میرصفا، زینب طالبی، منصوره کیان‌ارثی
۶۳
- جدانشدگی اجتماعی-فضایی در ایران: مرور نظام‌مند و فراتحلیل کیفی
نرگس قدسی، مهین نسترن، وحید قاسمی
۷۹
- اثرات فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و پاندمی کووید ۹۱ بر مطالعات شهری: مرور سیستماتیک
نیکو مدقالچی، سید حسین بحرینی، مجتبی رفیعیان
۹۵
- شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری برای کودکان، بر مبنای مدل مفهومی حق به شهر
نمونه مورد مطالعه: شهر تهران | زهرا تمجدی، زهرا سادات سعیده زرابادی، فرح حبیب
۱۱۵

کاربست رویکرد آینده‌نگرانه (اینفرمال آرمچر) در ساماندهی فضایی سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری (ارزیابی در شرایط شهر سنندج)

کیومرث ایراندوست^۱ - دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران.
 میلاد دوستوندی - دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران.
 کسری آشوری - دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران.
 سید محمد قانع‌زاده - کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۶ آذر ۱۴۰۰ تاریخ پذیرش: ۱۱ بهمن ۱۴۰۰

چکیده

زیست غیررسمی شهری یکی از گزینه‌های بقای گروه‌های کم‌درآمد شهری است که سازوکارهای ناکارآمد بخش رسمی و دولتی و نیز نظام برنامه‌ریزی توان تأمین مسکن آنها را ندارد؛ از این رو زیست و مسکن غیررسمی برآمده از گفتمان رسمی و هم‌زمان با برنامه‌ریزی رسمی شکل گرفته است. نظام‌های برنامه‌ریزی و گفتمان‌های مسلط در مواجهه با زیست غیررسمی شهری رویکردهای مختلفی را آزموده‌اند اما بیشتر آنها به دلایل گوناگونی در ساماندهی این پدیده ناکارآمد بوده‌اند. در این میان برخی برنامه‌ریزان به دنبال رهیافت‌هایی واقع‌بینانه برای ساماندهی از راه پیش‌نگری و پیوستگی با شهر هستند؛ از آن جمله دیوید گاورنر، رویکردی را با نام اینفرمال آرمچر (IA) مطرح کرده است. این روش مبتنی بر طراحی و مدیریت با دیدگاهی آینده‌نگرانه است که واقعیت رشد سکونتگاه‌های غیررسمی را پذیرفته است. هدف آن یافتن گزینه میانه در توسعه غیررسمی کنونی است که با مداخله از بالا به پایین همگام با پذیرش دیدگاه‌های مردم در این سکونتگاه‌ها همراه است. پذیرش سیاسی غیررسمی بودن، ارائه زمین عمومی مناسب با مشارکت دولتی و بخش خصوصی، آموزش کارکنان برای اجرای IA و توجه به اجزای طراحی (کریدورها، اراضی ذخیره و متولیان یا ناظران و مباحثان) از شرایط اجرا و موفقیت این رویکرد هستند. در این پژوهش پس از معرفی رویکرد اینفرمال آرمچر (IA)، کاربرد آن در شهر سنندج بررسی شده است. برای این پژوهش داده‌های مورد نیاز از سرشماری‌های نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ استخراج شده، از تصاویر هوایی و نرم‌افزار GIS استفاده شده و همچنین از برخی پژوهش‌های پیشین بهره گرفته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که به دلیل پویایی زیست غیررسمی شهری در شهر سنندج در قالب سه لایه فضایی و زمینه‌های بازتولید آن، توجه به دیدگاهی آینده‌نگرانه در زمینه توسعه غیررسمی در چارچوب رویکرد IA بسیار مفید است. این رویکرد در پی آن است تا از راه مشارکت دولتی - مردمی و ابزارهای طراحی همچون اتصال کریدورهای اطراف شهر به یکدیگر و پیوند سکونتگاه‌های خودانگیخته با شهر، تأمین زمین‌های ذخیره برای مسکن در توان تهیدستان و نگاهداشت زمین‌های ارزشمند برای زیرساخت‌های پایه در سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری آینده، از بسیاری از چالش‌های کنونی پیشگیری کند.

واژگان کلیدی: زیست غیررسمی شهری، اینفرمال آرمچر، سنندج، سکونتگاه خودانگیخته.

نکات برجسته

- از گذشته تاکنون رویکردها و سیاست‌های مختلفی در مواجهه با سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری در نظر گرفته شده اما این رویکردها نتوانسته موجب متوقف شدن روند گسترش این سکونتگاه‌ها شود.
- زیست غیررسمی شهری باید در کشورهای در حال توسعه همچون ایران از نظر سیاسی پذیرفته شود؛ زیرا بخش عمده‌ای از گسترش شهرنشینی دربرگیرنده زیست غیررسمی خواهد بود.
- دیوید گاورنر با ارائه رویکرد نوینی با عنوان اینفرمال آرمچر سعی دارد نگاهی آینده‌نگرانه، پیشگیرانه و واقع‌بینانه به سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری داشته باشد و همچنین مسائل مدیریتی، محیط زیستی، مورفولوژیکی و طراحی را مورد توجه قرار دهد.
- در شهر سنندج با توجه به شکل‌گیری سه لایه فضایی از سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری از گذشته تاکنون و همچنین بستر توسعه قسمت شرقی شهر، در نظر گرفتن رویکرد اینفرمال آرمچر می‌تواند راهگشا باشد.

۱. مقدمه

در چند سده گذشته، چیره شدن اقتصاد سرمایه‌داری شهردار، کاستی‌ها و نارسایی‌های دولت و بازار رسمی و نابرابری در کشورهای جنوب، مهاجرت گسترده برای برخورداری از فرصت‌ها و با امید به آینده‌ای بهتر به سوی مراکز ثروت شهری را در پی داشته است. این روند با ناکارآمدی دولت‌ها و نظام برنامه‌ریزی شهرها در تأمین نیاز به ویژه مسکن و اشتغال به گسترش سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری انجامیده است. به طوری که اکنون یک سوم از افراد ساکن در بسیاری از شهرهای جنوب در چنین سکونتگاه‌هایی زندگی می‌کنند (Turok & Borel-Saladin, 2018). بر اساس گزارش هییتات، جمعیت ساکن در این سکونتگاه‌ها از حدود ۸۰۰ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ به حدود یک میلیارد نفر در سال ۲۰۱۸ رسیده است که حدود ۲۴ درصد از جمعیت شهری را شامل می‌شود (UN-Habitat, 2020). اکثر این سکونتگاه‌ها فاقد نیازهای اساسی زندگی از قبیل بهداشت، آب تصفیه شده، مسکن بادوام و فضای مناسب هستند (Sori, 2012: 1). سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری ناهمگن هستند و سطح محرومیت در آنها بستگی به چگونگی شرایط بیان شده در هر مکان دارد (Roy et al., 2014: 77). این سکونتگاه‌ها دربرگیرنده اسکان بخشی از جمعیت شهری است که خارج از بازار رسمی زمین و مسکن شکل گرفته است (Alavi, 2012). بسیاری از ساکنان این سکونتگاه‌ها دارای مشاغل غیررسمی، ناپایدار، درآمد نامنظم و فاقد پس‌انداز هستند (Gil et al., 2021) و برای تأمین هزینه‌های خانواده خود روزانه باید کار کنند و با این درآمد روزانه امرارمعاش می‌کنند (Allam, 2020; Corburn et al., 2020).

از این رو تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد و ارائه راهکارهایی متناسب با استطاعت پذیری ساکنان، امری ضروری است و در نبود چنین زمینه‌ای روی آوردن به بخش غیررسمی، منطقی و از روی ناچاری اما هوشمندانه است. در دوره‌های مختلف برای مقابله با پدیده زیست غیررسمی شهری، دولت‌ها سیاست‌ها و روش‌های مختلفی را از قبیل نادیده گرفتن، روش قهری همچون حذف و تخلیه اجباری، مسکن عمومی تا رویکردهای مشارکتی، مکان - خدمات، بهسازی - توانمندسازی و بازآفرینی شهری را در پیش گرفته‌اند (Bayat, 2002; Ashouri et al., 2019; Ashouri et al., 2018; Arefi, 2018). اما هریک از این رویکردها به دلایل مختلفی در هر کشور یا منطقه با مشکلاتی روبه‌رو شده‌اند (Pourahmad et al., 2010; Irandoost, 2010).

در سال ۲۰۱۵ راهکار نوینی به وسیله دیوید گاورنر استاد گروه معماری منظر، دانشکده طراحی، دانشگاه پنسیلوانیا شهر فیلادلفیای آمریکا ارائه شد. او معتقد است که سکونتگاه‌های خودساخته شهری دارای پیچیدگی‌های فیزیکی و اجتماعی فراوانی هستند که برای ساده نمودن آنها بایستی محیط زیست، مورفولوژی و جنبه‌های مدیریتی در تعادل قرار گیرند. وی می‌گوید که مشکل سکونتگاه‌های خودساخته شهری نه از سوی مردم و حکومت‌های محلی حتی حکومت‌های مرکزی بلکه توسط مجموعه‌ای از آنها قابل حل است (Gouverneur, 2015). این اعتقاد را می‌توان نوعی نگرش سیستمی عنوان کرد که در قالب رویکرد خاص و جدید اینفرمال آرمچر (IA) معرفی شده است که ترکیبی

از برنامه‌ریزی و طراحی برای آینده رشد سکونتگاه‌های خودساخته در کشورهای در حال توسعه بوده و می‌تواند در کشور ایران همچون ایران راهگشا باشد. آمارها نشان می‌دهد که در ایران درصد شهرنشینی از ۴۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۷۴ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافت. در طول این دوران، جمعیت بافت‌های ناکارآمد از حدود ۱٫۵ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ به حدود ۲۰ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است که نشان از ناکارآمدی سیاست‌های گذشته دارد (صرافی، ۱۳۹۹: ۱۵). امروزه در حدود ۱۲٫۴۲ میلیون نفر در سکونتگاه‌های خودساخته شهری با مساحتی در حدود ۶۱ هزار هکتار زندگی می‌کنند (Urban Regeneration Corporation of Iran, 2020) که این موضوع نیازمند توجه جدی به پدیده زیست غیررسمی شهری در ایران است.

در این نوشتار کوشش شده است تا با تشریح رویکرد IA، کاریست آن در شهر سنندج به‌عنوان یکی از شهرهایی که با چالش گسترش سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری در دوره‌های مختلف روبه‌رو بوده، بررسی شود. این سکونتگاه‌ها و بازتولید فضایی آنها در شهر سنندج باعث شکل‌گیری سه لایه فضایی (سکونتگاه‌های تثبیت شده داخل شهر، نواحی منفصل شهری و روستاهای در حال رشد اطراف شهر) سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری شده است (Ashouri et al., 2018). آمارها نشان می‌دهد که جمعیت ساکن در لایه اول و دوم فضایی از ۲۷ هزار و ۵۱۸ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۲۸۵ هزار و ۸۲۴ نفر در سال ۱۳۹۵ در شهر سنندج^۲ رسیده است و افزون بر این مساحتی بیش از هزار هکتار (در حدود ۲۳ درصد از مساحت شهر) را تشکیل می‌دهد. همچنین امروزه لایه سوم فضایی یعنی روستاهای اطراف شهری (روستاهای آساوله، قار، دوشان، برازان، باباریز، سرخه‌دز و قلیان) به دلیل عدم برقراری سازوکارهای رسمی شاهد رشد چشمگیری بوده است. از این رو در این پژوهش ضمن معرفی رویکرد IA و اجزای آن، با توجه به شرایط حاکم بر بازتولید فضای غیررسمی در شهر سنندج، کاریست رویکرد اینفرمال آرمچر در شهر سنندج بررسی خواهد شد.

۲. چارچوب نظری

فقر شهری و شکل‌گیری سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری از مسئله‌مندی‌های مهم در دوران معاصر شهری شدن به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته به شمار می‌رود و همواره به‌مثابه بخش جدایی‌ناپذیر از شهری شدن این کشورهاست (Irandoost & Sarafi, 2007). بنا بر برآورد برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد، بیش از ۵۰ درصد ساکنان شهرهای کشورهای کم‌درآمد و ۲۰ درصد کشورهای با درآمد متوسط، در سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری زندگی می‌کنند. در کشور ایران نیز وجود بیش از یک‌هفتم جمعیت شهرهای تهران، مشهد، تبریز، اهواز، بندرعباس، کرمانشاه، زاهدان و سنندج در این سکونتگاه‌ها و رشد سریع آن، هشدار برای اهتمام جدی به این مسئله‌مندی است (Pourahmad, 2010).

از گذشته تاکنون و در دوره‌های مختلف، رویکردهای مختلفی برای مواجهه با پدیده زیست غیررسمی شهری در سطح بین‌المللی در نظر گرفته شده که در کشور ایران نیز متأثر از آن رویکردها، سیاست‌های

2 آمارهای جمعیتی ارائه شده در خصوص لایه دوم فضایی از زمان الحاق چهار روستای نایسر، حسن‌آباد، ننه و گریزه در سال ۱۳۸۹ بوده است.

۲٫۱. رویکرد اینفرمال آرمچر (IA)

با توجه به موارد اشاره شده و ناکارآمدی برنامه‌ریزی رسمی، موفقیت محدود طراحی و برنامه‌ریزی‌های معمول و سیاست‌های مسکن، یکی از ابتکارات قابل توجه، مطالعات مربوط به رویکرد اینفرمال آرمچر برای ادغام سکونتگاه‌های خودساخته با بافت رسمی در توسعه شهری و رشد پایدار سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری است (García - Villalba, 2020; El Ghmari & Zabadi, 2021). رویکرد اینفرمال آرمچر (IA) برای نخستین بار به وسیله دیوید گاورنر^۳ در سال ۲۰۱۵ و در کتابی با عنوان "برنامه‌ریزی و طراحی برای آینده سکونتگاه‌های غیررسمی: شکل دهی به شهر خودساخته" مطرح شد (Gouverneur, 2015). گاورنر در این کتاب ضمن معرفی این رویکرد به ابعاد و اصول آن پرداخته است.

واژه Armature در متون برنامه‌ریزی شهری مفهوم نوآورانه‌ای است که در فرهنگ‌های گوناگون از جمله واژه‌نامه آکسفورد این واژه برای رشته‌های مکانیک و برق با برابرنهاده الفاگر، میله فلزی، آرمیچر، زره (بخشی از بدن جاندار که از آن حفاظت می‌کند) و... به کار برده شده است اما معنی دیگر آن در واژه‌نامه‌های انگلیسی به فارسی "پوشش" است و در واژه‌نامه آکسفورد (Oxford, 2018^۴) پوششی را توصیف می‌کند که از حداقل تا حداکثر مسئله و موضوعی را در برمی‌گیرد؛ از این رو در پیوند با واژه "Informal" معنی پوششی غیررسمی را به خود می‌گیرد. اما در این پژوهش سعی شده برای جلوگیری از معادل سازی از نوشتار فارسی کلمات انگلیسی استفاده شود.

رویکرد IA فراتر از مجادله‌های نظری در این گستره، با نگرشی پیشگیرانه و پیش بینانه، چارچوبی را برای محله‌های خودساخته قبل از اشغال زمین ارائه می‌دهد (Steiner et al, 2019:25) و با طراحی و نقشه‌کشی سایت، گسترش زیست غیررسمی شهری در ارتباط با کلانشهر را مورد توجه قرار می‌دهد و می‌تواند مفید واقع شود (Dovey et al, 2020:3). رویکرد IA ویژگی‌های مبتکرانه و ذاتی اجتماعی-فضایی سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری را پذیرفته و بر اساس آنها به عنوان نقطه شروع برای بهبود عمل می‌کند. سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری دارای انرژی دگرگون‌کننده، سرعت، سازگاری، انعطاف‌پذیری و نبوغ ساکنان است که کمتر می‌توان آن موارد را در سکونتگاه‌های رسمی یافت و این موضوع ضرورت ایجاد پیوندهای فضایی و عملکردی مؤثر در شهرها را بیش از پیش آشکار می‌سازد (Okyere & Kita, 2015). فرض اصلی در این رویکرد پیدا کردن حد وسط در زمینه توسعه غیررسمی کنونی و مداخله مدیریتی و برنامه‌ریزانه در به رسمیت شناختن توسعه این سکونتگاه‌هاست. به عبارتی هدف IA میانه‌روی در بین مداخلات صورت گرفته خواهد بود و توسعه رسمی و غیررسمی را ترکیب خواهد کرد. این وضعیت میانه‌روی درجایی بین رشد غیررسمی آزادانه و غیرقابل کنترل با مدل توسعه‌یافته رسمی ولی ناکارآمد به دنبال پیدا کردن روشی ترکیبی است که بتواند هدایت و حمایت مدیریت را به دست آورده و توسعه‌دهندگان غیرمجاز را نیز متقاعد نماید (Gouverneur, 2015:xx). از این رو در راستای اجرای این رویکرد اجزای کلیدی معرفی شده است (جدول شماره ۱).

مختلفی ملاک عمل بوده است (آشوری و دیگران، ۱۳۹۸). دیدگاه‌های اولیه و مبتنی بر لیبرالیسم بر این استوار بود که انتخاب‌های غلط فرد موجب قرارداد دادن وی در تله فقر می‌شود و رشد اقتصادی موجب مداخله دولت برای پیشگیری از فقر امری ناکارآمد است (Davis & Sanchez, 2014; Marx et al, 2013; Blank, 2010; Martinez, 2014). در این راستا بیشتر بر ایجاد امنیت اقتصادی تأکید می‌شد؛ زیرا فرض بر این بود که با افزایش توسعه اقتصادی وضعیت فقرا بهبود خواهد یافت (Lomasky & Swan, 2009). اما با گذشت زمان و روشن شدن این نکته که توسعه اقتصادی راهگشای تحول مورد انتظار در سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری نیست، شیوه‌های قهرآمیز و به نحوی برخورد حذفی پا پدید و در نتیجه رویکرد تخلیه اجباری^۱ و تخریب سکونتگاه به رویکردی فراگیر بدل شد. با نقد این رویکرد به وسیله صاحب‌نظرانی همچون ترنر و آبرامز (Turner, 1977; Abrams, 1964) و همچنین ضرورت بازسازی شرایط پس از جنگ جهانی دوم و شرایط نامناسب اقتصادی آن دوران، سیاست مسکن عمومی برای تأمین مسکن اقشار کم‌درآمد مدنظر قرار گرفت (Quercia & Galster, 1997; Marcuse, 1995; McDonald, 2011). اما در اکثر موارد عللی همچون هزینه بالا، ناهمخوانی نقشه واحدها با سبک زندگی، تأکید بر استانداردهای غیرواقع بینانه، عدم توان پرداخت اقساط از سوی مالکان و مکانیابی نامطلوب مجموعه، موجب شکست سیاست مسکن عمومی شد و مساکن پس از مدتی به گروه‌های پردرآمدتر واگذار شد (Irandoost, 2007). در ادامه با توجه به بحران‌های سیاست‌های سرمایه‌داری در اواخر دهه ۱۹۷۰، از جمله بحران در سیاست‌های اقتصادی دولت رفاه، فروپاشی سیاست‌های اقتصادی - سیاسی ملی، زوال نظریه کینزی، بین‌المللی‌تر شدن اقتصاد سرمایه‌دارانه، ضعف فرآیندهای دولت ملی، حرکت به سوی دولت کوچک و خصوصی‌سازی همه‌جانبه و فروپاشی شوروی، امکان تغییر سیاست‌های لیبرالیسم را فراهم ساخت و نئولیبرالیسم جهانی به تدریج به ایدئولوژی حاکم و مسلط مبدل شد (Pourahmad et al, 2003). در این دوران با ایجاد و توسعه سازمان‌های بین‌المللی همچون بانک جهانی و برنامه اسکان بشر ملل متحد (هیئات) به عنوان ابزارهای اعمال سیاست‌های نئولیبرالیسمی در مقیاس جهانی، رویکردهایی همچون خودیاری، مکان - خدمات (با تأکید بر تأمین زیرساخت)، بهسازی (با نگاه عمدتاً کالبدی)، توانمندسازی (با تأکید بر مشارکت ساکنان) و بازآفرینی، شهرهای بدون اصلاح^۲ و تعیین اهداف توسعه هزاره مورد توجه قرار گرفت که عمده این سیاست‌ها و راهکارها با شکست مواجه شده است (Matovu, Gattoni, 2009; Mukhija, 2001; Sietchiping, 2005; 2000). تجزیه و تحلیل‌ها این عدم موفقیت یک رویکرد سه‌گانه یعنی عدم توجه به نیازهای شهروندان، عدم ارزیابی منابع موجود (انسانی، فنی، مالی، اقتصادی، اجتماعی، سازمانی) و در نهایت، نبود حکمروایی شهری در راستای منافع جمعی را نمایان می‌سازد (Bolay, 2006: 285). نکته مهم این است که رویکردهای یادشده کمتر نگرشی آینده‌نگرانه و پیشگیرانه نسبت به سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری داشته‌اند.

3 David Gouverneur

4 Oxford Dictionary (2018)

1 Force Eviction

2 Slum

جدول شماره ۱۰: شرایط موفقیت، اجزا و اصول اساسی رویکرد IA ←

شرایط موفقیت رویکرد IA		
پذیرش سیاسی غیررسمی بودن	پذیرش سیاسی این مسئله که زیست غیررسمی شهری در شرایط بسیاری از شهرهای جنوب ناگزیر است و خود به خود شکل می‌گیرد و مکان‌های نامناسب را بدون چارچوب‌های اساسی شهری اشغال می‌کند و در نتیجه منجر به ایجاد شرایط دشوار شهری با اجتماعی می‌شود و دارای پیامدهای زیست محیطی است.	پیشگیرانه و دگرگون‌کننده
ارائه زمین عمومی مناسب با مشارکت دولتی و خصوصی	در بیشتر کشورهای درحال توسعه، مالکیت زمین‌های عمومی عمدتاً در اختیار چند فرد یا نهاد دولتی قرار می‌گیرد. علاوه بر این، برنامه‌ریزی شهری معاصر، سازوکارهای بانکی یا تخصیص زمین‌های خصوصی را در راستای حقوق توسعه شهری و سازوکار و ابزار برای منطقه بندی مجدد و تنظیم مجدد زمین فراهم نمی‌کند.	
آموزش کارکنان قادر به اجرای IA	پارادایم‌های جدید برنامه‌ریزی و طراحی نیازمند مشارکت تیم‌های بین‌رشته‌ای است که قادر به درک ماهیت رویکردهای نوین هستند که متفاوت از برنامه‌های متداول در دانشگاه‌ها و سازمان‌های دولتی است و نیازمند آموزش پرسنل از طریق پیاده‌سازی پروژه‌های آزمایشی باشد. دانشگاه‌ها می‌توانند با ارائه این روش جدید دانش‌آموختگان و اعضای هیئت علمی را مشارکت دهند. بخش خصوصی نیز نقش مهمی در همکاری با بخش دولتی ایفا می‌کند تا خدماتی را ارائه دهد که واحدهای همسایگی خودساخته بتوانند بهبود یابند.	
کالبدی و عملکردی	برنامه‌ریزی سنتی در اکثر کشورهای درحال توسعه به برنامه‌های استفاده از زمین بدون ملاحظات طراحی تقلیل می‌یابد و عمدتاً بر کنترل بازار املاک و مستغلات متمرکز است. رویکرد IA با در نظر گرفتن تجارب سازمان فضایی و فیزیکی شهر خودساخته، مفاهیم سازمان دهی فضایی و معیارهای طراحی را با مدیریت در محل و در راستای جذب و هدایت اشغال اولیه سایت‌ها در آینده و ایجاد پیوند قوی با مهاجران ترکیب می‌کند.	
اقدامات ترکیبی و چند مقیاسی	IA با همان منطق ادغام پویایی زیستگاه خودساخته شده با برنامه‌ریزی و طراحی عمل می‌کند، اما هدف آن دستیابی به یک محصول شهری متعادل با نگرشی آینده‌نگرانه است که با گذشت زمان به جریان اصلی تبدیل خواهد شد؛ زیرا شکل غالب شهرنشینی در بسیاری از کشورهای درحال توسعه، سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری خواهد بود. برنامه IA همچنین ممکن است نحوه حفاظت از آبراه‌ها و مناطق پوشش گیاهی را که به کریدورهای تفریحی شهر تبدیل می‌شوند، پیش‌بینی کند یا در نظر گرفتن مکان‌های با عملکرد موقت و اولیه همچون مراکز بازیافت یا برنامه‌های کشاورزی شهری، آنها را برای کاربری‌های عمومی، مراکز تولیدی، مدارس، بازارهای شهرهای بزرگ و غیره در آینده با مشارکت بخش خصوصی اختصاص دهد. ارزش اضافی به دست آمده از چنین عملیاتی به تسهیل‌کنندگان IA کمک می‌کند تا برای سرمایه‌گذاری مجدد در خدمات دیگر زمین‌های مشابه، درآمدزایی کنند یا طرح‌های مشابه IA را در مرزهای جدید شهری دوباره آغاز کنند.	
دوستدار محیط زیست	برنامه‌ریزی و طراحی شهری معاصر موظف است جنبه‌های زیست محیطی را که نه تنها برای رفاه جوامع بلکه برای سلامت کره زمین بسیار مهم است، مورد توجه قرار دهد. از آنجاکه IA قبل از اشغال شروع به کار می‌کند و نخستین شرایط کالبدی و عملکردی شهرها را تعیین می‌کند، زمینه مناسبی برای سازگاری با محیط زیست است. از جمله برخی از حساس‌ترین جنبه‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: مکانیسم‌های حفاظت از حوضه‌های آبریز مجاور، مناطق تنوع زیستی و خاک‌های کشاورزی ارزشمند یا شبکه هیدرولوژیکی. IA می‌تواند راه‌اندازی زیرساخت‌های سبز، شبکه‌های حمل‌ونقل عمومی عابران پیاده، برنامه‌های بازیافت، باغ‌های کشاورزی محلی و غیره را تسهیل کند و با در نظر داشتن این ایده‌ها، آنها را برای مهاجران اولیه به عنوان بخشی از زندگی روزمره خود معنی‌دار کند.	
ساده: بر اساس اجزای طراحی انعطاف پذیر، قابل تطبیق با شرایط مختلف سایت	IA مجموعه ابزاری از اجزای طراحی ساده را ارائه می‌دهد که هدف اصلی آن فراهم کردن شرایط زندگی بهتر برای بزرگ‌ترین بخش از جمعیت در جهان درحال توسعه، یعنی افراد فقیر است. این مؤلفه‌ها در ماهیت، مقیاس یا کیفیت‌های ریخت‌شناختی و اجرایی‌شان جزمی نیستند. میزان موفقیت آنها به عنوان راه‌حل‌های فضایی و اجرایی به تفاوت‌های بافتی و فرهنگی محلی و توانایی تسهیل‌کنندگان IA برای مشارکت دادن جوامع و سایر بازیگران شهری در ابتکارات بستگی دارد. با توجه به تنوع شرایطی که در آن شهرنشینی غیررسمی و همچنین محدودیت‌های مدیریت حرفه‌ای برای اجرای برنامه‌های IA رخ می‌دهد، این رویکرد برای توصیف اجزای طراحی، مکانیسمی را برای تسهیل اجرای آن و چگونگی طراحی جزئیات در زمینه‌های مختلف ارائه می‌دهد.	

← ادامه جدول شماره ۱: شرایط موفقیت، اجزا و اصول اساسی رویکرد IA

اجزای کاربردی برای طراحی در رویکرد IA	
<p>کریدورها اساساً اجزای خطی هستند که حوزه عمومی را ساختار می‌دهند و به عنوان استخوان بندی سیستم‌های فضاهای باز، زیرساخت‌ها، سیستم‌های تحرک، دستگاه‌های مدیریت آب، خدمات و غیره عمل می‌کنند. کریدورها به دو دسته زیر تقسیم می‌شوند:</p> <ul style="list-style-type: none"> • جذب‌کننده‌ها^۱: تمرکز جمعیت و فعالیت‌ها را به سمت مناطقی که مناسب‌تر است، تشویق می‌کنند و شرایط فضایی و مدیریتی را برای مدیریت بهتر آنها فراهم می‌کنند. • محافظ‌ها^۲: از مناطق زیست‌محیطی و باارزش محافظت می‌کنند و به عنوان حائل عمل می‌کنند تا از اشغال یا گسترش شهری - اعم از غیررسمی یا رسمی - در مناطق حساس جلوگیری کنند. <p>انتظار می‌رود که جذب‌کنندگان و محافظ‌ها درصد بالایی از تبدیل سکونتگاه‌ها به مناطق بزرگ‌تر و مناطق شهری را مدیریت کنند و برای دستیابی به اهداف خود، به ویژه در مراحل اولیه اشغال، تحکیم و رشد، به مشارکت عمومی بیشتری نیاز دارند.</p>	کریدورها ^۱
<p>زمین‌های حوزه‌های شهری هستند که با کریدورهای شهری ارتباط برقرار می‌کنند. این زمین‌ها می‌توانند به عنوان گیرنده‌ها^۳ و ترنسفورمرها^۴ مورد استفاده قرار گیرند. گیرنده‌ها عمدتاً برای ساخت خانه‌های مسکونی و کاربری‌های خدماتی به کار گرفته می‌شوند و مکان‌هایی هستند که برای اشغال غیررسمی در دسترس قرار گرفته‌اند، جایی که انتظار می‌رود محله‌های خودساخته شکوفا شوند. ترنسفورمرها مناطقی هستند که می‌توانند کاربردهای متعددی را حفظ کنند که انتظار می‌رود، همراه با کریدورها، IA را از سکونتگاه‌های غیررسمی بدون کمک و از برنامه‌های مکان - خدمات متمایز کند. آنها ذخایر زمین هستند که قادر به ارائه خدماتی هستند که مطابق با نیازهای روز جامعه در حال تغییرند برای مثال اماکن تخلیه مصالح ساختمانی و زمین‌های کشاورزی با مالکیت دولتی با گذشت زمان می‌توانند برای کاربری‌های خدماتی همچون مدارس، بیمارستان‌ها و ... به کار برده شوند.</p>	زمین‌های ذخیره ^۳
<p>متولیان امر اجزایی هستند که ممکن است در تمام دسته‌های قبلی ظاهر شوند تا از در دسترس بودن فضای مورد نیاز برای تطبیق تدریجی خواسته‌های شهری با تکامل قلمروهای IA اطمینان حاصل کنند.</p> <p>در شهرها زمین‌هایی همچون، خیابان‌ها، فضاهای باز، زمین‌های دارای ارزش زیست‌محیطی و ... زمین‌های عمومی به شمار می‌آیند. در برنامه‌ریزی رسمی این مناطق توسط منطقه بندی و مقررات رسمی تضمین شده‌اند، در شهرهای غیررسمی این فضاها با فضاهای جدید جایگزین می‌شوند. IA معتقد است بهترین راه برای حفاظت از این فضاها استفاده از این سایت‌ها برای کاربری خاص در جامعه است و این فضاها باید توسط یک ناظر، آژانس، مؤسسه، سازمان غیردولتی یا حتی فردی مورد احترام و تعیین شده توسط اجتماع محلی مشخص و کنترل شوند.</p>	متولیان ^۵ (مبشران یا ناظران)
اصول اساسی	
<p>۱. مدیریت مداوم و مشارکت جمعی</p> <p>۲. تأکید بر طراحی چندمنظوره سیستم فضاهای عمومی</p> <p>۳. اتصالات موجود بین اجزای طراحی و عملکردها</p>	

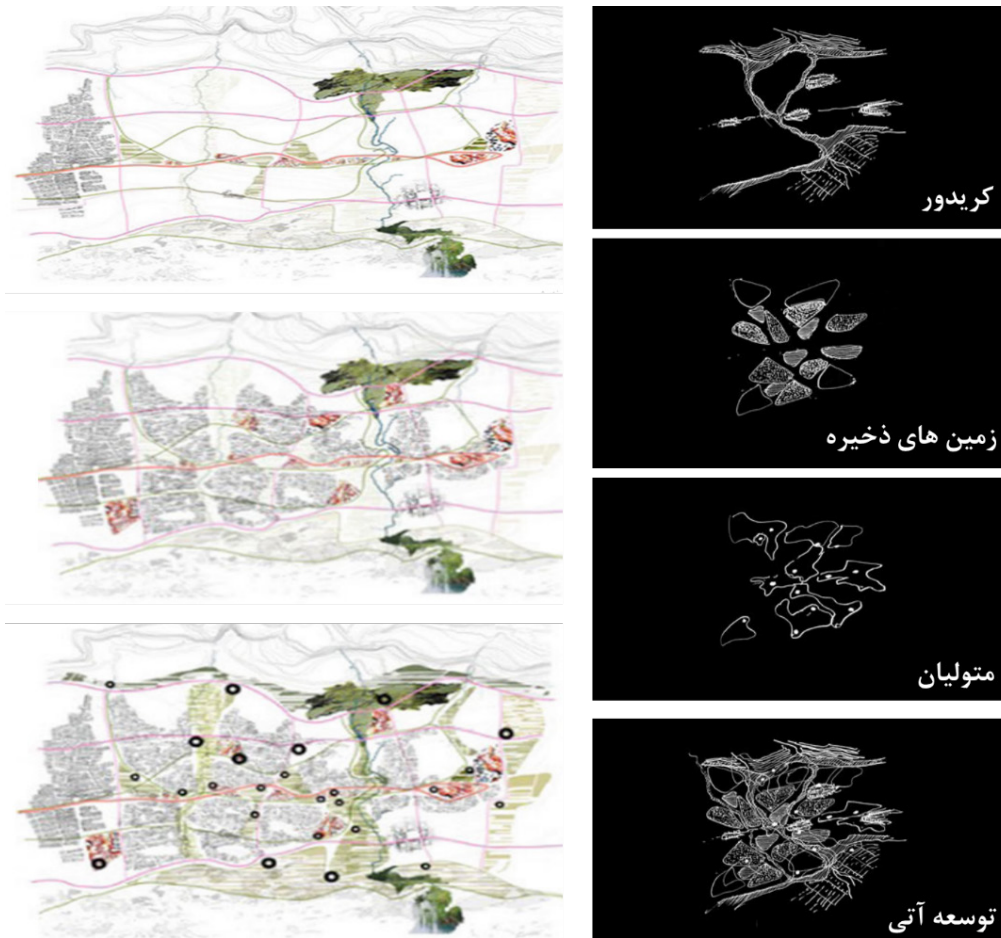
مأخذ: Gouverneur, 2015, Gouverneur, 2020

و فیزیکی مورد استفاده قرار گیرد تا شکاف بین شهرهای غیررسمی و رسمی را از بین ببرد و سکونتگاه‌های خودساخته شهری آینده را توانا سازد که بخشی جدایی‌ناپذیر از شهرهای پایدار باشند. همچنین IA، جنبه‌های مختلف فضایی، اقتصادی، زیست‌محیطی، زیرساختی و مدیریتی را با توجه به زمینه خاص هر منطقه در طراحی‌ها در نظر می‌گیرد (Soderstrom, 2015).

رویکرد IA در حقیقت با نگاهی پیش‌بینانه و پیش‌نگرانه در پی سامان مند کردن رشد غیررسمی پیرامون شهرهای دارای پتانسیل گسترش غیررسمی است و مسائلی مانند استفاده از زمین، تحرک، غذای کافی، مدیریت آب، حکمروایی و هویت تا حدودی در نظر گرفته شده است. در تصویر شماره ۱، گاورنر به خوبی نمونه‌ای از اجزای رویکرد IA را نشان داده است. او پیش‌بینی می‌کند که IA، با مجموعه‌ای از اصول خود برای ذینفعان، می‌تواند به عنوان راهنمای توسعه عملکردی

- 1 corridors
- 2 Attractors
- 3 Protectors
- 4 patches

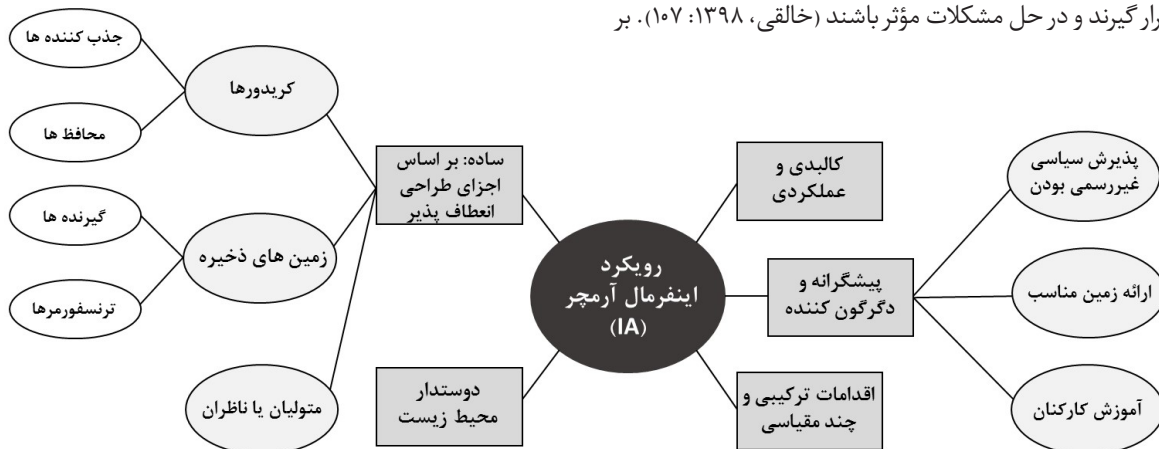
- 5 Receptors
- 6 Transformers
- 7 Custodians



تصویر شماره ۱: نمونه‌ای از رویکرد آینده‌نگرانه IA (مأخذ: Gouverneur, 2015, Gouverneur, 2020) (از بالا به پایین تصویر سمت چپ نمونه‌ای از جذب‌کننده‌ها و محافظت‌کننده‌ها (کریدور)، تصویر وسط سمت چپ اراضی ذخیره و تصویر پایین سمت چپ نمونه ترکیبی از متولیان در کریدورها و اراضی ذخیره)

۳. روش پژوهش
 پارادایم حاکم بر این پژوهش پراگماتیسم است. پارادایم پراگماتیسم از سوی برخی روش‌شناسان معاصر به‌منزله بنیان روش‌شناسی تحقیق با روش‌های ترکیبی مدنظر قرار گرفته است (Mohammadpour, 2020:8). در واقع پراگماتیسم به‌عنوان فلسفه‌ای عمل‌گرایانه و واقع‌نگرانه از اهمیت زیادی برخوردار است و شکل‌گیری آن در تقابل با رویه‌های ذهن‌گرایانه فلسفی صورت گرفته و به‌جای توجه به اهداف کلی، دوردست و ذهنی، اهدافی را ترسیم می‌کند که بتوانند عملاً مورد اجرا قرار گیرند و در حل مشکلات مؤثر باشند (خالقی، ۱۳۹۸: ۱۰۷). بر

مبنای این جهان‌بینی و در راستای دستیابی به زمینه، ابتدا ضمن بررسی دیدگاه‌های نظری موضوع بر پایه دیدگاه‌های گاورنر، چارچوب مفهومی پژوهش استخراج شد (تصویر شماره ۲). سپس در راستای هدف پژوهش، وضعیت انطباق رویکرد با شهر سنندج مورد بررسی قرار گرفت. از این‌رو برای اجرای این رویکرد در شهر سنندج آمارهای مورد نیاز از سرشماری‌های نفوس و مسکن و فرهنگ آبادی‌ها استخراج و در راستای تحلیل فضایی وضعیت شهر از تصاویر ماهواره‌ای و داده‌های مکانی وضع موجود سنندج در نرم افزار Arc GIS استفاده شده است.

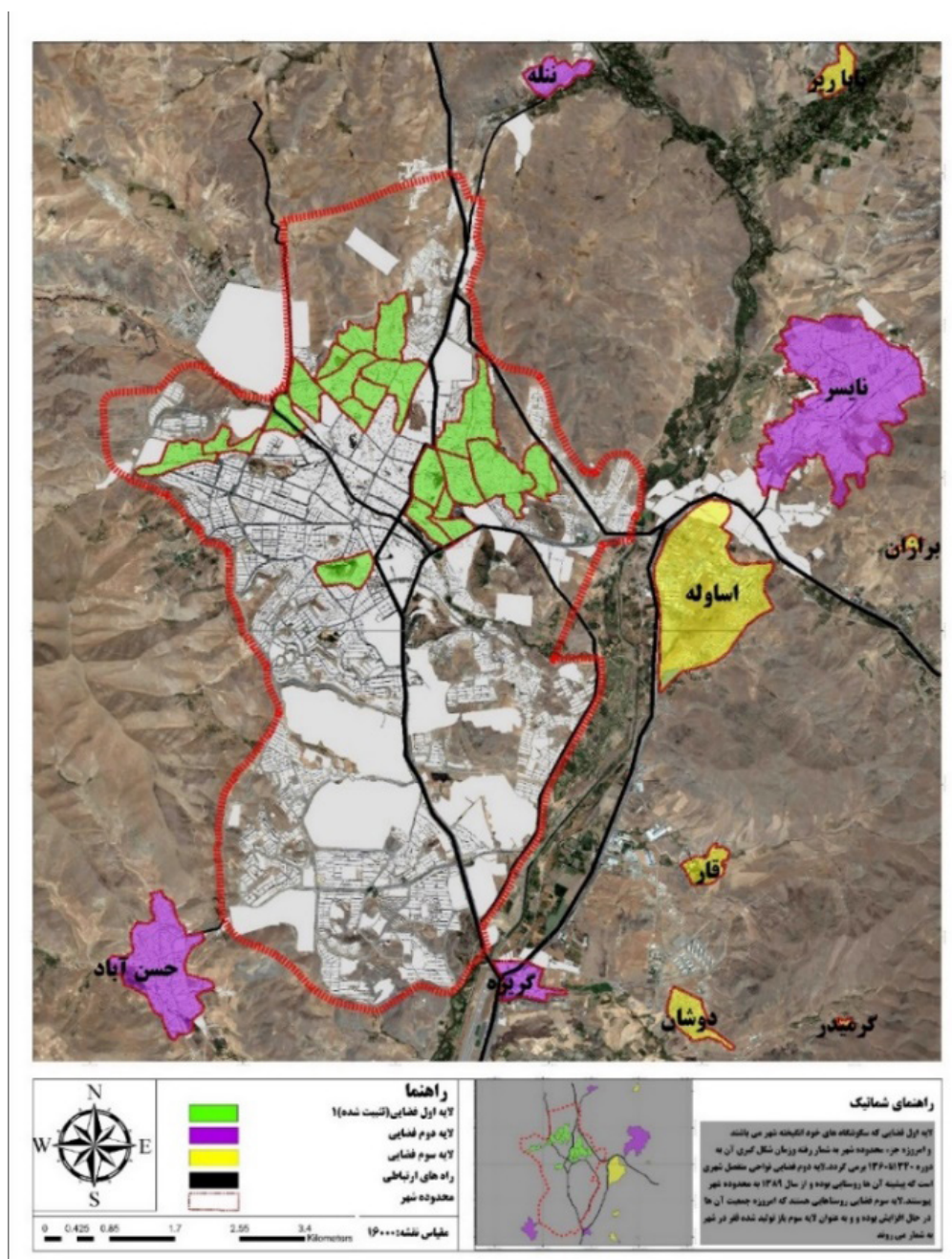


تصویر شماره ۲: شرایط موفقیت و اجزای رویکرد IA

۴. مطالعه موردی

شهر سنندج در دهه‌های مختلف به دلایلی همچون وضعیت اشتغال و دستیابی به خدمات بتر و رفاهی مرکز توجه گروه‌های مختلف مهاجرتی بوده است. این موضوع در کنار رشد طبیعی جمعیت همواره موجب توسعه فیزیکی شهر (Pourahmad et al, 2013 ; Irandoost & Tavalae, 2003) و شکل‌گیری سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری توسط اقشار کم‌درآمد و به حاشیه رانده شده تحت تأثیر عواملی همچون استطاعت مالی ناکافی، عدم توجه به اقشار کم‌درآمد در طرح‌های توسعه شهری، ضوابط غیر منعطف، پرهزینه و زمان‌بر بودن ساخت‌وسازهای رسمی، قیمت بالای زمین و مسکن شده که در دوره‌های زمانی در طول روند توسعه شهر لایه‌های فضایی سه‌گانه‌ای (Ashouri et al, 2018) را تاکنون

شکل داده است. لایه نخست شامل لایه درون شهری و تثبیت شده است که خاستگاه آنها به دوره دهه‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۰ بازمی‌گردد و امروزه به‌عنوان بافت فرسوده میانی در شهر به شمار می‌رود. لایه دوم شامل سکونتگاه‌های با پیشینه روستایی واقع در حریم شهر سنندج می‌شود که امروزه به‌عنوان نواحی منفصل شهری شناخته می‌شوند و از حیث زیست‌غیررسمی خارج شده‌اند. این ناحیه‌ها شامل نایسر، حسن‌آباد، گریزه و ننه است که از سال ۱۳۸۹ به شهر سنندج الحاق گردیده‌اند. اما لایه سوم نیز در اطراف شهر با وجود اراضی بایر درون شهری در حال شکل‌گیری بوده و شامل روستاهایی است که جمعیت آنها در حال افزایش است؛ از جمله این روستاها می‌توان به آساوله، قار، دوشان، برازان، سرخه دزج، باباریز و قلیان اشاره کرد.



تصویر شماره ۳: روند توسعه زیست‌غیررسمی شهری در شهر سنندج - مأخذ: Ashouri et al, 2018: 225

جدول شماره ۲: تغییرات جمعیتی در سکونتگاه‌های خودانگیخته شهر سنندج

موقعیت	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵	نسبت به جمعیت شهرستان (۱۳۹۵)
سکونتگاه‌های خودانگیخته تثبیت شده داخل شهر	۲۰۳۵	۲۵۴۸۱	۱۱۱۷۵۰	۱۴۸۴۷۲	۱۹۷۵۵۷	۲۰۵۰۴۱	۲۲۰۵۱۹	۴۳٫۹
نواحی منفصل شهری	۱۷۳۵	۲۰۳۲۷	۲۶۳۱	۵۰۵۱	۲۵۶۴۱	۴۸۳۰۹	۶۵۳۰۵	۱۳٫۰۲
روستاها اطراف شهر	-	۲۶۵۶	۳۴۵۰	۵۲۲۸	۷۵۰۴	۱۲۹۰۵	۲۳۳۹۰	۴٫۷
مجموع	۳۷۷۰	۳۰۱۷۴	۱۱۷۸۳۱	۱۵۸۷۵۱	۲۳۰۷۰۲	۲۶۶۲۵۵	۳۰۹۲۱۴	۶۱٫۷

مأخذ: Irandoost & Tavalaei, 2013; Eghbali & Rahimi, 2011; General Census of Population and Housing, 2011-2016; Culture of settlements of Sanandaj city, 1976 to 2016

هزار هکتار رسیده است و بیش از ۶۰ درصد جمعیت شهر سنندج در چنین سکونتگاه‌هایی ساکن هستند. همچنین گسترش روستاهای اطراف شهر (به‌ویژه بخش شرقی شهر) به‌عنوان محدوده‌های جذب مهاجران تداوم پویایی چرخه زیست غیررسمی را نشان می‌دهد (تصویر شماره ۴). این تداوم در بخش شرقی شهر به‌عنوان بستر رشد آتی شهر می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد؛ چراکه افزون بر نواحی منفصل شهری ننه، نایسرو گریزه در این بخش روستاهای قار، آساوله، دوشان سرخه‌درج، برازان، باباریز و قلیان قرار گرفته است. آمارها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۵ بخش شرقی شهر (روستاها اطراف و نواحی منفصل شهری) دارای جمعیتی در حدود ۷۴ هزار نفر^۱ و ۶۹۸ هکتار مساحت است که نسبت به سال ۱۳۸۵ رشد جمعیتی ۴/۰۳ درصدی را تجربه کرده است (جدول شماره ۱). این مسئله بیانگر نقش تعیین‌کننده جهت‌دهی به توسعه آتی شهر سنندج بوده که بستری مناسب برای کاربست رویکرد IA است.

۵٫۲. پیشگیرانه و دگرگون‌کننده

۵٫۲٫۱. پذیرش سیاسی

در خصوص رویکرد IA، پذیرش زیست غیررسمی شهری به‌ویژه از نظر سیاسی، مدیریتی و اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است. برنامه‌ریزی شهری مرسوم یعنی برنامه‌ها و سیاست‌های پیش‌گرفته شده نشان داد که در عمل اغلب دهک‌های کم‌درآمد جامعه نادیده گرفته می‌شوند. بررسی دوره‌های زمانی مختلف نشان داده است که مسکن حمایتی هم راه‌حل مناسب نیست چون مسکن عمومی، مسکن اجتماعی و ... از تقاضا عقب می‌مانند و هیچ‌گاه مزایای غیررسمی را ارائه نمی‌دهند. در این راستا در شهر سنندج، آماده‌سازی زمین‌های قسمت‌های جنوبی شهر و طرح بزرگ‌مقیاس مسکن مهر برای بخش خاصی از مردم به‌خصوص اقشار با درآمد متوسط مناسب بود اما نتوانست از تداوم به حاشیه رانده شدن اقشار کم‌درآمد جلوگیری کند. چراکه همزمانی رشد رسمی بخش جنوبی شهر با گسترش سکونتگاه‌های روستایی اطراف شهر نشان از تضادی در نظر، عمل و انحراف طرح‌ها از گروه‌های هدف خود بوده است.

اما تلاش‌هایی نیز در قالب پروژه‌های بهبود وضعیت سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری صورت گرفته است. این مسئله تا حدودی در ایران و شهر سنندج از اواخر دهه ۸۰ و با توجه به تدوین سند توانمندسازی و بهسازی و توانمندسازی سکونتگاه‌ها و سپس در دهه ۹۰ با تأکید بر

در راستای ساماندهی سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری در سنندج از گذشته تاکنون طرح‌های مطالعاتی و اقدامات اجرایی مختلفی از جمله مطالعات بهسازی و توانمندسازی جمعیت در شهر سنندج (با همکاری بانک جهانی) در سال ۱۳۸۵ (Boom Negar Pars Consulting Engineers)، طرح توانمندسازی اسکان غیررسمی ناحیه منفصل شهری نایسرو در سال ۱۳۹۳ (Tadbir Shahr Consulting Engineers, 2013) و ایجاد نهادهای توسعه محلی در نواحی منفصل شهری نایسرو و ننه صورت گرفته است. از جمله اقدامات اجرایی این طرح‌ها می‌توان به احداث مدارس، بهسازی معابر و ایجاد زیرساخت‌های برق و فضاهای سبز و فرهنگی در کنار کارگاه‌های توانمندسازی اشاره کرد.

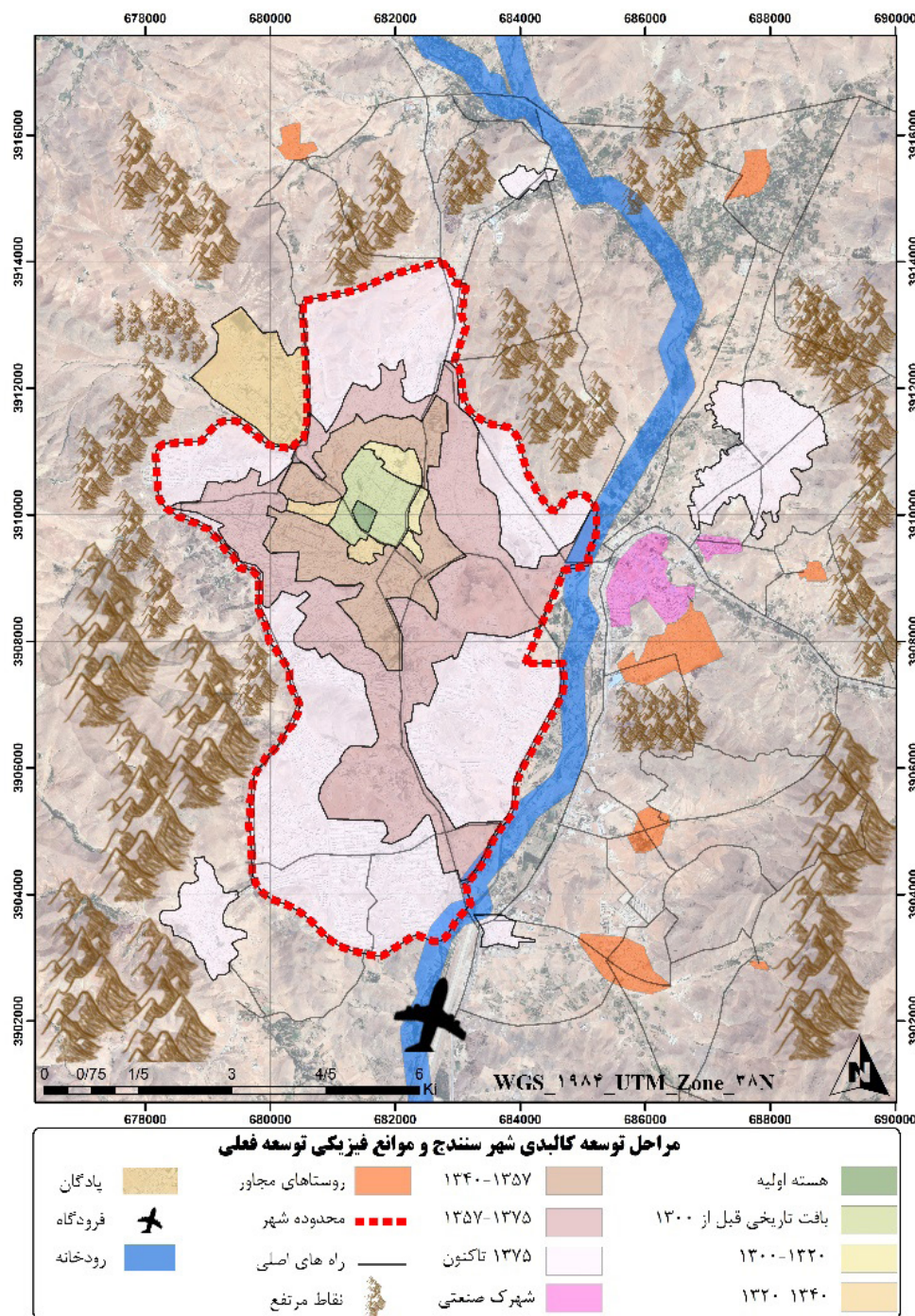
بی‌توجهی به پویایی زیست غیررسمی شهری و اقدامات عمدتاً کالبدی و ناکارآمد در سکونتگاه‌های خودساخته شهری در کنار نوسانات اقتصادی و افزایش قیمت زمین و مسکن، طرح‌های توسعه و قوانین غیر منعطف در یک ساختار متمرکزگرای غیر مشارکتی و نیز عدم آینده‌نگری موجب شده است که این روندهای آرام توسعه زیست غیررسمی در نواحی اطراف شهر همچنان تداوم داشته باشند که این مهم توجه به رویکردی آینده‌نگر و مبتنی بر پویایی زیست غیررسمی شهری و سکونتگاه‌های خودساخته شهری را دوجندان می‌کند تا بتوان در آینده آسیب‌های ایجاد شده در این سکونتگاه‌ها را به‌ویژه در زمینه زیرساختی به حداقل رساند.

۵. یافته‌ها

۵٫۱. امکان‌سنجی کاربست رویکرد IA در شهر سنندج

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در رویکرد جدید IA ویژگی‌های مورفولوژیکی سایت برای طراحی آینده‌نگر اهمیت دارد. شهر سنندج یکی از شهرهای با ویژگی خاص توپوگرافیک است که به دلیل وجود ارتفاعات در اطراف آن و نیز وجود تپه‌های مختلف در درون آن به‌نوعی در یک جام فضایی قرار گرفته است. در حال حاضر موانع طبیعی متعددی همچون ارتفاعات آبدر در غرب، ارتفاعات کوچک‌رشد در شمال شرق، تپه‌های داخل شهر و رودخانه قشلاق در قسمت شرق در کنار موانع غیرطبیعی همچون پادگان در قسمت شمال غربی و فرودگاه شهر در قسمت جنوب غربی، تنگناهایی را برای توسعه شهر به وجود آورده‌اند (Entezari Najaf Abadi & Yousefi, 2014). (تصویر شماره ۴) با این وجود از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۴ حدود ۲۷٫۳ کیلومترمربع (Negahban et al, 2019) بر نواحی سکونتگاهی افزوده شده که بیشترین میزان تغییر کاربری منطبق بر نواحی جنوبی و شرقی است. بررسی‌های صورت گرفته نیز نشان می‌دهد که مساحت سکونتگاه‌های خودساخته شهری در شهر سنندج از حدود ۱۱۳ هکتار در سال ۱۳۵۵ به بیش از

۱ آمارهای غیررسمی جمعیتی بیشتر از جمعیت اشاره شده را نشان می‌دهد اما مبنای داده‌های آماری در این پژوهش اطلاعات سرشماری‌های نفوس و مسکن و فرهنگ‌آبادی‌هاست.



تصویر شماره ۴: مراحل توسعه کالبدی شهر سنندج و موانع کالبدی توسعه شهر

سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری وجود دارد که علاوه بر ایجاد شکاف ذهنیتی موجب عدم سرمایه‌گذاری در این سکونتگاه‌ها شده است. واقعیت این است که عمدتاً مدیران، مؤسسات، دانشگاهیان، افراد حرفه‌ای و بخش‌هایی از جامعه که در سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری زندگی نمی‌کنند، درک درستی از جنبه‌های مبتکرانه و چاره‌ساز زیست غیررسمی ندارند. هرچند، تمامی بازیگران شهری احساس می‌کنند که زندگی‌شان تا حدی توسط این سکونتگاه‌ها تحت تأثیر قرار گرفته است. بنابراین نخستین گام در رهیافت IA به دست آوردن حمایت اجتماعی و سیاسی و متعاقباً مقتدر سازی افراد، اجتماعات و

بازآفرینی شهری در قالب تدوین سند بازآفرینی شهری و شکل‌گیری ستادهای بازآفرینی از مقیاس ملی تا شهرستان در کنار دفاتر تسهیل‌گری و نهادهای توسعه محلی با محوریت شرکت بازآفرینی شهری ایران در نظر گرفته شده است. اما دولت، سازمان‌های غیردولتی و نهادها اغلب این اقدامات را از روی اجبار و تنها به‌عنوان تسکینی موضعی پیش‌گرفته و با نوعی تعصب و جهت‌گیری بدون توجه به رویکردهای پیشگیرانه (عدم پذیرش ذهنی زیست غیررسمی)، به زیست غیررسمی پرداخته‌اند و بیشتر برنامه‌ها بر بهبود وضعیت متمرکز شده که مستلزم زمان و هزینه بسیار است. همچنین پیش‌دآوری‌ها و تعصباتی پیرامون

ر- مذاکره با بخش خصوصی یا ایجاد محدودیت‌های برنامه‌ریزی / طراحی و حقوقی بر نحوه توسعه و تطبیق زمین با پیشنهاد‌های منطقی رویکرد IA.

همچنین پس از تأمین زمین، توجه به اراضی ذخیره برای کاربری‌های عمومی، معابر، متوسط اندازه زمین (با توجه به تجربه سکونتگاه‌های خودانگیخته تثبیت شده که عمدتاً زیر ۱۰۰ متر مساحت دارند)، ساخت مسکن در استطاعت و استفاده از مصالح و ... نیز اهمیت دارد.

۵.۳ اجزای طراحی انعطاف‌پذیر رویکرد ۵.۳.۱. کریدورها و زمین‌های ذخیره

همان‌طور که اشاره شد، بخش شرقی شهر سنندج به دلیل وجود شرایط مناسب مورفولوژیکی و قرارگیری نواحی روستایی و اشتغال‌هایی در بخش صنعتی اطراف آن به‌عنوان نواحی جذب‌کننده در حال رشد است و بیشتر زمین روستاهای اطراف در چرخه‌های زایش غیررسمی، توسعه یافته است که می‌تواند در این صورت برای گونه‌ای از مسکن خودیار و در استطاعت به کار گرفته شود. شرایط در این بخش از شهر به‌گونه‌ای است که در طی زمان بخشی از جمعیت شهر را در خود جا داده و در آینده نیز بستری برای رشد خودانگیخته سکونتگاه‌ها خواهد بود. از این رو با شناسایی محورهای اصلی و برخی از محورهای فرعی بر اساس شرایط توپوگرافی بخش شرقی شهر و ارتباط به هم پیوسته آنها کریدورهای پیشنهادی برای رشد آتی بخش شرقی شهر ترسیم شده است (تصویر شماره ۵). این ارتباط علاوه بر ایجاد حس یکپارچگی بخش رسمی و غیررسمی باعث از بین بردن دیدگاه شهروند درجه ۲ نسبت به ساکنان این مناطق خواهد شد. افزون بر این در این بخش از شهر اراضی با ارزش برای حفاظت در نظر گرفته شده است که مساحتی در حدود هزار و ۴۵۱ هکتار دارد و به‌عنوان مناطق ممنوعه توسعه آتی در نظر گرفته می‌شود. طی بررسی صورت گرفته در حدود چهار هزار و ۵۹۸ هکتار از زمین‌های نیمه شرقی شهر سنندج را می‌توان به‌عنوان زمین‌های ذخیره (گیرنده‌ها) در راستای توسعه آتی در نظر گرفت. در این بخش از اراضی قسمتی‌هایی به‌عنوان ترنسفورمرها در نظر گرفته می‌شوند. این ترنسفورمرها اغلب دارای عملکردهای موقتی هستند که برای حفاظت از تصرف اراضی در نظر گرفته شده‌اند و در آینده

جوامع است. این به آن معنی است که باید نسبت به بخش غیررسمی بدون تعصب بود و شرایط و منابع مدیریت شده‌ای را برای پیشبرد ابتکار عمل IA ایجاد کرد.

۵.۲.۲. ارائه زمین و آموزش کارکنان

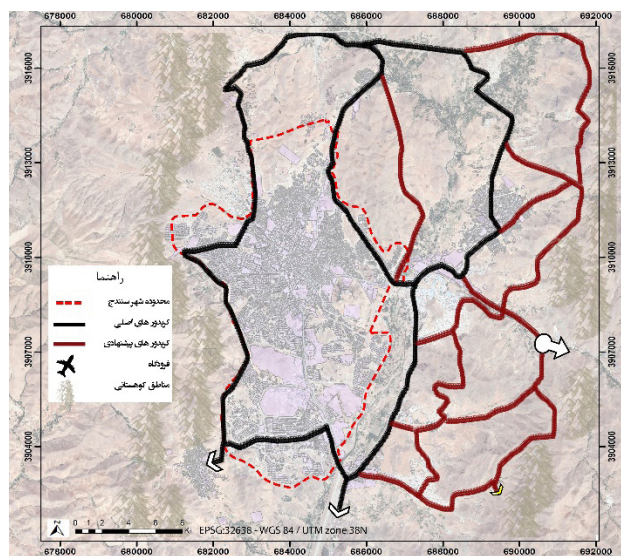
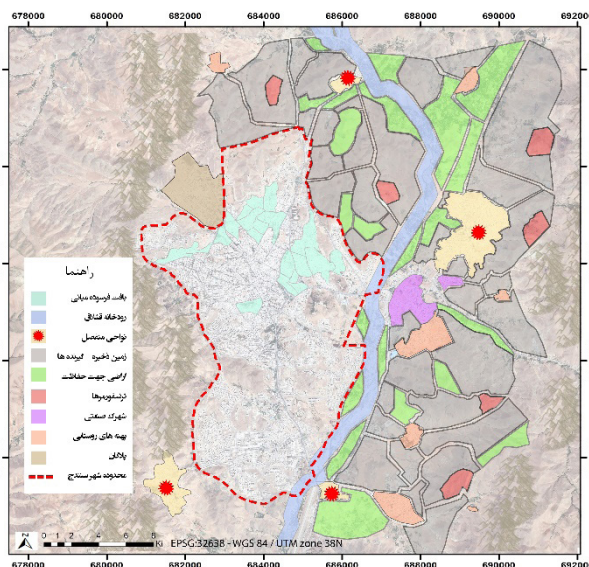
تأمین زمین در رویکرد IA یکی از اجزای مهم و بازوهای اجرایی این رویکرد است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، تأمین زمین مناسب، مستلزم پرسنل آموزش دیده با دانش رویکرد IA، تصویب قوانین و دستورالعمل‌های لازم و ایجاد نهادهای مورد نیاز است. این پرسنل به استقلال اداری علاوه بر حمایت قانونی و مالی نیاز دارند که به آنها اجازه می‌دهد، زمین را با قیمت اولیه پیش از توسعه خریداری کرده و برنامه را پیش ببرند اما متأسفانه در ایران و بالطبع شهر سنندج کارکنان شهرداری‌ها و ادارات دولتی اغلب دارای تخصص لازم نبوده و افزون بر آن صرفاً درگیر بروکراسی‌های اداری متداول شده‌اند. همچنین بورس بازی زمین و مستغلات با محوریت گروه‌های سرمایه‌دار و دلالتان زمین مسئله مهمی در رشد شهری است. از این رو با توجه به سیستم بخشی‌نگر در روابط اداری، وجود سازمانی مستقل برای مدیریت زمین و پیشگیری از بورس بازی‌های زمین متداول با نظارت بالا در راستای اعمال این رویکرد امری اساسی است. بدون سرمایه‌گذاری دولت بر روی زمین، رشد سکونتگاه‌های خودانگیخته در مکان‌های نامناسب ادامه خواهد یافت. در واقع سرمایه‌گذاری یا تهیه زمین رمز اجرای موفق رویکرد IA است که در این ستادهای ملی بازآفرینی و شهرستانی پتانسیل بالایی برای مدیریت این امر را دارند. به‌طور کلی بخش دولتی برای شروع فرآیند می‌تواند فراهم کردن زمین برای اجرای رویکرد IA را به یکی از روش‌های زیر تسهیل کند:

الف- استفاده از اراضی دولتی مشخص،

ب- تملک دوستانه (توافقی) از مالکان خصوصی،

ج- انتقال زمین دولتی که در حال حاضر به کاربری‌های دیگری مانند پادگان نظامی یا عرصه‌هایی که دیگر مورد نیاز نیستند، اختصاص یافته است. در این خصوص پادگان قسمت شمال غربی شهر سنندج نیز می‌تواند جابه‌جا گردد.

د- مشارکت دولتی - خصوصی و



تصویر شماره ۵: کریدورها، اراضی ذخیره و اراضی ارزشمند (برای حفاظت) توسعه آتی

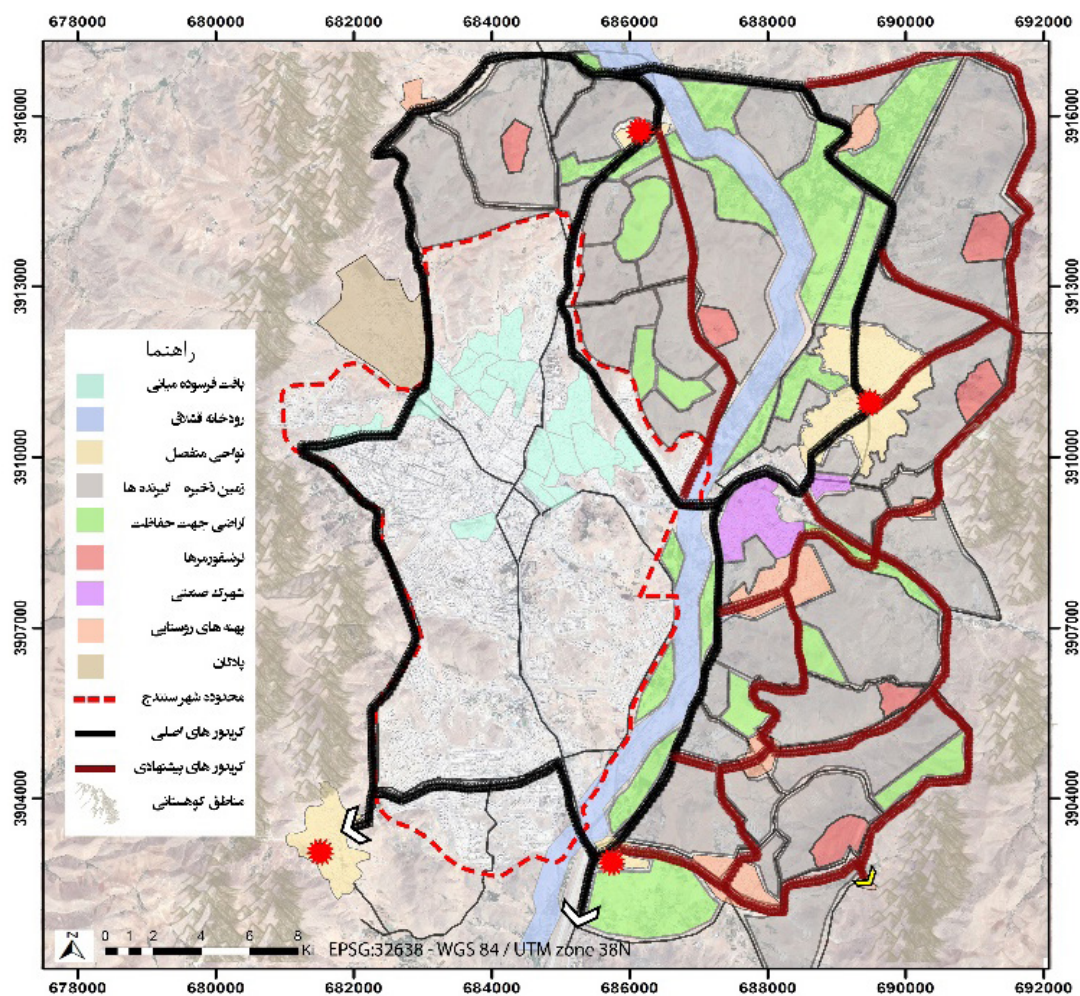
در این راستا توجه به سازوکار اداری و اجرایی مستقل برای رویکرد IA اهمیت دارد. البته این مسئله نباید موجب اضافه شدن یک ساختار دیگر بر روند بوروکراتیک شود، بلکه بایستی موجب تسهیل امور، مشاوره به ساکنان و هدایت روند آتی توسعه با مشارکت اجتماع محلی شود. در این خصوص نقش معتمدان محلی، تسهیل‌کنندگان و آموزش ذی‌نفعان در خصوص رایزنی برای حفاظت از توسعه در اراضی ذخیره و ترنسفورمرها، تشویق و مشاوره به ساکنان (جلب اعتماد ساکنان) و توجه به اجزا و ابزارهای سه‌گانه طراحی یعنی کریدور، زمین‌های ذخیره و متولیان -مباشران محوری است.

به‌طورکلی با توجه به مباحث مطرح‌شده، با توجه به تداوم و پویایی روند گسترش سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری در اطراف شهر سنندج به‌ویژه قسمت‌های نیمه شرقی، توجه به نگرشی آینده‌نگرانه همچون IA ضروری است؛ زیرا تجربه‌های گذشته به‌ویژه در خصوص بی‌توجهی به رشد سکونتگاه‌هایی همچون نایسر، نله، گریزه و حسن آباد موجب مشکلات زیادی به‌ویژه از نظر دسترسی‌ها، فضاهای عمومی و تأمین زیرساخت شد و نهایتاً مدیریت شهری نیز مجبور به الحاق آنها به شهر تحت نواحی منفصل شهری شد. این در حالی است که اگر رویکرد آینده‌نگرانه‌ای در خصوص توسعه آتی سکونتگاه‌ها در نظر گرفته می‌شد، نه‌تنها بسیاری از مسائل ایجاد نشده بود بلکه وقت و هزینه کمتری نیز برای بهبود وضعیت صرف می‌شد.

برای جبران کاستی‌های خدمات عمومی با تغییر عملکرد به کار گرفته می‌شوند (به‌طور مثال می‌توان یک مرکز بازیافت در این اراضی احداث کرد که در آینده امکان تغییر آن به کاربری‌های عمومی وجود داشته باشد). در این راستا در بخش شرقی شهر چندین پهنه با مساحت ۲۳۰ هکتار در نظر گرفته شده است که توسط متولیان و عملکردهای آنها حفاظت می‌شوند. در تصویر زیر کریدورهای پیشنهادی (با توجه به ویژگی‌های توپوگرافیک و موانع توسعه شهر سنندج و نواحی پیرامونی آن) و زمین‌های ذخیره برای توسعه آتی مسکونی و سایر کاربری‌های عمومی در کنار اراضی ارزشمند نشان داده شده است.

۵.۳.۲. متولیان و مباشران

موضوع دیگر این است که اتخاذ ابتکارات IA باید تأثیر عمیقی بر مطالعات علمی شهرنشینی و شیوه‌های حرفه‌ای داشته باشد و می‌تواند به اصلاحات قانونی و نهادی منجر شود. همچنین در راستای ادغام راه‌حل‌های رسمی و غیررسمی، رویکرد IA متکی به معرفی راهبردهای طراحی سودمند و آشکال شفاف و کارآمد مدیریت است. این مدیریت باید بر اساس همکاری مدیران، افراد حرفه‌ای مستعد و پیشگامان متعهد اجتماع محلی باشد. حمایت سیاسی به‌ویژه در به جریان انداختن برنامه‌ها نیز اهمیت دارد. این حمایت باید در تسهیل روندها، تأمین بودجه و حصول اطمینان از تداوم برنامه صورت گیرد.



تصویر شماره ۶: رویکرد IA در شهر سنندج

۶. بحث و نتیجه‌گیری

از گذشته تاکنون در ایران متأثر از سیاست‌های بین‌المللی، رویکردهای مختلفی در مواجهه با سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری در نظر گرفته شده است. اما این رویکردها نتوانسته موجب متوقف شدن روند گسترش این سکونتگاه‌ها شود. به طوری که امروزه در حدود ۱۲ میلیون نفر از جمعیت شهری کشور در سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری ساکن هستند. همچنین تمامی رویکردهای پیشین عمدتاً نسبت به موضوع مهم توسعه آینده‌نگرانه رشد این سکونتگاه‌ها و ترکیب مؤلفه‌های طراحی، مورفولوژیکی و مدیریتی بی‌توجه بوده‌اند.

در راستای این خلأ پژوهشی، می‌توان رویکرد نوینی را با عنوان اینفرمال آرچر (IA) معرفی نمود که به وسیله شخصی به نام دیوید گاورنر مطرح شده است. در رویکردهای پیشین برای مقابله با زیست غیررسمی شهری، مسائل مدیریتی، محیط‌زیستی، مورفولوژی، طراحی و آینده‌نگری کمتر مورد توجه قرار گرفته و نگرشی جزئی یا کلی به مسئله داشته‌اند. اما گاورنر روشی جدید را ارائه می‌دهد و به منظور پیشبرد این استراتژی، اصولی را دنبال نموده و از موادی استفاده می‌نماید که خود نام آن را «مجموعه ابزار» نهاده و بر انعطاف‌پذیری و کاربرد در زمینه‌های مختلف اشاره دارد. پذیرش سیاسی زیست غیررسمی شهری به‌عنوان یکی از روندهای اصلی شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه، توجه به رویکردهای مشارکتی پیشین، نگاه آینده‌نگرانه به توسعه‌آتی سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری و توجه به ویژگی‌های خاص هر منطقه از نظر فرهنگی و مورفولوژی، همچنین در نظر گرفتن اجزای طراحی سایت همچون کریدورها، زمین‌های ذخیره و متولیان، تأمین زمین مناسب در کنار ملاحظات قانونی، مالی و اداری از جمله ویژگی‌های رویکرد IA است. در این راستا در این پژوهش کاربست رویکرد یادشده در شهر سندانج مورد ارزیابی قرار گرفت.

شهر سندانج به دلیل مرکزیت سیاسی استان کردستان همواره از جمله نقاط جذاب برای مهاجران بوده است. اما ناکارآمدی برنامه‌ریزی و سیاست‌های بخش رسمی در کنار بی‌توجهی به اقشار کم‌درآمد در طول دهه‌های گذشته موجب رشد سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری در قالب سه لایه فضایی سکونتگاه‌های تثبیت‌شده داخل شهر، نواحی منفصل شهری و روستاهای اطراف شهر شده است؛ به طوری که در حال حاضر بیش از ۲۳ درصد مساحت و ۶۰ درصد جمعیت شهر را سکونتگاه‌های خودساخته شهری تشکیل می‌دهند. همچنین ویژگی‌های خاص مورفولوژیکی و محدودیت‌های توسعه نواحی غربی شهر، موجب ایجاد چرخه‌های بازتولید زیست غیررسمی شهری در قسمت‌های شرقی شهر شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که به دلیل تداوم پویایی زیست غیررسمی شهری در شهر سندانج از گذشته تاکنون در قالب سه لایه فضایی، توجه به دیدگاهی آینده‌نگرانه در خصوص بازتولید زیست غیررسمی شهری در قالب رویکرد IA مورد نیاز است و چنین رویکردی می‌تواند از طریق مدیریت دوسویه دولتی - مردمی و با در نظر گرفتن استطاعت‌پذیری ساکنان و ابزارهای طراحی همچون اتصال کریدورهای اطراف شهر به یکدیگر، تأمین زمین‌های ذخیره و حفاظت از زمین‌های ارزشمند مانع

۱ همان‌طور که افرادی همچون آنانیا روی نیز اشاره می‌کنند، علت را بایستی در ساختار اقتصاد سیاسی و بسترهای غیررسمیت ساز دولتی جست و جو کرد.

از ایجاد مشکلات اساسی به‌ویژه از نظر زیرساخت در سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری آینده‌شود. رویکرد IA در حقیقت با نگاهی پیش‌بینانه و پیش‌نگرانه در پی سامانمند کردن رشد غیررسمی پیرامون شهرهای دارای پتانسیل گسترش غیررسمی است. همچنین این رویکرد با توجه به پوشش وسیع زیست غیررسمی شهری در ایران می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویکردهای آینده‌نگرانه و مشارکتی (بالا به پایین و پایین به بالا) بسیار راهگشا باشد.

References:

- Abrams, Ch (1964), Man's Struggle for Shelter: In an Urbanizing World, Mit Press
- Alavi, A. (2012). Unstable margins, a challenge facing a sustainable city. Haftshahr, 3(41,42), 72-80. [in persian]
- Allam, Z. (2020). The Forceful Reevaluation of Cash-Based Transactions by COVID-19 and Its Opportunities to Transition to Cashless Systems in Digital Urban Networks. In Z. Allam (Ed.), Surveying the Covid-19 Pandemic and its Implications. pp107- .117
- Arefi, M. (2018). Learning from Informal Settlements in Iran: Models, Policies, Processes, and Outcomes. Springer.
- Ashouri, K., Irandoost, K., Doostvandi, M. (2019). Critical Discourse Analysis of Spontaneous Urban Settlements in the World and Iran. Quarterly Journals of Urban and Regional Development Planning, 4(10), 73-113. [in persian]
- Ashouri, K., Irandoost, K., Khaleghpanah, K. (2018). Conflict in the Unofficial Production of Space in Sanandaj City. Geography and Urban Space Development, 5(1), 211-242. [in persian]
- Bayat, A. (2002). Street Politics: The Poor Movement in Iran, translated: Seyed Assadollah Nabavi Chashmi. Shirazeh Publishing. [in persian]
- Blank, R (2010). Selecting among anti-poverty measures, can an economist be both critical and caring, Review of social Economy, No 61. 447-469.
- Bolay, Jean-Claude (2006), Slums and Urban Development: Questions on Society and Globalisation, the European Journal of Development Research, 18(2), 284-298.
- Boom Negar Pars Consulting Engineers (2004), Urban Upgrading and empowering the population in Sanandaj. [in persian]
- Corburn, J., Vlahov, D., Mberu, B., Riley, L., Caiaffa, W. T., Rashid, S. F., Ko, A., Patel, S., Jukur, S., &

- Martínez-Herrera, E. (2020). Slum health: arresting COVID-19 and improving well-being in urban informal settlements. *Journal of Urban Health*, 1-10.
- Davis, E Philip & Sanchez-Martinez, Miguel (2014). A review of the economic theories of poverty, National Institute of economic and social research, UK.
 - Dovey, K., van Oostrum, M., Chatterjee, I., & Shafique, T. (2020). Towards a morphogenesis of informal settlements. *Habitat International*, 104, 102240.
 - Eghbali, N., Rahimi, M. (2011). Sanandaj urban structure in the occupation of informal settlements. *Journal of New Attitudes in Human Geography*, 2(4), 1-16. [in persian]
 - El Ghmari, S., & Zabadi, A. (2021). Urban Informality: Its Genesis and Future beyond Stigma and Abolition. *African and Mediterranean Journal of Architecture and Urbanism*, 3(1).
 - Entezari Najaf Abadi, M., Yousefi, F. (2014). Evaluation of geo-morphological effect on urban development in sanandaj city. *Spatial Planning*, 3(4), 77-94. [in persian]
 - García-Villalba, O. C. (Ed.). (2020). *Resilient Urban Regeneration in Informal Settlements in the Tropics: Upgrading Strategies in Asia and Latin America*. Springer Nature.
 - Gattoni, George (2009). A Case for the Incremental Housing Process in Sites-and-Services Programs and Comments on a New Initiative in Guyana, Inter-American Development Bank.
 - Gil, D., Domínguez, P., Undurraga, E. A., & Valenzuela, E. (2021). The Socioeconomic Impact of COVID-19 in Urban Informal Settlements. medRxiv, <https://doi.org/10.1101/2021.01.16.21249935>.
 - Gouverneur, D (2020), Capacity Building and Education in Latin America. Contributions and Limitations of the Venezuelan and Colombian Experiences, Lessons Looking into the Future. In García-Villalba, O. C. (Ed.). (2020). *Resilient Urban Regeneration in Informal Settlements in the Tropics: Upgrading Strategies in Asia and Latin America*. Springer Nature.
 - Gouverneur, D. (2015). *Planning and design for future informal settlements: shaping the self-constructed city*. Routledge.
 - Urban Regeneration Corporation of Iran (2020), Report of the Secretariat of the National Sustainable Urban Regeneration Headquarters, December. [in persian]
 - Irandoost, K. (2010). *Informal Settlements and the Myth of Marginalization*, Publisher: Urban Planning and Processing Company (affiliated to Tehran Municipality). [in persian]
 - Irandoost, K. (2010). Review of short experience of empowerment of informal settlements (Kermanshah sample). *Geography and Development Iranian Journal*, 8(20), 59-78. [in persian]
 - Irandoost, K., Sarafi, M. (2007), Despair and hope in informal settlements, a case study of Kermanshah, *Journal of Social Welfare*. 7(26), 201-222. [in persian]
 - Irandoost, K., Tavalai, R (2013). Pattern of Housing the Poor in Informal Dwelling-Places (Case study: Abbas Abad, Sanandaj). *City Development Research Journal*, 10(20). [in persian]
 - Khaleghi, A. (2019). A mixed research method in the area of pragmatism; A method for geographical research. *Geography and Human Relationships*, 2(2), 104-130. [in persian]
 - Lomasky, L., & Swan, K. (2009). Wealth and poverty in the liberal tradition. *The Independent Review*, 13(4), 493-510.
 - Marcuse, P. (1995). Interpreting "public housing" history. *Journal of Architectural and Planning Research*, Vol. 12, No. 3. pp. 240-258.
 - Marx, Benjamin, Stoker, Thomas & Suri, Tavneet (2013), "The Economics of Slums in the Developing World", *Journal of Economic Perspectives*, 27(4), 187-210.
 - Matovu, G. (2000). Upgrading urban low-income settlements in Africa: constraints, potentials and policy options. *Regional Roundtable on Upgrading Low-Income Settlements*, 3-5.
 - McDonald, John F (2011). *Public Housing Construction and the Cities: 1937-1967*, *Urban Studies Research*, Volume 2011, Article ID 985264, 12 pages.
 - Mobaraki, O., Akbari, S. (2015), A Study of Factors Affecting the Formation of Marginalization in Urmia city. *Population*, 21(90), 37-52. [in persian]
 - Mohammadpour, A. (2020), *Fararosh: Philosophical and Practical Foundations of Combined Research Methods in Social and Behavioral Sciences*, Qom: Logos. [in persian]
 - Mukhija, Vinit (2001). Enabling Slum Redevelopment in Mumbai: Policy Paradox in Practice, *Housing Studies* (2001), 18(4): 213-222.

- Negahban, S., Ganjaeiyan, H., Feraydooni Kordestani, M., Cheshmeh sefidi, Z. (2019). Assessing the physical development of cities and extending to geomorphological prohibited areas Using LCM (Case Study: Sanandaj City). *Journal of Natural Environmental Hazards*, 8(20), 39-52. [in persian].
- Okyere, A. S., & Kita, M. (2015). Rethinking urban informality and informal settlements growth in urban Africa: A literature discussion. *Journal of Sustainable Development in Africa*, 17(2), 101-124.
- Pourahmad, A., Pourahmad, A., Rahnamaee, M., Rahnamaee, M., Gharakhlou, M., Eskandari nodeh, M. (2010). Pathology of the government policies on organizing of informal settlement in Iran Case study: Khaje ata, Nayband and Shire sevom district in Bandarabbas city. *Journal of Urban - Regional Studies and Research*, 2(5), 29-54. [in persian]
- Pourahmad, A., Yadgar, A., Habibi, K. (2003), Investigating the trend and pattern of urban development in Sanandaj using GIS and RS. *Honar-Ha-Ye-Ziba*, 16(16). [in persian]
- Quercia, Roberto G & Glaster, George C (1997). The Challenges Facing Public Housing Authorities in a Brave New World, *Housing Policy Debate*, Vol 8, Issue 3.
- Roy, Debraj, Lees, Michael Harold, Palavalli, Bharath, Pfeffer, Karin & Sloot, M.A. Peter (2014), "The emergence of slums: A contemporary view on simulation models", *Environmental Modelling and Software*, Volume 59, 76-90.
- Sarrafi, M. (2021), The Failure of Formal Planning in Empowering Communities in Iran's Poor Urban Settlements (Towards a Radical Approach), A Series of Virtual Urban Reconstruction Meetings in Inefficient Tissues, Birjand University. [in persian]
- Servati, M., Khezri, S., Rahmani, T. (2010). Natural Restrictions Evaluation of the Physical Development of Sanandaj City. *Physical Geography Research Quarterly*, 41(67). [in persian]
- Sietchiping, R. (2005, April). Prospective slum policies: conceptualization and implementation of a proposed informal settlement growth model. In *Third Urban Research Symposium*. "Land, Urban and Poverty Reduction (pp. 4-6).
- Söderström. M (2015). Mapping in/e/qualitites: Explorations of (in)formality along waterscapes of Buenos Aires. *Swedish University of Agricultural Sciences*. Alnarp
- Sori, Negera Dinsa (2012), Identifying and Classifying Slum Development Stages from Spatial Data, Master's Thesis, University of Twente, Faculty of Geo-Information and Earth Observation, Enschede, The Netherlands, 2012.
- Steiner, F., Weller, R., M'Closkey, K., and Fleming, B (2019). *Projects: Five Themes*, Lincoln Institute of Land Policy.
- Tadbir Shahr Consulting Engineers (2013), Empowerment of informal sttelment in the unconnected urban area of Naysar. [in persian]
- Turner, J.F.C (1977), *Housing by People: Towards Autonomy in Building Environments*, Pantheon Books
- Turok, I., & Borel-Saladin, J. (2018). The theory and reality of urban slums: Pathways-out-of-poverty or cul-de-sacs?. *Urban Studies*, 55(4), 767-789.
- UN-Habitat (2020), *World Cities Report 2020: The Value of Sustainable Urbanization*, United Nations Human Settlements Programme (UN-Habitat)

نحوه ارجاع به مقاله:

ایراندوست، کیومرث؛ دوستوندی، میلاد؛ آشوری، کسری؛ قانع زاده، سید محمد؛ (۱۴۰۱) کاربرد رویکرد آینده‌نگرانه (اینفرمال آرچر) در ساماندهی فضایی سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری (ارزیابی در شرایط شهر سنندج)، *مطالعات شهری*، ۱۱ (۴۴)، ۱۶-۳۰. doi: 10.34785/3-16.44. J011.2022.391/Jms.2022.130

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



ارزیابی بازنمایی فضاهای شهری در آثار منتخب سینمای ایران با تمرکز بر فضاهای عمومی شهر تهران

سیده سارا صالحی - کارشناس ارشد طراحی شهری، گروه طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
 حسن سجاذزاده^۱ - دانشیار، گروه طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
 محمد سعید ایزدی - استادیار، گروه طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
 کسری کتاب‌اللهی - دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، آذربایجان شرقی، ایران

تاریخ دریافت: ۸ فروردین ۱۴۰۰ تاریخ پذیرش: ۳۰ آبان ۱۴۰۰

چکیده

سینما بستری بدیع برای بازخوانی رابطه کالبد و روان شهر معاصر است. ارتباط مستمر شهر و سینما بر اهمیت تأثیرگذاری و تأثیرپذیری توأمان بر شهرسازی و معماری افزوده است. با فرض کم‌توجهی به فضاهای شهری موفق، انسان‌مدار و مکان‌مند در سینمای ایران و از طرفی اهمیت نقش کارگردان در بهره‌گیری از معیارهای صحیح بازنمایی فضاهای شهری انسان‌مدار، این پژوهش اهداف ۱- بررسی ابعاد مختلف آثار منتخب سینمای داستانی ایران پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، ۲- استخراج معیارهای خلق فضای شهری در آثار سینمای داستانی و ۳- پیشنهاد بازنمایی تصویر فضای انسان‌مدارتر شهری در سینمای ایران را دنبال می‌کند. چارچوب نظری پژوهش براساس روش اسنادی گردآوری شده و معیارهای نهایی مورد استفاده در تحلیل فیلم به ترتیب پنج مورد شامل دیدگاه فیلم‌ساز، کیفیت‌های پرداخت شده فضای شهری در فیلم، تنوع در استفاده از فضاهای شهر، نحوه پرداخت مکان، انواع فضاهای شهری و نوع پرسوناژ است. در انتخاب فیلم‌ها از روش دلفی، مصاحبه با اصحاب سینما و اساتید دانشگاه کمک گرفته شد و براین اساس ۵۳ فیلم داخلی منتخب در سینمای داستانی پس از انقلاب اسلامی، گزینش شد. در تحلیل فیلم‌ها از دو روش تحلیل محتوا براساس موضوع و فاعل بازنمایی و روش تحلیل محتوای ساختگرایانه براساس نشانه‌شناسی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سینمای ایران به فضای شهری اجازه حضور نداده است. بنابراین لازم است، حرکت از سینما به شهر آغاز شود تا هم سینما با مردم ارتباط بیشتری برقرار کند و هم به شهر و فضاهای شهری در درک بهتر توسط شهروندان کمک شود. براین اساس پیشنهاداتی برای خلق سکانس‌های انسانی‌تر و بازنمایی بهتر از شهر در سینمای ایران ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی: سینما، شهر، طراحی شهری، فضای شهری، تحلیل محتوا، تهران.

نکات برجسته

- توجه به رابطه شهر و سینما و ارزیابی سکانس‌های سینمایی
- توجه به لوکیشن فیلم‌ها و لزوم بهره‌مندی از تنوع فضاهای شهری در ایران
- خیابان‌های کلانشهر در فیلم‌های ایرانی، مکانی هستند برای عبور، و نه حضور

۱. مقدمه

پیوند میان شهر و سینما پیوندی دوسویه و مستحکم با قدمتی بیش از یک سده است. سینما از نخستین روزهای پیدایش خود - اواخر قرن نوزدهم - تاکنون همواره خود را در نسبت با شهر و فضاهای شهری تعریف کرده است (Dimendberg, 2012:16). فیلم‌ها در هر دوره و با هر ژانری، هیچ‌گاه نسبت به مکان‌ها، فضاها، فعالیت‌ها و رفتارهای شهری بی‌اعتنا نبوده و همواره تصاویر و نشانگانی از آنها را در پیش زمینه و گاه در پس زمینه خود گنجانیده‌اند. آنچه سینما را به هنری اعجاز‌انگیز تبدیل می‌کند، پیوند و ارتباط اجزا در چارچوب و ساختاری معنایی است. فیلمسازان با برخورداری از معماری، به خصوص از طریق نشانه‌شناسی و معنا بر شخصیت‌پردازی، ایجاد هویت، حس زمان و مکان، ایجاد فضای مناسب و منظم برای لوکیشن خاص و عبور از لایه‌های تاریخی و ایجاد حسی روانی و هویت در فضای فیلم تأثیرگذارند. تا پیش از اختراع سینما، جلوه‌هایی ساکن و ایستا از شهر و زندگی در نقاشی‌های رئالیستی و امپرسیونیستی قرون هجده و نوزده میلادی دیده می‌شدند. با اختراع عکاسی، شهر، فضا و زندگی شهری موضوع عکس‌های دهه‌های آخر قرن نوزدهم میلادی می‌شوند، ولی این سینماست که با ارائه تصاویر متحرک، امکان ثبت و ضبط نه فقط سوپیه‌های فرار، گریزها و نادیدنی زندگی مدرن شهری را به معنای دقیق کلمه فراهم می‌آورد، بلکه کالبد و فضای شهری نوپرداز را نیز به نمایش می‌گذارد و معماری شهری بی‌آن که خود طلب کند، موضوع صحنه آرای فیلم‌ها می‌شود. برخی از سینماگران با گرایش به فنون نوین تدوین (مونتاژ) و برخی با شیوه‌های صحنه‌پردازی (میزانسن) و دوربین متحرک و نمای بلند، بازخوانی را انجام داده‌اند. چنانچه تماشاگر، فضاهای شهری را با عملکردهای گوناگون و واجد کیفیات مناسب فضایی در فیلم درک کند، در مواجهه با فضای واقعی این ادراک تداعی شده و در طولانی مدت سبب بازخوردهای متفاوت نسبت به فضاهای واقعی می‌گردد (Rezazade & Farahmandian, 2010).

فیلم بیننده را با خود به درون لایه‌های تودرتوی مکان می‌کشاند و چهره‌ها و نیم‌رخ‌هایی بس متفاوت از کالبد معماری بنا و معماری شهر به او نشان می‌دهد. کالبد معماری و تن شهر با نشانه‌ها و نشانی‌های مشخص، جزئی جدایی‌ناپذیر از داستان فیلم می‌شود. توجه به رابطه شهر و سینما، توجه به ارتباط میان مهم‌ترین شکل فرهنگی (سینما) و مهمترین شکل سازمان اجتماعی (شهر) است. «سینما» دالی (دیداری کوتاه مدت) است که همه زندگی ما را پر کرده است. انسان روزگار ما بسیار در حضور سینما زندگی می‌کند. باید سینما را بشناسیم؛ آن هم در گلیتش و نه در فردیتش. در انضمامیتی که با کل زندگی دارد. امروز بنا به تحولاتی که در جامعه شهری ایران اتفاق افتاده است، رفته رفته تمناى شناخت شهر در حال پدید آمدن است (Ghasemkhani, 2016:22).

با وجود میل روزافزون جهانی به استفاده از تصویر سینمایی شهر برای دستیابی به لایه‌های اطلاعاتی گوناگون، سینمای ایران هنوز از ارائه تصویری صحیح از شهر بازمانده و فضاهای شهری به عنوان قلب تپنده هر شهر هنوز به معنای عام آن در سینمای ایران مورد استفاده قرار نمی‌گیرند.

در حالی که شهرهای بزرگ و مهمی چون پاریس، لندن، نیویورک، برلین و ... همواره در رابطه‌ای دو سویه با سینما قرار دارند و همواره فضاهای

شهری، شهر و مسائل مختلفشان در معرض بازنمایی سینمایی به مثابه امری روزمره، انتقادی و یا ستایشگرانه قرار دارد، تأمل در باب چنین موضوعاتی در ایران هنوز از بدعت برخوردار است. خصوصاً تأمل انتقادی در باب تهران به مثابه لوکیشن اصلی سینمای ایران چندان مورد توجه نبوده است. بازنمایی شهر، فضای شهری و کلیت پیچیده و متناقض آن به مدد سینما یکی از راه‌های فهم فضای شهری است. براین اساس اهداف اصلی این پژوهش ۱- بررسی ویژگی‌های دوره‌های مختلف سینمای ایران از آغاز شکل‌گیری تا سال ۱۳۹۹، ۲- بررسی ابعاد مختلف آثار منتخب سینمای داستانی ایران پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، ۳- استخراج معیارهای خلق فضای شهری در آثار سینمای داستانی و ۴- پیشنهاد بازنمایی تصویر فضای انسان‌مدارتر شهری در سینمای ایران است؛ چرا که فرض بر این است که سینماگر ایرانی با بهره‌گیری از معیارهای صحیح نمایش فضاهای شهری در سینما می‌تواند به دیالکتیکی از بازنمایی جنبه‌های توأمان مثبت و منفی فضاهای موجود شهرهای کشور دست یافته، بیننده‌ای آگاه و مطالبه‌گر را پروراند و همچنین سبب ایجاد کنش فعال در طراحان محیطی برای خلق فضاهای انسانی‌تر گردد.

۲. چارچوب نظری

امروزه هنرهای سینمایی، شهر و طراحی شهری به سه طریق با یکدیگر پیوند می‌یابند. نخست، تأثیر تصویر شهر در سینما بر ایده طراحی معماران و طراحان شهری، دوم، استفاده طراحان شهری از برخی از تکنیک‌های ساخت فیلم در فرایندهای طراحی و آموزش طراحی شهری و سوم، بازنمایی شهرها در سینما به عنوان رسانه‌ای روشننگر و تفسیری در فهم شهرها و جوامع شهری و فرایندهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در شهرها. فهم (امروزین) ما از شهرهای آمریکایی و اروپایی، بدون توجه به تصویر این شهرها در هنرهای سینمایی، چیزی کم دارد (Fitzmaurice & Shiel, 2001). پیشینه استفاده از فیلم‌ها برای فهم پدیده‌های شهری به اواخر قرن نوزدهم برمی‌گردد؛ گرچه از آنجا که تصاویر شهری در این نخستین فیلم‌ها عمدتاً، متوجه یادمان‌ها، خیابان‌های مشهور، بلوارها و مناظر عامه‌پسند بودند، تحلیل‌های صورت گرفته در آنها نیز اغلب برخی از تناقضات حاد اقتصادی و اجتماعی شهر قرن نوزدهم را در بر نمی‌گرفتند (Hake, 1994). اما با همه اینها، متفکرانی همچون زیمل، اسوالد، بن و بنیامین در تحلیل‌های خود بر اهمیت فیلم (و عکاسی) به عنوان بازنمودی بصری و تکنولوژی بازآفرینی تأکید می‌کردند؛ رسانه‌ای که قادر به تبیین پدیده‌های اجتماعی - فضایی و توضیح فرایندهای تولید فضا بود (Bottomore, 1999).

استفاده از فیلم به عنوان متداول‌ترین ابزار تفسیری در مطالعه شهرها، بیرون از حوزه طراحی شهری پرو و بال گرفته است. در واقع این نظریه‌پردازان فرهنگی، انسان‌شناسان شهری، جغرافی‌دانان فرهنگی و انسانی، جامعه‌شناس‌ها، متفکران انتقادی و البته، نظریه‌پردازان سینمایی بوده‌اند که ادبیات نظری در این زمینه را تهیه و تولید کرده‌اند (Kracauer, 1997). فایده‌مند بودن فیلم‌ها در فهم واقعیت‌های شهری امری است غیرقابل انکار؛ نخست این که فیلم‌ها می‌توانند در حکم یک پیمایش بین‌المللی مناسب از شهرها باشند، زیرا امکان مقایسه

تصویری که از فضاهای عمومی یک شهر خاص در فیلم به مخاطب ارائه می‌شود، طبعاً بر مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... آن شهر تأثیر می‌گذارد. معیارهای گوناگونی بر ارائه تصویر سینمایی فضاهای شهری تأثیرگذارند، که استفاده از آنها بنا بر شرایط فیلم به تدریج الگویی صحیح از بازنمایی سینمایی فضاهای شهری متناسب با سینمای هر کشور ارائه می‌دهد.

فیلم ساز همچون هنرمند می‌تواند شهر را آنگونه که او می‌بیند، به مخاطب نشان دهد. پس تصویر شهر فقط عکسی از واقعیت شهر نیست، بلکه مثل هر تصویر هنری دیگر، شهری است که هنرمند دریافته است. افزون بر این، همان طور که از جامعه شناسی هنر دریافته‌ایم، این تصویر یک محصول فردی و برداشتی انتزاعی از شهر نیست، بلکه فیلم ساز، خودآگاه یا ناخودآگاه، بخشی از روح و معنای زمانه و جامعه خود را باز می‌تاباند و به همین دلیل دریافت او از شهر جزئی از میراث شناخت جامعه شناسانه شهر است (Ejlali & Goharipoor, 2016). ما صرفاً آنچه را تجربه می‌کنیم که در قاب وجود دارد و دوربین سینمایی آنچه را ثبت می‌کند که کارگردان از واقعیت گزینش کرده است. فضاها و مکان‌ها در آثار هر کدام از فیلم سازان واجد دلالت‌های معنایی متمایز از هم است (Barzin, 1994). سینماگر با بازنمایی شهر، به راحتی می‌تواند تمام دیدگاهش درباره جهان را ارائه دهد؛ یک شهر خرد منتهی از یک کلان متن به نام جهان است (Ghasemkhani, 2016: 101).

تکنیک‌های سینمایی نظیر سینماتوگرافی یعنی همه کارهایی که چه در حین فیلم برداری و چه پس از تولید روی نوار فیلم انجام می‌شوند (Barber, 2002). مونتاز، عاملی است که اصل تداوم یا عدم تداوم را در خصوص فضا و زمان، که سرعت و ضرباهنگ یک فیلم، یک صحنه یا یک سکانس را تعیین می‌کند. توان فیلم در بسط نگاه تماشاگر با ابزارهایی مانند قاب بندی، انتخاب لوکیشن، مونتاز، نوع حرکت دوربین و زاویه آن نسبت به سوژه، تدوین، رنگ، ریتم، صدا و سایر عناصر سازنده هنر ترکیبی سینما و ... می‌تواند کاهش ظرفیت ادراکی و تخیلی را تلافی نماید. به زعم بنیامین، تکنیک‌های سینمایی به ارائه و ساخت نسخه‌ای از واقعیت می‌پردازند که در غیر این صورت ضبط نشده باقی می‌ماندند (Benyamin, 2011). کاوش ناخودآگاهانه دوربین در فضای معرفی شده توسط بنیامین، به عنوان روشی برای تحلیل و مطالعه محیط‌های شهری و در جهت دستیابی به پرسپکتیوهای نواز فضاهای شهری و معماری، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (Ward, 2001). به طور طبیعی سینما در اخذ و بیان پیچیدگی مکانی، گوناگونی و پویایی اجتماعی شهر، از طریق میزانسن، لوکیشن سینمایی، نورپردازی، فیلم برداری، تدوین و مونتاز سابقه طولانی دارد (Shell & Morris, 2012).

معمولاً با نمایش پرسوناژها خصوصاً قهرمان اصلی فیلم و نوع برخورد و استفاده آنها از فضای شهری است که ابعاد گوناگون فضای شهری تصویر شده بر مخاطب روشن می‌شود. در زیر به مهم‌ترین آنها اشاره شده است:

پرسه زن شهری فردی است که در مقطعی خاص از نوآوری با کنشی کم و بیش روشنفکرانه زاده می‌شود. این کلمه که ریشه اسکاندیناویایی دارد، به معنی آزاد گشتن و بی هدف در جایی حرکت کردن است. فلانور با جهانی خیالی از تصاویر روبه‌رو می‌شود که پشت حجاب جمعیت با

و سنجش میان فرم‌های شهری و چگونگی استفاده از فضاها را در بین جوامع مختلف فراهم می‌کنند. دوم این که فیلم‌ها قادرند تا تجارب شهری را در مقیاس‌های گوناگون شهر (از کلانشهر تا ابنیه منفرد) ترسیم نمایند و از این رهگذر به ما کمک کنند تا ارتباطات پیچیده میان تمامی جوانب طراحی شهری را بهتر درک کنیم.

به تهران به منزله نماد مدرنیته ایرانی، در بسیاری از فیلم‌های سینمایی توجه شده است. تصویر تهران در این فیلم‌ها، به نوعی تاریخ تحولات مدرنیته ایرانی به شمار می‌رود. با میانجی‌گری سینما و از خلال تفسیر آثار سینمایی می‌توان روابط، هویت و ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی فضاهای شهری و نیز تناقضات بین آنها را درک و در نهایت به تأملی انتقادی از مدرنیته در ایران رسید (Mahmudi, 2012). تهران اگرچه به ظاهر منسجم و یکپارچه بوده و پروژه‌های نوسازی در دوره صدساله از آن شهری ساخته است و عقلانیت شهری مدرن در اشکالی از آن پدید آمده اما شهر از ابعادی دیگر پاره پاره و گسسته است. مدرنیته تهران در هر دو سویه خود آشکار شده است؛ سویه‌ای پست و مبتذل که نشانگر عناصر پلید در روح مدرنیته است و سویه‌ای پاک و مثبت. از این روست که می‌توان پارادوکس «تهران خوب» و «تهران بد» را در سینمای ایران دید.

نخستین اسمی که پس از شنیدن "تصویر شهر در سینمای ایران" به ذهن متبادر می‌شود، نام "تهران" است. در سینمای قبل از انقلاب و پس از آن تصویری درست و شایسته از شهر ارائه نشده است. در نتیجه اگر بخواهیم دلایل عدم موفقیت سینماگران را در ارائه تصویری درست از شهر جست و جو کنیم باید تصویر تهران را در تاریخ سینمای ایران دنبال کنیم (Ghasemkhani, 2016: 92).

تصویر تهران در سینمای ایران به دور از هیاهوی استودیوهای مجلل و جلوه‌های عجیب و غریب سینمایی، ناگزیر تصویری مستندگونه و نزدیک به واقعیت داشته است (Mahmudi, 2012). تهران به عنوان بزرگترین شهر و پایتخت ایران از همان ابتدای ورود سینماتوگراف تا به امروز، اصلی‌ترین بستر ساخت آثار سینمایی و گاه سوژه آنها بوده است. تنوع کالبدی، فرهنگی و اجتماعی این شهر، آن را واجد ویژگی‌هایی کرده که فیلمسازان را برای پرداختن به آنها ترغیب می‌نماید (Ejlali & Goharipoor, 2015). تاریخ سینمای ایران بدون تهران، کوچک و بی مقدار می‌شود، به گونه‌ای که درصد فیلم‌هایی که از ابتدای شکل‌گیری این سینما تا به امروز در جایی به غیر از پایتخت ساخته شده‌اند، بسیار اندک است. شاید هیچ جامعه‌ای تا این حد سینمایش را صرف پایتخت، مسائل، مشکلات، رویاها و حسرت‌های آن نکرده باشد. جالب اینجاست که هیچ کشوری نیز تا این اندازه به هویت شهری این پایتخت بی توجه نبوده است (Berman, 2000).

منتقدین فیلم کمتر به موضوعاتی نظیر «خوانش شهر در فیلم‌ها» یا «نشانه‌شناسی شهر» و «مرزگشایی شهر به مثابه متن» پرداخته‌اند. در حقیقت سینما و روش‌های بازنمایی آن تنها در ارتباط با دیگر مکان‌ها و حوزه‌های جمعی متفاوت معنا پیدا می‌کند. دریافت «متفاوت بودن» سینما و شهر از مجموعه‌ها تشکیل شده‌اند، نه فقط مجموعه‌ای از تصاویر و معانی، بلکه مجموعه‌هایی از مکان‌ها و فضاهای اجتماعی لازم و ملزوم و فناوری‌ها و نهادهایی که این مکان‌ها و فضاها را سازماندهی و رهبری می‌کنند (Shell & Morris, 2012).

او حرف می‌زند.

در اکثر موارد در مانده‌ای است درگیر نخستین نیازهای زیستی خود: نیاز به زنده ماندن، درآمدی اندک داشتن و احتمالاً کیف و لذتی حقیقانه. حضور او در خیابان‌ها و مکان‌های عبوری نه از سرآرامش خاطر و راحت طلبی، که به دلیل بی‌قراری و بدبختی است. کنش او نه کنشی روشنفکرانه، که عملی است برای نیل به حداقل معیارهای زندگی (Habibi et al, 2015).

در مقاله «کلانشهر و حیات ذهنی» زیمل، ایده‌ای مطرح می‌کند و آن شکل گرفتن نگرش blasé است که در فارسی می‌توانیم آن را دلزدگی تعریف کنیم. شهر که به لحاظ تاریخی دقیقاً با مبادله اقتصادی گره خورده، به مکانی تبدیل می‌شود که در آن پتانسیل‌های عقلانی‌سازی به عهده پول گذاشته می‌شود و پول دائماً همه چیز را عقلانی می‌کند. از نظر زیمل، در زندگی شهری مناسبات اجتماعی جدیدی شکل می‌گیرد و افراد جدید با افراد قدیم تفاوت دارند و دائماً در معرض تحریک مستمر اعصابشان قرار می‌گیرند. از نظر زیمل، این شخص به دنبال واکنشی تدافعی است. او این تیپ جدید را دلزده و بی‌اعتنا می‌نامد؛ یعنی واکنش اصلی افراد در کلانشهرها، واکنشی بی‌اعتنایی است و در کلانشهر پتانسیل بیشتری برای رهاشدن وجود دارد. در کلانشهر در قیاس با روستا، انسان‌ها امکان گمنامی و استقلال بیشتری پیدا می‌کنند. این دو پتانسیل در زندگی شهری بود؛ اما جنبه منفی که فرد نمی‌تواند به لحاظ ارادی و عاطفی درگیرش شود، او را به تیپ دلزده تبدیل می‌کند؛ نظیر دوربین فیلمبرداری که بدون اعتنا فقط تصاویر را ثبت می‌کند (Ghasemkhani, 2016).

در سینمای ایران درک مخاطب از فضای شهری تنها خیابان است. به منظور تأثیرگذاری بر مخاطب، پرورش مخاطبی مطالبه‌گر و استفاده از فیلم به عنوان رسانه‌ای که می‌تواند مخاطب را از جنبه‌های مختلف شهر آگاه کند، سینماگر باید به درک درستی از تعریف فضاهای شهری و انواع آن رسیده و آن را به درستی به مخاطب منتقل کند. منظور از فضاهای شهری در این تحقیق فضاهای باز همگانی با مالکیت عمومی و دسترسی رایگان و ۲۴ ساعته است و طیف وسیعی از مسیرها، گره‌ها، پهنه‌های عمومی و سبزر را شکل می‌دهد. طراحی شهری در سال‌های اخیر بر رویکرد محور کردن فضاهای شهری و افزایش کیفیت آنها تأکید دارد تا آنها را هرچه بیشتر به سمت خلق مکان سوق دهد. ارائه تصویر فضاهای متنوع شهری در فیلم‌های مختلف است که جایگاهی روشن از شهر را در ذهن مخاطب شکل می‌دهد. بالاسما عقیده دارد: «راز بزرگ تأثیر هنر نیز در همین است که یک جزء می‌تواند کلیت را تداعی کند. یک نشانه کوچک می‌تواند داستانی را بر اساس منطق ما پیش ببرد. به این ترتیب بیننده یک فیلم از تصاویر مجزا و تکه‌تکه‌ای که کارگردان فراهم آورده، یک شهر را به طور کامل در ذهن شکل می‌دهد» (Habibi, 2013: 50). منظور از معیار «تنوع در استفاده از فضاهای مختلف شهر» است. بنابراین یک فیلم باید در به نمایش گذاردن فضاهای مختلف شهر تلاش نماید.

بسیار مهم است که هر کدام از کیفیت‌های فضای شهری مطابق با منظور و هدف فیلم ساز به مخاطب ارائه گردد. ایمنی، امنیت، دسترسی، خوانایی، نفوذپذیری، معنی، سرزندگی، غنای حسی، انعطاف‌پذیری، هویت مکان، حس مکان و ... از جمله مهم‌ترین

کیفیت‌های فضاهای شهری هستند (Mennel, 2015: 22).

امروزه در بسیاری از کشورها سینماگران با بهره گرفتن از همفکری جامعه‌شناسان و روان‌شناسان در پی برقراری ارتباطی بهتر با مخاطب خود و ایجاد مکان در فیلم‌های خود هستند. سینما به عنوان مؤثرترین ابزار فرهنگی در مدیریت شهری به وسیله معماری و با توجه به ماهیت مکان، می‌تواند خاطرات جمعی شهری را برای عموم رقم زند. در این میان مدیران حوزه شهری با وجود تمام بحث‌های "عدم وجود هویت تاریخی"، "نداشتن فضای عمومی" و "خاطرات شهری" در مورد مکانیت و هویت شهرها باید دست به اقداماتی جدی بزنند و فضاهای شهری در سینما باید دارای شخصیت گردیده و به عبارتی منعکس‌کننده هویت باشند. معمولاً آن دسته از فضاهای شهری ارائه شده در فیلم به خوبی دیده می‌شوند که مکانیت آنها به مخاطب منتقل شده باشد. سینمایی که رسالت آن نمایش نامکان‌ها باشد، به این بهانه که مکان شهری به معنای واقعی در شهر وجود ندارد، علاوه بر این که الگوی نمایش نامکان را رواج می‌دهد، مخاطبی خنثی را می‌پروراند که درک، تصویری روشن و مطالبه‌گری در خصوص فضاهای موفق شهری ندارد (Hoseini, 2009, 111). صدا یکی از عناصری است که به شهر غنا می‌بخشد و شور و حال به پا می‌کند. محدود کردن تصویر ذهنی شهر به عوامل قابل رؤیت نمی‌تواند یک حکم قطعی باشد. ادراک فضا که به حس مکان‌یابی و جلوگیری از گمگشتگی می‌انجامد، از طریق حواس مختلف صورت می‌پذیرد (Rezazade & Farahmandiyan, 2010: 73). با این حال صدا از جمله مواردیست که در پژوهش حاضر مورد توجه قرار نمی‌گیرد. نما (شات یا پلان)، کوچک‌ترین جزء فیلم است و برابر است با هر بخش از فیلم که در آن، دوربین بدون خاموش شدن، یک برداشت مستمر داشته است. در تصویر شماره ۱ معیارهای خلق فضای شهری در سینما را مشاهده می‌کنید. نماها را معمولاً بر اساس موارد مختلف می‌توان به نمای خیلی دور، نمای دور عمومی، نمای دور متوسط، نمای نزدیک متوسط، نمای درشت یا نزدیک، نمای هوایی و نمای چشم‌پرنده دسته‌بندی کرد (Shell & Morris, 2012: 32).

۳. روش

فایده‌مند بودن فیلم‌ها در فهم واقعیت‌های شهری امری ضروری است. از این جهت که فیلم‌ها می‌توانند در حکم یک پیمایش بین‌المللی مناسب از شهرها باشند، زیرا امکان مقایسه و سنجش میان فرم‌های شهری و چگونگی استفاده از فضاها را در بین جوامع مختلف فراهم می‌کنند. دوم این که فیلم‌ها قادرند تا تجارب شهری را در مقیاس‌های گوناگون شهر (از کلانشهر تا ابنیه فردی) ترسیم نمایند و از این رهگذر به ما کمک کنند تا ارتباطات پیچیده میان تمامی جوانب طراحی شهری را بهتر درک کنیم.

فیلم، هم متن است و هم رسانه‌ای مکانی. برای تحلیل تصویر شهری فیلم‌های مورد نظر در این پژوهش و رسیدن به الگویی خاص هم از تحلیل‌های مکانی و هم از تحلیل‌های متنی بهره جستیم. اطلاعات مورد نیاز (بر اساس سؤال پژوهش) برای تحلیل در این پژوهش از تحلیل سکانس به سکانس فیلم‌هایی که به روش دلفی انتخاب شده‌اند، حاصل می‌شود. انتخاب سکانس در وجوهی انجام می‌شود

که فضاهای شهری شهر محل مناقشه فیلم (یعنی تهران) به تصویر کشیده شود.

اطلاعات خام رسیده از فیلم‌ها با روش نقشه برداری شهر در فیلم و روش تحلیل محتوا به اطلاعات قابل استفاده‌ای تبدیل می‌شوند که با استفاده از آنها به اطلاعات و الگوی نهایی می‌توان رسید. در این تحقیق ابتدا معیارهایی برای رسیدن به الگویی کلی برای خلق فضای شهری در سینما ارائه شد. در ادامه این معیارها برای رسیدن به الگویی برای خلق فضای شهری در سینمای ایران محدود می‌شود. معیارهای نهایی با روش‌های تحلیل محتوا، تماشای فیلم و نقشه برداری شهر در فیلم ارزیابی می‌شوند. براساس آنچه در مدل مفهومی ارائه گردید، معیارهای نهایی به ترتیب دیدگاه فیلم ساز، کیفیت‌های پرداخت شده فضای شهری در فیلم، تنوع در استفاده از فضاهای شهر، نحوه پرداخت مکان، انواع فضاهای شهری و نوع پرسوناژ است. معیار «تنوع در فضاهای شهر» که منظور از آن استفاده از فضاهای شهری در قسمت‌های مختلف شهر است (نه فقط منطقه‌ای خاص) با روش نقشه برداری شهر در فیلم تنوع فضاهای شهری ارائه شده از شهر تهران را در سینمای داستانی منتخب بعد از انقلاب جست و جو می‌کند و نقشه نهایی آن در نرم افزار جی‌آی‌اس تولید می‌شود. پنج معیار دیگر با روش تحلیل محتوا و تماشای فیلم در مهم‌ترین فیلم‌های بعد از انقلاب بررسی می‌شوند. آنچه در این پژوهش اهمیت دارد، نگاه به سینما از منظر طراحی شهری و تلاش در جهت ارائه پیشنهاد مردم‌مدارتر کردن لحظات شهری آثار سینمایی در ایران است. برای اعتبار بخشیدن و سندیت تحقیق در انتخاب فیلم‌های مورد بررسی، از تکنیک دلفی مبتنی بر استفاده از نظرات متخصصان، بهره گرفته شده است. این متخصصان شامل برخی منتقدان و همچنین سینماگران صاحب‌نظر است که طی یک نظرسنجی، مصاحبه شفاهی و پرسشنامه کتبی، انتخاب این فیلم‌ها را که داستان آنها در تهران روایت می‌شود را تأیید کرده‌اند. همچنین به منظور بازشناسی تصویر فضای شهری در سینما، فیلم‌هایی مورد بررسی قرار می‌گیرند که فیلم شهری ارزیابی شوند. از دیدگاه پیروز کلانتری از سینماگران و فیلم سازان برجسته، فیلمی که شهر را موضوع مطالعه قرار می‌دهد و جنس، لحن و فرم شهر را در خود بروز می‌دهد، فیلم شهری است (Sadrara, 2009:76). در نهایت ۵۳ فیلم منتخب از بین فیلم‌های اکران شده پس از انقلاب اسلامی، از دهه ۶۰ - ۹۰ انتخاب شد. به منظور بررسی معیار «تنوع در استفاده از فضاهای شهر» از روش نقشه برداری فیلم از شهر، در نرم افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) استفاده شده است. به این ترتیب که ابتدا با تحلیل سکناس به سکناس فیلم‌های انتخابی، مهم‌ترین شاخص‌ترین فضاهای شهری و بیرونی که در هریک از فیلم‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند، مشخص شد. سپس در نرم افزار GIS نقشه پراکندگی فضاهای شهری استفاده شده، تولید شد.

۳٫۱. روش تحلیل محتوا

شهرها در کنار وجوه کالبدی خود، از منظری ذهنی نیز برخوردارند که با کیفیت بصری منسوب به آنها گره خورده است (Linch, 2013). هر تصویر متشکل از دو عنصر است؛ یکی «فاعل بازنمایی» یعنی آن که به تصویر می‌نگرد و احیاناً آن را از منظره کل طبیعت تفکیک می‌کند و

از فیلتر ذهن خود می‌گذراند و به شما نشان می‌دهد. دوم آنچه به آن نگاه می‌شود یا «موضوع بازنمایی». از این دیدگاه، دوربین که فیلم ساز (و مشخصاً کارگردان به عنوان آفریننده فیلم) پشت سر آن قرار دارد را می‌توان فاعل بازنمایی دانست و متن شهر را موضوع بازنمایی.

فاعل بازنمایی در تصویر شهر همان زاویه دید بصری فیلم ساز به شهر است که به دو بحث جهان بینی و نگاه فیلم ساز به شهر و سلیقه‌ها و انتخاب‌های شکلی (فن شناختی و فرمی) تقسیم می‌شود که به نوعی ابزار دست فیلم ساز برای ارائه تصویر مورد نظر او از شهر هستند. فاعل بازنمایی ترکیب از دو مؤلفه "رویکرد و نگرش فاعل بازنمایی" است که در واقع با نگاه خود به تصویری که از طبیعت جدا و ثبت کرده، معنا می‌بخشد و از سوی دیگر "ابزارهای در اختیار" او که در شکل‌گیری تصویر و انتقال موضوع تماشا به مصرف کننده تصویر، نقش مهمی دارند. برای فیلم ساز دوربین و نور و سایر وسایلی هستند که در اتاق تدوین و یا خارج از آن به کار می‌آیند. فاعل بازنمایی از این ابزارها برای ساختن تصویر استفاده می‌کند.

«موضوع بازنمایی» در این تحقیق فضاهای شهری است و بدیهی است که فضاهای شهری را می‌توان ترکیبی از دو مؤلفه دانست: «کالبد» و «تعامل‌ها و رویدادهای فضا». براساس دیدگاه اجلالی (۱۳۹۴) فاعل بازنمایی (فیلم‌ساز) با استفاده از ابزارهایش (تکنیک‌ها) موضوع بازنمایی را رمزگذاری می‌کند. برای استخراج تصویری از شهر، تجزیه آن به عناصر متشکله‌اش، مقدمه ترکیبی است که پایه رسیدن به معنا و محتوای کلی تصویر را فراهم می‌آورد. روش رسیدن به این معنای کلی تحلیل محتواست، اما تحلیل محتوای کمی و نظام‌مند در مواجهه با پدیده‌ای هنری که در آنها عموماً عناصر بصری در خدمت معنای ذهنی اثر قرار می‌گیرند، ایده‌آل نبوده و حتی دستیابی و ارائه دقیق نتایج به صورت توزیع فراوانی هم در رسیدن به اهداف پژوهش‌هایی این چنین کمکی نمی‌کند. برای نمونه ممکن است عنصری همچون خیابان، بارها در فیلم‌های مختلف تکرار شده باشد، اما استفاده از آن گاه به عنوان فضایی ترسناک و دلهره‌آور، گاه به مثابه فضایی آرام و لذت بخش، گاه تنها در نقش بستر داستان و به عنوان فضایی بی اثر و یا ده‌ها هدف دیگر مد نظر بوده باشد. بنابراین هرچند که توجه به تکرار جلوه‌های بصری و عناصر شهری باید مورد توجه قرار گیرد، اما به نظر می‌رسد ارتباط میان این عناصر و طرح داستان و در نهایت معنایی که به وسیله آنها از شهر، فضاهای شهری و شهرنشینی القا می‌شود، بسیار مهم‌تر است. در این شرایط، تحلیل محتوای ساخت‌گرایانه می‌تواند به عنوان روشی مناسب مدنظر قرار گیرد.

۳٫۲. تحلیل محتوای ساخت‌گرایانه

مک کوایل معتقد است ساخت‌گرایی نه تنها کمی نیست، بلکه حتی با شمارش به عنوان راه رسیدن به معنا مخالف است؛ زیرا بر این باور است که معنا از روابط، تقابل‌ها و شرایط متن حاصل می‌شود و نه از کمیت ارجاعات. دوم این که، در اینجا توجه اصلی به محتوای پنهان اثر است و نه معنای ظاهری آن. یعنی معنای پنهان اساسی‌تر و مهم‌تر به شمار می‌آید. سوم این که، نظام‌مند بودن ساخت‌گرایی با نظام‌مندی تحلیل محتوا متفاوت است. سرانجام این که، ساخت‌گرایی این فرض را نمی‌پذیرد که جهان واقعیات اجتماعی متشکل از دنیاهایی کم و بیش

متضاد نهفته در متن است، اما تحلیل در زمان بر تسلسل پیشامدها که روایت را می‌سازد، تأکید دارد (Ahmadrash & Gholami, 2013:13). بنابراین در یک بررسی تطبیقی، آنچه بیشتر می‌تواند پژوهشگر را در نیل به هدف خود یاری رساند، تأکید بیشتر بر تحلیل هم‌زمان و بررسی تضادهاست که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است.

۴. بحث و یافته‌ها

آثار منتخب در بازه زمانی سه ماهه براساس معیارهای نهایی استخراج شده، مورد بررسی قرار گرفت و سعی شد فاصله مشخصی در مشاهده فیلم‌ها لحاظ شود تا تأثیر زمان در کنش ادراکی نویسندگان به حداقل برسد. فیلم‌ها در وهله نخست بدون توقف، مشاهده شد و ویژگی پرسوناژ، نحوه پرداخت مفهوم مکان و تعداد و کیفیات پرداخت شده فضای شهری مستتر در فیلم شناسایی گردید. سپس با عمیق‌تر شدن شناخت نویسندگان از چارچوب فیلم‌ها، تحلیل سکانس به سکانس انجام گرفت و دیدگاه و نوع نگاه فیلم ساز به شهر و نوع نماها مطابق جدول شماره ۱ استخراج شد. به منظور رعایت حجم مقاله، از هر دهه یک فیلم قرار داده شده است.

مجزا از معانی است که نفوذ هر کدام شیوه خاص خود را طلب می‌کند. بنابراین روش نشانه‌شناسی در ذیل تحلیل محتوای ساخت‌گرایانه پیشنهاد می‌گردد.

- **نشانه‌شناسی:** هر نشانه ترکیبی است از یک "مفهوم" و "یک آوا یا تصویر" که نمی‌توان آن را به اجزا تجزیه نمود. فردیناند دو سوسور، دو اصطلاح «دال» و «مدلول» را به جای "مفهوم" و "آوا-تصویر" به کار می‌برد (Koeck, 2012). برای درک صحیح‌تر این منطقی، جدا از استخراج نشانه‌ها از متن (در اینجا فیلم) روابط بین نشانه‌ها نیز باید مد نظر قرار گیرد. روابط، معانی را به وجود می‌آورند و پژوهشگر باید این ساختار را از فیلم استخراج کند. دوسوسور، دو روش را برای درک این ساختار از هم متمایز می‌نماید: ساختار انگاره‌ای یا جانشین و ساختار زنجیره‌ای یا هم‌نشین. این دو نوع ساختار به تمایزی بر می‌گردند که میان دو مفهوم «هم‌زمان» و «در زمان» وجود دارد. دوسوسور هم‌زمان را به معنای «تحلیلی» و در زمان را به معنای «تاریخی» به کار می‌برد. بنابراین مطالعه هم‌زمان یک متن، به روابطی که میان عناصر آن وجود دارد، توجه نشان می‌دهد و مطالعه در زمان، نحوه تکامل روایت را می‌نگرد. به سخن دیگر، تحلیل هم‌زمان متن به دنبال جفت‌های

جدول شماره ۱: تحلیل یافته‌های حاصل از بررسی معیارهای خلق فضای شهری در سینمای بعد از انقلاب ایران

نام فیلم، کارگردان، سال اکران	ویژگی پرسوناژ	نحوه پرداخت مفهوم مکان		کیفیت‌های پرداخت شده فضای شهری در فیلم		دیدگاه و نوع نگاه فیلم ساز به شهر
		فضای بیرونی	مکان / نامکان	مدلول	دال	
اجاره نشین‌ها، داریوش مهرجویی، ۱۳۶۵	افرادی سرگردان در مواجهه با مدرنیته‌ای که پس از گذشت سال‌ها هنوز با آن کنار نیامده‌اند	خیابان محله بزرگراه	مکان نامکان	دسترسی نامناسب- عدم وجود هویت مکانی- عدم وجود حس امنیت	دال (وقایع فیلم در رابطه با شهر)	مدلول (دیدگاه فیلم ساز)
دختری با کفش‌های کتانی؛ رسول صدر عاملی، ۱۳۷۷	شخصیت اصلی فیلم پرسه زنی یک روزه دختری جوان را در دل شهر روایت می‌کند	اتوبوس بزرگراه خیابان تاکسی سینما پارک	نامکان نامکان مکان نامکان مکان سوم مکان	تنوع عملکردی- عدم وجود حس امنیت	ساختن‌های در حال ساخت و ساز- حفظ دیدگاه‌های سنتی شهر- نمایش محلات شمال شهر و جنوب شهر	شهری در حال توسعه و شهری مدرنی که با وجود گذشت سال‌ها خواست مدرن شدن در مردم آن وجود ندارد- مقایسه محلات شمال و جنوب، مفهومی به جا مانده از دهه ۴۰
ستوری؛ داریوش مهرجویی، ۱۳۸۵	پرسوناژ اصلی فردی دلزده است	ایستگاه مترو بزرگراه سالن کنسرت (کاخ نیاوران) کوچه و محله زاغه‌های درون شهر	نامکان نامکان مکان مکان نامکان	عدم وجود حس امنیت- سرزندگی- عدم وجود هویت مکانی- غنای حسی	آشنایی شخصیت‌های اصلی در کاخ نیاوران- نمایش محلات شمال شهر و محلات حاشیه‌ای- پرسه به تنهایی شخصیت اصلی در موقعیت‌های مختلف در دل شهر	فضاهای شهری که می‌توانند محلی برای آشنایی با افراد جدید و شانس‌های نو باشند- مقایسه محلات شمال و حاشیه‌ای، مفهومی به جا مانده از دهه ۴۰ انزوا و از خودبیگانگی که از دستاوردهای مدرنیته است
ابد و یک روز؛ سعید روستایی، ۱۳۹۴	پرسوناژ اصلی افرادی دلزده و به لحاظ ارتباط با محیط اطراف خنثی هستند	کوچه و محله بزرگراه رستوران کلاتتری فضای بی دفاع بین بلوک‌های ساختمانی مسکن مهر	مکان نامکان مکان نامکان نامکان	عدم وجود حس امنیت- دسترسی و مکان‌یابی نامناسب- عدم وجود سرزندگی و امنیت در فضا	روایتی از طبقه پایین جامعه بدون ارتباط با فضای محله و بدون ارتباط با فضای مسکن مهری که نمایش داده می‌شود- انتخاب جغرافیای مناسب برای قشری از اجتماع که روایت می‌شود و اشاره به نام آن	شهری که کماکان بی‌توجه به طبقات اجتماعی مختلف به توسعه خود ادامه می‌دهد- اهمیت مکان برای فیلم ساز

۴٫۱. تحلیل نوع پرسوناژ و نحوه پرداخت مکان در فیلم‌های ایرانی

به محله است. فضاهای بازنمایی شده سینمای ایران در فیلم‌های منتخب به ندرت به مفهوم مکان به معنای جایی که رویداد خاصی در آنها در جریان است و خاطره و معنایی را با خود به همراه دارد، نزدیک شده‌اند. مکان‌های سوم در واقع کافی‌شاپ، قهوه‌خانه، چاپخانه و رستوران هستند که به دلیل فقدان فضای شهری در سینمای ایران، این فضاها به عنوان فضای شهری، تلقی و بازنمایی می‌شوند. در واقع «سینمای ایران، سینمای نامکان‌ها» است. سینماگران ایرانی قویاً به رسالت مکانی بودن هنر سینما بی‌توجه بوده‌اند. نه تنها سینمای ایران در تمامی فیلم‌ها تأکیدی خاص بر بازنمایی رویدادهای فیلم در فضاهایی نظیر تاکسی، اتوبوس، مترو، ترمینال، فرودگاه و زمین‌های رها شده شهری (نظیر فضاهای زیرپل) دارند، بلکه فضاهایی نظیر خیابان، محله، مرکز خرید، دانشگاه و... یعنی فضاهایی که به ذات، نامکان نیستند نیز به دلایلی نظیر مشخص نبودن نام آنها، فقدان رویداد، عدم نمایش نشانه‌های شاخص در آنها و... به صورت نامکان‌هایی بی‌نام و نشان بازنمایی می‌شوند. در جدول شماره ۲ نامکان‌ها در فیلم‌های منتخب مشخص شده است.

متداول‌ترین نوع نمایش پرسوناژهای فیلم در فضای بیرونی در فیلم‌های منتخب سینمای ایران قرار دادن شخصیت فیلم میان انبوه جمعیت است. اکثر شخصیت‌ها، تنهایی و غم خود را با شهر شریک می‌شوند. انزوا و بی‌هویتی شخصیت اصلی یکی دیگر از نحوه پرداخت شخصیت در مواجهه با جامعه و شهر در سینمای ایران است. شخصیت‌های اصلی فیلم‌های سینمای ایران یا در ارتباط با فضای شهری به شکلی خنثی روایت می‌شوند و یا به صورت خیابان‌گردی دلزده. در هیچ‌یک از فیلم‌های سینمای ایران رابطه شخصیت اصلی فیلم با فضای شهری به صورت یک کاربر، روایت نمی‌شود. در بیشتر فیلم‌ها، فضای شهری نمایش داده شده را به منظور مکث و یا کاویدن شخصیت اصلی در فضا انتخاب نمی‌کنند. اگر هم به واسطه شخصیت اصلی مکانی به نمایش کشیده شود، به قدری سریع و گذراست که امکان مکث و فکر کردن را به بیننده نمی‌دهد؛ جز در مکان‌های سوم یعنی کافی‌شاپ‌ها. در بهترین حالت اگر شخصیتی درگیر با مکان نمایش در سینمای ایران روایت شود، آن مکان و فضا قطعاً مربوط

جدول شماره ۲: نامکان‌ها در فیلم‌های منتخب

نامکان	فیلم	نامکان	فیلم
فضاهای زیرپل و زمین‌های کنار اتوبان	نفس عمیق، لانتوری، شمعی در باد، زیر نور ماه، بارکد	بزرگراه	سلطان، زیر نور ماه، زیر پوست شهر
پل عابر پیاده	به همین سادگی، سالاد فصل، بوتیک	اتوبوس	نفس عمیق، دختری با کفش‌های کنانی، شهر زیبا
بیمارستان	امروز، رستگاری در ۸:۲۰ دقیقه	تاکسی	جدایی نادرا از سیمین، شب‌های تهران، بارکد
هتل	سگ کشی و کفش‌هایم کو؟	مترو	ساعت ۵ عصر، قصه‌ها، بوتیک
مسافرخانه	سالاد فصل	ساختمان نیمه‌ساز	یک روز بخصوص، سنتوری، پل چوبی، بارکد
کارواش	خشم و هیاهو، انتهای خیابان هشتم	فرودگاه	سگ کشی، تقاطع، محاکمه در خیابان
پمپ بنزین	جدایی نادرا از سیمین، انتهای خیابان هشتم	ترمینال	نیمه پنهان، لانتوری، سلطان

و فروشگاه، بازار و قرارگاه‌های رفتاری نام برد.

۴٫۲. تحلیل انواع فضاهای شهری در فیلم‌های ایرانی

می‌توان بیان کرد که سینماگران ایرانی درک درستی از مفهوم فضای شهری ندارند. پرتکرارترین فضاها در سینمای ایران را می‌توان به ترتیب خیابان و محله، پارک، کافی‌شاپ، رستوران و قهوه‌خانه، درون ماشین، نمایش شهر از قاب پنجره، پشت بام، بالکن و تراس یا آسانسور شیشه‌ای، دانشگاه، مدرسه، سالن کنسرت، سالن تئاتر و سینما، گالری و کتاب فروشی، فضای عمومی مجتمع‌های مسکونی، مرکز خرید

۴٫۳. تحلیل انواع نما در فیلم‌های ایرانی

پرتکرارترین نماها از فضای شهری در فیلم‌های منتخب به ترتیب نماهای دور، نمای دور متوسط، نزدیک متوسط و نمای نزدیک است که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۳: ویژگی‌های نمای سینمایی از فضاهای شهری براساس نوع شات

انواع	نمای دور	دور متوسط	نزدیک متوسط	نزدیک
مصادیق	معرفی موقعیت در بزرگراه‌ها و خیابان‌های وسیع و یا معرفی نخستین برخورد فیلم با یک فضا معمولاً محلات-نمای وسیعی از سیلوئت شهری و یا خط آسمان شهر به تصویر می‌کشد. این نما نه برای ستایش، به نمایش کشیدن زیبایی شهر و یا نمایش خط تاریخ و نشانه‌های شهری بلکه معمولاً پس از وقایع تیره فیلم و ربط دادن این وقایع تیره و نیز مسائلی نظیر تنهایی و انزوا شخصیت‌های فیلم به جامعه و شهر و برای مذمت شهر و آلودگی آن است.	معمولاً در فضاهایی نظیر پارک‌ها، پیاده‌روها و کوچه‌ها و دانشگاه و برای موقعیت‌هایی نظیر گفت‌وگوهای دو نفره و یا بازی کودکان در محله مورد استفاده قرار گرفته است.	نمایش نشستن فرد در فضا، ارتباط فرد با فرد یا افرادی دیگر و صحبت کردن با یکدیگر در فضا است. این نما در فیلم‌های منتخب سینمای ایران معمولاً در کافی‌شاپ‌ها، رستوران‌ها و ایستگاه‌های اتوبوس مورد استفاده قرار گرفته است.	متداول‌ترین نما برای نمایش احساس فرد در فضا است. احساس شادی کودکان در فضا، احساس انزوای شخصیت‌های اصلی و بسیاری دیگر از این دست از طریق این نما به نمایش کشیده می‌شود. در فیلم‌های منتخب تنها احساس غم و دلزدگی با این نما و غالباً در فضای داخلی ماشین به نمایش کشیده شده است.

۴٫۴. تحلیل کیفیت فضای شهری در فیلم‌های ایرانی

آنچه مورد غفلت قرار گرفته، کیفیات سرزندگی، هویت مکان و حس امنیت است. دنبال کردن قصه شخصیت‌ها بی توجه به روایت فضا می‌تواند از سرزندگی فیلم‌ها بکاهد. شانس رویارویی در فضاهای شهری نیز یکی از موارد بازنمایی سرزندگی است که در تعداد معدودی از فیلم‌ها بازنمایی شده است که نمونه مناسب آن در فیلم چهارشنبه سوری، تجربیش ناتمام، زندگی با چشمان بسته و تاحدودی به همین سادگی و بازگرد است. فیلمبرداری در فضای شهری نیز یکی از رویدادهایی است که می‌تواند درگیر شدن شهروندان با رویدادی جدید و بازنمایی سرزندگی در فضای شهری باشد اما تنها دو فیلم از فیلم‌های منتخب این رویداد را به تصویر کشیده‌اند که در هیچ‌یک از آنها شهروندان را در کنار فیلمبرداری در لوکیشن نمی‌بینیم. فیلم دیدن دونفره در فضای شهری در فیلم پل چوبی نیز از دیگر مصادیق سرزندگی نسبی است. چنانچه عنوان نماد تهران، خیابان ولیعصر، سردر دانشگاه تهران، برج میلاد، برج آزادی، خانه هنرمندان، باغ فردوس و... از نمونه فضاهایی است که کارگردان قصد داشته، هویت سطحی از فضای شهری را به نمایش بگذارد.

بازنمایی دزدی، نزاع و درگیری، آسیب به اموال عمومی، خشونت و اعتراض در فضاهای عمومی، که همگی نشانه‌ای از نارضایتی مردم و ناکارآمدی شهر و فضای شهر و ساختارهای اداره‌کننده آن است، فروش مواد مخدر، فعال نبودن جداره‌ها در شب، عدم نورپردازی مناسب فضاهای بیرونی در شب، کوچه‌های باریک جنوب و بافت فرسوده مرکز شهر و... از نشانه‌های ناامنی در آثار منتخب است.

دوچرخه‌سواری دختر شخصیت اصلی در شب، در فیلم «دیشب باباتو دیدم آیدا» از معدود مواردی است که حس امنیت در فضای عمومی را بازنمایی می‌کند. امنیت زیاد ناشی از چشمان خیابان در محلات ایرانی در فیلم «زندگی با چشمان بسته» که به آن پرداخته شده، بیان‌کننده این مطلب است که امنیت زیاد نیز گاهی می‌تواند آزاردهنده باشد و تا حدودی می‌تواند رنگ فضولی به خود بگیرد.

شهر و فضاهای آن در تمامی فیلم‌ها به گونه‌های مختلفی حضور دارد. در برخی از فیلم‌ها، به فضاهای شهری و بیرونی آن چنان که باید پرداخت نمی‌شوند و تنها برای رفتن از یک فضای داخلی به یک فضای داخلی دیگر هستند. در برخی دیگر بخش‌هایی از شهر به واسطه داستان بازنمایی شده و بستر بخشی از وقایع فیلم می‌شود و در برخی دیگر تمامی وقایع فیلم در شهر روایت می‌شود. تمامی این حالات نتیجه نگاه کارگردان فیلم به شهر و دیدگاه اوست. اشتراک اکثر فیلم‌های منتخب نگاه منفی به شهر است. این دیدگاه از زمان تولد موج نو همراه با فیلم ساز ایرانی بوده و در هیچ‌یک از فیلم‌ها، شهر بستری برای اتفاقات نو و هیجان‌انگیز نیست. در هیچ‌یک از فیلم‌ها شهر بستری برای رویارویی با افراد تازه و از نو ساختن و از نو دیدن نیست. در هیچ‌یک از فیلم‌ها کارگردان ایرانی، شهر و فضاهای آن را ستایش نکرده است.

در معدود موارد تنها به معرفی و ستایش نسبی محله و مزایای آن و حسرت از دست دادن آن اکتفا شده است. نمایش شهر و فضاهای بیرونی در بسیاری از فیلم‌ها نمایش پیامدهای منفی مدرنیته‌ای تحمیلی است که هیچ‌گاه زمینه آن برای شهر ایرانی مهیا نشد و پذیرش

آن برای شهروند ایرانی بسیار دشوار بوده است.

در برخی از فیلم‌ها تیتراژ فیلم با تصویری از پیمودن خیابان‌ها و فضاهای شهری تهران آغاز می‌شود، تا بیننده با کلیتی از تهران آشنا شود. در برخی از فیلم‌ها این پیمودن به ناکجاآبادی بی نام و نشان می‌رسد، نظیر «اجاره‌نشین‌ها» و در برخی به کوچه‌های جنوب شهر می‌رسد، نظیر «مرددس» و یا در گونه‌ای این ارتباط به صورت نسبی با شهر قطع می‌شود، نظیر «مکس». در برخی از فیلم‌ها نیز شهر یک ناکجای غیرقابل لمس است که آن را باید تنها از دور مشاهده کرد، نظیر «طعم گیلان» که داستان را در یکی از مناطق اطراف شهر روایت می‌کند. گاهی اوقات فیلم با تصاویر غیررنگی برای تأکید بر تیره بودن نمایش داده می‌شود، نظیر «محاكمه در خیابان» و «برف روی کاج‌ها».

این که بیننده ساختار فضای بیرونی که فیلم در آن روایت می‌شود را خصوصاً در فیلم‌های اجتماعی سینمای ایران درک نکند و نوع پیوند او با فضا را نفهمد، نشانه‌ای از بی‌توجهی فیلم ساز به لوکیشن و مکان است. گاه در فیلم‌های منتخب، شخصیت‌های اصلی داستان تنهایی خود را با شهر شریک می‌شوند، مانند «سعادت‌آباد» و گاه غم خود را مانند «سنتوری». گاه با هجمه‌ای از سؤال‌های حل نشده به پرسه‌زنی در خیابان‌های شهر تبدیل می‌شوند مانند «دختری با کفش‌های کتانی، زیر نور ماه، به همین سادگی» و گاه برای فرار از مشکلات به افرادی پناه می‌برند که با آنها در شهر آشنا شده‌اند، مانند «بوتیک». در بسیاری از موارد نیز هرگاه شخصیت اصلی با مشکلی مواجه می‌شود و یا مشکلی در داستان روایت می‌شود، نمایی از شهر (عموماً لانگ شات) نمایش داده می‌شود، نظیر «تقاطع، طهران - تهران، در بند». در برخی از فیلم‌ها نظیر «زندگی با چشمان بسته شهر» با ستایش یکی از فضاهای شهری یعنی محله آغاز می‌شود، اما بلافاصله پس از مواجهه شخصیت اصلی با جامعه تمامی معادلات برهم می‌خورد؛ دیگر حتی خود محله به زیبایی قبل بازنمایی نمی‌شود. تمامی این موارد نشان از آن دارد که فیلم ساز ایرانی هنوز شهر و مدرنیته تحمیلی آن را منشأ بسیاری از مشکلات می‌داند.

نمایش توسعه دائم شهر و فضاهای آن بدون توجه به وقایع داستان و خواست افراد نیز یکی از مواردی است که فیلم سازان ایرانی بر آن تأکید داشته‌اند.

در برخی از فیلم‌ها نیز اگر فضای شهری به تصویر کشیده می‌شود، بر آن هیچ تأکیدی نمی‌شود و تنها زمینه‌ای است برای وقایع داستان مانند «یک روز به خصوص».

۴٫۵. تحلیل تنوع در استفاده از فضاهای شهر در فیلم‌های ایرانی

تعریف و بازنمایی مناسب فضاهای شهری، علاوه بر این که به منبعی مهم برای دسترسی به تصاویر شهر در طول زمان تبدیل می‌شود، برای طراحان الهام‌بخش است و می‌تواند شهروندی مطالبه‌گر را پرورش دهد. بر این اساس گستردگی موقعیت فضاهای عمومی شهر تهران به تفکیک فیلم‌های منتخب چهار دهه بعد از انقلاب در تصویر شماره ۱ مشخص شده و جدول شماره ۵ نیز پیشنهادات بازنمایی طراحی شهری انسان مدار منطبق بر فرهنگ ایرانی-اسلامی را نشان می‌دهد.



تصویر شماره ۱: پراکندگی فضاهای شهری شاخص بازنمایی شده در فیلم‌های منتخب سینمای ایران در شهر تهران

جدول شماره ۵: پیشنهادات بازنمایی طراحی شهری انسان‌مدار در هنر هفتم منطبق بر فرهنگ ایرانی - اسلامی ←

مقیاس	نام فیلم	راهبرد	راهکار	سکانس موجود در فیلم	سکانس پیشنهادی
جهانبینی و دیدگاه فیلمساز	جدایی نادر از سیمین	کارگردان‌های ایرانی باید از دیدگاه منفی خود به شهر فاصله بگیرند؛ باید توجه شود که شهر تنها سیاه و منفی نیست. نکات مثبت در رابطه با شهر نیز باید بازنمایی شود.	برای فاصله گرفتن از تنها نگاه تیره به شهر داشتن کارگردان ایرانی باید شهر را مورد کاوش قرار دهد، به فضاها جور دیگری نگاه کند، با بازنده سازی معانی و خاطرات، شهر و فضاهایش را از آن خود بداند، در راستای هدف خود بدون جلوه‌های ویژه و پرده آبی الحاقاتی به فضا داشته باشد یا بعضی موارد را حذف کند.		
	بوتیک	شهر باید از یک ناکجای غیرقابل لمس به فضایی ملموس برای بازنمایی تبدیل شود. نوع نگاه فیلم ساز به شهر نباید تنها یک کلانشهر مخوف در حال توسعه باشد.	این امر از طریق شناسن‌های دوباره، آشنایی‌های تازه و مواجهه با فضاهای شهری مختلف رخ می‌دهد. برای مثال در فیلم دختری با کفش‌های کتانی شخصیت اصلی به جای آشنایی با مردی غریبه که قصد فریب او را داشت، می‌توانست با دختری همسن خود آشنا شود و به واسطه آشنایی با او شناسن روپارویی با اتفاق یا فضایی تازه را داشته باشد.		
	بارد	شهر باید از یک ناکجای غیرقابل لمس به فضایی ملموس برای بازنمایی تبدیل شود. نوع نگاه فیلم ساز به شهر نباید تنها یک کلانشهر مخوف در حال توسعه باشد.	این امر از طریق شناسن‌های دوباره، آشنایی‌های تازه و مواجهه با فضاهای شهری مختلف رخ می‌دهد. برای مثال در فیلم دختری با کفش‌های کتانی شخصیت اصلی به جای آشنایی با مردی غریبه که قصد فریب او را داشت، می‌توانست با دختری همسن خود آشنا شود و به واسطه آشنایی با او شناسن روپارویی با اتفاق یا فضایی تازه را داشته باشد.		
	دختری با کفش‌های کتانی	علاوه بر روایت وجه منفی اتفاقات فیلم در شهر، باید اتفاقات مثبت نیز در فضاهای شهری روایت شوند.	این امر از طریق شناسن‌های دوباره، آشنایی‌های تازه و مواجهه با فضاهای شهری مختلف رخ می‌دهد. برای مثال در فیلم دختری با کفش‌های کتانی شخصیت اصلی به جای آشنایی با مردی غریبه که قصد فریب او را داشت، می‌توانست با دختری همسن خود آشنا شود و به واسطه آشنایی با او شناسن روپارویی با اتفاق یا فضایی تازه را داشته باشد.		
	سلطان	بیننده باید به فهم صحیحی از رابطه شخصیت‌ها با فضا برسد.	برای تحقق این امر نخستین قدم نمایش ساختار فضایی لوکیشن‌های بیرونی فیلم هرچند کلی است.		
	دختر	تهران نیاز دارد مانند نیویورک با نظرهای متفاوت بازنمایی شود. نمایش تیره و خاکستری شهر، نه تنها به نفع آن نیست و به پیشرفت آن کمک نمی‌کند و بد بودن آن را بدیهی و تغییرناپذیر جلوه می‌دهد.	تحقق این مهم از طریق عواملی چون شریک شدن لحظه‌های شاد شخصیت اصلی با شهر، عدم داشتن نگاهی یکسان به شهر در بین فیلم سازان (نگاه منفی)، عدم ارتباط تمام وقایع منفی داستان و جامعه به شهر، بازنمایی نقاط قوت شهر نظیر بازار و ... امکان‌پذیر است.		

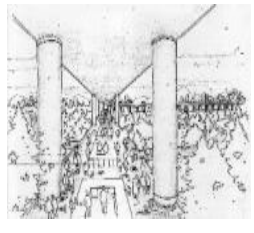

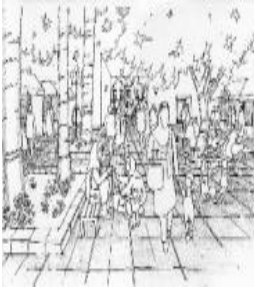




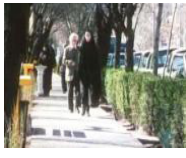
← ادامه جدول شماره ۵: پیشنهادات بازنمایی طراحی شهری انسان‌مدار در هنر هفتم منطبق بر فرهنگ ایرانی - اسلامی ←

معیار	نام فیلم	راهبرد	راهکار	سکانس موجود در فیلم	سکانس پیشنهادی
تنوع فضای شهری	یک روز به خصوص	انواع فضاهای شهری باید در فیلم‌های سینمای ایران به اشکال گوناگون بازنمایی شوند. ناآگاهی مردم، ناآگاهی سینماگران و عدم مشورت با طراحان منجر به این شده است که نوع فضاهای شهری نمایش داده شده در فیلم از بعد از انقلاب تا کنون تغییری نکند؛ اگر میدان ارگ تهران، کناره رودخانه ولنجک و پله‌های یوسف آباد خیابان ولیعصر و ... به عنوان فضای شهری در فیلم‌های سینمای ایران نمایش داده نمی‌شوند، دلیلی جز ناآگاهی وجود ندارد.	فیلم سازان ایرانی باید از محدود کردن فضای بیرونی و شهری به فضای باز محله، بزرگراه و خیابان‌های پر رفت و آمد فاصله بگیرند.		
			باید کافی شاپ‌ها و رستوران‌هایی در فیلم بازنمایی شوند که در ارتباط بیشتری با فضای شهری باشند؛ نظیر کافه‌هایی که در پیاده‌روها قرار دارند و یا با جداره‌ای شفاف ارتباط خود با شهر را قطع نکرده‌اند.		
	باید از بازنمایی سکانس‌های فیلم خصوصاً سکانس‌های طولانی و مهم فیلم در فضای ماشین خودداری شود و انواع فضای شهری جایگزین آن شود.				
	سالن‌های کنسرت، سینما، تئاتر و گالری‌ها و فضای پیشخوان آنها که از مهم‌ترین فضاهای شهری هستند باید با تأکید بر هنر در حال برگزاری، ارتباط گرفتن و یا نگرفتن شخصیت فیلم با آن هنر و صحبت با دیگران در رابطه با آن هنر باشد. صحبت کردن با دیگران در این رابطه و بازنمایی آن در فیلم، آموزشی مهم برای شهروند ایرانی است تا خود را در هنرهای مختلف خصوصاً در سینما و فیلم جست‌وجو کنند.				
	جای خالی پاتوق‌ها، یعنی نوعی از فضای شهری که حاوی معنا، هویت و خاطره برای گروهی از مردم است، بسیار در سینمای ایران احساس می‌شود که باید در فیلم‌های مختلف و به تناسب موضوع بازنمایی شوند. برای مثال در فیلم متولد ۶۵ است که به جای بازنمایی شخصیت‌های اصلی در یک ناکجاآباد در اطراف شهر سکانس در یک پاتوق روایت شود.				
	اگر به دلیل کمبود فضاهای شهری مختلف تنها پارک‌ها به عنوان فضای شهری بازنمایی می‌شوند، باید با رویدادهای گروهی مختلف بر آنها تأکید شده و به آنها معنا داده شود.				
سرزندگی	لاتوری	فیلم‌های ایرانی بیش از هر چیز دیگری تشنه رویداد هستند. با رویدادهای مختلف و درگیر شدن افراد در فضا با آن است که استارت سرزنده بودن یک مکان زده می‌شود.	این رویداد می‌تواند یک پرفورمنس ساده، یک تئاتر یا موسیقی خیابانی، برگزاری گالری‌ها در فضای باز، تماشای فوتبال یا هر ورزش دیگری در فضای باز و ... باشد. حضور کودکان در فضا و بازی کردن آنها، عکاسی کردن، خوردن و آشامیدن در فضای باز و عدم قطع ارتباط مکان‌های سوم (کافه‌ها) با فضای شهری، صحبت کردن با دیگران، شانس‌آشنایی و رویارویی با افراد، خرید کردن از مغازه‌های همسطح خیابان و ... نیز یکی از مصادیق بارز بازنمایی سرزندگی یک فضا در فیلم می‌تواند باشد.		

← ادامه جدول شماره ۵: پیشنهادات بازنمایی طراحی شهری انسان‌مدار در هنر هفتم منطق بر فرهنگ ایرانی - اسلامی ←

مکان	نام فیلم	راهبرد	راهکار	سکانس موجود در فیلم	سکانس پیشنهادی
امنیت	قصه‌ها	نیاید در فیلم‌ها بی‌هویتی هویت اصلی فضاها باشد.	ساختار و ویژگی‌های بارز و متمایز کننده یک مکان و عناصر شاخص آن باید هویت دهنده باشند، نه فقط نام آنها؛ اسم یکی از عوامل هویت دهنده مکان است، اما شرطی لازم است نه کافی، مکان‌ها با ویژگی‌هایشان باید مطرح شوند نه فقط با اسم. مثلاً چنارها از اجزای اصلی خیابان ولیعصر است که بیننده با دیدن آنها سریعاً متوجه ولیعصر بودن مکان می‌شود.		
	امروز	فیلم ساز ایرانی باید حس امنیت را به فیلم‌های خود بازگرداند.	فیلم ساز ایرانی باید از بازنمایی خشونت، درگیری و نزاع در فضای شهری خودداری کند. برای مثال در فیلم زیر پوست شهری می‌توان به جای نمایش درگیری و نزاع در خیابان انقلاب فضای مقابل دانشگاه تهران با دانشجویان و افراد مختلف بازنمایی شود.		
	ساعت ۵ عصر	فیلم ساز ایرانی باید حس امنیت را به فیلم‌های خود بازگرداند.	از بازنمایی فضاهایی با نورپردازی ضعیف و عرض کم معابر خصوصاً در شب بکاهد. فضاها با حضور جمعیت خصوصاً همراه با حضور بانوان و کودکان بازنمایی شوند.		
فضای حسی	سعادت آباد	غنای حسی یکی از کیفیت‌های مهم است که برای درک هرچه بهتر مکان باید بر آن تأکید شود.	از بازنمایی بهتر غنای حسی در فضا اگر آب‌نما، رودخانه، فضای سبز نمایش داده می‌شود باید شخصیت‌ها نیز در ارتباط با آنها به تصویر کشیده شوند. و تنها به نمایش آنها از دور اکتفا نشود.		
	محاکنه در خیابان	نمای خیلی دور نباید از بعد از اتفاقی تلخ از فیلم و با انبوهی از دود و برج‌های ساخته شده یا در حال ساخت به قصد مذمت توسعه‌ای که بدون خواست مردم در حال ادامه است، به تصویر کشیده شود. اگر نما نمای معرف است نباید تنها دود و برج و ساختمان در حال ساخت را هدف قرار دهد. بلکه بخش‌های دیگر شهر نیز باید بازنمایی شوند.	بازنمایی بزرگراه‌ها یا خیابان‌های شلوغ پرتراфик آن هم با نمای دور ضروری نیست. بلکه در فضاهای محلی، فضای باز دانشگاه‌ها، فضای پیشخوان سالن‌های تئاتر و موسیقی، پلکان شهری و دیگر فضاهای مکث شهری بهتر است از این نما استفاده شود.		
مکان	شبهای تهران	فضای شهری برای استفاده از نمای دور باید به درستی انتخاب شود.	بازنمایی بزرگراه‌ها یا خیابان‌های شلوغ پرتراфик آن هم با نمای دور ضروری نیست. بلکه در فضاهای محلی، فضای باز دانشگاه‌ها، فضای پیشخوان سالن‌های تئاتر و موسیقی، پلکان شهری و دیگر فضاهای مکث شهری بهتر است از این نما استفاده شود.		
	پارک وی	نمای دور متوسط که تأکیدی بر در فضا بودن سوزه است باید در زمان و مکان مناسب انتخاب شود.	بهترین زمان برای استفاده از نمای دور متوسط بازنمایی رابطه سوزه با محیط و یا رابطه او با رویداد جاری در فضا است.		
	خشم و هیاهو	بهترین زمان استفاده از نمای نزدیک متوسط برای بازنمایی واکنش فرد به اتفاقی از روایت فیلم در فضای شهری است. نمای نزدیک باید نمایی استاندارد برای درگیری احساسی تماشاگر با شخصیت فیلم و بازنمایی انواع احساس شخصیت‌های فیلم در فضا باشد.	فیلم ساز ایرانی باید از استفاده از نمای نزدیک متوسط در فضای داخلی ماشین و گفت‌وگو در آن پرهیز کرده و به جای فضای داخلی ماشین از انواع فضاهای شهری بهره برد.		

← ادامه جدول شماره ۵: پیشنهادات بازنمایی طراحی شهری انسان‌مدار در هنر هفتم منطبق بر فرهنگ ایرانی - اسلامی

سکانس پیشنهادی	سکانس موجود در فیلم	راهکار	راهبرد	نام فیلم	بازار
		برای بازنمایی بهتر مفهوم مکان باید از نامکان ها - تاکسی، اتوبوس، مترو، فرودگاه، فروشگاه، بزرگراه، پمپ بنزین، کارواش، فضاهای رها شده شهری و فضای زیر پل، ساختمان‌های نیمه‌کاره، هتل و مسافرخانه- و خصوصاً بازنمایی سکانس‌های مهم فیلم در آنها فاصله گرفت.		زینب‌نامه	مکان
		نباید فضاهایی که به ذات نامکان نیستند نظیر فضاهای محله، فضای دانشگاه، فضای خیابان، سالن‌های کنسرت و تئاتر و دیگر فضاهای شهری بدون ارتباط آنها را در فیلم و روایت به ناکجاآباد تبدیل کنیم. باید معنای مکان را به بیننده منتقل کنند، نظیر جایی برای نشستن و چیزی برای خوردن و آشامیدن در فضا، وجود هنرهای قابل لمس، پخش موسیقی، مشخص بودن بخشی از هویت و تاریخ فضا، بازی کردن، آشنایی‌های تازه و... بر مکان بودن تأکید شود.	سینمای ایران نباید به صورت سینمای نامکان‌ها بازنمایی شود.	کتمان	
		تا جایی که به داستان لطمه وارد نشود از بازنمایی شخصیت اصلی به تنهایی میان انبوه جمعیت خودداری کند. شخصیت‌های اصلی داستان برای این که بازنمایی آنها به صورت منزوی و دلزده نباشد، باید شهر و فضاهای آن را بکاود تا با شانس‌های تازه مواجه شود و یا دوستان خود را در فضاهای مختلف و به صورت اتفاقی ملاقات کند، در رویدادهای فضاهای مختلف شهر درگیر شود، با دیگر افراد فضا صحبت کند و با افرادی جدید آشنا شود. شخصیت فیلم باید در ارتباط با فضاهای شهری به صورت کاربر روایت شود. کاربری که در فضا می‌نشیند، بعد از دید زدن از ویرترین مغازه‌ها خرید می‌کند، به موسیقی فضا گوش می‌دهد یا خود ساز می‌نوازد، در بازی کودکان مشارکت می‌کند.	در بازنمایی پرسوناژها در فضای شهری فیلم‌های ایرانی باید تغییر ایجاد شود و از مواجهه این شخصیت‌ها به صورت غالباً یکسان به شهر و فضاهای آن باید جلوگیری گردد.	دختر	پرسوناژ
		می‌توان در فیلم من ترانه ۱۵ سال دارم شخصیت اصلی را ولو در یک سکانس به جای خیابانگردی مداوم همراه با مکث روایت کرد.		من ترانه ۱۵ سال دارم	

۵. نتیجه‌گیری

منتقل شود، فرقی در کلیت فیلم به وجود نمی‌آورد. فیلم‌های ایرانی شهری را نقد و نکوهش می‌کنند که آنچنان که باید به آن اجازه حضور نمی‌دهند.

سینمای ایران باید به فضای شهری اجازه حضور دهد و حرکت از سینما به شهر را آغاز کند تا به این وسیله هم سینما با مردم ارتباط بیشتری برقرار کند و هم به شهر و فضاهای شهری کمک شود.

یافته‌های این پژوهش، می‌تواند سینماگران ایرانی را از اهمیت بازنمایی فضاهای شهری و مردم در آثار سینمایی بر حذر دارد. با توجه به اهمیت ارتباط بخش‌های هشت گانه هنر، اهمیت ارتباط طراحی شهری (که خود بخشی از هنر سوم و چهارم است)، با هنر هفتم دارای اهمیت بسیار زیادی است. هدف طراحی شهری، خلق فضاهای شهری

فیلم باید تماشاگر را به ارزیابی دوباره از محیط زندگی فرا خواند. خیابان‌های کلانشهر در فیلم‌های ایرانی، مکانی هستند برای عبور، و نه برای حضور. تصاویر کلانشهر، تصاویری یکسان، لحظه‌ای و گذرا هستند که در صورت نبود واقعه یا حادثه‌ای هیچ‌گاه در خاطر نمی‌نشینند و خاطره ساز نمی‌شوند. افزون بر آن که دلزدگی، عزلت‌گزینی و فرار از واقعیت‌های رویاروی ساکن کلانشهر فرصتی برای خاطره اندوزی باقی نمی‌گذارد. در اکثر فیلم‌ها، فضاهای شهر به عنوان محل رخداد‌های فیلم، به عنصری بدل می‌شوند که قصه در آن جریان دارد و آدم‌ها در آن حرکت می‌کنند. وقایع بدون تأثیر و کاملاً خنثی اتفاق می‌افتند، به گونه‌ای که اگر از این شهر به شهر دیگر یا از این محله به محله دیگر

- Bottomore, S. (1999) "The Panicking Audience? Early Cinema and the Train Effect, *Historical Journal of Film, Radio and Television* 19 (2). 177-216.
- Dimendberg, E. (2012). *Shahr va cinema [City and cinema]* (Translated by N. Poormohammadreza). *Filmkhaneh*, 1, 149-158. [in Persian]
- Ejlali, P. Goharipoor, H. (2015). *Tasvirha-ye shahri dar filmha-ye sinamai irani [Urban images in Iranian movies]*. *Oloom-e ejtemai*, 68. [in Persian]
- Ghasemkhani, A. (2016). *Ensan, cinema, shahr [Human, cinema, city]*. Tehran: Rozaneh. [in Persian]
- Habibi, M. Rezai, M. (2013). *Shahr, modernite, sinama: kavosh dar asar-e ebrahim-e golestan [city, modernity, cinema, exploring the works of Ebrahim Golestan]*. *Hona-ha-ye ziba- memari va shahrsazi*, 18(2), 5-16. [in Persian]
- Habibi, M. Farahmandian, H. Poormohammadreza, N. (2015). *Khatere-ye shahr [the memory of the city]*. Tehran: Nahid. [in Persian]
- Hake, S. (1994). "Urban Spectacle in Walter Ruttmann's *Berlin: Symphony of the Big City*", in T.W Kniesche and s. Brockmann (eds) *Dancing on the Volcano: Essays on the Culture of Weimar Republic*, Columbia, SC: Camden House: 127-37.
- Hoseini, B. Ebizadeh, E. (2009). *Memari va cinema anasor-e mokammel va hoviyat bakhsh-e faza va makan [Architecture and cinema are complementary and identity elements of space and place]*. *Armanshahr*, 3, 110-123. [in Persian]
- Koeck, R. (2012), *Cine- scapes: Cinematic Spaces in Architecture and cities*, Routledge, London & New York
- Kracauer, S. (1997), *Theory of Film: The Redemption of Physical Reality*, Princeton.
- Linch, K. (2013). *Simaye shahr [The face of the city]* (Translated by M. Mozayeni). Tehran: Tehran university. [in Persian]
- Mahmudi, B. (2012). *Tehran, cinema va modernite-ye shahri [Tehran, cinema and urban modernity]*. Tehran: Tisa. [in Persian]
- Menzel, B. (2015). *Shahr-ha va cinema [Cities and cinema]* (Translated by N. Poormohammadreza). Tehran: Bidgol. [in Persian]
- Shiel, M, Fitzmaurice, T. (2001). *Cinema and the City: Film and Urban Societies in a Global Context*.
- Nancey Green Leigh, Judith Kenny, 1996, *The City of Cinema: Interpreting Urban Images on Film*, *Journal*

مناسب برای شهروندان شهراست و یکی از اهداف هنر هفتم هم بایستی بازنمایی چنین تلاشی باشد. چرا که آثار سینمایی ضمن این که سفر و بازگو کننده ویژگی های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... یک جامعه هستند، به عنوان یک پدیده در بررسی زمان مبنای شهرها نقش مهمی دارند. نتایج تحقیق نشان می دهد که ما در امر خلق فضاهای شهری در دهه های گذشته، چندان موفق نبوده و اندک فضاهایی هم که خلق و بازآفرینی شده اند، به دلایل مختلف مورد استقبال سینماگران قرار نگرفته و نمایش فضاهای شهری بر لوکیشن های محدود در چند منطقه تهران محدود شده است، آن هم با شرایطی که در قسمت یافته ها اشاره گردید.

دوم آن که اکثر فیلم های منتخب حوزه داستانی و شهری، در شهر تهران فیلم برداری شده اند و در پهنه کشور ایران با وجود فضاهای شهری مختلف، با یک تمرکزگرایی محض از نظر انتخاب موقعیت فیلم برداری در فضاهای شهری مواجه هستیم و این روند باید تغییر نماید تا به جنبه های مختلف شهرهای مختلف ایران در قالب روایت داستان، پرداخته شود.

علیرغم تلاش بسیار، این نوشتار از کاستی های احتمالی مبرا نبوده و امید است که در پژوهش های آتی، ضمن قیاس وضعیت موجود سینمای ایران با سینمای منتخب جهانی و به روزرسانی آثار منتخب در سال های بعدی، یافته های جدیدتری استخراج گردد. همچنین امید است که چنین پژوهش های میان رشته ای در ادامه بتواند در تغییر نگرش اهل فن و به کارگیری متخصصان طراحی شهری و سینما، به خصوص در بازنمایی هرچه درست تر و بهتر از فضاهای شهری ایران، اثر گذار باشد.

References:

- Ahmadrash, R. GHolami, A. (2013). *Tahlil-e jame-e shenakhti-e chegoonegi-e baznamayi-e hovyat-e fardi va jensiyati dar asar-e sinamai-e dahe-ye 1380 iran [sociological analysis of how to represent individual and gender identity in iranian cinematographic works of the 1380s]*. *Zan dar farhang va honar*, 5(4), 466-449. [in Persian]
- Barber, E. (2002). *Projected Cities: Cinema and Urban Space*. London: Reaktion Books.
- Barzin, S. (1994). *Sakhtar-e siasi, tabaghati va jamiyati dar iran [Political, class and demographic structure in iran]*. *Etelaat-e siasi eghtesadi*, 81 & 82. [in Persian]
- Berman, M. (2000). *Tajrobe modernite [The experience of modernity]* (Translated by M. Farhadpoor). 14. [in Persian]
- Benyamin, W. (2011). *Asar-e honari dar asr-e toolid-e mekaniki, dar ekran-e andishe: fasl-hai dar falsafe-ye sinama [The work of art in the age of mechanical production in the screening of Andishe]*. Tehran: Markaz. [in Persian]

of Planning Education and Research

- Rezazadeh, R. Farahmandiyan, H. (2010). Enekas-e faza-ye shahri dar cinema-ye novin-e Iran [Reflection of urban space in modern Iranian cinema]. Honaha-ye ziba- memari va shahrsaz, 2. [in Persian]
- Sadrara, R. (2009). Roya-ye shahr be revayat-e mostanad: barresi-ye cinema-ye mostanad-e shahri dar goftogoo ba Pirooz-e Kalantari [The dream of the city according to the documentary: Review of urban documentary cinema in conversation with Pirouz Kalantari]. Kheradnameh, 35, 76-80. [in Persian]
- Shell, M. Morris, T. (2012). Cinema va shahr [Cinema and city] (Translated by M. Arbabi). Tehran: Rozaneh. [in Persian]
- Ward, J. (2001 a) "Kracauer Versus the Weimar Film. City" in K.S. Peripheral Visions: The Hidden Stages of Weimar Cinema, Detroit, MI: Wayne State University Press, 21-37.

نحوه ارجاع به مقاله:

صالحی، سیده سارا؛ سجادزاده، حسن؛ ایزدی، محمد سعید؛ کتاب‌اللهی، کسری؛ (۱۴۰۱) ارزیابی بازنمایی فضاهای شهری در آثار منتخب سینمای ایران با تمرکز بر فضاهای عمومی شهر تهران، مطالعات شهری، ۱۱ (۴۴)، ۱۷-۳۰. doi: 10.34785/J011.2022.332/Jms.2022.130

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



پدیدارشناسی تجربه زیسته سازندگان شهر تهران در نظام مدیریت ساخت و ساز شهری^۱

غلامرضا کاظمیان^۲ - دانشیار مدیریت شهری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
حسین اصلی پور - استادیار گروه مدیریت دولتی (سیاست‌گذاری عمومی)، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
آرش تقی پوراختری - دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۲ دی ۱۴۰۰ تاریخ پذیرش: ۱۴ اسفند ۱۴۰۰

چکیده

«ساخت و ساز شهری»، عمل ایجاد فضای کالبدی برای پیش برد عملکردهای شهری است؛ و سازمان فضایی شهر در همبستگی با استمرار آن شکل می‌گیرد. در این راستا مدیریت توسعه فضایی-کالبدی شهر، یکی از مأموریت‌های مدیریت شهری است؛ که با رد گسست میان محتوا و فرم، می‌توان تجربه زیسته افراد از مواجهه با این سازمان عمومی را به عنوان یکی از ابعاد واقعیت برای «توضیح و تأویل پیرامون چگونگی نظام مدیریت ساخت و ساز شهری تهران» تلقی کرد. از این رو هدف این پژوهش ارائه «تبیینی تفسیری از وضع موجود نظام مدیریت ساخت و ساز شهری تهران در تجربه زیسته سازندگان شهر تهران» است. جامعه مورد مطالعه این پژوهش متشکل از سازندگان شهر تهران است که به صورت هدفمند نمونه‌گیری شدند. در نهایت با استفاده از راهبرد پدیدارشناسی ذیل روش کیفی و پارادایم تفسیری، هشت مصاحبه عمیق با ایشان ترتیب داده شد. در این راستا پژوهشگر ضمن رعایت اصول اپوخه (امتناع) در تمام مراحل پژوهش، به خوشه‌بندی و در نهایت ترکیب تجربیات زیسته، برای رسیدن به توصیفی غنی اقدام کرد. یافته‌های این پژوهش نشان داد، در تجربه زیسته سازندگان، چهار دسته مضمون فراگیر، شامل «مفروضات اساسی ساخت و ساز شهری تهران»، «عوامل توانمندساز سازندگان»، «ناکارآمدی‌های تحمیلی از سوی نظام مدیریت ساخت و ساز» و در نهایت «نقش ذی‌نفعان مختلف در ساخت و ساز شهری تهران و پیامد آن» قابل شناسایی است. نتیجه این پژوهش را می‌توان به صورت خلاصه چنین بیان کرد که نظام مدیریت ساخت و ساز شهری تهران، در پی «تثبیت جایگاه و اعمال قدرت» و برای «انجام آن دسته از مأموریت‌هایی است که تبعات تخطی از آنها، هزینه و پیگرد قانونی دارد» به پیگیری «تحقق درآمدهای مورد نیاز خود» از ساخت و ساز مشغول بوده؛ و این مسیر را با اتکا به «عوامل توانمندساز سازندگان (مهارت‌ها، امکانات، انگیزه‌ها و نوآوری‌ها)»، به وسیله «فرآیندها و محتوای ناکارآمد خود» و به قیمت «کالایی شدن فضای شهری» طی می‌کند.

واژگان کلیدی: ساخت و ساز، پدیدارشناسی، مدیریت شهری، اقتصاد سیاسی فضا، تجربه زیسته سازندگان.

نکات برجسته

- عینیت‌یافتگی ساخت و ساز شهری، به عنوان یک «برساخته اجتماعی»، که خود ذخیره‌ای معرفتی برای احصا مفاهیم نظری بوده؛ و همزمان خوب بودن حکمروایی ساخت و ساز شهری را ایجاد کرده (توسعه می‌دهد).
- شناسایی و فهم رفتار و انتظارات کنشگران در عرصه مدیریت ساخت و ساز شهری در بستر هستی‌بروز یافته از مطالعه زندگی روزمره اجتماعی؛ از مهم‌ترین این دسته بندی‌ها، تفکیک میان سازندگان به عنوان سرمایه‌گذاران صنعتی (کسانی که عمده سرمایه آن‌ها از نوع فضای ساخته شده است) و سازندگان به عنوان سرمایه‌گذاران تجاری (کسانی که عمده سرمایه آن‌ها پول نقد است و برای کسب سود میان بازارهای مختلف جابه‌جا می‌شوند) است. و همچنین نقش متنوع مشاورین املاک به عنوان ارزیاب و یا بازاریاب.
- ارائه بیانی طبقه‌بندی شده و چرخه‌ای از مفروضات حول مدیریت ساخت و ساز شهری، در میان‌کنش سه محور مدیریت شهری، محیط ساخته شده، و سازندگان.

۱ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته مدیریت شهری با عنوان «تبیین حکمروایی ساخت و ساز شهر تهران» است که توسط نویسنده سوم و با راهنمایی نویسنده اول و مشاوره نویسنده دوم در دانشگاه علامه طباطبائی دفاع شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: kazemian@atu.ac.ir

۱. مقدمه

«فضا» مفهومی اساسی در جغرافیا، علوم اجتماعی، علوم انسانی و علوم اطلاعاتی است و مطالعه پیرامون نحوه سازمان‌یافتگی، تحول و تطورات آن در زمان و مکان، از اساسی‌ترین مباحث علمی است (Kazemian, 2003). در این میان این که «فضامندی امری مفروض باشد یا خیر» (4-2). از جدی‌ترین مناقشات و وجوه تمایز در مطالعه حول فضای شهری است. هرچند تا به امروز جهت‌گیری‌های کلان در مطالعات شهری، عمدتاً از دو ایدئولوژی نئولیبرالیسم و سوسیال‌دموکراسی نشأت می‌گیرند؛ اما وجود یک مدیریت شهری کارآمد و اثربخش به عنوان زیرساختی حکومتی و بازوی اجرایی برای تحقق «حکمرانی خوب» و به دنبال آن «توسعه پایدار شهری»، امری مورد اجماع است. یکی از مأموریت‌های مدیریت شهری، مدیریت توسعه فضایی-کالبدی شهر است. در این راستا «ساخت‌وساز شهری»، عمل ایجاد فضای کالبدی برای پیش‌برد عملکردهای شهری است و سازمان فضایی شهر در همبستگی با استمرار آن شکل می‌گیرد (Taqipour, 2021: 61).

سالیانی است که فضای شهری تهران با فقر روزافزون در جنبه‌های مختلف ادراکی (ارزش‌های طبیعی، اجتماعی و غیره) نزد شهروندان روبه‌رو بوده و همزمان مدیریت توسعه فضایی شهر نیز از سوی متخصصان گوناگون ناکارآمد توصیف می‌شود (Rastegar, 2020; Abdeh, 2020; Imani, 2015). در کنار این دو بعد که عبارتند از شواهد عینی و بازنمایی‌های تخصصی، لوفور بُعد دیگری به نام «فضای بازنمایی» را نیز معرفی می‌کند؛ که فضای زیسته و بخش پنهان زندگی اجتماعی است (Lefebvre, 1991). در نظریه برای توصیف چنین پدیده‌های پویایی که پیوسته توسط شهروندان ایجاد، زیست و معنا می‌شود، این بعد همسو با دو بعد پیشین، با دربرگرفتن بازنمودهای فضایی قدرت، همزمان قدرت فضایی اجرایی و تحمیل‌گر را نیز آشکار می‌کند. چراکه تبیینی از تولید اجتماعی فضا را پیگیری می‌کند که این امر شهری را نه بر مبنای جمعیت، نه بر اساس مقیاس جغرافیایی یا گروهی از ساختمان‌ها و تأسیسات، نه بر پایه گره، نقطه جابه جایی و حتی یک مرکز تولید، که به در بر گرفتن ویژگی‌های اساسی همه این جنبه‌ها تصویر کند. از این رو با دغدغه‌ای برآمده از واقعیت‌های غیراجتماعی مسیر توسعه فضایی شهر تهران، غلبه نگاه تقلیل‌گرا در بازنمایی‌های متخصصان از ناکارآمدی‌های فضا-مدیریت و پیچیدگی تاریخی اثرات متقابل دولت-بازار، مسئله این پژوهش «توضیح و تأویل پیرامون چگونگی نظام مدیریت ساخت‌وساز شهری تهران» است.

در این مسیر از آنجایی که در پژوهش‌هایی با زمینه ساخت‌وساز، عمل حرفه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای برای دستیابی به نتایج قوی آکادمیک دارد، جالب است که پژوهشگران پیشتازی همچون هومر، هویت و کلارنس لانگ نیز بینش خود پیرامون ماهیت منحصربه‌فرد چرخه‌های ساخت‌وساز را از مشاغل حرفه‌ای خود در صنعت املاک و مستغلات گرفته‌اند (Barras, 2009: 48). سؤال این پژوهش به صورت مشخص «چگونگی تجربه زیسته سازندگان از نظام مدیریت ساخت‌وساز شهری تهران» است.

در واقع ایشان «نظام مدیریت ساخت‌وساز شهری تهران» را کلیتی چندگانه و پویا (تأثیر متقابل و پیوسته ابعاد تشکیل دهنده بر هم) دانسته که در امتداد فرآیندهای رسمی، عینیت می‌یابد و این عینیت

یافتگی، به عنوان یک «برساخته اجتماعی»، چیزی بیش از ساخته ذهنی تک‌تک «سازندگان فعال در حوزه ساخت‌وساز» نیست (مستقل از فعالیت‌های آنها وجود ندارد). و برای احصای آن باید به صورت مبادله‌ای، ذهنی و غیرتقابل‌گرا به سراغ افراد برخوردار از تجربه زیسته در این زمینه (سازندگان) رفت. و نسبت به تجربه زیسته ایشان از وضعیت این پدیده چند بعدی، میان‌رشته‌ای و البته منحصربه‌فرد، فهمی بی‌واسطه، بدون تعصب و واقعی ایجاد کرد.

پرداختن به این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که از سویی امروزه حدود ۴۰ درصد از مواد اولیه و انرژی تولید شده در سراسر جهان در بخش ساخت‌وساز استفاده می‌شود (PLAF, 2018: 56) و از سوی دیگر مطالعه این «برساخته اجتماعی»، خود ذخیره‌ای معرفتی برای احصای مفاهیم نظری بوده و همزمان مسیر اصلاح و ایجاد رویه‌های مدیریت ساخت‌وساز شهری را هدایت می‌کند.

۲. چارچوب نظری

«سازمان سیاسی» و «نظام حاکمیت» جامعه مشخص‌کننده نحوه تأثیر و تأثر قدرت و فضا در قالب دو الگوی «حکومت» یا «حکمرانی» است (Kazemian, 2003: 30). در واقع با پیش‌کشیده شدن بحث اقتصاد-سیاسی و تفکیک ناپذیری میان شیوه تولید اقتصادی و شیوه سیاسی اداره جامعه و با در نظر گرفتن بازتاب نابرابری‌های ناشی از سرمایه‌داری در فضای شهری، اقتصاد سیاسی فضا در پی پاسخ به چگونگی تجسم فضایی قدرت است و در کنار بینش، فرهنگ و غیره، همچون طراح شهر، خواسته‌ها و نیازهای خود را بر بیکره شهر دیکته کرده و تحولات فضایی را بیش از آن که بی‌طرفانه و طبیعی باشد، سیاسی می‌سازد (Taqipour, 2021: 15).

در این راستا نهاد قدرت با دو سازوکار «دولت خواهی» و «قلمرو خواهی» میان «ساختار حاکمیت» و «سازمان فضایی» تعامل برقرار می‌کند. به این ترتیب که «دولت خواهی» برابر با نیازمندی نهاد قدرت به «ساختار حاکمیت» برای ظهور و بروز عملیاتی خواست‌های خود است و «قلمرو خواهی» نیز ناظر بر قلمرو (فضایی) با فرم، سازمان و ویژگی‌های مشخص برای استقرار و اعمال حکومت است (Imani, 2015: 54).

دیدگاه چپ‌گرا، با این پیش‌فرض که فضا کالایی تولیدی است، برای کشف سازوکارهای حاکم بر تولید آن می‌کوشد. در این مسیر، نخستین یافته، انعکاس روابط طبقاتی در تولید فضا است. بر این اساس، طبقه حاکم به واسطه محیط مصنوع، موقعیت خود را تثبیت کرده و به کل جامعه اعمال کنترل و دست‌اندازی می‌کند. از این رو در اینجا هدف اقتصاد سیاسی فضا، کشف الگوهای فضایی فرایند تولید، توزیع و مصرف و نقش دولت، گروه‌ها و طبقات اجتماعی در شکل بخشی به این الگوها قرار می‌گیرد. همچنین در این راستا ادعا می‌شود که صرف پرداختن به فرآیندهای تصمیم‌گیری، کمکی به کسب شناخت کامل برای روایت همه داستان نمی‌کند؛ چراکه به واسطه ماهیت اقتصاد سرمایه‌داری، دولت‌ها عملاً از استقلال کمی در تصمیم‌گیری‌ها برخوردارند.

اندیشمندان شهری این حوزه، شهر را به عنوان مرکز مبارزه طبقاتی و کانون تعارض میان «افرادی که در پی کسب سود از زمین هستند»

بوده و لوگان و مولوچ مهم‌ترین نظریه‌پردازان آن، استدلال می‌کنند که تعارضی بر پایه چگونگی بهره‌برداری از فضا به واسطه آداب زندگی شهری وجود دارد؛ و آن را در قالب اولویت یافتن «ارزش استفاده» (مثلاً به عنوان خانه) یا «ارزش معامله» (مثلاً برای صاحب‌خانه) توضیح می‌دهند (Logan & Molotch, 1987).

ماشین رشد متشکل از سازندگان حامی توسعه و بازیگران دولتی است؛ به نحوی که ایشان از طریق ساخت‌وساز یا بازتوسعه فضاهای شهری برای ایجاد سود ناشی از افزایش ارزش معامله تلاش می‌کنند. «تئوری ماشین رشد» به جای این که توسعه شهری را نتیجه تصمیماتی از سوی افراد یا شاخه‌هایی از گروه‌های نخبگانی بداند، آن را ناشی از اعمال قدرت توسط گروه‌هایی شناسایی می‌کند که بر سر ارزش ساخت‌وساز و توسعه متحد می‌شوند؛ هرچند در این مسیر ممکن است در شکل آن اختلاف نظر داشته باشند. از این‌رو از منظر تئوری ماشین رشد، «رشد» که اغلب نشان دهنده تغییر به سمت ارزش معامله است، به هر شکل که باشد، خوب است؛ چرا که می‌تواند ایجاد «سود» کند.

در فرآیند ماشین رشد، «توسعه شهر» یک کالای جمعی معرفی شده و در حالی که معمولاً تناقض میان «اهداف رشد» و «اهداف معامله‌ای» نادیده گرفته می‌شود، با استفاده از روش‌های آماری، نگرش «توسعه فاقد ارزش^۲» را که به معنای «تعیین کاربری زمین در بازار آزاد» است، پیوند دهنده اهداف رشد و اهداف کیفی زندگی اکثر اعضای جامعه توصیف می‌کند (Jocoy, 2018). در انتها باید یادآور شد که دیگر چارچوب تأثیرگذار نظریه ماشین رشد، توجه دادن به سیاست‌های محلی تسخیر شده توسط نیروهای سازندگان بخش خصوصی است؛ که بایستی توجهی به پیامدهای اجتماعی، بی‌پروایانه در جهت بیشینه کردن منافع شخصی حرکت می‌کنند.

این ناکارآمدی دولت، «تئوری انتخاب عمومی» از دیدگاه فلسفی «نئولیبرالیسم» را وارد مبانی نظری این پژوهش می‌کند. این تئوری، هرگونه پیش‌فرض مبنی بر کارایی دولت [و تا حدودی بازار] به عنوان نهاد تخصیص دهنده را رد می‌کند و معتقد است دولت به‌عنوان وسیله رسیدن به اهداف، علی‌رغم مزایایی که به همراه می‌آورد، با کاستی‌ها، نارسایی‌ها و مشکلاتی نیز همراه است (Buchanan, 1964: 213-222). از جمله نتیجه‌گیری‌هایی که از این نظریه شده است می‌توان به «مأموریت مدیریت در افزایش انتخاب‌ها»، «ضرورت کوچک‌سازی قلمروهای مدیریتی (تمرکز زدایی)»، «ضرورت متفرق‌سازی عملکردی در دستگاه‌های مدیریت» و توجه به «زمینه‌های فساد و رانت‌جویی» اشاره کرد.

با پایان یافتن دهه ۹۰ میلادی و آشکار شدن پیامدهای اصلاحات ساختاری و توسعه‌های مبتنی بر نئولیبرالیسم، اقبال نظریه‌پردازان به رویکرد سوم (میان بازار و دولت) و به ویژه مکتب نهادگرایی و حکمروایی خوب افزایش یافت. این دیدگاه بیان می‌کند که نه می‌شود همه وظایف توسعه‌ای را به دولت محول کرد و نه می‌توان نسبت به بازار آزاد برای فراهم آوردن آن خوش بین بود. پس دولت باید با تأکید بر نقش توسعه‌گرایی خود، با کاهش دخالت‌های مستقیم خود به نفع بهبود ترتیبات نهادی، «هزینه‌مبادله» را کاهش دهد.

در این دیدگاه تولید فضای شهری نیز با تحمیل انواع هزینه‌های مبادله

و «افرادی که خواستار زندگی بر روی زمین‌های آن هستند» توصیف می‌کنند. از این‌رو الگوی تاریخی توسعه فرم شهری، برآمده از این مناقشات و در راستای منافع طبقه سرمایه‌دار برای ایجاد بستر لازم به منظور تولید و بازتولید سرمایه‌داری است. از این‌رو «نظریه شهری ساخت‌گرا» می‌کوشد تا تلاش دولت‌ها برای اعمال هژمونی و از بین بردن زمینه‌های اتحاد طبقه کارگری در تولید فضا را برای حفظ منافع طبقه ساخت‌گرای بازار (بورژوا) نشان دهد (Brenner & Theodore, 2002).

در سمت دیگر دیدگاه‌های راست‌گرا (نئوکلاسیک) قرار دارند که سرمایه‌گذاری در ساخت‌وساز را بخشی از تشکیل سرمایه ثابت معرفی کرده و انباشت سرمایه را عامل اصلی رشد اقتصادی کل می‌دانند. از این‌رو موجودی ساختمانی، سرمایه ثابت اصلی شهرها را تشکیل می‌دهد. بنابراین سرمایه‌گذاری در ساخت‌وساز نیز عامل اصلی انباشت و نوآوری شهری است. پس چنین نتیجه‌گیری می‌شود که روند دائمی فعالیت‌های ساخت‌وساز، دنباله آن دسته روندهای طولانی مدت در رشد اقتصادی و جمعیت است که سیر صنعتی شدن و شهرنشینی را در یک اقتصاد در حال رشد مشخص می‌کند (Harvey, 2016). همچنین میان پیشرفت فنی و فعالیت‌های ساختمانی رابطه‌ای دوسویه وجود دارد. به این معنا که از سویی ساختمان‌های جدید برای تحقق سطوح بالاتری از بهره‌وری، پیشرفت‌های فنی (نظیر طراحی و تأسیسات) را میزبانی می‌کنند و از سویی دیگر این پیشرفت‌های فنی هستند که تشدید توسعه شهری را از طریق ایجاد ساختمان‌های بزرگتر و بلندتر ممکن می‌سازند (Kristovic, 2012).

از این‌رو مجموعه «ساختمان‌های جدید» را می‌توان به نوآوری‌های گسترده و ناپیوسته‌ای تشبیه کرد که به واسطه فرآیند «تخریب خلاق» و از طریق «موجودی ساختمان» در فرآیند جایگزینی با انواع قدیمی‌تر و ناکارآمدتر گسترش می‌یابند. هر محصول جدید از ساختمان‌ها باعث می‌شود که موجودی ادوار پیشین به انقضای اقتصادی نزدیک‌تر شود. پس هرچه نرخ سرمایه‌گذاری در ساخت‌وساز بیشتر باشد، عمر اقتصادی ساختمان‌های موجود کوتاه‌تر خواهد بود.

دیوید هاروی در امتداد دیدگاه مارکس، به بحران‌های سرمایه‌داری پرداخته و در راستای دیدگاه نئومارکسیسم خود، تضادهای درونی سرمایه‌داری را در جغرافیای تاریخی منظر حاصله، ناشی از سرمایه‌گذاری در کالاهای غیرمنقول جست‌وجو می‌کند. از نظر هاروی سرمایه‌داری با شهری شدن، اقدام به تولید چشم‌انداز فیزیکی و فضایی می‌کند تا زیرساخت‌های لازم برای گردش، معادله و مصرف را فراهم آورد. از نظر او، سرمایه یک کالا نیست، بلکه فرآیندی است که از طریق آن روابط اجتماعی به نفع نظام سرمایه‌داری بازتولید می‌شود. این فرآیند از طریق «تخریب خلاق» رشد می‌کند، نیازها و تمایلات جدید آفریده و با سواستفاده از امیال بشری و ظرفیت کار، به متحول کردن فضاها می‌پردازد (Harvey, 2016).

دیگر فلسفه سیاسی چپ‌گرا، سوسیال دموکراسی است که در پی پاسخ به این سؤال که چه کسی بر اجتماعات محلی حکومت می‌کند، به چهار دیدگاه مختلف می‌رسد که شامل نخبه‌گرایان، تکثرگرایان، مدل ماشین رشد و تئوری رژیم‌های شهری است. در این میان «نظریه ماشین رشد» یکی از برجسته‌ترین نظریات حوزه جامعه‌شناسی شهری

را کاهش دهد. از متأخرترین تعاریف از حکمروایی تعبیر آن به توانایی مرجعیت خرد حکمرانی (اعم از دولت محلی، زیربخش‌ها، ذی‌نفعان و غیره) در ایجاد و اجرای قوانینی برای ارائه خدمات عمومی است (Fukuyama, 2013).

از این رو می‌توان نظریات فلسفه‌های مختلف سیاسی، حول فرآیند مدیریت فضای شهری را مطابق جدول شماره ۱ جمع‌بندی نمود.

جدول شماره ۱: نظریات مرتبط با مدیریت تولید فضای شهری در مکاتب مختلف فلسفه سیاسی

فلسفه سیاسی	نظریه	جنبه مورد توجه در فرآیند مدیریت تولید فضا
مارکسیسم	نظریه ساختارگرا	منعکس بودن روابط طبقاتی در تولید فضا. شهر کانون تعارض میان «افرادی که در پی کسب سود از زمین هستند» و «افرادی که خواستار زندگی بر روی زمین‌های آن هستند». طرفدار تولید دولتی (دولت به عنوان نهاد اجتماعی کارآمد) برای حذف تبعیض‌ها.
نئوکلاسیک	نظریه تخریب خلاق	چرخه‌های ساخت و ساز منبعث از چرخه‌های اقتصادی در بازار کامل است. انباشت سرمایه، عامل اصلی رشد اقتصادی کل است. همزمان، موجودی ساختمانی، سرمایه ثابت اصلی شهرها را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین سرمایه‌گذاری در ساخت و ساز نیز عامل اصلی انباشت و نوآوری شهری است. «ساختمان‌های جدید» را می‌توان به نوآوری‌های گسترده و ناپیوسته‌ای تشبیه کرد که به واسطه فرآیند تخریب خلاق و از طریق «موجودی ساختمان»، در فرآیند جایگزینی با انواع قدیمی‌تر و ناکارآمدتر گسترش می‌یابند.
نئومارکسیسم	نظریه ثبات فضایی-زمانی	ورود سرمایه به ساخت و ساز ریشه در بحران‌های سرمایه‌داری دارد. از این رو سرمایه به سمت مدار دوم که تولید فضاست حرکت می‌کند. با غیرمنقول شدن سرمایه، راه حلی برای انباشت بیش از حد، از طریق تعویق زمانی و گسترش جغرافیایی ایجاد می‌شود.
نئولیبرالیسم	انتخاب عمومی	رد پیش فرض کارایی دولت، تأکید بر عقلایی و منفعت طلبانه بودن تصمیمات افراد. قائل به نقش جلوگیری کننده از انحصار برای دولت.
سوسیال دموکراسی	نظریه مدل ماشین رشد	شهرها ماشین رشد اقتصادی و توسعه بوده و موتور محرکه این ماشین ساخت و ساز شهری (زمین و مستغلات) است. از این رو سیاست‌های محلی، توسط سازندگان بخش خصوصی تسخیر شده است.
نهادگرایی	حکمروایی [خوب]	توانایی مرجعیت خرد در اداره امور عمومی [دولت باید شفاف، کارآمد، پاسخگو، مشارکت‌جو و مردم‌سالار باشد].
	هزینه مبادله	نهادهای برساخته اجتماعی هستند که قواعد بازی را تعیین می‌کنند؛ از طریق نهادسازی می‌توان هزینه‌های مبادله را کاهش داد.

همچنین ساخت و ساز به عنوان فرآیند ایجاد فضا توسط انسان، قدمتی به درازای تاریخ زندگی انسانی دارد. با این حال مشاهده می‌شود که پرداخت علمی به آن در جایگاه یک متغیر ارتباطی - به این معنا که ساخت و ساز محیط مصنوع را ایجاد می‌کند (عامل) و سازندگان در تعاملی با سایر کنشگران (برساخته اجتماعی) ساخت و ساز را انجام می‌دهند (معلول) - چندان مورد توجه نبوده است؛ تاجایی که نیلسن و فرلی نیز ضمن اذعان به این موضوع، به ضرورت ارائه تعریفی از توسعه پایدار شهری می‌پردازند که آن را در میان کنش محیط ساخته شده، سازندگان و نیروهای هدایت کننده آن تصویر کند (Nielsen & Farrelly, 2018). ولف و مافی نیز با اتخاذ موضعی انتقادی نسبت به اصالت دادن به بازنمایی‌های مدرنیستی و نخبه‌گرایانه برای تغییر و تحول در فضای ساخته شده شهری، آنچه باید قرائت شود رانقش قدرت در سامان دهی فضای فیزیکی شهر عنوان می‌کنند. ایشان همچنین معتقدند، به جای اجازه دادن به فرهنگ برای شکل دادن به شهرها، اغلب شاهد تثبیت یا هدایت رفتار و فرهنگ برای خدمت به قدرت مستقر بوده ایم (Wolf & Mahaffey, 2016). موضعی که در پژوهش‌های متکی بر نظریه «مدل ماشین رشد» بسیار مورد توجه قرار گرفته است (Liu, et al., 2021; Wjijburg, 2021; Shen, et al., 2021). همچنین پژوهش‌های متعددی نیز اقدام به انجام مقایسه تطبیقی در زمینه مدیریت توسعه فضایی شهر نموده‌اند که از جمله آنها می‌توان به پژوهش برانکو، میژر و فیشر اشاره کرد که ضمن مقایسه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در زمینه کنترل و هدایت ساخت و ساز، آنها را برحسب نقش‌هایی که بخش‌های

عمومی و خصوصی در این مسیر می‌پذیرند، به چهار دسته تقسیم می‌کنند (Branco, et al., 2010). لورچ و همکاران نیز با دغدغه‌ای برآمده از پیامدهای تغییر اقلیم، ضرورت افزایش بهره‌وری ساخته‌ها را پیش کشیده و در این راستا مفهوم حکمروایی ساخت و ساز را به عنوان ابزاری کارآمد، نوع دوستانه، همکارانه، داوطلبانه، یکپارچه و البته جایگزین روش‌های تجویزی سنتی برای مدیریت ساخت و ساز شهری، معرفی می‌کنند (Lorch, et al., 2018). لازم به ذکر است که ایشان تعریفی مستقل برای «حکمروایی ساخت و ساز شهری» ارائه نمی‌دهند، ولی آن را در راستای تعاریف کلان حکمروایی و برآورده کننده وضعیت خوب حکمرانی در نظر می‌گیرند.

در بستر کشور ایران نیز پژوهش‌های بسیاری به اثرات متقابل فضای شهری و مدیریت پرداخته‌اند، اما در این میان پژوهش‌هایی که پرداخت مستقل به امر مدیریت ساخت و ساز شهری داشته باشند، محدود هستند. از این رو در معرفی پیشینه داخلی، توصیفات متأخر ارائه شده از میان‌کنش‌های فضایی-مدیریتی نیز مورد توجه قرار گرفته است. فرجی و همکاران در مطالعه توسعه شهرهای فرودگاهی، به توصیف موانع مدیریتی در مسیر تحقق ساخت و ساز پایدار پرداخته و با بررسی اثرات متقابل آنها، موانع تحقق ساخت و ساز پایدار را ذیل پنج وظیفه مدیریتی دسته‌بندی می‌کنند (Faraji, et al., 2021).

کاظمیان و همکاران نیز ضمن توجه دادن به این که طی دهه‌های اخیر برای برانگیختن و تشویق رشد محلی و توسعه اقتصادی، شاهد

است، هر چقدر قدرت نهادها و مدیران محلی در مدیریت جریان‌ات اقتصادی-اجتماعی و کالبدی شهر ضعیف باشد، این کنش‌گران فعال در بازار زمین و مستغلات شهری هستند که تبدیل به عاملان اصلی در توسعه شهری و تولید فضای رانته می‌شوند، (Tavassolian, 2019). عبده کلاه‌چی و شاه‌محمدیان نیز با تأکید بر فاصله میان آنچه در نظریات برنامه‌ریزی شهری بازنمایی می‌شود (گرایش‌های فزاینده به کنش‌های ارتباطی) با آنچه در عمل جریان دارد، وضع موجود را رقابتی ناسازگار با منافع عمومی، به نفع ذی‌نفعان اقتصادی و سیاسی معرفی می‌کنند (Abdeh, 2020; Shahmohammadian, 2019). ایمانی شاملو از منظر ساخت‌گرایی به مطالعه تغییرات کالبدی فضای شهری تهران می‌پردازد و در توصیف رسوبات فضایی ناشی از رانت و طبقات اجتماعی، شیوه تولید فضا در تهران را تحت تأثیر سازوکارهای سرمایه‌داری معرفی می‌کند (Imani, 2015). در همین راستا خوجم‌لی این سوددهی اقتصادی را در فرم‌ها ردیابی کرده و آن را در چارچوب ژئوپلیتیک منظر شهری توصیف می‌کند (Khojamli, 2017). موضوعی که رستگارزاله برای آن تبعات هویتی قائل بوده و آن را مقدمه جهانی شدن و گسترش سرمایه‌داری برمی‌شمارد (Rastegar, 2020). در نهایت تقی‌پور مفاهیم نظری تبیین‌گر «ساخت‌وساز شهری» را به صورت جدول شماره ۲ جمع‌بندی می‌کند.

بازتعریف، تغییر رویکرد و تجدید ساختار دولت‌های شهری بوده‌ایم، این بازطراحی‌ها را در جهت تغییر دولت‌های محلی از تأمین‌کننده خدمات رفاهی و اجتماعی، به یک نهاد قابل احترام‌تر، قابل اعتمادتر و قابل اعتنا تر معرفی کرده تا با شکل‌گیری تعاملات بهتر میان بازار، جامعه مدنی و دولت حکمروایی خوب ساخت‌وساز شهری رقم بخورد (Kazemian, et al., 2022a). ایشان همچنین در پژوهش دیگری مهم‌ترین چالش مدیریت شهری تهران برای تحقق ساخت‌وساز پایدار را سازمان‌های اجتماعی مدیریت آن که طی ده‌ها سال شکل گرفته است، معرفی می‌کنند (Kazemian, et al., 2022b). مشفق، به آسیب‌های مدیریت شهری برای فضای شهری پرداخته و نفوذ سرمایه‌داران در مدیریت شهری، وابستگی مدیریت شهری به عوارض ساختمانی و ضعف‌های این نهاد شهری برای مدیریت تولید فضا در شهرها را برجسته می‌کند (Moshfeghi, 2020). حسینی‌فر نیز فراهم بودن زمینه‌های رانت‌خواری و اعمال نفوذ و قدرت در مدیریت شهری را آنچنان گسترده می‌داند که کلیت سازمان فضایی شهر را با افزایش تراکم‌های غیرمجاز، تغییر کاربری‌ها و تفکیک، دستخوش تغییرات اساسی قرار داده؛ تغییراتی که گاهی با اصول طرح‌های شهر نیز مغایرت دارد (Hosseiniifar, 2016). توسلیان در این زمینه به نقش سیاست‌های عرضه زمین توسط دولت توجه کرده و نتیجه‌گیری می‌کند از آنجایی که تولید فضای شهری برآیند تعاملی فرایندهای محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی

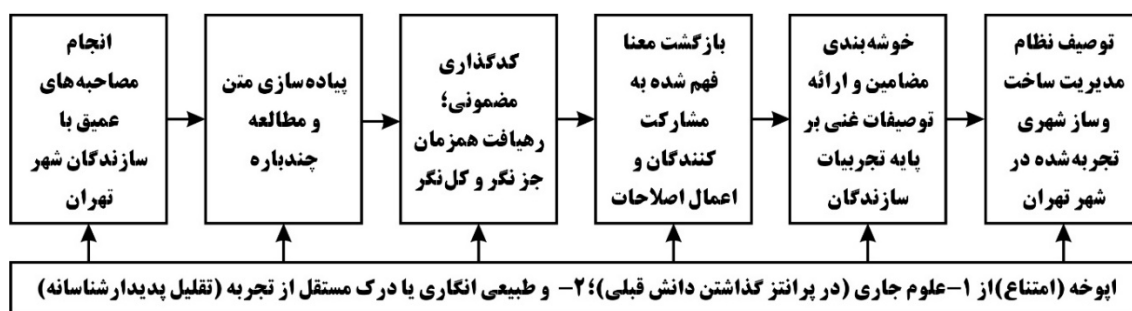
جدول شماره ۲: مفاهیم نظری تبیین‌گر ساخت‌وساز شهری (Taqipour, 2021)

دسته‌بندی	مفهوم	شرح
خوانش‌های ایدئولوژیک	توسعه پایدار	خوانش زیستی از ساخت‌وساز شهری؛ در قالب تولید ارزش در کل چرخه حیات.
	حق به تولید فضای شهری	خوانش اجتماعی از ساخت‌وساز شهری؛ در قالب دیالکتیک تولید فضای شهری.
	مدل ماشین‌رشد	خوانش اقتصادی از ساخت‌وساز شهری؛ فعالیت سازندگان برای کسب منافع مبتنی بر زمین؛
عوامل در ساخت‌وساز شهری	شهری شدن	هم فضای شهری تولید شهروندان (نیروهای جاری در شهر) است و هم شهروندان تربیت یافته در فضای شهر هستند.
	نظام سیاسی	«سازمان سیاسی» و «نظام حاکمیت» جامعه مشخص‌کننده نحوه تأثیر و تأثر قدرت و فضا است.
	رقابت عقلانی	با توجه به ماهیت محدود زمین و جغرافیای اثر صرفه‌های ناشی از آن، مناسبات تولید و مصرف فضا آمیخته با رقابت است.
	ذی‌نفعان شهری	ذی‌نفعان مختلف در زمینه برنامه‌های شهری، به لحاظ منافع، حقوق، مسئولیت‌ها، قدرت و فرهنگ از هم قابل تمایزند.
عوامل بر ساخت‌وساز شهری	پپیچیدگی مناسبات	در زمینه ساخت‌وساز شهری، نحوه اعمال قدرت، کنترل و نفوذ ذی‌نفعان منجر به واقعیت پیچیده سیستم ساخت‌وساز شهری شده است.
	هویت مصرفی	شهروندان با پذیرش این ادعا که تمایزات محلی و نوآورانه، دلیل برتری فضای تولید شده است، انتظاراتی را پیش‌روی سازندگان قرار می‌دهند که منجر به جداسازی اجتماعی و طبقاتی شدن فضای شهری می‌شود.
	صرفه‌های شهری	ویژگی‌های تاریخی شهر، صرفه‌هایی را برای آن ایجاد می‌کند که خودش را در ساختار فضایی سرمایه ساختمانی منعکس می‌سازد.
ثمرات و اثرات ساخت‌وساز شهری	چرخه‌های اقتصادی رشد	از سویی چرخه‌های اقتصادی و وضعیت اقتصاد کلان و از سوی دیگر الگوهای رشد و توسعه شهری، مستقیماً بر زمان مندی و محصول ساخت‌وساز شهری اثر گذار است.
	ویران‌گری خلاق	ساخت‌وساز شهری منجر به محصول منحصر به فرد و نوآورانه فضایی می‌شود و هر دوره ساخت‌وساز محصول پیشین خود را به عقب رانده و به فرسودگی نزدیک می‌کند.
	تجسم فضایی قدرت	هویت فضای شهری در راستای کسب و حفظ منافع و مشروعیت صاحبان قدرت شکل می‌گیرد. از این رو شهر محصول مبارزه سیاسی میان گروه‌ها و کنشگران مختلف برای رسیدن به سلطه بر محیط (فضا) است.
	سوداگری فضا	ارزشی که ساخت‌وساز می‌آفریند در میانه ارزش استفاده و ارزش معامله جابه‌جا می‌شود. از این رو با غلبه ارزش معامله، بستر برای رفتارهای سوداگرانه فراهم می‌شود.
	تجمع؛ رشد شهری	ساخت‌وساز با جذب سرمایه‌های شهری (اعم از نهادهای، اقتصادی و جمعیتی)، منجر به شکل‌گیری صرفه‌های جدید شهری شده و سرعت رشد را افزایش می‌دهد.

۳. روش

این درک که «نظام مدیریت ساخت و ساز شهری تهران» به عنوان یک برساخته اجتماعی، فرآیندی یکپارچه از تجربیات جاری زندگی است، یکی از جنبه‌های واقعیت را تجربه‌زیسته سازندگان از نظام مدیریت ساخت و ساز شهری تهران تشکیل می‌دهد؛ که با توجه به رویکرد پیش گفته، در قبال آن ایجاد فهمی بی‌واسطه مورد نظر است. از آنجایی که در پژوهش‌های پدیدارشناسی «تجربه‌های افراد متفاوت، تعلیق و تحلیل شده و برای شناسایی ذات‌های آن پدیده با هم مقایسه می‌شوند» (Mohammadpour, 2018: 228-229)؛ در این پژوهش برای فهم دنیای مفهومی سوژه به سراغ راهبرد پدیدارشناسی از روش کیفی و پارادایم تفسیری می‌رویم. دلیل این انتخاب حالت بازتابی، توصیفی، متعهدانه و تفسیری مناسب پدیدارشناسی، برای توصیف الزامات تجربه است.

در این راهبرد، پژوهشگر پس از انجام هر مصاحبه عمیق، متن مصاحبه را پیاده کرده و پس از آن، بارها آن را می‌خواند و در این راستا تلاش می‌کند تا هرچه بهتر اصول اپوخه رعایت شود. تکنیک تحلیل داده‌ها در این راهبرد، تحلیل مضمونی است (Saldana, 2015). در واقع پژوهشگر اجزای معنادار مصاحبه را به گزاره‌هایی مضمونی خلاصه کرده و پس از آن گزاره‌های استخراج شده را برای کسب اطمینان از برداشت درست، با مشارکت‌کنندگان به اشتراک می‌گذارد. در مرحله بعد گزاره‌های مضمونی با مراجعه به معنای اصیل خود در تجربه زیسته سازندگان، به صورت توصیفی، کدگذاری و مطابق نظر براون و کلارک خوشه‌بندی شده (Braun & Clarke, 2006) و در نهایت تلاش می‌شود تا با ترکیب تجربیات زیسته، توصیفی غنی از هر خوشه ارائه شده و با تقلیل پدیدارشناسانه مدلی تئوریک از واقعیات جاری در نظام مدیریت ساخت و ساز شهری تهران حاصل شود. مراحل این قسمت در نمودار شماره ۱ ارائه شده است.



نمودار شماره ۱: مراحل انجام مطالعه تجربه زیسته سازندگان با راهبرد پدیدارشناسی

در نهایت مشاهده می‌شود که هر پژوهش از دیدگاه و بستر نظری- فلسفی مختص به خود به توصیف امر ساخت و ساز شهری پرداخته و در این مسیر گاهی آن را مأمور برآورده سازی انتظارات معرفی کرده و گاهی مسبب وضع موجود است. همچنین تنوع پرداخت نظری فلسفه‌های سیاسی به «ساخت و ساز شهری» نیز نشان داد که به دلیل وابستگی تاریخی رفتارهای بروز یافته در مسیر تکامل ساخت و ساز به زمینه‌های گوناگون نهادی و تغییرات در عملکردها باید برای مطالعه مدیریت این «برساخته اجتماعی» به سراغ ریشه‌های مفهومی آن با تمرکز بر رفتار پویا و غیرتعادلی سیستم‌های اجتماعی رفت. در بیانی دقیق‌تر، برآیند منحصر به فردی از واقعیات در هر زمان سبب شده است تا ساخت و ساز همواره تجربه‌ای متفاوت بوده و محصولی ناهمگن بیافریند.

از این رو مطابق پیشنهاد لورچ و همکاران از آنجایی که شرایط نهادی از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است، در تبیین وضعیت نظام مدیریت ساخت و ساز هر منطقه‌ای باید به خود آن منطقه مراجعه کرد؛ چرا که تعریف این موضوع نیازمند درک مفاهیم و شیوه‌های حکمروایی، سازگار کردن آن با امر ساخت و ساز و به کارگیری آن در امر قضا برای آن منطقه به خصوص است (Lorch, et al., 2018: 327). این مهم آشکارکننده کلیت چندگانه و پویا (تأثیر متقابل و پیوسته ابعاد تشکیل‌دهنده) نظام مدیریت ساخت و ساز شهری است که اتخاذ رویکردی ضدتقابل‌گرا، مبادله‌ای ذهنی‌گرا و البته بی‌واسطه برای مطالعه آن را اجتناب ناپذیر می‌نماید.

از این رو برای تبیین چنین پدیده‌ای که توسط شهروندان ایجاد، زیست، و معنا می‌شود، مطابق با نظر لوفور یکی از جنبه‌های حقیقت، فضای بازنمایی (Lefebvre, 1991) و با آن بخشی است که سازندگان، نظام مدیریت ساخت و ساز شهری را زندگی می‌کنند. به این معنا که نه با آنچه مسئولان با دستورالعمل‌های اداری بر ساخت و ساز تکلیف می‌کنند و نه با آنچه متخصصان از نظام مدیریت ساخت و ساز شهری توصیف می‌کنند یکی است؛ بلکه با قرار گرفتن در مسیر ساختن و سازنده بودن است که می‌توان فضا مندی منحصر به فرد هر جامعه را توجیه کرد.

۳.۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان و مصاحبه‌ها

از آنجایی که در مطالعه پدیدارشناسانه سؤال کلیدی این است که «افراد چگونه این پدیده را تجربه می‌کنند؟» (کرسول، ۲۰۱۶: ۳۵۱) پس جامعه نمونه باید متشکل از افرادی باشد که این پدیده را بی‌واسطه درک کرده‌اند. در این مسیر هرچند با توجه به کیفی بودن پژوهش، صحیح‌تر آن است که داده‌پردازی تادستیابی به اشباع نظری ادامه یابد؛

اما در پژوهش‌های پدیدارشناسانه، به واسطه ماهیت عمیق داده‌های گردآوری شده، همگونی جامعه و هدفمند بودن روش نمونه‌گیری، اجازه به کارگیری نمونه‌های کوچکتر وجود دارد (Creswell, 2006). از این رو پیرامون حجم نمونه منابع گوناگون از ۱ تا ۴۰ نفر را برشمرده‌اند. در این پژوهش اما نمونه‌گیری بر اساس معیارهای زیر و به صورت هدفمند انجام شد و در نهایت حجم نمونه با توجه به محدودیت‌های

- پژوهش به صورت جدول شماره ۳ تعیین گردید.
- ۱- صاحب‌کاران (در معنای رایج سازندگان) حرفه‌ای بوده و در دوره‌های منظم به انجام کار ساخت و ساز ممارست داشته باشند.
- ۲- با توجه به دوره‌های بلند رکود تجربه شده در سالیان گذشته، حداقل ۱۰ سال سابقه فعالیت داشته باشند.
- ۳- فعالیت آنها در امر ساخت و ساز فعالیت آگاهانه و نتیجه‌بخش بوده باشد.

جدول شماره ۳: اطلاعات جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

مصاحبه	تحصیلات	حدود تجربه	بستر ساخت و ساز
مصاحبه یک	لیسانس مکانیک	۲۰ سال	فقط منطقه یک
مصاحبه دو	لیسانس عمران	۱۰ سال	مناطق یک تا پنج
مصاحبه سه	دکتری برزینگ	۲۵ سال	فقط منطقه پنج
مصاحبه چهار	لیسانس عمران	۲۰ سال	منطقه یک؛ گاهی منطقه سه
مصاحبه پنج	لیسانس معماری	۱۵ سال	فقط منطقه یازده
مصاحبه شش	لیسانس عمران	۲۰ سال	کل شهر
مصاحبه هفت	دیپلم	۳۰ سال	تجرباتی از کل شهر؛ امروزه فقط منطقه یک
مصاحبه هشت	فوق دیپلم عمران	۲۰ سال	منطقه یک تا پنج

۳.۲. برپایی مصاحبه‌ها

و «چه ویژگی‌هایی از شما موجب شده تا سازنده شوید یا در این فضا باقی‌مانید؟». به دنبال این سئوال‌ها که اساسی‌ترین پرسش‌های مصاحبه هستند، سئوال‌ها کنکاشی (مانند می‌توانید مثالی بزنید، آیا منظور شما و غیره) قرار دارد. در سئوال‌ها پایان بخش نیز (مانند سئوال دیگری هست که باید بی‌رسم، سئوالی از من دارید و غیره) در انتهای مصاحبه از مصاحبه‌شوندگان پرسیده شد.

لازم به ذکر است که پس از پیاده‌سازی و تحلیل مضمونی نیز به صورت تلفنی تماس‌هایی با سازندگان برقرار شده و مضامین احصا شده برای اطمینان از دقت تحلیل‌ها با ایشان به اشتراک گذاشته شد.

۴. بحث و یافته‌ها

۶۷ عنوان برآمده از درون مایه استخراج شده از متن مصاحبه‌ها، پس از چند نوبت ویرایش، در نهایت به ۱۷ مضمون سازمان دهنده انجامید. در واقع در این مرحله سعی شد تا فصل مشترک مضامین پایه خوشه‌بندی شود. این کار با رفت و برگشت پیاپی میان رهیافت کل‌نگرو جزء نگرو و غوطه‌وری در داده‌ها ممکن شد. این خوشه‌بندی‌ها که ختم به تشکیل مضامین سازمان دهنده شده، در جدول شماره ۴ آمده است. در ادامه نیز هر یک از مضامین سازمان دهنده با تکیه بر تجربیات زیسته سازندگان توصیف می‌شود.

به واسطه راهبرد پدیدارشناسانه پژوهش حاضر، مصاحبه بر تجربه‌زیسته سازندگان در امر ساخت و ساز متمرکز شده و ذات پدیده را مورد مطالعه قرار می‌دهد. از این رو هرچند پژوهشگر با تعدادی سئوال از پیش طراحی شده به سراغ سوژه می‌رود، ولی هرچایی که احساس کند تغییر و طرح سئوال‌ها جدید یا موشکافی در پاسخ‌های مصاحبه‌شونده زمینه بروز معنا را مهیا خواهد ساخت، به این اقدام مبادرت می‌ورزد. از این رو مصاحبه از نوع نیمه‌ساختاریافته بوده و سئوال‌ها آن به صورت کلی به چهار نوع قابل تقسیم است. نخست سئوال‌ها آغازین است؛ مانند این که «چطور شد که سازنده شدید؟» و پژوهشگر با این سئوال‌ها به سراغ مجموعه وسیعی از وقایع و رویدادهای تقویمی زندگی سازندگان می‌رود. سپس سئوال‌ها هستند که به بازسازی تجربیات آنها از جزئیات واقعی نظام مدیریت ساخت و ساز شهری بستگی داشتند. با توجه به نیمه‌ساختاریافته بودن مصاحبه‌ها، پنج سئوال اصلی این بخش عبارتند از: «مدیریت شهری در رسیدن به نقطه فعلی چه میزان به شما کمک کرده؟ یا چرا شما را بازداشته است؟»، «فساد در مدیریت ساخت و ساز شهری به چه صورت است؟»، «تعاملات شما با ذی‌نفعان مختلف به چه صورت است؟ یا با چه اقشاری سر و کار دارید؟»، «تا به حال تخلفی نسبت به پروانه ساخت اولیه داشته‌اید؟»

جدول شماره ۴: تشکیل مضامین سازمان دهنده ←

منبع	مضامین پایه							مضمون سازمان دهنده
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	
■	■	■					■	حجم بالای گردش مالی و انتظار حاشیه سود بالا در مقایسه با سایر بازارها
■			■	■	■	■	■	
	■		■				■	
■			■	■			■	در حاشیه قرار داشتن تخصص نسبت به سایر نهادها
■				■			■	
■			■	■			■	وجود الگوی حرکت فضایی برای رشد سازندگان
			■	■			■	
■				■			■	
■	■	■					■	برند و رقابت میان سازندگان
■	■	■		■			■	

← ادامه جدول شماره ۴: تشکیل مضامین سازمان دهنده ←

منبع								مضامین پایه	مضمون سازمان دهنده
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸		
■		■	■	■	■	■	■	غلبه بر سختی های کار سازندگی (به خصوص اداری)	اهمیت استمرار انگیزه های بالا برای کسب سود
	■			■	■		■	سازنده ماندن علی رغم تأمین انتظارات مالی اولیه	
■							■	سر و کار داشتن با افرادی از اقشار مختلف اجتماعی	
■	■	■	■	■	■	■	■	اهمیت برخورداری از امکانات مالی	برخورداری از امکانات مالی، فنی و اطلاعاتی
■	■	■	■	■	■	■	■	اهمیت برخورداری از امکانات فنی و دانشی	
■	■	■	■	■	■	■	■	اهمیت برخورداری از اطلاعات کافی	
■			■	■	■	■		نیاز به رابطه برای پیش برد کار	حفظ و گسترش ارتباطات راهبردی
	■		■		■			نفع رسانی به رابطه ها	
			■		■			کاهش هزینه های مبادله	
■	■	■	■	■	■	■	■	مهارت های ادراکی	مهارت های ادراکی، فنی و کارآفرینی
■	■	■	■	■	■	■	■	مهارت های فنی	
■	■	■	■	■	■	■	■	مهارت های کارآفرینی (رهبری، مدیریت، رقابت، انعطاف، ثبات قدم، اشتغال زایی و غیره)	
■	■	■		■	■	■	■	نوآوری در محصول	تولید فضا با نیازسنجی و نیازسازی برای استفاده کنندگان، در راستای دغدغه نقد شونددگی
■	■	■		■	■	■	■	توجه به خواست مشتری	
■	■	■		■	■	■	■	اهمیت سرعت نقد شونددگی	
■	■	■		■	■	■	■	عدم شفافیت در انتشار	ناکارآمدی در محتوا، بی ثبات، محدود کننده، تفسیرپذیری و غیرشفاف در انتشار
■							■	تفسیرپذیری	
■			■		■		■	ناکارآمدی طرح تفصیلی	
■			■			■	■	تغییرات پیاپی قوانین	
■			■			■	■	تفرق مقررات در اهداف	
■	■	■		■	■		■	روزآمد یا قابل توجه نبودن مقررات	
	■	■					■	عدم پوشش دهی مناسب همه موضوعات	
■	■	■			■			محدود کننده بودن که در عمل به خلاف می انجامد	
	■					■		سرریز مسائل کلان کشور به ساخت و ساز	
				■	■			مشارکت ندادن سازندگان برای ارائه پیشنهاد در تدوین ضوابط	
■				■	■			توأم نبودن کل نگر و جز نگر (بی توجه به مقیاس)	ناکارآمدی رویه ای، متفرق، بی دانش، غیرمنعطف، مسئولیت گریز، هزینه زا و فساد خیز
■	■	■	■	■	■	■	■	سلیقه ای بودن فرآیندها	
■	■	■	■	■	■	■	■	متفرق بودن سازمان	
■	■	■	■	■	■	■	■	بی مسئولیتی و مسئولیت گریزی متولیان	
■	■	■	■	■	■	■	■	فقر دانشی در بدنه مدیریت	
■	■	■	■	■	■	■	■	کندی کارهای اداری	
■	■	■	■	■	■	■	■	تحمیل عدم قطعیت بالا به پروژه ها	
■	■	■	■	■	■	■	■	بی توجهی نسبت به صلاحیت سازندگان	
■							■	عدم ضمانت اجرایی کنترل ها	
■				■	■	■	■	(حتی در جاهایی تغییر ماهیت به مشوق خلاف)	
■				■	■	■	■	فساد خیز بودن	ناکارآمدی بینشی، ابتنای مدیریت ساخت و ساز شهری بر کسب درآمد
■	■	■	■	■	■	■	■	درآمد از محل جواز و خلاف برای هزینه های بودجه ای	
								درآمد برای هزینه های جانبی سازمان	مردم، ناآگاه، کم فروغ و بی آتیه
■					■	■	■	مردم به عنوان مشتری	
	■	■					■	جلوگیری از چالش با همسایگان	
■								مردم به عنوان شریک تجاری	سازندگان، انباشت سرمایه در قالب فضا، اعتبار، ظرفیت سیاسی
	■							مردم به عنوان مالک نهایی	
■	■	■	■	■	■	■	■	انباشت فضایی سرمایه	
								قدرت آفرین بودن ثروت	بخش عمومی، از تشویق توسعه فاقد ارزش تا پس رفت های ضد ارزش
■	■	■	■	■	■	■	■	کسب اعتباری که هزینه کارهای بعدی را می کاهد	
	■				■			برخوردار شدن از ظرفیت سیاسی	
							■	ائتلاف بخش عمومی و سازندگان	بخش خصوصی؛ مهندسان و پیمانکاران؛ استفاده پذیری کنندگان فضا
■	■	■	■	■	■	■	■	اشتتیاق به ساخت و ساز در هر نوع آن	
■	■	■	■	■	■	■	■	عدم تناسب وضع موجود با مأموریت محوله	
■	■	■	■	■	■	■	■	تبعات منفی رفتار بخش عمومی	بخش خصوصی؛ مهندسان و پیمانکاران؛ استفاده پذیری کنندگان فضا
■							■	اهمیت نگهداشتن پیمانکاران	
■	■						■	اقدامات تخصصی مهندسان	
■								به خدمت گرفتن مهندسان	

← ادامه جدول شماره ۴: تشکیل مضامین سازمان دهنده

منبع								مضامین پایه	مضمون سازمان دهنده
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸		
■				■	■		■	حضور مخرب بانک‌ها	بخش خصوصی؛ بنگاه‌های معاملات ملکی و بانک‌ها؛ حامیان افزایش ارزش معامله
■	■	■	■	■	■	■	■	بی‌اثری تسهیلات بانکی	
■			■	■	■		■	نقش دلال مابانه بنگاه‌ها	
	■	■	■	■				عدم شناخت نسبت به مسئولیت برنامه‌ریزانه دولت	بخش دولتی؛ در خلوت تصمیم‌گیری
■					■		■	عدم امکان اثرگذاری بر بخش دولتی	

در ادامه با کنار هم قرارگیری مضامین سازمان دهنده، مضامین فراگیر مضامین با اتکا به مضمین تشکیل دهنده خود توصیف می‌شوند. در چهار دسته (جدول شماره ۵) شکل گرفتند. در ادامه هر یک از این

جدول شماره ۵: چگونگی نظام ساخت‌وساز شهری تهران در تجربه زیسته سازندگان

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده
مفروضات اساسی ساخت‌وساز شهری تهران	کمیت قابل توجه آورده مالی و انتظار حاشیه سود بالا در مقایسه با سایر بازارها؛
	در حاشیه قرار داشتن تخصص نسبت به سایر نهاده‌ها؛
	وجود الگوی فضایی حرکت برای سازندگان؛
عوامل توانمندساز سازندگان	استمرار انگیزه‌های بالا برای کسب سود؛
	برخورداری از امکانات مالی، فنی و اطلاعاتی؛
	حفظ و گسترش ارتباطات راهبردی؛
	مهارت‌های ادراکی، فنی، کارآفرینی و رقابتی؛
ناکارآمدی‌های تحمیلی از سوی نظام مدیریت ساخت‌وساز	تولید فضا با نیازسنجی و نیازسازی برای استفاده‌کنندگان؛ در راستای دغدغه نقد شون‌دگی؛
	ناکارآمدی در محتوا؛ بی‌ثبات، محدود کننده، تفسیرپذیر و غیرشفاف در انتشار؛
	ناکارآمدی رویه‌ای؛ متفرق، بی‌دانش، غیرمنعطف، مسئولیت‌گریز، هزینه‌زا و فسادخیز؛
نقش ذی‌نفعان مختلف در ساخت‌وساز شهری تهران و پیام‌آن	ناکارآمدی بینشی؛ ابتدای مدیریت ساخت‌وساز شهری بر کسب درآمد از ساخت‌وساز؛
	مردم؛ نقشی متناقض در تجربه زیسته سازندگان؛ آگاه برای مصرف و ناآگاه برای تولید؛
	سازندگان؛ انباشت سرمایه در قالب فضا؛ اعتبار؛ ظرفیت سیاسی؛
	بخش عمومی؛ از تشویق توسعه فاقد ارزش تا پس‌رفت‌های ضد ارزش؛
	بخش خصوصی؛ مهندسان و پیمانکاران؛ استفاده‌پذیری کنندگان فضا؛
بخش خصوصی؛ بنگاه‌های معاملات ملکی و بانک‌ها؛ حامیان افزایش ارزش معامله؛	
بخش دولتی؛ در خلوت تصمیم‌گیری.	

ساخت‌وساز» دریافت می‌کردند. در همین راستا علی‌رغم این که «غلبه نگرش صرفاً فنی، در نظام هدایت و کنترل ساخت‌وساز شهری تهران» مکرراً از سوی سازندگان مورد توجه بود اما «مهندسان‌دی‌صلاح» نیز حضوری حاشیه‌ای و محدود به تأمین حداقل‌ها داشتند. «الگوی حرکت فضایی سازندگان در شهر» نیز در دسته مفروضات پایه قرار دارد. به این معنا که جانمایی پروژه‌های سازندگان در گذر زمان، تابعی از رشد سازندگان بوده و با حرکت در پروفیل فضایی مشخصی عینیت می‌یابد. در واقع از آنجایی که آورده مالی یک سازنده نوپا، لزوماً این امکان را نمی‌دهد که در هر نقطه‌ای از شهر ساخت‌وساز کند و هم‌زمان موجودی زمین، در برابر تعداد زیاد سازندگان محدود است، رقابت میان سازندگان برای «افزایش فاصله قیمت فروش با هزینه تمام شده»، آنها را مجاب به حرکت در مسیر فضایی می‌کند که بتوانند، «برند» خود را بهبود بخشیده و «هزینه‌های مبادله» شامل هزینه‌های ارجاع کار، هزینه‌های ناشی از دیر نقدشوندگی ساخته‌ها، هزینه‌های سروکار داشتن با همسایگانی از اقشار ضعیف‌تر و غیره را کاهش دهند. در این راستا «حرکت به سمت شمال» به واسطه استمرار سودبخشی در طی زمان، به صورت الگویی ارزشی نزد سازندگان نهادینه شده و رفتار ایشان در انطباق با صفات و ویژگی‌های مورد نیاز آن تعریف می‌شود.

۴٫۱. مفروضات اساسی ساخت‌وساز شهری تهران نزد سازندگان تجربیات سازندگان از نظام ساخت‌وساز شهری تهران، برجسته کننده سه فرض اساسی در مورد بستر عمل این فعالان بخش خصوصی است. یکی از این مفروضات «کمیت قابل توجه آورده مالی برای انجام این فعالیت» است. در واقع از آنجایی که «سازندگان با اتکا به منابع مالی به دست آمده از سایر بازارها» وارد ساخت‌وساز می‌شوند و این حضور به واسطه «اشاره‌ای (مقایسه‌ای) که نسبت به نرخ سوددهی سایر بازارها» دارند، حضوری «آگاهانه برای رسیدن به سودهایی بالاتر» است، انتظارات سوددهی از فعالیت در بازار ساخت‌وساز در نسبت با سایر بازارها بالاتر بوده و این انتظار، پیوسته حجم سرمایه‌های مالی مورد نیاز برای حضور در این بازار را بزرگتر می‌کند. از این رو سازندگان برای فعالیت در امر ساخت‌وساز و تحقق سود مورد انتظار خود، از دو سیاست تملک‌ساخت و یا مشارکت‌ساخت بهره‌می‌برند. «درحاشیه قراردادن تخصص نسبت به سایر نهاده‌ها» دیگر واقعیت مفروض است. البته این گزاره، به معنای نفی اهمیت بینش فنی نیست؛ اما از آنجایی که سازندگان لزوماً مهندس نبودند، دانش فنی در رده دوم (یا پایین‌تر) اهمیت از سوی ایشان قراردادن داشت و ایشان می‌توانستند دغدغه‌هایی از جنس فنی را با به کارگیری مهندسانی برطرف کنند که عملاً «دستمزد کمتری نسبت به سایر بازیگران

۴٫۲. عوامل توانمندساز سازندگان در نظام ساخت‌وساز شهری

تهران

هرچند «ملزومات» و «اقدامات» را می‌توان در جهان نظری از هم تفکیک کرد ولی آنچه در تجربه زیسته سازندگان نمود یافت، پیوستگی میان این دو در عمل است. در تجربه زیسته سازندگان، «آنچه لازم بود» به کار گرفته شده و «آنچه انجام می‌شد (اقدام)» تقویت‌کننده ملزومات برای حضور در سطحی بالاتر بود. در بیانی ساده‌تر، ماهیت عملگر و اقتصادی ساخت‌وساز باعث می‌شد تا مجموعه آورده و تلاش سازندگان در امر ساخت‌وساز، در کلیتی به نام عوامل توانمندساز جمع شوند.

با این همه یکی از عوامل توانمندساز برای حضور پیوسته در عرصه ساخت‌وساز، عامل انگیزه است. در واقع «استمرار انگیزه (عمدتاً برای کسب سود)» کمک می‌کند تا سازنده وارد ساخت‌وساز شده و بتواند با همه سختی‌ها و پیچیدگی‌ها در این مسیر ادامه دهد. از مواردی که برای فائق آمدن بر آنها، استمرار عامل انگیزه لازم است، سه واقعیت یاد شد: «سختی فرآیندهای اداری»، «پیچیدگی سر و کار داشتن با اقشار مختلف اجتماعی (اعم از مهندس، کارگر، بنگاه، خریدار، همسایه و غیره)» و البته «افت طبیعی میزان سختی‌پذیری (تلاش) با رسیدن سازنده به اشیاع مالی» است.

دیگر عامل توانمندساز به نهادهای سازنده مربوط است. نهادهایی که در تجربه ایشان به سه دسته «امکانات مالی» (پول)، «امکانات فنی» (اعم از اکیپ‌های مجری، مهندسان و متخصصان هم‌فکر، ماشین‌آلات و غیره) و البته «امکانات اطلاعاتی» (شامل اشراف به قوانین مبنای عمل، فرآیندهای اداری، شرایط منطقه، شرایط ملک، قیمت دستمزدها، محل و نحوه تهیه مصالح و غیره) است. این امکانات در هر فعالیت ساخت‌وساز موفق، تقویت‌شده و اساس کار بعدی را شکل می‌دهند.

«حفظ و گسترش ارتباطات راهبردی» دیگر عامل توانمندساز برای سازندگان بوده و حداقل مزیت آن «کاهش هزینه‌های مبادله‌ای (به خصوص در فرآیندهای اداری)» است. تاجایی که ایشان مکرراً به ضرورت داشتن «روابط برای پیش‌برد کارها» اشاره می‌کردند. در نظر سازندگان سطح روابط مورد نیاز تابعی از بزرگی کار است. به این معنا که هرچه متراف بالاتر، منطقه بالاتر و یا کاربری گران‌تر باشد، باز کردن گره‌های آن، به ارتباط با افراد سطح بالاتری هم نیاز دارد. لازم به ذکر است که طرف ارتباط را اقشار مختلفی تشکیل می‌دهند (مهندس، مشاور املاک، سیاسیون، اهالی بخش عمومی و غیره) که مهم‌ترین آنها در تجربه زیسته سازندگان با قدرت‌ترین شان است. همچنین این ارتباط برای سازندگان بی‌هزینه نیست و آنها برای حفظ و گسترش آن، اقداماتی را برای «نفع‌رسانی به ایشان» انجام می‌دهند.

دیگر عامل توانمندساز، «مهارت‌های سازندگان» است و سه دسته مهارت‌های «ادراکی، فنی و کارآفرینی» را در برمی‌گیرد. در این میان مهارت‌های ادراکی، به معنای درک پیچیدگی‌ها و شرایطی است که از سوی محیط بر سازنده تحمیل می‌شود. این مهارت‌های ادراکی است که مباحث اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی را وارد تصمیمات سازنده می‌کند و از مرحله آغاز ساخت‌وساز، هدف‌گذاری‌ها و انتخاب همکاران تا تعیین زمان و قیمت فروش، از تصمیمات وی پشتیبانی می‌کند. دیگر مهارت لازم مورد اشاره از سوی سازندگان، به ماهیت

فنی-مهندسی ساخت‌وساز بازگشته و با توانایی و ورزیدگی ایشان در به کارگیری ابزارها و روش‌ها سروکار دارد. از این‌رو در این پژوهش «مهارت‌های فنی» نامیده شد. این دست مهارت‌ها که با تحصیلات و تجربیات حاصل می‌شود، با حضور مهندسان در کارگاه تضمین شدنی است. دیگر دسته مهارتی نیز شامل «مهارت‌های کارآفرینی» است. این دسته که خود سوبیه‌هایی از دو مهارت پیشین را با خود دارد، ناظر به توانایی مدیریتی سازنده، در همسو کردن منابع و مهارت‌ها در جهت ارزش‌آفرینی برای کسب بهترین نتیجه ممکن است. از این‌رو دربرگیرنده تجربیات و صفاتی از سازندگان است که رقابت‌پذیری ایشان، انعطاف در عین ثبات، دغدغه اشتغال‌زایی، توانایی مدیریت رهبری، توانایی تصمیم‌گیری و غیره را بازنمود می‌سازد.

گزاره «تولید فضا با نیازسنجی و نیازسازی برای استفاده‌کنندگان در راستای دغدغه نقدشوندگی» دیگر عامل توانمندساز، برای استمرار بخشیدن به حضور سازندگان در ساخت‌وساز شهری تهران است. در واقع سازندگان در گام نخست می‌کوشند تا «نیازهای مشتریان خود را تأمین کرده» و سپس «با نوآوری در محصولات» و ارائه سطوح بالاتری از کیفیت برای خود ارزش‌آفرینی کنند. در این مسیر، برآورده شدن «دغدغه قابلیت نقدشوندگی ساخته‌ها» هم اصلی است که نیازسنجی را لازم می‌کند و هم مبنایی است برای تعیین اثربخشی نوآوری‌ها.

۴٫۳. ناکارآمدی‌های تحمیلی از سوی نظام مدیریت ساخت‌وساز

شهری تهران

این مطالعه نشان می‌دهد که نتایج اقدامات سازنده، در چارچوبی از نظام مدیریت ساخت‌وساز شهری شکل می‌پذیرد. به عبارتی وضعیت کلان نظام مدیریت ساخت‌وساز شهری به صورت عام و ناکارآمدی‌های موجود در آن به صورت خاص، واقعیت ساخت‌وساز شهری را متأثر می‌کند.

در تجربه زیسته سازندگان «ناکارآمدی‌های محتوایی (حول مقررات مبنای عمل)» یکی از انواع این شرایط تحمیلی بود و خود را در قالب این مفاهیم در تجربه زیسته سازندگان متبلور می‌ساخت: «عدم شفافیت در انتشار»، «تفسیرپذیری»، «تغییرات پیاپی»، «متفرق بودن در اهداف»، «روزآمد و یا توجیه‌پذیر نبودن»، «عدم پوشش‌دهی مناسب همه موضوعات»، «محدودکننده بودن که در عمل به خلاف می‌انجامد»، «غیر مشارکتی بودن نسبت به سازندگان» و «توأمان نبودن نگاه کل‌نگر و جزنگر در آنها، ضمن بی‌توجهی به مقیاس». البته سازندگان نسبت به «ناکارآمدی طرح‌تفصیلی» نیز بسیار مضر بوده و این چارچوب مهم برنامه‌ریزانه برای هدایت ساخت‌وساز شهری را دچار ایرادات بنیادین و تناقضات ساختاری می‌دانستند. همچنین، سازندگان بخشی از ناکارآمدی محتوایی را «سرریز مسائل کلان کشور به ساخت‌وساز شهری تهران» عنوان کرده و می‌گفتند که مستقیماً چشم‌اندازها و تصمیمات ایشان را متأثر می‌سازد.

«ناکارآمدی در رویه‌ها» و یا ناکارآمدی در روش انجام، از دیگر شرایط تحمیلی به ساخت‌وساز شهری است. در واقع در تجربه زیسته سازندگان سازمان نظام مدیریت ساخت‌وساز شهری تهران، سازمانی «متفرق»، «بی‌مسئولیت و یا مسئولیت‌گریز»، «کم‌دانش»، «کند»، «بی‌توجه به صلاحیت سازندگان»، و «فساد خیز» است که با بروز «رفتارهای

تهران است. این موضوعات سازندگان را در جایگاه سرمایه‌دارانی قرار داده که توسعه شهری وام‌دار ایشان است.

۴.۴. نقش و پیامد ساخت‌وساز شهری تهران برای ذی‌نفعان مختلف

دیگر دسته مضامین فراگیر این قسمت از پژوهش ناظر، به تفکیک ذی‌نفعان مختلف، در تجربه زیسته سازندگان است. به واقع سازندگان، حضور و ثمره حضور کنشگران مختلف در ساخت‌وساز شهری تهران را با تقسیم بندی ایشان به شش گروه ذی‌نفع انجام می‌دادند. جدول شماره ۶ چستی و چگونگی این ذی‌نفعان را در تجربه زیسته سازندگان بیان می‌کند.

سلیقه‌ای در فرآیندها، اعمال «کنترل‌های کم‌اثر نسبت به امر ساخت‌وساز» و همچنین «تحمیل عدم قطعیت‌های بالا به سازندگان»، مسیر نامناسبی را پیش روی سازندگان قرار می‌دهد.

دیگر واقعیت تحمیلی بر شرایط ساخت‌وساز شهری تهران، ریشه در نگرش نظام مدیریت ساخت‌وساز شهری «به تولید فضا» دارد. در واقع «انتکای درآمدی نظام مدیریت ساخت‌وساز و فراتر از آن مدیریت شهری تهران به ساخت‌وساز شهری» که در قالب ردیف بودجه‌های قانونی، برای کسب درآمد از محل صدور جواز ساخت‌وساز و جریمه از بابت تخلفات مرتبط با آن بروز می‌یابد، در کنار مراجعه این سازمان به سازندگان، برای همیاری کردن در تأمین بخشی از هزینه‌های جانبی مدیریت شهری، از عوامل تحمیل شده به واقعیات ساخت‌وساز شهری

جدول شماره ۶: چستی و چگونگی ذی‌نفعان مختلف در تجربه زیسته سازندگان ←

ماهیت	دسته	چیستی؟	چگونگی؟
مردمی	همسایگان	ساکن در مجاورت کارگاه	تهدید بالقوه برای اخلاف در برنامه‌ها و فرآیندها و مورد رسیدگی سازندگان.
	مشتریان	متقاضیانی که نیازهای فضایی خود را در محدوده توان مالی‌شان تأمین می‌کردند.	ناآگاه نسبت به مؤلفه‌های کیفی؛ و این ناآگاهی خود به بی‌کیفیتی ساخته‌ها دامن می‌زد، بیشتر ویژگی‌های بصری در تولید فضا (نظیر نما) را مد نظر دارند.
	تملک‌کنندگان	متقاضیان تصرف فضا که بیشتر براساس مناسبات اجتماعی تصمیم می‌گرفتند.	«فاصله ارزش استفاده» نسبت به «ارزش معامله» بر اساس سبک زندگی خود توجیه می‌کردند.
	شرکای آتی	مالکان زمین‌ها و یا املاکی که همچنان ارزش توسعه داشت.	معطوف به قدرالسهم
بخش عمومی	نظام مهندسی	متولی کنترل رعایت دستورالعمل‌های فنی در تولید فضا	در حاشیه کنترل حداقل‌های فنی، بی‌تفاوت نسبت به وضعیت مهندسان کند.
	شهرداری (و سایر بخش‌ها)	متولی اصلی مدیریت تولید و مصرف فضای شهر	سازمان متفرق، فرآیندهای سلیقه‌ای، بی‌مسئولیتی و مسئولیت‌گریزی متولیان، فقر دانشی، کندی کارها، تحمیل عدم قطعیت بالا به پروژه‌ها، بی‌توجه نسبت به صلاحیت سازندگان، عدم ضمانت اجرایی کنترل‌ها، [گاهی] مشوق تخلف و فسادخیز بودن.
	سازندگان	سرمایه‌داران صنعتی	سرمایه‌هایشان به شکل فضا بوده و سودشان در افزایش فضای تحت تملک است. هر چند در دوره‌های رکود کم‌کاری می‌شوند، ولی همچنان فعالیت اصلی‌شان ساخت‌وساز است.
خصوصی	بسیار بفروش‌ها	سرمایه‌داران تجاری	سرمایه‌هایشان به شکل پول بوده و آن را به هر بازاری که سود داشته باشد، تزریق می‌کنند. در همین راستا ایشان پول خود را وارد بازار ساخت‌وساز کرده و تلاش می‌کنند تا با استفاده از ظرفیت‌های دوران رونق، پول خود را افزایش دهند. ایشان تمام آنچه به عنوان عوامل توانمندساز در این مسیر نیاز دارند را با پول تهیه می‌کنند.
	مشاورین املاک	ارزیاب، بازاریاب	با حداقل آورده و بدون هیچگونه مسئولیت‌پذیری، وارد رقابت‌های فضایی سازندگان شده و از آن کسب سود می‌کنند.
	بانک‌ها	در پی ارزش معامله	مالکین عمده بخش‌هایی از شهر که ارزش معامله بسیار بالاتری از ارزش استفاده دارد را معالیه می‌کردند.
	پیمانکاران	تیم‌های اجرایی	جزو امکانات سازندگان محسوب شده و ایشان تلاش می‌کردند تا آنها را نگه دارند.
	مهندسان ذی‌صلاح	طراح	خروجی‌های ایشان ضمانت اجرایی کافی ندارد.
		مجری	به واسطه حضوری تشریفاتی عملاً فقط پاسخگوی سوانح احتمالی هستند. مسئول کنترل و حصول اطمینان از تحقق حداقل ارزش‌های فنی مورد انتظار از ساختمان که برای جلوگیری از هزینه، سازندگان با ایشان مدارا می‌کردند.
	دولتی	مهندسان اسمی	مهندسان صاحب بزندگی که احتمال نقد شوندگی فضا را افزایش می‌دادند.
مهندسان قراردادی		مهندسانی که برای پیش برد جنبه‌های فنی به استخدام کارگاه ساختمانی درمی‌آیند.	دستمزد پایین و پیاده کننده نظرات سازنده.
شرکت‌های خصوصی		تأمین‌کننده زیرساخت‌ها	غیر شفاف در انتشار، مبهم در ادبیات، تفسیرپذیر، تفرق در اهداف، [گاهی] غیر روزآمد و توجیه‌ناپذیر، محدود کننده و زمینه‌ساز تخلف، بی‌توجه به مقیاس، عدم نگاه توأمان به کل و جز، سرریز مسائل کلان، تغییرات پیاپی، عدم پوشش دهی همه موضوعات و غیر مشارکتی.

۵. نتیجه‌گیری

در این مقاله به مطالعه «چگونگی نظام مدیریت ساخت و ساز شهری تهران در تجربه زیسته سازندگان» پرداخته شد. مطابق روش معرفی شده در بخش روش‌شناسی، از راهبرد پدیدارشناسی و تکنیک تحلیل مضمون در مسیر رسیدن به نتایج استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش متشکل از هشت نفر از سازندگان با تجربه شهر تهران است. انجام مصاحبه عمیق مبنای استخراج داده‌ها بود و پس از آن مصاحبه‌ها پیاده‌سازی شده و مضامین معنادار در آن شناسایی و با ایشان به اشتراک گذاشته شد. لازم به ذکر است که راهبرد پدیدارشناسانه این قسمت ایجاب می‌نمود تا پژوهشگر نسبت به علوم جاری و تجربیات شخصی خود اپوخه (امتناع) نموده و با مواجهه بدون پیش‌داوری با داده‌ها، معانی بروز یافته را به لحاظ افق یکسان‌سازی نماید. به این ترتیب، مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر، به دنبال هم و با دسته‌بندی معنا در گام‌های مختلف بروز یافتند؛ که ثمره ۶۸ مضمون پایه آن ۱۷ مضمون سازمان‌دهنده و چهار مضمون فراگیر بود. در نهایت می‌توان نظام مدیریت ساخت و ساز شهری تهران در تجربه زیسته سازندگان را چنین بیان کرد:

در تجربه زیسته سازندگان، نظام مدیریت ساخت و ساز شهر تهران، برخاسته از همکاری بازیگران مختلف برای تبدیل فضا به ارزش مالی است. هرچند در این مسیر بازیگرانی هم هستند که به صورت طبیعی، به اقتضای تخصص و یا به واسطه ماهیت عملکردی فضا، این ارزش مالی را به ارزش استفاده پیوند می‌زنند؛ اما برد اثرگذاری این بازیگران عموماً به تعیین حداقل‌های ایجابی محدود بوده و در میان کنشگران مختلف، قدرت بالایی برای اثرگذاری بر تولید فضا ندارند.

مهم‌ترین این بازیگران «مردم» هستند که هرچند بنا بر خواسته‌ای که برای تملک و استفاده از فضا دارند، در دسته‌های مختلفی پیش‌روی سازندگان مجسم می‌شوند. اما در نهایت باید خواسته خود را با موجودی ساختمان در شهر تطبیق داده و از میان آن فضای مطلوب خود را برگزینند. دیگر بازیگر این بخش مهندسان هستند که بر پایه تحصیلات تخصصی و مجوزهای قانونی درپیش‌برد فنی ساخت و ساز شهری نقش دارند. اما به دلایل گوناگون درون و برون صنفی، عموماً مأموریت اصلی ایشان، در خدمت به سازندگان خلاصه شده و باید بتوانند در فصل مشترک مقدمات قانون و مقصودات سازندگان حرکت کنند.

از این‌رو نقش سازندگان برجسته می‌شود. ایشان به واسطه عوامل توانمندساز (امکانات، انگیزه، مهارت و اقدامات نوآورانه)، وارد مناسبات تولید فضای شهری شده و به آن استمرار می‌بخشند. ایشان تلاش می‌کنند تا ضمن پاسخگویی به تقاضاهای فضایی استفاده‌کنندگان، برای خود ارزش افزوده بیافرینند. این ارزش افزوده در قالب انباشت‌های فضایی معنا شده و ارزش نهایی آن با قابلیت نقد شوندگی در بازار تعیین می‌شود؛ قابلیت‌هایی که فضا را در جایگاه یک کالای بازاری قرار می‌دهد.

با این همه ساخت و ساز جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی شهروندان را تحت تأثیر قرار داده و ابعاد مختلف حقوقی می‌یابد. از این‌رو تحت تأثیر نهادهای اجتماعی قرار دارد. در نظام مدیریت ساخت و ساز شهری تهران، متولی هدایت و کنترل ساخت و ساز، «بخش

عمومی» است. بازیگران عمده این بخش شامل شهرداری تهران و مجموعه‌های وابسته آن (آتش‌نشانی، فضای سبز، پلیس ساختمان و غیره) و همچنین سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران است.

فعالیت‌های بخش عمومی در مسیر مأموریت‌های خود، به دلایل گوناگونی با نارسایی‌ها و ناکارآمدی‌هایی همراه است که مانع از تضمین تحقق اهداف اولیه ایجاد این سازمان‌ها می‌شود. از جمله این موانع ناکارآمدی در محتواهای مورد پیگیری (تفسیرپذیری، عدم پوشش‌دهی مناسب و غیره) و روبه‌های جاری در آن (متفرق بودن، بهره‌ینه بودن، فسادخیز بودن و غیره) است. از سوی دیگر اما انجام مأموریت‌های بخش عمومی - که فراتر از مدیریت ساخت و ساز شهری را هم در برمی‌گیرد - تا حدود زیادی وابسته به درآمدهای ناشی از ساخت و سازهای شهری است. موضوعی که به شکل‌گیری انتظارات درآمدی از ساخت و ساز شهری انجامیده و با افزایش هزینه‌های این بخش، اولویت و اهمیت بالاتری نیز می‌یابد.

این موضوعات در کنار کالایی شدن فضا سبب می‌شود تا نقش نهادهای مالی نسبت به سایر نهادهای امر ساخت و ساز شهری تهران بسیار پررنگ شود و هرچه بیشتر فاصله میان بساز بفروش (سرمایه‌داری تجاری) و سازنده (سرمایه‌داری صنعتی) کم‌رنگ گردد. موضوعی که از تبعات آن می‌توان به این مواردی اشاره کرد: [۱] واگذار شدن تأمین کالاهای فضایی قابل استطاعت و بهره‌ورانه - به عنوان نیازهای قانونی و اساسی شهر و شهروندان - به شرایط بازار، [۲] افزایش هزینه‌های مدیریت شهری، ناشی از گسترش شهر و به تبع آن وابستگی هرچه بیشتر مأموریت‌های بخش عمومی به ساخت و ساز و درآمدهای حاصل از آن و [۳] عدم امکان تضمین کیفیت فنی ساخته‌ها و دوام‌پذیری پایین آنها به دلیل عدم ارزیابی مؤثر صلاحیت سازندگان و در نتیجه افزایش سرعت گردش مالی در این بخش به دلیل تخریب و نوسازی‌های پی‌درپی، ناشی از کوتاه شدن چرخه عمر ساخته‌ها.

همگی این موارد می‌تواند به عنوان مشوق‌هایی برای حضور سرمایه در تولید کالاهای فضایی عمل کرده و حجم نقدینگی در بازار ساخت و ساز شهری تهران را افزایش دهد. موضوعی که به افزایش انتظارات سوددهی از این بازار، در نسبت با سایر بازارها انجامیده است. از این‌رو حضور در بازار ساخت و ساز شهری تهران و اتکا به عوامل توانمندساز آن (امکانات، ارتباطات، مهارت‌ها و غیره) می‌تواند منجر به رشد پیوسته تکیه‌گاه‌های اولیه سازندگان و افزایش انتظارات ایشان از این بازار گردد.

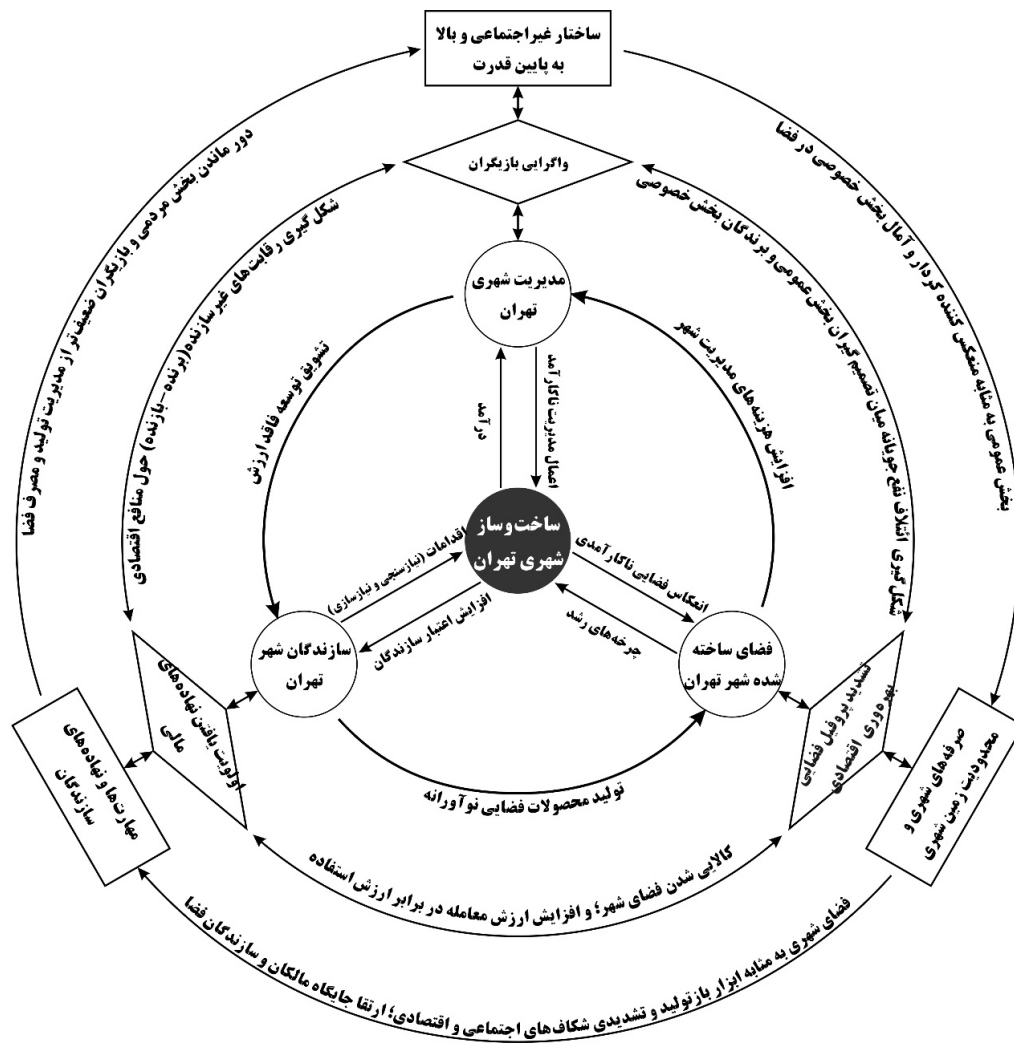
این سناریو که ریشه در منطق سرمایه‌دارانه دارد، در کنار استمرار انگیزه‌های کسب سود بیشتر، ایجاب می‌کند تا سازندگان پیوسته در پی بهبود موقعیت خود در پروفیل سوددهی فضایی شهر تهران برآیند. در واقع ایشان با جابه‌جایی‌های فضایی که انجام می‌دهند، تلاش می‌کنند تا با مقداری افزایش در آورده، مقدار بیشتری سود یا قابلیت نقدشوندگی را نصیب خود کنند. واقعیتی که توانایی تولید فضا را دیگر تنها محدود به تمکن مالی نکرده و رقابت‌های بازاری، نقش مهارت‌ها، ارتباطات و نوآوری‌ها را برجسته می‌کند.

با رقابتی‌تر شدن بازار، ناکارآمدی‌های نظام مدیریت ساخت و ساز شهری - که تا پیش از این تسهیل‌گر تبدیل سرمایه‌دار به سازنده و سرمایه به فضا بود - در نظر سازندگان برجسته می‌شود. این موضوع با

افزایش می‌یابد. از سوی دیگر حجم نهاده‌های سرمایه‌ای نیز در طول این پروفیل افزایش یافته و موجب می‌شود تا با حرکت از جنوب به شمال، این بازار هرچه انحصاری‌تر شده و انتظارات سوددهی باز هم افزایش یابد. از این رو انحنای افزایش ارزش معامله در مسیر حرکت از جنوب به شمال شهر تهران، پیوسته با شیب تندتری نسبت به ارزش استفاده به سمت بالا حرکت می‌کند.

عدم قطعیت‌های گوناگونی که از سوی سازمان مدیریت ساخت و ساز شهری بر سازندگان تحمیل می‌شود، عینیت می‌یابد، منجر به افزایش هزینه‌های مبادله، شده و تلاش‌های سازندگان برای رقابت را نسبت به اهداف خود منحرف می‌سازد.

به واقع از سویی، با رقابتی‌تر شدن ساخت و ساز در مسیر پروفیل سوددهی شهری تهران، اثرات ناشی از عدم قطعیت‌های تحمیلی، تعیین‌کننده‌تر شده و هزینه‌های مبادله تحمیلی به صورت تصاعدی



نمودار شماره ۲: جمع‌بندی تجربه‌زیسته سازندگان در مدیریت ساخت و ساز شهری تهران

تجربه‌زیسته سازندگان می‌توان به صورت خلاصه بیان کرد که نظام مدیریت ساخت و ساز شهری تهران، در پی «تثبیت جایگاه و اعمال قدرت» و برای «انجام آن دسته از مأموریت‌هایی است که تبعات تخطی از آنها، هزینه پیگرد قانونی دارد» و به پیگیری «تحقق درآمدهای مورد نیاز خود» از ساخت و ساز مشغول بوده و این مسیر را با اتکا به «عوامل توانمندساز سازندگان (مهارت‌ها، امکانات، انگیزه‌ها و نوآوری‌ها)»، به وسیله «فرآیندها و محتوای ناکارآمد خود» و به قیمت «کالایی شدن فضای شهری» طی می‌کند. در نهایت ذات و دورنمایه نظام مدیریت ساخت و ساز شهری تهران را می‌توان به صورت نمودار شماره ۲ ترسیم نمود.

در کوتاه مدت، این شیب تند رشد در ارزش معامله، با نرخ رشد مشابهی در ارزش استفاده همراه نمی‌شود. از این رو بانک‌ها و نهادهای متمدن، پررنگ‌ترین نقش را در تملک نواحی نزدیک به راس این پروفیل دارند. اما اهمیت تأمین ارزش استفاده، برای ارتقای قابلیت نقد شوندگی، موجب می‌شود تا این بازیگران پر قدرت، اقدام به جذب زیرساخت‌ها و سرمایه‌های شهری در این نواحی کنند. ثمره این تلاش‌ها توزیع نامناسب منابع در شهر و پیوند خوردن پروفیل رقابت اقتصادی بر سر تولید فضا با عملکردهای شهری است. موضوعی که شکاف‌های فضایی شهر و تبعات ناشی از آن را پشتیبانی می‌کند. از این رو پیرامون چگونگی نظام مدیریت ساخت و ساز شهری تهران در

References

- Abdeh K., M. (2020). Conflict between the interests of public sector and market forces: Impact of interests on land use change trends Case Study: Article 5 Commission of Ahvaz City. Ph.D. Thesis. Art University of Isfahan, Faculty of Architecture and Urban Design. [In Persian].
- Barras, R. (2009). *Building Cycles, Growth & Instability*. London: A John Wiley & Sons.
- Branco P., J., Meijer, F., & Visscher, H. (2010). Building control systems of European Union countries: A comparison of tasks and responsibilities. *International Journal of Law in the Built Environment*, Vol. 2 No. 1, pp. 45-59.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Brenner, N., & Theodore, N. (2002). Cities and the Geographies of "Actually Existing Neoliberalism". *Antipode*, 34(3), 349-379.
- Buchanan, J. M. (1964). What Should Economists Do?. *Southern Economic Journal*. 30 (3): 213-222.
- Creswell, J.W. (2016). *30 Essential Skills for the Qualitative Researcher*. Thousand Oaks, California: SAGE.
- Faraji, S. J., Vali-Noori, S., Taqipour A., A.; Alipour T., A. (2021). Managerial barriers to sustainable Building in the airport city of Iran with emphasis on air passenger terminals. *Scientific Quarterly of Economics and Urban Management*, 35(9), 192-173. [In Persian].
- Fukuyama, F. (2013). What is governance? *Governance*, 26(3), 347-368.
- Harvey, D. (2016). *The way of the World*. London: PROFILE BOOKS LTD.
- Hosseinifar, S. M. (2016). Explaining the role of hidden structures in changes in the space organization of coastal cities (Case study: coastal city of Babolsar). Ph.D. Thesis. Islamic Azad University. Babol Branch, Mazandaran, Iran. [In Persian].
- Imani S., J. (2015) Explaining the spatial developments of Tehran metropolis from the perspective of oil political economy. Ph.D. Thesis. Tarbiat Modares University. art University. [In Persian].
- Jocoy, C. L. (2018). Green growth machines? Competing discourses of urban development in Playa Vista, California. *Urban Geography*, 39:3, 388-412,

ارائه پیشنهادات

در راستای برجسته کردن کاربردهای عملیاتی این پژوهش، پیشنهادات زیر به ترتیب در ابعاد عملی و نظری مطرح می‌شود:

- سازمان مدیریت ساخت و ساز شهری، متناسب با گسترش ابعاد اقتصادی و اجتماعی این فعالیت رشد نیافته و باید به صورت اساسی مورد بازبینی قرارگیرد. از مهم‌ترین مظاهر این رشد نیافتگی، عدم تضمین صلاحیت سازندگان، عدم استفاده از ظرفیت‌های نظارت درون صنفی بخش خصوصی، وابستگی مالی مدیریت شهری به امری که خود وظیفه تحقق نفع عمومی را در آن برعهده دارد و نبود سازوکار مشخص برای اتخاذ تصمیمات سیاستی است؛ موضوعی که خود را در قالب اعمال سلیقه متولیان نشان می‌دهد.
- در این پژوهش، مطالعه وضع موجود با تکیه بر تجربه زیسته سازندگان صورت گرفت. این موضوع می‌تواند به عنوان مبنایی در پژوهش‌های آتی، مثلاً از دید سیاست‌گذاران و یا دست‌اندرکاران مدیریت ساخت و ساز شهری مورد توجه قرارگیرد تا هرچه دقیق‌تر نحوه اثر گذاری سازندگان بر مسیر تهیه و پیاده‌سازی طرح‌های توسعه شهری، انعکاس واقعیات محیط‌طبیعی بر کالبد شهر و واقعیات مدیریت بافت ناکارآمد شهری را بازگو نماید.

محدودیت‌های پژوهش

در طی انجام پژوهش، محدودیت‌هایی بر پژوهشگر و کلیت کار تحمیل شد که مهم‌ترین آنها به صورت زیر است:

- امروزه افراد زیادی تجربه ساخت و ساز در شهر تهران را دارند، اما میان ایشان دستیابی به افرادی که ثبات قدم داشته و ساخته‌های ایشان کیفیتی بالاتر از تراز عمومی ساخته‌های شهر را عرضه کند، هرچه بیشتر دامنه دسترسی به این قشر را محدود می‌کند. در این راستا لازم به ذکر است که این قشر بسیار درون‌گرا و محافظه کار بودند. از این رو تنظیم قرار ملاقات با ایشان و مجاب کردنشان به ضبط متن مذاکرات، گاهی با چند واسطه صورت می‌گرفت. در واقع سازندگان بنا به اقتضانات حقوقی و رقابتی، راضی به بیان شفاف تمامی تجربیات خود نبودند. از این رو پژوهشگر پیش از جلسات، نمونه کارهای سازندگان را مرور کرده و تلاش می‌نمود تا ضمن کنجکاوی نکردن در مسائل شخصی ایشان، فضایی دوستانه را بر مصاحبه‌ها حاکم کند.
- همه‌گیری بیماری کووید ۱۹ و تبعات ناشی از آن، فرصت تنظیم قرار مصاحبه‌های بیشتر با سازندگان را از پژوهشگران گرفت. از اثرات مخرب این وضعیت می‌توان به منتفی شدن پنج قرار مصاحبه با سازندگان به دلیل ابتلای ایشان به کرونا یاد کرد که در یک مورد فوت سازنده و در دو مورد دیگر از دست دادن نزدیکان ایشان منجر به عدم امکان تجدید قرار مصاحبه‌ها شد.

- Kazemian, G. (2003). Explaining the relationship between governance structure and urban power with space organization, trying to design a model, PhD thesis, Tarbiat Modares University. [In Persian].
- Kazemian, G., Aslipour, H., Taqipour A., A., Alipour T., A. (2022a). URBAN BUILDING GOVERNANCE IN IRANIAN RESEARCHER'S REPRESENTATIONS: THE CASE STUDY OF TEHRAN CITY. *Theoretical and Empirical Researches in Urban Management*, 17(1), 5-23.
- Kazemian, G., Aslipour, H., & Taqipour A., A. (2022b). From Governance View; Explanation the Challenges of Tehran's Urban Building Management to Attaining Sustainable Urban Development. *Strategy*, 30(4), 653-689. [In Persian].
- Khojamli, A. (2017). Explain of Geopolitics of Urban Landscape: The Relation Between Power And Politics With The Urban Symbolization- Case Study Tehran. Ph.D. Thesis. Tarbiat Modares University, Faculty of Human Sciences. [In Persian].
- Kristovic, J. (2012). Theories on Capitalist Urbanization and the Post-Socialist City. Series: Philosophy, Sociology, Psychology and History Vol. 11(2). 191 – 200.
- Lefebvre, H. (1991) *The Production of Space*, translated by Nicholson-Smith D. Oxford: Blackwell.
- Liu, G., Fu, X., Han, Q., Huang, R., & Zhuang, T. (2021). Research on the collaborative governance of urban regeneration based on a Bayesian network: The case of Chongqing. *Land Use Policy*, 109, 105640.
- Logan, J.R., & Molotch H. (1987). *Urban Fortunes: The Political Economy of Place*. Berkeley: University of California Press.
- Lorch R., Laubscher, J., Chan E., Visscher. H. (2018). "Building Governance and Climate Change; Regulation and Related Policies". New York: Routledge.
- Mohammadpour, A. (2018). Counter-Method, The Philosophical Underpinnings and Practical Procedures of Qualitative Methodology. Qom: Logos. [In Persian].
- Moshfeghi, V. (2020). Analysis of the relationship between power and air pollution in Tehran. Ph.D. Thesis. Tehran University of Arts, Farabi International Campus. [In Persian].
- Nielsen, J., & Farrelly, M. A. (2019). Conceptualising the built environment to inform sustainable urban transitions. *Environmental Innovation and Societal Transitions*.
- PLAF (Planning Law Assessment Framework). (2018). UN-Habitat.
- Rastegar Z., S. (2020). Conservation-Based Development Approach in Identifying Urban Landscape of Zahedan City during Pahlavi Period Using Layered Semiotics. Ph.D. Thesis. Art University of Isfahan, Faculty of Restoration and Conservation. [In Persian].
- Saldana, J. M. (2015). *The Coding Manual for Qualitative Researchers*. 3rd ed., SAGE Publications.
- Shahmohammadian, H. (2019). Explanation of Actors Conflicts Management in Tehran Urban Development Projects. Ph.D. Thesis. Tarbiat Modares University, Faculty of Art. [In Persian].
- Shen, T., Yao, X., & Wen, F. (2021). The Urban Regeneration Engine Model: An analytical framework and case study of the renewal of old communities. *Land Use Policy*, 108, 105571.
- Taqipour A., A. (2021) Explaining the Tehran's Building Governance. Master Thesis. Allameh Tabatabai University of Tehran. Faculty of Management and Accounting. [In Persian].
- Tavassolian, R. (2019). The role of residential land supply policies in the process of urbanization of rent and construction of Iranian cities: A case study of Zanjan. Ph.D. Thesis. University of Tabriz, Faculty of Planning and Environmental Sciences. [In Persian].
- Wijburg, G. (2021). The governance of affordable housing in post-crisis Amsterdam and Miami. *Geoforum*, 119, 30-42.
- Wolf, G., & Mahaffey, N. (2016). Designing Difference: Co-Production of Spaces of Potentiality. *Urban Planning*, 1(1), 59-67.

نحوه ارجاع به مقاله:

کاظمیان، غلامرضا؛ اصلی پور، حسین؛ تقی پور اختری، آرش؛ (۱۴۰۱) پدیدارشناسی تجربه زیسته سازندگان شهر تهران در نظام مدیریت ساخت و ساز شهری، مطالعات شهری، ۱۱ (۴۴)، ۳۱-۴۶. doi: 10.34785/J011.2022.002/Jms.2022.130

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



تأثیر سنج‌های کالبدی - فضایی خیابان شهری بر تحریک هیجانی عابرین پیاده با استفاده از EEG^۱

عصمت پای‌کن - دانش‌آموخته دکتری، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
محمدرضا پورجعفر^۲ - استاد، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
احسان رنجبر - استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۸ مرداد ۱۴۰۰ تاریخ پذیرش: ۱۸ اسفند ۱۴۰۰

چکیده

محیط می‌تواند سبب ایجاد هیجان‌های مثبت و منفی در شهروندان گردد. بخش مهمی از اهمیت هیجان به دلیل تأثیری است که بر رفتار افراد دارد. زیرا استخراج پاسخ‌های هیجانی یکی از بهترین راه‌های فهم حوزه‌های مختلف تجربه و ادراک، از تصمیم‌گیری تا تعاملات اجتماعی است. امروزه مشکلات سلامت روان و تأکید بر افزایش تعاملات اجتماعی موجب توجه هرچه بیشتر به موضوع هیجان گردیده اما در بین مطالعات انجام شده تأثیر عوامل کالبدی-فضایی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این روی، هدف پژوهش حاضر از یک سو بررسی تأثیر سنج‌های کالبدی-فضایی خیابان شهری بر تحریک هیجانی عابرین پیاده، با قراردادن فرد در محیطی شبه حقیقی و از سوی دیگر، ارزیابی دقت و امکان سنجی بهره‌گیری از یک ابزار جدید سنجش عصبی در مطالعات حوزه شهرسازی است. مقاله حاضر به روش تجربی-آزمایشی و با شبیه‌سازی ۱۸ آزمون از تیپ‌های مختلف خیابان شهری انجام شده است. دو روش گزارش‌های شخصی (SAM) و الکتروانسفالوگرافی (EEG) برای سنجش هیجان انتخاب گردید. پس از تأیید داده‌های مستخرج از ۵۰ آزمون شونده توسط آزمون سلامت و استروپ، تحلیل داده‌ها به روش کمی-آماری انجام شد. نتایج نشان می‌دهد شکل و فرم، اندازه و محصوریت، وجود عنصر فضایی و کالبدی کانون توجه و تأکید، نفوذپذیری در ساختار فضایی، شکستگی در مسیر و تغییر چشم انداز، ریتم‌های دوبعدی و سه‌بعدی جداره و شکل و فرم کنج تقاطع، بر سطح خوشایندی، برانگیختگی و کنترل هیجانی اثرگذار است. اما عقب‌رفتگی و پیش‌آمدگی کالبدی تأثیری در برانگیختگی و نفوذپذیری بصری تأثیری در خوشایندی ندارد. همچنین داده‌های (EEG) مستخرج از دستگاه هدست (MindWave MW001) مورد استفاده به خوبی می‌تواند هیجان‌ات افراد را استخراج نموده، در نتیجه به عنوان یک ابزار بالقوه برای ارزیابی مداخلات طراحی محیطی در حوزه معماری و شهرسازی مناسب است. همچنین نتایج پژوهش حاضر با ارائه تأثیرات روانشناسانه طراحی شهری یک خیابان کمک می‌نماید که قبل از هرگونه اقدام در طراحی خیابان شهری، با علم بر نحوه تأثیرگذاری آن اقدامات بر هیجان عابرین پیاده، بتوان با گزینش و طراحی مناسب عناصر و ویژگی‌های کالبدی فضا، سبب تحریک هیجان‌های مثبت و کاهش سطح هیجان‌های منفی و در نهایت ارتقای سلامت روان شهروندان گردید.

واژگان کلیدی: هیجان، سنج‌های کالبدی-فضایی، خیابان شهری، EEG.

نکات برجسته

- انحنای خیابان باعث ایجاد هیجان بیشتر شده و هرچه تنوع انحنای بیشتر باشد، خوشایندی و برانگیختگی بیشتر می‌شود.
- خیابان‌های با محصوریت میانه (۱:۱ و ۱:۲) دارای مطلوب‌ترین اندازه و محصوریت هستند.
- وجود میدان و بنای شاخص، نفوذپذیری در خیابان و تغییر دید و منظر، خوشایندی و برانگیختگی را افزایش می‌دهد.
- ریتم‌های سه‌بعدی جداره خیابان بیش از ریتم‌های دوبعدی سبب خوشایندی و برانگیختگی می‌شوند.
- دستگاه EEG قابل حمل (MindWave MW001) برای ارزیابی مداخلات طراحی محیطی در حوزه معماری و شهرسازی مناسب است.

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری شهرسازی با عنوان «تبیین تأثیرات مؤلفه‌های کالبدی-فضایی خیابان شهری بر تحریک هیجانی عابران پیاده با تأکید بر استفاده از علوم اعصاب» است که توسط نویسنده اول و با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه تربیت مدرس تهران دفاع شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: pourja.m@modares.ac.ir

۱. مقدمه

تمامی محیط‌هایی که در آن افراد زندگی، کار و تفریح می‌کنند، می‌توانند سبب ایجاد هیجانات مثبت و منفی در شهروندان گردند (Perrins, et al., 2000; Tyson, et al., 2002). هیجان متشکل از مدارهای عصبی، سیستم‌های واکنشی و یک فرآیند احساسی هستند که شناخت و رفتار را برانگیخته و سازماندهی می‌نمایند. هیجانات همچنین اطلاعاتی را برای افراد فراهم نموده که ممکن است شامل ارزیابی‌های شناختی پیشین و جاری از جمله تفسیر حالت‌های احساسی باشد و روی آوری یا رفتار اجتنابی را برانگیخته و موجب کنترل و یا واکنش گردد و ماهیت آن اجتماعی یا ارتباطی است (Izard, 2010: 367). بنابراین هیجان پدیده‌ای چندبعدی و متشکل از چهار عنصر احساسی، شناختی، فیزیولوژیک و رفتاری است. مطالعات حوزه روانشناسی محیط نشان می‌دهد ترجیح محیط، انتخاب آن و تصمیم‌گیری برای هرگونه رفتار به مقدار قابل توجهی تحت تأثیر پاسخ‌های هیجانی فرد به محیط است. این امر موجب توجه هرچه بیشتر به موضوع هیجان به خصوص در سال‌های اخیر شده است. مطالعات انجام شده در زمینه بررسی عوامل اثرگذار فضای شهری، بیشتر به تأثیر عوامل محیطی غیرکالبدی نظیر بو، صدا، نور، رنگ و ... و عوامل طبیعی نظیر فضاها، سبز، آب و ... بر تحریک هیجان پرداخته‌اند (MacKerron, 2013; Berto, 2014; Huynh, et al., 2013; Cortes & Morales, 2016; Roe, et al., 2013; Krekel, et al., 2015) و در این بین، نقش عوامل کالبدی و تأثیر محیط ساخته شده بیرونی بسیار کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از سوی دیگر، مطالعات پایه، این تأثیرات را به گونه‌ای کیفی و بسیار کلی و نه به صورت مصادیق و براساس روش‌های دقیق، مطرح نموده‌اند. در نتیجه نمی‌توانند در حوزه شهرسازی و طراحی فضای شهری چندان کاربردی باشند، در حالی که در سال‌های اخیر پیدایش روش‌های نوین سنجش هیجان با مشارکت حوزه‌های علوم پزشکی، کامپیوتر و ... امکان مطالعات دقیق‌تر را فراهم آورده است. بر این اساس، با توجه به خلأ مطالعاتی موجود و اهمیت موضوع، در این مقاله هدف اصلی، بررسی تأثیرات یک خیابان شهری بر تحریک هیجانی عابرین پیاده است. این پژوهش درصدد است تا بتواند با قراردادن فرد در محیطی شبه حقیقی با ساختاری سه‌بعدی درک کاربردی از تأثیر متغیرهای کالبدی-فضایی خیابان شهری بر واکنش‌های هیجانی فرد را استخراج نماید. از سوی دیگر، در این پژوهش از علوم اعصاب که پردازش فعالیت‌های ذهنی را مبنای سنجش واکنش‌های هیجانی قرار می‌دهد، به عنوان روشی نوین استفاده گردیده است. بنابراین در خلال این پژوهش در نظر است به سؤال فرعی زیر نیز پاسخ داده شود که بهره‌گیری از ابزار خاص الکتروانسفالوگرافی مورد استفاده در این پژوهش تا چه اندازه می‌تواند بر دقت ارزیابی هیجانات افراد در محیط‌های شهری بیفزاید و به عنوان رویکردی نوین در مطالعات ادراکی-رفتاری حوزه شهرسازی مورد استفاده قرار گیرد. در مجموع پژوهش حاضر از یک سو، با بررسی و تحلیل ساختار کالبدی-فضایی خیابان با نگرشی سه‌بعدی و از سوی دیگر، استفاده از ابزاری جدید از حوزه علوم اعصاب در حوزه شهرسازی، درصدد تدقیق نتایج مطالعات پیشین در خصوص تأثیر فضای کالبدی بر هیجان و افزودن برآورد پاسخ‌های هیجانی انسان به پیکربندی فضایی خیابان شهری است.

۲. چارچوب نظری

در سال ۱۹۶۰ کوین لینچ نخستین کار منسجم در حوزه شهر را روی این موضوع انجام داد که چگونه افراد حین حرکت در فضا اطلاعات فضایی را دریافت و سازماندهی می‌نمایند. بیست سال پس از آن دوانس و استی بازنمایی ذهنی افراد از فضا را مورد آزمایش قرارداده و نتیجه گرفتند نقشه‌های شناختی، تصاویر واقعی از دنیای بیرون نشان نمی‌دهند. عوامل بالقوه‌ای که باعث انحراف نقشه‌های شناختی از واقعیت می‌شود تنها موانع فیزیکی و وحدت معنایی نیستند، بلکه درگیری و نگرش هیجانی و عاطفی نیز اثرگذارند (Carbon & Leder, 2005). برپایه این نگرش عاطفی-ذهنی نسبت به فضا، نقشه ادراک شهروندان از آسایش و ترس در شهرلس آنجلس توسط متی و همکاران تولید شد (Matei, et al., 2001). نقشه‌های خلق شده می‌توانست دید جدیدی را به ادراک مردم برحسب این که آنان چگونه فضا را احساس می‌کنند، باز نماید (Klettner, 2012; Gartner & Persico, 2013). پس از آن مطالعات بسیاری در ارتباط با سنجش احساس و هیجان در فضاها شهری انجام شد. کارتوگرافی احساسی کریستن نولد (Nold, et al., 2008)، پروژه فیلمتر (Iaconesi & Persico, 2013)، «فشارسنج شادی»، پروژه «مپینس» (MacKerron, 2013; Mourato & Persico, 2013)، پروژه «الف او ایموشن» (Iaconesi & Persico, 2013)، گارتنر (Gartner, et al., 2010; Resch, et al., 2014)، پروژه «تستینگ-تستینگ» (Geroimenko, 2014)، کولین الارد و چارلز مونتگومری (Geroimenko, 2014)، پروژه «ایموبل» (Raslan, 2014)، ادراک عاطفی محیط در ترکیب با رویکردهای جمع‌سپاری کلتر؛ تجسم زمان-حقیقی شبکه‌های اجتماعی توسط نیوهانس (Neuhaus, 2011)؛ تولید نقشه هیجانی در فضای شهری توسط زیل و همکاران (Zeile, 2009)، نمونه‌های دیگری از پروژه‌هایی است که به سنجش هیجان شهروندان پرداخته و هدف آن کشف روابط بین هیجان و زمان، مکان و عوامل محیطی است که بر آن اثرگذارند. در جدول شماره ۱ مهم‌ترین پروژه‌های انجام شده، جمع‌آوری گردیده است. بررسی‌ها نشان داد مطالعات سال‌های اخیر را می‌توان به چهار دسته تقسیم نمود که بیشتر متمرکز بر سنجش هیجان در فضاها شهری و روش‌های سنجش هیجان هستند و مطالعات اندکی نیز به بررسی عوامل اثرگذار بر هیجان در شهر و کاربرد آن در حوزه شهرسازی پرداخته‌اند.

علاوه بر پروژه‌های ذکر شده (جدول شماره ۱) که بیشتر به دنبال برداشت هیجانات مردم در شهر و ارائه نتایج آن بوده‌اند، پژوهش‌هایی نیز در سال‌های اخیر در این حوزه انجام شده که به منظور خلاصه‌سازی موضوع، در جدول شماره ۲ جمع‌آوری شده است. با بررسی پژوهش‌ها و مطالعات صورت‌گرفته (جدول شماره ۲) در ادامه پارامترهای هیجانی فضای شهری استخراج گردید.

- 1 Fuehlmeter (Feel-o-meter)
- 2 Mappiness
- 3 aleph of emotion
- 4 Testing Testing
- 5 EmoBeL

جدول شماره ۱: دسته بندی پروژه های انجام شده در ارتباط با موضوع

دسته بندی	عنوان پروژه	سال	موضوع و دستاورد پژوهش
متمركز بر پایش هیجان در محیط	پروژه متی و همکاران	۲۰۰۱	ارائه نخستین نقشه دیجیتالی بصری از هیجانان مردم و ارائه نقشه احساسی از حوزه های آسایش و ترس (Matei, et al., 2001)
	پروژه زیل و همکاران	۲۰۰۹	تولید نقشه هیجانی در فضای شهری (Zeile, 2009)
	پروژه EmoMap	۲۰۱۲	تهیه روش جمع آوری و مدل سازی داده های هیجانی، ساخت نرم افزار گوشی همراه برای جمع آوری داده، ساخت سیستم جهت یابی هوشمند هیجانی (Klettner & Gartner, 2012)
	پروژه Alef of emotion	۲۰۱۳	سنجش میزان هیجان شهروندان و کشف روابط بین هیجان و زمان، مکان (Persico & Iaconesi, 2013)
	پروژه کلنتر	۲۰۱۳	کارتوگرافی تجسم هیجانان با رویکردهای جمع سپاری (Resch, et al., 2014)
	پروژه Fuchlmer	۲۰۱۳	سنجش سطح شادی در شهر و نمایش گرافیکی آن برای عموم (Persico & Iaconesi, 2013)
متمركز بر روش های سنجش هیجان در محیط	پروژه فشارسنج شادی	۲۰۱۳	سنجش سطح شادی شهروندان به کمک فرم های آنلاین و اسکن بارکد روی پایه های تبلیغاتی و نمایش روزانه آن بر صفحه نمایش شهری
	پروژه Biomapping نولد	۲۰۰۸	ابداع تکنیک Biomapping در سنجش هیجان، تولید نقشه احساسی محدوده استرس زای شهر (Nold, et al., 2008)
	پروژه EmoMap	۲۰۱۳	تهیه روش جمع آوری و مدل سازی داده های هیجانی، ساخت نرم افزار گوشی همراه برای جمع آوری داده، ساخت سیستم جهت یابی هوشمند هیجانی (Klettner & Gartner, 2012)
	تجسم نشانه های هیجانی در شهر	۲۰۱۴	سنجش تجربه های هیجانی افراد در فضاهای شهری با استفاده از شبکه های اجتماعی (Neuhaus, 2011)
متمركز بر عوامل محیطی اثرگذار بر هیجان	پروژه EmoBeL	۲۰۱۴	استخراج نقشه emomap: استفاده از ابزار جدید برای سنجش هیجان در فضاهای شهری و ارزیابی فضاها براساس آن (Raslan, 2014)
	پروژه مک کرون و موراتو	۲۰۱۱	تعیین موقعیت های شادی شهروندان و استخراج عوامل آب و هوایی اثرگذار بر هیجانان به کمک گوشی تلفن همراه (MacKerron & Mourato, 2013)
	پروژه Mappiness	۲۰۱۲	بررسی عوامل محیطی نظیر آلودگی هوا، سروصدا، فضاهای سبز بر میزان شادی افراد (MacKerron & Mourato, 2013)
متمركز بر کاربرد هیجان در حوزه شهرسازی	پروژه Testing Testing	۲۰۱۲	بررسی تاثیر عوامل محیطی شهر بر میزان هیجان افراد (Geroimenko, 2014)
	پروژه Emocycling	۲۰۱۲	تعیین نقاط استرس زای شهری دوچرخه سواران برای کاربست در برنامه ریزی ترافیک (Hoffken & et al., 2014)
	پروژه سیگل و همکاران	۲۰۱۲	دریافت الگوهای رفتار انسان متأثر از هیجانان به کمک داده های گوشی هوشمند و رسانه های اجتماعی (Sagl, et al., 2012)
	پروژه map emotion	۲۰۱۳	ارتقای سیستم جهت یابی عابرین پیاده و تاثیر فضاهای مختلف بر هیجان و ادراک استفاده کنندگان (Gartner, 2010)
	پروژه برنامه ریزی شهر بدون مانع	۲۰۱۴	تعیین نقاط استرس زای شهری در حاشیه پروژه نوسازی زیرساخت های قدیم (Zeile, et al., 2015)
	پروژه قطب نمای هیجانی، گارتنر	۲۰۱۴	سنجش هیجان عابرین پیاده و کاربرد آن در مسیریابی (Gartner, 2010)

جدول شماره ۲: پژوهش های انجام شده در ارتباط با موضوع

عنوان پژوهش	سال	موضوع و نتایج پژوهش
هیجانان عابرین پیاده: نقشه برداری با سنسور (هوکرز)	۲۰۱۰	تأیید نتایج استفاده از فعالیت الکترودرمال در سنجش هیجان در شهروندان و تعیین رابطه معنادار بین پاسخ های هیجانی منفی و مکان های خاص (Hogertz, 2010)
جست و جوی شادی در ده شهر مهم، (کوبین)	۲۰۱۱	استخراج عوامل اثرگذار در افزایش احساس شادی در شهر (Kevin, et al., 2011)
هیجان در حرکت: بررسی پاسخ های هیجانی به خیابان و فضاهای شهری (هنشو)	۲۰۱۲	استخراج پاسخ های هیجانی افراد به انواع فضاهای شهری با عملکردهای مختلف (Henshaw, 2012)
تصویر مشترک از شهر: نگاشت نابرابری های ادراک شهری (سالسز و همکاران)	۲۰۱۳	ارزیابی سطح امنیت در شهر به کمک استخراج هیجانان شهروندان به وسیله پلت فرم های آنلاین و تحلیل آنها و سپس تهیه نقشه جامع امنیت شهر (Salesses, et al., 2013)
شهر شاد: زندگی خود را از طریق طراحی شهری تغییر دهیم (مونتگومری)	۲۰۱۳	تشریح اصول اثرگذار برای ایجاد نشاط و شادمانی در شهر (Montgomery, 2013)
استفاده از تحلیل ژئوآماري در تشخیص شباهت های موجود در پاسخ های هیجانی عابرین پیاده به فضای شهری (کونینگ و همکاران)	۲۰۱۴	بررسی تاثیر فرم شهری بر پاسخ های هیجانی عابرین پیاده با استفاده از دستبند های مجهز به حسگر در ترکیب با ردیاب جی پی اس (Konig, et al., 2014)
نقشه برداری احساسی: رویکردی به مطالعه پاسخ های هیجانی به محیط و منظر (راف و رزنبرگ)	۲۰۱۳	برداشت هیجان از محیط واقعی و بررسی ویژگی های کالبدی و شخصیت یک مکان بر هیجانان افراد، Weinreb (2013) Rofe &
ارزیابی کیفیت های ضروری فضای شهری با داده های بصری و هیجانی بر پایه GIS (لی و همکاران)	۲۰۱۶	معرفی روش یکپارچه سیستم اطلاعات جغرافیایی و ردیابی هیجانی برای درک رابطه بین پاسخ های هیجانی مردم و فضای شهری (Li, et al., 2016)
تحلیل ژئوآماري ارتباط بین پاسخ های هیجانی عابرین پیاده و فضای شهری (همزی و همکاران)	۲۰۱۶	استخراج پیکربندی فضایی خاص که تمایل به پاسخ های هیجانی خاص دارد و اندازه گیری این پیکره بندی فضایی با استفاده از ویژگی های ایزوویست (Hamzi, et al., 2016)
بررسی رابطه بین فرم شهری و تجربه فضایی بر اساس روش تولید فمتر (فرلیچ و همکاران)	۲۰۱۵	بررسی رابطه بین فرم شهری و تجربه فضایی با استفاده از واقعیت مجازی با ساخت صحنه های محیطی سه بعدی (Frolich, et al., 2015)

۲.۱. انواع محرک‌های کالبدی-فضایی اثرگذار بر هیجان

مطالعات متعددی به بررسی ابعاد گوناگون تأثیرگذار بر هیجان‌ها پرداخته‌اند. مطالعات نشان می‌دهد بین وسعت مکان و ارزیابی عاطفی فضاها ارتباط معناداری وجود دارد (Franz, et al., 2004). طراحی فضا به‌گونه‌ای که از مقیاس مناسب برخوردار بوده و مانع از ایجاد ترس گردد، یکی از اصول خلق شادی در فضا است (Shafteo, 2008). انسان‌ها تمایل ترجیحی به فضاهای بزرگ و با حفاظت دارند (Appleton, 1975; Newman, 1996). برخی از نظریه‌پردازان ابعاد بهینه‌ای برای فضای شهری پیشنهاد کرده‌اند (Alexander, 1971; Gehl, 2003; Lynch, 1977). توسلی نیز معتقد است فضاهای محصور نسبت به فضاهای رها شده، محیطی با امنیت بیشتر ایجاد می‌کنند. فضاهای خیلی وسیع یا خیلی کوچک احساس ترس ایجاد می‌کنند (Tavassoli, 2019). اگرچه فرم فضا به‌عنوان ابعاد اصلی فضا شناخته می‌شود، کمتر تأثیرات آن بر تجربه هیجانی شناخته شده است (Franz, 2006). افراد عادی (به خصوص زنان) شکل‌های گرد را به اشکال زاویه‌دار ساده ترجیح می‌دهند (Madaninejad, 2007; Bar & neta, 2008)؛ درحالی‌که متخصصان چنین تعصب ترجیحی را برای چندضلعی پیچیده نشان می‌دهند (Silvia & Barona, 2008). ترجیح افراد بر فضاهای نامتقارن نیز بیشتر است (Shemesh, et al., 2015). همچنین در گره‌های شهری و هنگام تغییر و یا چرخش در حین حرکت، هیجان‌ات افراد دستخوش تغییر می‌گردد (Hamzi, et al., 2016). ادراک انسان از فضای شهری به سمت گره‌های فضایی مهم تمرکز می‌یابد و فضاهای شهری ممکن است واکنش‌های هیجانی افراد را از طریق ترتیب سکانس‌های فضایی و تغییر سناریوی سکانس‌ها تحت تأثیر قرار دهد (Li, et al., 2016). پاسخ‌های هیجانی فرد به محیط نه به دلیل موقعیت فضایی معین، بلکه به دلیل تغییر در سکانس‌های فضایی به وجود می‌آید (Konig, et al., 2014). مطالعات فراوانی نیز به تأثیر جنبه‌های هیجانی رنگ اذعان داشته‌اند (Demirbilek, 2017; Naz, et al., 2017; Beer & Fabenuns, 1992). رنگ‌های گرم سبب برانگیختگی و رنگ‌های سرد سبب آرامش می‌شوند (Franz, 2006; Alter, 2012). همچنین رنگ می‌تواند بر خوانایی، وزن بصری و اندازه و فاصله از سطوح تأثیر بگذارد (Reddy, et al., 2012). بافت نیز می‌تواند به یک فضای خسته‌کننده و یا تک‌رنگ حس ببخشد (Brooker & Stone, 2000; Rasmussen, 2007). بسته به وزن بصری و بافت، یک فضا ممکن است احساس بزرگ بودن و یا صمیمیت، گرمی یا سردی (Naz, et al., 2017) تحریک‌آمیز یا آرامش‌بخش (Hoppen, et al., 2000) نماید. بررسی تأثیر سبک‌های معماری بر هیجان نیز نشان داده، سبک طراحی رنسانس آرامش‌بخش‌تر و طراحی معاصر دوست‌داشتنی‌تر تلقی شده است (Kasakin & Mastandrea, 2009). فرسودگی کالبدی، آشفتگی جداره، نداشتن کلیت و رنگ‌های تیره سبب هیجان‌ات منفی در افراد می‌شود. نماهای شهری با توجه به انطباق ویژگی‌های معمارانه با استانداردهای بینایی (خطوط منحنی، اشکال هماهنگ با فرم‌های طبیعی، نماهایی با جزئیات معماری متناسب و مصالح و بافت‌های طبیعی) می‌توانند محیط‌های بصری آسایش‌بخش را شکل دهند (Alavi belmani, 2011). در مجموع مشخص شد مجموعه پارامترهای محیطی که بر هیجان تأثیرگذارند هم عوامل کالبدی و

هم عوامل غیرکالبدی و انسانی است. منظور از عوامل انسانی سطح حضورپذیری و تعاملات انسانی بوده و عوامل غیرکالبدی شامل ویژگی‌های اقلیمی نظیر دما و ویژگی‌های غیراقلیمی شامل خواص نور و صوت در یک فضا است. عوامل کالبدی را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: ۱- عوامل غیرمصنوع یعنی فضای سبز و ۲- عوامل مصنوع که عبارتند از: اندازه و محصوریت فضا، شکل و فرم فضا، ویژگی‌های سطوح (بدنه‌ها و کف) شامل سبک معماری، رنگ و بافت مصالح و در نهایت تغییر در سکانس‌های فضایی. با توجه به تعدد مطالعات انجام‌گرفته در خصوص تأثیر عوامل طبیعی و برخی ویژگی‌های سطوح در حوزه معماری، پژوهش حاضر به بررسی چهار سنجه کالبدی مصنوع پرداخته است.

۲.۲. متغیرهای سنجش در بازنمایی کالبدی-فضایی خیابان و طرح آزمون‌های پژوهش

بر اساس متغیرهای تأثیرگذار بر هیجان، در ادامه به شناسایی حالات و تیپ‌های مختلف ساختار فضایی و متغیرهای کالبدی تأثیرگذار بر این ساختارها در یک خیابان شهری پرداخته شد. شکل و فرم فضای یک خیابان می‌تواند به صورت محورهای مستقیم‌الخط، قوسی شکل، مارپیچ، محورهای محدب و مقعر باشد. در خصوص اندازه و محصوریت فضا، مقادیر ارتفاع به عرض یک خیابان می‌تواند نسبت‌های متفاوتی داشته باشد که مطالعات پیشین محصوریت زیاد به کم را عموماً بین بازه ۱/۲ تا ۴:۱ اعلام نموده‌اند. فضای خیابان با برخورداری از شکل و فرم و محصوریت ثابت، تحت تأثیر برخی متغیرها شامل: مقیاس و تناسب (تغییر مقیاس در عرض محور و یا در ارتفاع بدنه با حفظ محصوریت، ریزدانی و درشت‌دانی قطعات)، وجود کانون‌های توجه و تأکید در مسیر یک خیابان (نوع و موقعیت استقرار)، وجود تقاطع (تعداد تقاطع‌ها و زوایای اتصال آنها)، ایجاد شکستگی در مسیر حرکت، تنوع در فرم‌های کالبدی احجام سازنده بدنه (فرم‌های راست‌گوشه، مدور، زاویه دار و ...)، نفوذپذیری هم در ساختار فضایی یک خیابان (وجود محورهای متقاطع، میادین و ...) و هم در ساختار کالبدی (نفوذپذیری در جداره از نوع فیزیکی یا بصری)، عقب نشینی و پیش‌آمدگی احجام سازنده فضا (از نظر شکل، فرم و یا تعداد)، ارتباط عناصر کالبدی با زمینه شامل تضاد، تقابل و تجانس و وجود تعادل، تقارن، ریتم و توالی در خیابان، حالات و تیپ‌های متنوعی به خود می‌گیرد. ویژگی‌های سطح نیز شامل دو دسته، لایه جداره و لایه کف می‌شود. کالبد جداره یک خیابان متشکل از سه دسته: ۱- بخش‌های عمده جداره (بخش صوری پایه یا طبقه همکف، بخش میانی یا طبقات اصلی، بام یا شیروانی و کنج‌ها)، ۲- ارکان جداره شامل خطوط نما و کنج‌ها و ۳- اجزای آن (پنجره، ورودی و بالکن و ایوان، تزئینات و الحاقات) است. هم‌نشینی ارکان و اجزای مختلف جداره از حیث شکل می‌تواند برخوردار از اشکال راست‌گوشه، مدور یا شکسته و زاویه‌دار و از حیث بعد نیز دوبعدی یا سه‌بعدی باشد. لایه جداره علاوه بر مؤلفه‌های کالبدی، از حیث خواص یعنی رنگ، مصالح و بافت و ویژگی‌هایی نظیر شفافیت، انعکاس و ... قابل تمایز و بررسی است. لایه کف در یک خیابان شهری نیز از نظر کالبد کف (شکل و بعد) و همچنین از نظر خواص (رنگ، مصالح و بافت) حالت‌ها و تیپ‌های

سبب گردید تا با محدود نمودن طیف گسترده آزمون‌های قابل انجام، از میان کلیه حالات مختلف مطرح شده از ساختار کالبدی-فضایی، در این پژوهش ده عدد از مهم‌ترین متغیرها برای طراحی آزمون‌ها انتخاب گردند. این متغیرها در نهایت، در قالب ۱۸ آزمون به شرح جدول شماره ۳ طراحی شدند.

متفاوتی پدید می‌آورد که احتمال می‌رود تأثیرات متفاوتی بر هیجانان فرد داشته باشد. در مجموع، مجموعه‌ای از متغیرهای کالبدی-فضایی سازنده حالات و تیپ‌های مختلف ساختار فضایی یک خیابان شهری می‌تواند بر هیجانان فردی عابرین پیاده تأثیرگذار باشند اما عوامل متعددی از جمله زمان، منابع انسانی-مالی و نیز امکانات فنی موجود

جدول شماره ۳: تیپ‌ها و حالت‌های مختلف خیابان شهری

شکل و فرم فضا	محورهای مستقیم الخط		محورهای قوسی شکل
	(آزمون پایه پژوهش)		
اندازه و محصوریت فضا	محورهای ماریج		محصوریت ۲/۱:۱
			محصوریت ۱:۱
			محصوریت ۱:۲
			محصوریت ۱:۴
تغییر در سسکانس‌های فضایی	عنصر کالبدی کانون توجه و تأکید		بنای شاخص
	عنصر فضایی کانون توجه و تأکید		میدان،
	تقاطع‌ها		تعداد تقاطع‌ها
	شکستگی در مسیر و تغییر چشم‌انداز		
	نفوذپذیری		نفوذپذیری در ساختار فضایی نفوذپذیری در ساختار کالبدی
	عقب‌نشینی و پیش‌آمدگی فضایی		تعداد
ویژگی‌های سطح	کنج		کنج بیخ‌دار کنج منحنی شکل کنج خالی شده کنج پیش‌آمده
	ارکان جداره: ترکیب خطوط نما در لایه پایه (همکف و میانی (بالای همکف))		لایه همکف دو بعدی، لایه بالای همکف دوبعدی (آزمون پایه) لایه همکف دو بعدی، بالای همکف سه بعدی لایه همکف سه بعدی، بالای همکف دوبعدی لایه همکف سه بعدی، بالای همکف سه بعدی
	ریتیم‌های دو بعدی و سه بعدی		

(Tsai, et al., 2002). در مدل راسلو و پرات هیجان دارای دو و در مدل (PAD) دارای سه بعد: خوشایندی، برانگیختگی و تسلط است که خوشایندی: کیفیت عاطفی تجربه، برانگیختگی: مسئله فعالیت بدنی و هوشیاری ذهنی و تسلط: احساس کنترل یا عدم وجود آن را تعریف می‌کند. با دوقطبی بودن هر یک از ابعاد خوشایندی (P+) در برابر عدم خوشایندی (P-)، برانگیختگی (A+) در مقابل عدم برانگیختگی (A-) و تسلط (D+) در برابر عدم تسلط (D-)، تعداد (2P * 2A * 2D)، ۸ دسته هیجانی تعریف می‌شود (Mehrabian, 1978; Russell & Mehrabian, 1977). بنابراین با سنجش سه بعد هیجان، می‌توان به احساسات و هیجانان فرد پی‌برد. در مجموع مدل (PAD) ابزاری مفید برای سنجش هیجان بوده که در چند دهه اخیر در زمینه روانشناسی محیط مورد استفاده قرار گرفته است (Baker, et al., 1992; Chebat & Michon, 1995; Stamps, 2003; Laroche, et al., 2005; Ryu & Jang, 2007; Arifin & cheung, 2007; Van Hagen, et al., 2009; Kuppens, 2008; Morrison, et al., 2011; Hyun, et al., 2011). سنجش هیجان را می‌توان با استفاده از طیف وسیعی از روش‌های گزارش‌های شخصی، سنجش‌های رفتاری، سنجش‌های فیزیولوژیکی و سنجش‌های عصبی و یا با روش‌ها و ابزارهای مختلف در کنار هم (Caicedo & Beuzekom, 2006; Kooh, et al., 2006; Nass, et al., 2005) انجام داد. پژوهش حاضر با

۳. روش

متغیر مستقل پژوهش، مؤلفه‌های مشخصی از ساختار کالبدی-فضایی خیابان، متغیر وابسته هیجان ادراک شده (ابعاد انگیزتگی، خوشایندی و کنترل) و شرایط دائمی شخص نظیر سبک زندگی و تجارب گذشته جزء متغیرهای مداخله‌گر است. ویژگی‌های محیطی شامل دما، نور، سروصدا، فضای سبز، حضور انسان و حرکت خودرو در خیابان به عنوان متغیرهای کنترل، در تمامی آزمون‌ها ثابت لحاظ گردید. وضعیت سلامت روانی آزمون‌شوندگان نیز با انجام آزمون‌های استاندارد روان‌شناسی کنترل گردید. همچنین با توجه به نوع کار آزمایشگاهی سطح توجه شرکت‌کنندگان در طول مدت آزمون به کمک تست استروپ کنترل شد. جنسیت، گروه متخصصین و غیرمتخصصین و ویژگی‌های شخصیتی (به دلیل تأثیر تفاوت‌های شخصیتی بر پردازش هیجانان (Larsen & Ketelaar, 1989; Gomez, et al., 2002; Robinson, et al., 2007; Mitchell, 2006) از متغیرهای تعدیل‌کننده به‌شمار آمده که تأثیر آنها در نتایج آزمون‌ها ارزیابی شد.

۳.۱. روش و ابزار سنجش هیجان

هیجانان در یک فضای دو یا سه بعدی سازماندهی می‌شوند (Russell, 2003; Barrett, 2006; Watson & Tellegen, 1985; Dorman, 2006;

فرم مستقیم الخط با محوریت میانه و مطلوب خیابان شهری) (۱:۲)، فاقد کانون‌های توجه، تقاطع، شکستگی و نفوذپذیری بوده و از فرم‌های کالبدی با تناسب و تعادلی نسبی برخوردار است. لایه همکف با فعالیت تجاری متمایز از لایه‌میانی جدا شده و ارکان و اجزای جدا شده دارای ریتم‌های دوبعدی هستند. طول کلیه مسیرها (به‌استثنای آزمون‌هایی با عناصر اضافی) ۱۲۵ متر، عرض معبر ۲۴ متر (به‌استثنای آزمون‌های سنجش محوریت) و جدا شده خیابان متشکل از ساختمان‌های مشابه با ارتفاع حدود ۱۲-۱۳ متر بوده که برای جلوگیری از انتزاعی شدن غیرقابل پذیرش خیابان، از ۱۹ ساختمان حقیقی موجود در شهر به‌منظور مدل‌سازی استفاده شده است. (تصویر شماره ۱).

اقداماتی نظیر انتخاب رنگ جدا شده و عناصر فضای شهری با رنگ و شکل خنثی، پرهیز از جانمایی عناصر اضافه، استفاده از درختان بدون برگ، استفاده از عنصر اتومبیل به‌صورت پارک شده و غیرمتحرک، عدم استفاده از حضور انسان، کنترل ویژگی‌های محیطی شامل دما، میزان نور و سرو صدای محیط در محل انجام آزمون، ساخت ویدئو براساس سرعت طبیعی حرکت فرد پیاده (۱٫۵۰ متر بر ثانیه) و به آگاهی رساندن آزمون‌شوندگان از شرایط کنترل آزمون‌ها، همگی از مجموعه تمهیداتی است که برای اعمال حداکثر میزان واقع‌گرایی ضمن کنترل متغیرهای مداخله‌گر متعدد بر هیجان انجام شده است. آزمون‌های پژوهش در محل مرکز تحقیقات دانشکده هنر با حضور شرکت‌کنندگان طبق برنامه زمان‌بندی هماهنگ شده، در دو گروه متفاوت با آزمون پایه مشترک (به‌دلیل طولانی مدت شدن آزمون‌ها، امتناع افراد از شرکت در پژوهش و امکان اختلال در نتایج ناشی از خستگی و یکنواختی) انجام شد. انجام آزمون‌ها از ترتیب و برنامه خاصی پیروی می‌نمود. پس از آموزش شرایط و روند انجام آزمون‌ها به هر شرکت‌کننده و نصب هدست دستگاه (mindwave) بر روی سر و تست برقراری ارتباط هدست با سرور، به انجام آزمون‌ها پرداخته شد. پس از چند ثانیه، کلیپ مربوطه پخش شده و درحین تماشا و توجه شرکت‌کننده به آن، به طور همزمان داده‌های (EEG) ثبت گردید. بلافاصله پس از اتمام پخش هر کلیپ، ابتدا پرسشنامه آزمون (SAM) برای سنجش سطح هیجان، در اختیار آنها قرار گرفت. سپس برای سنجش میزان توجه شرکت‌کنندگان به موضوع آزمون، تست (Stroop) به صورت کامپیوتری از آنها گرفته شد. پس از استراحت چند ثانیه‌ای و کسب اجازه، آزمون بعدی شروع شده و همین فرایند برای تمامی آزمون‌های مربوطه تکرار گردید. پس از اتمام آزمون‌ها و جمع‌آوری هدست از روی شرکت‌کننده و استراحت، پرسشنامه‌های مربوط به آزمون‌های شخصیت (NEO) و سلامت (GHQ) به ترتیب در اختیار شرکت‌کننده قرار داده شد. به منظور سنجش توجه به کمک تست Stroop، نسبت پاسخ‌های صحیح به کل سؤالات، میزان توجه فرد را مشخص می‌نماید. نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای نشان داد، شاخص توجه آزمون‌شوندگان تقریباً برابر یک بوده، یعنی آنها توجه کامل به آزمون‌های طراحی شده داشته‌اند و تحلیل زوجی t یا t وابسته نشان داد این میزان توجه در طول انجام همه آزمون‌ها تغییر معناداری نداشته و در مجموع نمی‌تواند به‌عنوان توضیحی برای تفاوت‌های بالقوه در داده‌های EEG باشد (تصویر ۲).

روش ترکیبی متشکل از: ۱- روش گزارش‌های شخصی از نوع خودارزیابی تصاویر آدمک (SAM) و ۲- روش عصبی از نوع (EEG) انجام شد. از تکنیک گزارش‌های شخصی تصویری، از نوع (SAM) به‌دلیل عدم نیاز به ابزار خاص، سریع، آسان و ارزان بودن و ماهیت گرافیکی آن استفاده شد. اما از آنجایی که بخشی از واکنش‌های افراد به متغیرهای محیطی ناخودآگاه است، از روش عصبی (EEG)، به‌عنوان روش مکمل استفاده گردید که دلیل آن، دقت اندازه‌گیری بیشتر این روش (Gayathr, 2016) است. و برخورداری از تمام مزایای روش فیزیولوژیک و ضعف کمتر نسبت به آن است. ابزار مورد استفاده در تکنیک (SAM) مقیاس ۵ درجه‌ای لانگ و برادلی (Bradley & Lang, 1994) و در روش الکتروانسفالوگرافی، هدست (MindWave MW001) تک‌کاناله شرکت (Neurosky) است. مهم‌ترین علت انتخاب این دستگاه، بی‌نیازی از فضای آزمایشگاهی، در دسترس بودن، هزینه مناسب تهیه، قابل استفاده و اجرا در زمان کمتر، مناسب بودن برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای به‌دلیل بی‌نیازی از تحلیل‌های پیچیده، پذیرش بهتر توسط آزمون‌شونده به‌دلیل سهولت نصب، عدم نیاز به ژل رسانا، زمان کمتر راه‌اندازی و مدت آزمون‌ها و طراحی و تولید اختصاصی آن جهت کاربرد در سنجش ابعاد هیجانی و مطالعات نوروفیدبک است. دقت و اعتبار این دستگاه در سنجش هیجان توسط چندین مطالعه انجام شده تأیید شده است (Alnemari, et al., 2017; Girardi, et al., 2018; Wang, et al., 2017).

۳.۲. شرکت‌کنندگان

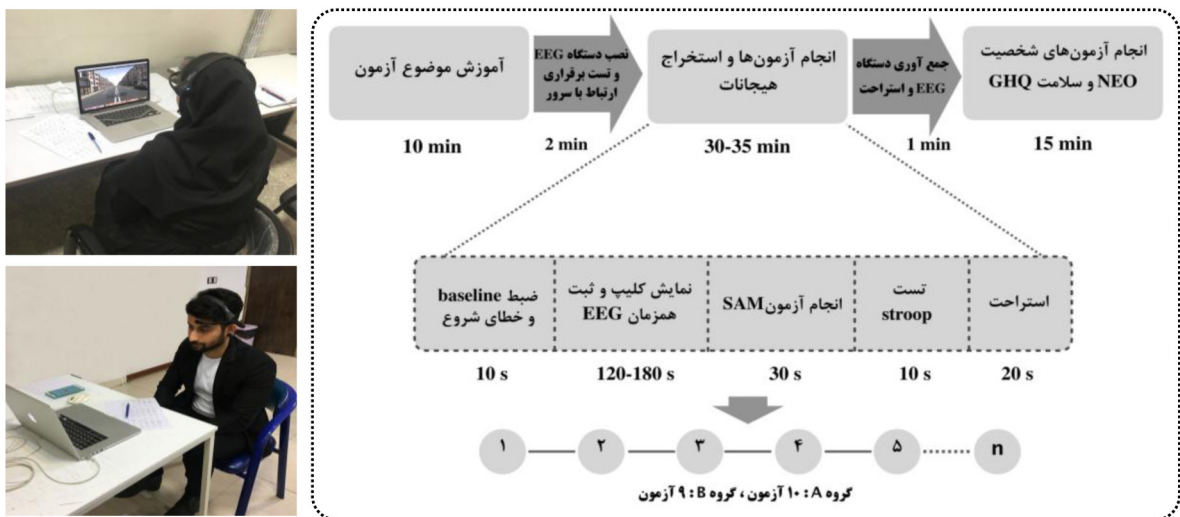
جامعه آماری با توجه به ماهیت روش آزمایشگاهی و بانظر به پژوهش‌های مشابه، ۵۰ نفر (۳۶ زن و ۱۴ مرد) از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس با میانگین سنی ۲۷ سال ($\sigma = 3.4$) بوده‌اند که با پیشینه تحصیلی از چهارگروه فنی و مهندسی (۱۱٪)، هنر و معماری (۱۰٪)، علوم انسانی و علوم پایه (۲۱٪) و گروه علوم پزشکی (۸٪) انتخاب شدند. همه شرکت‌کنندگان با رضایت شخصی در آزمایش حضور داشته و با هدیه‌ای از آنان تقدیر گردید. به‌دلیل تأثیر سلامت روانی آزمون‌شوندگان بر نتایج حاصل از پژوهش، با انجام آزمون سلامت عمومی (GHQ) نمونه‌هایی برخوردار از سلامت روان برابر با استانداردهای موجود، (۶۰٪ با نمره کلی ۱۷٫۳۴، $\sigma = 2.66$ در وضعیت بسیار مطلوب و ۴۰٪ با نمره کلی ۲۹٫۷۲، $\sigma = 5.72$ در وضعیت مطلوب) و عدم گزارش هیچگونه سابقه بیماری عصبی، وارد آزمون گردیدند.

۳.۳. طراحی آزمایش و رویه کار

به‌دلیل تأثیر عوامل متعدد محیطی بر هیجان، انجام آزمون‌ها در محیط واقعی غیرممکن بوده، بنابراین پژوهش به‌کمک آزمایش‌های کنترل شده توسط تکنیک مدل‌سازی دیجیتال سه‌بعدی متحرک (ویدیوهای دیجیتال به مدت متوسط ۱۲۰ ثانیه) انجام شد که پیمایش مجازی در خیابان شهری را برای افراد ممکن می‌نماید. آزمون پایه طراحی و سایر آزمون‌های ۲۰ گانه با آن مقایسه شدند. آزمون پایه متشکل از یک ساختار فضایی-کالبدی تعریف شده توسط محقق و فاقد پیچیدگی‌های مخمل در نتایج حاصله بوده که تمایز آن با سایر آزمون‌ها صرفاً تغییر در همان متغیر قابل سنجش آن آزمون مشخص است. بنابراین ساختار فضایی-کالبدی آزمون پایه دارای



تصویر شماره ۱: تصاویری از محیط شبیه سازی شده آزمون های هجده گانه در قالب ده متغیر مورد بررسی با کنترل عوامل مداخله گر



تصویر شماره ۲: فرآیند انجام آزمون ها (راست) و نمونه ای از حضور شرکت کنندگان حین انجام آزمون با کسب اجازه جهت انتشار عکس (چپ)

۴. بحث و یافته ها

تحلیل داده‌ها به روش کمی-آماري انجام شد. پایایی پرسشنامه (SAM) به کمک ضریب آلفای کرونباخ (۰٫۸۱۵) تأیید شد. ارزیابی توزیع متغیرهای هیجانی در آزمون‌های پژوهش به کمک آزمون علامت (به دلیل غیرنرمال بودن پرسشنامه (SAM) و (EEG) براساس آزمون کولموگروف-اسمیرنوف) انجام و نتایج نشان داد، میانه توزیع هرمتغیر هیجانی با میانه استاندارد جامعه در بیشتر آزمون‌ها تفاوت معناداری داشته و به عنوان یک متغیر مهم در تحلیل‌های بعدی مورد سنجش قرارگیرد. به منظور رتبه بندی هر یک از متغیرهای هیجانی در آزمون‌های قابل مقایسه پژوهش، از آزمون فریدمن استفاده شده است.

۴.۱. شکل و فرم فضا

براساس نتایج (SAM) با اطمینان ۹۹ درصد، خوشایندی خیابان قوسی شکل (با میانگین رتبه ۲.۵) بیش از خیابان ماریچ (۲.۰۵) و خیابان مستقیم الخط (۱.۴۵) است. اما براساس نتایج (EEG)، با اطمینان ۹۵ درصد، خوشایندی خیابان ماریچ (۲.۳۳) بیش از خیابان قوسی شکل (۱.۸۸) و خیابان مستقیم الخط (۱.۷۹) بوده است. نتایج درخصوص برانگیختگی براساس نتایج (SAM) با اطمینان ۹۹ درصد و نتایج (EEG) با اطمینان ۹۹.۵ درصد نشان داد بیشترین برانگیختگی در خیابان ماریچ و پس از آن به ترتیب در خیابان قوسی شکل و مستقیم الخط بوده است. درخصوص سطح کنترل، با اطمینان ۹۹ درصد، سطح کنترل در خیابان مستقیم الخط بیش از خیابان قوسی شکل و خیابان ماریچ است (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴: نتایج تحلیل تأثیر فرم‌های مختلف خیابان شهری بر متغیرهای هیجانی

آزمون‌های پژوهش	خوشایندی						برانگیختگی						کنترل	
	نتایج SAM			نتایج EEG			نتایج SAM			نتایج EEG			نتایج SAM	
	میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	رتبه	میانگین رتبه
محور مستقیم الخط	۱٫۴۵	۳		۱٫۶۱	۳		۱٫۵۲	۳		۱٫۷۹	۳		۲٫۶۴	۱
محور قوسی شکل	۲٫۵	۱	۰٫۰۰۰	۱٫۹۸	۲	۰٫۰۲۸	۱٫۸۸	۲	۰٫۰۰۰	۱٫۸۸	۲	۰٫۰۳۵	۲٫۱۹	۲
محورهای ماریچ	۲٫۰۵	۲		۲٫۴۱	۱		۲٫۶۰	۱		۲٫۳۳	۱		۱٫۱۷	۳

برانگیختگی نیز براساس نتایج (SAM) و (EEG) با اطمینان ۹۹ درصد، مشاهده شد، بیشترین برانگیختگی در خیابان با محوریت ۱:۲/۱:۲ سپس در محوریت ۱:۴ احساس می‌شود. خیابان با محوریت ۱:۲ و محوریت ۱:۱ برانگیختگی کمتری را ایجاد می‌نماید. درخصوص بعد کنترل نیز با اطمینان ۹۹ درصد نتیجه گرفته می‌شود در خیابان با محوریت ۱:۱ بیشترین مقدار کنترل و تسلط احساس می‌شود. پس از آن به ترتیب بیشترین مقدار کنترل مربوط به محوریت ۱:۲/۱:۱ و ۱:۲/۱:۲ در نهایت محوریت ۱:۴ است (جدول شماره ۵).

۴.۲. اندازه و محوریت فضا

براساس نتایج (SAM) با اطمینان ۹۹ درصد، بیشترین خوشایندی مربوط به خیابان با محوریت ۱:۱ (با میانگین رتبه ۳٫۴) و پس از آن به ترتیب مربوط به محوریت ۱:۲/۱:۴ و ۱:۲/۱:۲ در نهایت محوریت ۱:۲/۱:۲ (با میانگین رتبه ۱٫۴۸) است. نتایج (EEG) نیز با اطمینان ۹۹ درصد نشان داد بیشترین خوشایندی در خیابان با محوریت ۱:۱ (با میانگین رتبه ۳٫۳۵) اتفاق می‌افتد و سپس به ترتیب خوشایندی در محوریت ۱:۲/۱:۲ و ۱:۲/۱:۴ وجود دارد. درخصوص

جدول شماره ۵: نتایج تحلیل تأثیر محوریت‌های مختلف خیابان شهری بر متغیرهای هیجان

آزمون‌های پژوهش	خوشایندی						برانگیختگی						کنترل	
	نتایج SAM			نتایج EEG			نتایج SAM			نتایج EEG			نتایج SAM	
	میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	رتبه	میانگین رتبه
محوریت ۱:۱/۱:۲	۱٫۴۸	۴		۳٫۴۰	۱		۳٫۴۵	۱		۲٫۴۰	۳		۲٫۳۳	۲
محوریت ۱:۱	۳٫۴۰	۱	۰٫۰۰۰	۲٫۰۲	۳	۰٫۰۰۹	۱٫۹۰	۴	۰٫۰۰۰	۳٫۳۵	۱	۰٫۰۰۰	۲٫۹۰	۱
محوریت ۱:۲	۲٫۷۸	۲		۱٫۹۳	۴		۲٫۱۰	۳		۲٫۵۵	۲		۳٫۳۸	۳
محوریت ۱:۴	۲٫۳۵	۳		۲٫۶۵	۲		۲٫۵۵	۲		۱٫۷۰	۴		۱٫۵۰	۴

SAM، با اطمینان ۹۹ درصد می‌گردد. اما با توجه به عدم معناداری آزمون‌های داده‌های SAM و EEG، این متغیر تأثیری در برانگیختگی افراد ندارد (جدول شماره ۶).

۴.۳. عقب رفتگی و پیش آمدگی کالبدی

نتایج آزمون نشان داد عقب رفتگی و پیش آمدگی کالبدی خیابان سبب افزایش خوشایندی (براساس نتایج EEG با اطمینان ۹۹ درصد و با میانگین رتبه ۱٫۷۹) و کاهش سطح کنترل در افراد (براساس نتایج

جدول شماره ۶: نتایج تحلیل تأثیر عقب رفتگی و پیش آمدگی کالبدی خیابان شهری بر متغیرهای هیجانی

کنترل			برانگیختگی						خوشایندی						آزمون های پژوهش
نتایج SAM			نتایج EEG			نتایج SAM			نتایج EEG			نتایج SAM			
میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	
۱,۱۷	۲	۰,۰۰۲	۱,۵۲	۱	۰,۶۵۵	۱,۵۲	۱	۰,۸۱۹	۱,۷۹	۱	۰,۰۰۱	۱,۵	-	۱,۰۰	
۱,۸۳	۱		۱,۴۸	۲		۱,۴۸	۲		۱,۲۱	۲		۱,۵	-		

بنای شاخص نیز سبب خوشایندی بیشتر (سنجش SAM با اطمینان ۹۵٪ و نتایج EEG با اطمینان ۹۹٪) و برانگیختگی بیشتر (براساس سنجش SAM و EEG با اطمینان ۹۵٪) در افراد می‌گردد. همچنین با اطمینان ۹۹ درصد، وجود یک بنای شاخص در طول مسیر سبب می‌گردد سطح کنترل و تسلط بر فضا کاهش یابد (جدول شماره ۷).

۴.۴. وجود عنصر فضایی و عنصر کالبدی کانون توجه و تأکید در طول مسیر

وجود یک میدان شهری به عنوان عنصر فضایی کانون توجه و تأکید در طول خیابان، سبب خوشایندی بیشتر (براساس سنجش EEG با اطمینان ۹۵٪)، برانگیختگی بیشتر (سنجش SAM با اطمینان ۹۵٪) و افزایش سطح کنترل بر فضا (با اطمینان ۹۹٪) می‌گردد. وجود یک

جدول شماره ۷: نتایج تحلیل تأثیر وجود عنصر فضایی کانون توجه و تأکید بر متغیرهای هیجانی

کنترل			برانگیختگی						خوشایندی						آزمون های پژوهش
نتایج SAM			نتایج EEG			نتایج SAM			نتایج EEG			نتایج SAM			
میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	
۱,۲۶	۲	۰,۰۱۸	۱,۶۰	۱	۰,۱۰۲	۱,۷۱	۱	۰,۰۲۹	۱,۶۹	۱	۰,۰۳۳	۱,۶۹	۱	۰,۰۵۹	
۱,۷۴	۱		۱,۴۰	۲		۱,۲۹	۲		۱,۳۱	۲		۱,۳۱	۲		
۱,۱۵	۲	۰,۰۰۲	۱,۲۸	۲	۰,۰۰۳	۱,۲۵	۲	۰,۰۰۴	۱,۵۳	۱	۰,۷۳۶	۱,۴۰	۲	۰,۲۸۵	
۱,۸۵	۱		۱,۷۳	۱		۱,۷۵	۱		۱,۴۸	۲		۱,۶۰	۱		

و (EEG) با اطمینان ۹۵ درصد، شکستگی در مسیر و تغییر چشم انداز خیابان سبب برانگیختگی بیشتر در افراد نیز می‌گردد. اما سبب می‌گردد سطح کنترل و تسلط بر فضا (با اطمینان ۹۹ درصد) کاهش یابد (جدول شماره ۸).

۴.۵. شکستگی در مسیر و تغییر چشم انداز

در بخش بعدی پژوهش به بررسی تأثیر چرخش در حین حرکت و تغییر چشم انداز پرداخته است. نتایج سنجش (EEG) با اطمینان ۹۵ درصد نشان داد شکستگی در مسیر و تغییر چشم انداز خیابان، سبب خوشایندی بیشتر در افراد می‌گردد. همچنین براساس نتایج (SAM)

جدول شماره ۸: نتایج تحلیل تأثیر شکستگی در مسیر و تغییر چشم انداز خیابان شهری بر متغیرهای هیجانی

کنترل			برانگیختگی						خوشایندی						آزمون های پژوهش
نتایج SAM			نتایج EEG			نتایج SAM			نتایج EEG			نتایج SAM			
میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	
۱,۷۶	۱	۰,۰۰۸	۱,۶۲	۱	۰,۰۵۹	۱,۶۷	۱	۰,۰۹۰	۱,۶۹	۱	۰,۰۳۳	۱,۶۲	۱	۰,۱۹۷	
۱,۲۴	۲		۱,۳۸	۲		۱,۳۳	۲		۱,۳۱	۲		۱,۳۸	۲		
۱,۱۹	۲	۰,۰۰۲	۱,۶۸	۱	۰,۰۳۶	۱,۶۹	۱	۰,۰۴۶	۱,۷۹	۱	۰,۰۰۱	۱,۷۱	۱	۰,۰۱۵	
۱,۸۱	۱		۱,۳۲	۲		۱,۳۱	۲		۱,۲۱	۲		۱,۲۹	۲		

سنجش نفوذپذیری بصری در ساختار کالبدی که در این آزمون نفوذپذیری و عدم نفوذپذیری لایه همکف خیابان با یکدیگر مقایسه شده‌اند نشان داد براساس نتایج SAM و EEG، نفوذپذیری بصری در ساختار کالبدی تأثیری در خوشایندی افراد ندارد اما با اطمینان ۹۹ درصد (با نتایج SAM و EEG)، سبب برانگیختگی بیشتر در افراد می‌گردد. همچنین با اطمینان ۹۹ درصد، سبب می‌گردد سطح کنترل و تسلط بر فضا افزایش یابد (جدول شماره ۹).

۴.۶. نفوذپذیری در ساختار فضایی و نفوذپذیری بصری در ساختار کالبدی

نتایج آزمون فریدمن، سنجش (EEG) با اطمینان ۹۵ درصد (میانگین رتبه 1.69) نشان داد نفوذپذیری در ساختار فضایی سبب خوشایندی بیشتر در افراد می‌گردد. نتایج آزمون (SAM) نیز در خصوص برانگیختگی با اطمینان ۹۵ درصد نشان داد نفوذپذیری سبب برانگیختگی بیشتر می‌گردد. اما نتایج (اطمینان ۹۵ درصد) نشان داد افزایش نفوذپذیری در ساختار فضایی خیابان سبب کاهش سطح کنترل بر فضا می‌گردد.

جدول شماره ۹: نتایج تحلیل تاثیر نفوذپذیری در ساختار فضایی خیابان شهری بر متغیرهای هیجانی

کنترل			برانگیختگی						خوشایندی						آزمون های پژوهش
نتایج SAM			نتایج EEG			نتایج SAM			نتایج EEG			نتایج SAM			
میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	
۱,۲۰	۲	۰,۰۰۵	۱,۷۷	۱	۰,۰۲۸	۱,۷۵	۱	۰,۰۱۸	۱,۷۳	۱	۰,۰۰۲	۱,۶۸	۱	۰,۰۷۱	شکستگی در مسیر و تغییر چشم انداز
۱,۸۰	۱		۱,۲۳	۲		۱,۲۵	۲		۱,۲۸	۲		۱,۳۳	۲		آزمون پایه

داد بیشترین برانگیختگی به ترتیب مربوط به خیابان با ریتم های همکف و بالای همکف سه بعدی، همکف سه بعدی و بالای همکف دوبعدی، همکف دوبعدی و بالای همکف سه بعدی و در نهایت کمترین برانگیختگی مربوط به خیابان با ریتم های همکف و بالای همکف دوبعدی است. نتایج بعد کنترل نشان می دهد، ریتم های متفاوت جداره تأثیر متفاوتی بر بعد کنترل داشته است، به گونه ای که با اطمینان ۹۹ درصد بیشترین سطح کنترل به ترتیب در خیابان با ریتم های همکف و بالای همکف دوبعدی، همکف دوبعدی، بالای همکف سه بعدی و همکف سه بعدی، بالای همکف دوبعدی و در نهایت در خیابان با جداره همکف و بالای همکف سه بعدی است (جدول شماره ۱۰).

۴.۷. ریتم های دوبعدی و سه بعدی لایه جداره خیابان

نتایج نشان داد براساس آزمون SAM (با اطمینان ۹۵٪) و آزمون EEG (با اطمینان ۹۹٪) بیشترین خوشایندی مربوط به خیابان با ریتم های سه بعدی در طبقات همکف و بالای همکف و پس از آن خیابان با همکف دوبعدی و بالای همکف سه بعدی است. در ادامه با اختلاف در نتایج دو آزمون، نتایج (SAM) نشان می دهد خوشایندی خیابان با جداره همکف و بالای همکف دوبعدی بیش از همکف سه بعدی، بالای همکف دوبعدی است. اما نتایج (EEG)، با اطمینان ۹۹ درصد نشان داد خوشایندی خیابان با ریتم های همکف سه بعدی، بالای همکف دوبعدی بیش از همکف و بالای همکف دوبعدی است. در مورد برانگیختگی نتایج (SAM) و (EEG) هر دو با اطمینان ۹۵ درصد نشان

جدول شماره ۱۰: نتایج تحلیل تأثیر ریتم های لایه جداره خیابان شهری بر متغیرهای هیجانی

کنترل			برانگیختگی						خوشایندی						آزمون های پژوهش
نتایج SAM			نتایج EEG			نتایج SAM			نتایج EEG			نتایج SAM			
میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	
۳,۱۹	۱		۲,۰۹	۴		۲,۰۷	۴		۲,۰۵	۴		۲,۳۱	۳		همکف دو بعدی، بالای همکف دوبعدی
۲,۷۶	۲	۰,۰۰۱	۲,۳۳	۳	۰,۰۴۱	۲,۴۰	۳	۰,۰۳۵	۲,۶۴	۲	۰,۰۰۸	۲,۵۷	۲	۰,۰۴۲	همکف دوبعدی، بالای همکف سه بعدی
۲,۲۶	۳		۲,۶۹	۲		۲,۵۵	۲		۲,۲۱	۳		۲,۱۷	۴		همکف سه بعدی، بالای همکف دوبعدی
۱,۷۹	۴		۲,۸۹	۱		۲,۹۸	۱		۳,۱۰	۱		۲,۹۵	۱		همکف سه بعدی، بالا همکف سه بعدی

سطح تسلط و کنترل فضا در خیابان با کنج خالی شده احساس می شود. پس از آن نیز نتایج به ترتیب مربوط به خیابان با کنج منحنی شکل، کنج پخ دار و در نهایت کنج پیش آمده است. اما در خصوص بعد برانگیختگی هم نتایج (SAM) و هم (EEG) نشان داد شکل و فرم کنج خیابان تأثیری در برانگیختگی افراد ندارد (جدول شماره ۱۱).

۴.۸. شکل و فرم کنج

در خصوص ارزیابی تأثیر شکل و فرم کنج، نتایج (SAM) و (EEG)، با اطمینان ۹۹ درصد نشان داد بیشترین خوشایندی در خیابان با کنج منحنی شکل بوده و پس از آن به ترتیب مربوط به شکل کنج خالی شده سپس کنج پخ دار و در نهایت کنج پیش آمده بوده است. در خصوص سطح کنترل و تسلط نیز نتایج با اطمینان ۹۹ درصد نشان داد بیشترین

جدول شماره ۱۱: نتایج تحلیل تأثیر شکل و فرم کنج خیابان شهری بر متغیرهای هیجانی

کنترل			برانگیختگی						خوشایندی						آزمون های پژوهش
نتایج SAM			نتایج EEG			نتایج SAM			نتایج EEG			نتایج SAM			
میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	میانگین رتبه	رتبه	Sig	
۲,۵۳	۳		۲,۲۰	۴		۲,۷۰	۲		۲,۸۵	۳		۲,۷۸	۲		کنج پخ دار
۲,۸۵	۲	۰,۰۰۰	۲,۷۰	۲	۰,۱۴۷	۲,۳۵	۳	۰,۳۰۷	۳,۱۸	۱	۰,۰۰۰	۲,۸۳	۱	۰,۰۰۲	کنج منحنی شکل
۳,۰۰	۱		۲,۸۵	۱		۲,۱۸	۴		۲,۹۳	۲		۲,۸۳	۱		کنج خالی شده
۱,۶۳	۴		۲,۲۵	۳		۲,۷۸	۱		۱,۰۵	۴		۱,۵۸	۳		کنج پیش آمده

2016) و اگر هیچ تغییری در محیط وجود نداشته باشد، هیجانان فرد کم و بیش در حالت تعادل است (Konig, 2014, et al.)، اما در این مطالعات، تأثیر سنج‌های مختلف ایجادکننده این تغییرات به طور جداگانه بر تجربه هیجانی افراد مورد بررسی قرار نگرفته بود که در نتیجه در این پژوهش به بررسی چند عامل پرداخته شد. نتایج نشان داد وجود میدان به‌عنوان عنصر فضایی کانون توجه و تأکید در طول مسیر خیابان، وجود یک بنای شاخص به‌عنوان عنصر کالبدی کانون توجه و تأکید، نفوذپذیری در ساختار فضایی خیابان و شکستگی در مسیر و تغییر چشم‌انداز خیابان، همگی سبب افزایش خوشایندی و برانگیختگی تجربه شده در افراد می‌گردد که با توجه به برآیند خوشایندی و برانگیختگی مثبت و براساس نظریه (PAD)، فضاهایی هیجان‌انگیزتر به‌شمار می‌آیند. در این بین تنها در خیابان با عقب‌رتگی و پیش‌آمدگی کالبدی، اگرچه سطح خوشایندی در افراد افزایش می‌یابد اما تأثیری در برانگیختگی افراد مشاهده نگردید. بنابراین در مجموع می‌توان نتیجه‌گیری نمود تغییرات در سکناس‌های فضایی در حالت‌های مختلف بر تجربه هیجانی افراد تأثیرگذار بوده و با توجه به تغییرات افزایشی در خوشایندی و برانگیختگی، می‌توان نتیجه گرفت تغییرات سکناس‌های فضایی عموماً اثرات مثبت بر تجربه هیجانی دارند. البته به جز وجود میدان به‌عنوان عنصر فضایی کانون توجه و تأکید در طول مسیر که سبب افزایش سطح کنترل و تسلط بر فضا می‌گردد، در مابقی موارد سطح کنترل و تسلط بر فضا کاهش می‌یابد.

در ادامه به بررسی تأثیر فرم کنج‌های ایجاد شده در خیابان پرداخته شد. مطالعات موجود و نتایج این پژوهش نشان داده‌اند تغییرات هیجانی در حین چرخش به تقاطع و تغییر جهت حرکت وجود دارد. هدف این بخش از پژوهش بررسی آن است که آیا چنین تغییرات هیجانی صرفاً به دلیل تغییر جهت در مسیر حرکت بوده‌است یا آن که این تغییرات می‌تواند به دلیل ساختار کالبدی-فضایی کنج‌های ایجاد شده نیز باشد. نتایج این پژوهش نشان داد شکل و فرم کنج‌ها بر احساس خوشایندی عابرین پیاده اثرگذار است، به‌گونه‌ای که خوشایندی خیابان با کنج منحنی شکل بیش از سایر فرم‌ها بوده اما تأثیری در برانگیختگی افراد ندارد. بنابراین در مجموع فرم و شکل کنج‌های خیابان نیز بر تجربه هیجانی افراد اثرگذار است و مانند نتایج تحقیقات قبلی، در خصوص فرم کنج نیز بیشترین خوشایندی مربوط به فرم‌های نرم منحنی شکل است. تأثیر جداره شهری بر تجربه هیجانی عابرین نیز از دیگر مواردی است که به آن پرداخته شد. نتایج مطالعات پیشین نشان از تأثیر مثبت خطوط منحنی، اشکال هماهنگ با فرم‌های طبیعی، نماهایی با جزئیات معماری متناسب داشته و نماهایی که مسطح و یکنواخت باشند و از اطلاعات معمارانه کافی برخوردار نیستند برای انسان نامناسب برشمرده شده‌اند (Kasakin & Mastandrea, 2009). در این پژوهش ریتم‌های مختلف دوبعدی و سه‌بعدی جداره خیابان و با توجه به موقعیت آن با یکدیگر مقایسه شده‌اند. در راستای نتایج پیشین، نتایج این تحقیق نشان داد خوشایندی و برانگیختگی در جداره‌هایی که تماماً سه‌بعدی هستند، بیش از جداره‌هایی که تماماً دو‌بعدی هستند، از کمترین خوشایندی و برانگیختگی برخوردارند. همچنین سطح کنترل و تسلط در خیابان با ریتم‌های دوبعدی بیش

در بخش یافته‌های تحقیق، به کمک داده‌های عصبی مستخرج از سنجش (EEG) و پرسشنامه آزمون (SAM)، به روش کمی به بررسی ارتباط بین ده متغیر از اصلی‌ترین سنج‌های کالبدی-فضایی یک خیابان شهری و تحریک هیجانی عابرین پیاده پرداخته شد. به‌طور کلی پژوهش حاضر در تأیید نتایج پژوهش‌های پیشین اما به روش دقیق و با سنجش داده‌های عصبی مستخرج، نشان داد سنج‌های کالبدی-فضایی یک خیابان از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر هیجانان تجربه شده توسط افراد است. در خصوص شکل و فرم فضا، مطالعات پیشین، فرم منحنی و متقارن را لذت‌بخش‌تر، چشم‌نوازتر و موردترجیح مردم نشان داده‌اند (Bar & Neta, 2008; Garner, 1974). نتایج پژوهش حاضر نیز نشان داد افراد خوشایندی بیشتری را در خیابان‌های دارای انحنا (خیابان قوسی شکل و ماریچ) نسبت به خیابان‌های مستقیم‌الخط احساس می‌نمایند و برانگیختگی نیز در این‌گونه خیابان‌ها بیش از خیابان مستقیم‌الخط است اما سطح کنترل و تسلط در خیابان مستقیم‌الخط بیش از خیابان قوسی شکل و خیابان ماریچ است. بنابراین در مجموع، برآیند سه مؤلفه هیجانی خوشایندی، برانگیختگی و کنترل (D+A+P-) براساس نظریه (PAD) نشان می‌دهد فضاهای منحنی شکل هیجان‌انگیزتر، شادی‌آورتر و قدرتمندتر به‌شمار آمده و تعداد و تنوع این انحنا که بیشتر باشد، سطح هیجانی آن نیز بیشتر می‌گردد. در خصوص اندازه و محصوریت فضای شهری، قبلاً براهمیت مقیاس مناسب فضا و ارتباط آن با کیفیت عاطفی در مطالعات اشاره شده (Franz, et al., 2004; Shaftoe, 2008; Stamps, 2005) و محصوریت بینایی موردنظر نظریه پردازان بوده‌است (Lynch, 1971; Gehl, 2003; Alexander, 1977). از نظر توسلی اگر محصوریت از ۱:۱ و ۲:۱/۵ تجاوز کند، در ناظر احساس ترس می‌نماید و محصوریت مطلوب فضا ۱:۲، ۳:۱ یا ۴:۱ است. البته این نتایج مربوط به ناظران غربی بوده و ناظران ایرانی احساس متفاوتی نسبت به محصوریت خواهند داشت (Tavassoli, 2019). از این‌رو در این پژوهش به بررسی تأثیر چهار محصوریت متفاوت خیابان شهری بر تجربه هیجانی عابرین پیاده پرداخته شد که نتایج نشان داد خوشایندی در خیابان‌های با محصوریت میانه (۱:۲ و ۱:۱) بیشتر از خیابان با محصوریت کم و زیاد (۱:۴ و ۱:۲) است اما خیابان‌های با محصوریت میانه در مقایسه با خیابان‌های با محصوریت کمتر و بیشتر، برانگیختگی کمتری را در فرد ایجاد می‌نمایند. با برآیند خوشایندی و برانگیختگی حاصل از محصوریت‌های مختلف و براساس نظریه (PAD)، (A+-D+P) چنین خیابان‌هایی آرامش‌بخش و بی‌دغدغه به‌شمار می‌آیند. البته فضاهای با محصوریت کمتر یعنی با محصوریت‌های ۱:۱ و ۱:۲/۴ سبب می‌شوند افراد کنترل بیشتری بر فضا داشته باشند و هرچه محصوریت فضا بیشتر شده و به سمت خیابان‌های با محصوریت ۱:۲ و نهایت ۱:۴ می‌رسد، سطح کنترل و تسلط عابرین بر آن کاهش می‌یابد. بنابراین در مجموع، محصوریت‌های ۱:۲ و ۱:۱ از مطلوبیت عاطفی و هیجانی بیشتری برخوردار است.

همچنین از مطالعات پیشین به‌طور کلی چنان بر می‌آید که گرهِ‌های شهری، تغییر در وضعیت مکانی و سکناس‌های فضایی در حین حرکت در فضاهای شهری، از دیگر عوامل کالبدی-فضایی است که هیجانان افراد را دستخوش تغییر قرار می‌دهد (Hamzi, et al., 2016; Li, et al.,).

برانگیختگی و خوشایندی بیشتر نیز در افراد می‌گردد. مطلوب‌ترین حالت اندازه و محصوریت فضا نیز مربوط به خیابان‌های با محصوریت میانه (۱:۱۹:۲) است که در عابرین پیاده احساس آرامش به وجود می‌آورد. همچنین نتایج این تحقیق نشان داد تغییر در سکناس‌های فضایی شامل وجود میدان به‌عنوان عنصر فضایی کانون توجه و تأکید در طول مسیر خیابان، وجود یک بنای شاخص به‌عنوان عنصر کالبدی کانون توجه و تأکید، نفوذپذیری در ساختار فضایی خیابان و شکستگی در مسیر و تغییر چشم انداز خیابان، همگی سبب افزایش خوشایندی و برانگیختگی تجربه شده در افراد می‌گردد که نتیجه آن فضاهایی هیجان‌انگیزتر در مقایسه با خیابان فاقد تغییر و تنوع در سکناس‌های فضایی است. البته تغییرات هیجانی در حین چرخش در طول مسیر حرکت صرفاً به دلیل تغییر جهت آن نبوده و فرم و شکل کنج‌های خیابان نیز از دیگر عواملی است که بر تجربه هیجانی افراد اثرگذار بوده و در این مورد نیز بیشترین مطلوبیت هیجانی مربوط به فرم‌های نرم منحنی شکل است. ریتم‌های دوبعدی و سه‌بعدی جداره خیابان نیز از دیگر عوامل اثرگذار بر تحریک هیجانی عابرین پیاده است، به‌گونه‌ای که سه‌بعدی بودن جداره‌های شهری سبب خوشایندی و برانگیختگی بیشتر در عابرین پیاده می‌گردد. باتوجه به آنچه از پژوهش حاضر برآمد، توانایی (EEG) پرتابل و هدست (MindWave MW001)، برای نظارت بر فعالیت‌های مغز انسان در عمل و افشای فرایندهای مغز به‌عنوان یک ابزار بالقوه برای ارزیابی مداخلات طراحی محیطی کافی است و این امر به شناسایی زمینه‌های کاربردی جدید در حوزه معماری و شهرسازی کمک خواهد کرد. در مجموع پژوهش حاضر تلاشی است که پیش‌بینی تأثیرات روانشناسانه طراحی شهری را قبل از هرگونه اقدامی ممکن می‌نماید تا با علم بر نحوه تأثیرگذاری، بتوان با گزینش، تغییر و طراحی مناسب عناصر و ویژگی‌های کالبدی فضا، سبب تحریک هیجان‌های مثبت و کاهش سطح هیجان‌های منفی و در نهایت ارتقای سلامت روان شهروندان گردید. بدیهی است انجام پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نظیر انتخاب گروه نمونه و حجم نمونه، نحوه انجام آزمون‌ها و کنترل متغیرهای ناخواسته و امکانات مالی همراه بوده است. بنابراین امکان انجام پژوهش‌های آتی بر پایه آزمون سایر حالت‌های ممکن از ساختار کالبدی فضایی خیابان شهری، بررسی تأثیر ترکیب محیط اجتماعی و کالبدی، استفاده از محیط‌های شبه‌واقعی‌تر، بررسی تأثیر هیجان‌های ایجاد شده بر رفتار عابرین پیاده و در نهایت استخراج اصول و ضوابط طراحی از نتایج حاصل از تأثیر متغیرهای کالبدی فضایی خیابان بر هیجان وجود دارد.

References:

- Alavi Belmaani, M. (2008). Application of Video Ecology Topics (The Effect of Human Visual Structure) In the Formation of Design Indicators of Urban Walls. Thesis, master of urban planning, Tarbiat Madras University, Tehran. [in persian]
- Alexander, C. (1977). A Pattern Language. New York: Oxford University Press.
- Alnemari, M. H. (2017). Integration of a Low Cost

از خیابان با ریتم‌های سه‌بعدی است. بنابراین جداره‌های با ریتم‌های سه‌بعدی بر اساس نظریه (PAD) سبب جذابیت، شگفت‌زدگی، احساس هیبت و قدرتمندی نموده و جداره‌های با ریتم‌های دوبعدی بیشتر سبب احساس کسل‌کنندگی و عدم تحرک می‌نمایند. در این بین، لایه همکف بیشتر در تحریک برانگیختگی و لایه بالای همکف در تحریک خوشایندی اثرگذار بوده است. در ادامه نیز تأثیر نفوذپذیری بصری در ساختار کالبدی خیابان با آزمون مقایسه تأثیر طبقه همکف به صورت صلب و نفوذپذیر (در این تحقیق بدنه تجاری) مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد نفوذپذیری بصری در ساختار کالبدی خیابان سبب افزایش برانگیختگی و تسلط بر فضا می‌گردد اما تأثیری در احساس خوشایندی افراد ندارد.

از دیگر نتایج این تحقیق، مقایسه روش‌های (SAM) و داده‌های (EEG) مستخرج از هدست (MindWave MW001) است. مقایسه نتایج دو آزمون بوم‌ویتی و آزمون فریدمن، در هردسته از آزمون‌های طراحی شده، نشان می‌دهد با توجه به معناداری آزمون‌های آماری ($\text{Sig} > 0.0$)، در خصوص متغیر برانگیختگی، ۸۸٫۸۹ درصد، در خصوص متغیر خوشایندی ۶۱٫۱۱ درصد و در مجموع ۷۵ درصد انطباق در نتایج حاصل از دو روش (SAM) و (EEG) وجود دارد که نشان می‌دهد داده‌های (EEG) مستخرج از دستگاه به خوبی می‌توانند هیجان‌ات افراد را استخراج نمایند. همچنین انطباق نتایج دستگاه با نتایج (SAM)، در برداشت متغیر برانگیختگی بیش از متغیر خوشایندی است. در این پژوهش تأثیر متغیرهای تعدیل‌کننده هم مورد ارزیابی قرار گرفت. سنجش نوع شخصیت شرکت‌کنندگان، به کمک پرسشنامه (NEO-FFI) و بررسی تأثیر متغیرهای تعدیل‌کننده (جنسیت، سن و گروه‌های متخصصین و غیرمتخصصین و ویژگی‌های شخصیتی) بر پاسخ‌های هیجانی به کمک آزمون همبستگی پیرسون نشان داد بین متغیرهای هیجانی با متغیرهای شخصیت در ۹۲ درصد از آزمون‌ها و با متغیرهای سن و جنسیت و رشته تحصیلی در ۱۰۰ درصد آزمون‌ها همبستگی معنادار نیست که نشان شخصیت‌های متفاوت آزمون‌شوندگان، سن، جنسیت و حتی رشته تحصیلی نمی‌تواند بر هیجان‌ات تأثیر گذاشته و نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد.

۵. نتیجه‌گیری

در این مقاله به ارتباط بین سنجه‌های کالبدی فضایی خیابان شهری و تحریک هیجانی عابرین پیاده با استفاده از روش و ابزاری نوین پرداخته شد. ماهیت موضوع، این پژوهش را ناگزیر از انجام آزمایش‌های کنترل شده نموده تا با پیمایش مجازی آزمون‌شوندگان در محیطی شبیه‌سازی شده، داده‌ها استخراج و به کمک روش‌های کمی-آماری تحلیل گردد. در راستای تدقیق نتایج حاصله در مقایسه با نتایج مطالعات پراکنده پیشین و برای امکان‌سنجی استفاده از ابزاری نوین در مطالعات حوزه شهرسازی، در این پژوهش از روش عصبی، نوع (EEG) بهره‌گرفته شد. یافته‌های پژوهش نشان داد متغیرهای کالبدی فضایی خیابان به‌طور کلی اثرات قابل توجه و ملموسی بر تجربه هیجانی عابرین پیاده دارند. به‌گونه‌ای که وجود انحنا در مسیر خیابان سبب می‌گردد فضای خیابان برای استفاده‌کنندگان آن هیجان‌انگیزتر، شادی‌آورتر و قدرتمندتر گردد و تنوع انحنا که بیشتر باشد (خیابان مارپیچ)، سبب

- EEG Headset with The Internet of Thing Framework, Thesis, master of science in Computer Engineering, University of California, Irvine.
- Alter, A. (2012). *Drunk Tank Pink: and Other Unexpected Forces That Shape How We Think, Feel, and Behave*. New York: The Penguin Press.
 - Appleton J. (1975) *The Experience of Landscape*, Chichester: John Wiley and Sons.
 - Arifin, S. & Cheung, P.Y.K. (2007). A Computation Method for Video Segmentation Utilizing the Pleasure-Arousal-Dominance Emotional Information. *Proceedings of the 15th international conference on Multimedia: 68-77*.
 - Baker, J., Levy, M., Grewal, D. (1992). An Experimental Approach to Making Retail Store Environmen- Griffitt. William (1970), *Environmental effects on interperal decisions*. *Journal of Retailing*, 68 (4), 445-60.
 - Bar, M. & Neta, M. (2008). The Proactive Brain: Using Rudimentary Information to Make Predictive Judgments. *Journal of Consumer Behaviour*, 7(4-5319-330).
 - Barrett, F. L. (2006). Solving the Emotion Paradox: Categorization and the Experience of Emotion. *Personality and Social Psychology Review*, 10(1), 20-46.
 - Berto, R. (2014). The Role of Nature in Coping with Psycho-Physiological Stress: a Literature Review on Restorativeness. *Behavioral sciences (Basel, Switzerland)*, 4(4), 394-409.
 - Beer, U. (1992). *What Color Tells Us*. Stuttgart: KreuzVerlag.
 - Bradley, M. M. & Lang, P. J. (1994). Measuring Emotion: the Self-Assessment Manikin and the Semantic Differential. *Journal of behavior therapy and experimental psychiatry*, 25 (1), 49-59.
 - Brooker, G. & Stone, S. (2007) *Basics Interior Architecture: Form+Structure*. Switzerland: AVA publishing SA.
 - Caicedo, D.G. & Van Beuzekom, M. (2006). *How Do You Feel? An Assessment of Existing Tools for the Measurement Of Emotions and Their Application in Consumer Product Research*. Delft University of Technology, Department of Industrial Design.
 - Carbon, C.C. & Leder, H. (2005). The wall Inside the Brain: Overestimation of Distances Crossing the Former Iron Curtain. *Psychonomic Bulletin & Review*, 12(4), 746-750.
 - Chebat, J.C. & Michon, R. (2003). Impact of Ambient Odors on Mall Shoppers' Emotions, Cognition, and Spending: a TEST of Competitive Causal Theories. *Journal of Business Research*, 56(7), 529-539.
 - Cortes, A. B. C. & Morales, L. E. F. (2016). Emotions and the Urban Lighting Environment: A Cross-Cultural Comparison. *SAGE Open*, 6(1), 1-8 .
 - Demirbilek, O. (2017). Evolution of Emotion Driven Design. In: *Emotions and Affect in Human Factors and Human-Computer Interaction*, Academic Press, Elsevier Inc.; San Diego, 341-357.
 - Dormann, C. (2006). Cultural Representations in Web Design: Differences in Emotions and Values. In: McEwan, T., Gulliksen, J., Benyon, D. (eds) *People and Computers XIX — The Bigger Picture*. Springer, London, 285-299.
 - Gartner, G. (2010). Emotional Response to Space as an Additional Concept of Supporting Way-Finding in Ubiquitous Cartography. In: *Mapping Different Geographies*, Springer Berlin Heidelberg, Germany, 67-73.
 - Gehl, J. (2003). *Life between Buildings: Using Public Space*. Copenhagen: Danish Architectural Press.
 - Franz, G., von der Heyde, M. & Bulthoff, H. H. (2004). Predicting Experiential Qualities of Architecture by its Spatial Properties. *Proceedings 18th IAPS-Conference, Vienna: 1-10*.
 - Franz, G. (2006). Space, Color and Perceived Qualities of Indoor Environments. In *Environment, Health and Sustainable Development (IAPS 19)*, 1-8.
 - Frölich, J., Schneider, S., Kuliga, S., Bielik, M. & Donath, D. (2015) *Raumsynth —An Experimental Setup for Investigating the Relationships between Urban Form and Spatial Experience Based on Fechner's Method of Production*. 10th International Space Syntax Symposium, London: UCL.
 - Gayathri, P. (2016). A New Step in Brain Computer Interaction towards Emotion Recognition and Prediction. *International Journal of Science, Engineering and Technology Research (IJSETR)*, 5(6), 1882-1890.
 - Geroimenko, V. (2014). *Augmented Reality Art: from an Emerging Technology to a Novel Creative Medium*. Cham: Springer.
 - Girardi, D., Lanubile, F. & Novielli, N. (2017). *Emotion Detection Using Noninvasive Low Cost*

- Sensors. Proceedings of the 2017 Seventh International Conference on Affective Computing and Intelligent Interaction (ACII), IEEE, San Antonio October 23-26, Texas: 125-130.
- Gomez, R., Gomez, A. & Cooper, A. (2002). Neuroticism and Extraversion as Predictors of Negative and Positive Emotional Information Processing: Comparing Eysenck's, Gray's, and Newman's theories. *European Journal of Personality*, 16(5), 333-350.
 - Hamzi Hijazi, I., Koenig, R., Schneider, S., Li, X., Bielik, M., Schmit, G. & Donath, D. (2016). Geostatistical Analysis for the Study of Relationships between the Emotional Responses of Urban Walkers to Urban Spaces. *International Journal of E-Planning Research*, 5(1), 1-19
 - Henshaw, V., Mould, O., Kentish, C., Kilvert, E., Michaeladis, A. & Jamil, H. (2012). Emotion in Motion: A Methodology for investigating Emotional Response to the Streets and Urban Spaces in Hanley, Stoke-on-Trent. IAPS 2012 Conference, Human Experience in the Natural and Built Environment, 25 -29 Jun 2012, Strathclyde University, Glasgow.
 - Hoffken, S., Wilhelm, J., Grob, D., Bergner, B. S. & Zeile, P. (2014). EmoCycling– Analysen von Radwegen Mittels Humansensorik und Wearable Computing. Proceedings REAL CORP 2014 Tagungsband 21-23 May 2014, Vienna: 851-860.
 - Hogertz, C. (2010). Emotions of the Urban Pedestrian Sensory Mapping. PQN Final Report-Part B4, Documentation-Measuring Walking, Daniel Sauter & et al. COST (The acronym for European Cooperation in Science and Technology).
 - Hoppen, K., Batten, B., Chislett, H., & Etedgui, J. (2000). In Touch: Texture in Design. Laurel: Glen publishers.
 - Hyun, S. S., Wansoo, K., & Myong, J. J. (2011). The Impact of Advertising on Patrons' Emotional Responses, Perceived Value, and Behavioral Intentions in the Chain Restaurant Industry: the Moderating Role of Advertising-Induced Arousal. *International Journal of Hospitality Management*, 30(3), 689–700.
 - Huynh, Q., Craig, W., Janssen, I. & Pickett, W., (2013). Exposure to Public Natural Space as a Protective factor for Emotional Well-Being among Young People in Canada. *BMC Public Health*, 13(407), 1-14.
 - Iaconesi, S. & Persico, O. (2013). Harvesting Geo-located Emotional States from User Generated Content on Social Networks and Using Them to Create a Novel Experience of Cities. ESSEM 2013, Turin, Italy.
 - Izard, C. E. (2010). The Many Meanings/Aspects of Emotion: Definitions, Functions, Activation, and Regulation. *Emotion Review*, 2(4), 363-370.
 - Kasakin, H. & Mastandrea, S. (2009). Aesthetic Emotions and the Evolution of Architectural Design Styles. *International Conference on Engineering and Product Design Education*, 10 & 11 September 2009, UK, University of Brighton: 501-506.
 - Kevin, M. L., Goldberg, A., & Michelbach, P. (2011). Understanding the Pursuit of Happiness in Ten Major Cities. *Urban Affairs Review*, 47(6), 861 –888.
 - Klettner, S. & Gartner, G. (2012). Modelling Affective Responses to Space, Proceedings REAL CORP 2012 Tagungsband, 14-16 May 2012, Schwechat: 485-491
 - Konig, R., Schneider, S., Hamzi, I., Li, X., Bielik, M., Schmitt, G. & Donath, D. (2014). Using Geo Statistical Analysis to Detect Similarities in Emotional Responses of Urban Space, Sixth International Conference on Design Computing and Cognition (DCC14), June, London, published by ETH, Zurich.
 - Krekel, C., Kolbe, J., & Wüstemann, H. (2015). The Greener, the Happier? The Effects of Urban Green and Abandoned Areas on Residential Well-Being. *Ecological Economics*, 121(C), 117-127.
 - Kuppens, P. (2008). Individual Differences in the Relationship between Pleasure and Arousal. *Journal of Research in Personality*, 42(4), 1053–1059.
 - Lang, P. J., Bradley, M. M., & Cuthbert, B. N. (2005). International Affective Picture System (IAPS): Digitised Photographs, Instruction Manual and Affective Ratings. Technical Report A-6. FL: University of Florida, Gainesville.
 - Laroche, M., Teng, L., Michon, R., & Chebat, J. C. (2005). Incorporating Service Quality into Consumer Mallshopping Decision Making: A Comparison between English and French Canadian Consumers. *Journal of Services Marketing*, 19(3), 157–163.
 - Larsen R. J. & Ketelaar T. (1989). Extraversion, Neuroticism and Susceptibility to Positive and Negative Mood Induction Procedures. *Personality and Individual Differences*, 10(12), 1221-1228.
 - Li, X., Hijazi, I., Koenig, R., Lv, Z., Zhong, C., & Schmitt, G. (2016). Assessing Essential Qualities of Urban Space with Emotional and Visual Data based on GIS Technique. *ISPRS International Journal of Geo-*

- Information, 5(11), 218-227.
- Lynch, K. (1971). *Site Planning*, Cambridge: MIT Press.
 - MacKerron, G., Mourato, S. (2013). Happiness Is Greater in Natural Environments. *Global Environmental Change*, 23(5), 992-1000.
 - Madani nejad, K. (2007). *Curvilinearity in architecture: emotional effect of curvilinear forms in interior design*. PhD Thesis, A&M University, Texas.
 - Matei, S., Ball-Rocheach, S.J., QIU, J.L. (2001). Fear and Misperception of Los Angeles Urban Space: A Spatial-Statistical Study of Communication-Shaped Mental Maps. *Communication Research*, 28(4), 429-463.
 - Mehrabian, A. (1978). Measures of Individual Differences in Temperament. *Educational and Psychological Measurement*, 38(4), 1105-1117.
 - Mitchell, L.A. (2006). *The Relationship between Emotional Recognition and Personality Traits*. Thesis, master of Psychology, Rochester Institute of Technology, Rochester.
 - Montgomery, C. (2013). *Happy City: Transforming Our Lives through Urban Design*. Farrar: Straus and Giroux.
 - Morrison, M., Gan, S., Dubelaar, C., & Oppewal, H. (2011). In-Store Music and Aroma Influences on Shopper Behavior and Satisfaction. *Journal of Business Research*, 64(6), 558-564.
 - Nass, C., Jonsson, I.M., Harris, H., Reaves, B., Endo, J., Brave, S. & Takayama, L. (2005). Improving Automotive Safety by Pairing Driver Emotion And Car Voice Emotion. In CHI'05 Extended Abstracts on Human Factors in Computing Systems (1973-1976). ACM.
 - Naz, A., Kopper, R., McMahan, R. P. & Nadin, M. (2017). Emotional Qualities of VR Space. *IEEE virtual reality (VR) conference*, 18-22 March, Los Angeles, CA: 1-9.
 - Neuhaus, F. (2011). *New City Landscape - Mapping Urban Twitter Usage*. *Technoetic Arts: A Journal of Speculative Research*, 9(1), 31-48
 - Nold, C., Jensen, O.B. & Harder, H. (2008). *Mapping the City- Reflections on Urban Mapping Methodologies from GPS to Community Dialogue*. Paper no.25, Department of Architecture and Design, Aalborg University, Denmark.
 - Perrins-Margalis, N.M., Rugletic, J., Schepis, N.M., Stepanski, H.R., & Walsh, M.A. (2000). The Immediate Effects of a Group-Based Horticulture Experience on the Quality of Life of Persons with Chronic Mental Illness. *Occupational Therapy in Mental Health*, 16(1), 15-31.
 - Raslan, R., Al-Hagla, K. & Bakr, A. (2014). Integration of Emotional Behavioural Layer "EmoBeL" in City Planning. *REAL CORP 2014 Tagungsband*, 21-23 May, Vienna: 309-317.
 - Rasmussen, S .E. (2000). *Experiencing Architecture*. Massachusetts: MIT Press.
 - Reddy, S.M., Chakrabarti, D. & Karmakar, S. (2012). Emotion and Interior Space Design: An Ergonomic Perspective. *Work: A Journal of Prevention, Assessment and Rehabilitation*, 41(1), 1072-1078.
 - Resch, B., Summa, A., Sagl, G., Zeile, P., & Exner, J-P. (2014). Urban Emotions — Geo-Semantic Emotion Extraction from Technical Sensors, Human Sensors and Crowdsourced Data. In: *Progress in Location-Based Services 2014*, 199-212.
 - Robinson, M.D., Ode, S., Moeller, S.K & Goetz, P.W. (2007). Neuroticism and Affective Priming: Evidence for a Neuroticism-Linked Negative Schema. *Personality and Individual Differences*, 42(7), 1221-1231.
 - Roe, J. J., Thompson, C. W., Aspinall, P. A., Brewer, M. J., Duff, E. I., Miller, D., Clow, A. (2013). Green Space and Stress: Evidence from Cortisol Measures in Deprived Urban Communities. *International journal of environmental research and public health*, 10(9), 4086-4103
 - Rofe, Y., Weinreb, A. R. (2013). Mapping Feeling: An Approach to the Study of Emotional Response to Built Environment and Landscape. *Journal of architectural and planning research*, 30(2), 127-145.
 - Russell, J. (2003). Core Affect and the Psychological Construction of Emotion. *Psychological Review*, 110 (1), 172-145.
 - Russell, J. A., & Mehrabian, A. (1977). Evidence for a Three -Factor Theory of Emotions. *Journal of Research in Personality*, 11(3), 273-294
 - Ryu, K., & Jang, S.S. (2007). The Effect of Environmental Perceptions on Behavioral Intentions through Emotions: The Case of Upscale Restaurants. *Journal of Hospitality & Tourism Research*, 31(1), 56-72.
 - Salesses, P., Schechtner K., Hidalgo C. A. (2013).

- The Collaborative Image of the City: Mapping the Inequality of Urban Perception. *PloS one*, 8(7), e68400.
- Shaftoe, H. (2008). *Convivial Urban Spaces: Creating Effective Public Places*. London: Earthscan.
 - Shemesh, A., Bar, M. & Grobman, J.Y. (2015). Space and Human Perception— Exploring Our Reaction to Different Geometries of Spaces. 20th International Conference of the Association for Computer-Aided Architectural Design Research in Asia, Hong Kong: 541-550.
 - Silvia, P. & Barona, C. (2009). Do People Prefer Curved Objects? Angularity, Expertise, and Aesthetic Preference. *Empir Stud Arts* 27(1), 25-42.
 - Stamps, A. E. (2003). Advances in Visual Diversity and Entropy. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 30(3), 449 - 463.
 - Tavassoli, M. (2019). *Urban Design: The Art of Renewing Urban Structure with Four Case Studies*. Tehran: Mahmoud Tavassoli. [in Persian]
 - Tsai, J. L., Chentsova-Dutton, Y., Freire-Bebeau, L., & Przymus, D. E. (2002). Emotional Expression and Physiology in European Americans and Hmong Americans. *Emotion*, 2(4), 380–397.
 - Tyson, G.A., Lambert, G., & Beattie, L. (2002). The Impact of Ward Design on the Behaviour, Occupational Satisfaction and Well-Being of Psychiatric Nurses. *International Journal of Mental Health Nursing*, 11(2), 94-102.
 - Van Hagen, M., Galetzka, M., Pruyn, A., & Peters J. (2009). Effects of Colour and Light on Customer Experience and Time Perception at a Virtual Railway Station. *Experiencing Light 2009: International Conference on the Effects of Light on Wellbeing*, 26-27 Oct 2009, Eindhoven University of Technology, Eindhoven: 137–145.
 - Wang, Y., Wang, Z., Clifford, W., Markham, C., Ward, T. E., & Deegan, C. (2018). Validation of Low-Cost Wireless EEG System for Measuring Event-Related Potentials. 29th Irish Signals and Systems Conference (ISSC), 21-22 June, Belfast: 1-6.
 - Watson, D. & Tellegen, A. (1985). Toward a Consensual Structure of Mood. *Psychological Bulletin*, 98(2), 219-235.
 - Zeile, P., Hoffken, S. & Papastefanou, G. (2009). Mapping People? The Measurement of Physiological Data in City Areas and the Potential Benefit for Urban Planning. *Real CORP 2009*, 22-25 April 2009, Sitges: 341-352.
 - Zeile, P., Resch, B., Exner, JP., Sagl, G. (2015). Urban Emotions: Benefits and Risks in Using Human Sensory Assessment for the Extraction of Contextual Emotion Information in Urban Planning. In: Geertman, S., Ferreira, Jr., J., Goodspeed, R., Stillwell, J. (eds) *Planning Support Systems and Smart Cities. Lecture Notes in Geoinformation and Cartography*. Springer, 209-225.

نحوه ارجاع به مقاله:

پای کن، عصمت، پورجعفر، محمدرضا، رنجبر، احسان؛ (۱۴۰۱) تأثیر سنجه های کالبدی - فضایی خیابان شهری بر تحریک هیجانی عابرین پیاده با استفاده از EEG. *مطالعات شهری*، 11 (44)، 47-62. doi: 10.34785/J011.2022.003/Jms.2022.130

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



چارچوب کیفی برنامه ریزی و طراحی عرصه های میانی مجتمع های مسکونی برای ارتقاء استقلال حرکتی کودکان

نمونه مورد مطالعه: شهر تهران^۱

معصومه میرصفا^۲ - استادیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
زینب طالبی - استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
منصوره کیان ارثی - استادیار، گروه معماری دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

تاریخ دریافت: ۳۰ مرداد ۱۴۰۰ تاریخ پذیرش: ۳۰ بهمن ۱۴۰۰

چکیده

استقلال حرکتی کودکان به عنوان یک کیفیت کلیدی محیط های دوستدار کودک، نمایه ای از میزان پذیرش کودکان در جامعه است. این کیفیت امکان بازی های آزادانه و متنوع را برای کودکان فراهم می کند و در شکل گیری شخصیت اجتماعی و حس استقلال آنها نقش بسزایی دارد. عوامل فردی، اجتماعی و محیطی مؤثرترین عوامل در شکل گیری و ارتقای استقلال کودکان در تحرک و بازی در محیط های خارج از خانه هستند. طی سال های اخیر، با افزایش مسائل اجتماعی محدودکننده حضور کودکان در محیط های عمومی و تبدیل آنها به تله های اجتماعی والدین، مفهوم استقلال حرکتی کودکان گسترده تر شده و علاوه بر حرکت کودکان بین خانه و مدرسه، حرکت آزادانه کودک بین خانه و محیط های پیرامون آن نیز مورد توجه قرار گرفته است. استقلال حرکتی کودکان در عرصه های میانی مجتمع های مسکونی به عنوان فضای واسطی بین خانه با محله و شهر زمینه ساز و تقویت کننده استقلال حرکتی کودکان در محیط های عمومی و شهری خواهد بود. هدف اصلی پژوهش حاضر تعیین مهمترین عوامل و شرایط اثرگذار بر استقلال حرکتی خانه محور کودکان است. با توجه به ماهیت موضوع و ضرورت نگاه به آن از دید کودکان، والدین، متخصصین و مدیران شهری از روش نظریه زمینه ای استفاده شده و با ۱۰۷ نفر از مشارکت کنندگان مذکور تا حد اشباع نظری مصاحبه شد. به دلیل اهمیت کیفیات کالبدی محیط، مشاهده میدانی مستقیم در عرصه های میانی ۱۵ مجتمع مسکونی منتخب در شهر تهران نیز انجام شد و یادداشت های کیفی تهیه شد. داده های به دست آمده در نرم افزار Maxqda به صورت کیفی تحلیل شده و تعداد ۷۴ مفهوم، ۲۵ کد محوری و نه مقوله اصلی استخراج گردید؛ یکپارچه و بهینه سازی کدها و مقوله ها انجام شده و سپس ارتباط آنها با مقوله هسته ای پژوهش تعیین گردید. مدل مفهومی حاصل نشان می دهد عوامل زمینه ای و مداخله گر شامل چارچوب های قانونی، ضوابط و مقررات، شیوه اجرا و نظارت، پذیرش جامعه نسبت به موضوع و فرهنگ سازی پیرامون حضور مستقل کودکان در عرصه های میانی مجتمع های مسکونی دارای اهمیت قابل توجه هستند. کیفیت های کالبدی محیط نظیر ایمنی و امنیت کودکان، دسترسی به بازی، دسترسی به طبیعت و فضای سبز و بهداشت می توانند موجب تعدیل و بهبود اتمسفر اجتماعی مجتمع و انسجام بیشتر آن به نفع حضور مستقل و آزادانه کودکان و دستیابی به سلامت روانی و جسمانی آنها گردند.

واژگان کلیدی: کودک، مجتمع مسکونی، استقلال حرکتی، عرصه های میانی، تهران.

نکات برجسته

- ویژگی های فردی، محیط اجتماعی محله و کیفیت های کالبدی محیط ساخته شده از عوامل مؤثر بر استقلال حرکتی کودکان هستند.
- بر اساس نظریه زمینه ای، چاقی دوران کودکی، مقررات و فرایندهای کنترلی و وضعیت اجتماعی و محیط شهری به ترتیب معرف شرایط علی، زمینه ای و مداخله گر هستند.
- کیفیت های فضایی مختلف مانند پیاده مداری، ایمنی و امنیت، بازی پذیری، سلامتی، جذابیت و دسترسی به طبیعت سبب ارتقای استقلال حرکتی کودکان می شوند.
- پذیرش اجتماعی و آگاهی جامعه نقش مهمی در ارتقای استقلال حرکتی کودکان بازی می کنند.
- ترویج استقلال حرکتی کودکان از طریق دستورالعمل های برنامه ریزی و طراحی مؤثر منجر به تأمین سطوح بالاتری از سلامت روانی و جسمی در میان کودکان می شود.

۱ این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «تدوین ضوابط طراحی مجتمع های مسکونی با رویکرد شهر دوستدار کودک در شهر تهران» است که توسط نویسندگان مقاله و به سفارش مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران (بهره بردار: اداره معماری و ساختمان معاونت معماری و شهرسازی شهرداری تهران) در سال ۱۳۹۹ انجام شده و به تصویب رسیده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: m.mirsafa@guilan.ac.ir

۱. مقدمه

مفهوم استقلال حرکتی کودکان طی سال‌های اخیر در بسیاری از کشورها در حوزه زندگی شهری کودکان مورد توجه قرار گرفته و به عنوان شاخصی برای ارزیابی میزان تناسب فضاهای شهری با نیازهای کودکان مطرح گردیده است. تحقیقات در این حوزه (Gaster, 1991; Gill, 2021; Riazi & Faulkner, 2018) نشان دهنده کاهش چشمگیر تعداد و تنوع مکان‌هایی است که کودکان کشورهای مختلف در طی چند نسل متوالی به طور مستقل به آنها رفت‌وآمد می‌کرده‌اند. به عنوان نمونه، سفر مستقل کودکان به مدرسه در انگلستان طی دهه‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰، ۷۱ درصد کاهش یافته به طوری که تنها ۱۰ درصد از کودکان در دهه ۹۰ به تنهایی به مدرسه می‌رفته‌اند (Hillman et al., 1990). ارقام منتشر شده توسط دولت انگلستان همچنین نشان می‌دهد که در همین بازه زمانی، میانگین مسافت دوچرخه‌سواری پسران حدود ۴۰ درصد و دوچرخه‌سواری دختران ۱۱ تا ۱۵ ساله بیش از ۶۰ درصد کاهش یافته‌است (DoT, 2015). پژوهش‌ها همچنین نشان دهنده آن است که کودکان در کشورهای ثروتمندتر، در سال‌های ابتدایی مدرسه درجات کمتری از استقلال حرکتی در فضاهای عمومی را تجربه می‌کنند و به تدریج با افزایش سن گرایش آنها به تحرک آزادانه در محیط‌های شهری افزایش می‌یابد (Rudner, 2012).

عوامل متعددی همچون ویژگی‌های شخصیتی کودکان، موقعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده و محیط اجتماعی و کالبدی شهرها بر استقلال حرکتی کودکان اثرگذارند. عوامل محدودکننده استقلال حرکتی در محیط‌های شهری شامل استفاده فزاینده از اتومبیل شخصی در شهر و وابستگی به ترافیک سواره، گذرگاه‌های غیرایمن برای عابران پیاده، فاصله زیاد بین خانه تا مقاصد مورد نظر کودک مانند مدرسه، تله‌های اجتماعی و نگرانی والدین در خصوص خطرات موجود در محیط‌های عمومی ناشی از حضور بیگانگان و بزهکاری در فضاهای عمومی است. کاهش استقلال حرکتی کودکان فرصت‌های ایجاد روابط و تعامل اجتماعی ایشان را کاهش داده و بر رشد کودکان (در همه جوانب) تأثیر منفی به جا گذارده‌است؛ بدین ترتیب، امروزه بسیاری از شهرها، به ویژه شهرهای بزرگ، فاقد کیفیت‌های لازم برای پرورش کودکان شناخته می‌شوند (Carroll et al., 2015).

به نظر می‌رسد علاوه بر تغییرات در فرم و نحوه عملکرد شهر، تغییر در عرصه خصوصی زندگی خانواده‌ها نیز بر پرورش کودکان شهری اثرگذار بوده‌است. رشد جمعیت شهری و متعاقباً کاهش سرانه مسکونی و رواج سکونت در مجتمع‌های آپارتمانی، محدودیت‌های فضایی بیشتری را برای فعالیت‌های کودکان، به ویژه بازی آنها ایجاد کرده و موجب شده تا امکان فعالیت جسمی و تحرک کودکان در فضای خصوصی خانه محدودتر شود. مطابق با آمار سال ۱۳۹۵ شهر تهران، ۷۲٫۸ درصد واحدهای مسکونی تهران کمتر از ۱۰۰ مترمربع مساحت دارند و از این مقدار حدود ۱۲ درصد کمتر از ۵۰ مترمربع مساحت دارند (Statistical Center of Iran, 2019). بدین ترتیب از یک سو شرایط زندگی در شهرهای امروز سبب کاهش استقلال حرکتی کودکان در عرصه‌های نیمه عمومی و عمومی شهر شده و از سوی دیگر، کوچک شدن واحدهای مسکونی منجر به محدود شدن امکان بازی و فعالیت جسمی کودک در عرصه

خصوصی زندگی و گرایش آنها به انجام بازی‌های فردی و کامپیوتری شده‌است. افزایش نرخ چاقی در کودکان و تهدید سلامت جسمی یکی از مهم‌ترین پیامدهای کم‌تحرکی آنان است. اگرچه نمی‌توان از تأثیر عوامل متعدد دیگر نظیر تغییر بعد خانوار، شیوه زیست، الگوی تغذیه نیز در این زمینه چشم‌پوشی کرد. در کشور ایران، آمار دقیقی از فعالیت‌های بدنی کودکان ثبت نشده‌است، اما بررسی‌های سایر کشورها نشان می‌دهد کمتر از ۱۰ درصد کودکان و نوجوانان دارای تحرک متوسط تا شدید (حداقل ۶۰ دقیقه) در شبانه‌روز هستند (Riazi & Faulkner, 2018). شرایط نامناسب فضاهای عمومی شهرها از یک سو و محدودیت فضایی در واحدهای مسکونی، نشان دهنده ناکارآمدی دو قلمروی عمومی و خصوصی زیست کودکان برای تشویق تحرک بدنی و ارتقای سلامت آنهاست. این در حالی است که طی پنج دهه گذشته، مجتمع‌های مسکونی به الگوی غالب سکونت در شهر تهران تبدیل شده‌اند؛ و بدین ترتیب قلمروی عمومی (عرصه نیمه عمومی و یا میانی) برای ساکنان مجتمع‌های مسکونی شکل گرفته‌است که می‌تواند بستر مناسبی برای بسیاری از فعالیت‌های کودکان به ویژه بازی آنها باشد.

هرچند در بسیاری از پژوهش‌ها مفهوم استقلال حرکتی اغلب در عرصه‌های عمومی شهر (به ویژه رفت‌وآمد بین مدرسه و خانه) مورد توجه قرار گرفته‌است، ولی در پژوهش‌های اخیر در این حوزه و با توجه به همه‌گیری بیماری کووید-۱۹ طی سه سال گذشته این مفهوم در مقیاس مسکن و مجتمع‌های مسکونی^۲ نیز مطرح شده‌است. کودکان به فضاهایی نیاز دارند که بتوانند آزادانه و به دور از خطر در آنها حرکت کنند، فعال باشند و روابط اجتماعی با سایر کودکان و حتی بزرگسالان برقرار سازند. یکپارچه کردن کودکان با اجتماع و مشارکت دادن آنها در زندگی شهری از طریق ایجاد فضاهای امن و در دسترس کودکان و تعریف فعالیت‌های مناسب برای ایشان در این فضاها امکان‌پذیر است. با وجود اهمیت این موضوع، بررسی مجموع پروانه‌های ساختمانی صادره در بازه زمانی ۱۳۹۸-۱۳۸۸ در مناطق ۲۲ گانه در سطح کل شهر تهران نشان می‌دهد که به جز مناطق ۱، ۳ و ۲۲، همواره کمتر از ۱۰ درصد از پروانه‌های صادره دارای برنامه و طرح فضای ویژه بازی کودکان بوده‌اند. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد وضعیت اقتصادی ساکنین، میزان سود سرمایه‌گذاری در ساخت و قیمت زمین در احداث امکانات افزوده‌ای مانند زمین بازی نقش مهمی دارند. به گونه‌ای که این مقدار در برخی مناطق به صفر می‌رسد. نکته مهم دیگر وضعیت تحقق احداث فضای ویژه بازی از زمان صدور پروانه ساختمانی تا اجرا است؛ در برخی موارد (مجتمع مسکونی بررسی شده در منطقه یک در این پژوهش) با وجود ذکر در پروانه، ساخت فضای بازی تحقق نیافته و یا اجرای آن توسط سازندگان به آینده موکول گردیده است. نمودار شماره ۱۵ نشان دهنده درصد مجتمع‌های مسکونی دارای زمین بازی در پروانه ساختمانی نسبت به کل پروانه‌های صادره به تفکیک مناطق ۲۲ گانه شهر تهران است.

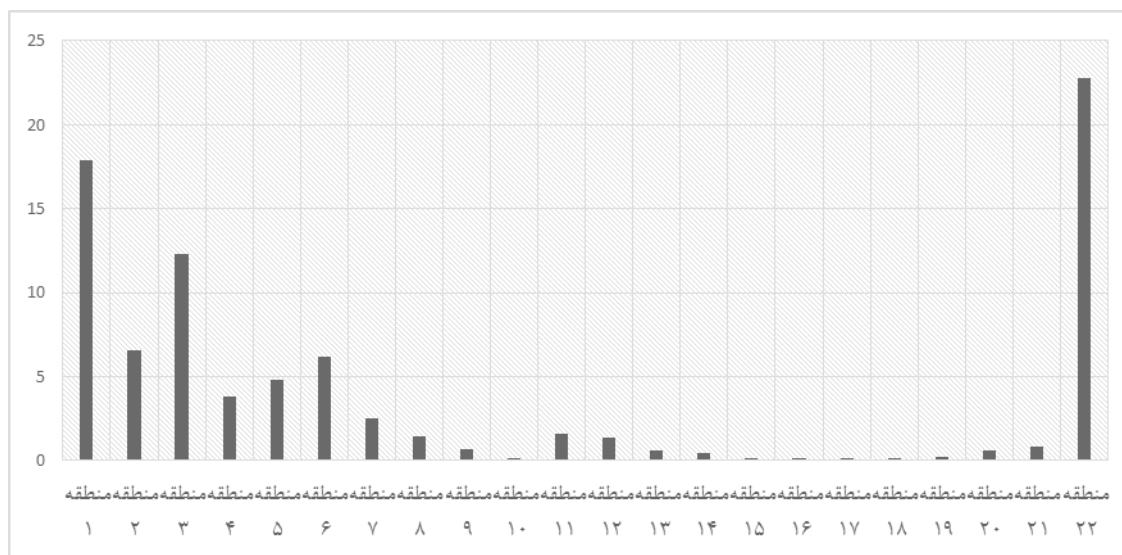
با وجود حرکت جمعیت کشور به سوی سالمندی، کودکان^۳ بخش

۲ تصویب قانون تملک آپارتمان‌ها در تاریخ ۱۳۴۳/۱۲/۱۶ مشتمل بر یازده ماده و یک تبصره در مجلس شورا

3 Home-based Children Independent Mobility

۴ براساس تعریف مرکز آمار ایران-کمتر از ۱۵ سال

1 Children Independent Mobility (CIM)



نمودار شماره ۱: نسبت مجتمعات مسکونی دارای زمین بازی در پروانه ساختمانی نسبت به کل پروانه‌های صادره برای مجتمع مسکونی (درصد) در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، ماخذ: شهرداری تهران، ۱۳۹۸

شهری آغاز شد و تعداد زیادی واحدهای استیجاری در تهران با رشد طبقه متوسط و افزایش قیمت زمین ساخته شدند. در دهه ۱۳۳۰ با رشد افقی شهر، مناطق مرکزی به تدریج با مجتمع‌های مسکونی آپارتمانی مشخص شدند و خانه‌های حیاط‌دار کوتاه‌مرتبه جای خود را به مجتمع‌های آپارتمانی میان‌مرتبه بخشیدند. ساخت مجتمع مسکونی سامان به عنوان نخستین مجتمع پرجمعیت شهر تهران در سال ۱۳۴۹، خیز بلندی برای ساخت مجتمع‌های مسکونی بلندمرتبه در تهران به شمار می‌آید. در حالی که تا قبل از سال ۱۳۴۴ قانون مالکیت اراضی مانع از احداث آپارتمان‌های مسکونی بود، تصویب قانون مالکیت آپارتمان‌ها مشوق احداث بناهای آپارتمانی گردید و محبوبیت ساخت مجتمع‌های مسکونی بلندمرتبه مانند آ.اس.پ (با ۳۸۹ واحد مسکونی) در سال ۱۳۵۴ و اسکان (با ۲۷۰ واحد مسکونی) در سال ۱۳۵۶ با همکاری شرکت‌های خارجی تا انقلاب اسلامی ادامه یافت (Bani-Masoud, 2020).

در بررسی نمونه‌ها، اسناد، مصوبات، ضوابط و دست‌اوایل‌های موجود، تعاریف مختلفی از مجتمع مسکونی ارائه شده و در اغلب این مدارک مجتمع مسکونی با اتکا به ویژگی‌هایی نظیر وجود خدمات عمومی مورد نیاز ساکنان در مجتمع، وجود بلوک‌های ساختمانی چندگانه در قطعه، حد مساحت عرصه و تعداد واحد مسکونی موجود در مجتمع تعریف و تحدید شده است. در بین اسناد مصوب و ابلاغ شده "ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری برای افراد معلول جسمی حرکتی-ویرایش سوم" مصوب سال ۱۳۹۸، مجتمع مسکونی را ساختمان‌های مسکونی که دارای بیش از چهار واحد مسکونی در یک طبقه و یا بیش از هشت واحد در چند طبقه باشند، معرفی می‌کند. با توجه به قلمرو مکانی پژوهش در شهر تهران تعریف مجتمع مسکونی براساس ضوابط و مقررات طرح تفصیلی (مصوب ۱۳۹۱ ویرایش تابستان ۱۳۹۸) براساس اختصاص فضاهای مشترک و حداقل شش واحد مسکونی در نظر گرفته شده است. فضاهای مشترک (مشاع) فضاهایی هستند که بین همه ساکنین مشترک‌اند ولی در عین حال غیر قابل تقسیم شدن هستند و نمی‌توان سهمی از آنها برای مالکین آپارتمان‌ها قائل شد. امروزه،

قابل توجهی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند؛ مطابق با آمار منتشره از سوی مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ کودکان حدود ۲۳٫۴ درصد از جمعیت را تشکیل می‌دهند. در پیش‌بینی‌های جمعیتی این مرکز و با فرض افزایش زاد و ولد این مقدار به ۲۱٫۱ درصد خواهد رسید که در مقایسه با کشورهای توسعه یافته (۱۶ درصد) همچنان قابل توجه است. این موضوع به همراه ضرورت سلامت و بهداشت جسمی-روحي کودکان و تأثیر آن بر آینده جامعه، تحقق محیط و مجتمع مسکونی دوستدار کودک را به عنوان یک ضرورت جدی مطرح می‌سازد. تأمین استقلال حرکتی کودکان به عنوان یکی از پیش‌نیازهای تأمین سلامت و بهداشت جسمی-روحي کودکان از کیفیت‌های مورد انتظار در یک محیط دوستدار کودک است. وضعیت کنونی مجتمع‌های مسکونی شهر تهران، بیانگر کاستی‌های جدی در اختصاص فضا برای بازی و حضور مستقل کودک در مجتمع مسکونی است؛ به گونه‌ای که گاهی بازی کودکان در عرصه‌های مشترک به عنوان عاملی نامطلوب و حتی مزاحم تلقی می‌گردد. ضعف در به کارگیری نتایج مطالعات موجود درباره مفاهیمی مانند شهر و محیط دوستدار کودک و کاستی‌های جدی در ضوابط و مقررات ساخت و ساز به ویژه در مجتمع‌های مسکونی از علل مهم بروز این کاستی‌ها هستند. پژوهش حاضر با تمرکز بر عرصه‌های میانی مجتمع‌های مسکونی به عنوان نخستین تجربه کودک از حضور در محیط خارج از خانه می‌کوشد با آسیب‌شناسی وضعیت موجود این فضاها و با هدف افزایش استقلال حرکتی کودکان (۵ تا ۱۲ سال)، چارچوب کیفی برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای مشترک مجتمع‌های مسکونی را ارائه نماید.

۲. چارچوب نظری

۲.۱. مجتمع مسکونی

در اوایل دهه ۱۳۱۰ ه.ش، معماری مسکونی نخستین گرایش‌های مدرنیستی خود را در شهر تهران به منصف ظهور رساند و از اواسط دهه ۱۳۲۰ ساخت خانه‌های آپارتمانی برای مستأجرین با سطح درآمد مختلف در واکنش به موج شهرنشینی و افزایش قیمت زمین

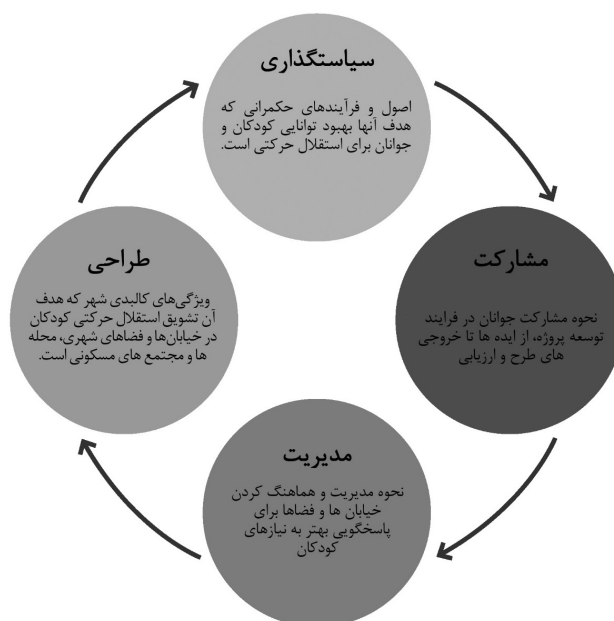
و اوقات فراغت، شرکت در بازی و فعالیت‌های تفریحی و مشارکت آزادانه در زندگی فرهنگی به رسمیت می‌شناسد. در پژوهش‌های اخیر علاوه بر موضوع حرکت مستقل کودکان بین خانه و مدرسه گونه اصلی دیگری نیز با مقاصد سفری به جز مدرسه معرفی شده است. این گونه بر سفر و حضور مستقل کودک در محدوده‌های پیرامون خانه و غالباً با هدف بازی تعریف شده است (Qiu & Zhu, 2021). چگونگی طراحی مجتمع‌های مسکونی بر توانایی کودکان و جوانان در جابه جایی بین فضاهای سکونتی، بازی کردن و ایجاد روابط اجتماعی تأثیر می‌گذارد. محیط فیزیکی مطلوب، فعالیت‌ها و فضاهای بازی کودکان را از همان ابتدا به عنوان عناصر ضروری در نظر می‌گیرد و امکانات رسمی و غیررسمی را برای سنین مختلف ایجاد می‌کند و مسیرهای حرکتی ایمن به امکانات رفاهی در مقیاس بزرگ‌تر را ایجاد می‌کند. تحقیقات در مورد استقلال حرکتی کودکان در انواع مختلف مسکن در لندن نشان داده که به حداکثر رساندن کیفیت فضاهای مشاع، اعم از داخلی و خارجی، در تسهیل حرکت مستقل و ایمن کودکان و نوجوانان بین فضاها ضروری است (DoT, 2015). مقایسه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که استقلال حرکتی کودکان با سطح رفاه کلی آنها مرتبط است. مطالعه ۱۶ کشور نشان داد کودکان در کشورهایی که «مجوز تحرک» مستقل را زودتر دریافت کرده‌اند (مثلاً بدون همراه به مدرسه می‌روند)، در زمینه معیارهای سلامت نیز امتیاز بیشتری کسب کرده‌اند (Shaw et al., 2015). شهرداری لندن در مطالعه‌ای با هدف تبدیل لندن به شهر دوستدار کودک اتخاذ رویکردی یکپارچه و جامع که دربرگیرنده اقدامات مختلف شامل سیاستگذاری، طراحی، مدیریت و مشارکت است را برای ترویج استقلال حرکتی کودکان ضروری می‌داند (GLA, 2020) (تصویر شماره ۱).

کودکان به فضاهای امنی نیاز دارند که بتوانند پرتحرک و فعال بوده،

دوگانگی بین دو مفهوم خصوصی و عمومی که بر اساس پارادایم‌های مدرن مالکیت، بنا شده، در فردیت انسان پدیدارگشته است. در این بستر است که فضاهای مشاع دارای موقعیتی بینابینی هستند: از طرفی قوانین و مقررات، این فضاها را در تصرف مالکان مختلف در نظر می‌گیرد، اما کاربرد این فضاها در بین استفاده‌کنندگان، محدود به چند عملکرد مشخص شده است. مشاع فضایی است که در عین آن که تحت تملک همه مالکین است، از تسلط همگان به دلایل نظارتی و کنترلی مقررات، خارج شده و در تملک هیچکس نیست (Abbasi et al., 2015). بر اساس این تفاسیر و با توجه به کارکرد بینابینی این دسته از فضاها، کاربرد واژه "عرصه‌های میانی" تناسب کافی دارد. این عرصه‌ها، به عنوان فضایی مشترک با مالکیت حقوقی، به فضایی غالباً و صرفاً وابسته به ضوابط تبدیل شده‌اند. در پژوهش حاضر منظور از عرصه‌های میانی، فضاهای باز مانند فضاهای سبز، حیاط، بام، فضاهای بازی کودکان و فضاهای بسته مانند لابی، پارکینگ، فضاهای ورزشی، سالن اجتماعات، راهروها و فضاهای نیمه‌باز مانند پیلوت است.

۲.۲. استقلال حرکتی کودکان

حرکت و سفر مستقل کودکان بدون همراهی و نظارت بزرگسالان در سطح محله و یا شهر استقلال حرکتی خوانده می‌شود. این تحرک می‌تواند به دو صورت فعال (پیداده‌روی، دوچرخه‌سواری و...) به مقصد پارک، زمین بازی و مدرسه به همراه دوستان و همسالان و یا غیرفعال (با استفاده از سیستم حمل‌ونقل عمومی) باشد (Gill, 2021; Qiu & Zhu, 2021; Riazi & Faulkner, 2018). استقلال حرکتی کودکان و نوجوانان آزادی است که آنها برای حضور در فضا و حرکت در قلمروی عمومی بدون نظارت بزرگسالان دارند. کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد حقوق افراد زیر ۱۸ سال را برای استراحت



تصویر شماره ۱: اقدامات چهارگانه شهرداری لندن با هدف ارتقای استقلال حرکتی کودکان در تحقق شهر دوستدار کودک، (GLA, 2020)

(Gill, 2021)؛ اگرچه از این سه عامل، دو مورد نخست مکان و زمان - ملاموس تر هستند، اما نگرش بزرگسالان نیز حائز اهمیت است. حتی اگر کودکان از فضای فیزیکی مناسب و زمان کافی برای بازی برخوردار باشند، بزرگسالان بی توجه می توانند فرصت های بازی را از بین ببرند. عامل چهارم مؤثر در این معادله کودکان دیگر هستند که «مثلث بازی» را به یک هرم تبدیل می کنند. این عامل تأکیدی بر این موضوع است که بازی کودکان به طور معمول یک مقوله اجتماعی است. اگرچه حضور سایر کودکان یک ضرورت منطقی نیست (کودکان حداقل در برخی مواقع به تنهایی بازی می کنند)، بیشتر اوقات بازی کودکان شامل تعامل با کودکان دیگر است و باید به عنوان پیش نیازی برای این که شرایط بازی آزادانه کودکان به طور حداکثری فراهم شود، مورد توجه قرار گیرد. عواملی که در ادامه بیان می شود، حاصل نگاهی جامع بر پژوهش های انجام شده و شرایط موجود در محدوده زمانی و مکانی پژوهش است.

ویژگی های فردی^۱ کودکان مانند سن و جنسیت کودک: دیدگاه والدین به حضور مستقل کودک در محیط های عمومی تا حد زیادی متأثر از سن و جنسیت ایشان است. تفاوت های معناداری بین توانایی های کودکان در سن کمتر از ۱۱ سال و بین ۱۱ تا ۱۵ سال، از نظر توانایی مدرسه رفتن به صورت مستقل و یا فعالیت های بدنی در محیط عمومی وجود دارد. به طور کلی کودکان در فاصله سنی ۸ تا ۱۲ سال، مجوزهای بیشتری برای حضور مستقل و تحرک در فضای عمومی از والدین خود دریافت می کنند. هرچند بسیاری از والدین به دنبال آزادی حرکتی برای دختران و پسران در عرصه های عمومی هستند؛ ولی غالباً پسران در محیط های عمومی محلات دیده می شوند و نمی توان تأثیر جنسیت بر آزادی حرکتی کودکان را نادیده گرفت.

محیط اجتماعی متأثر از میزان انسجام اجتماعی، وجود ارزش ها و هنجارهای مشترک، تصویر ذهنی خانواده ها از محل سکونت خویش، نگرانی ها بابت حضور غریبه ها، میزان جرم و بزهکاری، میزان آزار کودکان بر میزان استقلال حرکتی کودکان تأثیرگذار است (Marzi & Reimers, 2018; Riaz & Faulkner, 2018). در این میان روابط اجتماعی با همسایگان در ایجاد محیط اجتماعی مطلوب برای زیست کودک نقش بسزایی دارد. تحقیقات نشان می دهد کودکانی که از آزادی حرکتی بیشتری برخوردارند، از نظر اجتماعی با همسایگان خود ارتباط بیشتر و بهتری برقرار می کنند. حس همبستگی اجتماعی بر احساس نگرانی کودکان و والدین آنها نسبت به تهدیدهای اجتماعی مانند حضور غریبه ها مؤثر است (Rudner, 2012).

محیط کالبدی: ویژگی های محیط کالبدی در عرصه های میانی مجتمع های مسکونی به عنوان متغیر مستقل پژوهش بر استقلال حرکتی تأثیر بسیار مهمی دارد. فرم شهری فشرده به دلیل کوتاه بودن مسیرهای بین مبدأ و مقصد کودکان از نظر استقلال حرکتی فرمی مطلوب خواهد بود. همچنین فرم شهری فشرده با برخورداری از تراکم جمعیتی بیشتر در عرصه های عمومی، حس امنیت در کودکان برای حرکت مستقل را ارتقا می دهد. فرم شهری از نظر نوع مسکن و شیوه سکونتی کودکان نیز مورد توجه است؛ به عنوان مثال کودکان ساکن در آپارتمان ها (به دلیل فقدان حیاط خصوصی و مستقل) نسبت به

استقلال حرکتی داشته باشند و روابط اجتماعی با سایر کودکان و شاید بزرگسالان برقرار کنند. این فرصت ها نه تنها بر سلامت کودکان در دوران کودکی مؤثر است، بلکه اثری ماندگار در کل عمر فرد خواهد داشت. به علاوه حضور در فضاهای عمومی و خارج از خانه باعث شکل گیری حس مکان، حس تعلق به محیط و هویت شخصی در کودکان می شود (Carroll et al., 2015). کودکانی که دارای استقلال کافی در عملکردهای خود باشند، می توانند قابلیت هایی نظیر ادراک محیط، جهت یابی و یافتن مسیر در محیط را در خود ارتقا دهند. استقلال کودکان در محیط های عمومی منجر به حس خودباوری و عزت نفس بیشتری گردد. تماس با افراد و کودکان موجب گسترش قلمرو و شبکه ارتباطی کودک خواهد گردید (Churchman, 2003). وولی^۱ و همکاران (1999) معتقدند که محیط های شهری به دلیل رشد استقلال کودکان در آنها بخشی از هویت شخصی و اجتماعی آنها می شود و دلبستگی به مکان ها برای هویت شخصی آنها بسیار مهم است (Woolley et al., 1999). همچنین ارتباطات اجتماعی که در هنگام استقلال حرکتی کودکان در محیط های عمومی شکل می گیرد، سرمایه اجتماعی جوامع را تقویت می کند (Carroll et al., 2015).

مدل ارائه شده توسط مور^۲ (2017)، سه دامنه برای فضای حرکتی کودک تعریف می کند. دامنه عادات^۳ کودک عبارت است از محدوده پیرامون خانه که به صورت روزانه برای فعالیت های خارج از ساعات مدرسه از آن استفاده می شود. دامنه مکرر^۴ کودک که وسیع تر از دامنه عادات کودک است و شامل فضاهای اجتماعی است که کودک مکرراً به آنها دسترسی دارد و آزادی و زمان لازم برای دسترسی به آنها را دارد. دامنه سوم، دامنه گاه به گاه^۵ کودکان است که حد و لبه دامنه استقلال کودکان را نشان می دهد. فضاهایی را شامل می شود که کودک از طریق حمل و نقل عمومی به آنها دسترسی پیدا می کند و فراتر از قلمرو و محدوده حرکت پیاده است (Moore, 2017). با رشد کودک محدوده قلمروهایش گسترش می یابد و بزرگ تر می شود. قلمروهای کودکان متناسب با عواملی مانند سن، جنس، شخصیت و ادراک والدین از محله اغلب متفاوت و متنوع است. براساس مدل Moore اغلب فعالیت های روزانه کودکان در محدوده های دامنه عادات و دامنه فعالیت های مکرر کودکان صورت می گیرد و این فضاها اغلب توسط کودکان به صورت پیاده و یا با دوچرخه مورد استفاده قرار می گیرد (Loebach & Gilliland, 2019).

۲.۳. عوامل مؤثر بر استقلال حرکتی کودکان براساس سطوح رویکرد اجتماعی-اکولوژیک^۶

پژوهش های انجام شده در کشورهای مختلف، عوامل مختلف مؤثر بر استقلال حرکتی کودکان را معرفی می کنند. از جمله^۷ Gill (2021)، سه عامل اساسی مکان، زمان و نگرش بزرگسالان را مورد توجه قرار می دهد

- 1 Wolley
- 2 Moore
- 3 Habitual Range
- 4 Frequented Range
- 5 Occasional Range
- 6 Socioecological Framework
- 7 Gill

عبارتند از: ۱. عدم وجود نظریه‌های مشخص درباره موضوع استقلال حرکتی خانه‌محور کودکان، ۲. مشارکت هرچه بیشتر گروه‌های اجتماعی مرتبط با موضوع، ۳. مشاهده موضوع از نگاه کودکان و والدین آنها، ۴. پیچیدگی موضوع از نظر چندبعدی بودن آن (نظریه زمینه‌ای روش مناسبی برای مطالعه شرایط و عوامل مؤثر به طور همزمان است) و ۵. بسط دانش تجربی در این موضوع. بنابراین دلایل، نظریه زمینه‌ای با رویکرد کوربین و استراوس^۲ (شامل تحلیل داده‌ها در سه گام اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی) انجام پذیرفته است. مراحل اصلی انجام شده در این پژوهش به شرح زیر است:

مرحله نخست- ارائه نظریه زمینه‌ای، مستلزم گردآوری داده‌های متنی مصاحبه‌ای عمیق است؛ مصاحبه عمیق غالباً به عنوان مصاحبه نیمه‌ساختاریافته معرفی می‌شود. در این نوع مصاحبه اگرچه کلیت سئوالات از پیش تعریف شده است، مصاحبه شونده در شرح دادن و ایجاد سوبه‌های جدید در مصاحبه آزاد است. تدوین سئوالات مصاحبه (پرسشنامه نیمه‌ساختاریافته) نخستین مرحله در انجام پژوهش است. بنابراین، بر اساس نتایج حاصل از مرور ادبیات موضوع (مجموعه‌های مسکونی دوستدار کودک و استقلال حرکتی خانه‌محور کودکان^۳) ابعاد اصلی و مؤلفه‌های اثرگذار بر استقلال حرکتی کودکان شناسایی گردیده و پرسش‌های تحقیق پیرامون آنها تدوین می‌شوند (جدول شماره ۱).

مرحله دوم- تعیین مشارکت‌کنندگان و نمونه‌گیری برای انجام

کودکان ساکن در خانه‌های ویلایی دارای استقلال حرکتی بیشتری هستند؛ چراکه این کودکان برای بازی و فعالیت نیاز به آزادی حرکتی دارند (Runder et al., 1990; Weir et al., 2006). Hillman et al., 1990 به نقل از Runder (2012). عرصه‌های نیمه‌خصوصی در محدوده‌های سکونتی مانند مجتمع‌های مسکونی برای آزادی حرکتی کودکان بسیار مهم و مفید خواهد بود. کودکان والدین آنها بسیاری از نگرانی‌ها و ترس‌ها را نسبت به این عرصه‌ها نخواهند داشت (Prezza et al., 2001) به نقل از Runder (2012). سایر ویژگی‌ها نظیر تراکم، پیاده‌مداری، پاکیزگی، وجود فضای سبز کافی، دسترسی به طبیعت و... نیز در شکل‌گیری استقلال حرکتی کودکان در عرصه‌های عمومی مؤثر خواهد بود (Riazi & Faulkner, 2018). علاوه بر این که ویژگی‌های طبیعی مانند اقلیم، کیفیت هوا، دما و غیره می‌تواند تحت تأثیر عامل زمان بر میزان استقلال و تحرک کودکان اثر بگذارد، مواردی مانند آلودگی هوا و محیط نیز بر نگرانی‌های والدین برای حضور کودکان در محیط‌های خارج از خانه خواهد افزود (Ayllón et al., 2021).

۳. روش پژوهش

ماهیت پژوهش از نظر هدف، توصیفی-تحلیلی، از نظر نتایج، کاربردی است و فرایند انجام آن کیفی و بر بستر رویکرد داده‌بنیان^۱ و یا نظریه زمینه‌ای است. دلایل استفاده از رویکرد نظریه زمینه‌ای در این تحقیق

جدول شماره ۱: ابعاد و مؤلفه‌های استقلال حرکتی کودک در مجتمع مسکونی

منبع	مؤلفه‌ها	ابعاد استقلال حرکتی کودک در مجتمع مسکونی
(Freeman & Tranter, 2012; Loebach & Gilliland, 2019; Pallucchi, 2010; Rakhimova, 2011)	محافظت از کودکان در برابر خطرها	عملکردی
(Loebach & Gilliland, 2019)	تناسب با فیزیک و کالبد کودک	
(Cilliers & Cornelius, 2018; Loebach & Gilliland, 2019; McAllister, 2008)	حفاظت در برابر وسایل نقلیه موتوری	
(Rowlands et al., 1999)	بهداشت و سلامت کودکان	
(Elias et al., 2018; McAllister, 2008)	رفاه و راحتی کودکان	
(Gibson, 1986 به نقل از Runder, 2012)	فضاهای چندمنظوره	
(Chawla, 2016; Freeman & Tranter, 2012; Gill, 2021; Loebach & Gilliland, 2019)	دسترسی به بازی	
(Sutton & Kemp, 2002; UNICEF, 2005)	آموزندگی محیط	
(Hillman et al., 1990; Weir et al., 2006 به نقل از Runder, 2012; Qiu & Zhu, 2021)	دسترسی و مجاورت پیرامونی	
(Ayllón et al., 2021)	آسایش حرارتی	
(Carrus & Pirchio, 2019; Freeman & Tranter, 2012; Weir et al., 2006)	ارتباط کودک با طبیعت	
(Ayllón et al., 2021)	آلودگی هوا، محیط و ...	
(Ayllón et al., 2021)	تنوع زیستی	
(Vandenberg et al., 2007 به نقل از Mc Allister, 2008); (Pallucchi, 2010)	فضای سبز و طبیعی	کالبدی-بصری
(Alraouf, 2008)	جذابیت و زیبایی محیط	
(Hillman et al., 1990; Weir et al., 2006)	چشم‌اندازهای داخلی و خارجی	
(Churchman, 2003; Carroll et al., 2015;)	خوانایی	ادراکی
(Carroll et al., 2015; Churchman, 2003)	حس تعلق به محیط	
Carroll et al., 2015) (Loebach & Gilliland, 2019; Runder, 2012)	تنوع ساکنین و خانوارها	اجتماع ساکنان
(Carroll et al., 2015; Hart, 2002)	پذیرش ساکنین	
(Riazi & Faulkner, 2018)	محیط اجتماعی متنوع	
(Whitzman & Mizrahi, 2012)	تعاملات همسایگی	جامعه پیرامون
(Mc Allister, 2008; Corsi, 2002; Riazi & Faulkner, 2018 به نقل از Weitch et al., 2006)	امنیت اجتماعی	
(Carrus & Pirchio, 2019; Collins & Kearns, 2001; Marzi & Reimers, 2018; Pallucchi, 2010; Riazi & Faulkner, 2018; Tranter & Pawson, 2001)	مجاورت‌ها	

2 Corbin & Strauss

1 Grounded Theory

3 Home-based CIM

مسکونی منتخب از نوع مشاهده میدانی مستقیم است و شاخص‌های مشاهده در قالب چک‌لیست مستخرج از مرور ادبیات موضوع انجام شده است. تعداد مشارکت‌کنندگان در مصاحبه در ابتدای کار بین ۳۰ تا ۵۰ نفر و تعداد مجتمع‌های مسکونی نیز ۱۵ مجتمع، در نظر گرفته شد (Sandelowski, 1995). نمونه‌گیری از مشارکت‌کنندگان و مشاهده مجتمع‌های مسکونی تا جایی ادامه یافته است که تعداد نظرات، صحبت‌ها و داده‌های مشابه و تکراری، زیاد شود. پس از این وضعیت که اشباع نظری خوانده می‌شود (Creswell, 2007)، برای اطمینان بیشتر، مصاحبه‌ها به تعداد دو نفر ادامه یافت و سپس متوقف گردید. در این تحقیق تعداد مشارکت‌کنندگان مجموعاً ۱۰۷ نفر شامل ۵۳ نفر کودک ۵ تا ۱۲ سال (۳۰ نفر پسر و ۲۳ نفر دختر)، ۳۸ نفر از والدین ساکن در مجتمع‌های مسکونی شهر تهران و ۱۶ نفر متخصص (در دبسیپلین‌های معماری، طراحی شهری و روانشناسی کودک و مدیران شهری در زمینه ضوابط و مقررات معماری) هستند. مختصات مجتمع‌های مسکونی نمونه به شرح زیر است (جدول شماره ۲).

مرحله سوم- پس از گردآوری داده‌های مصاحبه‌ای و متنی، اقدام به

مصاحبه‌ها و مشاهده میدانی در سطح مجتمع‌های مسکونی منتخب در شهر تهران. روش نمونه‌گیری در این تحقیق هدفمند است. در گروه متخصصین نمونه‌گیری نظری با حداکثر تنوع و ناهمگن است که طی آن افرادی انتخاب می‌شوند که دارای دیدگاه‌های متنوع و متفاوت نسبت به موضوع هستند. در گروه کودکان و والدین نمونه‌گیری هدفمند از نوع موارد عادی^۱ است که نماینده اکثریت جامعه پژوهش باشند (Tabibi et al., 2015). برای نمونه‌گیری از مجتمع‌های مسکونی موجود در سطح شهر تهران با توجه به عدم وجود توافق بر تعریف مجتمع مسکونی و همچنین طیف بسیار گسترده از نظر مساحت و تعداد نمونه در مجتمع‌های مسکونی موجود، نمونه‌ها با روش هدفمند متجانس و یا همگن^۲ (انتخاب نمونه از موارد مشابه برای شناسایی عمیق) انتخاب شده‌اند. وجه مشترک مجتمع‌های مسکونی منتخب شاخص قدرالسهم (میزان برخورداری هر واحد مسکونی از عرصه مجتمع مسکونی) است. مجتمع‌های مسکونی نمونه در این پژوهش فارغ از تعداد واحد مسکونی، مساحت زمین و منطقه شهرداری، دارای قدرالسهم بین ۳۰ تا ۶۰ مترمربع هستند. مشاهده در مجتمع‌های

جدول شماره ۲: ویژگی‌های مجتمع‌های مسکونی منتخب پژوهش

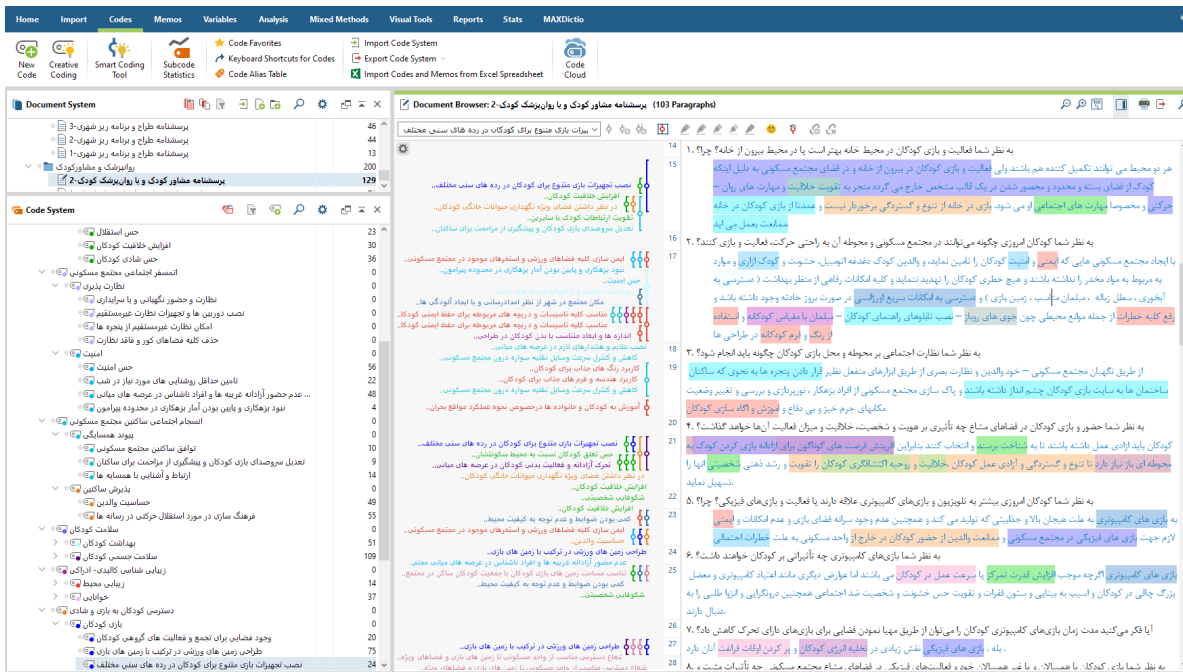
ردیف	منطقه شهرداری	مساحت عرصه (مترمربع)	تعداد واحد	تعداد طبقات	جمعیت ساکن (نفر)	مقدار قدرالسهم هر واحد (مترمربع)	فضاهای ویژه کودکان
۱	یک	۳۵۰۰	۶۵	۵	۲۶۰	۵۴	ندارد
۲	سه	۸۰۰	۱۵	۱۲	۶۰	۵۳	ندارد
۳	چهار	۵۲۰۰	۱۰۸	۹	۴۰۰	۴۹	ندارد
۴	پنج	۹۵۰	۲۴	۵	۶۰	۴۰	ندارد
۵	شش	۸۵۰	۲۴	۶	۸۰	۳۶	ندارد
۶	هفت	۷۵۰۰	۲۲۱	۹	۷۰۰	۳۵	فضای بازی و تجهیزات وابسته
۷	هشت	۳۶۰۰	۱۲۶	۷	۱۱۰	۳۳	ندارد
۸	ده	۶۱۰	۱۸	۷	۵۲	۳۴	ندارد
۹	دوازده	۴۰۰۰	۸۵	۸	۲۰۴	۴۷	ندارد
۱۰	چهارده	۴۲۰۰	۱۳۲	۱۲	۵۰۰	۳۲	ندارد
۱۱	پانزده	۶۸۰۰	۱۸۳	۹	۷۰۰	۳۸	فضای بازی و تجهیزات وابسته
۱۲	شانزده	۹۰۰۰	۱۶۰	۴	۸۰۰	۵۶	ندارد
۱۳	هفده	۵۵۰۰	۱۵۰	۵	۷۰۰	۳۷	ندارد
۱۴	هجده	۸۴۰۰	۲۵۶	۹	۸۰۰	۳۳	ندارد
۱۵	بیست	۷۵۰۰	۱۸۰	۵	۶۰۰	۴۲	ندارد

در مرحله کدگذاری باز، شناسایی مفاهیم از تحلیل سطر به سطر داده‌ها (و گاه کلمه به کلمه) و ارزیابی و قیاس آنها با ادبیات موضوع انجام می‌شود. پس از آن مفاهیم مشابه و مرتبط با یکدیگر و در محور یک مقوله با یکدیگر مرتبط می‌شوند و مقوله‌های پژوهش در سطح ابعاد موضوع حاصل می‌شوند (کدگذاری محوری).

در مرحله بعدی لازم است مقوله‌های اصلی پژوهش یکپارچه‌سازی و

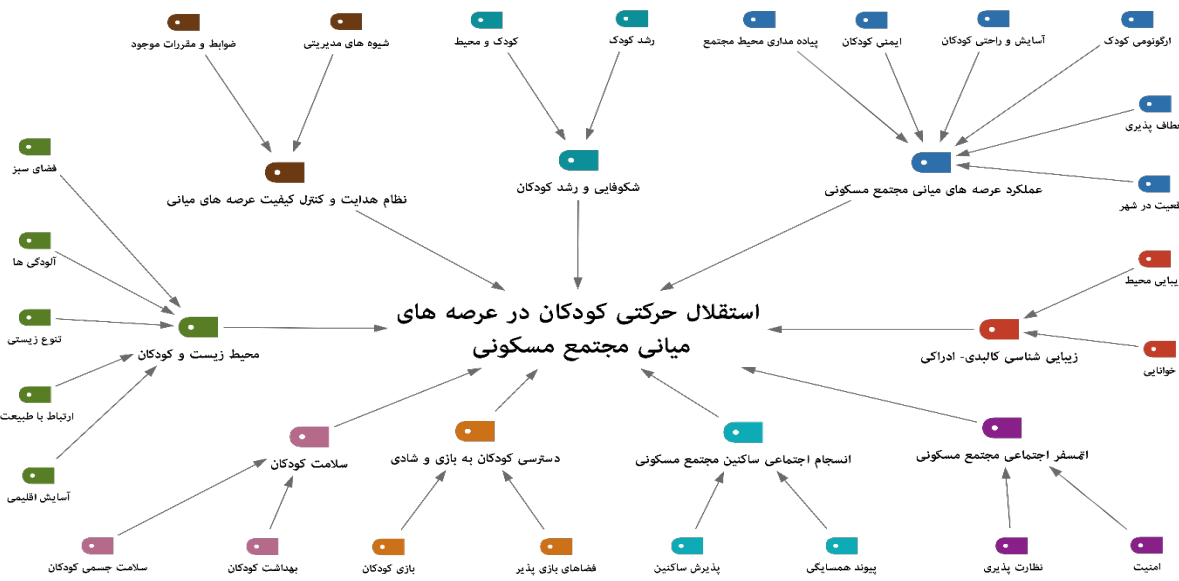
تحلیل و کدگذاری در امتداد با نمونه‌گیری گردید. فرایند کدگذاری داده‌ها در سه مرحله (آزاد، انتخابی و محوری) در نرم‌افزار maxqda، برای کلیه داده‌ها و با رهیافت نظام‌مند در نظریه‌سازی داده‌بنیان انجام شده است (تصویر شماره ۲). این رهیافت بر تدوین الگوی منطقی یا توصیف بصری از نظریه تولید شده تأکید دارد (Creswell, 2007). در این روش با انجام سه مرحله کدگذاری، مقوله‌های فرعی، اصلی و هسته‌ای از داده‌ها استخراج می‌شوند (تصویر شماره ۳).

- 1 Maximum Variation Sampling
- 2 Typical Case Sampling
- 3 Homogenous Sampling



تصویر شماره ۲: شکل‌گیری کدها از تحلیل مصاحبه‌ها در نرم‌افزار maxqda

Hierarchical Code-Subcodes Model

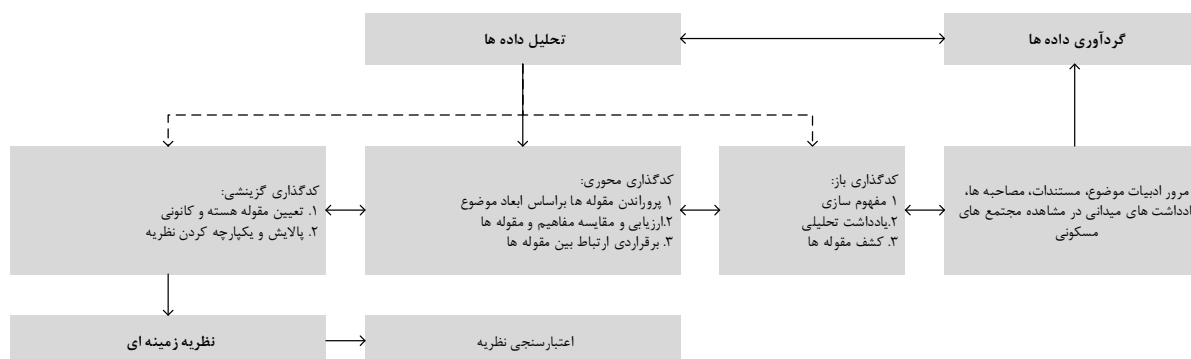


تصویر شماره ۳: دیاگرام کدگذاری محوری و مقوله‌های اصلی در تحلیل محتوا

(۳۴۹ کد)، مصاحبه با کودکان (۴۷۳ کد)، مصاحبه با والدین (۳۳۱ کد) و مصاحبه با متخصصین (۴۴۳ کد)؛ در مجموع ۷۴ مفهوم، که ۲۵ کد محوری و ۴۹ مقوله اصلی را تشکیل داده‌اند (نمودار شماره ۲).

اعتبار نتایج پژوهش با کسب نظر خبرگان در دو مقطع پژوهش (تدوین

پالایش شوند و طرح نظری کلان را ایجاد نمایند (کدگذاری گزینشی). در این مرحله مقوله‌های اصلی پژوهش در قالب مدل پارادایمی زمینه‌ای حول مقوله کانونی و یا هسته‌ای به یکدیگر مرتبط می‌شوند (Strauss & Corbin, 1998). ویژگی‌های کمی کدهای آزاد به دست آمده عبارتند از: مجموع کدهای آزاد به دست آمده از مشاهده مجتمع‌های مسکونی



نمودار شماره ۲: فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها در انجام پژوهش

پرسش‌ها و چک‌لیست‌های مشاهدات میدانی و نتایج نهایی) و اصلاح خروجی‌ها و کسب مجدد نظرات (سه مرتبه) مورد سنجش قرار گرفت. علاوه بر آن که تکنیک سه‌سویه‌سازی نظری (تلاش برای مطالعه و پوشش نظریات متکثر و گاه متناقض) و سه‌سویه‌سازی محقق-داده‌ها با انجام مشاهده‌ها در دو مرحله و توسط دو برداشت‌کننده متفاوت و انجام مصاحبه‌ها توسط چهار نفر پژوهشگر مختلف در زمان‌های مختلف، در فرایند پژوهش اجرا گردید.

۴. بحث و یافته‌ها

به دلیل گستردگی کدهای به دست آمده در فرایند تحلیل داده‌ها، وضعیت کلی کدهای آزاد، مقوله‌ها و مقوله‌های اصلی به دست آمده در جدول شماره ۳ بیان شده و سپس ارتباط آنها در قالب نقش‌ها تعریف شده است. در این مرحله از بین کدهای آزاد به دست آمده، مقوله استقلال حرکتی

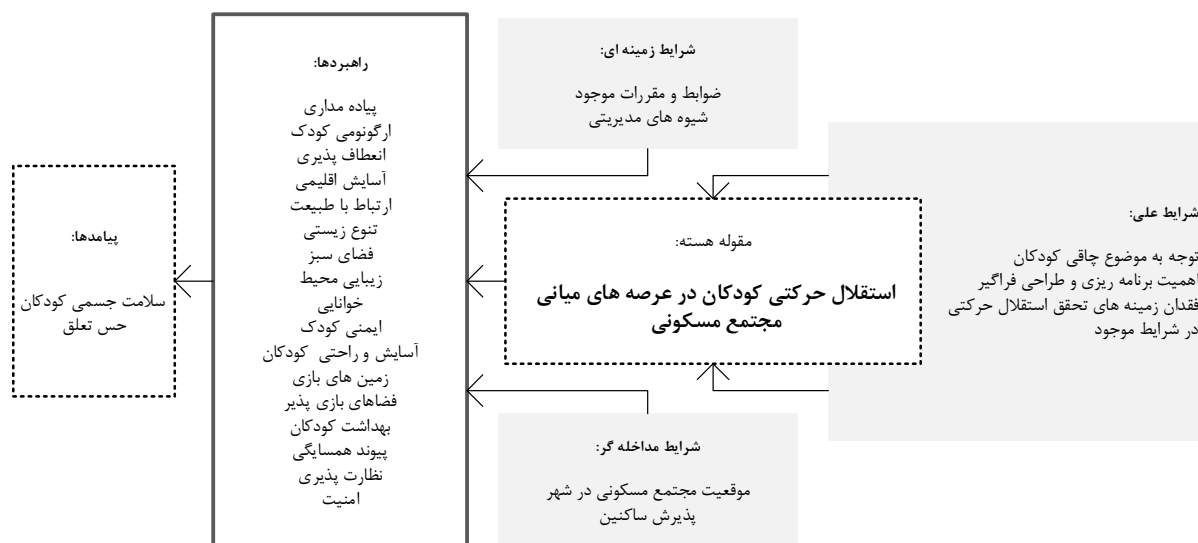
جدول شماره ۳: معرفی کدها و مقوله‌های حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها و مشاهدات میدانی ←

ردیف	کدهای آزاد مستخرج از مصاحبه‌ها و یادداشت‌های کتبی میدانی	مقوله‌ها	مقوله‌های اصلی
۱	مدیریت مناسب در جهت قفل نگه داشتن کلیه فضاهای دارای خطر	ایمنی کودکان	۳۶۰ عملکرد عرصه‌های میانی
۲	نصب نرده و حصارها در فضاهای مورد نیاز عرصه‌های میانی		
۳	آموزش به کودکان و خانواده‌ها در خصوص نحوه عملکرد مواقع بحران		
۴	مقاومت فضاها و تجهیزات مورد استفاده کودکان در برابر آتش سوزی		
۵	آموزش نقاط و فضاهای امن مجتمع به کودکان و والدین آنها		
۶	کاربرد مصالح ایمن در کف، بدنه‌ها و تجهیزات مستقر در فضاها		
۷	کنترل و استانداردسازی کلیه نرده‌ها و حصارها در عرصه‌های میانی		
۸	پوشش مناسب کلیه تأسیسات و دریچه‌های مربوطه برای حفظ ایمنی کودکان		
۹	ایمن‌سازی کلیه فضاهای ورزشی و استخرهای موجود در مجتمع مسکونی	پیاده‌مداری محیط مجتمع	
۱۰	حذف بازی و فعالیت کودکان در محوطه پارکینگ‌های بسته مجتمع مسکونی		
۱۱	جدایی کلیه مسیرهای پیاده و سواره در محوطه باز عرصه‌های میانی		
۱۲	طراحی عرض مناسب برای مسیرهای ویژه پیاده و دوچرخه ویژه کودکان		
۱۳	نصب علائم و هشدارهای لازم در عرصه‌های میانی	ارگونومی کودکان	
۱۴	کاهش و کنترل سرعت وسایل نقلیه سواره درون مجتمع مسکونی		
۱۵	اندازه‌ها و ابعاد متناسب با بدن کودکان در طراحی عرصه‌های میانی	آسایش و راحتی کودکان	
۱۶	توجه به ارتفاع چشم کودکان در طراحی داخلی و منظرسازی محوطه		
۱۷	پیش‌بینی و اختصاص فضاهایی با عملکردهای ویژه کودکان		
۱۸	شعاع دسترسی مناسب از واحد مسکونی تا زمین‌های بازی و فضاهای ویژه		
۱۹	تناسب مساحت زمین‌های بازی کودکان با جمعیت کودکان ساکن در مجتمع	موقعیت در شهر	
۲۰	وجود خدمات و تسهیلات مورد نیاز کودکان در عرصه‌های میانی و زمین		
۲۱	موقعیت در شهر از نظر قیمت اراضی و مسائل اقتصادی		
۲۲	مکان مجتمع در شهر از نظر امداد رسانی و یا ایجاد آلودگی‌ها	انعطاف‌پذیری	
۲۳	طراحی فضاهای منعطف برای شکل‌گیری فعالیت‌های خودجوش کودکان		

← ادامه جدول شماره ۲: معرفی کدها و مقوله‌های حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها و مشاهدات میدانی

مقوله‌های اصلی		مقوله‌ها		کدهای آزاد مستخرج از مصاحبه‌ها و یادداشت‌های کتبی میدانی		ردیف
۱۷۵	محیط زیست و کودکان	۲۶	آسایش اقلیمی کودکان	۸	سایه اندازی پوشش گیاهی در عرصه‌های میانی باز مجتمع مسکونی	۲۴
				۶	محافظت از کودکان در برابر شرایط جوی، آلودگی‌ها و مخاطرات طبیعی	۲۵
				۱۲	سایه اندازی پوشش گیاهی در عرصه‌های میانی باز مجتمع	۲۶
		۳۸	ارتباط با طبیعت	۱۷	پوشش گیاهی متنوع در محوطه باز مجتمع مسکونی	۲۷
				۲	در نظر گرفتن فضای ویژه برای کاشت گیاهان مخصوص کودکان	۲۸
				۱۹	کاربرد عناصر طبیعی مانند آب و شن و ... در طراحی عرصه‌های میانی	۲۹
		۱۰	تنوع زیستی	۱۰	در نظر داشتن فضای ویژه نگهداری حیوانات خانگی کودکان	۳۰
		۸۲	فضای سبز	۵۴	تعداد و مساحت کافی فضاهای سبز در دسترس کودکان در مجتمع مسکونی	۳۱
				۲۸	کاربردی بودن فضاهای سبز برای حضور کودکان	۳۲
				۶	آلودگی هوا، آب و خاک در محیط مجتمع مسکونی	۳۳
۱۳	وجود آلودگی‌های محیطی در عرصه‌های میانی			۳۴		
۱۴۵	دسترسی کودکان به بازی و شادی	۱۱۹	بازی کودکان	۲۰	وجود فضایی برای تجمع و فعالیت‌های گروهی کودکان	۳۵
				۷۵	طراحی زمین‌های ورزشی در ترکیب با زمین‌های بازی	۳۶
				۲۴	نصب تجهیزات بازی متنوع برای کودکان در رده‌های سنی مختلف	۳۷
		۲۶	فضاهای بازی پذیر	۱۷	وجود فضای بازی سرپوشیده برای مواقع اضطراری آلودگی هوا	۳۸
				۹	استفاده از پتانسیل نام مجتمع مسکونی برای تحرک	۳۹
۵۱	زیبایی شناسی کالبدی - ادراکی	۱۴	زیبایی محیط	۴	کاربرد هندسه و فرم‌های جذاب برای کودکان	۴۰
				۱۰	کاربرد رنگ‌های جذاب برای کودکان	۴۱
		۳۷	خوانایی	۲۴	توانایی کودکان در مسیریابی درون مجتمع	۴۲
				۱۳	طراحی نشانه‌های خاطره‌انگیز برای کودکان	۴۳
۱۷۲	سلامت کودکان	۶۴	بهداشت کودکان	۷	عدم رنگ زدگی و خوردگی تجهیزات و وسایل کودک	۴۴
				۲۴	تهویه مناسب کلیه فضاهای مورد استفاده کودکان در عرصه‌های میانی	۴۵
				۶	توجه به حضور کودکان در زمان عملیات‌های سم پاشی و ...	۴۶
				۲۷	بهداشت مناسب و پاکیزگی عرصه‌های میانی	۴۷
		۱۰۹	سلامت کودکان	۱۹	امکان فاصله‌گذاری مناسب بین کودکان	۴۸
				۴۸	چاقی کودکان به ویژه گروه دختران نوجوان	۴۹
				۴۲	تحرک آزادانه و فعالیت بدنی کودکان در عرصه‌های میانی	۵۰
۱۳۷	انسجام اجتماعی ساکنین مجتمع مسکونی	۳۳	پیوند همسایگی	۱۰	توافق ساکنین مجتمع مسکونی	۵۱
				۹	تعدیل سروصدای بازی کودکان و پیشگیری از مزاحمت برای ساکنان	۵۲
				۱۴	ارتباط و آشنایی با همسایه‌ها	۵۳
		۱۰۴	پذیرش ساکنین و والدین	۴۹	حساسیت والدین نسبت به موضوع	۵۴
				۵۵	فرهنگ سازی در مورد استقلال حرکتی در رسانه‌ها	۵۵
۲۱۱	اتمسفر اجتماعی مجتمع مسکونی	۸۱	نظارت پذیری	۱۸	حذف کلیه فضاهای کور و فاقد نظارت	۵۶
				۴۴	امکان نظارت غیرمستقیم از پنجره‌ها	۵۷
				۱۰	نصب دوربین‌ها و تجهیزات نظارت غیرمستقیم	۵۸
				۹	نظارت و حضور نگهداری و یا سرایداری	۵۹
		۱۳۰	امنیت	۵۶	حس امنیت کودکان	۶۰
				۲۲	تأمین حداقل روشنایی‌های مورد نیاز در شب	۶۱
				۴۸	عدم حضور آزادانه غریبه‌ها و افراد ناشناس در عرصه‌های میانی مجتمع	۶۲
				۴	نبود بزهکاری و پایین بودن آمار بزهکاری در محدوده پیرامون	۶۳
۱۷۷	شکوفایی و رشد کودک	۱۷۷	رشد کودک	۳۶	حس شادی کودکان	۶۴
				۳۳	شکوفایی شخصیتی	۶۵
				۳۰	افزایش خلاقیت کودکان	۶۶
				۲۳	حس استقلال کودک	۶۷
		۳۶	کودک و محیط	۳۶	تقویت ارتباطات کودک با سایرین	۶۸
				۱۹	حس تعلق کودکان نسبت به محیط سکونتشان	۶۹
۱۶۶	نظام هدایت و کنترل کیفیت عرصه‌های میانی	۹۶	ضوابط و مقررات موجود	۱۵	کمی بودن ضوابط و عدم توجه به کیفیت محیط	۷۰
				۲۰	عدم توجه به مفهوم طراحی فراگیر	۷۱
				۶۱	قدیمی بودن ضوابط و مقررات موجود	۷۲
		۷۰	شیوه‌های مدیریتی	۳۴	عدم تعریف ساز و کار مطلوب برای مدیریت مجتمع‌های مسکونی	۷۳
				۳۶	فقدان ضمانت اجرا برای فضاهای پیش بینی شده کودک	۷۴

برای دستیابی و یا پاسخ به مقوله هسته‌ای و شرایط زمینه‌ای^۲ و مداخله‌گر^۳ شامل عوامل خاص و عمومی مؤثر بر راهبردها و پیامدها^۴ به عنوان خروجی‌های حاصل از به کارگیری راهبردها. غالباً این مرحله با ترسیم نمودار الگوی کدگذاری همراه است و روابط بین این مقوله‌های اصلی بیان می‌گردد. نمودار شماره ۳ روابط بین مقوله‌های موضوع پژوهش را نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۳: روابط بین مقوله‌های فرعی با مقوله اصلی پژوهش

برای تحقق‌پذیری آن، ضعف‌ها و کاستی‌های جدی وجود دارد. عوامل دیگری که بر شکل‌گیری مقوله اصلی تأثیرگذارند از ماهیت اجتماعی و کالبدی برخوردارند. از جمله مهمترین این عوامل (با لحاظ نمودن فراوانی کدهای به دست آمده در فرایند تحلیل محتوا)، فقدان ایمنی کودکان و عدم حفاظت آنها در برابر آسیب‌های جسمی، ضعف امنیت اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی، حساسیت‌ها و نگرانی والدین و بی‌انگیزگی کودکان برای حضور در عرصه‌های میانی (به ویژه بازی‌های دارای تحرک) هستند. به عنوان مثال در یادداشت‌های کتبی حاصل از مشاهدات میدانی در مورد وضعیت ایمنی حضور کودکان وضعیت اینگونه توصیف شده است:

در مجتمع مسکونی امید، منطقه ۱۴، فضای بازی کودکان در پشت بلوک‌های ساختمانی احداث شده است و به دلیل عدم احساس امنیت از سوی کودکان و خانواده‌ها کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مجتمع‌های مسکونی کوشک، منطقه ۱۲ و فرهنگیان، منطقه ۹، علی‌رغم وجود فضای بازی، به دلیل قدیمی بودن تجهیزات و عدم تعمیر و به‌روزرسانی مناسب، این فضاها فاقد استانداردهای لازم برای استفاده ایمن کودکان (کف‌پوش آسفالت، تجهیزات بازی فرسوده و زنگ‌زده) هستند. در موارد متعدد مجتمع‌های مسکونی فاقد فضای ویژه برای بازی کودکان هستند. در این مجتمع‌ها کودکان در پارکینگ (محوطه باز، طبقه همکف و یا

۴.۱. شرایط علی

مسئله "چاقی کودکان" یکی از دغدغه‌های اصلی در جوامع شهری معاصر است که بر توجه به موضوع تحرک کودکان و ایجاد شرایط لازم برای تحقق استقلال حرکتی آنها از والدین و بزرگسالان تأکید می‌کند. طبق پژوهش‌های اخیر که بر روی ۶۵ میلیون نفر از کودکان و نوجوانان سرتاسر جهان از جمله ایران انجام شده است، مشخص گردید با وجود افزایش مناسب قد کودکان و نوجوانان ایرانی در فاصله سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۹، اضافه وزن در بین این گروه نگران‌کننده است. در بین دختران اضافه وزن از شش درصد به ۲۶ درصد و پسران از سه درصد به ۲۴ درصد رسیده است (Rodriguez-Martinez et al., 2020). از سوی دیگر رویکرد برنامه‌ریزی و طراحی شهرهای فراگیر (به عنوان یکی از مهمترین اهداف توسعه پایدار^۵)، کودکان را به عنوان یکی از استفاده‌کنندگان اصلی محیط‌های شهری معرفی می‌کند که نیازهای آنها، به ویژه نیاز به بازی، می‌بایست به منظور زمینه‌سازی برای حضور آنها در فضاهای خارج از خانه و تحرک بدنی بیشتر در این عرصه‌ها مورد توجه قرار گیرد. هرچند مفهوم طراحی فراگیر در ادبیات پژوهشی کشور مورد اقبال و توجه بوده است؛ ولی در مورد زیرساخت‌های لازم مانند ضوابط و مقررات، راهنماهای طراحی، فرایندهای اجرایی و ...

4 Consequences

5 Sustainable Development Goals (SDGs)

1 Causal Conditions

2 Contextual Conditions

3 Intervening Conditions

اطمینان نسبت به اتمسفر اجتماعی مجتمع مسکونی باعث می‌شود والدین کمتر در تله‌های اجتماعی گرفتار شوند و نگرانی‌هایشان تا حدی کاهش یابد. شناسایی شرایط علی استقلال حرکتی کودکان در عرصه‌های میانی مجتمع مسکونی، این موضوع را به عنوان یک پدیده با ابعاد اجتماعی مهم و اثرگذار معرفی می‌کند (جدول شماره ۴).

زیرزمین) بازی می‌کنند که باتوجه به آلودگی محیط پارکینگ و ایمنی پایین آنها برای استفاده کودکان مناسب نیستند.

شناخت متقابل و وجود پیوندهای اجتماعی بین خانوارهای ساکن در یک مجتمع مسکونی، عامل کلیدی اطمینان خاطر والدین برای حضور کودکانشان در خارج از واحد مسکونی به شمار می‌آید که در اغلب مصاحبه‌های انجام شده با والدین طرح گردید. اعتماد و

جدول شماره ۴: شرایط علی تحقق استقلال حرکتی کودکان در عرصه‌های میانی مجتمع مسکونی

مفاهیم مرتبط	مقوله‌های اصلی	شرایط زمینیه‌ای
۱. افزایش آمار چاقی کودکان ۲. عدم توجه به نیازهای دختران در گروه سنی نوجوان و شیوع چاقی در بین آنها ۳. تغییر در نگرش به محیط‌های دوستدار کودک و مفهوم شهر دوستدار کودک طی دهه اخیر	موضوع چاقی و کم تحرکی کودکان	
۱. معرفی طراحی فراگیر به عنوان یکی از اهداف توسعه پایدار و ضرورت توجه به آن ۲. سهم قابل توجه کودکان در جمعیت شهری ایران ۳. وضعیت نابسامان کیفیت فضاهای مشاع در اغلب مجتمع‌های مسکونی که باعث عدم تحقق استقلال حرکتی کودکان می‌گردد.	اهمیت کودکان و ضرورت توجه به آنها در فرایند طراحی	

مسکونی، کمی بودن ضوابط موجود و فقدان پشتوانه‌های اجرایی، عدم توافق بر سر تعریف مجتمع مسکونی و مقیاس‌های متنوع آن (طیف بسیار وسیع در شهر تهران از شش واحد مسکونی مطابق با ضوابط طرح تفصیلی مصوب ۱۳۹۸ تا مجتمع‌های بسیار بزرگ در حد شهرک‌ها) و قدیمی بودن قوانین موجود در مورد فضاهای مشترک مجتمع‌ها (تنها قانون موجود مصوب سال ۱۳۴۳ است) و مقاومت در برابر تغییر فرایندها و ضوابط موجود از طرف مدیریت شهری، برنامه‌ریزان، طراحان و سازندگان (جدول شماره ۵).

۴.۲. شرایط زمینیه‌ای

مجموعه شرایطی هستند که به عنوان روندهای کلان موجود در محیط فراتر از محدوده مطالعاتی پژوهش وجود دارند و در نتیجه به صورت غیرمستقیم بر موضوع اثر گذارند. در موضوع استقلال حرکتی کودکان مجموعه شرایطی که برای تحقق آن در عرصه‌های مشترک مجتمع‌های مسکونی شهر تهران از سوی گروه متخصصین و مدیران شهری دارای اهمیت تشخیص داده شده‌اند، عبارتند از: عدم وجود ضوابط و مقررات کارآمد و کیفیت محور برای عرصه‌های میانی و مشترک مجتمع‌های

جدول شماره ۵: شرایط زمینیه‌ای اثرگذار بر تحقق استقلال حرکتی کودکان در عرصه‌های میانی مجتمع مسکونی

مفاهیم مرتبط	مقوله‌های اصلی	شرایط زمینیه‌ای
۱. قدیمی بودن ضوابط و مقررات موجود در زمینه فضاهای مشاع مجتمع‌های مسکونی ۲. کمی بودن ضوابط و عدم توجه به کیفیت محیط	ضوابط و مقررات موجود	
۱. فقدان ضمانت اجرا برای فضاهای پیش بینی شده ویژه کودکان در پروانه ساختمانی صادره ۲. عدم تعریف ساز و کار مطلوب برای مدیریت مجتمع‌های مسکونی	شیوه‌های مدیریتی	

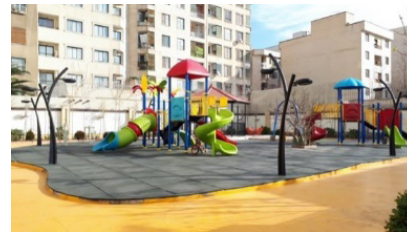
آنها تأمین تعداد پارکینگ مورد نیاز مطابق با ضوابط است (با وجود این موضوع، کودکان در فضاهای مشترک مجتمع‌های مسکونی در چنین مناطقی حضور پررنگ‌تری دارند). میزان پذیرش ساکنین متأثر از محیط و اتمسفر اجتماعی مجتمع مسکونی و پیرامون آن هم در تحقق راهبردهای ارتقای استقلال حرکتی کودکان در عرصه‌های میانی مؤثر است. در مشاهده‌های میدانی صورت گرفته در برخی موارد فضاهای بازی طراحی شده در مجتمع‌های مسکونی در زمان‌های مختلف (و مطابق با اظهارات ساکنین) مورد استفاده کودکان قرار نمی‌گیرند (تصویر شماره ۴). در مصاحبه‌های صورت گرفته با والدین هم موارد قابل توجهی از مخالفت آنها با حضور کودکان به تنهایی در فضاهای مشاع ثبت گردید (جدول شماره ۶).

۴.۳. شرایط مداخله‌گر

این دسته از شرایط شامل مقوله‌های زمینیه‌ای عمومی هستند که بر زمینیه‌ها و علت‌های مؤثر بر پدیده اصلی و راهبردهای ارائه شده اثر می‌گذارند و آنها را تعدیل می‌نمایند. موقعیت قرارگیری مجتمع مسکونی در شهر از نظر قیمت املاک، مقدار و شیوه‌های سرمایه‌گذاری بر راه‌حل‌های طراحانه و همچنین استانداردهای ملاک عمل در راهبردها تأثیر بسیار مهم دارند. در مشاهده‌های میدانی صورت گرفته و با مقایسه وضعیت مناطق مختلف مشخص شد بنیه اقتصادی، ریزدانی قطعات زمین و فقدان فضای در دسترس در مناطق کمتر برخوردار شهر تهران باعث چشم‌پوشی طراحان و سازندگان از احداث فضاهای ویژه کودکان و یا عرصه‌های میانی با کیفیت شده و اولویت

جدول شماره ۶: شرایط مداخله‌گر در تحقق استقلال حرکتی کودکان در عرصه‌های میانی مجتمع مسکونی

مفاهیم مرتبط	مقوله‌های اصلی	شرایط مداخله‌گر
۱. مکان مجتمع در شهر از نظر امداد رسانی و یا ایجاد آلودگی ها ۲. موقعیت در شهر از نظر قیمت اراضی و مسائل اقتصادی (و سرمایه‌گذاری)	موقعیت در شهر	
۱. فرهنگ سازی در مورد استقلال حرکتی و تلاش برای کاهش حساسیت ها ۲. آموزش همه گروه‌های مرتبط	پذیرش ساکنین و والدین	



تصویر شماره ۴: نمونه‌های عدم استفاده کودکان از فضاهای بازی طراحی شده در مجتمع‌های مسکونی

به ویژه در مصاحبه با متخصصین حوزه طراحی و روانشناسی، معطوف به کیفیت محیطی عرصه‌های میانی و با محوریت محیط‌های دوستدار کودک بوده‌اند. مهمترین راهبردها در تحقق استقلال حرکتی کودکان در مجتمع مسکونی به شرح جدول شماره ۷ است.

۴.۴. راهبردها

راهبردها شامل کنش و اندرکنش‌هایی است که از مقوله اصلی پژوهش و در پاسخ به آن منتج می‌گردد. ترکیبی از شرایط زمینه‌ای، علی و مداخله‌گر می‌توانند در تدوین راهبردها برای تحقق یک رویکرد مؤثر باشند. اغلب راهبردهای ارائه شده در خلال داده‌های جمع‌آوری شده

جدول شماره ۷: راهبردهای مؤثر در تحقق استقلال حرکتی کودکان در عرصه‌های میانی مجتمع مسکونی

مفاهیم مرتبط	مقوله‌های اصلی	راهبردها
۱. کاهش و کنترل سرعت وسایل نقلیه سواره داخل مجتمع ۲. نصب علائم و هشدارهای لازم برای کودکان و بزرگسالان در عرصه‌های میانی ۳. طراحی عرض مناسب برای مسیرهای پیاده و دوچرخه ویژه کودکان ۴. جدایی کلیه مسیرهای پیاده و سواره در محوطه‌های باز عرصه‌های میانی	پیاده‌مداری	
۱. توجه به ارتفاع چشم کودک در طراحی داخلی و منظرسازی محوطه ۲. توجه به اندازه و ابعاد بدن کودک در طراحی ۱. طراحی فضاهای منعطف با هدف شکل‌گیری فعالیت‌های خودجوش	ارگونومی کودک انعطاف‌پذیری	
۱. تأمین آسایش اقلیمی کودکان در عرصه‌های میانی مجتمع ۲. محافظت از کودکان در برابر شرایط جوی، آلودگی‌ها و مخاطرات طبیعی ۳. سایه‌اندازی پوشش گیاهی در عرصه‌های میانی باز مجتمع	آسایش اقلیمی	
۱. کاربرد عناصر طبیعی مانند آب و خاک و ... برای بازی و تحرک هرچه بیشتر کودکان ۲. در نظر گرفتن فضای ویژه کاشت گیاهان مخصوص کودکان ۳. تنوع پوشش گیاهی در عرصه‌های میانی مجتمع مسکونی ۱. در نظر داشتن فضای ویژه نگهداری حیوانات خانگی کودکان	ارتباط با طبیعت تنوع زیستی	
۱. کاربردی بودن فضاهای سبز برای حضور کودکان ۲. تأمین تعداد و مساحت کافی فضاهای سبز در دسترس کودکان در مجتمع ۱. کاربرد رنگ‌های جذاب برای کودکان در طراحی و ساخت فضاها ۲. کاربرد هندسه و فرم‌های جذاب برای کودکان ۱. طراحی نشانه‌های خاطره‌انگیز برای کودکان ۲. تلاش برای اشراف کامل کودک بر عرصه‌های میانی و ارتباطات افقی و عمودی	فضای سبز زیبایی محیط خوانایی	
۱. تا حد امکان حذف بازی و فعالیت کودکان در محوطه پارکینگ‌های بسته مجتمع ۲. ایمن‌سازی فضاهای ورزشی و استخرهای موجود در مجتمع ۳. کنترل و استانداردسازی نرده‌ها و حصارها در عرصه‌های میانی ۴. کاربرد مصالح ایمن در کف، بدنه‌ها و تجهیزات مستقر در فضاها ۵. پوشش مناسب تأسیسات و دریچه‌های مربوطه برای حفظ ایمنی کودکان ۶. آموزش نقاط و فضاهای امن مجتمع به کودکان و والدین آنها ۷. مقاومت فضاها و تجهیزات مورد استفاده کودکان در برابر آتش‌سوزی ۸. آموزش کودکان و خانواده‌ها در خصوص نحوه عملکرد پروتکل عملکرد در شرایط بحران ۹. نصب نرده و حصارها در فضاهای مورد نیاز ۱۰. مدیریت مناسب به منظور قفل نگه داشتن کلیه فضاهای تأسیسات و انجام کنترل‌های لازم	ایمنی کودک	
۱. وجود خدمات و تسهیلات مورد نیاز کودکان در عرصه‌های میانی و زمین بازی کودکان ۲. تناسب مساحت زمین‌های بازی کودکان با جمعیت کودکان ساکن در مجتمع ۳. شعاع دسترسی مناسب از واحد مسکونی تا زمین‌های بازی و فضاهای ویژه کودکان	آسایش و راحتی کودکان	
۱. نصب تجهیزات بازی متنوع برای کودکان در رده‌های سنی مختلف ۲. طراحی زمین‌های ورزشی در ترکیب با زمین‌های بازی و تشویق کودکان به تحرک بیشتر ۳. وجود فضایی برای تجمع و فعالیت‌های گروهی کودکان	زمین‌های بازی	
۱. استفاده از پتانسیل بام مجتمع مسکونی برای ایجاد فرصت‌های بازی و تحرک ۲. وجود فضای بازی سرپوشیده برای مواقع اضطراری آلودگی هوا	فضاهای بازی پذیر	
۱. بهداشت مناسب و پاکیزگی عرصه‌های میانی ۲. توجه به حضور کودکان در زمان عملیات‌های سم‌پاشی و ... ۳. تهیه کلیه فضاهای مورد استفاده کودکان در عرصه‌های میانی بسته ۴. عدم زنگ‌زدگی و خوردگی تجهیزات و وسایل مورد استفاده کودکان در عرصه‌های میانی ۱. ارتباط و آشنایی با همسایه‌ها ۲. تعدیل سروصدای بازی کودکان و پیشگیری از مزاحمت برای ساکنان	بهداشت کودکان پیوند همسایگی	
۱. حضور نگهبانی و یا سرایداری برای کنترل عرصه‌های میانی ۲. نصب دوربین‌ها و تجهیزات نظارت غیرمستقیم ۳. امکان نظارت غیرمستقیم از پنجره‌ها به عرصه‌های میانی باز مجتمع ۴. حذف فضاهای کور و فاقد نظارت در عرصه‌های میانی	نظارت‌پذیری	
۱. نبود بزهکاری و پایین بودن آمار بزهکاری در محدوده پیرامون مجتمع ۲. عدم حضور آزادانه غریبه‌ها و افراد ناشناس در عرصه‌های میانی مجتمع ۳. تأمین حداقل روشنایی مورد نیاز در شب در کلیه عرصه‌های میانی مجتمع	امنیت	

اغلب از سوی روان‌شناسان حوزه کودک مورد اشاره قرار گرفته‌اند، عبارتند از: رشد مثبت شخصیت کودکان، خوداتکایی در مقابله با شرایط سخت و پیش‌بینی نشده، کسب مهارت حل مسئله، رفع موانع بدون دخالت والدین، افزایش مسئولیت‌پذیری آنها، توانایی کار گروهی و عضویت در جمع، حس شادی در برابر انزوای حاصل از در خانه ماندن

۴.۵. پیامدها

پیامدها به‌عنوان نتیجه و ماحصل مقوله هسته‌ای پژوهش (استقلال حرکتی کودکان در عرصه‌های میانی مجتمع مسکونی) در داده‌های کیفی نمایان شده‌اند. مهم‌ترین پیامدها در چند دسته اصلی قرار می‌گیرند؛ دسته نخست پیامدهای مرتبط با سلامت روانی کودک که

خواهند آمد شامل تعلق خاطر و احساس مسئولیت آنها نسبت به محیط زندگی شان است. شکل‌گیری این پدیده‌ها در کودکان می‌تواند در جهت مشارکت کودکان در طراحی و تحقق فضاهای مطلوب در مقیاس خانه، محله و شهر مورد استفاده قرار بگیرد و سطوح بالایی از محیط‌های دوستدار کودک را محقق سازد (جدول شماره ۸).

و محدودیت‌های حرکتی ناشی از آن. دسته دوم پیامدهای مرتبط با سلامت جسمی کودکان مانند پیشگیری از چاقی، رشد جسمی بهتر کودکان، تحرک هرچه بیشتر کودکان در برابر سکون و کم‌تحرکی حاصل از تماشای تلویزیون، بازی‌های کامپیوتری و حضور در فضای مجازی خواهند بود که در نهایت شهروندان سالم‌تری در آینده خواهند بود. دسته دیگری از پیامدها که در ارتباط کودک و محیط به وجود

جدول شماره ۸: پیامدهای تحقق استقلال حرکتی کودکان در عرصه‌های میانی مجتمع مسکونی

پیامدها	مقوله‌های اصلی	مفاهیم مرتبط
سلامت روانی کودکان	۱. حس شادی کودکان ۲. شکوفایی شخصیتی ۳. افزایش خلاقیت کودکان ۴. حس استقلال کودک	
سلامت جسمی کودکان	۱. کاهش چاقی کودکان ۲. افزایش تحرک و فعالیت‌های بدنی کودکان ۳. کودکان و در نهایت شهروندان سالم	
حس تعلق به مجتمع	۱. احساس مسئولیت نسبت به محیط ۲. شکل‌گیری و تقویت روابط بین کودک و سایرین در مجتمع مسکونی	

مجتمع‌های مسکونی شهر تهران از یک سو نشان دهنده ضعف ضوابط و مقررات موجود در زمینه طراحی فضاهای مشاع مجتمع مسکونی با توجه به نیازهای ویژه کودکان و از سوی دیگر فقدان ضمانت اجرای فضاهای پیش‌بینی شده ویژه کودکان در پروانه‌های ساختمانی صادره است. تأمین ایمنی کودک در برابر مخاطرات، تأکید بر پیاده‌مداری، توجه به ارگونومی کودک، تأمین آسایش اقلیمی، تأکید بر ارتباط با طبیعت، افزایش تنوع زیستی و ارتقای کیفیت فضاهای سبز در مجتمع، افزایش جذابیت و زیبایی محیط، ارتقای خوانایی محیط، ایجاد فضاهای انعطاف‌پذیر، ایجاد فضاهای بازی مناسب و یا فضاهایی که قابلیت بازی‌پذیری دارند، تأمین آسایش و راحتی کودکان و سرانجام تضمین سلامت و بهداشت کودکان از مواردی است که در تأمین کیفیت‌های محیط کالبدی مطلوب برای استقلال حرکتی کودکان در عرصه‌های میانی مجتمع مسکونی ضروری است.

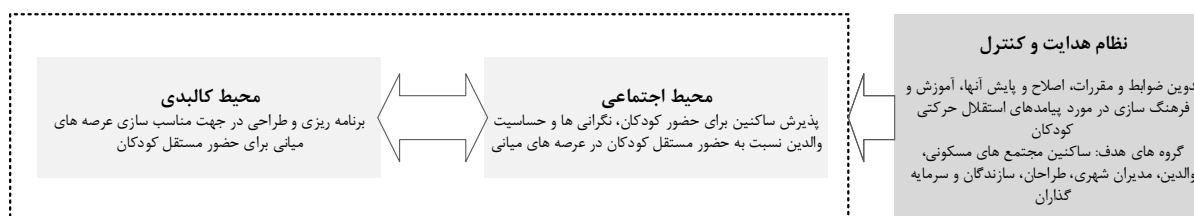
تدوین چارچوب‌های قانونی، تدوین ضوابط و مقررات و ابلاغ مؤثر آنها، پایش و اصلاح ضعف‌های احتمالی در بهبود کیفیت‌های محیط کالبدی اثرگذار خواهند بود و به دنبال آن از نگرانی‌ها و حساسیت‌های والدین خواهند کاست. آموزش و فرهنگ‌سازی در گروه‌های مختلف مرتبط با موضوع (شامل والدین، ساکنین مجتمع‌های مسکونی، طراحان، سازندگان، سرمایه‌گذاران و مدیران شهری) عاملی بسیار مهم و تسریع‌کننده خواهد بود. براین اساس پیش‌بینی زمینه‌های لازم برای تدوین ضوابط و راهنماهای برنامه‌ریزی و طراحی، آموزش و فرهنگ‌سازی و به‌روزرسانی قوانین موجود در مورد عرصه‌های میانی پذیرای حضور آزادانه و تحرک کودکان موارد ضروری به نظر می‌رسند.

۵. نتیجه‌گیری

شرایط اجتماعی، وجود تله‌های اجتماعی متعدد، فقدان نظام هدایت و کنترل کیفی برای مجتمع‌های مسکونی دوستدار کودک و کمبود الزامات قانونی برای طراحی همه‌شمول باعث شده تدوین چارچوب کیفی برای ارتقای فرصت‌های حضور مستقل و بازی آزادانه کودکان در عرصه‌های میانی مجتمع‌های مسکونی شهر تهران حول دو محور اصلی شکل بگیرد: کیفیات محیط اجتماعی و محیط کالبدی مجتمع مسکونی. نظام هدایت و کنترل و مدیریت به‌عنوان محور فراگیر و تکمیلی در جهت هدایت این دو محور به‌سوی تحقق‌پذیری مطرح می‌گردد (نمودار شماره ۴).

برخورداری از محیط اجتماعی مطلوب در مجتمع مسکونی شرط لازم برای صدور مجوز از طرف والدین برای حضور مستقل و آزادانه کودک در محیط و بازی با گروه دوستان و همسالان است. عواملی نظیر موقعیت مجتمع مسکونی در شهر، فرهنگ ساکنین و میزان شناخت ایشان از یکدیگر بر کیفیت محیط اجتماعی مجتمع مسکونی تأثیرگذار است. تقویت پیوندهای همسایگی، افزایش نظارت‌پذیری بر فضا و ارتقای حس امنیت در محیط از مهم‌ترین مواردی است که در تأمین کیفیت‌های محیط اجتماعی مطلوب و در نتیجه ترغیب استقلال حرکتی کودکان مؤثر است.

کیفیت محیط کالبدی مجتمع مسکونی به برخوردار بودن مجتمع از فضای لازم و واجد کیفیت برای بازی و تحرک کودک و پاسخ به نیازهای وی اشاره دارد و شرط کافی برای تأمین استقلال حرکتی کودکان در مجتمع مسکونی خواهد بود. بررسی کیفیت‌های محیط کالبدی در



نمودار شماره ۴: ارتباط بین محورهای اصلی مؤثر بر مفهوم هسته‌ای استخراج شده از پژوهش

References:

- Abbasi, G., Taherian, R., Nikooyi, M., Poorabasi, A., Emamifar, N., Azimi, M., Zandyavari, K., Falsafi, F., moosavian, N., & Asgari, M. (2015). mosha'e, ravayati az talashash-e goroohi keh be ide aparetman

negah-e dobare miandazad [Shared Spaces: Narrative of a group effort that take a new look at the apartment idea]. Hamshahri-e-Memari [In Persian], 29.

- Alraout, A. A. (2008). Towards a Safe Place for

- Erect Architecture Retrieved from https://www.london.gov.uk/sites/default/files/ggbd_making_london_child-friendly.pdf
- Hart, R. (2002). Containing children: some lessons on planning for play from New York City. *Environment and Urbanization*, 14(2), 135-148.
 - High Council of Urban Planning and Architecture of Iran (HCUPA). (2019). *zawabet va moqararat shahersazi va m'emari baraye afrad-e m'alool-e jesmi harkati [Urban and Architectural Design criteria for People with Disabilities]* (s. e. s. w. m. e. aaran & S. C. o. U. P. a. A. o. Iran], Eds. Third ed.). Markaz Tahghighat Rah, Memari va Shahrsazi [Road, Architecture and Urban Planning Research Center][In Persian].
 - Hillman, M., Adams, J., & Whitelegg, J. (1990). *One False Move ... A Study of Children's Independent Mobility*.
 - Loebach, J., & Gilliland, J. (2019). Examining the social and built environment factors influencing Children's independent use of their neighborhoods and the experience of local settings as child-friendly. *Journal of Planning Education and Research*. Retrieved from <https://doi.org/10.1177/0739456X19828444>
 - Marzi, I., & Reimers, A. K. (2018). Children's independent mobility: Current knowledge, future directions, and public health implications. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 15(11), 2441.
 - McAllister, C. (2008). Child friendly cities and land use planning: Implications for children's health. *Environments*, 35(3), 45.
 - Moore, R. C. (2017). *Childhood's domain: Play and place in child development*. Routledge.
 - Pallucchi, V. (2010). Lessons from Italy: Child friendly cities. Quality of Childhood Group in the European Parliament in June.
 - Qiu, L., & Zhu, X. (2021). Housing and Community Environments vs. Independent Mobility: Roles in Promoting Children's Independent Travel and Unsupervised Outdoor Play. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18(4), 2132.
 - Rakhimova, N. (2011). *Child-friendly cities and neighborhoods: An evaluation framework for planners*. Arizona State University.
 - Riazi, N., & Faulkner, G. (2018). Children's independent mobility. In *Children's active Children in Today's Residential Neighborhoods*. Planning Malaysia Journal, 6(1).
 - Ayllón, E., Moyano, N., Aibar-Solana, A., Salamanca, A., & Bañares, L. (2021). Independent mobility to school and Spanish children: go, return, or both? *Children's Geographies*, 19(1), 59-73.
 - Bani-Masoud, A. (2020). Contemporary architecture in Iran from 1925 to the present. *Kasra*.
 - Carroll, P., Witten, K., Kearns, R., & Donovan, P. (2015). Kids in the City: children's use and experiences of urban neighbourhoods in Auckland, New Zealand. *Journal of Urban Design*, 20(4), 417-436.
 - Carrus, G., & Pirchio, S. (2019). Positive environments for children and adults. In *Angewandte Psychologie* (pp. 139-145). Springer.
 - Chawla, L. (2016). *Growing up in an urbanizing world*. Routledge.
 - Churchman, A. (2003). Is there a place for children in the city? *Journal of Urban Design*, 8(2), 99-111.
 - Collins, D. C., & Kearns, R. A. (2001). The safe journeys of an enterprising school: negotiating landscapes of opportunity and risk. *Health & Place*, 7(4), 293-306.
 - Cilliers, E. J., Cornelius, S. (2018). The Creation of Rural Child-Friendly Spaces: A Spatial Planning Perspective. *Applied Research Quality Life*, 14, 925-939.
 - Creswell, J. W. (2007). *Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative* (Vol. 7). Prentice Hall Upper Saddle River, NJ.
 - DoT. (2015). National Travel Survey 2014: Travel to school. Retrieved from https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/476635/travel-to-school.pdf
 - Elias, T. I., Blais, N., Williams, K., & Burke, J. G. (2018). Shifting the Paradigm from Child Neglect to Meeting the Needs of Children: A Qualitative Exploration of Parents' Perspectives. *Social work in public health*, 33(7-8), 407-418.
 - Freeman, C., & Tranter, P. (2012). *Children and their urban environment: Changing worlds*. Routledge.
 - Gaster, S. (1991). Urban children's access to their neighborhood: Changes over three generations. *Environment and behavior*, 23(1), 70-85.
 - Gill, T. (2021). *Urban playground: How child-friendly planning and design can save cities*. Riba Publishing.
 - GLA. (2020). *Making London Child-Friendly – Designing for Children and Young People*. London:

- transportation (pp. 77-91). Elsevier.
- Rodriguez-Martinez, A., Zhou, B., Sophiea, M. K., Bentham, J., Paciorek, C. J., Iurilli, M. L., Carrillo-Larco, R. M., Bennett, J. E., Di Cesare, M., & Taddei, C. (2020). Height and body-mass index trajectories of school-aged children and adolescents from 1985 to 2019 in 200 countries and territories: a pooled analysis of 2181 population-based studies with 65 million participants. *The Lancet*, 396(10261), 1511-1524.
 - Rowlands, A. V., Eston, R. G., & Ingledew, D. K. (1999). Relationship between activity levels, aerobic fitness, and body fat in 8-to 10-yr-old children. *Journal of Applied Physiology*, 86(4), 1428-1435.
 - Rudner, J. (2012). Public knowing of risk and children's independent mobility. 78, 53. <https://doi.org/http://dx.doi.org/10.1016/j.progress.2012.04.001>
 - Sandelowski, M. (1995). Sample size in qualitative research. *Research in nursing & health*, 18(2), 179-183.
 - Shaw, B., Bicket, M., Elliott, B., Fagan-Watson, B., Mocca, E., & Hillman, M. (2015). Children's independent mobility: an international comparison and recommendations for action.
 - Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory* (2nd ed.), Sage Publications.
 - Sutton, S. E., & Kemp, S. P. (2002). Children as partners in neighborhood placemaking: Lessons from intergenerational design charrettes. *Journal of Environmental Psychology*, 22(1-2), 171-189.
 - Tabibi, S. J., Maleki, M., & Delgoshayi, B. (2015). Tadwin payannamh, resaleh, tarh pajooeshi va meqaleh 'elmi [Developing thesis, dissertations, research project and scientific articles]. *Ferdous* [In Persian].
 - Tranter, P., & Pawson, E. (2001). Children's Access to Local Environments: A case-study of Christchurch, New Zealand. 6, 27-48. Retrieved from <https://doi.org/10.1080/13549830120024233>
 - UNICEF. (2005). *The State of the World's Children 2006- Reaching the excluded and the invisible children of the world*. T. U. N. C. s. Fund. Retrieved from <https://www.unicef.org/media/84806/file/SOWC-2006.pdf>
 - Weir, L. A., Etelson, D., & Brand, D. A. (2006). Parents' perceptions of neighborhood safety and children's physical activity. *Preventive medicine*, 43(3), 212-217.
 - Whitzman, C., & Mizrachi, D. (2012). Creating child-friendly high-rise environments: Beyond wastelands and glasshouses. *Urban Policy and Research*, 30(3), 233-249.
 - thesis, dissertations, research project and scientific articles]. *Ferdous* [In Persian].
 - Tranter, P., & Pawson, E. (2001). Children's Access to Local Environments: A case-study of Christchurch, New Zealand. 6, 27-48. <https://doi.org/10.1080/13549830120024233>
 - UNICEF. (2005). *The State of the World's Children 2006- Reaching the excluded and the invisible children of the world*. T. U. N. C. s. Fund. <https://www.unicef.org/media/84806/file/SOWC-2006.pdf>
 - Weir, L. A., Etelson, D., & Brand, D. A. (2006). Parents' perceptions of neighborhood safety and children's physical activity. *Preventive medicine*, 43(3), 212-217.
 - Whitzman, C., & Mizrachi, D. (2012). Creating child-friendly high-rise environments: Beyond wastelands and glasshouses. *Urban Policy and Research*, 30(3), 233-249.
 - Woolley, H., Spencer, C., Dunn, J., & Rowley, G. (1999). The child as citizen: experiences of British town and city centres. *Journal of Urban Design*, 4(3), 255-282.

نحوه ارجاع به مقاله:

میرصفا، معصومه؛ طالبی، زینب؛ کیان ارثی، منصوره؛ (۱۴۰۱) چارچوب کیفی برنامه ریزی و طراحی عرصه های میانی مجتمع های مسکونی برای ارتقاء استقلال حرکتی کودکان (نمونه مورد مطالعه: شهر تهران)، *مطالعات شهری*، 11 (44)، 63-78. doi: 10.34785/J011.2022.001/ .63-78، 11 (44)، 63-78. Jms.2022.130

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



جداشدگی اجتماعی - فضایی در ایران: مرور نظام مند و فراتحلیل کیفی^۱

نرگس قدسی^۲ - پژوهشگر دکتری، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.
مهین نسترن - دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.
وحید قاسمی - استاد، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۸ اسفند ۱۳۹۹ تاریخ پذیرش: ۰۱ آبان ۱۴۰۰

چکیده

جداشدگی شهری به عنوان یکی از ویژگی‌های ذاتی شهرها، به فاصله اجتماعی و جدایی فیزیکی میان ساکنان در یک بستر شهری اشاره دارد؛ هنگامی که این پدیده مانع از دسترسی برخی گروه‌ها به خدمات، فعالیت‌ها و فضاها شود، به یک مسئله و مشکل شهری تبدیل می‌گردد. ماهیت بین رشته‌ای و ابعاد گسترده و در هم تنیده این پدیده باعث شده در سه دهه اخیر، پژوهشگرانی از گروه‌های تخصصی مختلف به بررسی آن بپردازند. اگرچه تعداد پژوهش‌ها در این زمینه کم نیست، اما پراکندگی محورها و موضوعات مورد بررسی و در نتیجه فقدان چارچوب‌های مفهومی منسجم به دلیل تنوع تخصص‌های مرتبط به چشم می‌خورد. از این رو پژوهش حاضر سعی دارد با بررسی وضعیت مقاله‌های فارسی و ارائه صورت‌بندی منظمی از آنها گامی در جهت روشن‌تر شدن خلأهای پژوهشی در حوزه مفهومی جداشدگی بردارد. در این پژوهش از روش‌شناسی کیفی به عنوان رویکرد پژوهش و از تکنیک‌های متن پایه‌ای چون مرور نظام مند و فراتحلیل کیفی استفاده شده است. بدین منظور ۵۰ مقاله منتخب فارسی در بازه سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۷۵ در موضوع جداشدگی، در دو بخش ویژگی‌های ساختاری و محتوایی در قالب ۱۵ مقوله بررسی شده‌اند. یافته‌های این پژوهش، مقالات منتخب را بر اساس نوع پرسش اصلی آنها (چیستی، چرایی و چگونگی) در قالب پنج محور موضوعی اصلی دسته‌بندی کرده است. همچنین سیر تحول مفهوم جداشدگی در پژوهش‌های این حوزه به چهار دوره کلی اولیه، میانی، متأخر (دوره کنونی) و آینده تقسیم و با یکدیگر مقایسه شده‌اند و بر اساس آن تعریفی برای جداشدگی اجتماعی - فضایی ارائه شده است. نتایج این مقایسه بیانگر آن است که جداشدگی شهری به عنوان موضوعی میان رشته‌ای، چندوجهی و زمینه‌گرا، دارای ابعاد اجتماعی - اقتصادی، کالبدی - فضایی و سیاسی - مدیریتی بوده که در شرایط کنونی پژوهشی کشور، نیازمند پژوهش‌های کیفی با محوریت موضوعاتی چون مدل‌سازی مفهومی و مدل‌سازی سنجش جداشدگی (در تبیین چیستی)، شناسایی و بررسی عوامل زمینه‌ای مؤثر بر جداشدگی از جمله ساختار و پیکره‌بندی شهرها (در تبیین چرایی) و همچنین شناسایی و بررسی سیاست‌ها و گرایش‌های اثرگذار بر جداشدگی (در تبیین چگونگی) با در نظر گرفتن تمامی ابعاد آن است. در این صورت می‌توان با دستیابی به درک درستی از این مفهوم، در مباحث شهرسازی، برنامه‌ریزی و طراحی شهری دقیق‌تر به بررسی الگوهای فضایی آن در طول زمان پرداخت.

واژگان کلیدی: جداشدگی اجتماعی - فضایی، مرور نظام مند، فراتحلیل کیفی، مقاله‌های پژوهشی فارسی، جدایی‌گزینی شهری.

نکات برجسته

- ارائه دسته‌بندی منظمی از پژوهش‌ها بر اساس نوع پرسش اصلی آنها (چیستی، چرایی و چگونگی) با استفاده از مرور نظام مند و فراتحلیل کیفی.
- ضرورت توجه و بازبینی به پدیده چند وجهی جداشدگی با در نظر گرفتن ابعاد گسترده آن (کالبدی - فضایی، سیاسی - مدیریتی و اجتماعی - اقتصادی).
- اهمیت توجه به پژوهش‌های کیفی در تبیین چیستی شکل‌گیری جداشدگی با محوریت موضوعاتی چون مدل‌سازی مفهومی و مدل‌سازی سنجش جداشدگی.
- اهمیت توجه به پژوهش‌هایی در تبیین چرایی شکل‌گیری جداشدگی با محوریت موضوعاتی چون شناسایی و بررسی عوامل زمینه‌ای مؤثر بر جداشدگی از جمله ساختار و پیکره‌بندی شهرها.
- اهمیت توجه به پژوهش‌هایی در تبیین چگونگی شکل‌گیری جداشدگی با محوریت موضوعاتی چون شناسایی و بررسی سیاست‌ها و گرایش‌های اثرگذار بر آن با در نظر گرفتن تمامی ابعاد آن.

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان "تحلیل الگوهای جداشدگی اجتماعی - فضایی در بین محلات شهری اصفهان" است که توسط نویسنده اول و با راهنمایی نویسنده‌های

دوم و سوم در دانشگاه هنر اصفهان دفاع شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: n.ghodsi@au.ac.ir

۱. مقدمه

جداشدگی^۱ یکی از واقعیت‌های تاریخی غیر قابل انکار در جوامع شهری است (Vaughan & Arbacci, 2011: 128). انسان همواره در طول تاریخ، مرز بین گروه‌های خودی و بیگانه یا به عبارتی مرز میان "ما" و "دیگران" را از بسیاری جهات مشخص کرده و در واقع، از حدود هفتاد قرن از زمان شکل‌گیری شهرها، این جدایی به طرق مختلف توجیه شده و مناطق مسکونی جداگانه‌ای برای طبقات، اقوام، ادیان و حتی جنسیت‌های مختلف شکل گرفته است (Nightingale, 2012: 21). اما زمانی که جدایی فضایی از حد فزون‌تر شده و شکل و ماهیت فرهنگی خود را از دست بدهد، تعامل میان جامعه و فضا دچار اختلال شده و اشکال جدیدی از فضا و فقدان فرهنگ جغرافیایی بروز می‌نماید (Hillier and Vaughan, 2007). در کشور ما با توجه به تمدن کهن و تاریخ پرفراز و نشیب حکومت‌های مختلف، تنوع ساختار قومی، قبیله‌ای و مذهبی در کل کشور، همچنین افزایش رشد جمعیت شهری^۲ و مهاجرت‌های گسترده به کلانشهرها، فرآیند جهانی شدن و غیره، پدیده جداشدگی بارها مورد بررسی پژوهشگرانی از حوزه‌های علمی مختلف قرار گرفته است. مطالعه پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که جداشدگی در طول تاریخ مفهومی خود در ادبیات علوم مختلف ابتدا به عنوان پیامدی از واقعیت‌های دیگر از جمله نابرابری در شهرها بررسی شده و به مرور زمان و به دلیل سیاست‌های نادرست شهرنشینی تبدیل به موضوع و مسئله اصلی شهرها شده است (Afroogh, 1997; Rahnama, 1998; Azam Azadeh 2003). اگرچه جست‌وجو پیرامون جداشدگی نیازمند درک درستی از چیستی این مفهوم و شکل‌گیری چارچوب‌های منسجم در این حیطه است، اما با مرور پژوهش‌های داخلی، به نظر می‌رسد تاکنون این مهم به درستی مورد بررسی قرار نگرفته است. در بیان اهمیت پژوهش حاضر چهار نکته در بررسی و نقد اولیه پژوهش‌های پیشین قابل ذکر است: نخست ابهام موجود در برگردان‌های فارسی مفهوم اصلی (Segregation)، دوم موضوعات پراکنده با محورهای متنوع که توسط پژوهشگرانی از حوزه‌ها و گروه‌های تخصصی مختلف انجام شده، سوم به‌کارگیری صفات متعدد در بیان مفهوم جداشدگی که تشخیص مناسب‌ترین آنها به دلیل فقدان تعاریف مشخص برای هر کدام بسیار مشکل است و چهارمین نکته، پرداختن به بعد "اقتصادی-اجتماعی" در بسیاری از پژوهش‌ها و مغفول ماندن بررسی ابعاد مطرح دیگر در پدیده جداشدگی از جمله بعد "فضایی" است. بر اساس موارد مطرح شده ضرورت دارد پژوهش‌های انجام شده در کشور بر مبنای مقوله‌های مختلف دسته‌بندی شده و چشم‌اندازی از کم و کیف آنها ارائه گردد. تاکنون پژوهش‌های اندکی با این هدف در حوزه جداشدگی انجام شده‌اند. به همین دلیل پژوهش حاضر سعی دارد با مرور نظام‌مند و فزاینده تحلیل کیفی مقاله‌های فارسی در حوزه جداشدگی شهری و با هدف نظم‌دهی به آنها و شناسایی محورهای موضوعی و خلأهای پژوهشی در بیان مفهوم این پدیده گامی در جهت روشن‌تر شدن مسیر پژوهش‌های آتی بردارد. نتایج پژوهش حاضر به شناسایی نقاط قوت و ضعف پژوهش‌های موجود در کشور و در نتیجه جهت‌گیری درست اهداف و مسئله‌یابی پژوهش‌های آتی و جلوگیری از تکرار مسیرهای نادرست در حوزه مفهومی جداشدگی کمک می‌نماید. بر این اساس پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که پدیده جداشدگی شهری به

لحاظ مفهومی در بین جامعه پژوهشگران امروزی کشور چه جایگاه و وضعیتی دارد؟ هدف از پژوهش حاضر مطالعه تشخیصی وضعیت تولید علمی مقاله‌های فارسی در بیان مفهوم جداشدگی شهری و تحلیل ماهیت و کیفیت پژوهش‌های این موضوع است. در این راستا پرسش‌های فرعی پژوهش عبارتند از:

- ویژگی‌های ساختاری و محتوایی پژوهش‌های انجام شده در حوزه مفهومی جداشدگی شهری چیست؟
 - ابعاد کلیدی و محورهای موضوعی اصلی بررسی شده در موضوع جداشدگی شهری کدامند؟
- این پژوهش در چهار مرحله صورت گرفته است. در مرحله نخست تمامی اطلاعات موجود از پژوهش‌های منتخب انجام شده (بر پایه هدف و مسئله پژوهش حاضر) در بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۳۷۵، جمع‌آوری، برداشت و در فرمی تلخیص شده‌اند. در مرحله دوم دسته‌بندی و کدگذاری پژوهش‌ها بر اساس پارامترهای ارزیابی (محورها و مقوله‌ها) در دو گروه ویژگی‌های ساختاری و محتوایی انجام شده است. در مرحله سوم همه اطلاعات مستخرج از پژوهش‌ها بر مبنای فراوانی و درصد آنها در قالب جدولی پردازش، تحلیل و تفسیر گردیده و در نهایت سعی شده به سئوالات پژوهش پاسخ داده شود.

۲. چارچوب نظری

در حوزه جداشدگی پژوهش‌های زیادی انجام شده که به عنوان داده‌های متنی برای مقاله حاضر در نظر گرفته شده‌اند. اما با رویکرد کیفی و با هدف شناسایی خلأهای پژوهشی موجود، مطالعات بسیار اندکی انجام شده که به آنها اشاره می‌شود. پورجعفر، رفیعیان و قضایی، در مقاله‌ای با عنوان "عوامل مؤثر در عدم شکل‌گیری جوامع مختلط در شهرهای ایران: تحلیل محتوا"، با مطالعه اسنادی، انگاره جوامع مختلط را به عنوان اساسی‌ترین سیاست ضد جدا افتادگی و زمینه‌ساز بروز تنوع در جوامع دانسته و در ادامه به منظور شناسایی مهمترین موانع شکل‌گیری جوامع مختلط در ایران و عوامل مؤثر در بروز پدیده جدا افتادگی در سه دهه اخیر، ۳۷ پژوهش منتخب داخلی در بین سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۷۲ را با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی بررسی نموده‌اند. در پایان مهمترین چالش پیش روی شکل‌گیری جوامع مختلط در شهرهای ایران را مداخلات و تصمیمات دولتی دانسته‌اند (Pourjafar et al., 2019). داداش‌پور و قضایی، در مقاله‌ای با عنوان "گاریست پارادایم پدیدارنگاری در فهم پدیده‌های شهری، مورد مطالعه: فهم چگونگی تجربه پیامدهای زندگی در محله‌های جدا افتاده" رویکرد کمی گرایانه پژوهشگران و بهره‌مندی آنها از مدل‌های فضایی و آمار استنباطی را در درک پدیده جدا افتادگی مورد نقد قرار داده و سعی کرده‌اند با نگاهی کیفی، اصول پارادایم پدیدارنگاری را به منظور فهم چگونگی تجربه پیامدهای زندگی در محله‌های جدا افتاده شهر تهران به‌کارگیرند تا ضمن آموزش عملی چگونگی استفاده از این پارادایم در بررسی پدیده‌های شهری، تفاوت‌های حاصل از تغییر روش شناسی حاکم بر مطالعات جدا افتادگی را روشن کنند (Dadashpoor & Ghazaie, 2019). رحمت‌آبادی، علیرضائزاد و ابوالحسن تنهایی، در مقاله خود با عنوان "شهر، جدایی‌گزینی فضایی و روابط اجتماعی افراد تنها: مطالعه‌ای در شهر تهران" با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و

اما می‌توان از آن به عنوان خاستگاه نظری اولیه پدیده جداسدگی نام برد (Esfandyari Khalvat & Babaei Aghdam, 2013:3).

• سیر تحول مفهوم جداسدگی

ارائه تعریفی دقیق و مشخص از مفهوم جداسدگی به دلیل ابعاد گسترده مطرح در آن، چالش ظریف و پیچیده‌ای است. بررسی پیشینه پژوهش در سطح جهانی نشان می‌دهد که در طول سالیان برای جداسدگی مفاهیم متفاوتی ارائه شده‌است. در میانه قرن بیستم، پدیده جداسدگی ابتدا به عنوان مسئله‌ای اجتماعی شناخته می‌شد (Legeby, 2013) که هدف عمده آن، بررسی تمایز میان دو گروه جمعیتی (Feitosa et al., 2007) و یا بررسی جدایی میان چندین گروه (شامل مطالعه جدایی طبقات اجتماعی و نحوه توزیع آن در فضا) بوده‌است (Morgan, 1975; Sakoda, 1981; Jargowsky, 1996; Reardon & Firebaugh, 2002). اما در دهه ۷۰ میلادی، مطالعات جدیدی با هدف شناسایی علل جداسدگی گروه‌های اجتماعی شکل گرفت که اگرچه نسبت به ترتیب فضایی جمعیت در واحدهای فضایی حساس نبودند، اما همین نکته باعث شد تا پس از مدتی این مباحث با تحلیل‌های فضایی پیوند داده شوند (Morgan, 1975; Sakoda, 1981; Jargowsky, 1996; Dupont, 2004; Lima, 2001:494; Reardon & Firebaugh, 2002; Smith, 2009:682; Romero et al., 2012: 76). دهه‌های اخیر نیز بحث جداسدگی فضایی در برنامه‌ریزی‌های سیاسی اکثر کشورها یک مسئله مهم به شمار می‌رود. در طول دهه ۱۹۹۰ میلادی نقطه کانونی توجهات، نواحی مسکونی نامرغوب و مناطقی منظور می‌شد که اقلیت‌های قومیتی را در خود جای می‌دادند؛ به همین دلیل مفهوم جداسدگی فضایی به مفهومی منفی تبدیل شد. در نتیجه تنش‌های پیوسته میان افراد با موقعیت‌های اجتماعی مختلف و تحت تأثیر شورش‌ها و جریان‌های سیاسی در سرتاسر جهان، تمرکز بر مسئله جداسدگی فضایی اهمیتی دوچندان یافت (Musterd & De Winter, 1998:666).

• اختیاری یا اجباری بودن پدیده جداسدگی

جداسدگی به واسطه داشتن یا نداشتن آزادی انتخاب برای جداسدن، می‌تواند به دو صورت جداسدگی اختیاری^۴ و جداسدگی اجباری^۵ اتفاق افتد (Lotfi & Ghazaei, 2019: 20; Izadi et al., 2016: 83). جداسدگی اجباری از طریق شبکه‌ای از کنش‌های فردی و جامعه و همچنین اقدامات نهادی شکل گرفته و اغلب توسط خدمات و برنامه‌های دولتی پشتیبانی می‌شود (Massey and Denton, 1993). به عبارت دیگر برای شناسایی جداسدگی اجباری برخی عوامل از جمله کنش‌های فردی، اقدامات نهادی یا برنامه‌های دولتی مؤثر هستند (Deng, 2015:81). این‌گونه از جداسدگی در اثر رشد و توسعه نامتوازن شهرها، مهاجرت بی‌رویه و گسترش بی‌عدالتی را پدید می‌آورد و نابرابری‌هایی میان محلات در دسترسی به منابع و تسهیلات شهری را به همراه دارد که عمدتاً به شکل اسکان در اجتماعات محروم رخ می‌نماید (Jargowsky, 2002:13). وجه اختیاری جداسدگی، پدیده جدیدی است که نشأت گرفته از هر دو عامل عرضه و تقاضا (مانند تقاضا برای امنیت و سبک زندگی منحصر به فرد) شکل گرفته و نمود عینی آن در قالب اجتماعات محصور در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است (Firman, 2004:352). اجتماعات محصور شکل جدیدی از جداسدگی است که

روش‌های داده‌بنیان و مردم‌نگاری به شناسایی مسائل افراد تنها در زندگی شهری، روابط اجتماعی و محله‌ای پرداخته‌اند (Rahmatatabadi et. al, 2019). جلیلی صدرآباد و هاشمی، در مقاله خود با عنوان "شناسایی عوامل مؤثر بر ایجاد جدایی‌گزینی فضایی - اجتماعی در رویکردهای مختلف با استفاده از روش تحلیل محتوا" به بررسی و دسته‌بندی نظریه‌های مرتبط با جدایی‌گزینی با استفاده از روش تحلیل محتوا پرداخته و در نهایت عوامل ایجاد کننده آن را در چند گروه اصلی معرفی و شاخص‌های بررسی جدایی‌گزینی را استخراج و معرفی کرده‌اند (Jaliliasdrabad & Hashemi, 2020).

۲.۱. مبانی نظری مرتبط با جداسدگی

در این پژوهش مبانی نظری مرتبط با موضوع جداسدگی، بر اساس مقوله‌های مستخرج از مقاله‌های منتخب بررسی شده‌است. در راستای تحلیل و نقد پژوهش‌های پیشین در به‌کارگیری برگردان‌های فارسی مفهوم اصلی، به بررسی واژه‌شناسی، خاستگاه نظری و اختیاری یا اجباری بودن جداسدگی پرداخته شده و در راستای تحلیل و نقد صفات به‌کار رفته و ابعاد مطرح در جداسدگی، به بررسی سیر تحول مفهوم جداسدگی، انواع و اشکال جداسدگی و ابعاد آن در ادبیات جهانی پرداخته شده‌است.

• واژه‌شناسی جداسدگی

بررسی متون علمی نشان می‌دهد واژه جدایی اجتماعی یا به بیان دیگر جداسدگی نخستین بار برای بیان انزوای نژادی در شهرهای هنگ‌کنگ و بمبئی (بمبئی امروز) در دهه ۱۸۹۰ استفاده شد؛ اما این به معنای نبود جداسدگی در دوره‌های قبل از آن نبوده و انگیزه تقسیم شهرها به گروه‌ها و طبقات مختلف به قدمت خود شهرهاست (Nightingale, 2012:6-21). در مطالعات مربوط به نابرابری‌های اجتماعی - فضایی از دو واژه (Separation) در معنای کلی جدایی و (Segregation) در معنای جداسدگی استفاده می‌شود (Zahirnejad & Dadashpoor, 2018: 27). در ریشه لاتین (Segregation) از دو بخش se و greg تشکیل شده که se به معنی جدا و greg به معنی گروه یا دسته‌ای است که به دلیل ویژگی‌های یک مکان در آنجا تجمع یافته‌اند (Pourjafar et al., 2019: 89). در فرهنگ لغات لانگمن، آکسفورد و وبستر، واژه (Segregation) معادل واژه جداسدگی آورده شده که به لحاظ مفهومی با آنچه در متون تخصصی به کار رفته، همخوانی دارد.

• خاستگاه نظری پدیده جداسدگی

از مدت‌ها قبل جامعه‌شناسان و جمعیت‌شناسان تشخیص داده‌اند که گروه‌های اجتماعی در فضاهای مسکونی گرایش به تمایز یافتن دارند. نخستین توضیحات پیرامون این الگو توسط محققانی از مکتب اکولوژی انسانی شیکاگو اعلام شد (Timberlake & Ignatov, 2015). نظریه‌پردازان این مکتب در دهه ۱۹۲۰ با بهره‌گیری از طرح گیاهی ارنست هاگل^۲ (۱۸۷۹)، اینگونه استدلال کردند که گروه‌های شهری با هر پایگاه اجتماعی، اقتصادی و قومی، مانند گونه‌های گیاهی با حرکت به سوی تعادل و توازن، همه مراحل اکولوژیک را در زیستگاه خویش در طول زمان طی می‌کنند (Park, Burgess, & Mchenzie, 1925:8). رویکرد اکولوژیکی به شهر در ادامه با انتقاداتی مواجه شد که در نتیجه آن، نظریات شهری مارکسیستی و نئووبری در شهرها مطرح گردید؛

بودند که فرم فضایی در شکل دهی به الگوهای همنشینی و جداسدگی شهری عاملی تأثیرگذار است (Charalambous, 2011). فرانزن جداسدگی را علاوه بر پدیده‌های اجتماعی، پدیده‌های فضایی نیز می‌داند (Franzen, 2009: 1). در جدیدترین مطالعه‌ای که میراندا (۲۰۲۰) انجام داده، برخی کیفیت‌های فضایی تأثیرگذار بر روی جداسدگی و همچنین چگونگی تأثیر محیط ساخته شده بر پدیده‌های اجتماعی در شهرها بررسی شده‌اند که برای بهبود شیوه‌های طراحی شهری می‌توان به کار گرفت (Miranda, 2020: 13). مطالعات بسیار دیگری نیز به اثر ویژگی‌های کالبدی و فضایی بر پیامدهای اجتماعی ساکنان محلات پرداخته‌اند که اهمیت فرم فضایی و کالبدی را نشان می‌دهند. بنابراین می‌توان گفت پدیده جداسدگی ابعاد مختلفی از جمله بعد اجتماعی-اقتصادی و بعد فضایی را شامل شده و از این رو در مطالعات اخیر با عنوان جداسدگی اجتماعی-فضایی مورد بررسی قرار گرفته است.

۲.۲. مرور نظام‌مند و فراتحلیل کیفی

مرور نظام‌مند با استفاده از روش‌های منظم برای شناسایی، انتخاب و ارزیابی انتقادی پژوهش‌های انجام شده و جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های آنها، در پاسخ به یک سؤال مشخص انجام می‌شود (Crocetti, 2016: 3). این تکنیک کارکردهای مختلفی دارد که یکی از آنها بررسی پیشینه پژوهشی موضوع مدنظر و استخراج و تلخیص آنها با هدف اصلاح رویکردهای مطالعاتی و رسیدن به نتایجی متناسب با اهداف تعیین شده است. اهداف اصلی مرور نظام‌مند در پیشینه پژوهشی عبارتند از: ۱) اثبات نوعی قرابت و انس با بدنه دانش مدنظر و تصدیق و تثبیت مقبولیت آن، ۲) نشان دادن مسیر پژوهش‌های پیشین و چگونگی ارتباط طرح‌های پژوهشی فعلی با آنها، ۳) تلفیق و تلخیص آنچه در حوزه‌ای مطالعاتی شناخته شده است و ۴) یادگیری و آموختن از دیگران و برانگیختن اندیشه‌های جدید (Ghazi Tabatabaei & Vadadhir, 2010: 59).

منظور از فراتحلیل^۷، تحلیل آماری مجموعه بزرگی از نتایج مطالعات منفرد است که با هدف یکپارچه ساختن یافته‌ها انجام می‌شود. از این رو می‌تواند جایگزین جدی بحث‌های روایتی و روابط علی مطالعات باشد. بحث‌هایی که معرف تلاش ما برای درک پیشینه‌های روزافزون پژوهشی است (Glass, 1976: 3). فراتحلیل متفاوت و چیزی فراتر از مرور ادبیات پژوهش‌هاست (Crocetti, 2016: 3). اگرچه این تکنیک را معمولاً جزء روش‌های کمی می‌دانند اما این روش قابلیت به‌کارگیری در رویکردهای کیفی را نیز داراست (Tizchang & Azam Azadeh, 2020: 10). فراتحلیل کیفی ابزاری است که به محققان اجازه می‌دهد یافته‌های مطالعات کیفی اولیه را جمع‌آوری و ترکیب کنند. این مطالعات می‌تواند به پژوهشگران در دستیابی به اهداف مختلف از جمله توسعه ادراک نظری، فهرست کردن مجموعه‌ای از یافته‌ها، توسعه معیارها، انجام ارزیابی‌های جامع از وضعیت ادبیات و پیشینه، تشکیل اصولی به عنوان راهنمای عمل و یا بررسی روش‌ها و روش‌شناسی‌های به کار رفته در یک حوزه از دانش کمک نماید. بسیاری از این اهداف مشابه اهداف تجزیه و تحلیل کمی است (Levitt, 2018: 1). در فراتحلیل کیفی، بیشتر از آمارهای توصیفی شامل فراوانی، درصد فراوانی، فراوانی تجمعی و درصد فراوانی تجمعی، ترسیم نمودار میله‌ای و دایره‌ای برای نمایش

در آن اگرچه مردم به یکدیگر نزدیک هستند اما توسط موانع فیزیکی و یا سیستم‌های کنترل امنیتی جدا می‌شوند (Maffini & Maraschin, 2018: 3). جداسدگی اختیاری بر حسب منفعت‌طلبی از سوی گروهی خاص بر پیکره شهر اعمال می‌شود و در آن شرایط اجتماعی-اقتصادی به نحوی است که گروه، قدرت انتخاب دارد و بر اساس تقاضا، مکانی را برای سکونت انتخاب نموده و یا به وجود می‌آورد (Izadi et al., 2016: 84). جداسدگی، چه به صورت اجباری و چه به صورت اختیاری، افراد را کناره‌گیر و مطرود کرده و میزان تماس فضایی و تعامل اجتماعی‌شان را با جامعه کاهش می‌دهد (Alaily-Mattar, 2010: 97). سیر تکاملی مفهوم جداسدگی در ادبیات جهانی نشان می‌دهد صرف نظر از این که منشأ پیدایش جدایی چه چیزی باشد، این پدیده بر مبنای اختیاری یا اجباری بودن آن به سه حالت کلی اتفاق می‌افتد: نخست جداسدن گروه‌هایی از ساکنان که معمولاً ترجیح می‌دهند در محدوده‌هایی زندگی کنند که مرفهین متمرکز هستند؛ تا خودشان را از مشکلات شهری وابسته به فقر دور نگه دارند (Feitosa et al., 2011: 105). این گروه‌ها با توجه به بهتر شدن پایگاه اجتماعی-اقتصادی‌شان از محل زندگی اولیه خود به مکان‌هایی نقل مکان می‌کنند که پیش از این گروه‌های اجتماعی-اقتصادی بالاتر در آنجا ساکن بوده‌اند و عموماً آب و هوای بهتر و قیمت زمین بالاتری داشته‌اند (Pourjafar et al., 2019: 89). دوم جداسدن گروه‌هایی که به دلیل ناراضی‌تی از محل زندگی اولیه خود تصمیم گرفته‌اند مکان‌شان را تغییر دهند (Ibraimović, 2013: 34). و ابتدایی‌ترین عامل در انتخاب محل سکونت از سوی آنها، محل اقامت مهاجرانی است که از نظرویرگی‌های اقتصادی و اجتماعی با آنها مشترک هستند (Zavodny, 1999: 1015). سوم جداسدن گروه‌هایی از ساکنان که به منظور یافتن محلی قابل استطاعت به وجود می‌آید (Letki, 2008: 101).

• انواع و اشکال جداسدگی

مطالعه و بررسی جداسدگی جنبه‌های مختلفی دارد. اما وایت (۱۹۸۳)، بر اساس معانی متفاوتی که فاصله (جدایی) می‌تواند داشته باشد، دو رویکرد عمده در این زمینه بیان کرده است: نخست، جداسدگی جامعه‌شناختی که به فقدان تعامل در بین افراد گروه‌های مختلف اجتماعی اشاره دارد و دوم، جداسدگی جغرافیایی که جداسدگی را توزیع نابرابر گروه‌های اجتماعی در فضای شهری می‌داند (White, 1983: 1014). در این میان رویکرد جغرافیایی بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است (Maffini & Maraschin, 2018: 2). علاوه بر این، اشکال مختلفی از جداسدگی شهری با توجه به زمینه‌های موجود در هر شهر وجود دارند که بر پایه جدایی‌های ناشی از درآمد، گروه‌های اجتماعی، نژادی یا قومی، کالبدی (Vaughan, 2005: 92)، جنسیت، تحصیلات، زبان، مذهب، سن، زادگاه و ناتوانی شکل می‌گیرد (Gregory et al., 2009).

• ابعاد مطرح در پدیده جداسدگی

جداسدگی ابتدا به عنوان پدیده‌ای تک بعدی و نماینده نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت (Duncan & Duncan, 1995: 2005). اما در سال‌های بعد پژوهشگران نگاه تک بعدی به جداسدگی را مورد انتقاد قرار داده و نادیده گرفتن عامل فضا را ناشی از ساده‌انگاشتن این پدیده دانستند (Smith, 2009: 682). آنها معتقد

نتایج، مشخص کردن مد و ... استفاده می‌شود (Salimi & Maknoun, 2018:9).

۳. روش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات ثانویه بوده و پارادایم فلسفی حاکم بر آن تفسیری است. رویکرد پژوهش کیفی و روش‌شناسی آن نمونه‌کاوی است. روش گردآوری داده‌ها متناسب با رویکرد پژوهش، از نوع متن‌پایه و بر اساس شیوه‌های اسنادی انتخاب شده و برای تحلیل داده‌ها از تکنیک مرور نظام‌مند و کدگذاری باز^۸ و در ادامه از فراتحلیل کیفی^۹ استفاده شده است. در این راستا ابتدا مروری نظام‌مند بر مقاله‌های منتشر شده فارسی که به بررسی موضوع جدانشدگی پرداخته‌اند، انجام شده است. این پژوهش‌ها از طریق جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی شامل پرتال جامع علوم انسانی^{۱۰}، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی^{۱۱}، بانک اطلاعات نشریات کشور^{۱۲}، مرجع دانش‌یاسیویلیکا^{۱۳} (ناشر تخصصی کنفرانس‌های ایران)، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران^{۱۴}، بانک مقالات علوم اسلامی و انسانی یا نورمگز^{۱۵} و با استفاده از موتور جست‌وجوی اینترنتی گوگل^{۱۶} با کلیدواژه‌های "جدایی‌گزینی" و "جدا افتادگی" و "افتراق"، در قسمت موضوع و عنوان صورت گرفته و در مرحله اولیه به شناسایی ۱۹۸ پژوهش انجامید؛ سپس از بین آنها ۱۱۲ مقاله انتخاب شد. دامنه زمانی این جست‌وجو به مقالاتی محدود شده که بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۴۰۰، در مجلات علمی - پژوهشی،

کنفرانس‌ها و همایش‌ها انتشار یافته‌اند^{۱۷}. در مرحله بعدی تنها ۵۰ پژوهش از ۳۸ نشریه و مجله علمی - پژوهشی مختلف واکاوی شدند و مابقی به دلیل عدم همخوانی محتوا با محوریت موضوع و عنوان پژوهش حاضر حذف گردیدند. این مقاله‌ها در جدول شماره ۱ گردآوری شده‌اند. به دلیل محدود بودن تعداد اعضای جامعه، نمونه‌گیری صورت نگرفته و متن ۵۰ پژوهش به عنوان داده کیفی انتخاب و در ادامه از کدگذاری باز برای بررسی آنها استفاده گردیده است. کدگذاری عبارت است از فرآیند گروه‌بندی شواهد و نشان‌گذاری ایده‌ها، به طوری که به صورتی فزاینده منعکس‌کننده دیدگاه‌های گسترده‌تری باشند (Creswell & Clark, 1945: 145). مقوله‌ها و کدهای مورد بررسی در جدول شماره ۲ مشخص گردیده‌اند. در مرحله بعد فرمی با عنوان "فرم تلخیص شده" به منظور تعیین و استخراج اطلاعات مورد نیاز پژوهش طراحی گردید و سپس اطلاعات مربوط به هر پژوهش شامل ویژگی‌های آنها بر مبنای مقوله‌های مستخرج از متن پژوهش، مطابق جدول شماره ۳ تهیه و در آن ثبت شد. برای اطمینان از روایی فرم مذکور، این فرم به همراه اهداف پژوهش میان ۱۵ کارشناس از میان تخصص‌های برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری، مدیریت شهری، جامعه‌شناسی شهری، جغرافیای شهری و معماری توزیع گردیده و با اعمال نظرات آنها و بازنگری نهایی، صحت روایی صورتی آن تأیید شده است.

جدول شماره ۱: مقاله‌های منتخب فارسی به عنوان پایگاه داده‌های پژوهش ←

کد	مأخذ	عنوان	کد	مأخذ	عنوان
۱	Rahnama (1998)	جدایی‌گزینی فضایی - مکانی شهری؛ مورد بافت قدیمی شهر مشهد	۲	Azam-Azadeh (2003)	چگونگی جدایی‌گزینی سکونت در شهر تهران
۳	Nasiri (2004)	نقش دولت در تحولات فضایی شهر بابل	۴	Afrakhteh & Abdoli (2009)	جدایی‌گزینی فضایی و ناهنجاری‌های اجتماعی بافت فرسوده. مطالعه موردی: محله باباطاهر شهر خرم‌آباد
۵	Keshvaridoost et al. (2011)	نقش پدیده‌های مکانی در پیدایش و توسعه الگوهای شهری (موردی پیرامون استخراج لاهیجان)	۶	Monshizadeh (2011)	تأثیر شهر نورآباد ممسنی بر تحول الگوی جدایی‌گزینی روستاهای پیرامون
۷	HajiNejad & Ahmadi (2011)	تأثیرات گردشگری بر جدایی‌گزینی فضایی قیمت زمین در شهر بانه	۸	Meshkini & Rahimi (2011)	جدایی‌گزینی فضایی در مادرشهرها: تحلیلی بر جغرافیای اجتماعی مادرشهر تهران
۹	Rismanchian & Bell (2011)	بررسی جدا افتادگی فضایی بافت‌های فرسوده در ساختار شهر تهران به روش چیدمان فضا	۱۰	Babaeiaghdam & Esfandiari (2013)	تحلیلی بر نحوه جدایی‌گزینی اکولوژیکی در محلات شهر شاهین دژ (مطالعه موردی: محلات کشتارگاه و شهرک جانبازان)
۱۱	Amirfakhrian (2013)	بررسی الگوی جدایی‌گزینی گروه‌های قومی در شهر مشهد	۱۲	Raghebian (2013)	بررسی و تحلیل ساختار اکولوژیکی شهر یزد (با تأکید بر جدایی‌گزینی فضایی)
۱۳	Esfandiari & Babaeiaghdam (2013)	جدایی‌گزینی فضایی در شهرها، چالشی فراروی توسعه پایدار شهری	۱۴	Akhlaghi et al. (2014)	دلایل جدایی‌گزینی مهاجرین افغانستانی در محله گلشهر مشهد
۱۵	Mohammadi et al. (2014)	شبیه‌سازی پویایی جمعیت به منظور مدل‌سازی جدایی‌گزینی سکونت با استفاده از مدل‌های عامل مینا و GIS	۱۶	Babagoli & Latifi (2014)	بررسی روند جدایی‌گزینی فضایی در تهران در بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰
۱۷	Javaheri et al. (2015)	جدایی‌گزینی اجتماعی شهر کامیاران؛ تحلیل بر شاخص‌های ناهمسانی و انزوای فضایی	۱۸	Babaeiaghdam et al. (2015)	سنجش جدایی‌گزینی اکولوژیکی شهری با استفاده از شاخص‌های اندازه‌گیری تک‌گروهی (مطالعه موردی: شهر تکاب)

← ادامه جدول شماره ۱۵: مقاله‌های منتخب فارسی به عنوان پایگاه داده‌های پژوهش

کد	مآخذ	عنوان	کد	مآخذ	عنوان
۱۹	Ajdari et al. (2015)	بررسی جدایی‌گزینی اجتماعی- فضایی گروه‌های تحصیلی و شغلی در کلانشهر شیراز	۲۰	HajiNejad et al. (2015)	بررسی تأثیرات جدایی‌گزینی اکولوژیک بر امنیت پایدار اجتماعی (مطالعه موردی: شهر عنبرآباد)
۲۱	Izadi et al. (2016)	طراحی مدل جامع نگر در مطالعه پدیده افتراق شهری	۲۲	Rafieian et al. (2016)	تحلیل افتراق فضایی در محله‌های شهر یزد با استفاده از تحلیل شبکه و چیدمان فضا
۲۳	Piri (2016)	جایگاه حکمروایی مطلوب شهری در کاهش میزان جدایی‌گزینی فضایی (مطالعه موردی: کلانشهر تبریز)	۲۴	Ghazaei et al. (2016)	بررسی جدایی‌گزینی‌های شهری گروه‌های مختلف جمعیتی شهر مشهد با تأکید بر ویژگی‌های سکونت
۲۵	Yazdani et al. (2016)	سنجش جدایی‌گزینی مسکونی پایگاه‌های اجتماعی اقتصادی شهر شیراز با استفاده از شاخص‌های چندگروهی	۲۶	Yazdani et al. (2016)	سنجش جدایی‌گزینی مسکونی پایگاه‌های اجتماعی اقتصادی شهر شیراز با استفاده از شاخص‌های اندازه‌گیری چندگروهی
۲۷	Mobasheramini (2017)	مطالعه جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر در محله‌های مسکونی محلات ۱۳ گانه شهرداری منطقه ۱۲ تهران	۲۸	Teimouri et al. (2017)	مصرف‌گرایی نمادین و جدایی‌گزینی فضایی در شهر تبریز مطالعه موردی: کوی فردوس و ولیعصر
۲۹	Azari & Barati (2017)	بررسی الگوی جدایی فضایی در مراکز تاریخی شهری با رویکردی اجتماعی- فضایی (نمونه موردی: مرکز تاریخی تهران و کرمان)	۳۰	Zahirnejad & Dadashpoor (2018)	بررسی و تحلیل جدایی‌گزینی فضایی - اجتماعی گروه‌های تحصیلی و شغلی در منطقه کلانشهری اصفهان
۳۱	Fallahi & Mohammadi (2018)	تبیین جغرافیایی افتراق فضایی در کلانشهر تهران با تأکید بر تسهیلات عمومی شهر	۳۲	Mohammadzadeh (2018)	روش‌های سنجش جدایی‌گزینی و کاربرد آن
۳۳	Rafieian et al. (2018)	بررسی جدایی‌گزینی‌های اجتماعی - فضایی مهاجران در شهر مشهد	۳۴	Jaliliasdrabad et al. (2018)	شناسایی عوامل مؤثر بر جدایی‌گزینی اجتماعی - فضایی؛ محله‌های فدک و کرمان واقع در منطقه ۸ شهرداری تهران
۳۵	Jaliliasdrabad et al. (2018)	بررسی میزان جدایی‌گزینی فضایی - اجتماعی گروه‌های تحصیلی، شغلی، درآمدی و قومیتی با استفاده از نرم‌افزار Geo Segregation Analyzer (مورد پژوهشی: محله کرمان در منطقه ۸ شهرداری تهران)	۳۶	Mirabadi et al. (2018)	تبیین و تحلیل عدم تعادل فضایی و سنجش عوامل مؤثر بر تمرکز و جدایی‌گزینی در شهر مهاباد
۳۷	Mehri & Davoudpoor (2019)	بهره‌گیری از نظریه چیدمان فضا در کاهش انزوای اجتماعی- فضایی محله‌های شهری	۳۸	Pourjafar et al. (2019)	بررسی عوامل مؤثر در عدم شکل‌گیری جوامع مختلط در شهرهای ایران: تحلیل محتوا
۳۹	Mokhtarzadeh et al. (2019)	تحلیل ارتباط میان جدافتادگی کالبدی و محرومیت چندگانه در مناطق شهری بررسی موردی: محلات شهر اصفهان	۴۰	Dadashpoor & Ghazaei (2019)	کاربست پارادایم پدیدارنگاری در فهم پدیده‌های شهری مورد مطالعه: فهم چگونگی تجربه پیامدهای زندگی در محله‌های جدافتاده
۴۱	Rahmatabadi et al. (2019)	شهر، جدایی‌گزینی فضایی و روابط اجتماعی افراد تنها: مطالعه‌ای در شهر تهران	۴۲	Attar (2019)	شبیه‌سازی جدایی‌گزینی شهری با به‌کارگیری مدل‌سازی عامل مینا. مطالعه موردی: مادر شهر شیراز
۴۳	Jafari et al. (2019)	اثرات پیکره‌بندی فضایی بر جدایی‌گزینی اجتماعی در بافت فرسوده گلستان، سبزوار	۴۴	Dadashpoor & Zahirnejad (2019)	بررسی تأثیر جدایی‌گزینی فضایی - اجتماعی گروه‌های شغلی و تحصیلی بر ساختار فضایی منطقه کلانشهری تهران
۴۵	Lotfi & Ghazaei (2018)	بررسی نقش جدایی‌گزینی در شکل‌گیری بافت‌های محتند زده شهری، نمونه موردی: قاسم‌آباد مشهد	۴۶	Ghalenoee & Sabet (2019)	تحلیل عوامل جدایی‌گزینی اجتماعی - فضایی در شهر اصفهان
۴۷	Jaliliasdrabad & Hashemi (2020)	شناسایی عوامل مؤثر بر ایجاد جدایی‌گزینی فضایی - اجتماعی در رویکردهای مختلف با استفاده از روش تحلیل محتوا	۴۸	Rafieian & Zahed (2020)	سنجش جدایی‌گزینی فضایی شهر قم و ارتباط آن با ساختار فضایی شهر
۴۹	Amiri et al. (2020)	بررسی تأثیر جدایی‌گزینی اکولوژیک بر رفتارهای انتخابی شهروندان (مطالعه موردی: شورای شهر خرم‌آباد)	۵۰	Jaliliasdrabad & Hashemi (2020)	سیر تحول مفهوم جدایی‌گزینی در آرای اندیشمندان

جدول شماره ۲: مقوله‌ها و کدهای مورد بررسی در مقاله‌های منتخب فارسی در حوزه جغاشدگی شهری

ویژگی‌ها	مقوله‌ها	کدها
ویژگی‌های ساختاری پژوهش	بازه زمانی انجام پژوهش	سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۷۵ در بازه‌های زمانی پنج ساله
	پژوهشگران اصلی حوزه پژوهش	نام و نام خانوادگی نویسنده مسئول
	قالب پژوهش	علمی-پژوهشی، کنفرانسی، همایشی و کنگره‌ای
	پراکندگی جغرافیایی	تهران، مشهد، شیراز، اصفهان، تبریز، یزد، خرم‌آباد، سایر شهرها، بدون نمونه موردی
	مقیاس مکان	محله، منطقه، شهر، سایر مکان‌ها (ناحیه، محدوده بافت قدیم، مرکز تاریخی، روستا، استان، مجموعه شهری، کشور)، بدون نمونه موردی
	گروه تخصصی پژوهشگران اصلی	جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، شهرسازی، جامعه‌شناسی شهری، سایر گروه‌های تخصصی
	گروه تخصصی انتشارات پژوهش	جغرافیا، علوم شهری ^{۱۸} ، معماری، علوم اجتماعی، ادبیات و زبان‌ها، مدیریت، سایر گروه‌های تخصصی
ویژگی‌های محتوایی پژوهش	انتشارات پژوهش	شامل ۳۸ نشریه و مجله پژوهشی
	برگردان فارسی مفهوم اصلی	جدایی‌گزینی، جداافتادگی، افتراق
	صفت به کاررفته با مفهوم اصلی	فضایی، اجتماعی-فضایی، شهری، اکولوژیکی، اجتماعی، سکونتی، فضایی-مکانی، کالبدی، اجتماعی-اقتصادی
	ابعاد مطرح در پژوهش	اجتماعی-اقتصادی، اجتماعی، فضایی، اجتماعی-فضایی، کالبدی-فضایی، سیاسی-مدیریتی، کالبدی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی-عملکردی، اکولوژیکی، کالبدی-مدیریتی، محیطی
	روش پژوهش	کمی، کیفی، ترکیبی
	نوع پژوهش از نظر هدف	کاربردی، بنیادی
	محوریت موضوع اصلی پژوهش	بررسی مفهوم جغاشدگی، بررسی روش‌شناسی جغاشدگی، بررسی تجربه زیسته ساکنین، شناسایی عوامل زمینه‌ای مؤثر بر شکل‌گیری جغاشدگی، بررسی رابطه جغاشدگی با عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن
نوع پرسش اصلی	چستی، چرایی و چگونگی	

جدول شماره ۳: نمونه فرم تلخیص شده بر مبنای مقوله‌های مستخرج از مقاله‌های منتخب

عنوان	سال	پژوهشگر	قالب پژوهش	پراکندگی جغرافیایی	مقیاس مکان	گروه تخصصی پژوهشگران اصلی	گروه انتشارات	انتشارات پژوهش
کد جدایی‌گزینی فضایی-مکانی شهری	۱۳۷۷	محمد رحیم رهنما	علمی-پژوهشی	بافت قدیم شهر مشهد	محله	جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری	ادبیات و زبان‌ها	مجله ادبیات و علوم انسانی مشهد
	واژه اصلی	صفت همراه	ابعاد پژوهش	روش پژوهش	از نظر هدف	محوریت موضوعی	پرسش اصلی	
	جدایی‌گزینی	فضایی-مکانی	اجتماعی-اقتصادی اکولوژیکی	کمی	کاربردی	مدل‌سازی سنجش جغاشدگی	چستی	

۴. یافته‌ها

در پژوهش حاضر یافته‌ها در دو بخش ویژگی‌های ساختاری و محتوایی دسته‌بندی شده‌اند. بخش ساختاری به دنبال بررسی ویژگی‌های عمومی مقاله‌های منتخب است تا از نتایج آن وضعیت پژوهش در حوزه جغاشدگی شهری در ایران تبیین گردد. بخش محتوایی به دنبال ترسیم نگاه پژوهشگران به برگردان مفهوم اصلی، روش پژوهش، نوع پژوهش، صفت‌های به کاررفته برای جغاشدگی، نوع پرسش اصلی، محورهای موضوعی و ابعاد مورد بررسی در پدیده جغاشدگی است. این قسمت که بر اساس مبانی نظری پدیده جغاشدگی در سطح پژوهش‌های جهانی و بر مبنای نگاه انتقادی نگارندگان به پژوهش‌های پیشین در ایران شکل گرفته، به دنبال آن است که جهت‌گیری موضوعی پژوهش‌های آتی را در مسیر درستی هدایت نماید.

۴.۱. فراتحلیل ساختاری پژوهش‌ها

در این قسمت ویژگی‌های عمومی پژوهش‌های منتخب بر اساس مقوله‌های مختلف مطابق جدول شماره ۴ بررسی شده‌اند.

در بررسی مقوله پژوهشگران اصلی پژوهش، برخی از نویسندگان در بیش از یک مقاله مشارکت داشته‌اند. بنابراین منظور از فراوانی، تعداد مقالاتی است که هر پژوهشگر در آن سهیم بوده و درصد فراوانی بر اساس تعداد کل مقالات منتخب

(۵۰ پژوهش) محاسبه شده‌است. در نتیجه از ذکر مجموع خودداری گردیده‌است.

• بازه زمانی انجام پژوهش: مطابق جدول شماره ۴ روند پژوهش‌ها پیرامون پدیده جغاشدگی رو به افزایش بوده، تا جایی که ۹۲ درصد آنها در بازه ۱۰ ساله ۱۴۰۰-۱۳۹۰ انجام شده و بیشترین تعداد در سال ۱۳۹۸ با ۱۰ مقاله علمی-پژوهشی بوده و نشان‌دهنده توجه بیشتر به مسئله جغاشدگی در کشور در میان متخصصان علوم مختلف در دهه اخیر است.

• پژوهشگران اصلی حوزه پژوهش: در میان ۵۰ پژوهش بررسی شده، پژوهشگرانی چون محمد قضایی، سمانه جلیلی صدرآباد، محبتی رفیعیان، محمدمین عطار، هاشم داداش‌پور و علی سلطانی در مجموع در ۴۶ درصد از پژوهش‌ها مشارکت داشته و به عنوان پژوهشگران اصلی پدیده جغاشدگی در سال‌های اخیر ایران شناخته می‌شوند.^{۱۹}

• گروه تخصصی پژوهشگران اصلی^{۲۰}: بر اساس گروه تخصصی نویسنده مسئول، ۴۶ درصد از پژوهشگران از حوزه تخصصی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و ۳۴ درصد از علوم شهری بوده‌اند. روند افزایشی کاربست مقالات با این موضوع در میان متخصصان علوم شهری نشان از اهمیت یافتن و دغدغه‌مندی متخصصان این حوزه در پدیده جغاشدگی دارد.

جدول شماره ۴: فراوانی و درصد تعداد پژوهش‌ها بر اساس ویژگی‌های ساختاری مقاله‌های منتخب

مقوله‌ها	کدها	فراوانی	درصد	مقوله‌ها	کدها	فراوانی	درصد		
بازه زمانی انجام پژوهش	۱۳۷۵-۱۳۸۰	۱	۲/۰۰	قالب پژوهش	مقاله علمی-پژوهشی	۴۲	۸۴/۰۰		
	۱۳۸۰-۱۳۸۵	۲	۴/۰۰		مقاله کنفرانسی	۵	۱۰/۰۰		
	۱۳۸۵-۱۳۹۰	۱	۲/۰۰		مقاله همایشی و کنگره	۳	۶/۰۰		
	۱۳۹۰-۱۳۹۵	۱۶	۳۲/۰۰		مجموع	۵۰	۱۰۰/۰۰		
پژوهشگران اصلی موضوع	۱۳۹۵-۱۴۰۰	۳۰	۶۰/۰۰	گروه تخصصی انتشارات پژوهش	جغرافیا	۲۷	۵۴/۰۰		
	مجموع	۵۰	۱۰۰/۰۰		علوم شهری	۶	۱۲/۰۰		
	محمد قضایی	۵	۱۰/۰۰		معماری	۴	۸/۰۰		
	سمانه جلیلی صدرآباد	۴	۸/۰۰		علوم اجتماعی	۳	۶/۰۰		
	مجتبی رفیعیان	۴	۸/۰۰		مدیریت	۲	۴/۰۰		
	محمد امین عطار	۴	۸/۰۰		سایر گروه‌های تخصصی (ادبیات و زبان‌ها، ادبیات و علوم انسانی، علوم تربیتی و روان‌شناسی، علوم سیاسی، معماری و شهرسازی و جغرافیا و برنامه‌ریزی توسعه، معماری و مرمت و شهرسازی و محیط زیست پایدار، معماری، شهرسازی، عمران شهری)	۸	۱۶/۰۰		
	هاشم داداش پور	۳	۶/۰۰			گروه تخصصی پژوهشگر اصلی	مجموع	۵۰	۱۰۰/۰۰
	علی سلطانی	۳	۶/۰۰				شهر تهران	۱۲	۲۴/۰۰
	اسماعیل شیعه، حسین نظم‌فر، سهند لطفی، سید ضیاء هاشمی، عارف ظهیرنژاد، ظهرا اسفندیاری خلوت، علی اکبر تقوایی، علی حاجی‌نژاد، فریدون بابایی اقدم، محمد حسن یزدانی، محمد قلعه‌نویی، مصطفی بهزادفر	۲	۴/۰۰				شهر مشهد	۶	۱۲/۰۰
	سایرین	۱	۲/۰۰				شهر شیراز	۴	۸/۰۰
مجموع*	-	-	شهر اصفهان	۳			۶/۰۰		
مجموع	-	-	شهر تبریز	۲	۴/۰۰				
گروه تخصصی پژوهشگر اصلی	جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری	۲۳	۴۶/۰۰	پراکندگی جغرافیایی	سایر نمونه‌ها (شهر نورآباد ممسنی، استان تهران و البرز، شهر بابل، شهر بانه، شهر تکاب، شهر زنجان، شهر سبزوار، شهر شاهین دژ، شهر عنبرآباد، شهر قم، شهر کامیاران، شهر لاهیجان، شهر مهاباد، مجموعه شهری اصفهان)	۱۲	۲۴/۰۰		
	شهرسازی	۱۷	۳۴/۰۰			محل	۱۲	۲۴/۰۰	
	جامعه‌شناسی	۵	۱۰/۰۰			منطقه	۳	۶/۰۰	
	سایر گروه‌های تخصص (معماری، جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی، مرمت ابنیه و بافت‌های تاریخی)	۵	۱۰/۰۰			سایر مکان‌ها (ناحیه، محدوده بافت قدیم، مرکز تاریخی، روستا، کشور، مجموعه شهری، استان)	۷	۱۴/۰۰	
	مجموع	۵۰	۱۰۰/۰۰			بدون نمونه موردی	۵	۱۰/۰۰	
	شهر	۲۴	۴۸/۰۰			مجموع	۵۰	۱۰۰/۰۰	
	مقیاس مکان	۷	۱۴/۰۰						
	بدون نمونه موردی	۴	۸/۰۰						

• پراکندگی جغرافیایی: نتایج نشان می‌دهند کلانشهرهای کشور در این حوزه بیشتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ به طوری که شهر تهران در ۲۴ درصد پژوهش‌ها (۱۲ مورد) و سه کلانشهر مشهد، شیراز و اصفهان در مجموع در ۲۶ درصد پژوهش‌ها و شهرهای تبریز، یزد و خرم‌آباد در مجموع در ۱۲ درصد پژوهش‌ها به عنوان نمونه موردی انتخاب شده‌اند.

۴.۲. فراتحلیل محتوایی پژوهش‌ها

ویژگی‌های محتوایی مقاله‌های بررسی شده در قالب مقوله‌هایی مطابق جدول‌های شماره ۵ و ۶ مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

• مقیاس مکان در پژوهش: اگرچه پژوهش‌های بررسی شده در مقیاس‌های مختلف انجام شده‌اند اما ۴۸ درصد از آنها در مقیاس شهر و ۲۴ درصد در مقیاس محله بوده‌اند.

• قالب پژوهش: بیش از ۸۴ درصد در قالب پژوهش‌های علمی-پژوهشی انجام شده‌اند. در بازه زمانی ۱۳۹۵-۱۴۰۰، حدود ۵۷ درصد آنها منتشر شده که بیش از نیمی از پژوهش‌های منتخب را شامل می‌شود.

• گروه تخصصی انتشارات پژوهش: گروه تخصصی جغرافیا با ۵۴ درصد بالاترین درصد را داشته و سپس با اختلاف زیاد، علوم شهری و معماری در مجموع با ۲۰ درصد، در جایگاه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۵: فراوانی و درصد تعداد پژوهش‌ها بر اساس ویژگی‌های محتوایی مقاله‌های منتخب

مقوله‌ها	کدها	فراوانی	درصد	مقوله‌ها	کدها	فراوانی	درصد
صفت به کار رفته با مفهوم اصلی	فضایی	۱۸	۳۶/۰۰	ابعاد اصلی مطرح در پژوهش	اجتماعی - اقتصادی	۲۸	۵۶/۰۰
	اجتماعی - فضایی	۱۰	۲۰/۰۰		اجتماعی	۸	۱۶/۰۰
	شهری	۶	۱۲/۰۰		فضایی	۷	۱۴/۰۰
	اکولوژیکی	۵	۱۰/۰۰		اجتماعی - فضایی	۵	۱۰/۰۰
	اجتماعی	۴	۸/۰۰		کالبدی - فضایی	۳	۶/۰۰
	سکونتی	۴	۸/۰۰		سیاسی - مدیریتی	۳	۶/۰۰
	فضایی - مکانی	۱	۲/۰۰		کالبدی	۳	۶/۰۰
	کالبدی	۱	۲/۰۰		فرهنگی	۳	۶/۰۰
	اجتماعی - اقتصادی	۱	۲/۰۰		اقتصادی	۲	۶/۰۰
	مجموع	۵۰	۱۰۰/۰۰		کالبدی - عملکردی	۱	۲/۰۰
برگردان فارسی مفهوم اصلی	جدایی‌گزینی	۴۳	۸۶/۰۰	اکولوژیکی	۱	۲/۰۰	
	جدا افتادگی	۴	۸/۰۰	کالبدی - مدیریتی	۱	۲/۰۰	
	افتراق	۳	۶/۰۰	محیطی	۱	۲/۰۰	
	مجموع	۵۰	۱۰۰/۰۰	مجموع*	-	-	
روش پژوهش	کمی	۴۲	۸۴/۰۰	کاربردی	۴۹	۹۸/۰۰	
	کیفی	۵	۱۰/۰۰	بنیادی	۱	۲/۰۰	
	ترکیبی	۳	۶/۰۰	مجموع	۵۰	۱۰۰/۰۰	
	مجموع	۵۰	۱۰۰/۰۰				

• نوع پژوهش از نظر هدف: ۹۸ درصد پژوهش‌ها کاربردی بوده و تنها دو درصد پژوهش بنیادی انجام شده است.

* در بررسی مقوله محوریت موضوع اصلی پژوهش، برخی از پژوهش‌ها به بررسی چندین محور اصلی پرداخته‌اند. بنابراین منظور از فراوانی در این قسمت، تعداد مقالاتی است که به هر محور موضوعی اختصاص داشته و درصد فراوانی بر اساس تعداد کل مقالات منتخب (۵۰ پژوهش) محاسبه شده است.

• نوع پرسش اصلی پژوهش: مطابق جدول شماره ۴ پژوهش‌ها بر اساس این که پاسخگوی چه نوع پرسشی در حوزه جداسازی بوده‌اند، در سه دسته چپستی، چرایی و چگونگی قرار گرفته‌اند. در این میان فزونی و غلبه پژوهش‌هایی با پرسش‌های چپستی و چرایی به چشم می‌خورد^{۲۲}. در زمینه چگونگی جداسازی پژوهش قابل توجهی انجام نشده است.

• محورهای موضوعی پژوهش: مطابق جدول شماره ۶ می‌توان پژوهش‌های بررسی شده را بر اساس محور موضوعی آنها در پنج محور اصلی دسته‌بندی نمود. ۵۰ درصد از پژوهش‌های شامل پرسش چپستی، در راستای سنجش میزان و درجه جداسازی و شناسایی الگوهای فضایی جداسازی انجام شده‌اند؛ این در حالی است که هنوز بسیاری از ابهامات موجود بر سر معنا و مفهوم جداسازی و همچنین روش‌های سنجش میزان آن با در نظر گرفتن تمامی ابعاد وجود دارد. در بین پژوهش‌هایی با پرسش چرایی، ۴۰ درصد آنها به محوریت بررسی رابطه جداسازی با عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن اختصاص داشته است. از این بین حدود ۱۰ درصد مطالعاتی هستند که به بررسی رابطه الگوهای جداسازی و ساختار فضایی شهر پرداخته‌اند؛ که جزو جدیدترین موضوعات این حوزه در سطح جهانی است.

* در بررسی مقوله ابعاد اصلی مطرح در پژوهش، برخی از مقالات به بررسی چندین بعد پرداخته‌اند. بنابراین منظور از فراوانی، تعداد مقالاتی است که به بررسی هر بعد پرداخته و درصد فراوانی بر اساس تعداد کل مقالات منتخب (۵۰ پژوهش) محاسبه شده است. در نتیجه از ذکر مجموع خودداری گردیده است.

• صفت به کار رفته با مفهوم اصلی پژوهش: در عنوان و محتوای پژوهش‌های بررسی شده از واژه‌های متعددی در بیان صفت همراه با جداسازی استفاده شده، بدون این که تعریف دقیق و یا عملیاتی از آن ارائه گردد. به همین دلیل یکی از مشکلات پیرامون پدیده جداسازی در کشور تعریف جامع و کاملی است که بتواند این مفهوم را به خوبی نشان دهد. در بین ۵۰ پژوهش مطالعه شده، به ترتیب صفت‌های فضایی، اجتماعی - فضایی، شهری، اکولوژیکی و سکونتی بیشترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند که در بسیاری موارد وجه افتراق آنها مشخص نبوده و در هاله‌ای از ابهام است^{۲۱}.

• برگردان فارسی مفهوم اصلی پژوهش: در بیان مفهوم اصلی در میان پژوهش‌های بررسی شده، حدود ۸۶ درصد از واژه جدایی‌گزینی در برگردان فارسی استفاده کرده‌اند. با توجه به توضیحاتی که در قسمت اجباری یا اختیاری بودن جداسازی داده شد، در به‌کارگیری درست این واژه برای برگردان مفهوم اصلی ابهام و انتقاد وجود دارد.

• ابعاد مطرح شده در پژوهش: در بررسی ابعاد مطرح در پژوهش دیده شده که از بین این پژوهش‌ها، ۵۶ درصد صرفاً بعد اجتماعی - اقتصادی را بررسی کرده و بعد فضایی صرفاً در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است.

• روش پژوهش: ۸۴ درصد پژوهش‌های بررسی شده از نوع کمی بوده و تنها ۱۶ درصد به صورت کیفی یا ترکیبی انجام شده‌اند. در حالی که در این زمینه نیاز به پژوهش‌های کیفی و ترکیبی با هدف مدل‌سازی مفهومی بسیار وجود دارد.

جدول شماره ۶: فراوانی و درصد تعداد پژوهش‌ها براساس نوع پرسش اصلی و محوریت موضوعی در مقاله‌های منتخب

نوع پرسش اصلی	محوریت موضوع اصلی پژوهش	فراوانی*	درصد	
پرسش چینی مفهوم جغاشدگی	بررسی مفهوم جغاشدگی	مدل سازی مفهومی جغاشدگی	۲/۰۰	
		شناسایی الگوهای فضایی جغاشدگی	۱۸/۰۰	
		شناسایی آثار و پیامدهای جغاشدگی	۴/۰۰	
	بررسی روش شناسی جغاشدگی	مدل سازی سنجش جغاشدگی	۲/۰۰	
		شبیه سازی الگوهای جغاشدگی	۴/۰۰	
		سنجش میزان و درجه جغاشدگی	۳۲/۰۰	
		بررسی روش های سنجش جغاشدگی	۲/۰۰	
بررسی تجربه زیسته ساکنین	-	۲/۰۰		
مجموع		۳۳	۶۶/۰۰	
پرسش چرایی مفهوم جغاشدگی	بررسی رابطه جغاشدگی با عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن	شناسایی عوامل زمینه‌ای مؤثر بر شکل‌گیری جغاشدگی	۱۶/۰۰	
		شهر پیرامون	۲/۰۰	
		نقش دولت	۲/۰۰	
		تمرکز فقر و خرده فرهنگ جرم زا	۲/۰۰	
		گروه‌های قومی	۲/۰۰	
		محنت زندگی و محرومیت	۴/۰۰	
		بافت فرسوده	۴/۰۰	
		ساختار اکولوژیکی شهر	۲/۰۰	
		نحوه پراکنش تسهیلات عمومی شهر	۲/۰۰	
		مهاجرت	۲/۰۰	
		جایگاه حکمروایی و مدیریت شهری	۲/۰۰	
		مصرف‌گرایی نمادین	۲/۰۰	
		امنیت پایدار اجتماعی	۲/۰۰	
		رفتارهای انتخاباتی ساکنان	۲/۰۰	
		بررسی رابطه الگوهای جغاشدگی و ساختار فضایی شهر	۱۰/۰۰	
		مجموع		۲۸

۵. بحث

فالب مقوله‌های مختلفی بوده که در این پژوهش به بخشی از آنها اشاره شد. بر اساس جدول‌های شماره ۱، ۵ و ۶ می‌توان سیر تحول مفهوم جغاشدگی را در میان پژوهش‌های داخلی به چهار دوره کلی اولیه، میانی، متأخر (دوره کنونی) و آینده مطابق جدول شماره ۷ تقسیم کرد.

بررسی فراتحلیل بر روی پژوهش‌های انجام شده داخلی در سه دهه اخیر پیرامون جغاشدگی، نشان‌دهنده نیاز به تغییرات ساختاری و محتوایی در مطالعات آتی پیرامون این پدیده است. این تغییرات در

جدول شماره ۷: جمع‌بندی مرور نظام‌مند و فراتحلیل مقالات با موضوع جغاشدگی در ایران بر اساس سیر تحول مفهوم

دوره‌های مختلف	دوره اولیه مفهوم جغاشدگی (۱۳۷۵-۱۳۹۰)	دوره میانی مفهوم جغاشدگی (۱۳۹۰-۱۳۹۵)	دوره متأخر مفهوم جغاشدگی (۱۴۰۰-۱۳۹۵)	آینده مفهوم جغاشدگی (بعد از ۱۴۰۰)
مقوله‌های مورد بررسی	پراکنندگی جغرافیایی	پراکنندگی جغرافیایی	پراکنندگی جغرافیایی	پراکنندگی جغرافیایی
مقیاس مکان	شهر و منطقه	شهر و منطقه	شهر و منطقه	شهر و منطقه
حوزه رشته‌ای	جغرافیا، علوم اجتماعی	جغرافیا، علوم اجتماعی، اندکی علوم شهری	جغرافیا، علوم اجتماعی، علوم شهری	جغرافیا، علوم اجتماعی، علوم شهری
برگردان فارسی	جدایی‌گزینی	جدایی‌گزینی، جدافتادگی، افتراق	جدایی‌گزینی، جدافتادگی، افتراق	جداشدگی
صفت به کار رفته	فضایی-مکانی، سکونتی، فضایی	اجتماعی، اکولوژیکی، سکونتی، فضایی	اجتماعی-فضایی، شهری، فضایی	اجتماعی-فضایی
ابعاد اصلی مطرح	اجتماعی-اقتصادی	اجتماعی-اقتصادی	اجتماعی-اقتصادی و کالبدی-فضایی	اجتماعی-اقتصادی و کالبدی-فضایی، سیاسی-مدیریتی
روش پژوهش	کمی	کمی	کمی، کیفی، ترکیبی	کمی، کیفی، ترکیبی
نوع پژوهش از نظر هدف	کاربردی	کاربردی	کاربردی	کاربردی و بنیادی
ماهیت	جغاشدگی به عنوان پیامد نابرابری در شهرها	جغاشدگی به عنوان یک مسئله اجتماعی-اقتصادی در شهرها	جغاشدگی به عنوان یک مسئله اجتماعی-فضایی، هم‌عامل و هم‌پیامد نابرابری در شهرها	جغاشدگی به عنوان یک مسئله اجتماعی-فضایی، هم‌عامل و هم‌پیامد نابرابری در شهرها
محورهای دارای اولویت در تبیین چینی جغاشدگی	سنجش میزان و درجه جغاشدگی	سنجش میزان و درجه جغاشدگی	شبیه‌سازی و شناسایی الگوهای فضایی جغاشدگی	مدل سازی مفهومی و مدل سازی سنجش جغاشدگی
محورهای دارای اولویت در تبیین چرایی جغاشدگی	بررسی رابطه جغاشدگی با عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن	بررسی رابطه جغاشدگی با عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن	شناسایی عوامل زمینه‌ای مؤثر بر شکل‌گیری جغاشدگی	شناسایی عوامل زمینه‌ای مؤثر بر جغاشدگی از جمله ساختار و پیکره‌بندی شهرها
محورهای دارای اولویت در تبیین چگونگی جغاشدگی	-	-	-	شناسایی و بررسی سیاست‌ها و گرایش‌های اثرگذار بر جغاشدگی

موردی بارها مورد بررسی قرار گرفته‌اند، ضرورت توجه به شهرهای میانی و کوچک وجود دارد. به نظر می‌رسد مقیاس شهر و محله مقیاس مناسبی برای بررسی جدانشدگی باشد. در برگردان فارسی مفهوم اصلی، پژوهش حاضر واژه "جدانشدگی" را به عنوان جایگزین جامع‌تر و مناسب‌تر در مقایسه با واژگانی چون "جدایی‌گزینی"، "جدافتادگی" و "افتراق"، ارائه نموده‌است. مطابق توضیحات داده شده پیرامون اختیاری یا اجباری بودن جدانشدگی در بخش مبانی نظری، این پدیده در سه حالت کلی ممکن است اتفاق افتد که بر اساس آن می‌توان ابهام موجود در برگردان‌های فارسی در بیان مفهوم پدیده جدانشدگی را توضیح داد. در حالت نخست از آنجایی که این نوع جدایی بر اساس انتخاب و گزینش ساکنان صورت می‌گیرد، در برگردان فارسی می‌توان از واژه "جدایی‌گزینی" در بیان مفهوم اصلی ضمن تأکید بر واژه "گزیدن" استفاده کرد. در حالت دوم گروه‌های مهاجر مکان زندگی جدید خود را در نزدیکی گروه‌های هم‌نوع خود بر اساس ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی و یا هر ویژگی مشترک دیگری انتخاب می‌کنند؛ در این حالت نیز جدایی داوطلبانه و به صورت اختیاری صورت گرفته و می‌توان در برگردان فارسی از واژه "جدایی‌گزینی" استفاده کرد. اما در حالت سوم، اگرچه در ابتدا به نظر می‌رسد که گروه‌های اجتماعی - اقتصادی مکان‌هایی را برای زندگی خود انتخاب می‌کنند که استطاعت و توانایی زندگی در آنجا را دارند، اما از آنجایی که این جدایی عموماً در نتیجه فعل و انفعالاتی انجام شده که نشان‌دهنده اجباری بودن جدانشدگی بوده و جابه‌جایی‌ها داوطلبانه صورت نمی‌گیرد و افراد معمولاً به اجبار دست به این انتخاب‌ها زده‌اند، بنابراین در این حالت واژه جدایی‌گزینی مناسب نبوده و بهتر است از واژه "جدافتادگی" استفاده شود که مفهوم اجباری بودن را با خود به همراه دارد. همانطور که در قسمت ادبیات نظری توضیح داده شد، واژه (Segregation) در ادبیات جهانی مفهومی معادل هر سه حالت ذکر شده را دارد. بدین معنی که این مفهوم هم به جنبه اجباری و هم اختیاری جدانشدگی اشاره دارد. بنابراین به‌کارگیری صرفاً یکی از دو واژه "جدایی‌گزینی" و یا "جدافتادگی" نشان‌دهنده تنها بخشی از این پدیده بوده و برداشت درست و کاملی از آن ارائه نمی‌دهد. مگر آن که هدف از پژوهش تنها بررسی یکی از دو حالت جدانشدگی اجباری (جدافتادگی) و یا جدانشدگی اختیاری (جدایی‌گزینی) باشد. از طرفی واژه افتراق که در متون اندکی به عنوان برگردان واژه (Segregation) استفاده شده^{۲۳} از آنجایی که علاوه بر مفهوم جداشدن و جدا کردن، در ادبیات جهانی بیشتر در بیان مفهوم فرق گذاشتن و معادل واژه (differentiation) استفاده شده^{۲۴}، به زعم نگارندگان تعبیر درستی از واژه (Segregation) ارائه نخواهد داد. مطابق جدول‌های شماره ۵ و ۶ می‌توان نتیجه گرفت که درصد قابل توجهی از پژوهش‌ها در گذشته به صورت کمی (۸۴ درصد) و در راستای سنجش میزان جدانشدگی صورت گرفته‌اند. این ارقام بیان‌کننده غلبه پارادایم اثباتی میان پژوهشگران این حوزه بوده، در حالی که پژوهش حاضر نشان داد پژوهش‌های کمی گذشته منجر به شکل‌گیری تصویر درستی از مفهوم پدیده جدانشدگی نشده‌اند و همچنان نیازمند مدل‌های مفهومی در این حوزه هستیم که از طریق روش‌های ترکیبی و در قالب پژوهش‌هایی کاربردی و بنیادی قابل دستیابی است. اهداف بررسی جدانشدگی در این دوره منحصر به ابعاد اجتماعی - اقتصادی و کالبدی

• **دوره اولیه (۱۳۹۰-۱۳۷۵):** در این دوره شاهد شکل‌گیری مفهوم جدانشدگی در میان متخصصان رشته‌های جغرافیا و علوم اجتماعی، در شهرهای مختلف و در مقیاس شهر و منطقه بوده‌ایم که با استفاده از روش‌های کمی و در قالب پژوهش‌های کاربردی انجام شده‌اند. پژوهشی از متخصصان علوم شهری نشده‌است. جدانشدگی در این دوره دیده به لحاظ ماهیت به عنوان پیامدی از واقعیت‌های دیگر از جمله نابرابری در شهرها و با در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی - اقتصادی بررسی شده‌است. واژه جدایی‌گزینی، در این دوره برای برگردان فارسی به همراه صفت‌هایی چون فضایی - مکانی، سکونتی و فضایی به کار رفته‌است. در زمینه تبیین چیستی جدانشدگی، محورهای موضوعی دارای اولویت پژوهش در این دوره شامل "سنجش میزان و درجه جدانشدگی" و در زمینه تبیین چرایی آن موضوعاتی چون "بررسی رابطه جدانشدگی با عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن" بوده‌اند.

• **دوره میانی (۱۳۹۵-۱۳۹۰):** پژوهش‌های جدانشدگی در دوره میانی همچنان توسط متخصصان جغرافیا و علوم اجتماعی و نیز اندکی علوم شهری انجام شده و به پیروی از دوره قبل در مقیاس شهر و منطقه، در شهرهای مختلف و پراکنده، با استفاده از روش‌های کمی و در قالب پژوهش‌های کاربردی و با در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی - اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته‌است. بعد فضایی همچنان مورد غفلت واقع شده‌است. در این دوره علاوه بر واژه جدایی‌گزینی، از واژگانی چون جدافتادگی و افتراق در برگردان فارسی همراه با صفت‌هایی شامل اجتماعی، اکولوژیکی، سکونتی و فضایی استفاده شده‌است. به لحاظ ماهیت جدانشدگی به عنوان یک مسئله اجتماعی - اقتصادی در شهرها مورد بررسی قرار گرفته‌است. محورهای دارای اولویت موضوعی همچنان مشابه دوره اولیه بوده‌است.

• **دوره متأخر یا کنونی (۱۴۰۰-۱۳۹۵):** در دوره متأخر در زمینه جدانشدگی علاوه بر متخصصان جغرافیا و علوم اجتماعی، شاهد طیف وسیع‌تری از رشته‌های علمی همچون علوم شهری (حدود ۳۰ درصد پژوهش‌ها توسط متخصصان این گروه انجام شده‌است) بوده‌ایم. این امر نشان‌دهنده تحول مفهومی و اضافه شدن ابعاد جدیدی چون بعد کالبدی - فضایی در این حوزه است. در این دوره جدانشدگی در مقیاس شهر، محله و فراشهر مطرح بوده و در اکثر کلانشهرهای ایران با استفاده از روش‌های کمی، کیفی و یا ترکیبی و در قالب پژوهش‌های کاربردی انجام شده‌است. در این دوره به دلیل اضافه شدن ابعاد جدید، جدانشدگی به لحاظ ماهیت به عنوان مسئله‌ای اجتماعی - فضایی مورد بررسی قرار گرفته‌است. محورهای موضوعی دارای اولویت در این دوره در تبیین چیستی جدانشدگی شامل "شبیه‌سازی و شناسایی الگوهای فضایی جدانشدگی" و در تبیین چرایی آن شامل "شناسایی عوامل زمینه‌ای مؤثر بر شکل‌گیری جدانشدگی" بوده‌است. واژگان به کار رفته در برگردان فارسی مطابق دوره قبل بوده که همراه با صفاتی چون اجتماعی - فضایی، شهری و فضایی به کار رفته‌است.

• **آینده (بعد از ۱۴۰۰):** می‌توان آینده جدانشدگی را مفهومی میان رشته‌ای حاصل تعامل تخصص‌های مختلف در تلاش برای دستیابی به یک فهم مشترک تصور کرد. فهمی که لزوماً از دل توجه به زمینه و از تعامل بین دانش انباشته شده در جوامع محلی حاصل خواهد شد. از آنجایی که کلانشهرهای کشور به‌ویژه شهر تهران به عنوان نمونه

در این راستا موضوعات زیر با به‌کارگیری روش پژوهش کیفی و یا ترکیبی دارای اولویت پیشنهاد می‌گردد:

- تحلیل محتوای ادبیات نظری پژوهش‌های حوزه جداسازی با هدف تبیین مدل مفهومی جداسازی اجتماعی-فضایی،
- فراترکیب چارچوب نظری مقاله‌های علمی موجود با هدف تدوین جامعی از معیارها و شاخص‌های سنجش جداسازی با در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی-اقتصادی و کالبدی-فضایی و سیاسی-مدیریتی،
- فراتحلیل روش و نتایج پژوهش‌های حوزه جداسازی با هدف تبیین مدل سنجش جداسازی با توجه به کلیه ابعاد آن،
- فراتحلیل کمی رابطه جداسازی اجتماعی-اقتصادی و پیکره‌بندی فضایی شهر و
- پدیدارشناسی تجربه زیسته ساکنین در انواع و اشکال بافت‌های جداسازی در شهرهای مختلف ایران با هدف دستیابی به عوامل زمینه‌ای مؤثر بر شکل‌گیری جداسازی.

پی‌نوشت‌ها:

1 Segregation

در ایران اصطلاح جدایی‌گزینی نخستین بار توسط دکتر حسین شکویی در فصل سوم کتاب "جغرافیای اجتماعی شهرها" با عنوان "گنوه‌های شهری و جدایی‌گزینی اکولوژیکی" به کار برده شد (شکویی، ۱۳۹۰). این واژه تا کنون در پژوهش‌های فارسی با عنوان جدایی‌گزینی، جدافتادگی و افتراق شهری برگردان شده که فراوانی واژه جدایی‌گزینی بیشتر است. در پژوهش حاضر از واژه جداسازی استفاده شده که در قسمت پیشینه و مبانی نظری دلیل به‌کارگیری این واژه آورده شده است.

۲ در سال ۱۳۳۵ (نخستین سرشماری رسمی کشور) از مجموع جمعیت کشور، ۳۱/۴ درصد شهرنشین بوده‌اند که این رقم در سرشماری‌های بعد با روند نسبتاً ثابتی افزایش یافته و در سال ۱۳۹۵ (آخرین سرشماری رسمی کشور تا کنون) به ۷۴ درصد یعنی بیش از دو برابر رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶).

3 Ernst Haeckel

4 Voluntary Segregation

ترجمه‌هایی که برای Voluntary Segregation در متون فارسی آورده شامل ارادی، انتخابی، خودانگیخته و داوطلبانه است.

5 Involuntary Segregation

ترجمه‌هایی که برای Involuntary Segregation در متون فارسی آورده شامل غیرارادی و غیرداوطلبانه شده است.

6 Systematic Review

۲ اصطلاح فراتحلیل نخستین بار توسط جین گلاس در سال ۱۹۷۶ به کار برده شد (هومن، ۱۳۸۷: ۱۵).

8 Open Coding

9 Qualitative Meta-Analysis

10 www.ensani.ir

11 Scientific Information Database (SID)

12 www.magiran.com

13 www.civilica.com

14 Iranian Research Institute for Information Science and Technology (Iran Doc)

15 www.noormags.ir

16 Google

۱۷ لازم به توضیح است که به دلیل فقدان دسترسی به محتوای طرح‌های پژوهشی و

فضایی نبوده، بلکه رویکردی جامع در توسعه همه جانبه این پدیده نیاز است که علاوه بر دو بعد بیان شده، بعد سیاسی-مدیریتی را نیز شامل می‌شود. در این دوره جداسازی به عنوان مسئله‌ای اجتماعی-فضایی هم به عنوان عامل نابرابری در شهرها و هم به عنوان پیامد آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. محورهای موضوعی دارای اولویت شامل "مدل‌سازی مفهومی و مدل‌سازی سنجش جداسازی" در تبیین چیرستی پدیده بوده و در تبیین چرایی آن محورهای "شناسایی و بررسی عوامل زمینه‌ای مؤثر بر جداسازی از جمله ساختار و پیکره‌بندی شهرها" می‌تواند به دانش این حوزه کمک نماید. همچنین از آنجایی که در تبیین چگونگی جداسازی پژوهش قابل توجهی در کشور صورت نگرفته، موضوعاتی با محوریت "شناسایی و بررسی سیاست‌ها و گرایش‌های اثرگذار بر جداسازی" می‌توانند مفید باشند.

بر اساس ویژگی‌های دوره چهارم می‌توان تعریف زیر را برای مفهوم جداسازی اجتماعی-فضایی در نظر گرفت:

جداسازی اجتماعی-فضایی به معنای تراکم فضایی گروه‌های انسانی با وضعیت اجتماعی مشابه است که به صورت اختیاری و یا اجباری در یک ناحیه جغرافیایی معین و در نتیجه عملکرد نیروهای گوناگون اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، کالبدی-فضایی، سیاسی-مدیریتی و یا ترکیبی از آنها شکل گرفته است. این نیروها منجر به انتخاب‌های سکونتی گروه‌های انسانی در سطح خرد شده و بر الگوی جداسازی شهر اثر گذاشته و از آن اثر می‌پذیرد. گروه‌های انسانی ممکن است بر اساس یک ویژگی شاخص (مانند نژاد، جنسیت، مذهب، ملیت، دین، زبان، قومیت، زادگاه، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، ساختار خانوادگی و...) از یکدیگر جدا شوند؛ در این صورت نوع خاصی از جداسازی (جداسازی نژادی، قومیتی، اجتماعی-اقتصادی و...) شکل می‌گیرد.

۶. نتیجه‌گیری

از آنجایی که موضوع جداسازی گفتمانی میان رشته‌ای دارد، پژوهشگرانی از حوزه‌های مختلف از زاویه دید تخصصی خود به بررسی آن پرداخته‌اند. حجم زیاد و روزافزون پژوهش‌ها، نگاه متفاوت نویسندگان به موضوع، نیاز به تلخیص و ترکیب آنها و نیز تشخیص حوزه‌های پژوهشی پر تکرار و مسئله‌دار از دلایلی هستند که ضرورت استفاده از روش‌هایی چون فراتحلیل را نمایان می‌سازند. به همین دلیل پژوهش حاضر با هدف نشان دادن بخشی از نقاط قوت و ضعف ۵۰ پژوهش انجام شده در ایران در سه دهه اخیر پیرامون موضوع جداسازی و ارائه صورت‌بندی منظمی از آنها با استفاده از روش مرور نظام‌مند و فراتحلیل کیفی نگاشته شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد با وجود کثرت پژوهش‌ها و توجه بیشتر متخصصان علوم شهری در ده سال اخیر، همچنان ابهامات زیادی بر سر معنا و مفهوم جداسازی وجود دارد. به‌کارگیری برگردان‌های فارسی متفاوت، صفات متعدد در بیان توصیف آن، مشخص نبودن جنبه اختیاری یا اجباری بودن پدیده و... که همگی با اعداد و ارقام در این پژوهش نشان داده شد، مؤید این مسئله است. بنابراین ضرورت دارد که پدیده چند وجهی جداسازی در ایران با در نظر گرفتن ابعاد گسترده آن در قالب موضوعات جدید مورد بازبینی قرار گرفته تا فهم بهتر، دقیق‌تر و همه جانبه‌تری از آن حاصل شود.

- of phenomenography paradigm in understanding the urban phenomena Case study: How residents experience the consequences of living in segregated neighbourhoods, *The Journal of Spatial Planning*, 23 (4), 1-35. [in Persian]
- Deng, X. (2015). *The Residential Segregation of Same-sex Partnered Households from Heterosexual Partnered Households: Metropolitan Statistical Areas in The U.S., 2010*, Ph.D. thesis in Sociology, Office of Graduate and Professional Studies of Texas A&M University.
 - Duncan, O. D., & Duncan, B. (1955). A methodological analysis of segregation indices. *American Sociological Review*, (20), 210-217.
 - Dupont, V. (2004). Socio-spatial differentiation and residential segregation in Delhi: a question of scale? *Geoforum*, 35(2), 157-175.
 - Esfandiari Khalvat, Z., Babaie Aghdam, F., (2013), "Segregation in cities, a challenge to sustainable urban development", the first National Conference of Architecture, Restoration, Urbanism and Stable Environment, Hegmatane Environment Evaluators Association, Hamadan, 19 September, 293-303. [in Persian]
 - Fallahi H, Mohammadi, J. (2018). Geographic explaining of spatial differences in Tehran, *Geographic Space*, (61)18 .293-271. [in Persian]
 - Feitosa, F., Câmara, G., Monteiro, A., Koschitzki, T., Silva, M. (2007). Global and local indicators of urban segregation, *Journal of Geographical Information Science*, 21(3), 299-323.
 - Feitosa, F., Le, Q., Vlek, P. (2011). Multi-agent simulator for urban segregation (MASUS): A tool to explore alternatives for promoting inclusive cities. *Computers, Environment and Urban Systems*, 104–115.
 - Firman, T. (2004). New town development in Jakarta Metropolitan Region: a perspective of spatial segregation. *Habitat International* (28), 349–368.
 - Franzen, M. (2009). Matters of Urban Segregation. In *Proceedings to the 7th International Space Syntax Symposium*, edited by Daniel Koch, Lars Marcus, and Jesper Steen, Stockholm: KTH.
 - Ghazi Tabatabaie, M., Vedadhir. A. (2010). *The applications of meta-analysis in social behavioral researches*, Tehran: Sociologists Publications. [in Persian]
- همچنین پایان نامه‌ها در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری به دلیل محدود شدن سایت گنج، از آوردن آنها در این پژوهش صرف نظر گردیده است.
- ^{۱۸} علوم شهری در این پژوهش شامل شهرسازی، طراحی شهری، برنامه‌ریزی شهری، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در نظر گرفته شده است.
- ^{۱۹} چنانچه دسترسی به پایان‌های کارشناسی ارشد و دکتری میسر بود، امکان دست یافتن به نتایج دقیق‌تری در این زمینه وجود داشت. بررسی اولیه نگارندگان نشان می‌دهد تعدادی از پژوهشگران، با وجود پژوهش‌های مؤثر در این حوزه به انتشار مقاله علمی-پژوهشی مبادرت نکرده‌اند.
- ^{۲۰} در بررسی حوزه تخصصی پژوهشگر، صرفاً تخصص نویسنده مسئول پژوهش در نظر گرفته شده است.
- ^{۲۱} به طور مثال تفاوتی در بیان مفهوم جدانشدگی اجتماعی - فضایی با جدانشدگی فضایی - مکانی مشاهده نمی‌شود، اما تنوعی از واژگان وجود دارد.
- ^{۲۲} در این زمینه، ۶۶ درصد از محتوای مطالعات در برگزیده پاسخ به سئوالات چپستی، و ۵۶ درصد در برگزیده پاسخ به سئوالات چرایی هستند (برخی پژوهش‌ها به هر دو سؤال چپستی و چرایی پاسخ داده‌اند).
- ^{۲۳} رجوع شود به پژوهش‌های (معززی، ۱۳۹۵؛ رفیعیان، و علیزاده و تقوایی، ۱۳۹۵؛ فلاحی و محمدی، ۱۳۹۷).
- ^{۲۴} رجوع شود به پژوهش‌های (Dupont, 2004; Rosen and Grant, 2011; Wu et al., 2014; Wildschut, 2016; Nieuwenhuis et al., 2017).

References:

- Afroogh, E (1997). *Space and Social Inequality: Spatial Segregation and Poverty Concentration in Tehran Residential Neighbourhoods*. Tehran: Tarbiat Modares University. [in Persian]
- Alaily-Mattar, N. (2010). *Segregation for aggregation? The pattern and logic of spatial segregation practices of young affluent heads of households in the post-war city of Beirut*. Doctoral thesis, University College London, London, UK.
- Azadi Ahmadabadi, Qasim (2012). Meta-analytical approach: Capacities and gaps, *Social Sciences Monthly*, 71 (8), 82-89. [in Persian]
- Azam Azadeh, M (2003). Residential Segregation in Tehran. *Journal of humanities of Alzahra University*, 44 & 45, 25-50. [in Persian]
- Charalambous, N. (2011). Understanding segregation: the relationship between urban form and social exclusion.
- Creswell, J., and Clark, P. (1945). *Mixed Methods Research*, translated by Alireza Kiamanesh and Javaid Saraei, first edition, Tehran: Aizh Publications. [in Persian]
- Crocetti, E. (2016). *Systematic Reviews with Meta-Analysis: Why, When, and How?*, *Emerging Adulthood*, 1(4), 3-18.
- Dadashpoor H, Ghazaie M. (2019). *The application*

- Glass, G. (1976). Primary, Secondary, and Meta-Analysis of Research. *Educational Researcher*, (5)10, 3-8.
- Gregory, D., Johnston, R., Pratt, G., Watts, M., Whatmore, S. (2009). *The Dictionary of Human Geography*. 5th ed. Oxford: Wiley-Blackwell, Print.
- Hillier B. & Vaughan L. (2007). *The City as One Thing*, UCL Eprints.
- Hooman, H. A. (2008). *Meta - analysis in scientific research*. Tehran: The Center for Studying and Compling University Books in Humanitics (SAMT). [in Persian]
- Ibraimović, T. (2013). Investigating the role of ethnic preferences in residential location decisions: Choice analysis on Stated Preferences data. Ph.D. thesis in Economic, Faculty of economics University of Lugano.
- Izadi, M. S. Masoud, M. & Moazezi Mehr-e-Tehran, M. A. (2016). "Designing a holistic framework in studying urban segregation." *Journal of Urban Studies*, 5(20), 79-91. [in Persian]
- Jaliliasdrabad, S., & Hashemi, S. (2020). The Evolution of the Concept of Segregation in the Thinkers' Opinions. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 13(32), 283-299. [in Persian]
- Jargowsky, P. A. (1996). Take the money and run: Economic segregation in U.S. metropolitan areas. *American Journal of Sociology*, (61), 984-999.
- Jargowsky, P. A. (2002). Sprawl, concentration of poverty, and urban inequality. *Urban sprawl: Causes, consequences, and policy responses*, 39-72.
- Legeby, A. (2013). *Patterns of Co-presence Spatial Configuration and Social Segregation*. PhD Dissertation, KTH Architecture and the Built Environment, Royal Institute of Technology.
- Letki, N. (2008). Does Diversity Erode Social Cohesion? Social capital and Race in British Neighbourhoods. *Political Studies*, (56), 99-126.
- Levitt, H.M. (2018). How to conduct a qualitative meta-analysis: Tailoring methods to enhance methodological integrity, *Psychotherapy Research*, (28)3, 367-378.
- Lima, J. J. (2001). Socio-spatial segregation and urban form: Belem at the end of the 1990s. *Geoforum* 32(4), 493-507.
- lotfi, S., ghazaie, M. (2019). Studying the Role of Segregation in the Emerging of Deteriorated Urban Fabrics Case Study: 'Qāssem-Ābād' District (Mashhad, Iran). *Geography and Development*, 17 (54), 15-36. [in Persian]
- Maffini A, Maraschin C. (2018). Urban Segregation and Socio-Spatial Interactions: A Configurational Approach. *Urban Science*. 2(3), 1-12.
- Massey, D.S. and Denton, N.A. (1993). *American Apartheid: Segregation and the Making of the Underclass*. Harvard University Press. Cambridge, MA.
- Miranda, A.S. (2020). The shape of segregation: The role of urban form in immigrant assimilation, *Cities*, (106), 1-18.
- Moazezi Mehre Tehran, A. M. (2015). *Urban differentiation; Reading the pattern of social-spatial separation in cities (case study: neighborhoods of Isfahan city)*, doctoral dissertation in restoration of buildings and historical textures, Isfahan University of Arts. [in Persian]
- Morgan, B.S. (1975). The segregation of socioeconomic groups in urban areas: A comparative analysis. *Urban Studies*, (12), 47-60.
- Musterd, S. & de Winter, M. (1998). Conditions for spatial segregation: some European perspectives, *International Journal of Urban and Regional Research*, (22), 665-673.
- Musterd, S. (2005). Social and ethnic segregation in Europe: Levels, causes, and effects. *Journal of Urban Affairs*, 2, 27-36.
- Nieuwenhuis, J., Tammaru, T., Van Ham, M., Hedman, L., Manley, D. (2017). Does segregation reduce socio-spatial mobility? Evidence from four European countries with different inequality and segregation contexts.
- Nightingale, C. (2012). *Segregation: A Global History of Divided Cities*. New York: The University of Chicago Press.
- Park, R., Burgess, E. W. and Mchenzie, D. (1925). *The City*, University of Chicago Press, Chicago.
- Pourjafar, M., Rafieian, M., Ghazaie, M. (2019). Studying the effective factors involved in non-formation of mixed communities in Iranian cities: Content-Analysis. *Journal of Urban Social Geography*, 6(2), 87-108. [in Persian]
- Rafieian, M., Alizadeh, A., Taghvayee, A. (2016). Analysis of Spatial Fragmentation in the Spatial Organization of Yazd Using Network Analysis and

- Space Syntax. *Human Geography Research*, 48(3), 441-459. [in Persian]
- Rahmatabadi, E., Alirezanejad, S., Abolhasan Tanhaee, H. (2019). City, spatial segregation and social relations of Solitary people: A study in Tehran. *Urban Sociological Studies*, 9(32), 191-216. [in Persian]
 - Rahnama, M. R. (1988). Urban Spatial Segregation; The case of the old context of Mashhad city, . *Journal of Language and Literature Faculty of Letters and Humanities*, (1, 2), 201-218. [in Persian]
 - Reardon, S.F. & Firebaugh, G. (2002). Measures of multi group segregation. *Sociological Methodology* (32), 33-67.
 - Romero, H., Vásquez, A., Fuentes, C., Salgado, S., Schmidt, A., Banzhaf, E. (2012). Assessing urban environmental segregation (UES). The case of Santiago de Chile, *Ecological Indicators Journal*, (23), 76-87.
 - Rosen, G. and Grant, J. (2011). Reproducing Difference: Gated Communities in Canada and Israel. *International Journal of Urban and Regional Research*, (35), 778-793.
 - Sakoda, J. (1981). A generalized index of dissimilarity. *Demography*, (18), 245-250.
 - Salimi, J., Maknoon, R. (2018). Qualitative Meta-analysis of Scientific Researches Concerning the Issue of Governance in Iran. *Journal of Public Administration*, 10(1), 1-30. [in Persian]
 - Shakoui, H. (2011). *Social Geography of Cities: Social Ecology of the City*, First Edition, Tehran: Jahad University Publishing Organization. [in Persian]
 - Smith, Ch. L. (2009). Economic deprivation and racial segregation: Comparing Superfund sites in Portland, Oregon and Detroit, Michigan. *Social Science Research* (38), 681-692.
 - Timberlake, J. M., and Ignatov, M. D. (2015). Residential Segregation. *Sociology*.
 - Tizchang, M., azadeh, M. (2020). A Meta-Analysis of Inequality in Regional Development Programs. *Social Development & Welfare Planning*, 12(42), 1-39. [in Persian]
 - Vaughan, L. (2005). The relationship between physical segregation and social marginalisation in the urban environment. *World Architecture*, (185), 88-96.
 - Vaughan, L. and Arbaci, S. (2011). The challenges of Understanding Urban Segregation. *Built Environment*, 37(2), 128-138.
 - White, M.J. (1983). The measurement of spatial segregation. *American Journal of Sociology*, (88), 1008-1018.
 - Wildschut, F. (2016). Spatial justice in spatial planning: differences and similarities in theory vs. spatial planners' thoughts. MSc in European Spatial and Environmental Planning at Radboud University Nijmegen.
 - WU, Q., Cheng, J., Chen, G., Hammel, D., & Wu, X. (2014). Socio-spatial differentiation and residential segregation in the Chinese city based on the 2000 community-level census data: A case study of the inner city of Nanjing.
 - Zahirnejad, A., Dadashpoor, H. (2018). Examining socio-spatial segregation of educational and occupational groups in Isfahan metropolitan region. *Physical Social Planning*, 5(1), 25-44. [in Persian]
 - Zavodny, M. (1999). Determinants of Recent Immigrants' Locational Choices. *The International Migration Review*, 4, 1014-1030.

نحوه ارجاع به مقاله:

قدسی، نرگس؛ نسترن، مهین؛ قاسمی، وحید؛ (۱۴۰۱) جدانشدگی اجتماعی - فضایی در ایران: مرور نظام مند و فراتحلیل کیفی، مطالعات شهری، 11 (44)، 79-94. doi: 10.34785/J011.2022.175/Jms.2022.130

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



اثرات فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و پاندمی کووید ۱۹ بر مطالعات شهری: مرور سیستماتیک^۱

نیکو مدقالچی - گروه شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
سید حسین بحرینی^۲ - دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
مجتبی رفیعیان - دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰ تاریخ پذیرش: ۲۶ مهر ۱۴۰۰

چکیده

ظهور عصر اطلاعات در قرن ۲۰ به واسطه تحولات عظیم حوزه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات^۳، رویکرد غالب حل حداکثری مسائل شهری و نجات‌بخشی این فن‌آوری‌ها را پیش روی برنامه‌ریزان، طراحان و سیاست‌گذاران شهری قرار داده است. با وجود جدیدبودن این تحولات، سرعت رشد و توسعه گسترده آن، میان‌کنش گسترده‌ای را در بین بخش‌های مختلف مطالعات شهری فراهم ساخته است. همزمان با روند روبه‌افزایشی فناوری اطلاعات و ارتباطات، سرتاسر دنیا با شیوع ویروس کرونا از دسامبر ۲۰۱۹، مواجه شد و نقش آن را مورد بازخوانی مجدد قرار داد. با توجه به پژوهش‌های داخلی کم (در حدود ۱۷ عنوان مقاله) در ارتباط با فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و شهر و وجود خلأ در این ارتباط و اهمیت توجه به این حوزه در مطالعات شهری، هدف این مقاله، شناسایی، استخراج و ارائه فضای تعاملی و پژوهشی بین توسعه فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات بر زیرحوزه‌های مطالعات شهری، به منظور معرفی، طبقه‌بندی موضوعات، رهیافت‌ها، روش‌ها و همچنین بهره‌گیری از نتایج پژوهش‌ها است. در این راستا با استفاده از روش مرور سیستماتیک، محتوای پژوهش‌های علمی خارجی انتشاریافته مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. این امر با جست و جوی مقالات معتبر آغاز شد و با مطالعه چکیده و نتایج تحقیق بیش از ۱۵۰ مقاله و پایش آن‌ها و در نهایت انتخاب ۹۳ مقاله پس از ورود در محیط نرم‌افزار اکسل، انجام پذیرفت. مقاله‌های انتشار یافته به زبان انگلیسی و بین فاصله زمانی ۳۰ ساله ۱۹۹۰-۲۰۲۰ هستند. پایش، بررسی و استخراج محورهای کلیدی و اصلی مقالات در نهایت ما را به طبقه‌بندی هشت گانه مندرج در ذیل شامل (۱) سیاست‌گذاری شهری، (۲) مشارکت الکترونیک، (۳) شهر هوشمند، (۴) ساختار و سازمان فضایی شهر، (۵) رفتار سفر، (۶) شکاف دیجیتال، (۷) فضای عمومی و (۸) رقابت‌پذیری و ۳۰ زیرموضوع هدایت نمود که به تفکیک هر یک، نویسندگان مطرح، روش انجام کار و یافته‌های تحقیقات ارائه گردید. مطالعات اخیر گویای این موضوع هستند که شیوع کرونا ویروس میزان بهره‌مندی از فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات را چندین برابر کرده است و این امر به‌طور قطع شدت اثرگذاری آن بر شهر و برنامه‌ریزی و طراحی شهری را با سرعت بیشتری دچار تحول و دگرذیسی خواهد کرد. از این رو این مقاله در راستای تبیین ابعاد گوناگون این موضوع ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، شهر، مطالعات شهری، کرونا ویروس.

نکات برجسته

- توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات تغییر مهمی است که باعث تغییر پارادایم در شهرسازی می‌شود.
- پاندمی کووید بر اهمیت فناوری اطلاعات و ارتباطات تاکید دارد.
- ردیابی مطالعات شهری در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات و همه‌گیری کووید، داده‌ها و دانش خوبی را برای سیاست‌گذاری شهری و مطالعات آینده ارائه می‌دهد.

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته شهرسازی با عنوان "تبیین تأثیرات ICT بر دگرگونی فضا و مکان شهری (مطالعه موردی: محلات شهر تهران)" است که توسط نویسنده اول و با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی قزوین دفاع شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: hbahrain@ut.ac.ir

۱. مقدمه

تحولات و تغییرات به وجود آمده در قالب انقلاب چهارم اطلاعاتی در آستانه قرن ۲۱ (تحول در حوزه سرمایه‌داری پیشرفته) (Neubauer, 2011: 195)، با حرکت از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی به عنوان جامعه پسا صنعتی (با توصیف اولیه از آلن تورن) (Gessner & Nelken, 2007: 163) و ترویج گسترده آن (Bell, 2000: 7-8) همراه با پیش‌بینی تحولات و تغییرات آتی ناشی از این موضوع بر ساختارهای اجتماعی توسط دنیل پل (Bell, 1976: 576) و همزمان با رشد و توسعه در حوزه زیرساخت با قابلیت محاسبه‌گری مدرن، فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی را پدید آورد و دسترسی به اطلاعات را از طریق ارتباطات از راه دور فراهم ساخت (Talvitie, 2004: 3).

یونجی ماسودا در کتاب «جامعه اطلاعاتی خود، به منزله جامعه پسا صنعتی»، قیاس تاریخی دو جامعه صنعتی و اطلاعاتی را در سه حوزه اصلی فن‌آوری‌های نوآورانه، ساختارهای اجتماعی اقتصادی و ارزش‌ها در ۲۰ پارامتر مطرح کرد. بیان او در حوزه تغییر از هسته اولیه یعنی جایگزینی محاسبه‌گری به جای قدرت، قدرت اطلاعاتی به جای قدرت مادی، آغاز شد و عملکرد پایه را در تقویت قوه ذهنی به جای قوه فیزیکی و تغییر مرکز تولید بر پایه ابزار اطلاعات (شبکه‌های اطلاعاتی و بانک‌های داده) به جای کارخانه مدرن (ماشین و تجهیزات) عنوان نمود (Masuda, 1981: 30-31).

دنیل پل مهمترین تمایز بین این دو جامعه را در تمایز بین منبع نوآوری می‌داند. هر جامعه‌ای در تاریخ بشریت، وابسته به دانش بوده، اما فقط در این دوران (سال‌های اخیر) است که انباشت و توزیع دانش نظری، به صورت نیروی تغییر و نوآوری مطرح شده و تغییرات مبتنی بر اطلاعات، دانش، نمادها، نشانه‌ها و تولید ایده‌ها، در شهرها به عنوان مراکز پذیرنده فن‌آوری‌های جدید، نوعی از اقتصاد جدید و بستر جدید فرهنگی را ایجاد کرده است (Kasvio & et.al, 2001: 176).

به‌طور قطع ظهور چنین فن‌آوری‌هایی در همه حوزه‌ها، اثرات خود را برجای می‌گذارد و در حوزه شهرسازی نیز از جنبه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. بهره‌گیری از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات سبب خلق نوآوری شهری و مجموعه‌ای از اقدامات تغییر و دگرگونی در راستای ارتقای زیرساخت‌های فیزیکی، منابع دانشی و زیرساخت اجتماعی برای بازسازی اقتصادی، یکپارچگی اجتماعی، اداره بهتر شهر و مدیریت زیرساخت می‌شود. با این حال به دلیل نقش مرکزی زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در شکل‌دهی شهرها، نمی‌توان انتظار رخداد یک پارادایم واحد برای تحول شهر در جهان را داشت. از این رو نیروهای متعدد در این خصوص حائز اهمیت هستند (Neirotti & et.al, 2014: 25-26). تأکید گراهام نیز بر این موضوع است که یکی از اصلی‌ترین نیروهای محرکه اقتصادی در شهرها و مناطق شهری، فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات است که سبب ایجاد اثرات فضایی اجتماعی متعدد و همچنین توسعه شهری کسب‌وکار محور براساس الگوی توسعه فضاهای شهری نئولیبرال می‌شود. این قابلیت در حال تغییر الگوهای حکمروایی شهری از رویکرد مدیریتی به رویکرد کارآفرینی است (Hollands, 2008: 307). بنابراین در جایگاه گونه‌ای از تحول پارادایمی، توجه به اثرات

توسعه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه شهرسازی حائز اهمیت ویژه‌ای برای برنامه‌ریزان و طراحان شهری است، البته با تأکید بر نکته مطرح شده هولاندز مبنی بر وجود رابطه پیچیده بین شهر و فن‌آوری که بر روی شکل شهر و متابولیسم شهری تأثیرگذار است. امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، سبب شده است تا شهرها، آرمان شهری هوشمند و دیجیتال را برای آینده خود تصور کنند. الگوی توسعه شهری بر پایه سیستم‌های هوشمند بر روی مکانیزم‌ها، ساختارها و فرآیند تولید فضای شهری اثرگذار است. در حقیقت بر پایه امکان هوشمندسازی شهر، چشم‌انداز شهرها بر محور ارتقای کیفیت زندگی و همچنین دستیابی به پایداری شهر و حل مشکلات و معضلات شهری هستند (Hollands, 2008: 303-304).

با وجود توسعه روزافزون ابزار و امکانات فن‌آوری‌های جدید و اهمیت توجه به ابعاد گوناگون آن در حوزه شهرسازی، بررسی پژوهش‌های داخلی صورت‌گرفته، گویای توجه کم در این ارتباط است. جستجوی کلیدواژه‌های اصلی چون فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و شهر، شهر مجازی، فضای مجازی و رسیدن به بارگذاری کمتر از ۲۰ مقاله فارسی در پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی^۱، گویای این مسئله است. بنابراین به دلیل (۱) شناخت کم این حوزه و ضرورت موضوع به دلیل شتاب توسعه فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و اثرات گریزناپذیر آن بر روی الگوها و سبک‌های زندگی، کار و فعالیت شهروندان، (۲) وجود نظرات و آرای متضاد و متقابل و همچنین (۳) طرح سؤال‌های جدید درخصوص چگونگی پذیرش فن‌آوری اطلاعاتی و ارتباطی توسط شهر مدرن در دوران شیوع ویروس کرونا، در این مقاله تلاش می‌شود حوزه مطالعاتی محققین و پژوهشگران سایر کشورهای جهان از طریق جمع‌آوری منابع تولیدشده برای طبقه‌بندی موضوعات، رویکردها، هیافت‌ها و نتایج تحقیقات، مورد بررسی، تحلیل و ارزیابی قرار گیرد.

۲. چارچوب نظری

۲.۱. فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات

فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) گستره وسیعی از ابزارها، سیستم‌ها، شبکه‌ها، برنامه‌ها و ... را در بستری فعال بین کاربران متعدد و گوناگون به‌کار می‌گیرد. فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات همه ابزار برای شبکه‌سازی، حضور و ساخت اپلیکیشن‌ها و سیستم‌ها را با امکان کنش تجمیعی در جهان دیجیتال برای مردم و سازمان‌ها به‌کار گرفته و به‌صورت گونه جدیدی از ترافیک مورد توجه قرار داده است (Talvitie, 2004: 32). طرح واژه فرانسوی تله متیک^۲ توسط نورا و مینک^۳ در ۱۹۷۸، به‌منظور بیان خدمات و زیرساخت‌هایی بود که با ایجاد ارتباطات از راه دور، رایانه‌ها و ابزارهای رسانه‌ای دیجیتال را به یکدیگر متصل می‌کند و با یکپارچه‌سازی فن‌آوری دیجیتال و کامپیوترها در توسعه فن‌آوری ارتباطات شکل می‌گیرد. ارتباطات از راه دور، پایه و اساس فناوری‌های از راه دور برای نوآوری سریع در شبکه‌سازی

1 SID

2 Télématique

3 Nora and Minc

رایانه‌ای و ارتباطات صوتی، داده‌ای، تصویری و ویدئویی فراهم می‌کند (3-2, 2002, Graham and Marvin).

۲.۲. فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و شهر

توسعه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در بستر شهر، آغازگر رشد و توسعه الگوهای حل مسائل و مشکلات شهری است. در این راستا در متون مختلف، استفاده روزافزون و اهمیت ارتباطات از راه دور، بسیاری از سئوالات عمیق و اساسی را در ارتباط با شهرها و زندگی شهری در حال و در آینده مطرح کرده است. آیا شهرها همانند ادعای بسیاری در دوره‌های پیشین در خصوص تأثیر راه‌آهن و اتومبیل بر شهرها، از نظر کالبدی با پیشرفت‌ها در ارتباطات از راه دور تحت تأثیر قرار می‌گیرند؟ تراکم شهرها، ساختار و سازمان فضایی آنها چه تأثیراتی از این نوع تحوّل جدید خواهد پذیرفت؟ مشخصه بی‌مکانی فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، فضاهای شهری را دچار چه تحولاتی خواهد کرد؟ آیا مکان‌های شهری شاهد عدم حضورپذیری شهروندان خواهد بود؟ آیا چنین فن‌آوری‌های جدیدی می‌تواند فرصت‌های مشارکت و هم‌پیوندی ساکنین محلات را فراهم سازد؟ و ... اخیراً چنین پرسش‌هایی، گمانه‌زنی‌ها و بحث‌های زیادی را درباره آینده شهرها و نقش پیشرفت در ارتباطات از راه دور در دگرذیسی شهری تحریک کرده است. از یک سو، آرمان‌گرایان و آینده‌گرایان، ارتباطات از راه دور را راه حل قطعی و سریع برای مشکلات و بحران‌های اجتماعی، زیست‌محیطی یا سیاسی شهر صنعتی و جامعه صنعتی در نظر می‌گیرند. از سوی دیگر، ضد آرمان‌گرایان چهره‌هایی از دوره شهری به شدت دو قطبی و ناامیدکننده را تحت سلطه شرکت‌های جهانی ترسیم می‌کنند (Graham and Marvin, 1999: 5). شهر به کمک فن‌آوری اطلاعات پیشرفته با ایجاد تغییرات در الگوهای متنوع متکی بر زمینه‌های تاریخی، قلمرویی و نهادی در حال تغییر است. سیستم‌های ارتباطات از راه دور، به منزله گزینه‌ای برای سیستم‌های جابه‌جایی و حمل‌ونقل، جانمایی برای جابه‌جایی فیزیکی مردم و خدمات، مطرح می‌شوند و ارتباط جدیدی را در حوزه برنامه‌ریزی شهری مطرح می‌کنند (Drewe, 2005: 35). گسترش فن‌آوری‌های اطلاعاتی و دیجیتال به شدت سبب افزایش پیچیدگی شهرها، مؤلفه‌های اصلی و پایه زندگی شهری می‌شوند. این موضوع در حوزه‌هایی چون مسکن، حمل‌ونقل، کار و فراغت، از منظر منطقی، فضایی و زمانی با افزایش تعداد و نوع میان‌کنش‌ها بین افراد، شرکت‌ها، سیستم‌های فنی و محیط‌های خارجی باعث ایجاد پیچیدگی می‌شود. ترکیب جدیدی بین مردم، تجهیزات و مکان‌ها به وجود می‌آید و در نتیجه تغییر چشمگیری در سازمان فضایی فعالیت‌ها، درون شهرها و مناطق بزرگ کلانشهری رخ می‌دهد (Moss & Townsend, 2000: 1) و رابطه فضا و زمان و همچنین شیوه حضور در مکان را بدون وابستگی به حرکت تغییر می‌دهد. دیجیتال در عملکرد خود به منزله یک اکوسیستم، حالت‌های سازماندهی در جامعه را مجدد بازسازی می‌کند و شرایط تعامل بین اجزای آن را دچار تحول می‌کند (Ayon, 2017: 1).

۳.۲. فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و پاندمی کرونا ویروس

مصادف با اعلام رسمی پاندمی ویروس کرونا در سرتاسر جهان، در

دسامبر ۲۰۱۹، شهرها در مواجهه با تحولات بسیاری قرار گرفتند. این موضوع فضای بازانندیشی در بسیاری از ارکان شهر را برای برنامه‌ریزان، طراحان و سیاست‌گذاران شهری به وجود آورده و در سرتاسر دنیا اندیشمندان حوزه شهری را به تفکر در خصوص اصول پذیرفته شده واداشته است. شیوع کروناویروس فرصت بازانندیشی درباره نقش برنامه‌ریزی در تولید موقعیت‌های تقویت، تثبیت و ادغام وظایف و اقدامات بخش‌های مختلف بخش عمومی مرتبط با برنامه‌ریزی شهری و حل مسئله را تحت چارچوب یکپارچه و واحد فراهم ساخته است (Daneshpour, 2020: 2).

سیاست بسته‌شدن شهرها، موضوع فاصله، در خانه ماندن، حمل‌ونقل عمومی و فضای عمومی و ... فضای اندیشه جدیدی را گشوده و چالش‌های جدیدی را نیز مطرح کرده است. همچنین سئوالاتی در ارتباط با چگونگی تحوّل الگوی برنامه‌ریزی، طراحی شهری و مدیریت شهری پس از کرونا در شهرها مورد توجه قرار گرفته است (Avetisyan, 2020: 1-3).

کروناویروس باورهای پیشین در خصوص رشد و توسعه شهرها را مورد بازخوانی مجدد قرار می‌دهد. برای مثال تراکم شهری را که همواره افتخار شهرها بوده است، مورد سؤال قرار می‌دهد و بحث‌هایی پیرامون آسیب‌پذیری شهرهای با تراکم جمعیتی و افزایش احتمال پراکنش ویروس به دلیل فاصله نزدیک در بین ساکنان و سختی کنترل فاصله‌گذاری اجتماعی را مطرح کرده است. این در حالی است که یافته‌ها در پژوهشی در ارتباط با بیش از ۹۰۰ شهرستان آمریکا با کنترل سایر مؤلفه‌ها، بیان می‌کند که همبستگی بین تراکم و نرخ بالای ابتلا به کروناویروس وجود ندارد. بلکه آنچه حائز اهمیت است، فقر شهری و دسترسی و یا عدم دسترسی به زیرساخت‌های فن‌آوری و ارتباطات از راه دور است که بر میزان شیوع تأثیرگذار است (Hamidi et al., 2020: 12). در پژوهش دیگری در ارتباط با بررسی تأثیرات کروناویروس بر شهرها نیز محققان به نتیجه مشابه تحقیق بالا رسیده‌اند. در این تحقیق بیان شده است که مؤلفه‌های فرهنگی و نهادی نسبت به سایر مؤلفه‌های شهری مانند تراکم جمعیتی، در انتشار و کنترل ویروس، نقش مهم‌تری ایفا می‌کنند.

از این رو در مدیریت بیماری‌های ویروسی مانند کروناویروس، ساخت و ایجاد سیستم‌ها، فن‌آوری، زیرساخت و ساختارهای شهری که گسترش دهنده تاب‌آوری باشند به جای اجرای سیاست بی‌جهت پراکندگی، حائز اهمیت است (Kang & et al., 2020: 297)؛ چارچوبی که در ارتباط با توسعه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در شهر با محوریت حل مسئله و ایجاد تغییر در نحوه نگرش آن در برنامه‌ریزی و توسعه شهری حائز اهمیت است. در جوامع مدرن، امروزه مفهوم فن‌آوری‌های هوشمند در محیط‌های شهری و تأثیر آن‌ها بر اشکال شهری و سبک زندگی روزمره، به یکی از چالش‌های شناخته شده و روبه‌رشد در ادبیات برنامه‌ریزی و طراحی شهری تبدیل شده است (Abusaada & Elshater, 2020: 420-421). کروناویروس در حقیقت موضوع اهمیت و توجه به توسعه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در شهرها را به صورت چشمگیری مورد بازخوانی قرار داده و غفلت‌های صورت گرفته در توسعه‌نیافتگی زیرساخت‌های این حوزه را مورد توجه سیاست‌گذاران، مدیران و برنامه‌ریزان شهری قرار می‌دهد.

۳. روش

ایجاد و ساخت بدنه وسیعی از اطلاعات و ابزار و به منظور پاسخ به سؤالات درباره آنچه انجام شده و آنچه انجام نشده، تعریف شده است. با استفاده از مراحل بیان شده توسط جسون و دیگران و فینک مراحل اصلی روش شناختی برای این مقاله، به صورت جدول شماره ۱ در شش مرحله تعیین شده است: (۱) تعیین سؤال تحقیق / عنوان تحقیق، (۲) طراحی فرآیند و تعیین پایگاه‌های منابع و داده، (۳) تعیین اصطلاحات و واژگان تحقیق، (۴) تعیین معیارهای شمول و عدم شمول، (۵) انجام مرور منابع و (۶) تجزیه و تحلیل (Jesson & et.al, 2011: 12).

با توجه به مطالب گفته شده و ضرورت گونه‌شناسی تحقیقات انجام شده و بنابر وجود آرا و نظرات موافق و مخالف در خصوص اثرات فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات بر شهر، در این مقاله از روش مرور سیستماتیک ادبیات استفاده شده است. مرور سیستماتیک، مرور ادبیاتی است که برای تعیین، ارزیابی و سنتز بهترین شواهد موجود در ارتباط با موضوعی مشخص استفاده می‌شود تا پاسخ‌های مفید و شاهد-منا را ارائه دهد (Boland, Cherry, & Dickson, 2017: 41). مرور سیستماتیک توسط پتربیکرو و رابرتز به عنوان روشی برای

جدول شماره ۱: شش مرحله مرور سیستماتیک

ردیف	مراحل	مشخصات																
۱	انتخاب سؤال تحقیق	توسعه ICT در ارتباط با چه حوزه‌هایی از مطالعات شهری مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است؟ پاندمی کرونا ویروس، اهمیت توسعه ICT را در چه حوزه‌هایی از مطالعات شهری مطرح کرده است؟																
2	طراحی فرآیند و انتخاب پایگاه منابع و داده تحقیق	Google Scholar, ScienceDirect Elsevier																
3	انتخاب اصطلاحات و واژگان تحقیق	فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و مطالعات شهری، اثر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات بر برنامه‌ریزی و طراحی شهری، توسعه شهری، ارتباطات از راه دور و برنامه‌ریزی شهری و...																
4	معیارهای شمول مقالات	بازه زمانی: ۱۹۹۰-۲۰۲۰، زبان: انگلیسی، نوع مطالعات: مقالات مجلات، کنفرانس‌ها، کتاب‌ها، وضعیت چاپ: منتشر شده با متن کامل																
5	انجام مرور منابع	تشکیل ماتریس مشخصات خلاصه شده مقالات <table border="1" data-bbox="224 1003 1062 1077"> <thead> <tr> <th>عنوان</th> <th>نویسندگان</th> <th>سال</th> <th>واژگان کلیدی</th> <th>روش</th> <th>محور اصلی تحقیق</th> <th>نتایج اصلی</th> <th>تعداد ارجاع</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td></td> <td></td> <td></td> <td></td> <td></td> <td></td> <td></td> <td></td> </tr> </tbody> </table>	عنوان	نویسندگان	سال	واژگان کلیدی	روش	محور اصلی تحقیق	نتایج اصلی	تعداد ارجاع								
عنوان	نویسندگان	سال	واژگان کلیدی	روش	محور اصلی تحقیق	نتایج اصلی	تعداد ارجاع											
6	نوع تجزیه و تحلیل نتایج	مرور سیستماتیک با استفاده از معیارها برای ارزیابی نقادانه ادبیات تولید شده در ارتباط با موضوع مشخص و سؤال اصلی تحقیق																

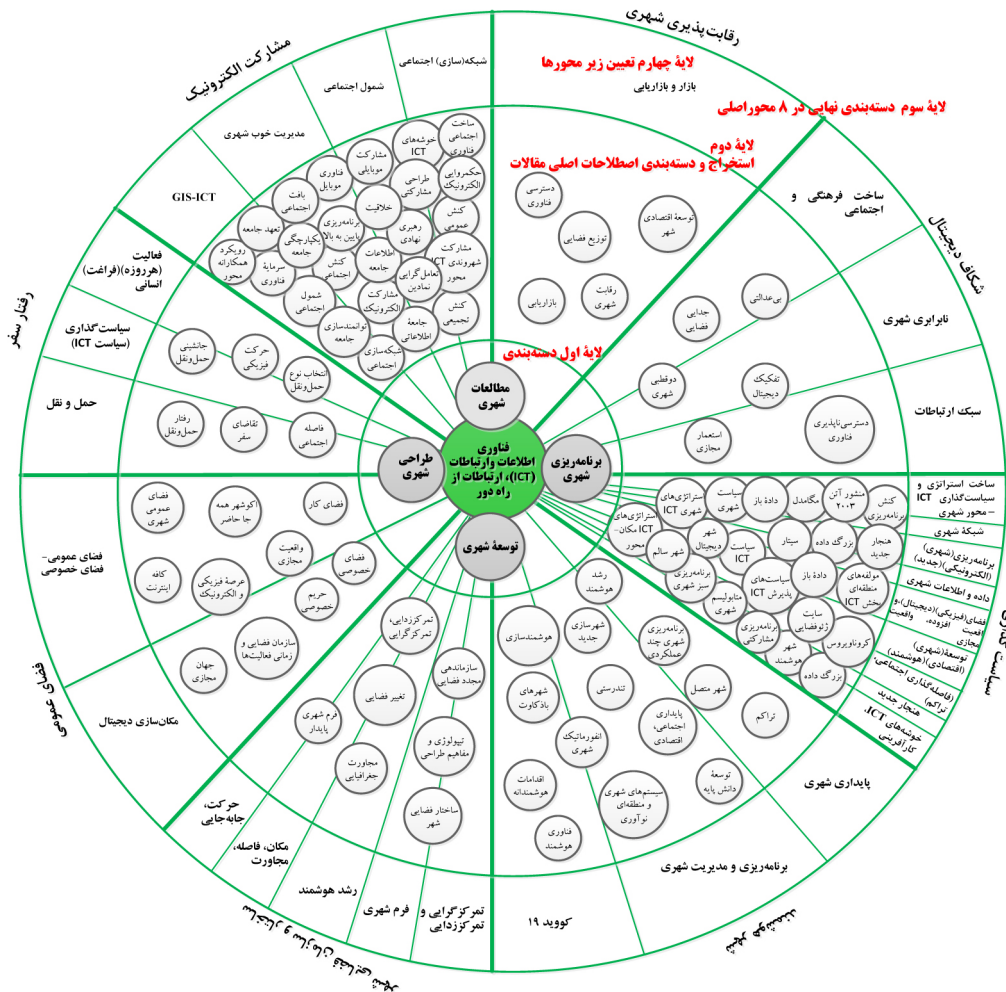
مأخذ: نویسندگان برگرفته از (Jesson & et.al, 2011: 12)، (Dadashpoor & Yousefi, 2018: 4-5).

عناصر می‌پردازند. بنابراین محقق نقش بسیار مهمی در تحقیقات کیفی ایفا می‌کند. اعتبار روش کیفی از منظر اندریس^۲ در سه دسته اعتبار سازه‌ای، اعتبار درونی و بیرونی، به ترتیب با بررسی داده‌ها و یافته‌ها، کسب اطلاعات دقیق، استفاده از رویه‌های ویژه کدگذاری و تحلیل و توصیف غنی داده‌ها تعیین می‌شود (Abbaszadeh, 2012: 24-27). در این مقاله با توجه به کیفیت مقالات از منظر دربرگیرندگی نویسندگان کلیدی و مقالات مرجع و اصلی حوزه مورد بحث و همچنین اعتبار و رتبه مجلات، میزان داده‌های جمع‌آوری شده از منابع متعدد در دو راستای مثبت و منفی تأکیدی بر اعتبار روش کیفی این مقاله است.

شایان ذکر است که در خصوص پایایی تحقیق کیفی بیشتر صاحب‌نظران به مباحثی چون قابل اعتماد بودن داده‌های جمع‌آوری شده، صحت آن‌ها و همچنین دقت به‌کارگیری روش اجرای تحقیق توجه دارند و بحث تعمیم نتایج به زمینه‌های دیگر در اولویت نیست (Abbaszadeh, 2012: 24-27) و با توجه به اهمیت حقیقت و اصالت به عنوان یک اصل در پارادایم کیفی، تکرارپذیری فاقد معنی در این روش است و روایی و پایایی در پژوهش کیفی، از طریق تعامل بین داده‌ها و تحلیل بین آنها در راستای ظهور ایده‌های جدید صورت می‌پذیرد (Rezapor Nasrabad, 2017: 494).

به منظور یافتن رابطه اولیه بین مفاهیم اصلی فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، مطالعات شهری، برنامه‌ریزی شهری، طراحی شهری و توسعه شهری، روابط ترکیبی در جست و جو ایجاد شد. بر این اساس جست و جو برای یافتن مقالات در بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ در پایگاه‌های داده، محدود گردید که در نتیجه اولیه در حدود ۱۵۰ مقاله با مطالعه چکیده مورد بازخوانی قرار گرفتند. مطابق با سؤال اصلی، مقالات مرتبط با لحاظ معیارهای شمول در ماتریس مشخصات مقالات در نرم‌افزار اکسل وارد شدند که در نهایت ۹۳ مقاله مورد تأیید قرار گرفتند. با مطالعه مجدد چکیده، واژگان کلیدی، نتایج و جمع‌بندی ۹۳ مقاله، محورهای مرتبط و متصل مطابق با تصویر شماره ۱ تعیین گردید و با بازخوانی مجدد، در نهایت هشت محور اصلی در مطالعات انجام شده، مشخص گردید. پس از آن با دسته‌بندی و مرتب‌سازی مقالات هر محور، مرور مقالات به منظور استخراج زیرمحورها انجام پذیرفت و در نهایت ۳۰ زیرمحور استخراج شد. (تصویر شماره ۱)

در خصوص روایی و پایایی توجه به این نکته ضروری است که روایی و پایایی تحقیقات کیفی با تحقیقات کمی متفاوت است. محققانی که تحقیقات کیفی را برعهده می‌گیرند، با مشاهده جامعی از موضوع و براساس جهان‌بینی‌های خودشان نسبت به تحلیل



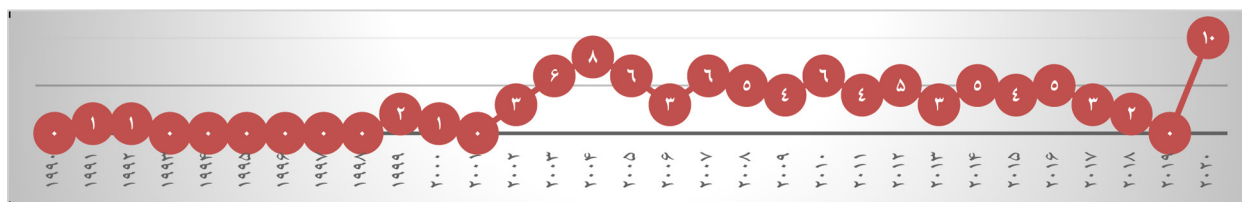
تصویر شماره ۱: دیگرام چگونگی دستیابی به محورها و زیرمحورها

۴. بحث و یافته‌ها

۴.۱. توزیع تاریخی مقالات

از بین ۹۳ مقاله انتخاب شده، در حدود ۹۰ درصد مقالات در مجلات معتبر علمی به چاپ رسیده‌اند و بقیه موارد مربوط به کتاب و یا مقالات کنفرانس‌ها و سمینارها هستند. با توجه به توسعه پهنای باند اینترنت در سال ۲۰۰۰ و نقطه آغاز تحولات گسترده در حوزه

ارتباطات و اطلاعات^۱، مطابق با نمودار شماره ۱، فراوانی مقالات طی دو دوره پیش و پس از سال ۲۰۰۰ به ترتیب پنج و ۸۸ مقاله است. بررسی فراوانی مقالات طی دو دوره زمانی ۱۵ ساله نیز گویای نشر ۲۸ مقاله قبل از سال ۲۰۰۵ و ۶۵ مقاله پس از آن است که نشان از روند روبه‌رشد توجه به این حوزه در مطالعات شهری دنیا در سال‌های اخیر است.



نمودار شماره ۱: فراوانی مقالات به تفکیک سال

1 <https://www.tomorrowworldtoday.com/2019/04/16/the-evolution-of-the-internet/>

۴.۲. ارجاع به مقالات

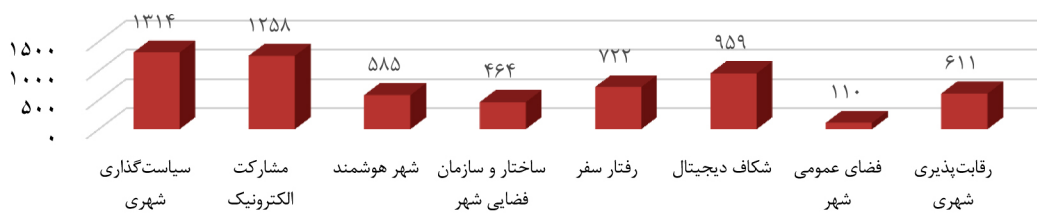
بررسی، رتبه اهمیت مقالات در بین محققان از منظر فراوانی و ارجاع به شرح جدول شماره ۲ قابل مقایسه است. میزان ارجاع به مقالات به ترتیب فراوانی دسته‌ها نیز منطبق با نمودار شماره ۲ مورد ارزیابی قرار گرفت.

مطابق با جدول شماره ۲، محورهای سیاست‌گذاری شهری، مشارکت الکترونیک به ترتیب بیشینه فراوانی مقالات و ارجاع‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. این در حالی است که با وجود بالابودن حجم مقالات شهر هوشمند، میزان ارجاع به آنها تعداد کمتری است و برعکس محور شکاف دیجیتال با وجود فراوانی کم، تعداد ارجاع‌های بالایی را به خود اختصاص داده است. در ادامه توصیف و مشخصات هر محور به همراه دسته‌بندی تفصیلی ارائه می‌شود.

بررسی میزان ارجاع به مقالات انتخاب شده در چهار دسته خیلی کم (کمتر از ۵۰ ارجاع)، کم (۵۰ تا ۱۰۰ ارجاع)، زیاد (۱۰۰ تا ۱۵۰ ارجاع) و خیلی زیاد (بالای ۱۵۰ ارجاع) تحلیل شده است. بر این اساس از بین ۹۳ مقاله، ۹ مقاله دارای تعداد ارجاع زیاد و خیلی زیاد هستند که از این بین نیز، فقط دو عنوان مقاله بالاترین میزان ارجاع (۵۳۲ و ۵۴۲) را به خود اختصاص داده‌اند که گویای توجه حداکثری پژوهش‌ها به این عناوین است. مضمون و محتوای این دو مقاله پیرامون شکاف دیجیتال از نظریه پرداز معروف حوزه فن‌آوری اطلاعات و ارتباط و شهر «استفان گراهام» (Graham, 2002) و موضوع رقابت‌پذیری شهری (Van Den Berg & Braun, 1999) است. مطابق با این

جدول شماره ۲: مقایسه رتبه فراوانی و رتبه ارجاع به تفکیک هشت محور مطالعاتی

رتبه	محور	سیاست‌گذاری شهری	مشارکت الکترونیک	شهر هوشمند	ساختار و سازمان فضایی شهر	رفتار سفر	شکاف دیجیتال	فضای عمومی	رقابت‌پذیری شهری
رتبه فراوانی	۱	۱	۲	۳	۴	۵	۵	۶	۷
رتبه ارجاع	۱	۲	۶	۷	۴	۵	۳	۸	۵



نمودار شماره ۲: کل ارجاع به مقالات در هر محور

به منظور انتقال ارتباط به یک سطح آگاهانه‌تر و شفاف‌تر استفاده می‌شوند (Larsen, 2003: 1-2). کاربرد فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، توانایی ایفای نقشی مهم در برنامه‌ریزی شهری را در جایگاه عامل حمایت‌کننده ابزار ساده‌سازی، اشتراک اطلاعات و دانش، از طریق درکنارهم قراردادن بازیگران متعدد چون مقامات محلی، شهروندان و مؤسسات اجتماعی اقتصادی نشان می‌دهد. همچنین این فن‌آوری‌ها، سبب تقویت و ارتقای توسعه شبکه‌ها و در نتیجه پیوستگی اجتماعی، قلمرویی و توسعه هوشمندانه شهر می‌شود (Virtudes Sá, 2017: 2-3).

۴.۳. سیاست‌گذاری شهری

مطابق با جدول شماره ۳ استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات قابل انطباق بر نظریه‌های برنامه‌ریزی در تمام سطوح است که در دو سطح دسترسی و پردازش داده و ارتباط، مستقل از زمان و مکان تأثیرگذار است و مفهوم جدید برنامه‌ریزی الکترونیک را ایجاد کرده است. در نظریه سینوپتیک و تدریجی برنامه‌ریزی، عقلانیت ابزاری ارزش اصلی است و ارتباط صرفاً به‌عنوان ابزار استفاده می‌شود. در برنامه‌ریزی تعاملی و حمایتی، ارزش اصلی عقلانیت ارتباطی است که ابعاد تحلیلی و محاسبه‌کننده تنها ابزاری هستند که

جدول شماره ۳: زیرمجموعه‌های نه گانه مربوط به سیاست‌گذاری شهری ←

زیرمحور	نویسندگان	روش	یافته‌ها
۱-۱ ساخت استراتژی و سیاست‌گذاری ICT - محور شهری	RJ Firmino(2005), A Van der Meer, W Van Winden(2003), N Odenaal(2011), W Van Winden, A Van Der Meer, L Van Den Berg (2004), G Cohen-Blankshtain, P Nijkamp(2004), SD Graham, GR Dominy(1991), SD Graham(1992), Jonathan Rutherford(2011), WJ Huang(2012)	بررسی و مقایسه فرم شهری و حمل‌ونقل به‌صورت خلاقانه، تفاوت در سیاست و موقعیت‌های محلی و تاریخی به دلیل وجود تضاد آشکار در مدیریت و توسعه اجرای ICT، مصاحبه با بازیگران اصلی، توصیفی - تحلیلی، تحلیل لگاریتم خطی	نیاز به استراتژی‌های یکپارچه برای فضاها شهری و الکترونیک، به منظور پیشبرد و توسعه ICT، استراتژی‌های برنامه‌ریزی شهری به‌عنوان عامل نشان‌دهنده ارتباط پیچیده بین ارتباطات از راه دور، تفاوت در سیاست و موقعیت‌های محلی و تاریخی به دلیل وجود تضاد آشکار در مدیریت و توسعه اجرای ICT، مصاحبه با بازیگران اصلی، توصیفی - تحلیلی، تحلیل لگاریتم خطی

← ادامه جدول شماره ۳: زیرمجموعه‌های نه گانه مربوط به سیاست‌گذاری شهری

زیرمجموعه	نویسندگان	روش	یافته‌ها
۲-۱ برنامه‌ریزی (شهری) (الکترونیکی) (جدید)	J Talvitie (2004), RJ Firmino, F Duarte, T Moreira(2008), K Houghton, E Miller, M Foth(2014), TK Larsen(2003), AL Virtudes, J Sa(2017), H Priemus, P Hall(2004), AJ Njoh(2012), M Foth, B Bajracharya, R Brown, G Hearn(2009), Y Choi, J Kim, K O Lee, Sugie Lee, I K Park, J Park & I Seo(2020), AL Virtudes, J Sa(2017), B Bajracharya, J Allison(2008)	پرسشنامه نخبگان، بررسی نمونه موردی، مصاحبه با بازیگران اصلی، توصیفی-تحلیلی	- عدم فعال بودن برنامه‌ریزی شهری در ارتباط با اقدامات عمومی حوزه‌های فیزیکی و الکترونیکی به دلایل مختلفی چون کمبود دانش و آگاهی، عدم علاقه، عدم وجود دغدغه در شهرداری، عدم شناخت مفصل اتصال بین توسعه شهری و شمول ICT در برنامه‌ریزی شهری، - در نظر گرفتن ICT در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای به‌عنوان نیروی محرک در توسعه جامعه اطلاعاتی، - ضرورت شناخت ICT توسط برنامه‌ریزان و آموزش روش‌های نو براساس تئوری‌های جدید فضایی و شهری، پرسشنامه نخبگان، پتانسیل بالای ICT برای توسعه آتی تئوری برنامه‌ریزی، ایجاد خلاقیت جامعه، ارتباط با کاربران فضاهای عمومی و تطبیق مکان‌ها به روش‌های سریع، - حل چالش افزایش تنش بین هسته‌های پارادایمی نظریه‌های برنامه‌ریزی و پیچیدگی در روند برنامه‌ریزی به دلیل توسعه برنامه‌ریزی الکترونیکی و حمایت عقلانیت ابزاری و ارتباطی فقط با افزایش استفاده از ICT، - شناخت بهتر مقامات برنامه‌ریزی شهری نسبت به وضعیت شهر در حوزه‌های مختلف با استفاده از این فن‌آوری و - امکان تعریف و نظارت بر سیاست‌های عمومی، متناسب با موقعیت، تقویت دموکراسی و شفافیت حاکمیت محلی و ارائه خدمات به اقشار ضعیف با امکان اطلاع و کاهش ناکارآمدی‌های مرتبط با روند برنامه‌ریزی شهری.
۳-۱ شبکه شهری	J Rutherford(2011), H Priemus, P Hall(2004)	پرسشنامه نخبگان، توصیفی-تحلیلی	- تأثیر ICT بر شکل شهر با توجه به اهمیت اتصال بازیگران شهری به سایر بازیگران، شرکت‌ها و ارتباطات، امکان پیوند سطوح مختلف مقیاس از محلی به جهانی، آگاهی از روابط شبکه، ارتباط بخش‌های سیاستی مختلف در توسعه محدود چند عملکردی، پیوند ابتکارات عمومی و خصوصی، تحریک مشارکت شهروندان و دادن حق حاکمیت.
۴-۱ داده و اطلاعات شهری	Y Long, L Liu(2016), MJ Collier, Z Nedovic-Budic, J Aerts, S Connop & ... (2013), AL Virtudes, J Sa(2017), N Chrysoulakis, R Vogt, D Young, SCB Grimmond, D Spano & S Marras (2009), RJ Firmino, F Duarte, T Moreira(2008), M Kang.	توصیفی-تحلیلی	- نقش مهم ICT در برنامه‌ریزی شهری به‌عنوان ابزاری ساده، در خصوص جمع‌آوری و اشتراک داده و اطلاعات شهری، - بهره‌گیری از ICT- ترکیبی از GIS و در فرآیند برنامه‌ریزی با امکان تجزیه و تحلیل، ارتباط و تجسم توسط طیف گسترده‌ای از ابزارها، روش‌های تحلیلی و مدل‌سازی تغییرات، تأثیرات و تصمیم‌گیری‌های گوناگون و - امکان اتخاذ رویکرد از پایین برای متابولیسم شهری با استفاده از ICT، با ارائه ابزارها و تکنیک‌ها برای درک تأثیرات زیست محیطی صنعت، تجارت، زیرساخت‌ها و رفتار خانوارها به‌عنوان یک کل واحد سیستم. - ایجاد روایت‌های همه‌جانبه و توانمند برای هدایت و تکامل روند برنامه‌ریزی شهری،
۵-۱ فضای (فیزیکی) (دیجیتال)، واقعیت افزوده، واقعیت مجازی	M Foth, B Bajracharya, R Brown, G Hearn (2009), Ashraf M. Salama(2020), Tom Jefferies, Jianquan Cheng & Laura Coucill(2020)	توصیفی-تحلیلی، آزمون نرم‌افزار شبیه‌سازی، بررسی و مقایسه نمونه موردی	- نیاز طراحی شهری پایدار و زیست‌پذیر با تعامل بین شیوه‌های دیجیتال تأمین خدمات و فضای فیزیکی، - افزایش دانش مردم و پایداری مردم با فن‌آوری جدیدی مانند Second Life، در پروسه برنامه‌ریزی و طراحی، - برنامه‌های واقعیت مجازی مانند Second Life تنها به‌عنوان مکمل و نه جایگزینی برای همکاری‌های چهره‌به‌چهره بین برنامه‌ریزان و جوامع و - وجود خلأ در ارتباط با چگونگی استفاده برنامه‌ریزان از وب ۲.۰، رسانه‌های جدید و فن‌آوری‌های سه بعدی واقعیت افزوده و مجازی برای تجزیه و تحلیل، برقراری ارتباط و همکاری در مورد چالش‌های شهری قرن بیست و یکم.
۶-۱ توسعه (شهری) (اقتصادی) (هوشمند)	RJ Firmino(2005), MR Levy, I Banerjee(2008), M Kang, Y Choi, J Kim, K O Lee, S Lee, I K Park, J Park & I Seo(2020), B Bajracharya, J Allison(2008)	توصیفی-تحلیلی، بررسی و مقایسه نمونه موردی	- تأثیرات مثبت توسعه ICT بر توسعه سرمایه‌گذاری‌های کوچک در راستای برقراری ارتباط با عوامل متعدد، - اهمیت ساخت سیستم‌ها، فن‌آوری، زیرساخت و ساختارهای شهری در راستای تقویت تاب‌آوری به جای اجرای سیاست پراکنده بدون جهت در مواجهه با پاندمی کووید ۱۹ و - نیاز به بازگرداندن معاملات جهانی و ارتباطات اقتصادی، حصول اطمینان از رعایت اصول مدیریت حریم خصوصی، مانند شفافیت و رضایت داوطلبانه به دلیل کنترل کووید ۱۹ مبتنی بر فن‌آوری داده، ردیابی و حریم خصوصی انسان.
۷-۱ کووید ۱۹ (فاصله‌گذاری اجتماعی، تراکم)	A M. Salama(2020), M Kang, Y Choi, J Kim, K O Lee, S Lee, I K Park, J Park & I Seo(2020)	بررسی نمونه موردی	- نیاز به سینرژی بین آموزش، تحقیق و کنش معماری، شهری و سلامت عمومی در جهان مجازی و جهان پساپاندمی و - اهمیت بسیار بیشتر مؤلفه‌های نهادی و اجتماعی در مقایسه با ویژگی‌های شهری چون تراکم جمعیتی برای مواجهه با حمله بیماری‌ها مانند کووید ۱۹ مطابق با یافته‌های مطالعات.
۸-۱ هنجار جدید	A M Salama(2020)	بررسی نمونه	- نیاز به ارائه چارچوب مفهومی بین‌رشته‌ای به‌منظور تحلیل کاربردهای شهری و فضایی-اجتماعی سنجش‌های کووید ۱۹.
۹-۱ خوشه‌های ICT، کارآفرینی	F Lasch, F Robert, F L Roy(2013), &W Van Winden, A Van Der Meer van Der Berg(2004)	مدل رگرسیون بررسی نمونه	- تأثیر تفاوت در زمینه‌های محلی و ملی در ایجاد تنوع روش‌های توسعه خوشه‌های ICT و - اثرات مثبت تمرکز بر ایجاد سرریز دانش و سرمایه کارآفرینی و انسانی در محل همکاری شرکت‌های ICT.

۴.۴. مشارکت الکترونیک

مطابق با جدول شماره ۴ فن آوری اطلاعات و ارتباطات سبب تسهیل مشارکت جامعه و کنش جمعی با ایجاد شبکه‌های با تراکم بزرگ است. بر خلاف پیش‌بینی‌های ضدآرمان‌گرایی، استفاده از اینترنت به‌طور ذاتی به کاهش اندازه چرخه‌های اجتماعی یا کاهش سرمایه اجتماعی مرتبط نمی‌شود و سبب پیوستگی اجتماعی می‌شود (Hampton, 2003: 426-427). این فن آوری‌ها بستر برخط را برای کنش جمعی ممکن می‌سازد که ظرفیتی جهت شمول تعداد زیادی از گروه‌های ذی‌نفع است و در نهایت میان‌کنش، دموکراسی و شفافیت فرآیند برنامه‌ریزی را ارتقا می‌دهد (Stratigea & et.al).

47-48: 2015). یکی از روش‌های کنترل و کاهش پیامدهای ناشی از کروناویروس، مشارکت شهروندان بیان شده است. مون در مقاله خود که به ارتباط بین این موضوع پرداخته، مشارکت و تمایل داوطلبانه شهروندان در رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی را، یکی از روش‌های مدیریتی مؤثر معرفی می‌کند (Moon, 2020: 653). کرونا به ما موقعیت‌های عجیب شده با اخلاق و سیاست‌های محافظت را در برنامه‌ریزی نشان می‌دهد. همچنین به ما گوشزد می‌کند که رفاه هیچ فردی نمی‌تواند مستقل از فرد دیگری باشد. بنابراین این ویروس ما را نسبت به وجود وابستگی متقابل و همبستگی انسانی در آگاهی از سرنوشت جمعی هوشیار می‌سازد (Jon, 2020: 333-33).

جدول شماره ۴: زیرمجموعه‌های چهارگانه مشارکت الکترونیک

زیرمجموعه	نویسندگان	روش	یافته‌ها
۱-۲ شبکه (سازی) اجتماعی	KN Hampton (2003), J Fernback (2005), M Bilandzic, J Venable (2011), Y Shin, DH Shin (2012)	نظرسنجی و مشاهدات مردم نگاری و مصاحبه	- تسهیل مشارکت و کنش جمعی و افزایش تعامل و یکپارچگی با ایجاد شبکه‌های بزرگ و متراکمی از گروه‌های اجتماعی ضعیف با استفاده از ICT به عنوان ابزار نظم‌دهنده و - تأکید ICT بر ضرورت ساخت مشارکت مؤثر بین برنامه‌ریزان شهری، سازندگان، دولت، آموزش و جوامع محلی شهری با برقراری پیوند بین جامعه با حضور فیزیکی مراکز رسانه‌ای و با ایجاد شبکه‌های مجازی مشارکت.
۲-۲ شمول اجتماعی	S Smith, P Bellaby, S Lindsay (2010), F De Filippi, S Pantanetti (2014), M Foth, B Adkins (2005), M Hanzl (2007)	بررسی و مقایسه نمونه‌های موردی	- ICT به عنوان میانجی‌گر اجتماعی در راستای توسعه فعالیت همکارانه و جمعی در واحدهای همسایگی محروم، با ایجاد فرصت مشارکت قدرتمند مردم محلی، کاهش هزینه‌ها همراه با افزایش ایمنی و امنیت، - افزایش پاسخگویی دولت در راستای مسئولیت‌پذیری و گزارش شفاف فعالیت‌ها بواسطه توسعه ICT، - شمول اجتماعی، پایداری شهری و اقتصادهای محلی به دلیل ظرفیت بالا در کاربرد ICT در ساخت سرمایه اجتماعی و کمک به شکل‌گیری و توسعه جامعه سالم‌تر، - ایجاد مشارکت با استفاده از رسانه‌های جدید به منظور (۱) ساخت سکوی ارتباطی برای سرکوب سد غیرحرفه‌ای بودن (۲) امکان برقراری ارتباط برای افراد دورتر و (۳) مدیریت فرآیند برنامه‌ریزی مشارکتی و - دو نتیجه متضاد شمول و محرومیت شهروندان، حاصل از توسعه ICT.
۳-۲ مدیریت خوب شهری	J Turner, L Holmes, FC Hodgson (2000), SI Chiodi (2016), Z Khan, D Ludlow, W Loibl, K Soomro (2014)	توصیفی-تحلیلی، مرور ادبیات نظری و مصاحبه با افراد کلیدی، ابزار شبیه‌سازی	- ظرفیت ICT در بازتعریف روابط بین مشتری و کارشناس، مدیر و کاربر در توسعه و مدیریت شهری، - ICT به عنوان ابزاری ارزشمند برای افزایش برنامه‌ریزی مشارکتی، - ایجاد شهرهای امن‌تر با اعمال رویکرد مشارکت الکترونیک در برنامه‌ریزی شهری، - نیاز به ارائه راه‌حل‌های نوآورانه ICT برای رفع چالش مدیریت شهری با جلب مشارکت ICT - محور برای رسیدن به حکمروایی خوب شهر و مدیریت فعال محیط شهری و - توسعه سیاست همکارانه با استفاده از نرم‌افزارهای مختلف در مقیاس‌های متفاوت با وابستگی شدید به دسترسی داده و ایجاد هارمونی و یکپارچگی بین آنها.
۴-۲ GIS-ICT	S Gullino (2009) R Kingston, DBabicki, J Ravetz (2005), T Yigitcanlar, S Baum, RJ Stimson (2003)	نمونه موردی، توصیفی-تحلیلی	- انطباق سیستم GIS بر ICT، به عنوان ابزار تقویت ارتباط بین بازآفرینی و دسترسی دموکراتیک‌تر به اطلاعات و - ایجاد تعامل و تعهد گسترده‌تر به شرط نمایش ارتباطات مجازی در فضای واقعی.

۴.۵. شکاف دیجیتال

بر اساس یافته‌های جدول شماره ۵ شکاف دیجیتال در ارتباط درونی با نابرابری‌های دیجیتال و شهری است. روندهای غالب در مورد پسوند فعلی فن آوری اطلاعات و ارتباطات از بی‌طرفی اجتماعی، جغرافیایی یا فرهنگی به دور است. در ارتباط بسیار تنگاتنگ با

فرآیندهای گسترده‌تر جهانی شدن، شهرنشینی و تمرکز قدرت شرکتی، تمایل به گسترش قدرت قدرتمندان در فضا، زمان و مردم وجود دارد. در عین حال، نسبی بودن تجربه قدرت اجتماعی، رشد و گسترش انفجاری جهان‌های برخط و فضاهای مجازی می‌تواند قدرت اقتصادی و فرهنگی اجتماعی گروه‌ها و فضاهای حاشیه‌ای

اطلاعات و ارتباطات هستند، در اعمال سیاست‌های چندگانه مشهود است. هر جایی که امکان و ظرفیت بهره‌گیری کامل از این نوع فن‌آوری‌ها در اختیار شهروندان قرار گرفته است، کنترل سیاست‌های مقابله با همه‌گیری با موفقیت بیشتری همراه شده است. در حقیقت دسترسی به خدمات از راه دور نقش مهمی را در این ارتباط همراه با آگاهی و دانش کافی در خصوص خطرات ناشی از این ویروس به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران شهری گوشزد می‌کند.

را به خطر بیندازد و از بین ببرد (36-33: Graham, 2002). در شهرها و جوامع شبکه‌محور، موضوع فقر ارتباطات به اندازه فقر سنتی حائز اهمیت است. فقر ارتباطات توانایی گروهی از افراد را در اثرگذاری آنها بر روی زمان و فضا محدود می‌کند و روابط آنها را به روابط محلی و مبتنی بر مکان محدود می‌کند (1001-1002: Gilbert, 2010). در وضعیت کنونی ناشی از پاندمی کروناویروس، تمایز بین کشورها، استان‌ها و یا شهرهایی که قادر به ارائه خدمات در حوزه فن‌آوری

جدول شماره ۵: زیرمجموعه‌های سه گانه شکاف دیجیتال

زیرمجموعه	نویسندگان	روش	یافته‌ها
۱-۳ سبک ارتباطات	S Graham (2002)	توصیفی-تحلیلی، بررسی نمونه موردی	- از بین رفتن قدرت فرهنگی و اقتصادی گروه‌های آفلاین و در حاشیه‌مانده با افزایش فضاهای مجازی، - اهمیت توجه به "فقر ارتباطات" به اندازه فقر سنتی ناشی از کمبود مسکن، غذا، آب، کار و خدمات، - "فقر ارتباطات" عامل محدودکننده توانایی فرد یا گروه برای گسترش فعالیت خود در زمان و مکان و - ضرورت شناخت رابطه پیچیده بین ICT و مکان‌ها.
۲-۳ نابرابری شهری	M Crang, T Crosbie, S Graham (2006), M Gilbert (2010)	توصیفی-تحلیلی	- تفکیک‌های دیجیتالی وابسته به سبک‌ها، زمان و شدت استفاده از ICT تا جغرافیای دسترسی یا عدم دسترسی، - روش‌های استفاده نابرابر از ICT، شکل‌دهنده محدودیت‌های زمانی، مکانی و لجستیکی نابرابری‌های شهری، - نیاز تحقیقات در حوزه شکاف دیجیتال به تئوری وسیع‌تر ناعدالتی در خصوص تحلیل فضا، مکان و قدرت به منظور شناخت بهتر مکانیزم‌های علی، - ضرورت مورد آزمون قرار گرفتن چگونگی توسعه ظرفیت تکنولوژیکی افراد مشارکت‌کننده در صورت‌های فلکی مختلف روابط قدرت در چندین محور و در زمینه سرمایه مشخص اجتماعی و فنی مکان-محور، - امکان ارزیابی میزان توانمندی افراد در ارتباط با چارچوب‌های کاربرد ICT برای آن‌ها و - تشدید شکاف دیجیتال با توسعه سیاست‌های رفع آن بدون پرداختن به نابرابری‌های گسترده بین گروه‌ها و مکان‌ها.
۳-۳ ساخت فرهنگی و اجتماعی	R Pinkett (2003), L van den Berg, W van Winden (2002)	تحلیل کمی	- ضرورت ایجاد چشم‌اندازهای جدید در خصوص ساخت چارچوب نظری ساخت‌گرایی فرهنگ اجتماعی و رویکردی مبتنی بر دارایی حوزه فن‌آوری جامعه و ساخت آن، - نیاز به تغییر، توسعه و پیشرفت نظریه‌ها، عملکردها، بودجه، سیاست‌ها و تحقیقات و - ضرورت در نظر گرفتن مؤلفه‌های ابزاری استقرار خدمات ICT در کنار مؤلفه‌های آموزشی و اجتماعی.

۴.۶. ساختار و سازمان فضایی شهر

همانطور که در جدول شماره ۶ ارائه شده، بحث‌های زیادی را محققین در حوزه تأثیر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات بر ساختار و سازمان فضایی شهر مطرح کردند. علی‌رغم پیش‌فرض اولیه در استفاده از این فن‌آوری مبنی بر کاهش تمرکز و افزایش پراکنش شهری، دو رویکرد دیگر (رویکرد تمرکزگرا و توأمان) نیز در این حوزه مطرح شده است. نظریه تمرکززدایی بر تأثیر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات بر مرگ فاصله تأکید دارد که می‌توان در مقالات فاینشتاین و فاینشتاین^۱ و آنکینسون^۲ که با تکیه بر گمانه‌زنی‌های ویبر (۱۹۶۴) در مورد «قلمروی شهری بی‌مکان» نوشته شده، نظریه عدم تمرکز

و پیشنهاد پیرامون «مرگ فاصله» را به واسطه توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در سال‌های پایانی قرن ۲۰ دنبال کرد. گوردون و ریچاردسون^۳ نیز ادعا می‌کنند، پیشرفت در فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، پراکندگی شهرها را تحریک می‌کنند. در مقابل گروه دیگری که از دهه ۱۹۹۰ ظاهر شدند، بر این باورند که نقش شهرهای مرکزی فعال باقی می‌مانند و حتی نوآوری‌های فن‌آوری سبب تقویت آنها نیز می‌شود (Maeng & Nedović-Budić, 2008:6). کاستلز مطرح می‌کند که به طور خاص اینترنت، نقش شهرهای بزرگ را در ارتباط با مکان‌گزینی صنایع و خدمات به دلیل ایجاد محیط نوآورانه شهرهای بزرگ و ماهیت تمرکزگرایی کلانشهر، غنا می‌بخشد (Talvitie, 2002).

3 Gordon and Richardson

4 Gaspar and Glaeser

1 Fainstein and Fainstein

2 Fainstein and Fainstein

راستا عمل می‌کنند؛ برای تمرکز و پراکنش فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی (Maeng & Nedović-Budić, 2008:6). همچنین پلون و اسلی^۳ نیز فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات را با عنوان «هسته نوآوری» تعریف می‌کنند و رویکردهای متفاوتی چون پراکنش، جانشینی، تکامل و ترکیب مجدد را در رابطه بین فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و ساختار شهر مشخص کرده‌اند (Dadashpoor & Yousefi, 2018:8).

۶). گسپر و گلارز^۴ نیز بیان داشتند که همزمان با پیشرفت‌ها در فن‌آوری‌های اطلاعات، تقاضا برای تمام انواع میان‌کنش‌های انسانی افزایش یافت و سرانجام نقش شهرها به‌منزله مراکز فعالیت‌ها و تعامل‌های مختلف تقویت می‌شود. همچنین مطابق با ادبیات نظری حاضر، ترکیب پیچیده تمرکزگرایی و تمرکززدایی بسیار محتمل است. گاتمن و هارپر^۱ و هالی^۲ نیز بیان داشتند که فن‌آوری‌ها در دو

جدول شماره ۶: زیرمحورهای پنج‌گانه ساختار و سازمان فضایی شهر

زیرمحور	نویسندگان	روش	یافته‌ها
۱-۴ تمرکزگرایی و تمرکززدایی	DM Maeng, Z Nedovic-Budic (2010), Raspe, FV Oort (2004), H Dadashpoor, Z Yousefi (2018)	تحلیل رگرسیون، تحلیلی-توصیفی	- ظهور فعالیت مبتنی بر ICT به احتمال زیاد در مناطقی با دسترسی بهتر و تراکم بیشتر، جذب بیشتر شرکت‌های IT در محیط‌های شهری به دلیل دسترسی با محدودیت کمتر زیرساخت ICT، - ICT به‌عنوان نیروی تمرکزگرا و با توزیع فن‌آوری در منطقه کلانشهری و به‌عنوان نیروی گریز از مرکز، - برطرف شدن موانع مکانی و زمانی با پیشرفت ICT، - عدم حذف شبکه‌های مبتنی بر مکان به‌طور کامل و وجود نشانه‌هایی از بازگشت به ارزش‌های مکانی، - اثر کم ICT بر برنامه‌ریزی فضایی عملکردهای کاری و سکونت و - اتفاق نظر بر تأثیر ICT بر ساختار فضایی شهری ولی بحث برانگیز بودن راه این تأثیرات و پیامدها.
۲-۴ فرم شهری	DM Maeng, Z Nedovic-Budic (2008), SE Bibri, J Krogstie (2017)	مرور ادبیات نظری	- وجود رابطه متقابل در اثرگذاری بین فرم شهری و زیرساخت ICT، - ظهور استراتژی‌ها و سیاست‌های شهری بر پایه میان‌کنش‌های بین ICT و فرم شهری در تمام سطوح، - رویکرد حداکثری بازاریابی شهرها در بازار جهانی در مقابل رویکرد برنامه‌ریزی‌های سنتی، - برنامه‌ریزی شهری به‌عنوان یک عامل فعال در راستای چگونگی اعمال ICT در فضای شهری، - تولید اشکال مختلف شهر پایدار هوشمند در مقیاس‌های مختلف از منظر تئوری و عملی و - فراهم کردن موج جدید محاسبات با امکان ارزیابی و بهبود مؤثر اشکال پایدار شهری.
۳-۴ رشد هوشمند	I Audirac (2005)	توصیفی-تحلیلی	- در نظر گرفتن اثرات اجتماعی ICT به‌صورت تکاملی به جای انقلابی، با تحت تأثیر قراردادن فرآیندهای اصلی و - ملاحظه آمایش حمل‌ونقل ICT-محور، برون‌سپاری منطقه‌ای و بین‌المللی و تراکم‌های شدید ICT.
۴-۴ مکان، فاصله، مجاورت	N Rangaswamy, LSI Bombay (2007), J Vicente, R Suire (2007)	توصیفی-تحلیلی	- اثرات منفی فن‌آوری به‌عنوان بخش اصلی تجارت هرروزه با مکان‌سازی تجاری خدمات ICT، - ضرورت برقراری ارتباط ماهیت مجاورت‌های پشتیبان سرزیر انتشار دانش، با نظریه مکان‌یابی متوالی و تجمعی، - خوشه‌ها نتیجه همگرایی انتخاب‌های مکانی ناشی از رفتارهای تقلیدی و تعاملات برابر و تجمعی، - نقش عمده اثرات اطلاعات در شکل‌گیری خوشه‌های ICT با شرط پایداری اثرات شبکه و - اهمیت مکان در شبکه‌سازی خوشه‌ها.
۵-۴ حرکت، جابه‌جایی	A Kellerman (2009)	توصیفی-تحلیلی	- بی‌تفاوتی ICT نسبت به ساختارهای شهری و سازمان‌های فضایی از هر نوعی، - عدم آمادگی در تخریب شهرها در هنگام پذیرش کامل ICT و عدم بروز نیازمندی‌های فضایی مربوط به آن و - امکان ایجاد حرکت ساکنان و بازدیدکنندگان شهری در فضای شهری به روش‌های هوشمندانه‌تر و کارآمدتر.

3 Pollone and Occelli

1 Gottman and Harper

2 Hawley

۴,۷. رقابت پذیری شهری

ارتباطات از راه دور خود برای تأمین پایه فناورانه به منظور حمایت از اقتصاد، ارتباطات شبکه اجتماعی و فرهنگی پیچیده و چند لایه انجام می‌دهند (Keivani & et.al, 2003: 20). همزمان با تأثیرات فن آوری‌های اطلاعات و ارتباطات بر اقتصاد، شیوع ویروس کرونا، این تأثیر را چندین برابر نموده است. قطعاً کروناویروس، سبب پیشرفت استراتژی‌های تقویت‌کننده چرخه‌های اقتصاد بین منطقه‌ای در مواجهه با بحران‌های سلامت خواهد شد (Kunzmann: 2020, 23).

توسعه، کاربرد، دسترسی به فن آوری اطلاعات و ارتباطات، پیامدهای عمیقی بر رقابت‌پذیری اقتصادی شهری در سطح اقتصاد جهانی دارد. مطابق با جدول شماره ۷ رقابت‌پذیری شهری می‌تواند به کارآیی، کارآمدی ساختار حکمروایی شهری در تأمین محیط تجاری حمایتی، توسعه سیاست استراتژیک و ارائه خدمات مرتبط شود. شهرهای جهانی، تلاش‌های بسیاری را در به‌روزرسانی زیرساخت‌های

جدول شماره ۷: زیرمجموعه رقابت‌پذیری شهری

زیرمجموعه	نویسندگان	روش	یافته‌ها
۱-۵ بازار و بازاریابی	L Van den Berg, E Braun (1999), R Keivani, A Parsa, B Younis (2003)	توصیفی-تحلیلی	- افزایش تعامل بین شهرهای بزرگ و کوچک و توسعه مناطق شهری چندمرکزی با دامنه گسترده تر فضایی، - بازتعریف رابطه شهرها به صورت رقابتی و مکمل نسبت به هم، - رشد بازاریابی به عنوان سلاحی در برابر رقابت شهرها در راستای سرمایه‌گذاری شهرها در حوزه منابع انسانی و دانش برای مدیریت شهرها و - ارتقای اقتصاد دانش و موفقیت تجاری با ساخت و ایجاد زیرساخت ملی ICT، مبتنی بر عملکردهای خدمات صادراتی به ویژه تجارت الکترونیکی، خدمات فن آوری اطلاعات و اینترنت، خدمات مالی، توسعه رسانه‌ها.

۴,۸. شهر هوشمند

فعالیت‌های زندگی بخش و نشاط‌آور شهری وجود شکاف بین عمل و نظر را پررنگ‌تر کرده است. از این رو این امر اهمیت بازاندیشی بر روی فن آوری موجود را در خصوص چگونگی اثرگذاری بر روی فضاها و مکان‌های شهری خاطر نشان می‌کند (Abusaada & Elshater, 2020: 418, 421). کانزمن^۱ در مقاله‌ای با عنوان «شهرهای هوشمند بعد از کووید ۱۹-۲۰» (روایت) پیش‌بینی می‌کند که سیاست‌های توسعه شهر هوشمند پس از کرونا افزایش خواهد یافت (Kunzmann, 2020: 20). شهرهای هوشمند در مواجهه و مبارزه با پاندمی کروناویروس از طریق استفاده از فن آوری‌های هوشمند، سنسورها و داده‌ها، کمک‌کننده دولت‌ها و حاکمان شهری هستند (Avetisyan: 2020, 1).

فن آوری اطلاعات و ارتباطات، محرک پایه‌ای برای هوشمندی در شهرهاست. با این حال در عمل به دلیل وابستگی به فلسفه جبرگرایی فن آوری و کارآفرینی شهری، شهرهای هوشمند، از نیاز به انتخاب و برقراری تعادل بین اهداف برای توسعه یکپارچه شهر و فن آوری اطلاعات و ارتباطات غافل می‌شوند (Wolfram, 171-179). مطابق با جدول شماره ۸ طی سال‌های گذشته هدف‌گذاری نظریه‌های شهری در راستای دستیابی به اهداف رفاه و پایداری با بهره‌گیری از فن آوری پیشرفته و هوشمندسازی صورت پذیرفته است؛ این در حالی است که پاندمی کووید ۱۹، با غیرفعال کردن مراکز و

جدول شماره ۸: زیرمجموعه‌های سه گانه شهر هوشمند ←

زیرمجموعه	نویسندگان	روش	یافته‌ها
۱-۶ برنامه‌ریزی و مدیریت شهری	T Yigitcanlar (2015), RP Dameri (2017), OY Ercoskun (2011), E Ferro, B Caroleo, M Leo, M Osella, E Pautasso (2013)	مرور ادبیات نظری، توصیفی-تحلیلی	- شناخت شهرهای هوشمند با برنامه‌ریزی ارتباطی و چشم‌انداز چندبعدی برای جامعه پایدار و زیست‌پذیر، - مدیریت شهرهای هوشمند از طریق فعال‌سازی مدل‌های ارزش‌محور، داده‌پایه و مشارکتی با عنوان «حاکمیت گسترده» و انتشار رسانه‌های اجتماعی و شبیه‌سازی مبتنی بر رایانه در سیاست‌گذاری و - نقش ICT در حکمروایی شهرهای هوشمند در دهه‌های آینده با ارائه چارچوب مفهومی پیشنهادی در اداره شهرهای هوشمند در سه بخش اصلی (۱) راه‌اندازی فرآیندهای جدید تولید، توزیع و حکمروایی (۲) تغییر در آرایش‌های سازمانی و نهادی و (۳) اطلاعات مربوط به انتخاب‌ها و رفتارهای فردی.

← ادامه جدول شماره ۸: زیرمحوهای سه گانه شهر هوشمند

زیرمحو	نویسندگان	روش	یافته‌ها
۲-۶ پایداری شهری	F Bifulco, M Tregua, CC Amirano, A. D'Auria (2016), A Stratigea, CA Papadopoulou, M Panagiotopoulou (2015), A Staffans, L Horelli (2014), M Wolfram (2012)	تحلیل مضمون، توصیفی-تحلیلی، نظرسنجی	<p>- روایت «شهر هوشمند» پرداختن به استقرار گسترده برنامه‌های پیشرفته پایدار شهری ICT- محور،</p> <p>- نقش اساسی پایداری و ICT به عنوان «عناصر فراگیر» در فعال سازی فرآیند هوشمندسازی،</p> <p>- ایجاد مناطق و فعالیت‌های شهری شبکه‌ای کارآمدتر و با تصمیم‌گیری آگاهانه در حوزه‌های اصلی (انرژی، جابه‌جایی، ساختمان و حکمیت) با افزایش جذابیت و رقابت مکان و ملاحظه منافع بازیگران مختلف،</p> <p>- ضرورت شروع راه‌حل‌های شهر هوشمند با شهر، نه با هوشمندی و نیاز به تغییر از یک فن‌آوری به یک برنامه، متناسب با فن‌آوری‌ها، ابزارها و برنامه‌های هوشمند و توجه به اهمیت حیاتی درک محیط و بافت خاص شهری،</p> <p>- نیاز حیاتی به سازماندهی فضاهای واقعی و دیجیتالی با هم علی‌رغم تهدید ICT بر پایداری اجتماعی و فرهنگی،</p> <p>- استقبال شهر هوشمند از فرصت‌های ICT پایدار همراه با برآورده کردن ارزش‌های محلی در محیطی اکو- فنی،</p> <p>- نتیجه استفاده از ICT در کاهش مصرف منابع، استفاده کمتر از حمل‌ونقل و کاهش آلودگی،</p> <p>- تقویت همه‌شمولی در جوامع اطلاعاتی و بهره‌برداری از پتانسیل آن در سکونتگاه‌های مدل اکو- فنی،</p> <p>- کمک ICT به برابری، ارتقای مشارکت، کارایی و شفافیت بیشتر در عملکرد دولت در تمام مقیاس‌ها با رویکرد صرفه‌جویی در وقت و هزینه در تصمیم‌گیری و</p> <p>- بهبود عملکرد محیطی شهرها با استفاده از ICT، توسعه محله‌های مختلط، قابل پیاده‌روی و پایدار.</p>
۳-۶ کووید ۱۹	H Abusaada & A Elshater(2020), K. R. Kunzmann(2020), S Avetisyan(2020)	توصیفی-تحلیلی	<p>- وجود سه اثر مشخص بحران پاندمی بر اقتصاد، برنامه‌ریزی و طراحی شهری،</p> <p>- اهمیت اقتصاد شهری در دوران بحران، طرح سؤال پیرامون اصول طراحی و سازماندهی شهرها، اصلاح گسترده در مدل‌های شهر هوشمند در راستای ایجاد اسکلت دیجیتال برای شهرها،</p> <p>- ارتقای محیط‌های شهری پایدار در بلندمدت با استفاده روبه‌رشد ICT برای بهبود مشارکت شهروندان،</p> <p>- هدف‌گذاری برای بهبود خدمات و اپلیکیشن‌های جدید برای کاربران با گونه‌های متنوع،</p> <p>- توسعه ظرفیت‌ها برای کاربرد تحلیل‌های داده بزرگ به عنوان یکی از راه‌حل‌های هوشمندانه،</p> <p>- مشخص شدن ناکارآمدی فن‌آوری‌های فعلی در اپیدمی کروناویروس،</p> <p>- کمک اپلیکیشن‌های مختلف در شناسایی افراد آلوده و همچنین در جلوگیری از خطرات ناشی از ویروس‌ها،</p> <p>- ناکارآمدی شهرهای کشورهای در حال توسعه در استفاده از ICTs در مقابله با خسارت‌های پاندمی،</p> <p>- شکست شهرها به دلیل محدود شدن این شهرها از نظر کارایی صرفاً به فن‌آوری دیجیتال هوشمند،</p> <p>- شهر هوشمند با اندازه‌گیری قابلیت‌های شهروندان در کاربرد فن‌آوری هوشمند مبتنی بر تجزیه و تحلیل داده‌های بزرگ از طریق اتصال بی‌سیم مناسب و قوی به صورت فراگیر، ایمن و بدون هزینه اضافی و در دسترس همه و</p> <p>- استقبال روبه‌افزایش ذی‌نفعان نوآور در سیاست‌های توسعه شهر هوشمند به دلیل پاندمی کووید ۱۹.</p>

برای اشتراک مدل‌های حمل‌ونقل و کار از فاصله دور و ... اهمیت قابل توجهی برای سیستم‌های حمل‌ونقل دارد (Gossling, 2018:l). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افزایش استفاده از این فن‌آوری به

۴٫۹ رفتار سفر
فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، به عنوان تأمین‌کننده دسترسی به جابه‌جایی اطلاعات و ابزارهای برنامه‌ریزی، فراهم‌کننده فرصت

خنثی و اصلاحی) را شکل می‌دهد. در این ارتباط رابطه‌ی جانیشینی سبب کاهش سفر، رابطه‌ی مکملی سبب تغییر ویژگی‌های زمانی و فضایی الگوهای موجود سفر و رابطه‌ی اصلاحی سبب بهبود رفتار سفر می‌شود و رابطه‌ی خنثی بدون اثر است (Mokhtarian, 2006: 1-3).

تغییرات در مکان، زمان و مدت زمان فعالیت‌های مردم منجر می‌شود و استفاده‌ی گسترده از آن با الگوهای جدید فعالیت و سفر، مرتبط می‌شود (Kwan & et.al, 2007: 121). فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات از طریق تأثیرگذاری بر روی فعالیت‌ها، سبب تغییر رفتار سفر و تأثیر بر تقاضای سفر افراد می‌شود و چهار نوع رابطه‌ی (جانیشینی، مکمل،

جدول شماره ۹: زیرمجموعه‌های سه گانه رفتار سفر

زیرمجموعه	نویسندگان	روش	یافته‌ها
۱-۶ سیاست‌گذاری (سیاست ICT)	G Cohen, I Salomon, P Nijkamp (2002)	توصیفی - تحلیلی	- گونه‌بندی دو شکاف جریان دانش تصمیم‌گیرندگان شهر در حوزه ICT و حمل‌ونقل (۱) عدم اطمینان از تأثیرات واقعی ICT در مسائل شهری، و (۲) دانش ارتباطی ناشی از تعضبات و بیان‌های بازیگران مختلف.
۲-۶ حمل‌ونقل	S Gossling (2018)		- تأثیر ICT بر رفتار حمل‌ونقل با نتایج پیچیده و اغلب متناقض برای پایداری سیستم حمل‌ونقل و - ضرورت درک پیامدهای ICT در رفتار حمل‌ونقل به دلیل وجود نتایج پایداری مثبت ناشی از نوآوری‌های اخیر ICT و همچنین افزایش تقاضای ناشی از بسیاری از تغییرات اساسی ایجاد شده توسط این نوآوری‌ها.
۳-۶ فعالیت (هروزه) (فراغت انسانی)	M Dijst (2004), KJ Krizec, A Johnson (2007), MP Kwan, MJ Dijst, T Schwanen (2007), T Schwanen, M Dijst, MP Kwan (2006), PL Mokhtarian, I Salomon, SL Handy (2006)		- همگرایی فضا-زمان، ارزیابی مجدد زمان سفر، فعالیت‌ها و اقدامات و در نتیجه فرصت‌ها همراه با دانش بیشتر، - نتایج استفاده از ICT در وابستگی زیاد به ویژگی‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و مکانی افراد با گسترش انواع فضاهای کنشی و توسعه همپوشانی بین آن فضاها و پراکنش مکان فعالیت‌ها به طور گسترده‌تر، - نتایج تحقیقات گویای تأثیر مثبت جست‌وجوی آنلاین بر تعداد سفرهای خرید حضوری و آنلاین، - خرید الکترونیکی به منظور صرفه‌جویی در وقت و همچنین فرصتی برای گذران اوقات فراغت، - نقش عوامل مکان در تعامل بین خرید الکترونیکی و حضوری، - تمایل بیشتر ساکنان شهری در خرید آنلاین نسبت به ساکنان حومه‌شهر به دلیل اتصال سریع‌تر به اینترنت، - وجود فرصت خرید در فاصله ۱۰ دقیقه‌ای برای افراد با دوچرخه، مساوی است با دفعات کمتر خرید آنلاین، - شکل‌گیری فضای مجازی در فضای فیزیکی، با نقش مکملی و نه جانیشینی برای ارتباط و فعالیت چهره‌به‌چهره، - فضای مجازی به عنوان ضمیمه فضای اجتماعی، تحکیم و تقویت شیوه‌های اجتماعی و هنجارهای فرهنگی، - تأثیر ICT بر فعالیت‌های اوقات فراغت و سفر به چهار روش (۱) جایگزینی فعالیت‌های سنتی، (۲) ایجاد فعالیت‌های جدید (با امکان جابه‌جایی سایر فعالیت‌ها)، (۳) تخصیص مجدد زمان به سایر فعالیت‌ها توسط ICT و (۴) به عنوان تسهیل‌کننده فعالیت‌های اوقات فراغت و - پیشنهاد ۱۳ بُعد از فعالیت‌های اوقات فراغت مربوط به موضوع تأثیرات ICT، (عدم) وابستگی به مکان، تحرک در مقابل ایستایی، (عدم) وابستگی زمانی، فعالیت فردی در مقابل فعالیت اجتماعی، مشارکت فعال در برابر انفعال، جسمی در مقابل روحی، (عدم) وابستگی تجهیزات / رسانه، ترتیبات، انگیزه و هزینه غیررسمی در مقابل رسمی.

۴،۱۰. فضای عمومی شهری
رابطه فضای عمومی شهری با تحولات فن‌آوری و توسعه فن‌آوری‌های ارتباطات و اطلاعات با شیوع ویروس کرونا، مورد توجه قرار گرفته است. در حقیقت تحولات به وجود آمده ناشی از شیوع این ویروس در سطح جهان و محدود شدن حضور در فضاهای عمومی شهر و بسته شدن برخی از فضاها و استفاده بیشتر از فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات در مقایسه با گذشته، محققان را به رصد تغییرات در شیوه استفاده از فضاهای عمومی واداشته است (Jasinski, 2020: 5). آنچه در این ارتباط حائز اهمیت است، یافتن رابطه و نسبت ما

با فضاهای عمومی است. در حال حاضر به واقع ابهامات بسیاری در این خصوص وجود دارد؛ این که آیا آثار بسته شدن فضاهای عمومی در دوران پسا کرونا نیز باقی خواهد ماند؟ آیا میزان و نوع حضور مردم، نوع ادراک ما در فضای عمومی تغییر خواهد کرد؟ آیا باید به توپولوژی جدیدی از فضای عمومی توجه نمود؟ آیا مفهوم فاصله در فضای شهری تغییر خواهد کرد (Honey-Roses & et.al, 2020: 2)؟ آرتور جاسینسکی در مقاله خود بیان داشته است که چهار نوع فاصله صمیمی، فاصله شخصی، فاصله اجتماعی و فاصله عمومی ادوارد هال دچار تحوّل و تغییر شده است. ویروس کرونا، اندازه هر کدام

بازدید از گالری‌ها، بانک‌ها، محیط‌های اداری، فعالیت‌های آموزشی و... نیز از طریق فن‌آوری‌های دیجیتال انجام می‌شوند. با وجود این تغییرات اما همچنان بین محققان مختلف در خصوص ثبات تغییرات و پذیرش فضای مجازی و دیجیتال به صورت عرصه عمومی اختلاف نظر وجود دارد (Ulkerlyildiz, 2020: 203).

از این فاصله‌ها را تغییر داده که بر روی رفتار اجتماعی در فضای عمومی تأثیرگذار است و به این علت، مصرف فضای شهری نیز تغییر یافته است (Jasinski, 2020: 5). اگرچه در بسیاری از کشورها پیش از شیوع ویروس کرونا، برخی از فعالیت‌ها به صورت‌های دیجیتال خود تغییر یافت، با این حال در سال‌های اخیر به‌ویژه پس از شیوع ویروس کرونا، فعالیت‌هایی چون بازدید از موزه‌ها، اجرای موسیقی،

جدول شماره ۱۰: زیرمخوره‌های دوگانه فضای عمومی شهری

زیرمخور	نویسندگان	روش	یافته‌ها
فضای عمومی - فضای خصوصی	A Jasinski (2020), E Ulkerlyildiz (2020)		<p>- تغییر الگوی رفتاری در فضای عمومی و قوانین برنامه‌ریزی فضایی با همه‌گیری کووید ۱۹،</p> <p>- تغییر فاصله مبلمان شهری و تبدیل برخی از خیابان‌ها بسته به مسیرهای عابر پیاده،</p> <p>- افزایش اختلاف بین فقیر و غنی و تغییر رابطه ما با فضاهای خصوصی / شخصی و عمومی،</p> <p>- افزایش ارزش فضای خصوصی همزمان با در اختیار گرفتن اینترنت و رسانه‌های اجتماعی و</p> <p>- ماندن در خانه در شرایط پاندمی مخصوص افراد مستعد و نه خانوارهای کم درآمد که توانایی اجرای دستورات انزوای اجتماعی را ندارند و مجبور به انجام تعهدات شغلی خود و حضور عمومی هستند.</p>
مکان‌سازی دیجیتال	K Houghton (2010), AA Abdel-Aziz, H Abdel-Salam, Z El-Sayad (2016)	توصیفی - تحلیلی	<p>- نقش فضاهای عمومی و توسعه سرمایه اجتماعی در توسعه محله با امکان ارتقای ظرفیت‌ها و توسعه ICT در رابطه با فرم و چارچوب‌های شهری به منظور توسعه محیط‌های پایدار، سرزنده، آشنا و همه شمول،</p> <p>- توسعه ICT در برنامه‌ریزی شهری، به عنوان ابزار خلق فضاهای شهری پاسخگو نسبت به تغییر رفتار و انتظارات،</p> <p>- پتانسیل بالا برای تشویق تعامل اجتماعی، در فضاهای عمومی مجازی و زندگی واقعی توسط رسانه‌های اجتماعی،</p> <p>- ارتقای فضای عمومی با استفاده از ICT با ایجاد نقاط دسترسی به اطلاعات و حمایت از آموزش،</p> <p>- نقش بسزای واقعیت افزوده به عنوان جعبه ابزار تکمیلی، در جذب کاربران و شخصی‌سازی تجربه شهری و</p> <p>- ضرورت ارتباط طراحی فضاهای عمومی در جهت تأمین منابع مرتبط با عملکرد ابزار دیجیتال.</p>

نوآوری و خلاقیت شهری، پایداری و هوشمندی شهری و... را شامل شده است.

توسعه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، ناگزیر ابعاد متنوع و متفاوتی از زندگی شهری افراد را دچار تحوّل و دگرگونی خواهد کرد. با این حال حرکت در مسیر این تحوّل و ظهور و بروز عینی آن در توسعه فضایی شهر، قطعاً به واسطه شناخت، توجه و کاربرد فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات توسط تمام مدیران و برنامه‌ریزان شهری امکان‌پذیر است و این امر محقق نمی‌شود مگر این که فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در تمام استراتژی‌ها، سیاست‌گذاری‌های شهری، برنامه‌ریزی‌ها و برنامه‌های شهری با تکیه بر تغییر از رویکرد شهر مجازی به شهر همه جا حاضر ورود یابد. سیاست‌گذاری شهری با محوریت فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، فرصت ساخت استراتژی‌های هدایت‌کننده برنامه‌ریزی الکترونیک شهری را از طریق رشد، توسعه و گردهم‌آوری ابزار، دانش، ذی‌نفعان و ذی‌نفعان شهری در پیوندی مفید و کارساز به منظور افزایش کیفیت مطلوب شهری در بستر ایجاد فرصت‌های

۵. نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد ضرورت و اهمیت توجه به فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه شهرسازی مطرح شود. با وجود رشد و توسعه روزافزون فن‌آوری‌های مربوط به ارتباطات از راه دور و اثرگذاری آن بر زندگی روزمره شهروندان، ایجاد و برقراری هم‌پیوندی با حوزه‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهری به‌کندی صورت پذیرفته است. ظهور فن‌آوری‌ها و نوآوری‌های جدید، حوزه جدیدی از پرسش‌گری در خصوص چستی و چگونگی اثرگذاری و ماهیت تحوّل‌های آتی بر روی شهرها را مطرح می‌کند. اثرگذاری فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات از منظر دسترسی، جابه‌جایی و پردازش افراد، داده و اطلاعات، مورد توجه است. با این حال توجه به این نکته ضروری است که رابطه پیچیده‌ای بین شهر و فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات وجود دارد. این رابطه از یک سو چالش دوقطبی شدن، دسترسی‌ناپذیری و ناعدالتی شهری را مطرح کرده و از سوی دیگر مطلوبیت‌هایی چون افزایش مشارکت و شبکه‌سازی اجتماعی،

انواع گروه‌های اجتماعی و همچنین توجه به مقیاس‌های متفاوت، می‌تواند زمینه ظهور مشارکت گسترده دیجیتال اجتماعی را برای انواع بازیگران (شهروندان، شرکت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای محلی و دولت‌ها) فراهم سازد. در واقع نیاز به سیاست‌های پایین به بالا با بهره‌گیری از روش‌هایی چون توانمندسازی جوامع در مقیاس‌های مختلف، تسهیل یادگیری اجتماعی و تقدّم مقیاس واحد همسایگی است تا ویژگی‌هایی چون افزایش جذابیت شهری برای شهروندان و شرکت‌ها، صرفه‌جویی در هزینه‌ها، کارآمدی خدمات دولت، ارتقای دسترسی‌پذیری، کاهش عدم شمول اجتماعی، برای شهرها حاصل گردد.

علی‌رغم وجود فرضیه‌های اولیه مبنی بر کاهش اهمیت مکان به واسطه کاهش اهمیت فاصله و ظهور اصطلاحاتی چون مرگ فاصله و مرگ شهرها، مکان همچنان مهم است. این موضوع به اهمیت تمرکز فعالیت‌ها و خدمات وابسته به فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در شهرها و ارتباطات چهره‌به‌چهره اشاره دارد و تأکیدی بر اهمیت فضا و مکان شهری است که با چهره‌ای متفاوت در قرن حاضر می‌تواند در هم‌پیوندی با این فن‌آوری‌ها ظهور یابد. شهرها و به‌طور خاص فضاهای عمومی شهری در زمان پاندمی ویروس کرونا با محدودیت‌هایی روبه‌رو شدند. نکته قابل تأمل و توجه در ارتباط بین تراکم و شیوع ویروس کرونا، عدم وجود رابطه مستقیم بین تراکم جمعیتی و موارد مبتلا و مرگ‌ومیر ویروس کروناست. اعمال محدودیت‌ها در بین کشورهای مختلف با توجه به سیاست‌های کلان، شرایط و موقعیت اقتصادی و فرهنگی هر جامعه‌ای، به صورت‌های متنوعی با نمود عینی آن در حضورپذیری در فضاهای شهری بروز یافته است. در حقیقت توسعه روزافزون فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و مستمر بودن سیاست‌های بسته‌بودن و حفظ فاصله‌گذاری اجتماعی در زمان پاندمی، خود به منزله عاملی در توسعه پیش از پیش امکانات و فن‌آوری‌های دیجیتال در شهر است. بنابراین در کشورهایی که سیاست‌های محدودکننده به‌صورت جدی در حال انجام است، قطعاً مرز بین فضاهای عمومی و خصوصی تغییر یافته و فضاهای نیمه‌خصوصی جدیدی در سطح شهر شکل گرفته و همچنین نحوه استفاده از فضاهای عمومی شهر نیز تحت تأثیر قرار گرفته است. با معکوس شدن رابطه فضای عمومی و خصوصی، فضای عمومی خالی از سکنه شده در حالی که فضای خصوصی به‌صورت فضایی لوکس، فقط برای ثروتمندان در دسترس قرار می‌گیرد. بنابراین یکی از نتایج محتمل عینی در ساخت و ایجاد فضاهای عمومی شهری، به‌ویژه در کلانشهرهای کشورهای در حال توسعه‌ای چون تهران، خصوصی‌سازی هر چه بیشتر فضای شهری و ظهور مگا پروژه‌های شهری با سطح و ابعادی گسترده در سطح شهر است که امکان رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی را فراهم سازد.

کروناویروس فرصت ایجاد تغییر و تحوّل در رویکرد و مواجهه با ساخت و طراحی فضاهای شهری را با امکان آزادسازی فضای خیابان‌ها برای پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری فراهم می‌سازد و فضاهای شهری را به واسطه توسعه فن‌آوری‌های جدید در مسیر تغییر و دگرگونی قرار می‌دهد. در واقع پارادایم فضای شهری در ۲۰۲۰، نوید ظهور

رقابت‌پذیری شهری فراهم می‌سازد. در حقیقت ضروری است خلأ و شکاف بین فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و برنامه‌ریزی شهری که ناشی از شناخت کم اثرات اقتصادی و فضایی این فن‌آوری‌ها بر محیط شهری و شکاف در جریان دانش بین تصمیم‌سازان شهری است، با ایجاد چارچوب عملی در مدیریت و اجرای آنها از بین برود. برنامه‌ریزی شهری در این مسیر باید به‌منزله یک عامل فعال در شکل‌دادن به چگونگی کاربرد فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در فضای شهری در راستای ارتقا و بهبود منابع شناختی، مادی و اجتماعی شهروندان ظاهر شود.

بخشی از این تحوّل‌ها در تمایل روبه‌رشد توسعه شهر هوشمند با جهت‌گیری جدید نظری و عملی اقتصاد شهری متبلور شده است که با توجه به پاندمی کروناویروس پیش‌بینی می‌شود طی سال‌های آتی با اقبال گسترده‌تری روبه‌رو شود. در این رویکرد، ساختار و سیستم‌های مدرن شهری از روابط شبکه‌ای شده در شهرها و ارتباطات آنها با تأکید بر اهمیت فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات حاصل می‌شود. این چارچوب بر مبنای ارائه راه‌حل‌های شهر هوشمند با تکیه بر شهر به جای هوشمندی است که از رویکرد برنامه‌ریزی فن‌آوری - محور به رویکرد برنامه‌ریزی کاربردی شهر هوشمند، با امکان انطباق گونه‌های متفاوت هوشمندی با عملکردها و زمینه‌های متفاوت شهری دگرگون شده است.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های مورد بحث در بین مطالعات انجام شده، موضوع دسترسی به زیرساخت‌های دیجیتال در بین طبقات اجتماعی مختلف است. البته توجه به این نکته ضروری است که موضوع شکاف دیجیتال باید بیش از الگوی دسترسی و فراتر از حضور یا غیبت بخش مادی فن‌آوری، سبک‌ها و سرعت‌های مختلف درک شود و به‌عنوان تعریف‌کننده نابرابری‌های اجتماعی فضایی ملاحظه شود. این امر ضرورت یافتن راه‌حل‌های متنوع را برای جوامع مختلف بر اساس ویژگی خود آن جوامع مورد توجه قرار می‌دهد و نیاز فوری به انگاشت‌های جدید از شکاف‌های دیجیتال شهری را خاطرنشان می‌سازد تا به جای پرداختن به نمایش توزیع فیزیکی دسترسی به فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، روش‌هایی که در آن حالت‌های مختلف کاربرد این فن‌آوری‌ها برای شکل‌گیری مجدد زمان، فضا و منطق‌های زندگی هر روزه شهری بین گروه‌ها و مناطق کمتر ثروتمند و ثروتمندان ساخته می‌شود، مورد توجه قرار گیرد.

نابرابری شهری کمتر به جغرافیای دسترسی و عدم دسترسی مربوط می‌شود و بیشتر تضاد در حالت‌ها، سبک‌ها و تمایلات کاربرد فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، مورد نظر است. بنابراین در این خصوص اتخاذ استراتژی یکپارچه فضاهای شهری و فضاهای الکترونیکی و یکپارچگی سیاست‌های فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات - مبنا توسط دولت‌های شهری و جوامع محلی و پرهیز از جبرگرایی فن‌آوری، استراتژی‌ها و چشم‌اندازهای جدا، منزوی یا محدود پیشنهاد می‌شود. به‌منظور کاهش شکاف دیجیتال در سطح اجرایی، افزایش میزان دسترسی‌پذیری همه شهروندان با ارائه آموزش‌های مربوط به نحوه و چگونگی استفاده از این نوع فن‌آوری‌ها و همچنین استقرار ترمینال‌های اینترنتی در مکان‌های عمومی یا ارائه اینترنت رایگان پیشنهاد می‌شود. این رویکرد همراه با ملاحظه



تصویر شماره ۳: پیشنهادات در خصوص توسعه ICT در برنامه‌ریزی شهری

References:

- Abbaszadeh, Mohammad (2012). A reflection on validity and reliability in qualitative research. *Journal of Applied Sociology*, 23(45), 19-34. (in persian)
- Abdel-Aziz, A. A., Abdel-Salam, H., & El-Sayad, Z. (2016). The role of ICTs in creating the new social public place of the digital era. *Alexandria Engineering Journal*, 55(1), 487-493.
- Abusaada, H., & Elshater, A. (2020). COVID-19 Challenge, Information Technologies, and Smart Cities: Considerations for Well-Being. *International Journal of Community Well-Being*, 3(3), 417-424.
- Audirac, I. (2005). Information technology and urban form: Challenges to smart growth. *International Regional Science Review*, 28(2), 119-145.
- Avetisyan, S. (2020). Coronavirus and Urbanisation: Do Pandemics Are Anti-Urban?. Available at SSRN 3584395.

فضاهای باز مجازی را می‌دهد. مطالعات و تحقیقات آتی به‌طور ویژه بر شناخت تغییر در جهت فضای دیجیتال و ظهور ترکیبی از فضای واقعی و فضای مجازی در کشورهای توسعه یافته، متمرکز خواهد شد. همچنین شناخت ابعاد اجتماعی فضاهای شهری با توجه به شرایط تحمیل شده توسط کرونا، به‌منظور دریافت نوع و چگونگی تغییر شکل فضای عمومی شهر و تعاملات اجتماعی ضروری است. در نهایت، مطالعه و مرور مقالات ارزشمند تولیدشده در حوزه فصل مشترک بین شهر و فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، موضوعات گسترده و متنوعی را مطرح کرده است که نیازمند آشنایی، تسلط و تخصص نظری و همچنین کاربردی آن‌ها به‌صورت عملی برای سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، طراحان و مدیران شهری است.

- Ayon, H. S. (2017). The Relationship With Space In The Digital Era: A Reinvention of The Identity and The Environment. *Jurnal InterAct*, 6(1), 1-13.
- Bajracharya, B., & Allison, J. (2008). Emerging role of ICT in the development of knowledge-based master planned communities. In *Knowledge-Based Urban Development: Planning and Applications in the Information Era* (pp. 279-295). IGI Global.
- Bell, D. (1976). The coming of the post-industrial society. In *The Educational Forum* (Vol. 40, No. 4, pp. 574-579). Taylor & Francis Group.
- Bell, D. (2000). The coming of post-industrial society. *The Urban Lawyer*, 6, 738.
- Bibri, S. E., & Krogstie, J. (2017). ICT of the new wave of computing for sustainable urban forms: Their big data and context-aware augmented typologies and design concepts. *Sustainable cities and society*, 32, 449-474.
- Bifulco, F., Tregua, M., Amitrano, C. C., & D'Auria, A. (2016). ICT and sustainability in smart cities management. *International Journal of Public Sector Management*.
- Bilandzic, M., & Venable, J. (2011). Towards participatory action design research: adapting action research and design science research methods for urban informatics. *Journal of Community Informatics*, 7(3).
- Boland, A., Cherry, G., & Dickson, R. (Eds.). (2017). *Doing a systematic review: A student's guide*.
- Chrysoulakis, N., Vogt, R., Young, D., Grimmond, S. C. B., Spano, D., & Marras, S. (2009). ICT for Urban Metabolism: The case of BRIDGE. In *EnviroInfo* (2) (pp. 175-185).
- Chiodi, S. I. (2016). Crime prevention through urban design and planning in the smart city era. *Journal of Place Management and Development*.
- Cohen-Blankshtain, G., & Nijkamp, P. (2004). The appreciative system of urban ICT policies: an analysis of perceptions of urban policy makers. *Growth and Change*, 35(2), 166-197.
- Cohen, G., Salomon, I., & Nijkamp, P. (2002). Information-communications technologies (ICT) and transport: does knowledge underpin policy?. *Telecommunications Policy*, 26(1-2), 31-52.
- Collier, M. J., Nedović-Budić, Z., Aerts, J., Connop, S., Foley, D., Foley, K., ... & Verburg, P. (2013). Transitioning to resilience and sustainability in urban communities. *Cities*, 32, S21-S28.
- Crang, M., Crosbie, T., & Graham, S. (2006). Variable geometries of connection: Urban digital divides and the uses of information technology. *Urban Studies*, 43(13), 2551-2570.
- Dadashpoor, H., & Yousefi, Z. (2018). Centralization or decentralization? A review on the effects of information and communication technology on urban spatial structure. *Cities*, 78, 194-205.
- Dameri, R. P. (2017). Using ICT in smart city. In *Smart City Implementation* (pp. 45-65). Springer, Cham.
- Daneshpour, Z. A. (2020). Out of the coronavirus crisis, a new kind of urban planning must be born. Accessed on, 30.
- Dijst, M. (2004). ICTs and accessibility: an action space perspective on the impact of new information and communication technologies. In *Transport developments and innovations in an evolving world* (pp. 27-46). Springer, Berlin, Heidelberg.
- Drewe, P. (2005, February). What about time in urban planning & design in the ICT age. In *Proceedings of the CORP conference*.
- Ercoskun, O. Y. (2011). Green urban planning and design for smarter communities. In *Green Technologies: Concepts, Methodologies, Tools and Applications* (pp. 884-901). IGI Global.
- Fernback, J. (2005). Information technology, networks and community voices: Social inclusion for urban regeneration. *Information, Community & Society*, 8(4), 482-502.
- Ferro, E., Caroleo, B., Leo, M., Osella, M., & Pautasso, E. (2013, May). The role of ICT in smart cities governance. In *Proceedings of 13th international conference for E-democracy and open government*. Donau-Universität Krems (pp. 133-145).
- Firmino, R. J. (2005). Planning the unplannable: how local authorities integrate urban and ICT policy making. *Journal of Urban Technology*, 12(2), 49-69.
- Firmino, R. J., Duarte, F., & Moreira, T. (2008). Pervasive technologies and urban planning in the augmented city. *Journal of Urban Technology*, 15(2), 77-93.
- De Filippi, F., & Pantanetti, S. (2014). The ICT for an inclusive urban development. *J. Univ. Int. Develop. Cooperation*, (1), 846-852.
- Foth, M., & Adkins, B. (2005). A research design to build effective partnerships between city planners, developers, government and urban neighbourhood communities. In *2nd Annual Conference of the Community Informatics Research Network* (pp. 341-354). CIRN.

- Foth, M., Bajracharya, B., Brown, R., & Hearn, G. (2009). The Second Life of urban planning? Using NeoGeography tools for community engagement. *Journal of location based services*, 3(2), 97-117.
- Gessner, V., & Nelken, D. (Eds.). (2007). *European ways of law: Towards a European sociology of law*. Bloomsbury Publishing.
- Gilbert, M. (2010). Theorizing digital and urban inequalities: Critical geographies of 'race', gender and technological capital. *Information, communication & society*, 13(7), 1000-1018.
- Gössling, S. (2018). ICT and transport behavior: A conceptual review. *International journal of sustainable transportation*, 12(3), 153-164.
- Graham, S.D.N., Dominy, G.R. (1991). Planning for the information city: The U.K. case. *Progress in Planning*, 35(3), 169-247.
- Graham, S. D. (1992). The role of cities in telecommunications development. *Telecommunications Policy*, 16(3), 187-193.
- Graham, S., & Marvin, S. (1999). Planning cybercities? Integrating telecommunications into urban planning. *The Town Planning Review*, 89-114.
- Graham, S. (2002). Bridging urban digital divides? Urban polarisation and information and communications technologies (ICTs). *Urban studies*, 39(1), 33-56.
- Gullino, S. (2009). Urban regeneration and democratization of information access: CitiStat experience in Baltimore. *Journal of environmental management*, 90(6), 2012-2019.
- Hanzl, M. (2007). Information technology as a tool for public participation in urban planning: a review of experiments and potentials. *Design studies*, 28(3), 289-307.
- Hamidi, S., Sabouri, S., & Ewing, R. (2020). Does density aggravate the COVID-19 pandemic? Early findings and lessons for planners. *Journal of the American Planning Association*, 86(4), 495-509.
- Hampton, K. N. (2003). Grieving for a lost network: collective action in a wired suburb special issue: ICTs and community networking. *The Information Society*, 19(5), 417-428.
- Huang, W. J. (2012). ICT-oriented urban planning strategies: A case study of Taipei City, Taiwan. *Journal of Urban Technology*, 19(3), 41-61.
- Hollands, R. G. (2008). Will the real smart city please stand up? Intelligent, progressive or entrepreneurial?. *City*, 12(3), 303-320.
- Honey-Rosés, J., Anguelovski, I., Chireh, V. K., Daher, C., Konijnendijk van den Bosch, C., Litt, J. S., ... & Nieuwenhuijsen, M. J. (2020). The impact of COVID-19 on public space: an early review of the emerging questions—design, perceptions and inequities. *Cities & Health*, 1-17.
- Houghton, K. (2010). Augmenting public urban spaces: The impact of the digital future on the design of public urban spaces. In *Utopia 2010 PIA Queensland State Planning Conference* (pp. 19-23).
- Houghton, K., Miller, E., & Foth, M. (2014). Integrating ICT into the planning process: impacts, opportunities and challenges. *Australian Planner*, 51(1), 24-33.
- Jasiński, A. (2020). Public space or safe space—remarks during the COVID-19 pandemic. *Technical Transactions*, 117(1).
- Jefferies, T., Cheng, J., & Coucill, L. (2021). Lockdown urbanism: COVID-19 lifestyles and liveable futures opportunities in Wuhan and Manchester. *Cities & health*, 5(sup1), S155-S158.
- Jesson, J., Matheson, L., & Lacey, F. M. (2011). Doing your literature review: Traditional and systematic techniques.
- Jon, I. (2020). A manifesto for planning after the coronavirus: Towards planning of care. *Planning Theory*, 19(3), 329-345.
- Kang, M., Choi, Y., Kim, J., Lee, K. O., Lee, S., Park, I. K., Park, J., & Seo, I. (2020). COVID-19 impact on city and region: what's next after lockdown?. *International Journal of Urban Sciences*, 24(3), 297-315.
- Kasvio, A. (2001). The Emergence of 'Information Society' as a Major Social Scientific Research Programme. 2001) *Informational Societies. Understanding the Third Industrial Revolution*, 19-47.
- Keivani, R., Parsa, A., & Younis, B. (2003). Development of the ICT sector and urban competitiveness: the case of Dubai. *Journal of Urban Technology*, 10(2), 19-46.
- Kellerman, A. (2009). The end of spatial reorganization? Urban landscapes of personal mobilities in the information age. *Journal of Urban Technology*, 16(1), 47-61.
- Khan, Z., Ludlow, D., Loibl, W., & Soomro, K. (2014). ICT enabled participatory urban planning and policy development. *Transforming Government: People, Process and Policy*.

- Kingston, R., Babicki, D., & Ravetz, J. (2005, June). Urban regeneration in the intelligent city. In Proceedings of the 9th International Conference on Computers in Urban Planning and Urban Management (pp. 1-17).
- Krizec, K. J., & Johnson, A. (2007). Mapping the terrain of information and communications technology (ICT) and household travel. In Essays on Transport Economics (pp. 363-381). Physica-Verlag HD.
- Kunzmann, K. R. (2020). Smart Cities After Covid-19: Ten Narratives. *disP-The Planning Review*, 56(2), 20-31.
- Kwan, M. P., Dijst, M. J., & Schwanen, T. (2007). The interaction between ICT and human activity-travel behavior. *Transportation research. Part A, policy and practice*, 41(2), 121-124.
- Lasch, F., Robert, F., & Le Roy, F. (2013). Regional determinants of ICT new firm formation. *Small Business Economics*, 40(3), 671-686.
- Larsen, T. K. (2003). ICT in urban planning. Aalborg University, June, 1.
- Levy, M. R., & Banerjee, I. (2008). Urban entrepreneurs, ICTs, and emerging theories: A new direction for development communication. *Asian Journal of Communication*, 18(4), 304-317.
- Lwen A :seiroeht gnigreme dna ,sTCI ,srueerpertne naisA .noitacinummoc tnempoleved rof noitcerid .713-403 ,(4)81 ,noitacinummoC fo lanruoJ
- Long, Y., & Liu, L. (2016). Transformations of urban studies and planning in the big/open data era: A review. *International Journal of Image and Data Fusion*, 7(4), 295-308.
- Maeng, D. M., & Nedović-Budić, Z. (2008). Urban form and planning in the information age: Lessons from literature. *Spatium*, (17-18), 1-12.
- Maeng, D. M., & Nedovic-Budic, Z. (2010). Relationship between ICT and urban form in knowledge-based development: empirical analysis of Washington, DC metro region. *International Journal of Knowledge-Based Development*, 1(1-2), 97-117.
- Masuda, Y. (1981). The information society as post-industrial society. *World Future Society*.
- Moon, M. J. (2020). Fighting COVID-19 with agility, transparency, and participation: Wicked policy problems and new governance challenges. *Public administration review*, 80(4), 651-656.
- Mokhtarian, P. L., Salomon, I., & Handy, S. L. (2006). The impacts of ICT on leisure activities and travel: a conceptual exploration. *Transportation*, 33(3), 263-289.
- Moss, M. L., & Townsend, A. M. (2000). How telecommunications systems are transforming urban spaces. *Cities in the Telecommunications Age: the fracturing of geographies*, Routledge, London.
- Neubauer, R. (2011). Neoliberalism in the information age, or vice versa? *Global citizenship, technology, and hegemonic ideology*. *tripleC: Communication, Capitalism & Critique. Open Access Journal for a Global Sustainable Information Society*, 9(2), 195-230.
- Neirotti, P., De Marco, A., Cagliano, A. C., Mangano, G., & Scorrano, F. (2014). Current trends in Smart City initiatives: Some stylised facts. *Cities*, 38, 25-36.
- Njoh, A. J. (2012). Implications of spatial and physical structures for ICT as a tool of urban management and development in Cameroon. *Habitat International*, 36(3), 343-351.
- Odendaal, N. (2011). Splintering urbanism or split agendas? Examining the spatial distribution of technology access in relation to ICT policy in Durban, South Africa. *Urban Studies*, 48(11), 2375-2397.
- Pinkett, R. (2003). Community Technology and Community Building: Early Results from the Creating Community Connections Project Special Issue: ICTs and Community Networking. *The Information Society*, 19(5), 365-379.
- Priemus, H., & Hall, P. (2004). Multifunctional urban planning of mega-city-regions. *Built Environment*, 30(4), 338-349.
- Rangaswamy, N., & Bombay, L. S. I. (2007). ICT for development and commerce: A case study of internet cafés in India [Research in progress paper]. In Proceedings of the 9th International Conference on Social Implications of Computers in Developing Countries.
- Raspe, O., & Oort, F. V. (2004). ICT loves agglomeration the urban impacts of ICT in the Netherlands.
- Rezapour Nasrabad, Rifat (2017). Validity and reliability criteria in qualitative research. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 6(4), 499-493.(in persian)
- Rutherford, J. (2011). Rethinking the relational socio-technical materialities of cities and ICTs. *Journal of Urban Technology*, 18(1), 21-33.
- Salama, A. M. (2020). Coronavirus questions that will not go away: interrogating urban and socio-spatial

- implications of COVID-19 measures. *Emerald Open Research*, 2.
- Schwanen, T., Dijst, M., & Kwan, M. P. (2006). Introduction—The internet, changing mobilities, and urban dynamics. *Urban Geography*, 27(7), 585-589.
 - Shin, Y., & Shin, D. H. (2012). Community informatics and the new urbanism: Incorporating information and communication technologies into planning integrated urban communities. *Journal of Urban Technology*, 19(1), 23-42.
 - Smith, S., Bellaby, P., & Lindsay, S. (2010). Social inclusion at different scales in the urban environment: Locating the community to empower. *Urban studies*, 47(7), 1439-1457.
 - Staffans, A., & Horelli, L. (2014). Expanded urban planning as a vehicle for understanding and shaping smart, liveable cities. *The Journal of Community Informatics*, 10(3), 27.
 - Stratigea, A., Papadopoulou, C. A., & Panagiotopoulou, M. (2015). Tools and technologies for planning the development of smart cities. *Journal of Urban Technology*, 22(2), 43-62.
 - Talvitie, J. (2002, April). The influence of information technology on spatial development. In *Basical Planning Aspects and Examples*. Worldwide FIG XXII International Congress. Washington, DC USA, April (pp. 19-26).
 - Talvitie, J. (2004). Incorporating the impact of ICT into urban and regional planning. *European Journal of Spatial Development*, 10, 1-32.
 - Turner, J., Holmes, L., & Hodgson, F. C. (2000). Intelligent urban development: An introduction to a participatory approach.
 - Ülkeriyıldız, E. (2020). Transformation of Public and Private Spaces: Instrumentality of Restrictions on the Use of Public Space During COVID 19 Pandemic. In *International Conference of Contemporary Affairs in Architecture and Urbanism (ICCAUA-2020)* (Vol. 6, p. 8).
 - Van den Berg, L., & Braun, E. (1999). Urban competitiveness, marketing and the need for organising capacity. *Urban studies*, 36(5-6), 987-999.
 - Van den Berg, L., & van Winden, W. (2002). Should cities help their citizens to adopt ICTs? On ICT-adoption policies in European cities. *Environment and Planning C: Government and Policy*, 20(2), 263-279.
 - Van der Meer, A., & Van Winden, W. (2003). E-governance in cities: a comparison of urban information and communication technology policies. *Regional Studies*, 37(4), 407-419.
 - Van Winden, W., Van Der Meer, A., & Van Den Berg, L. (2004). The development of ICT clusters in European cities: towards a typology. *International Journal of Technology Management*, 28(3-6), 356-387.
 - Vicente, J., & Suire, R. (2007). Informational cascades versus network externalities in locational choice: evidence of 'ICT clusters' formation and stability. *Regional Studies*, 41(2), 173-184.
 - Virtudes, A., & Sá, J. (2017). Approach of ICT application to governance in urban planning. In *IOP conference series: materials science and engineering* (Vol. 245, No. 5, p. 052086). IOP Publishing.
 - Wolfram, M. (2012). Deconstructing smart cities: an intertextual reading of concepts and practices for integrated urban and ICT development (pp. 171-181). na.
 - Yigitcanlar, T. (2015). Smart cities: an effective urban development and management model?. *Australian Planner*, 52(1), 27-34.
 - Yigitcanlar, T., Baum, S., & Stimson, R. (2003). Analyzing the patterns of ICT utilization for online public participatory planning in Queensland, Australia. *Assessment*, 10(2), 5-21.

نحوه ارجاع به مقاله:

مدقالجی، نیکو؛ بحرینی، سید حسین؛ رفیعیان، مجتبی؛ (۱۴۰۱) اثرات فن آوری اطلاعات و ارتباطات و پاندمی کووید ۱۹ بر مطالعات شهری: مرور سیستماتیک، مطالعات شهری، ۱۱ (۴۴)، ۹۵-۱۱۴. doi: 10.34785/J011.2022.657/Jms.2022.130

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری برای

کودکان، بر مبنای مدل مفهومی حق به شهر

نمونه مورد مطالعه: شهر تهران^۱

زهرا تمجیدی - دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده عمران، هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
زهرا سادات سعیده زرآبادی^۲ - دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده عمران، هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
فرح حبیب - استاد گروه شهرسازی، دانشکده عمران، هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۵ اردیبهشت ۱۴۰۰ تاریخ پذیرش: ۲۵ فروردین ۱۴۰۱

چکیده

حق به شهر، مسئله‌ای با ماهیت اجتماعی، سیاسی و حقوقی است که با تکیه بر مفهوم حق شهروندی، مجموعه حقوقی را برای استفاده همه ساکنین شهر از بستر زندگی شهری، به صورت شفاف و عادلانه مطالبه می‌کند. در شهرها، کودکان به لحاظ شرایط سنی، جسمی و روانی ویژه با مشکلات بسیار زیادی از قبیل رعایت نشدن حقوق اولیه، نبود امنیت و ایمنی، نبود امکانات و فضای کافی برای فعالیت، بازی و ... و در نتیجه عدم احساس تعلق به فضا روبه‌رو هستند. هدف این مقاله، بررسی مفهوم حق به شهر و شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای کیفیت فضای عمومی شهر برای حضورپذیری کودکان است. بدین منظور، به صورت توأم از روش تحقیق کیفی و کمی استفاده شده است. با توجه به این که هر دو تحلیل کیفی و کمی به صورت متوالی مورد تفسیر قرار می‌گیرند، مقاله حاضر در زمره تحقیقات متوالی-اکتشافی قرار دارد. به منظور تحلیل داده‌های کیفی از روش تحلیل محتوا و داده‌بنیاد و برای کدگذاری داده‌ها از نرم‌افزار Nvivo استفاده شده است. روش جمع‌آوری اطلاعات، مطالعه اسنادی و مصاحبه نیمه ساختارمند است. برای بررسی چگونگی روابط و میزان پشتیبانی مؤلفه‌های حق کودک به شهر از کیفیت فضای شهری از آزمون رگرسیون چند متغیره استفاده گردید. شاخص کیفیت فضای شهری به عنوان متغیر وابسته و مؤلفه‌های حق کودک به شهر (حاکمیت، شمولیت اجتماعی، دسترسی فضا و تنوع و سرزندگی) به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شدند. بر این اساس، مؤلفه حاکمیت شهری ۳۵٫۵ درصد و سایر مؤلفه‌ها شامل شمولیت اجتماعی، دسترسی فضایی و تنوع و سرزندگی به ترتیب ۳۱٫۲ درصد، ۲۸٫۹ درصد و ۱۴٫۶ درصد در میزان ارتقای کیفیت فضای شهری برای حصول مفهوم حق کودک به شهر مؤثر هستند. همچنین همبستگی و میزان تأثیرگذاری هر یک از زیرمؤلفه‌های حق کودک به شهر بر کیفیت فضاهای شهری نیز به تفکیک بررسی شد.

واژگان کلیدی: حق به شهر، نظریه داده بنیاد، کودک، فضای شهری، حس تعلق.

نکات برجسته

- حق به شهر یک حق انسانی است که شامل تخصیص شهر به شهروندان و مشارکت آنها در امور شهری، فارغ از سن، جنس، نژاد، ملیت، قومیت یا مذهب می‌باشد.
- کودکان، گروهی از شهروندان هستند که به لحاظ شرایط جسمی و روانشناختی ویژه بایستی در برنامه‌ریزی‌های مربوط به شهر مورد توجه قرار گیرند.
- مدل چهاربخشی «حق کودک به شهر» مشتمل بر ابعاد حاکمیت شهری، شمولیت اجتماعی، دسترسی فضایی و تنوع و سرزندگی و مؤلفه‌های مرتبط با آنها است.
- مؤلفه‌های تشکیل دهنده مفهوم حق کودک به شهر، بر ارتقاء کیفیت فضاهای شهری برای کودکان مؤثر هستند.

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری شهرسازی با موضوع «ارائه الگوی ارتقای کیفیت فضاهای شهری برای کودکان (بر مبنای مدل مفهومی حق به شهر) است که توسط نویسنده اول و به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم، در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران انجام شده است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: z.zarabadi@srbiau.ac.ir

۱. مقدمه

بی‌گمان محور اصلی توسعه در جامعه «انسان» بوده و امروزه همه تجربیات موجود در سطح ملی و بین‌المللی گواه این موضوع است. زمانی برنامه‌های توسعه در یک کشور با موفقیت و پایداری همراه خواهد بود که جایگاه انسان به عنوان محور توسعه پایدار به صورت علمی در برنامه‌های جاری مورد توجه قرار گیرد. توجه به کودک، خانواده و جامعه و سازمان‌های محلی موجبات تأکید بر برنامه‌های توانمندسازی را برای همه اقشار جامعه فراهم نموده و همچنین سبب می‌شود تا هیچ قشری از افراد جامعه که به نوعی در توسعه دخیل هستند، از قلم نیفتند. از سوی دیگر، طبق استانداردهای جهانی، شهری در جهت ارتقای کیفیت زندگی شهروندی، توسعه یافته تلقی می‌شود که امکان زندگی برای تمامی شهروندان از جمله کودکان، سالمندان و ناتوانان را فراهم سازد. کودکان از جمله ساکنان شهر هستند که در بسیاری از موارد حق آنها بر شهر از سوی تصمیم‌سازان، برنامه‌ریزان و حتی سایر شهروندان مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. به واسطه غلبه فرهنگ سن‌سالاری، کودکان همواره در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌سازی‌ها نادیده گرفته شده و به عنوان افراد محجور و فاقد اهلیت در فهم اولویت‌ها و نیازهای خود کنار گذاشته می‌شوند (Heidari, et al. 2019). فقدان گفتمان کودک و جایگاه آنها در شهر، غلبه گفتمان بزرگسالی، بی‌قدرتی کودکان، تلقی از کودک به مثابه فرد فاقد تمیز و نیازمند قیمومیت، تنها برخی از دلایل عدم توجه به کودکان در زندگی شهری است. واقعیت این است، از آنجا که کودکان بخش قابل توجهی از جمعیت شهرها را تشکیل می‌دهند، در دوره مهم اجتماعی شدن قرار دارند و شهروندان و تصمیم‌سازان آینده شهر خواهند بود، بنابراین نیازمند توجه بیشتری در مطالعات مربوط به شهر هستند.

کودکان نخستین بار با تجربه عرصه محلّه و فضای باز شهر به تعاملات اجتماعی با دنیای پیرامون می‌پردازند. این تعاملات در روند بلوغ اجتماعی و افزایش سطح آگاهی آنان نقش مهمی دارد. فضاهای شهری، در پذیرش نقش‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، شیوه زندگی، تعامل عقاید و نهادینه کردن الگوهای رفتاری کودکان از طریق ارتباط مؤثر میان آموخته‌های پیشین با تجارب فعلی در آنها نقش بسزایی دارد و در نهایت منجر به احساس تعلق به محیط، بلوغ فردی و اجتماعی و شناخت از خود می‌گردد.

فضاهای عمومی شهر بخش عمده‌ای از زمان و مکان زندگی روزمره مردم و از جمله کودکان را به خود اختصاص می‌دهند. حضور کودکان در فضای عمومی شهرها، تجارب مناسبی را در اختیار آنان قرار می‌دهد؛ از جمله آشنایی با جغرافیای شهری، روابط اجتماعی مناسب با گروه همسالان، تحرک فیزیکی مناسب در فضایی گسترده‌تر از فضای محدود خانه و تقویت حس تعلق به مکان، شهر و محله و هویت‌یابی از طریق حس مکان. از آنجا که کودکان دارای نیازهای روان‌شناختی بسیار پیچیده‌تر از نیازهای بیولوژیکی و فیزیکی هستند، طراحی فضاهای شهری با در نظر گرفتن روانشناسی رشد، ویژگی‌های روحی، سلامت و امنیت کودکان، در پرورش خلاقیت، تقویت حس همکاری و آموزش آنها مؤثر است. بنابراین طراحی مناسب فضاهای شهری برای کودکان به عنوان شهروندان و سازندگان آینده شهر از

اهمیت خاصی برخوردار است.

با وجود توجه جهانی به مسائل کودکان و حرکت‌های مفید بین‌المللی، در کشور ما کودکان در شهرها با مشکلات بسیار زیادی از قبیل رعایت نشدن حقوق اولیه، نبود امنیت و ایمنی، انواع آلودگی‌های محیطی، تراکم زیاد جمعیتی و ساختمانی، نبود امکانات و فضای کافی برای فعالیت، بازی و ... روبه‌رو هستند. با مشاهده وضعیت کنونی شهرها می‌توان دریافت که شهرهای ما بیشتر با معیارهای بزرگسالان شکل گرفته و طراحی شده و تنها گوشه‌هایی از آنها به فضاهای ویژه کودکان اختصاص دارد. این فضاها از نظر تعداد، اندک هستند و از تنوع لازم برخوردار نیستند و اصولاً نمی‌توان چنین نگرش محدودی را که فقط بخشی از فضاهای شهری را از بقیه جدا کرده و آن را به کودکان اختصاص می‌دهد، نگرشی راهگشا دانست. از این رو توجه به شهر و ارتقای فضاهای عمومی شهری به منظور فراهم نمودن امکان حضورپذیری کودکان ضروری به نظر می‌رسد. در تهران، با وجود ابلاغ مصوبه شهر دوستدار کودک در سال ۱۳۸۸ و تهیه آیین‌نامه اجرایی آن در سال ۱۳۹۴ توسط شورای شهر تهران که شهرداری را موظف کرد تا با همکاری و هماهنگی سایر مراجع ذی ربط به منظور تحقق امور در شش زمینه فضاهای عمومی شهری، حمل و نقل و ترافیک، فرهنگی و اجتماعی، بهداشتی، شهرسازی و معماری و مشارکت‌های اجتماعی و مردمی برای رفاه کودکان اقدام کند، اغلب اقدامات انجام شده تا کنون، صرفاً در حد کالبدی و با برنامه‌ریزی از بالا به پایین صورت پذیرفته و موضوعات اجتماعی، حمل و نقل و ... در آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، کودکان در شهر تهران با مشکلات عدیده‌ای از جمله افزایش تعداد کودکان کار محروم از بهداشت، درمان، آموزش و ... کاهش ایمنی و امنیت در فضاهای شهری مواجه هستند که موجب عقب‌نشینی کودکان از فضاهای عمومی شهری به فضاهای خصوصی و از فضای محله‌ها به درون خانه‌ها و کاهش تحرک فیزیکی و تعاملات اجتماعی آنها شده است. در شهرهای بزرگ به ویژه شهر تهران، رشد بلندمرتبه‌سازی، کاهش روابط همسایگی، کاهش فضای سبز و تجهیزات ناکافی شهری، عبور و مرور زیاد وسایل نقلیه و کاهش امنیت و ایمنی فضاهای شهری باعث شده که کودکان از فضای عمومی شهرها رانده شوند و شهر فقط فضایی برای بزرگسالانی باشد که فعالیت‌های کارکردی و اقتصادی انجام می‌دهند و این در حالی است که فضاهای عمومی نه تنها فضای ارزان و در دسترس برای همه کودکان است بلکه این فضا به بچه‌ها این امکان را می‌دهد که آنها بتوانند آزادانه و مستقل در آن فعالیت کنند و با چالش‌هایی مواجه شوند که در آن دست به تصمیم‌گیری و انتخاب می‌زنند.

هدف این مقاله، شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهر برای کودکان، بر مبنای مدل مفهومی حق به شهر است. بر این اساس، دو سؤال مطرح می‌شود:

- مؤلفه‌های مفهوم حق کودک به شهر چیست؟
- مؤلفه‌های حق کودک به شهر چگونه منجر به ارتقای کیفیت فضای شهری می‌شوند؟

۲. چارچوب نظری

۲.۱. حق به شهر

و معتقد است حق تخصیص باید هر شهروند را به یک نماینده و هویت‌دهنده و ساکن فضای شهری تبدیل کند. از آنجایی که شهر به مثابه اثر هنری بازتاب کثرت‌گرایی و تعدد آرا و نیازهای ساکنان است، پس دسترسی همگانی و آزاد به فضای شهر (عرصه عمومی شهر) پیش نیاز حق مشارکت شهروندان است (Purcell, 2003: 578). حق مشارکت، فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری پیرامون تغییر و تولید فضای شهری را از انحصار دولت و شرکت‌های بزرگ و افراد قدرتمند بیرون آورده و به روی تمام شهروندانش (فارغ از ملیت، نژاد، سن و یا جنسیت‌شان) می‌گشاید. لفور با حق مشارکت، تنوع، تعدد و تفاوت حق از تخصیص را در شهروندانشان و کاربران یک فضا به رسمیت می‌شناسد و این‌گونه نقش مرکزی آنان در تولید اجتماعی، فرهنگی، فضایی و اقتصادی فضای شهری را تعریف می‌کند (Jabareen, 2014: 137). در واقع مشارکت، لولای مشترکی برای اعمال حق تخصیص، در شهری مملو از حقوق هم‌وزن ولی متفاوت است.

ایده لفور در مورد حق مشارکت اشاره به مرکزیت شهروندان در تصمیم‌گیری در امور دارد که به طور مشخص فضای شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. لفور مشارکت ساکنان را صرفاً امتیازی از جانب دولت به آنها نمی‌پندارد بلکه مشارکت، تکاپویی سیاسی به منظور افزایش کنترل و خودگردانی ساکنان بر شهر است (Purcell & Tyman, 2015). از این رو حق مشارکت، رفع موانعی است که دولت و سرمایه توسط آن، ساکنان را از مرکز تصمیم‌گیری به حاشیه رانده‌اند.

هنری لفور مفهوم حق بر شهر را متأثر از جنبش‌های شهری ۱۹۶۸ در اروپا و آمریکا و برای توضیح نسبت میان شهر و ساکنان آن طرح کرد. در این تلقی حق بر شهر دادخواست برای نوعی سیاست رادیکال شهری است که در آن روابط پنهان و پوشیده قدرت و ثروت و مناسبات طرد سیستماتیک گروه‌های فرودست به چالش کشیده می‌شود (Anna Domaradzka, 2019). حق بر شهر را می‌توان در امتداد حقوق بنیادی بشر دانست. همچنان که انسان‌ها حقوقی غیر قابل سلب دارند که از آنها در مقابل قدرت و ثروت محافظت می‌کند، زندگی در شهر نیز بر اساس مجموعه‌ای از حقوق اساسی که همه باید از آن برخوردار باشند، محافظت می‌شود. از این منظر همه ساکنان شهر فارغ از سن، جنس، نژاد، مذهب یا میزان برخورداری و با هر میزان از توانمندی، حق دارند از شهر و فضای آن سهم داشته باشند (Pourmohammadi, et, al, 2019). لفور، برای برپاسازی نظام عدالت اجتماعی پیشنهادی خود، حق به شهر را با دو حق اساسی در جامعه، تعریف می‌کند: حق تخصیص (از آن خود سازی)^۲ و حق مشارکت^۳. حق تخصیص، حق استفاده تمام و کمال از فضای فیزیکی شهر و حق تغییر آن مطابق با فضای ذهنی است. منظور لفور از حق تخصیص فضا، مالکیت شخصی نیست، بلکه حق شخص برای استفاده کامل از فضای شهری، مطابق با نیاز و آرمان‌های ذهنی خود است (Lefebvre, 1996: 179). به طور کلی، لفور این حق را با زندگی، بازی و اشتغال در فضای شهری همراه می‌کند

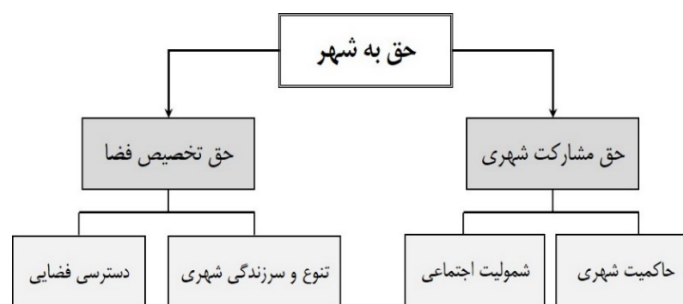
جدول شماره ۱: حقوق شهروندان به شهر از منظر نظریه پردازان مفهوم حق به شهر

نظریه پرداز	حق به شهر از منظر برخی نظریه پردازان
هنری لفور (Lefebvre, H, 2005)	حق به اختصاص دادن فضای شهری و استفاده از آن / حق به مشارکت در تولید و بازتولید فضای شهری / حق به سکونت شهری / حق به اطلاع یافتن، یادگیری و آموزش / حق به استفاده از خدمات گوناگون شهری / حق به گذران اوقات فراغت حق به کار / حق به سلامت / حق به استفاده از مکان‌ها برای ملاقات، تعامل و مبادله / حق به شفافیت در حکمروایی شهری.
دیوید هاروی (Harvey, D, 2003)	حق به حیات شهری برای همه شهروندان / حق به مشارکت شهروندی / حق به استفاده از فضاهای عمومی و خصوصی شهری
دون میشل (Mitchel, 2003)	حق به انجام فعالیت‌های خلاقانه / حق به اطلاع یافتن و آگاه شدن / حق به نمادسازی، خیال‌پردازی و تفریح کردن / حق به آزادی / حق به فردیت در عین اجتماعی شدن / حق به زیستن و سکونت داشتن.
آلیسون براون و آنالی کریستیانسن (Brown, A., & Kristiansen, A, 2009)	حق به تغییر و دوباره سازی شهری / حق به تعریف نیازها و احتیاجات شهروندی / حق به دسترسی برابر به امتیازات شهری / حق به شمولیت اجتماعی / حق به تجدید ارتباطات اجتماعی.
مارک پورسل (Purcell, M, 2003)	حق به اختصاص دادن فضای شهری جهانی و استفاده از آن / حق به مشارکت در تولید و بازتولید فضای شهری جهانی / حق به شمولیت اجتماعی در شهر جهانی / حق به استفاده از خدمات شهری برای همه کاربران شهر جهانی.

استفاده از تکنیک تحلیل اسنادی، در گام نخست، ارتباط مقولات حق به شهر به صورت نمودار شماره ۱ تبیین و ترسیم می‌گردد.

بر اساس تفسیر گزاره‌های معنایی استخراج شده از نظریات صاحب نظران و همچنین اقدامات عملی پیرامون مفهوم حق به شهر، با

- 1 Henri Lefebvre
- 2 The right of appropriation
- 3 The right of participation



نمودار شماره ۱: دیاگرام ارتباطی مفاهیم حق به شهر

۲.۲. حق کودک بر شهر و فضاهای شهری

حق کودک بر شهر، حق حضور در فضای عمومی و تعامل با فضای کالبدی برای تولید معنایی است که از زیست جهان کودک سرچشمه می‌گیرد. در واقع، حق کودک به شهر را می‌توان با حق کودک در خانه مقایسه کرد. می‌توان شهر را با نماد خانه برای کودک توضیح داد و وضعیت کودک در آن را به موقعیت او در شهر نیز تسری داد. در فرایندی نه لزوماً مسلط، اما فزاینده، کودک در خانه به مثابه مرکز فعالیت‌های والدین و سایر اعضای خانواده در نظر گرفته می‌شود. مرکز توجهات است. هدف برنامه‌ریزی هاست. موضوع بازآرایی دکوراسیون خانه است. دسترسی و تسهیل کاربری منزل معطوف به اوست. مورد حمایت و مراقبت است. نسبت به رفتار و تربیت او حساسیت خاص وجود دارد. آینده کودک در هر فعالیتی در نظر گرفته می‌شود و شاید بتوان گفت او هدف زندگی است. آیا می‌توان گفت کودک در شهر نیز چنین موقعیتی را داراست؟ به نظر نمی‌رسد کودک در شهر به این موقعیتش در خانه، نزدیک هم باشد (Gilliland, J., Holmes, M., Irwin, J. D., Tucker, P., 2006 & .). از این منظر تلاش برای تحقق حق کودک بر شهر و اساساً تحقق حق بر شهر نیازمند بازخوانی انتقادی ساختارهای فرهنگی و اجتماعی از این گونه است. بنابراین بخشی از فرایند حق بر شهر توضیح مبانی فکری و فلسفی و آشتی دادن آن با مناسبات فرهنگی جاری است (Fang. Nan, 2020). اصلاح قوانین حقوقی، به گفت و گو گذاشتن کودکی و تبدیل آن به مسئله، کشف ابعاد آشکار و پنهان کودکی در فرهنگ مسلط و عمومیت بخشیدن به آن از جمله کارهایی است که در تبیین و تحقق حق بر شهر ضروری می‌نماید. به عبارتی، تحقق حق بر شهر برای کودکان تنها در سطح و با تغییر فضای کالبدی امکان‌پذیر نخواهد بود. بازاندیشی گفتمان عدالت، برابری، شیوه تصمیم‌سازی، تعیین حقوق و تکالیف در وجه قضایی، ابعاد زیست محیطی و سیاسی، از عوامل اثرگذار و فراتراز شهر در تحقق حق بر شهر کودکان هستند (Jinshu. Li, & Maosheng. Li, 2017). باید افزود حق بر شهر یک رویکرد است و قابل تقلیل به یک مفهوم یا مجموعه‌ای از سازه‌ها یا فضای کالبدی نیست هر چند این هم بخشی از آن است (Kuriakos.M, 2014). در مورد کودکان، ساختن فضای مخصوص آنها مانند شهر بازی، پارک کودکان یا محیط‌های تفریحی و آموزشی اگرچه مطلوب است اما ربطی به مفهوم حق بر شهر ندارد. حق بر شهر دقیقاً به این معناست که فضای عمومی، فرهنگی و اجتماعی شهر برای حضور کودکان و تعامل با کالبد شهر و دیگر شهروندان و اتمسفر عمومی شهر فراهم باشد (Gilliland, J., Holmes, M., Irwin, J. D., 2006 & .).

(Tucker, P., ۲۰۰۶). فضاهای محصور هر چند که مجهز هم باشند، معنای حق بر شهر را افاده نمی‌کنند. حق کودک بر شهر و فضاهای شهری، هدف بلندی است که البته بر مؤلفه‌های ذهنی و واقعیات عینی متکی است. بر این اساس، معیارهای فضای مطلوب کودک را می‌توان در دو بخش مؤلفه‌های عینی و ذهنی دسته‌بندی کرد:

۲.۲.۱. مؤلفه‌های عینی

- **فضای بازی کودکان**؛ صاحب نظران شهرسازی از جمله مامفور، جیکوبز و ... بر وجود فضاهایی مختص کودکان تأکید داشته‌اند؛ به خصوص هنگامی که بزرگتر می‌شوند و دیگر محوطه داخلی ساختمان‌ها پاسخگوی نیاز بازی آنها نیست. اهمیت این محیط کالبدی با مناسب‌سازی فضاهای موجود و با ایجاد فضاهای جدید در نزدیکی محل سکونت می‌تواند سهم بزرگی را در رشد مطلوب کودکان فراهم آورد (Ebrahimi, et al. 2011: 23).

- **مقیاس فضایی**؛ تناسب فضایی مطلوب کودکان در کارایی این فضا و رفتار محیطی آنها تأثیر بسزایی دارد. تحقیقات نشان می‌دهد که هرچه مقیاس فضا با کودک متناسب‌تر باشد، کیفیت فضا و تنوع بازی‌های کودکان در آن فضا بیشتر می‌شود (Flouri, et, al. 2014).

- **طبیعت**؛ به عنوان منبع غنی و تمام نشدنی، بستری مناسب برای رشد همه‌جانبه کودک است. از این رو، اهمیت طراحی و پیوستگی ارتباط معماری و طبیعت در طراحی معماری برای کودکان ضرورت دارد (Ghaemi, 2010: 166).

۲.۲.۲. مؤلفه‌های ذهنی

- **امنیت**؛ کودک به شدت نسبت به عوامل تهدید کننده محیطی حساسیت فیزیکی و روانی دارد. وی به شرطی در محیط محله و شهر فعالیت می‌کند که کلیه حواس وی در وضعیت متعادل و در آسایش و ایمنی باشد. وجود هر گونه تهدید ایمنی و امنیت که محل تعادل قوای محیطی و ذهنی کودک باشد، مانع بروز استعدادها و خلاقانه وی است (Hosseini, et al, 2007: 68). بنابراین برای فراهم نمودن شرایط ادراک محیطی، یکی از مهمترین عوامل، ایجاد فضای امن است.

- **هویت**؛ هویت مکان محصول پاسخگویی محیط به نیازها، انگیزه‌های ساکنان و شکل‌گیری ارتباطات اجتماعی و نمادین قلمداد می‌شود. «دلبستگی و توسعه خود» به مفهوم تبدیل شدن مکان به بخشی از ساکن، «تناسب محیطی» به معنای توانایی

قابل ارجاع است، شاخص‌های شهر دوستدار کودک است. از بررسی مطالعات انجام شده، دیدگاه‌های صاحب نظران و اقدامات عملی پیرامون شهرهای دوستدار کودک، می‌توان شاخص‌های شهرهای دوستدار کودک را به صورت زیر دسته‌بندی نمود:

الف) شاخص اجتماعی: آموزش به کودکان و امکان ابداع و خلاقیت در محیط، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و احترام به شأن و منزلت کودکان، تأمین سلامتی و امنیت، حضور کودکان در گردهمایی‌های همسالان، همه شمولی و ...

ب) شاخص اقتصادی: تأمین رفاه در زندگی، کاهش فقر، تأمین مسکن و ...

ج) شاخص زیست محیطی-اکولوژیکی: حذف آلودگی‌های زیست محیطی، پاکیزگی در محیط و حفاظت از طبیعت.

د) شاخص‌های کالبدی-فضایی: تأمین نیازهای کودکان در قالب خدمات آموزشی، درمانی، تفریحی، ورزشی، حمل و نقل، ایجاد فضاهای سبز و فضاهای بازی، افزایش کیفیت‌های محیطی مانند روشنایی، ایمنی، انسجام، تسلسل و ... (Woolock & Steele, 2008).

انطباق و تعامل میان مردم و محیط و نیز «تجانس و هم‌سنجی با مکان» مبنی بر فراهم نمودن معنا و اهمیت معنوی از سوی محیط برای ساکن محیط، سه مؤلفه کلیدی و قابل توجه در این زمینه هستند (Droseltis et al., 2010: 23). تعلق به مکان در واقع رابطه هم‌پیوندی است که میان کودک و محیط برقرار گردیده و بر اساس این رابطه، محیط به یک لنگرگاه روانی تبدیل می‌شود اگر محیطی که طراحی می‌شود به گونه‌ای باشد که توقعات ذهنی کودک را برآورد، در این صورت حس تعلق کودک به محیط بیشتر خواهد شد.

فرهنگ: یکی از جنبه‌های مهم و موفق طراحی محیط از جمله فضاهای باز شهری، دنباله‌روی از درون‌مایه‌ها و مضامین خاص آن فرهنگ است. از طریق این نشانه خاص، ارتباط احساسی بین استفاده‌کنندگان و محیط ایجاد می‌شود. دوران کودکی نه یک مفهوم ثابت که مفهومی متغیر است؛ یعنی با توجه به تجربیات مردم هر جامعه و ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن جامعه در ذهن مردم شکل می‌گیرد و تبلور پیدا می‌کند (Shahabadi, 2003: 48). یکی از مصادیقی که برای مناسب‌سازی فضاهای شهری برای کودکان

جدول شماره ۲: برخی دیدگاه‌های صاحب نظران در خصوص ویژگی‌های فضاهای شهری مناسب کودکان

نظریه	محقق / نظریه پرداز	دیدگاه (ایده)
فضای شهری مناسب کودکان	مهدی شیبانی	اگر محیطی که طراحی می‌شود به گونه‌ای باشد که توقعات کودک را برآورد، حس تعلق کودک به محیط بیشتر شده و فضا برایش به مکان تبدیل می‌شود (Sheibani, 2010: 134).
	اسماعیل شیعه	کودکان نیازمند محیط‌هایی هستند که آنان را مخاطب قرار دهد، به چالش وادارد و توجه آنان را جلب کند تا آنها مشاهده کنند و بیندیشند (Shieh, 2008: 58).
	جین جیکوبز	در اجتماع شهری و در پیوند بین خانه و مدرسه، مهمترین علایق کودکان به ایمنی خیابان، تنوع کاربری‌های زمین، شادابی و سرزندگی شهر باز می‌گردد که کلید اصلی رفع نگرانی‌های اساسی تمامی جامعه، از جمله کودکان است (Shieh, 2008: 22).
	اسکار نیومن	ایجاد فضای دفاع‌پذیر در شهر در مقابل با آنچه که عامل ایجاد تضاد در یک زندگی سالم شهری است، توصیه می‌شود (Shieh, 2008: 22).
لوکوربوزیه	وی طراحی کارآمد و ساده از برنامه کودکان تنظیم کرده بود که بر اهمیت حضور کودک در شهر تأکید می‌کرد. در شهر درخشان پیشنهاد وی، مدرسه، فضاهای بازی و مجموعه‌های مسکونی که برای زندگی خانوارها مناسب است، در موقعیت‌های مناسبی پیش‌بینی شده است (Shieh, 2008: 22).	

امکان تحریک حواس کودک در محیط، ایجاد فضایی برای نمایش شایستگی‌های فردی در تعامل با محیط، ایجاد حس تعلق به محیط، آموزش مراقبت از محیط زیست، ایجاد مسیرهایی برای ایده‌پردازی، مشارکت‌پذیری در فضای بازی به عنوان ابزار آموزشی هستند که در طراحی فضاهای شهری کودکان باعث نجات آنان از فضاهای ماشینی موجود در پارک‌ها می‌گردد (Ataei, et al. 2021). اقبال مقدم و زارعی در تحقیقی به شاخص‌های مطلوب برای ایجاد فضاهای شهری مطلوب کودکان در محله عودلاجان پرداخته‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که رابطه معناداری بین متغیر مناسب‌سازی فضاهای محله عودلاجان و ایجاد امنیت برای کودکان وجود دارد. همچنین بافت عودلاجان با توجه به هویت تاریخی‌اش، دارای پتانسیل‌های بالقوه برای حضور کودکان است که با بهره‌گیری از راهبردهای کاربردی ارائه شده می‌توان آن را بالفعل نمود (Eghbal Moghaddam, et al. 2018). عطیه بهرام‌پور و علی اصغر ملک‌افضلی در تحقیقی که در محله فاطمی تهران انجام دادند، به استخراج معیارهای فضای شهری مناسب

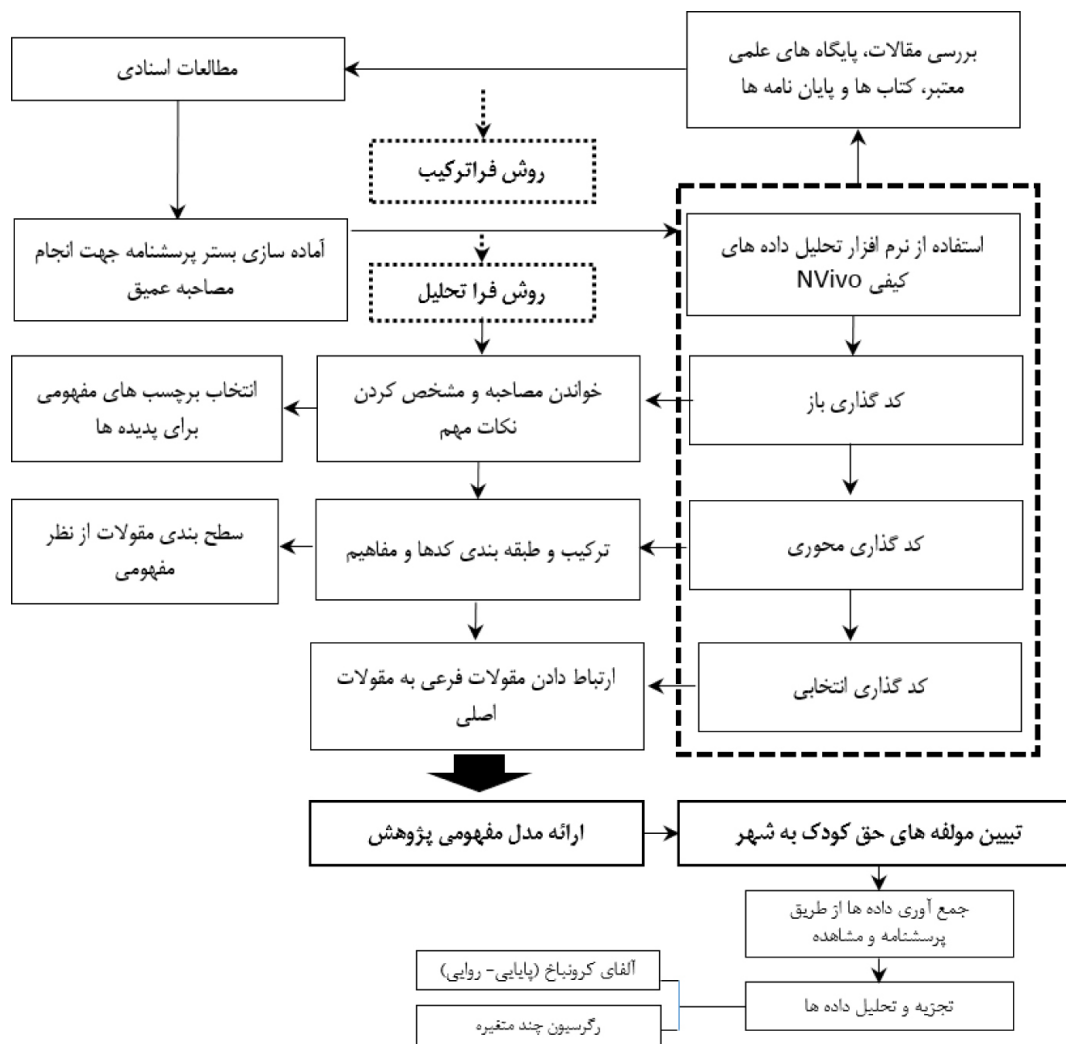
حکمت‌نیا و همکاران در پژوهشی با عنوان آینده‌نگاری شهر دوستدار کودک در ارفاق ۱۴۱۰ (مورد شناسی: شهر تبریز) اقدام به طراحی ۳۲ شاخص در چهار مؤلفه ایمنی و امنیت، فضای شهری، حکمروایی کودکان و دسترسی نموده است. در نهایت ایمنی و امنیت در فضای بازی کودکان، دسترسی به فضاهای ورزشی و خدماتی، آموزشی و کتابخانه‌ای، آلودگی هوا و کاربری‌های آلاینده، هویت اجتماعی، دسترسی مناسب به ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی، دخالت فعال کودکان در تصمیم‌گیری‌های شهری، ایمنی و امنیت پیاده‌راه هنگام عبور، امنیت اجتماعی، خوداتکایی کودکان در رفت و آمد و فاصله تا فضای بازی به عنوان عوامل کلیدی در تحقق شهر دوستدار کودک در شهر تبریز شناخته شده‌اند (Hekmat nia, et al. 2021). الهام عطایی و همکاران در پژوهشی با عنوان جایگاه کودکان آفرینشگر و خلاق در فضاهای زیست شهری، با تأکید بر مؤلفه‌های مشارکت‌پذیری و حس تعلق به محیط، بیان می‌کند که مهمترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در افزایش خلاقیت کودکان، ایجاد فرصت برای تعاملات مثبت اجتماعی کودکان،

و مکان‌های تمیز و آرامش‌بخش دارای تنوع رنگی، جذاب و مجهز به مسیر دوچرخه را ترجیح می‌دهند (Ekawati, A. 2015). ملودی الیور و همکاران^۲ در پژوهشی با نام همبستگی بین محیط کالبدی محله و فعالیت‌های فیزیکی خارج از محله و سفر فعال: مطالعه کودکان در شهر، به بررسی ویژگی‌های محیط کالبدی خاص کودک و فعالیت بدنی متوسط تا شدید در اوکلند، نیوزیلند پرداخته است. نتایج نشانگر آن است که مقصدهای محلی (به ویژه مدارس) واقع در امتداد یک شبکه خیابان امن ممکن است برای تشویق فعالیت‌های کودکان مهم باشد (Oliver. S , et al, 2015).

۳. روش شناسی

رویکرد مقاله حاضر از نوع کیفی و کمی به صورت توأم است. در بخش کیفی، برای بررسی ادبیات موضوعی و ارائه مدل مفهومی اولیه «حق کودک بر شهر» از روش تحلیل محتوا و برای ارائه درون‌مایه و زیردرون‌مایه‌ها و ارائه مدل مفهومی نهایی «حق کودک بر شهر» از روش داده‌بنیاد استفاده شده است (نمودار شماره ۲).

کودکان، میزان حضور کودکان و همچنین ارتباط آن با میزان امنیت و ایمنی پرداخته اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ایمنی و امنیت بیشترین تأثیر هم جهت را بر میزان حضور کودکان در فضاهای شهری این محله دارد. این امر نشان دهنده اهمیت این موضوع در استفاده از فضاهای شهری توسط کودکان است که تأمین آن نه تنها بر عهده دولت‌هاست بلکه به عنوان یکی از وظایف برنامه‌ریزان و طراحان شهری نیز باید مورد توجه قرار گیرد (Bahrapour, et, al. 2018). پیرماناساری و همکاران در مقاله الگوی سیاسی فضاهای عمومی در ایجاد شهر دوستدار کودک در جاکارتا، عملکرد فضاهای عمومی جاکارتا را در ایجاد مشارکت عمومی مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد که رویکرد مشارکتی از پایین به بالا منجر به ارتقای تعامل عمومی خواهد شد (Permanasari, et, al, 2019). گوکمن و تاشچی^۱ در پژوهشی با عنوان دید و نظرات کودکان در مورد شهر دوستدار کودک، نمونه موردی: شهر ازمیر دریافتند که کودکان بیشتر زمین‌های بازی وسیع و باز در نزدیکی محل سکونت، وجود مکان و موقعیت‌هایی در جهت بیان نظرات و خواسته‌ها، محیط مناسب برای بازی و حرکت به دور از خطرات ترافیکی



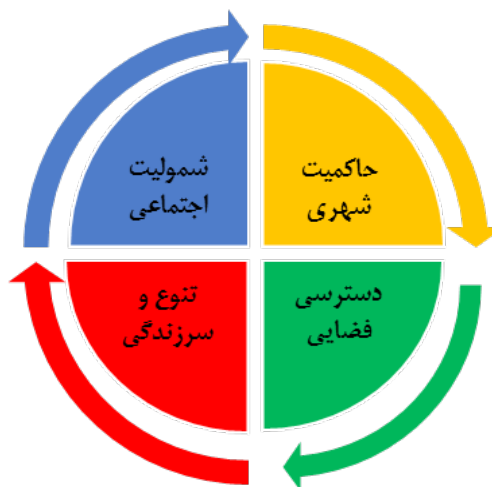
نمودار شماره ۲: فرایند انجام پژوهش

۴. بحث و یافته‌ها

همانگونه که در بخش مبانی نظری بحث شد، حق به شهر برای تمامی ساکنین شهر قابل تعریف و دادخواهی است. مصادیقی که به وسیله لفور و دیگر پژوهشگران برای حق به شهر تعریف می‌شود نیز گواه همین است. به عنوان مثال، حق تخصیص، برای تمامی افرادی که به طور روزمره در فضاهای شهری زندگی می‌کنند، فارغ از ملیت، جنسیت و سن آنها تعریف می‌شود؛ در همین راستا، حق مشارکت برای اعمال نظرات و ایده‌آل‌های ذهنی کاربران فضا، به کار می‌رود. مشخص است که کودکان و نوجوانان نیز از کاربران هرروزه فضاهای شهری هستند؛ اگر چه نوع استفاده کودکان و نوجوانان از فضا، به واسطه شرایط سنی و حدود استقلال آنان متفاوت است. اما در هر صورت حق آنان بر شهر و فضای شهری باید به رسمیت شناخته شود و راه‌هایی برای مشارکت آنان در تعریف و تغییر فضای شهری مهیا گردد.

حق شهرنشینی از حیث توجه به کودکان که به طور قانونی بیرون از دایره مشارکت سیاسی قرار می‌گیرند - در این مقاله حائز اهمیت است. حق شهرنشینی به طور دقیق‌تر، مفهوم شهروندی را از انحصار مشارکت سیاسی بیرون می‌آورد. بدین ترتیب افرادی که به طور قراردادی از مشارکت سیاسی محروم هستند (مهاجران، افراد زیر سن قانونی رأی، اقلیت‌های مذهبی در برخی کشورها و ...) نیز به زمره افراد محق به شهر می‌پیوندند. در برخی کشورها از جمله ایران، مشارکت شهروندی کودکان و نوجوانان در جامعه، تنها به حق رأی در سن مشخص محدود می‌شود؛ به همین ترتیب، کودکان ایرانی تا سن ۱۸ سال، عموماً از تمامی فرآیندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مرتبط با شهر و شهروندی، به طور کامل محروم هستند. به همین دلیل تعریف حق به شهر و به طور خاص، حق شهرنشینی، برای کودکان، متناسب با نیازهای فضایی و توانایی‌های متغیر آنان در سنین مختلف امری ضروری است. بر این اساس و با توجه به دیاگرام ارتباطی مفهوم حق به شهر، مدل مفهومی زیر تبیین می‌گردد. بر اساس مطالعات انجام شده در خصوص مفهوم حق بر شهر و شهر متناسب با نیاز کودک، چهار مؤلفه اصلی شمولیت اجتماعی، حاکمیت شهری، دسترسی فضایی و تنوع و سرزندگی به اجتماعی، حاکمیت شهری، دسترسی فضایی و تنوع و سرزندگی به عنوان حق بر شهر معرفی می‌گردد. تصویر شماره ۱ مدل مفهومی اولیه حق بر شهر را نشان می‌دهد.

در بخش مطالعات کیفی، جامعه آماری شامل افراد متخصص و صاحب نظر و همچنین اساتید دانشگاه در رشته شهرسازی هستند که تعداد ۳۲ نفر با روش نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک گلوله برفی به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند. به منظور تولید داده‌ها از روش مصاحبه فردی نیمه ساختارمند (که از نظر انعطاف‌پذیری و عمیق بودن، مناسب پژوهش‌های کیفی است) استفاده شد. هر مصاحبه به طور میانگین از ۲۵ تا ۴۰ دقیقه طول کشید. بر اساس مطالعات اسنادی و مدل مفهومی اولیه به دست آمده در بخش نخست، سؤال‌های مصاحبه با تکیه بر اهداف جزئی و سؤال‌های تحقیق به صورت نیمه‌ساختاری تنظیم گردید. سئوالات مطرح شده مشتمل بر ۱۲ سؤال، در خصوص مؤلفه‌های مربوط به مفهوم عدالت اجتماعی، ایجاد حس برابری و به رسمیت شناختن حق کودک بر شهر، تقویت حمایت اجتماعی، جلوگیری از تبعیض و جلوگیری از تجاری‌سازی فضاهای عمومی و ایجاد و ارتقای حس خلاقیت، ایجاد فضاهای مناسب خاطره‌انگیز و همچنین ایجاد فضاهای امن و ... بود و از مصاحبه شونده‌گان خواسته شد که پاسخ خود را آزادانه بیان کنند. به منظور تحلیل داده‌های کیفی و کدگذاری و بررسی میزان فراوانی کدهای مستخرج از پرسشنامه از نرم‌افزار NVivo استفاده شد. در انتها، مدل مفهومی و مؤلفه‌های مفهوم حق به شهر در راستای ارتقای کیفیت فضای شهری برای کودکان ارائه شد. برای بررسی چگونگی روابط و میزان پشتیبانی مؤلفه‌های حق کودک به شهر از کیفیت زیستی فضای شهری از آزمون رگرسیون چند متغیره استفاده گردید. نتایج آزمون رگرسیون ارائه معادلاتی است که حاکی از میزان تأثیرگذاری متغیرها هستند. شاخص کیفیت زیستی به عنوان متغیر وابسته و مؤلفه‌های حق کودک به شهر (حاکمیت، شمولیت اجتماعی، دسترسی فضا و تنوع و سرزندگی) به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شدند. آزمون رگرسیون چند متغیره، میزان تأثیر هر یک از مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌های حق کودک به شهر بر ارتقای کیفیت فضای شهری برای کودکان را نشان می‌دهد.



تصویر شماره ۱: مدل مفهومی اولیه حق بر شهر

۴٫۱. کد گذاری داده‌های حاصل از مصاحبه در نرم‌افزار NVivo به طور کلی، در کد گذاری باز قصد آن بود تا داده‌ها و پدیده‌ها در قالب مفاهیم درآید. برای نمایش روابط موجود میان مقولات، نرم‌افزار NVivo از الگوریتم‌های خوشه‌بندی گوناگونی برای گروه‌بندی سلول‌های مشابه استفاده و آن را استاندارد و ترکیب می‌کند. از آنجاکه در مقاله حاضر به صورت ترکیبی از روش‌های «فراترکیب» و «تحلیل محتوا» استفاده شده، ابتدا مفهوم حق بر شهر با روش فراترکیب بررسی شد و مدل مفهومی اولیه که شامل چهار مؤلفه اصلی است (تصویر شماره ۱)، ارائه گردید و در ادامه به کمک روش تحلیل محتوا کدهای باز در راستای مؤلفه‌های بیان شده که بستر مصاحبه نیمه ساختارمند را فراهم نمودند، استخراج شدند. گفتنی است، از نرم‌افزار NVivo برای تحلیل داده‌های کیفی استفاده شد. جدول شماره ۳ مؤلفه‌ها و کدهای باز مربوط به هر مؤلفه با توجه به تعداد فراوانی ارجاعات را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳: کد گذاری باز داده‌های حاصل از مصاحبه با توجه به تعداد ارجاعات مفهوم حق کودک بر شهر

تعداد ارجاعات	کدهای باز اولیه	تعداد ارجاعات	کدهای باز اولیه
۱۸	دسترسی به عدالت	۱۹	به رسمیت شناسی
۱۸	ریتم و فرایندهای طبیعی	۱۷	تشویق به تعامل و حیات جمعی
۱۹	طرح‌های مبتنی بر طبیعت	۲۰	تشویق کودکان به مشارکت
۲۰	عدالت اداری	۱۹	تقویت احساس تعلق به فضا
۲۱	غنای اطلاعات که جست و جو و کنجکاوی را تحریک کند	۱۹	تنوع و برابری
۲۱	فضای امن در مقابل فضای امنیتی	۱۹	جشن‌های بومی و محلی کودک محور
۲۱	فضای بازی رایگان	۲۳	جشنواره‌های کودک محور
۱۷	فضای مناسب خاطره‌سازی	۱۷	جلوگیری از تجاری‌سازی فضای عمومی
۲۴	هماهنگی با زبان گروه‌های انسانی	۲۱	حفاظت از شهروند آسیب‌پذیر
۲۱	در دسترس بودن پلیس محلی	۲۱	حق به برخورداری از آموزش
۲۱	دسترسی آسان	۱۸	حمل و نقل ارزان
مجموع تعداد ارجاعات: ۴۵۵		۲۱	خدمت‌رسانی به ساکنان

آمده از مطالعه اسناد بالادستی و مصاحبه‌های عمیق و مقوله‌بندی آنها، ۱۳ مؤلفه به دست آمده است.

همان‌گونه که در بخش روش‌شناسی بیان گردید، در مرحله نخست از روش تحلیل محتوا برای ارائه مدل مفهومی اولیه استفاده گردید. در راستای تحلیل بخش نخست، چهار مؤلفه حاکمیت شهری، دسترسی فضایی، شمولیت اجتماعی و تنوع و سرزندگی به عنوان مؤلفه‌های اصلی مدل مفهومی ثانویه ارائه شدند. در راستای مؤلفه‌های بیان شده، ساختار مصاحبه تنظیم و با روش داده بنیاد به تحلیل مؤلفه‌ها و ایجاد زیر درون مایه‌های مرتبط با هر مؤلفه اقدام گردید. در راستای تحلیل گام دوم پژوهش، ۴۵۵ کد اولیه (تعداد ارجاعات) استخراج گردید. با بازبینی متعدد و ادغام کدها بر اساس تشابه در طی چندین مرحله، در نهایت ۳۲ کد اولیه، ۱۳ کد محوری و چهار کد گرینشی برای مفهوم حق کودک بر شهر استخراج گردید.

۴٫۱٫۱. کد گذاری محوری داده‌های حاصل از مصاحبه

هدف از این مرحله برقراری رابطه بین طبقه‌های تولید شده در مرحله کد گذاری باز است. در گام دوم این پژوهش بر اساس داده‌های به دست

کد محوری			
Name	Sources	References	Created On
فضای مناسب خاطره سازی	2	17	ب.ظ 12/17/2020 02:55
فضای بازی رایگان	3	21	ب.ظ 12/17/2020 02:48
فضای امن در مقابل فضای امنیتی	3	21	ب.ظ 12/17/2020 02:58
عدم تبعیض	3	24	ق.ظ 12/17/2020 01:01
عدالت	3	38	ب.ظ 12/16/2020 11:34
زیست با عزت	3	101	ق.ظ 12/17/2020 12:40
حمایت اجتماعی	3	63	ق.ظ 12/17/2020 12:17
حق به تفریح	3	19	ب.ظ 12/17/2020 02:59
جلوگیری از تجاری‌سازی فضای عمومی	2	17	ب.ظ 12/17/2020 02:42
توجه به خلاقیت و یادگیری	3	58	ب.ظ 12/17/2020 02:50
تصمیم سازی با مشارکت کودکان	3	20	ب.ظ 12/17/2020 02:41
تشویق به تعامل و حیات جمعی	2	17	ب.ظ 12/17/2020 03:02
پاسخگویی فضا	3	39	ب.ظ 12/17/2020 02:47

تصویر شماره ۲: درون مایه‌ها بر اساس تعداد ارجاعات

مؤلفه‌های یادشده منجر به ظهور مفهوم حق کودک بر شهر می‌شوند؟ و در نهایت، مقوله‌ها و مفاهیم اصلی کدام هستند. جدول شماره ۴ کدگذاری محوری و گزینشی داده‌های حاصل از مصاحبه را نشان می‌دهد.

۴،۱،۲. کدگذاری انتخابی (گزینشی) داده‌های حاصل از مصاحبه کدگذاری انتخابی (بر اساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری) مرحله اصلی نظریه‌پردازی است. توصیفی کافی از مؤلفه‌های حق کودک بر شهر است و ارزیابی مجدد محورها این سؤال را خلق می‌کند که چگونه

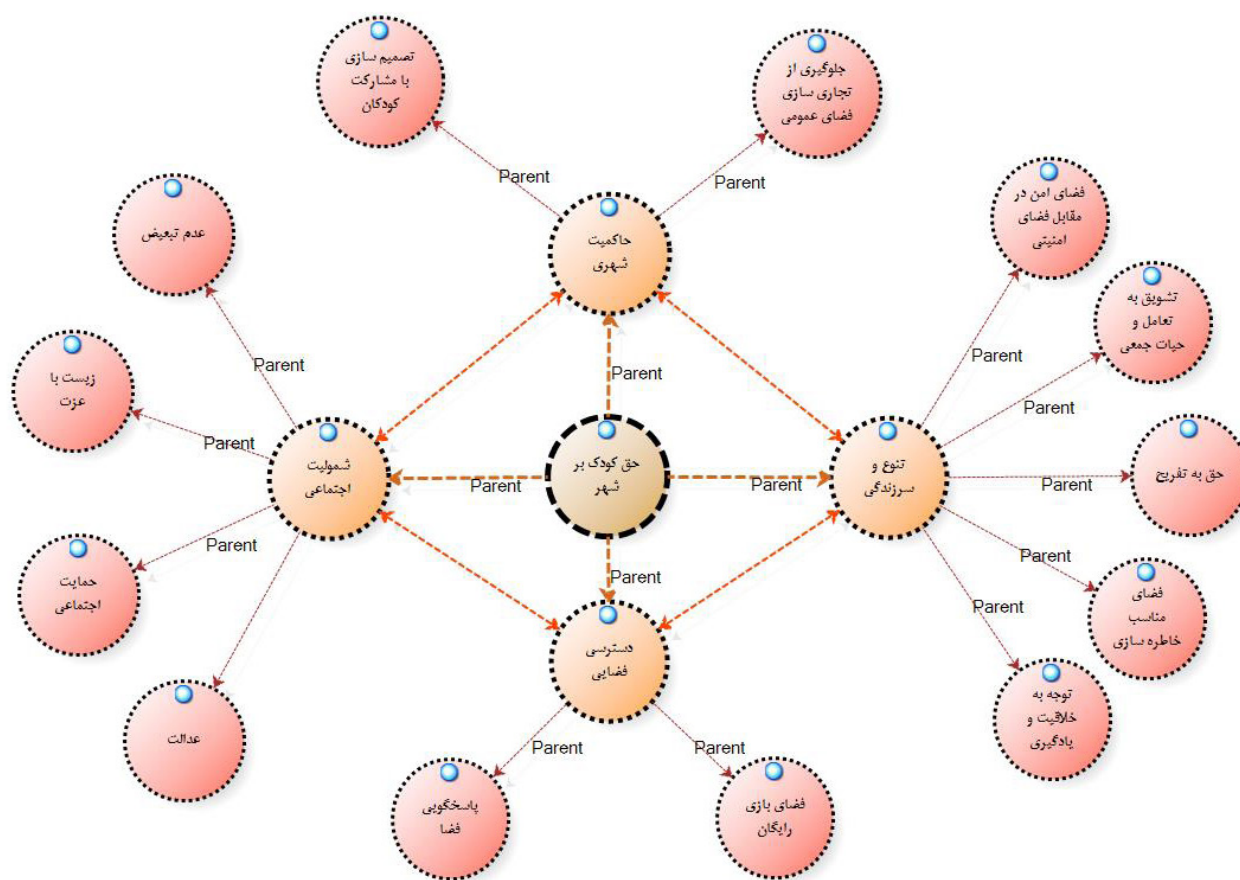
Name	Sources	References	Created On
حق کودک بر شهر	0	0	12/19/2020 05:41 ب.ظ
شمولیت اجتماعی	3	226	12/17/2020 02:38 ب.ظ
عدم تبعیض	3	24	12/17/2020 02:38 ب.ظ
عدالت	3	38	12/17/2020 02:38 ب.ظ
زیست با عزت	3	101	12/17/2020 02:38 ب.ظ
حمایت اجتماعی	3	63	12/17/2020 02:38 ب.ظ
دسترسی فضایی	3	60	12/17/2020 02:49 ب.ظ
فضای بازی رایگان	3	21	12/17/2020 02:49 ب.ظ
پاسخگویی فضا	3	39	12/17/2020 02:49 ب.ظ
حاکمیت شهری	3	37	12/17/2020 02:44 ب.ظ
جلوگیری از تجاری	2	17	12/17/2020 02:44 ب.ظ
تصمیم سازی با مشا	3	20	12/17/2020 02:44 ب.ظ
تشویق کودکان ب	3	20	12/17/2020 02:44 ب.ظ
تنوع و سرزندگی	3	132	12/17/2020 03:02 ب.ظ
فضای مناسب خاطره	2	17	12/17/2020 03:03 ب.ظ
فضای امن در مقابل	3	21	12/17/2020 03:03 ب.ظ
حق به تفریح	3	19	12/17/2020 03:03 ب.ظ
توجه به خلاقیت و یاد	3	58	12/17/2020 03:03 ب.ظ
غناى اطلاعات	3	21	12/17/2020 03:03 ب.ظ
طرحهای مبتنی	3	19	12/17/2020 03:03 ب.ظ
ریتم و فرآیند ها	3	18	12/17/2020 03:03 ب.ظ
تشویق به تعامل و حی	2	17	12/17/2020 03:03 ب.ظ

تصویر شماره ۳: زیر درون مایه‌ها بر اساس تعداد ارجاعات

جدول شماره ۴: کدگذاری محوری و گزینشی داده‌های حاصل از مصاحبه با توجه به تعداد ارجاعات مفهوم حق کودک بر شهر

کد گزینشی	کد محوری	کد باز
تنوع و سرزندگی	تشویق به تعامل و حیات جمعی	-
	توجه به خلاقیت و یادگیری	ریتم و فرایندهای طبیعی طرح‌های مبتنی بر طبیعت غناى اطلاعات که جست و جو و کنجکاوی را تحریک کند.
	حق به تفریح	جشن‌های بومی و محلی کودک محور
	فضای امن در مقابل فضای امنیتی	-
	فضای مناسب خاطره سازی	-
حاکمیت شهری	تصمیم‌سازی با مشارکت کودکان	تشویق کودکان به مشارکت
	جلوگیری از تجاری سازی فضای عمومی	-
شمولیت اجتماعی	حمایت اجتماعی	حفاظت از شهروند آسیب پذیر خدمت‌رسانی به ساکنان در دسترس بودن پلیس محلی
	زیست با عزت	به رسمیت شناسی تقویت احساس تعلق به فضا تنوع و برابری جشنواره‌های کودک محور حق به برخورداری از آموزش
	عدالت	دسترسی به عدالت عدالت اداری
	عدم تبعیض	هماهنگی با زبان گروه‌های انسانی
دسترسی فضایی	پاسخگویی فضا	حمل و نقل ارزان دسترسی آسان
	فضای بازی رایگان	-

در ادامه، تصویر شماره ۴ درون مایه‌ها و زیر درون مایه‌های چهار مؤلفه اصلی حق بر شهرا با توجه به تحلیل‌ها و فراوانی به دست آمده نشان می‌دهد.



تصویر شماره ۴: ترسیم روابط درون مایه و زیر درون مایه‌های حق کودک به شهر

۴,۲. تکمیل پرسشنامه

در بخش مطالعات کمی، از آنجا که پرسشنامه متخصص محور است، جامعه آماری شامل افراد متخصص و صاحب نظر در رشته شهرسازی و مدیران و سایر تصمیم‌گیران در امور مربوط به مسائل شهر تهران هستند. با توجه به زمان، امکانات و مقدرات پژوهش، از روش نمونه‌گیری برای شناخت جامعه آماری مورد نظر بهره‌گیری شد. برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران با در نظر گرفتن ۰/۰۵ خطا استفاده گردید و عدد ۲۱۸ نفر برای حجم نمونه تعیین شد. از آنجا که رعایت اصل احتمال و شانس مساوی برای هر یک از افراد جامعه باعث می‌شود که نمونه منتخب معرف جامعه باشد و از ارزش علمی برخوردار بوده و صفات آن با صفات جامعه همخوانی و یکنواختی داشته باشد، از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای فضایی استفاده شده است که از الگوی ترکیبی سازمان سلسله‌مراتبی، در چارچوب تقسیمات کشوری تبعیت می‌کند. لازم به توضیح است، پرسشنامه یادشده براساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت تنظیم گردیده است.

۴,۲,۱. شاخص‌های آمار توصیفی مرتبط با مؤلفه‌های حق کودک بر

شهر

در جدول شماره ۵ آمار توصیفی نشان داده می‌شود، میانگین مؤلفه‌های حق کودک بر شهر (حاکمیت شهری، شمولیت اجتماعی، دسترسی فضایی و تنوع و سرزندگی) به تفکیک بیان شده است. مؤلفه شمولیت اجتماعی در پرسشنامه در سئوال‌ات (Q1-Q4) مطرح گردیده است که میانگین آن ۳,۲۳۳۵ است. مؤلفه حاکمیت در سئوال‌ات (Q5-Q6) مطرح شده و مؤلفه تنوع و سرزندگی در سئوال‌ات (Q6-Q13) بررسی شده است که میانگین آن ۲,۷۸۶۶ است. با توجه به جدول شماره ۵، بین مؤلفه‌های حق کودک بر شهر بیشترین میانگین مربوط به مؤلفه حاکمیت شهری با میانگین ۳,۴۱۱۰ است و کمترین میانگین مربوط به مؤلفه تنوع و سرزندگی با میانگین ۲,۷۸۶۶ است و در کل میانگین مؤلفه‌های حق کودک بر شهر ۳,۱۴۳۷ بوده که از میانه نظری یعنی عدد ۳ بالاتر است.

جدول شماره ۵: میانگین امتیاز متغیرهای مرتبط با حق به شهر

متغیر	حاکمیت شهری	دسترسی فضایی	تنوع و سرزندگی	شمولیت اجتماعی	میانگین
میانگین امتیاز	۳,۴۱۱۰	۳,۱۴۴۰	۲,۷۸۶۶	۳,۲۳۳۵	۳,۱۴۳۷

۴،۲،۲. سنجش میزان روایی و پایایی سئوالات پرسشنامه

در این مقاله، برای سنجش صحت سئوالات پرسشنامه و بررسی میزان روایی آن، که بیان می‌دارد که آیا پرسشنامه برای پژوهش مناسب است یا خیر، از اساتید راهنما و مشاور و همچنین پژوهش‌های گذشته کمک گرفته شده است.

به منظور بررسی پایایی یا اعتبار پرسشنامه از روش تحلیل قابلیت اطمینان استفاده شده است. برای این منظور ضرایب آلفای کرونباخ با فرمول زیر برای تمامی سئوالات محاسبه شد.

$$r_a = \frac{j}{j-1} \left(1 - \frac{\sum s_j^2}{s^2} \right)$$

ل: تعداد زیر مجموعه‌های سؤال‌های پرسشنامه

واریانس نمرات هر زیر مجموعه: s_j^2

واریانس کل: s^2

با توجه به مبانی آماری در تحلیل پرسشنامه، چنانچه ضریب آلفا بزرگتر از ۰،۷ باشد، سطح دقت سؤال مورد نظر در حد قابل قبولی است. چنانچه ضریب آلفای کرونباخ کمتر از ۰،۷ باشد، برای افزایش پایایی پرسشنامه آن سؤال حذف می‌شود. با توجه به این که آلفای هیچ کدام از سئوالات کمتر از ۰،۷ نشد، بنابراین نیازی به حذف سؤال نبود. جدول شماره ۶، میانگین ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای سئوالات پرسشنامه را نشان می‌دهد. با توجه به این که ضریب یادشده برای تمام سئوالات از ۰،۷ بیشتر است و میانگین کل ۰،۸۵۱ است، پرسشنامه یادشده از پایایی لازم برخوردار بوده و نیاز به حذف سؤال نیست.

جدول شماره ۶: ضریب آلفای کرونباخ

تعداد سئوالات	ضریب آلفای کرونباخ
۱۶	۰،۸۵۱

۴،۳. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها

بر پایه پژوهش‌های گوناگون صورت گرفته در نقاط مختلف جهان و نیز نمونه‌های ارائه شده، ضرورت مطالعه و بررسی مفهوم حق کودک بر شهر برای ارتقای کیفیت محیط دو چندان است. به استناد مطالعات صورت گرفته پیرامون مفاهیم بیان شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که تمامی این پژوهش‌ها بر ضرورت ایجاد شهرهای کودک محور با نگاه تحقق حقوق کودکان توافق نظر دارند.

سؤال نخست پژوهش: مؤلفه‌های مفهوم حق کودک بر شهر چیست؟

همان طور که در بخش روش‌شناسی پژوهش بیان گردید، در ابتدا در بخش ادبیات موضوع به روش فرا ترکیب (متاستز) و با توجه به

اسناد و مدارک که شامل کتب و پایان‌نامه‌ها و سایر پایگاه‌های علمی معتبر هستند، مدل مفهومی اولیه «حق به شهر» ارائه گردید (تصویر شماره ۲). متناسب با مدل ارائه شده، چهار مؤلفه به عنوان مؤلفه‌های محوری و اساسی تشکیل دهنده شالوده اصلی تحقق مفهوم حق کودک بر شهر هستند. این مؤلفه‌ها عبارتند از: شمولیت اجتماعی، حاکمیت اجتماعی، دسترسی فضایی و تنوع و سرزندگی. در ادامه در راستای مؤلفه‌های بیان شده و بر اساس روش‌شناسی پژوهش در این بخش و در گام دوم با روش تحلیل محتوا و نرم‌افزار NVivo به تبیین مؤلفه‌های حق کودک به شهر پرداخته شد. (تصویر شماره ۶) مؤلفه (درون مایه‌ها و زیر درون مایه‌ها) ی حق کودک به شهر را با توجه به تعداد ارجاعات نشان می‌دهد. بر اساس آن، درون مایه‌های اصلی مؤلفه شمولیت اجتماعی شامل حمایت اجتماعی، زیست با عزت، عدالت و عدم تبعیض هستند که در مجموع ۲۲۶ کد را به خود اختصاص داده و بیشترین فراوانی را داراست (رجوع شود به تصویر شماره ۳).

سؤال دوم پژوهش: مؤلفه‌های حق کودک به شهر چگونه منجر به ارتقای کیفیت فضای شهری می‌شوند؟

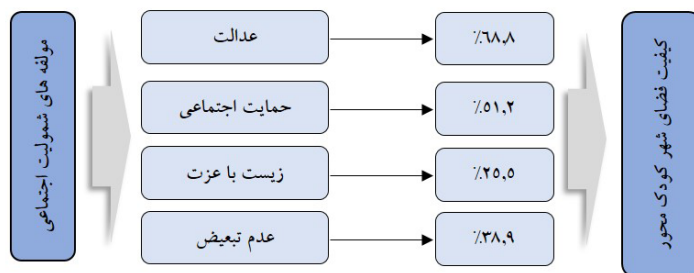
در راستای بررسی چگونگی تأثیر مؤلفه‌ها بر خلق مفهوم حق کودک بر شهر، همان طور که اشاره گردید بر اساس مؤلفه‌های حاصل از گام نخست پژوهش، مصاحبه نیمه ساختارمند صورت گرفت و روابط علی و معلولی مؤلفه‌ها برای تحقق هدف اصلی پژوهش بررسی گردید و مدل مفهومی نهایی پژوهش ارائه گردید (تصویر شماره ۶).

در ادامه برای بررسی چگونگی روابط و میزان پشتیبانی مؤلفه‌های حق کودک به شهر از کیفیت فضای شهری از آزمون رگرسیون چند متغیره استفاده گردید. نتایج آزمون رگرسیون ارائه معادلاتی است که حاکی از میزان تأثیرگذاری متغیرها هستند. شاخص کیفیت زیستی به عنوان متغیر وابسته و مؤلفه‌های حق کودک به شهر به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده‌اند که عبارتند از حاکمیت، شمولیت اجتماعی، دسترسی فضایی و تنوع و سرزندگی.

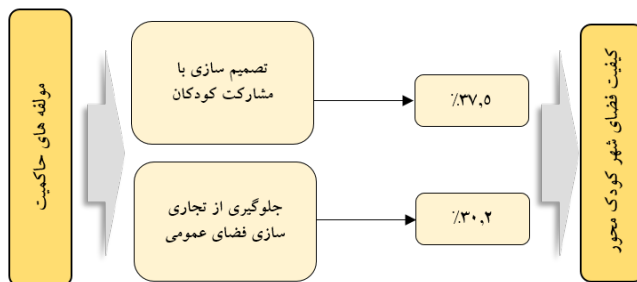
به منظور بررسی میزان تأثیرگذاری، ابتدا همبستگی و میزان تأثیرگذاری هر یک از مؤلفه‌های حق کودک به شهر بر کیفیت زیستی به تفکیک بررسی شد. طبق نتایج میزان پاسخ‌دهندگی فضا و فضای بازی (معیارهای دسترسی فضایی) به ترتیب ۳۴،۱ درصد و ۲۱،۴ درصد بر کیفیت زیستی در راستای رسیدن به مفهوم حق کودک به شهر تأثیر مثبت دارد. مؤلفه‌های عدم تبعیض، زیست با عزت، حمایت اجتماعی و عدالت (معیارهای شمولیت اجتماعی) به ترتیب ۳۸،۹ درصد، ۲۵،۵ درصد، ۵۱،۲ درصد و ۶۸،۸ درصد بر کیفیت زیستی فضای شهر تأثیرگذار خواهد بود. چگونگی تأثیرگذاری سایر مؤلفه‌ها به همراه معادلات مربوطه به طور مجزا در ادامه نشان داده شده است.

بر اساس معادله فوق مؤلفه حاکمیت شهری ۳۵،۵ درصد در میزان حصول مفهوم حق کودک به شهر مؤثر است و سایر مؤلفه‌ها شامل شمولیت اجتماعی، دسترسی فضایی و تنوع - سرزندگی به ترتیب ۳۱،۲ درصد، ۲۸،۹ درصد و ۱۴،۶ درصد در موفقیت و حصول حق کودک به شهر نقش ایفای نماید.

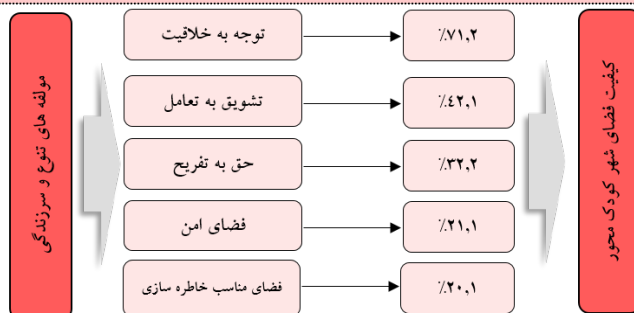
عدم تبعیض (۰,۳۸۹) + زیست با عزت (۰,۲۵۵) + حمایت اجتماعی (۰,۵۱۲) + عدالت (۰,۶۸۸) + کیفیت فضای شهری = ۲,۴۲۱



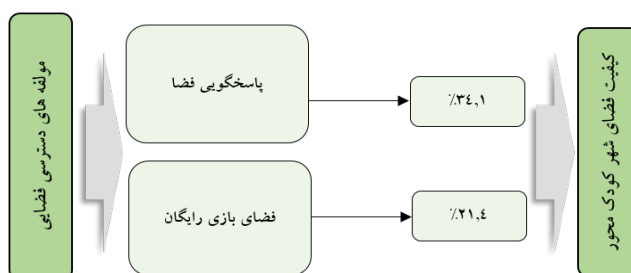
جلوگیری از تجاری سازی فضای عمومی (۰,۳۰۲) + تصمیم سازی با مشارکت کودکان (۰,۳۷۵) + کیفیت فضای شهری = ۱,۵۶۱



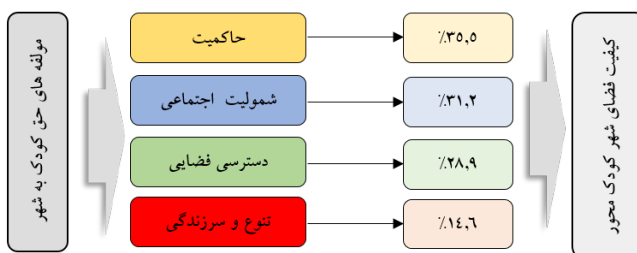
فضای امن (۰,۲۱۱) + حق به تفریح (۰,۳۳۲) + تشویق به تعامل (۰,۴۲۱) + توجه به خلاقیت (۰,۷۱۲) + کیفیت فضای شهری = ۱,۶۲۱
فضای مناسب خاطره سازی (۰,۲۰۱) +



فضای بازی رایگان (۰,۲۱۴) + پاسخگویی فضا (۰,۳۴۱) + کیفیت فضای شهری = ۲,۲۱۳



تنوع و سرزندگی (۰,۱۴۶) + دسترسی فضایی (۰,۲۸۹) + شمولیت اجتماعی (۰,۳۱۲) + حاکمیت (۰,۳۵۵) + کیفیت فضای شهری = ۲,۳۴۵



تصویر شماره ۵: نتایج حاصل از آزمون رگرسیون مؤلفه ها و زیرمؤلفه های حق کودک به شهر

در راستای ارتقای کیفیت فضاهای شهری برای کودکان

۵. نتیجه گیری

حق به شهر یک حق انسانی است که شامل تعلق یافتن شهر به شهروندان و مشارکت آنها در امور شهری، فارغ از سن، جنس، نژاد، ملیت، قومیت یا مذهب و تنها به دلیل «انسان بودن» آنهاست. بر این اساس کودکان، به عنوان گروهی از شهروندان به دلیل شرایط جسمی و روحی و نیازهای خاصشان از یک سو و عدم توجه به آنها در امور شهری از سوی دیگر، بایستی مورد توجه قرار گیرند. با این دیدگاه، ضرورت مطالعه و بررسی مفهوم حق کودک بر شهر برای ارتقای کیفیت محیط شهر احساس می‌شود. در بسیاری از شهرهای ایران، به ویژه در کلانشهر تهران، آمار کودکان کار که اکثریت بازمانده از تحصیل هستند، فقدان امنیت کافی در فضای شهری و مشکلات زیست محیطی مانند آلودگی هوا نشان‌دهنده این است که این شهر با معیارهای مرتبط با حقوق کودکان فاصله دارد.

این مقاله به دنبال یافتن چستی مؤلفه‌های حق به شهر برای کودکان و بررسی چگونگی ارتقای کیفیت فضای شهری بر مبنای مؤلفه‌های حق به شهر است. در این راستا، ادبیات تحقیق مرتبط با حق به شهر و جایگاه کودکان در فضای شهری و حقوق کودکان در این فضاها و شاخص‌ها و معیارهای فضاهای شهری کودک‌مدار با استفاده از تکنیک مطالعه اسنادی مورد بررسی قرار گرفت و سپس با روش فراترکیب (سنتز مطالعات کیفی به صورت تفسیری) مدل مفهومی اولیه حق کودک به شهر تبیین گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد که مؤلفه‌های اصلی مدل مفهومی اولیه، مشتمل بر چهار بخش حکمروایی شهری، شمولیت اجتماعی، تنوع و سرزندگی و دسترسی فضایی است.

برای بسط مدل مفهومی اولیه و شناسایی مؤلفه‌های ثانویه حق کودک به شهر از روش مصاحبه نیمه‌ساختارمند استفاده شد و یافته‌های حاصل از مصاحبه در قالب کدهای باز (مجموعاً مشتمل بر ۴۵۵ ارجاع) استخراج گردید. با بازبینی متعدد و ادغام کدها بر اساس تشابه در طی چندین مرحله، در نهایت ۳۲ کد اولیه، ۱۳ کد محوری و چهار کد گزینشی برای مفهوم حق کودک بر شهر استخراج گردید. به منظور بررسی میزان تأثیرگذاری هر یک از مؤلفه‌های حق کودک به شهر، ابتدا همبستگی و میزان تأثیرگذاری هر یک از این مؤلفه‌ها بر کیفیت فضای شهری به تفکیک بررسی شد.

طبق نتایج، میزان پاسخ‌دهندگی فضا و فضای بازی (مؤلفه دسترسی فضایی) به ترتیب ۳۴٫۱ درصد و ۲۱٫۴ درصد بر کیفیت فضاهای شهری در راستای رسیدن به مفهوم حق کودک به شهر تأثیر مثبت دارد. در واقع، مثلاً به ازای افزایش یک واحد در شاخص پاسخگویی فضا، میزان ۳۴٫۱ درصد در ارتقای کیفیت فضای شهری تغییر در جهت مثبت روی خواهد داد (با فرض ثابت بودن عوامل دیگر معادله).

همچنین جلوگیری از تجاری‌سازی فضای عمومی و تصمیم‌سازی با مشارکت کودکان (مؤلفه حاکمیت شهری) نیز به ترتیب ۳۰٫۲ درصد و ۳۷٫۵ درصد در ارتقای کیفیت فضاهای شهری تأثیر مثبت خواهند گذاشت. به این معنا که مثلاً به ازای افزایش یک واحد در شاخص تصمیم‌سازی با مشارکت کودکان، میزان ۳۷٫۵ درصد در ارتقای کیفیت فضای شهری تغییر در جهت مثبت روی خواهد داد (با فرض ثابت بودن عوامل دیگر معادله).

توجه به خلاقیت، تشویق به تعامل، حق به تفریح، فضای امن، فضای مناسب خاطره‌سازی (مؤلفه تنوع و سرزندگی) به ترتیب ۷۱٫۲ درصد، ۴۲٫۱ درصد، ۳۲٫۲ درصد، ۲۱٫۱ درصد و ۲۰٫۱ درصد بر کیفیت فضاهای شهری برای کودکان تأثیر خواهد گذاشت. به عبارتی، مثلاً به ازای افزایش یک واحد در شاخص توجه به خلاقیت، میزان ۷۱٫۲ درصد در ارتقای کیفیت فضای شهری تغییر در جهت مثبت روی خواهد داد (البته با فرض ثابت بودن عوامل دیگر معادله).

عدم تبعیض، زیست با عزت، حمایت اجتماعی و عدالت (مؤلفه شمولیت اجتماعی) به ترتیب ۳۸٫۹ درصد، ۲۵٫۵ درصد، ۵۱٫۲ درصد و ۶۸٫۸ درصد بر کیفیت زیستی فضای شهر تأثیرگذار خواهد بود. به عبارتی، به ازای افزایش یک واحد در شاخص عدالت، میزان ۶۸٫۸ درصد در ارتقای کیفیت فضای شهری تغییر در جهت مثبت روی خواهد داد (با فرض ثابت بودن عوامل دیگر معادله).

به همین صورت در آزمون رگرسیون مؤلفه‌های اصلی حق کودک به شهر، با افزایش یک واحد شمولیت اجتماعی ۵۱٫۲ درصد در ارتقای کیفیت فضای شهری افزایش روی خواهد داد. بر همین رویه با افزایش یک واحد شاخص زیست با عزت، به میزان ۲۵٫۵ درصد افزایش مشاهده خواهد شد. با افزایش یک واحد در شاخص عدم تبعیض ۳۸٫۹ درصد افزایش خواهیم داشت. معادله رگرسیونی فوق تأییدی بر پشتیبانی معیارهای شمولیت اجتماعی بر ارتقای کیفیت فضای شهری است.

بر اساس مدل چهار بخشی تصویر شماره ۶، چهار زون اصلی تحقق مفهوم حق کودک بر شهر حاکمیت شهری، شمولیت اجتماعی، دسترسی فضایی و تنوع و سرزندگی است که به ترتیب بر اساس میزان فراوانی، چهار گام برای رسیدن به هدف نهایی پژوهش هستند. بخش زیر درون‌مایه‌ها نیز دارای ساختار پلکانی هستند؛ به این مفهوم که مثلاً در زون تنوع و سرزندگی به ترتیب مفاهیم حق به تفریح، فضای امن در مقابل فضای امنیتی، تعاملات اجتماعی و حیات جمعی و توجه به خلاقیت باید محرز گردد تا بتوان محیط را خاطره‌ساز برای تکمیل زون «تنوع و سرزندگی» دانست و مانند ساختار هرم تا زمانی که پله نخست محقق نگردد، دستیابی به سایر بخش‌ها امکان‌پذیر نیست.

با توجه به نتایج این تحقیق و مؤلفه‌های حق کودک به شهر، پیشنهادهایی به شرح زیر برای ارتقای کیفیت فضای شهری برای کودکان در شهر تهران ارائه می‌شود:

- ایجاد ریتم و فرایندهای طبیعی، استفاده طرح‌های مبتنی بر طبیعت، ایجاد محیط‌های امن برای ارتباط کودکان با همسالان، بازی‌های دسته‌جمعی و افزایش خلاقیت و یادگیری در آنها،
- فراهم آوردن مکان دسترسی سریع، ارزان و امن کودکان به وسایل حمل و نقل عمومی، ایجاد یا مناسب‌سازی فضاهای بازی رایگان در سطح محلات و در نزدیکی محل‌های سکونت،
- تشویق کودکان به مشارکت در امور شهر، فضاهای شهری و محلات با ایجاد آگاهی و آشنایی کودکان با امور مرتبط با شهر از طریق درج در کتب درسی و آموزش در مدارس و یا برگزاری جشنواره‌های کودک محور و همچنین از طریق آموزش در رسانه‌های جمعی (رادیو، تلویزیون و ...)



تصویر شماره ۶: مدل مفهومی (چگونگی) تحقق حق کودک بر شهر

References:

- Anna, Domaradzka. (2019). The un-equal playground: Developers and urban activists struggling for the right to the city. *Geoforum*. doi:10.1016/j.geoforum.2019.01.013
- Ataei, E. Torabi, Z. Panahi, S (2021). Jaygahe Koodakan-e Afarineshgar Va Khalagh dar fazahaye Zist-e Shahri ba takid bar Moalefehaye Mosharekatpaziri va hesse Ta.allogh be Mohit. [The place of creative children in urban spaces with emphasis on the components of participation and sense of belonging to the environment]. *Modiriyate Shahri Va Roostayi*. (63) -61-80 [in Persian]
- Bahrapour, A. Malek Afzali, A. (2018) Naghsh-e Moalefe-ye Imeni Va Amniyat-e Fazaha-ye Shahri dar Hozorpaziri-ye Koodakan (Mahale-ye Fatemi, Mantaghe-ye 6 Tehran) [The role of the safety and security component of urban spaces in children's attendance (case study: Fatemi neighborhood in district 6 of Tehran)], *Shahr-e Irani-Eslami* (33) 39-50 [in Persian]
- Brown, A., Kristiansen, A. (2009). Urban Policies and the Right to the City: Rights, Responsibilities and Citizenship. UN-HABITAT, Policy Paper Series on Management of Social Transformations. Retrieved from <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000178090>
- ایجاد امکان حفاظت از کودکان آسیب پذیر (کودکان کار، کودکان معلول و ...)، ایجاد حق برابری و برخورداری از خدمات آموزشی، تفریحی، درمانی و ... ،
- در دسترس بودن پلیس محلی برای ایجاد امنیت در سطح محلات و در فضاهای بازی کودکان و ...
- تلاش در جهت رفع آلودگی های زیست محیطی.

- Droseltis, Orestis and Vivian L Vignoles (2010), Towards an Integrative Model of Place Identification: Dimensionality and Predictors of Intrapersonal-Level Place Preferences, *Journal of Environmental Psychology*, 30, pp 23-34
- Eghbal Moghaddam, R. Zareyi, M (2018) Tadvin-e Rhakarha-ye Behine jahate Ijade Amniyate Mohiti Baraye Koodakan, ba Mehvariyat-e Shakhshah-ye Faza-ye Matloob-e Koodak (Mahaleye Oudlajan), 83 [Providing of optimal strategies for creating environmental security for children with a focus on Indicators of the desirable urban space for children (Case study: Udlajan neighborhood)], *Motaleat-e Modiriyat-e Shahri* 10 (33) 71- [in Persian]
- Ekawati, A. (2015). Children-friendly streets as urban playgrounds, *Procedia -Social and Behavioral Sciences*, Vol. 179: 94-108.
- Fang, Nan. (2020). Policy innovation on building child friendly cities in China: Evidence from four Chinese cities. *Children and Youth Services Review*, 118. doi:10.1016/j.childyouth.2020.105491
- Flouri, E. Midouhas, E & Joshi, H (2014). The role of urban neighbourhood green space in children's emotional and behavioural resilience. *Journal of Environmental Psychology*, 40. 179-186
- Ghaemi, P (2010), Faza-ye Moharek-e Khalaghiyat-e Koodakan va Ahamiyat-e Mohit Baraye Bazi Va Kavosh dar Tabiat, [Stimulating spaces for children's creativity and the importance of the environment for playing and exploring nature] *Jostarha-ye Shahrsazi*. 9(34) 164-169 [in Persian]
- Hosseini, B. Farhang, M. Bagheri, M. Azemati, H (2007) Naghsh-e Faza-ye Baz-e Mahalle Dar Roshd Va Khallaghiyat-e Koodakan [The role of neighborhood open spaces in children's growth and creativity]- *Bagh-e Nazar* 4(8) 59-72- [in Persian]
- Jabareen, Y. (2014). 'The right to the city' revisited: Assessing urban rights-The case of Arab Cities in Israel. *Habitat International*, 41, 135-141
- Lefebvre, H. (1996). *Writing on Cities*, Oxford, Blackwell.
- Lefebvre, H. (2005). *Critique of everyday life; foundations for a sociology of the everyday*, first edition, Translated by John Moore. London: Verso, 2. Retrieved from <http://s3.amazonaws.com/arena-attachments/1675398/422ef3636ae24f9565e5b5cece21bf2.pdf?1517359877>
- Maosheng, Li & Jinshu, Li. (2017). Analysis of Methods of Allocating Grass Space for the Design of Child-friendly Cities: A Case Study of Changsha. *Procedia Engineering*, 198, 790-801. doi:10.1016/j.proeng.2017.07.130
- Mitchel, D. (2003). *The Right to the City: Social Justice and the Fight for Public Space*. New York: Guilford Press. Retrieved from <https://www.guilford.com/books/The-Right-to-the-City/Don-Mitchell/9781572308473>
- Oliver, S. Suzanne M. Hannah, B. Karl, P. Phil, D. Robin, A. K. En-Yi, L. Karen, W. (2015). Associations between the neighbourhood built environment and out of school physical activity and active travel: An examination from the Kids in the City study. *Health & Place*, 36, 57-64. doi:10.1016/j.healthplace.2015.09.005
- Permanasari, E., Mochtar, S., Purisari, R. (2019). Political Representation In Urban Public Space In Jakarta Child-Friendly Public Space (Ruang Publik Terpadu Ramah Anak – RPTRA). *International Journal of Built Environment and Sustainability. IJBES*, Vol. 6, No. 2: 39-49.
- Pourmohammadi, M. Roostaei, S. khezrnezhad, P (2019) Tahlil-e Hagh-e Be Shahr dar Fazaha-ye Omoomi-ye Shahri, Ba Takid bar Rooykard-e Edalat-e Jensiyyati (Shahre Oroumiye) [Analysis of the right to the city in urban public spaces with emphasis on gender Equity Approach. Case Study: Urmia City] *Zan Va Jame-e* 10 (40) 195-221 [in Persian]
- Purcell, M. (2003). Citizenship and the right to the global city: reimagining the capitalist world order. *International Journal of Urban and Regional Research*, 27(3): 564-590. doi:10.1111/1468-2427.00467
- Purcell, M. & Tyman, S K. (2015). Cultivating food as a right to the city. *Local Environment: International Journal of Justice and Sustainability*, 20(10): 1132-1147.
- Shahabadi, H (2003) Moghadame-yi bar Adabiat-e Koodakan: bahs dar Shenakhte Mafhoom-e doran-e Koodaki [Introduction to children's literature: a discussion on understanding the concept of childhood], Tehran, Kanoon-e Parvaresh-e Fekri-ye koodakan Va Nojavanan. [in Persian]
- Sheibani, M (2010) Radd-e Pa-ye koodakan dar Manzar-e Shahri. [Footprints of children in the urban landscape]. *Faslaneme-ye Jostarha-ye Shahrsazi* 9(34) 151 [in Persian]
- Shieh, E (2008) Amadesazi-ye Shahr Baraye

Koodakan,[Responsive Urban Environment for Children] Tehran, Nashr-e Shahr [in Persian]

- UNICEF, Child Friendly Cities Factsheet. (2009). Retrieved November 25, 2016, from Child Friendly Cities). Retrieved from <http://childfriendlycities.org/wp-content/uploads/2013/04/pdf/CFCI-fact-sheet-14-sept-final.pdf>
- Woolcock, G. & Steele, W. (2008). Child-friendly Community Indicators –A Literature Review. Based on a report prepared by Urban Research Program For the NSW Commission for Children & Young People, Griffith University, Queensland.

نحوه ارجاع به مقاله:

تمجیدی، زهرا؛ زرآبادی، زهرا سادات سعیده؛ حبیب، فرح؛ (۱۴۰۱) شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری برای کودکان، بر مبنای مدل مفهومی حق به شهر (نمونه مورد مطالعه: شهر تهران)، مطالعات شهری، ۱۱ (۴۴)، ۱۱۵-۱۳۰. doi: 10.34785/J011.2022.004/ .115-130، 11 (44). Jms.2022.130

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Citation: Tamjidi, Z. Zarabadi, Z. Habib, F. (2022). Identification of the Effective Components to Improve the Quality of Urban Public Spaces for Children Regarding the Conceptual Model of the Right to the City (Case Study: Tehran), *Motaleate Shahri*, 11(44), 115–130. doi: 10.34785/J011.2022.004/Jms.2022.130.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



to the space. As residents of the city, children's right thereto has been neglected in many cases by decision-makers, planners, and even other citizens. Due to the dominance of the ageist culture, children are always ignored in planning and decision-making, and they are left out as isolated, unqualified people in an understanding of their priorities and needs.

Theoretical Framework

The right to the city can be defined and claimed for all its residents. It emphasizes two main rights. The right of allocation is defined for anyone who lives in an urban space on a daily basis, regardless of their nationality, gender, and age, and the right of participation is used to apply the opinions and mental ideals of space users. Children and teenagers are also daily users of urban spaces, although the type of space use by children and teenagers is different due to their age conditions and the restrictions on their independence. However, their right to the city and urban spaces should be recognized, and methods should be provided for their participation in definition and change of the urban space.

Methodology

The purpose of this article is to examine the concept of the right to the city and to identify the factors that are effective in improvement of the appropriateness of the urban public spaces for the presence of children. For this purpose, both qualitative and quantitative research methods were used. Since both types of analysis are interpreted sequentially, the present article falls in the category of sequential-exploratory research. For analysis of the qualitative data, meta-synthesis and Grounded Theory were used, along with the NVivo software, employed to code the data. The data collection method involved documentary research and semi-structured interviews. The multiple regression test was used to investigate the relationships and the level of support between the components of the child's right to the city and the quality of urban spaces.

Results and Discussion

In this research, the urban space quality index was considered as a dependent variable, and the components of the child's right to the city (urban governance, social inclusion, access to spaces, and diversity and vitality) were regarded as independent variables. On that basis, the urban governance component involves 35.5% of the improvement made in the quality of the urban space in order to realize the child's right to the city, and the other components include social inclusion, spatial accessibility, and diversity and vitality, with 31.2%, 28.9%, and 14.6%, respectively. Moreover, the influence of each of the sub-components of the child's right to the city on the quality of urban spaces and the corresponding correlation were investigated separately.

Conclusion

Based on the four-part conceptual model, the four main zones of the concept of the child's right to the city include urban governance, social inclusion, spatial accessibility, and diversity and vitality, which make up four consecutive steps to the final goal of the research based on frequency. The sub-themes exhibit a hierarchical structure. In the zone of diversity and vitality, for example, it can be inferred according to the concepts of the right to recreation, safe spaces versus security spaces, social interactions, and collective life that concern for creativity should be realized so that the environment can be considered memorable to be capable of completing the above zone.

Key words

Right to the City, Grounded Theory, Child, Urban Space, Sense of Belonging

Identification of the Effective Components to Improve the Quality of Urban Public Spaces for Children Regarding the Conceptual Model of the Right to the City (Case Study: Tehran)

Zahra Tamjidi - Department of Urban Development, Faculty of Civil, Art and Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Zahra Sadat Saeideh Zarabadi¹ - Department of Urban Development, Faculty of Civil, Art and Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Farah Habib - Department of Urban Development, Faculty of Civil, Art and Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 25 April 2021 Accepted: 15 April 2022

Highlights

- The right to the city is a human right that concerns citizens' possession of the city and their participation in city affairs, regardless of age, gender, race, nationality, ethnicity, or religion.
- Children are a group of citizens who should be considered in urban planning due to their special physical and psychological conditions.
- The four-part model of "Child's Right to the City" includes the urban governance system, social inclusion, spatial access, diversity and vitality, and relevant components.
- The components of the concept of the child's right to the city are effective in improvement of the quality of urban spaces for children.

Extended abstract

Introduction

The right to the city is an issue of social, political, and legal nature that, based on the concept of citizenship rights, demands a set of rights for all city residents to use urban life in a transparent, fair manner. Urban spaces occupy a major part of the time and space of people's daily lives, and they have young audiences who are much more influenced by environmental factors than adults. Therefore, a part of the function of an urban space should be assigned to children, which makes it particularly important to properly design urban spaces for children as citizens and future builders of the city. The presence of children in the public space of a city provides them with appropriate experiences, including acquaintance with urban geography, appropriate social relations with peer groups, appropriate physical mobility in a wider space than the limited space of the home, enhancement of the sense of belonging to the place, city, and neighborhood, and acquisition of identity through the sense of place. Since children have psychological needs that are much more complex than biological and physical needs, the design of urban spaces taking into account the psychology of development and children's mental characteristics, health, and safety is effective in fostering creativity and strengthening the sense of cooperation and children's education. Despite the global attention paid to children's issues and useful international movements, there is less concern in our country for children's specific issues in the urban arena, and children in cities are faced with many special problems in terms of age and physical and mental conditions, such as non-observance of basic rights, lack of security and safety, insufficient facilities and spaces for activities and games, and consequent lack of feeling of belonging

1 Responsible author: z.zarabadi@srbiau.ac.ir

Citation: Medghalchi, N., Bahraini, SH., Rafeian, M. (2022). The Impact of Information and Communication Technology and the Covid-19 Pandemic (A Systematic Review), *Motaleate Shahri*, 11(44), 95–114. doi: 10.34785/J011.2022.657/Jms.2022.130.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



and the rest appear in books and conference articles. An examination of the frequency of articles shows the growing worldwide trend in concern for this field in urban studies in recent years. According to the analysis made in the research, the use of ICT is applicable to planning theories at all levels, including the two levels of access and data processing and communication independent of time and place. These technologies enhance and promote the development of networks, social cohesion, and smart development of the city. The digital gap is intrinsically related to digital and urban inequalities. In network-oriented cities and societies, the issue of communication poverty is as important as traditional poverty. Many discussions have been raised by researchers on the impact of ICT on the structure and spatial organization of the city. Despite the initial premise of using the technology, which was to reduce concentration and increase urban dispersion, two more approaches, the centralization approach and the dual approach, have also been proposed in the field. The development of ICT has profound consequences on urban economic competitiveness. ICT is the basic driver for smartness in cities. A provider of access to the transfer of information and planning tools, granting the opportunity to share modes of transportation and work from a distance, the technology is of considerable importance for transportation systems. The relationship between the urban public space and technological developments and the development of ICT with the spread of the corona virus has been taken into consideration. Recent studies show that the spread of the corona virus has multiplied the use of ICT, which will definitely change the severity of its impact on urban planning and design more rapidly. Therefore, this article is presented in order to explain the various dimensions of this issue.

Conclusion

Given the application of ICT in the field of urban planning, it is comprehensible that the creation of links with urban planning and design has proceeded slowly despite the increasing development of telecommunication technologies. It is necessary to consider the complex relationship between the city and ICT. On the one hand, the relationship has raised the challenge of polarization, inaccessibility, and urban injustice, and on the other hand, it has involved benefits such as increased participation and social networking, urban innovation and creativity, and urban sustainability and intelligence. In fact, it is necessary to fill the gap between ICT and urban planning. The central solution framework of the smart city is based on the city rather than intelligence. One of the most important challenges discussed in the previous studies is the issue of accessibility among different social classes. In spite of the initial hypothesis that the importance of place is reduced as that of distance decreases due to the development of ICT, place still matters. The point to be considered in regard to the relationship between the density and spread of the corona virus is the absence of a direct relationship between its population density and death. In fact, the ever-increasing development of ICT and the persistence of policies of closure and maintenance of social distancing during the pandemic are themselves factors effective in the development of digital facilities and technologies in the city. Urban spaces are changing and transforming due to the development of new technologies. In fact, the urban space paradigm established in 2020 promises the emergence of virtual open spaces. Future studies will be focused especially on an understanding of the shift towards the digital space and the emergence of a combination of the real space and the virtual space in developed countries. Moreover, it is necessary to know the social dimensions of urban spaces according to the conditions imposed by the corona virus in order to understand the type and method of changing the public space of the city and social interactions. Finally, the study and review of the valuable articles published in the area of the interface between the city and ICT has raised wide, diverse issues that require familiarity, mastery, and theoretical specialization besides their practical applications for policy-makers, planners, and urban designers and managers.

Key words

Information and Communication Technology (ICT); city; urban studies; coronavirus.

Acknowledgment

The Article has been derived from the Ph.D thesis entitled Explaining the effects of “information and communication technology” on urban space and place (Case study of Tehran neighborhoods), which has been defended by first author under the second author’s supervision and the third author’s advisory at the Qazvin Branch Islamic Azad University.

The Impact of Information and Communication Technology and the Covid-19 Pandemic (A Systematic Review)

Nikoo Medghalchi - Department of Urban Planning, Gazvin Branch, University of Islamic Azad University, Gazvin, Iran.

Seyed Hossein Bahraini¹ - Faculty of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

Mojtaba Rafieian - Faculty of Art & Architecture, University of Tarbiat Modares, Tehran, Iran.

Received: 15 May 2021 Accepted: 18 October 2021

Highlights

- The development of information and communication technology is an important change that causes paradigm shift in urbanism.
- The COVID pandemic emphasizes the importance of information and communication technology.
- This study seeks to trace urban studies on information and communication technology and the COVID pandemic and provide appropriate data and knowledge for urban policy-making and future studies.

Extended abstract

Introduction

The advent of the information age in the 20th century due to the great changes in the field of information and communication technology (ICT) has led to the prevailing approach to maximizing the solution of urban problems for advancing urban planners, designers, and policy-makers. The rate of growth and extensive development of urban studies has provided a wide range of interactions between its different sections. Coinciding with its growing trend, the corona virus has been spreading around the world since December 2019, re-examining the role of ICT.

Theoretical Framework

There is a lack of domestic research on ICT and the city. Given the existence of the gap and the importance of considering the area in urban studies, the purpose of this article is to identify, extract, and provide an interactive research space between the development of ICT and the subfields of urban studies in order to introduce and classify topics, approaches, methods, and results.

Methodology

Using the method of systematic review, the content of published foreign scientific research was reviewed and analyzed. This was carried out with a search for valid articles, a study of the abstracts and research results of more than 150 articles and their review, and a final selection of 93 articles after entering them into the Excel software environment.

Results and Discussion

The selected articles have been published in English in the period of 30 years between 1990 and 2020. Monitoring, examining, and extracting the key themes of the articles led us to 8 categories, including 1) urban policy, 2) electronic participation, 3) smart city, 4) city structure and spatial organization, 5) travel behavior, 6) digital gap, 7) public space, 8) and competitiveness, and 30 sub-themes. About 90% of the articles have been published in reputable scientific journals,

¹ Responsible author: hbahrain@ut.ac.ir

mandatory aspects of the phenomenon. Therefore, it is necessary to review the multifaceted phenomenon of segregation in Iran in the form of new issues, taking into account its wide range of dimensions, to obtain a better, more accurate, more comprehensive understanding thereof.

Key words:

Socio-spatial Segregation; Systematic Review; Qualitative Meta-analysis; Persian Research Articles; Urban Segregation.

Citation: Ghods, N., Nastaran, M.Ghasemi, V. (2022). Socio- spatial Segregation in Iran: Systematic Review and Qualitative Meta-Analysis, *Motaleate Shahri*, 11(44), 79–94. doi: 10.34785/J011.2022.175/Jms.2022.130.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



involuntary (Izadi et al., 2016: 83; Lotfi & Ghazaei, 2019: 20). Therefore, segregation includes various dimensions, such as socio-economic and spatial dimensions, in which terms it has been investigated in recent studies under the title of socio-spatial segregation.

Systematic review is made using regular methods to identify, select, and critically evaluate the conducted research and collect and analyze the obtained data in order to respond to a specific question (Crocetti, 2016: 3). A function of this technique is to examine the history of the research and extract and summarize it to improve the approaches to the study to obtain appropriate results (Ghazi Tabatabaei & Vadadhir, 2010: 59). Generation of the meta-analysis involves the statistical analysis of a large set of results from individual studies, which is performed for integration of the findings (Glass, 1976: 3). Although this technique is usually considered as part of quantitative methods, however, it can also be used for qualitative approaches (Tizchang & Azam Azadeh, 2020: 10).

Methodology

The qualitative research approach is adopted here. The method of data collection is based on the basic text type using documentary methods. The systematic review and open coding techniques were used for data analysis, followed by qualitative meta-analysis. For this purpose, 50 Persian articles based on the topic of segregation and published from 1996 to 2021 were selected and reviewed in 15 categories. The research was conducted in four stages. First, all available information from the selected studies were collected and summarized. Then, classification and coding was performed based on the evaluation parameters (principles and categories) in two groups of structural and content features. Next, all the information extracted from the studies were processed, analyzed, and interpreted based on their frequency and percentages. Finally, the research questions were answered.

The structural section sought to investigate the general characteristics of the selected articles to explain the state of research in the field of urban segregation in Iran using the results. The content section attempted to outline the researchers' views of the original concept, research method, type of research, attributes used for segregation, type of main question, thematic principles, and aspects investigated in the field of segregation.

Results and Discussion

The findings helped to categorize the selected articles based on the types of their main questions (what, why, and how) in the form of 5 main thematic principles. These principles include investigating the concept and methodology of segregation, examining the lived experiences of residents, identifying background factors affecting the formation of segregation, and investigating the relationship between segregation and contextual factors affecting it. In addition, the evolution of the concept of segregation in the research conducted in the field was divided into four general periods: early, middle, late (current period), and future, which were then compared. Socio-spatial separation was defined on that basis. The results demonstrate that segregation is an interdisciplinary, multifaceted, context-oriented issue involving socio-economic, physical-spatial, and political-management dimensions. In the current research conditions of the country, there is need for qualitative research on subjects such as conceptual and measurement modeling of segregation (to explain what it is), identifying and investigating the background factors affecting segregation, including the structures and compositions of cities (to explain why), and identifying and examining policies and trends effective on segregation (to explain how) considering all the dimensions. In this case, it is possible through a correct understanding of the concept to more precisely investigate its spatial patterns over time in the fields of urban development, planning, and design.

Conclusion

Since segregation is an interdisciplinary discourse, many researchers from different fields have investigated it from their specialized perspectives. The necessity of using methods such as meta-analysis can be explained by the large, increased amount of available research, the authors' different views of the subject, and the need to summarize and combine them and to identify the repetitive and problematic research areas. The results of the research demonstrate that there are still many ambiguities about the meaning of segregation despite the abundance of research and urban science experts' greater concern in the past ten years. This is confirmed by all the results highlighted in this research, concerning the use of different Persian translations of the concept, multiple attributes involved in its description, and unclear optional or

Socio- spatial Segregation in Iran: Systematic Review and Qualitative Meta-Analysis

Narges Ghodsi¹ - Department of Urban & Regional Planning, Faculty of Architecture & Urban Design, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Mahin Nastaran - Department of Urban & Regional Planning, Faculty of Architecture & Urban Design, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Vahid Ghasemi - Department of Social Sciences, Faculty of Literature & Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Received: 14 March 2021 Accepted: 23 October 2021

Highlights

- A systematic classification of studies based on questions of what, why, and how with a systematic review and qualitative meta-analysis.
- The importance of reviewing the phenomenon of segregation from a wide range of dimensions (physical-spatial, political-management, and socio-economic).
- The importance of qualitative research explaining whats, focusing on conceptual modeling, and modeling measurement.
- The importance of research explaining whys, and focusing on identification and examination of the contextual factors affecting segregation.
- The importance of research explaining hows and identifying and examining the policies and effective trends according to all the dimensions.

Extended abstract

Introduction

An inherent characteristic of cities, segregation pertains to the social distance between residents and their physical separation. When this phenomenon prevents some groups from accessing services, activities, and spaces, it leads to urban problems. Due to the interdisciplinary nature and large scope of this phenomenon, many researchers from different expert groups have investigated it in the past three decades. Although the number of studies is not small, it is important to note the dispersion of the principles and topics and the lack of coherent conceptual frameworks as a result of the variety of relevant specialties. Therefore, the purpose of this article is to study the diagnostic status of the scientific Persian articles addressing the concept of segregation and to analyze the nature and quality of these research topics and present a systematic categorization thereof.

Theoretical Framework

The review of the literature shows different concepts proposed for definition of segregation. In the middle of the 20th century, segregation was first recognized as a social issue (Legeby, 2013), the main purpose of which is to investigate the distinction between two demographic groups (Feitosa et al., 2007) or the separation of several groups (Morgan, 1975; Sakoda, 1981; Jargowsky, 1996; Reardon & Firebaugh, 2002). In the 1970s, new studies were conducted for identification of the causes of the segregation of social groups, linked with spatial analysis (Morgan, 1975; Sakoda, 1981; Jargowsky, 1996; Dupont, 2004; Lima, 2001: 494; Reardon & Firebaugh, 2002; Smith, 2009: 682; Romero et al., 2012: 76).

Depending on whether one has the freedom to choose to separate, segregation can happen in two ways: voluntary and

1 Responsible author: n.ghodsi@auui.ac.ir

Keywords:

children, children's independent mobility, shared space, residential complex, Tehran.

Citation: Mirsafa, M., Talebi, z., & Kianersi, M. (2022). Qualitative framework for Planning and Designing the Shared Spaces of Residential Complexes to Promote Children's Independent Mobility (case study: Tehran), *Motaleate Shahri*, 11(44), 63–78. doi: 10.34785/J011.2022.001/Jms.2022.130.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



accompaniment, and interact with others and develop their social circles. It provides a wider variety of opportunities for socialization and hangouts among children and contributes to their sense of identity. Therefore, CIM is considered as an important quality that aids children's physical, social, and cognitive development. The main factors that influence CIM include interpersonal characteristics, a sense of community and social environment, and the quality of the built environment.

With regard to children's interpersonal characteristics, one has to take into consideration the importance of age and sex in their mobility and play patterns in the public realm. Children aged 8 to 12 years are more likely to receive permission from their parents to go out and play than younger children. There are also clear differences in the ways that boys and girls use and experience urban neighborhoods and spaces; generally, boys enjoy greater freedom of mobility and are more visible in neighborhoods and playgrounds.

The social environment of a neighborhood is influenced by the level of social cohesion, the existence of shared values and norms, a family's mental image of their place of residence, their concerns about the presence of strangers, the likelihood of crime and delinquency, and child abuse in the area. In turn, it exhibits impacts on the level of independence that children might experience in their use of public spaces in the neighborhood.

The Physical characteristics affect CIM on two scales: the neighborhood where the residential complex is located and its shared spaces. At the larger scale of the neighborhood, the compact city form, which provides children with short distances between various destinations, increases their chances of active, independent mobility. Furthermore, such areas improve children's sense of security in public spaces as they enjoy higher population density. In the shared spaces of residential complexes, the characteristics that are closely associated with CIM include density, pedestrian-friendliness, cleanliness, access to green spaces, and proximity to nature. One has to take into consideration that other environmental characteristics, including the climate conditions, air quality, and temperature affect the time for which children would like to stay and play in public areas.

Methodology

The research employed the grounded theory methodology to construct a theory from the collected data. Due to the necessity of obtaining insights from various groups of stakeholders, the data were collected through 107 semi-structured interviews to reach saturation. This included 53 children, 38 parents and caregivers, and 16 professionals. Given the importance of the physical qualities of the environment, direct field observations were also made in 15 selected residential complexes in Tehran. The qualitative data analysis was carried out through the MAXQDA software, where 74 concepts, 25 principal codes, and 9 categories were extracted. The codes and categories were integrated and optimized, and their relationship with the core of the research was specified.

Results and Discussions

The results of the data analysis demonstrate that the causal and intervening conditions of children's independent mobility include the inadequacy of the legal framework and the inefficiency in implementation of plans and their monitoring and evaluation systems. Moreover, CIM is affected by the qualities of the social environment where children live, and the social acceptance and awareness of the community can thus play a role in promotion of CIM strategies. The results further reveal that strategies used to improve the social atmosphere within the residential complex in favor of more independent, freer presence of children include improvement of the physical qualities of the environment, involving attempts made to keep children safe and secure from all possible risks and threats, to plan for playful spaces, to facilitate access to nature and green spaces, and to keep the spaces clean and healthy. As a consequence, the children will enjoy higher degrees of mental and physical health.

Conclusion

Social traps and lack of responsive quality control and evaluation systems for child-friendly residential complexes emphasize the necessity to develop a qualitative framework to promote opportunities for children's independent mobility and unsupervised play in shared spaces in residential complexes, while meeting parents' expectations from the quality of the built environment to permit CIM within these spaces.

Qualitative framework for Planning and Designing the Shared Spaces of Residential Complexes to Promote Children's Independent Mobility

(case study: Tehran¹)

Masoumeh Mirsafa^{*} - Architect and Urban Designer, Assistant Professor, Faculty of Art & Architecture, University of Guilan, Rasht, Iran.

Zeinab Talebi - Department of Urban Planning, Faculty of Art, Architecture and Urban Planning, Najafabad branch. Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Mansoureh Kianersi - Department of Architecture, Faculty of Art, Architecture and Urban Planning, Najafabad branch. Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Received: 25 July 2021 Accepted: 19 February 2022

Highlights

- Children's Independent Mobility (CIM) is affected by their interpersonal characteristics, the social environment, and the quality of the built environment.
- Based on the Grounded Theory, childhood obesity, regulations and controlling process, and social and urban situation introduce casual, contextual, and intervening conditions, respectively.
- CIM can be promoted by various spatial qualities such as walkability, safety and security, playfulness, health, attractiveness, and access to nature.
- The social acceptance and awareness of the community play a role in promotion of children's independent mobility.
- Promotion of CIM through effective planning and design guidelines results in higher degrees of mental and physical health among children.

Extended abstract

Introduction

In the past few decades, the social conditions of cities have changed the children's urban life and imposed a huge impact on their freedom of movement and independence in the public realm. Moreover, many parents are caught in "social traps," and are consequently more likely to restrict their children's independent, active movement in the public realm. While Children's Independent Mobility (CIM) originally focused on their independent travel to and from school, the concept has further expanded to embrace their independent, active mobility and play around their neighborhoods without adult supervision or accompaniment. Thus, this paper attempts to study the shared spaces in residential complexes, providing a child's first independent outdoor experience, and identify the qualities that can contribute to and improve (CIM) in such areas.

Theoretical Framework

As an essential quality of a child-friendly environment, CIM is an indicator of children's acceptance in the society, which provides them with the opportunity to be present in the public, play in the neighborhood without adult supervision or

1 This research was funded by Tehran RPC (Research and Planning Center) as a project entitled "Development of Design Guidelines for Residential Complexes in Tehran with Child-Friendly City Approach". The project was completed and approved in 2020.

2 Responsible author: m.mirsafa@guilan.ac.ir

Acknowledgment

This article is taken from the doctoral thesis of urban planning with the title “Explaining the effects of the physical-spatial components of an urban street on the emotional stimulation of pedestrians with an emphasis on the use of neuroscience” which was defended by the first author with the guidance of the second author and the advice of the third author in the Tarbiat Modares University.

Citation: Paikan, E., Pourjafar, M., Ranjbar, E. (2022) The Effects of Physical - Spatial Measures of Urban Streets on Pedestrians Emotional Responses Using EEG, *Motaleate Shahri*, 11(44), 47–62. doi: 10.34785/J011.2022.003/Jms.2022.130.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Methodology

Ten of the most important physical-spatial variables that make up different states and types of the spatial structure of an urban street, which can affect the individual emotions of pedestrians, were selected for investigation and used to design 18 tests. The research was conducted with a combined method consisting of: 1- a self-report method of Self-Assessment Manikin (SAM) images and 2- a neurological method using electroencephalography. In the EEG method, the single-channel MindWave MW001 headset, produced by Neurosky, was used as the instrument. The research population included 50 students of Tarbiat Modares University. The research was conducted with the help of controlled experiments using the mobile digital 3D modeling technique, which makes it possible for people to navigate the virtual street in the city. After the data extracted by the health and Stroop tests were confirmed, the data analysis was made using a quantitative-statistical method.

Results and Discussion

The findings regarding the shape and form of the space demonstrated that people feel more pleased in curved streets than in straight streets, and there is greater arousal in streets of the former than the latter shape. However, the level of control in a straight street is higher than that in a curved or spiral street. As for the size and enclosure of the urban space, the results indicated that there is greater pleasure in a street with medium enclosure (1:2 and 1:1) than in one with low or high enclosure (1:4 and 1:1.2), but streets with medium enclosure exhibit less arousal. Spaces with less enclosure cause people to have more control over the space. The results also demonstrated that the pleasure and arousal experienced by people is increased by the existence of the square as a spatial element and a landmark building as a physical element, permeability in the spatial structure of the street and brokenness in the path, and variation in the landscape of the street. It was only in the street with physical retraction and protrusion that no effect on arousal was observed, although the level of pleasure should increase. Moreover, the results indicated that the pleasure in the street with the curved corner was greater than that with the other forms. However, the shape of the street corner exhibits no effect on the arousal. Furthermore, the walls that are completely three-dimensional exhibit greater pleasure and arousal than those featuring walls with two-dimensional and three-dimensional rhythms. Finally, the walls that are completely two-dimensional have the least pleasantness and arousal. There is a higher level of control in the street with 2D rhythms than in that with 3D rhythms. The results also showed that visual permeability in the physical structure of the street increases the arousal and control of the space, but it has no effect on the pleasure. Another result of this research is that there is 75% conformity in the results obtained from the two methods of SAM and EEG, which demonstrates that the data (EEG) extracted from the device can extract people's emotions well.

Conclusion

In general, the current research confirms the results of previous studies, but it precisely demonstrated by measuring the extracted neural data that the levels of emotional pleasure, arousal, and control are affected by the shape and form of the street, the size and enclosure of the street space, the presence of a spatial and physical element that creates attention and emphasis in the street, permeability in the spatial structure of the street, rotation along the street and perspective change along the path, two and three-dimensional wall street rhythms, and the shape and form of the corners of the street intersection. However, physical indentations and protrusions exhibit no effect on arousal, and visual permeability has no effect on pleasure. In addition, the results showed that the EEG data extracted from the headset (MindWave MW001) used in this study could well capture the emotions of individuals, thus making up a proper potential tool for evaluation of environmental design interventions in the field of architecture and urban planning. The results of the present study, which indicate the psychological effects of urban design of a street, help to select and design the appropriate elements and physical characteristics of the space, increase positive emotions and reduce negative emotions, and ultimately improve the mental health of citizens.

Key words

Emotion, Physical-spatial measures, Urban street, EEG

The Effects of Physical - Spatial Measures of Urban Streets on Pedestrians Emotional Responses Using EEG

Esmat Paikan - Department of Urban Planning, Faculty of Art & Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Mohammad Reza Pourjafar¹ - Department of Urban Planning, Faculty of Art & Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Ehsan Ranjbar - Department of Urban Planning, Faculty of Art & Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Received: 19 August 2021 Accepted: 09 March 2022

Highlights

- The curvature in the street makes it more exciting, and greater variety in curvature causes more arousal and pleasure.
- Streets with medium enclosure (1:2 and 1:1) exhibit the most desirable values of size and enclosure.
- The presence of a square or a prominent building, the permeability of the street, and the variation in its landscape increase the pleasantness and arousal.
- The three-dimensional rhythms of the street walls exhibit greater pleasure and arousal than the two-dimensional rhythms.
- The portable EEG devices (MindWave MW001 headset) are suitable for evaluation of environmental design interventions in the field of architecture and urban development.

Extended abstract

Introduction

The environment can cause positive and negative emotions in citizens. Emotions are important due to their impacts on people's behaviors, because emotions make up a main component of social behavior, and extraction of emotional responses is one of the best ways to understand different fields of experience and perception. Nowadays, mental health problems and the emphasis on increasing social interactions have led to more and more concern for the subject of emotions, but the impact of physical-spatial factors has received less attention from the conducted studies. The aim of this study is to investigate the effect of the physical-spatial measures of urban streets on pedestrians' emotional responses by placing the individual in a pseudo-real environment. Moreover, this study makes possible the use of a new neural measurement tool in urban studies and evaluates its accuracy.

Theoretical Framework

The review of previous studies demonstrated that the environmental parameters that can affect emotion include non-physical human factors on the one hand and physical ones on the other. The physical factors that make up the subject of this research can be divided into two categories: 1- non-artificial factors, i.e. green space, and 2- artificial factors, which include the size and enclosure of the space, the shape and form of the space, the characteristics of the surfaces including architectural style, the color and texture of materials, and the variation in spatial sequences. Given the number of studies conducted on the effect of natural factors and certain characteristics of surfaces in the field of architecture, the present research examined four physical parameters.

1 Responsible author: pourja_m@modares.ac.ir

Citation: Kazemian, GH., Aslipour, H., Taqipour Akhtari, A., (2022) A Phenomenological Study of the Lived Experiences of land developer in Tehran's Building Management System, Motaleate Shahri, 11(44), 31–46. doi: 10.34785/J011.2022.002/Jms.2022.130.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Due to the historical dependence of actualized behaviors on the institutional context and variation in functions, one should refer to the conceptual roots of the phenomenon to study the evolutionary path thereof, focusing on the dynamic, unbalanced behavior of social systems.

Therefore, an aspect of truth used to explain such a phenomenon that is created, lived, and understood by citizens is the spaces of representation or the part where the land developers (constructors) live the urban construction management system. That is, it is not the same as what the authorities assign to the construction through administrative instructions, nor as how the experts describe the urban construction management system. Rather, it is by being immersed in the path of building and functioning as a land developer that the unique spatiality of every society can be justified.

Methodology

Since urban construction management is recognized as a multiple, dynamic unit (mutual, continuous influence of constituent dimensions), abduction of the lived experiences of the active land developers requires immersion in data, which are collected through adoption of an intersubjective, empathic approach. Therefore, the strategy of this qualitative research is phenomenological, categorized under the interpretive paradigm. The research population consists of Tehran's land developers who were selected using purposive sampling. Finally, eight in-depth interviews were conducted. Thus, the researchers clustered and finally combined the lived experiences to achieve a rich description while observing Epoché's principles throughout the research. It should be mentioned that the thematic analysis technique was used for horizontalization, clustering, and classification of data.

Results and Discussion

As a result of the conducted interviews, transcriptions, and extracted concepts, 67 basic themes were identified in the first step after several rounds of editing. Then, the themes were classified under 17 organizing themes. In fact, an attempt was made at this stage to cluster the intersection of the basic themes, which was realized through movements back and forth between the holistic and detailed approaches and immersion in the data. The process was repeated to form global themes, and four were finally distinguished, including the basic assumptions regarding Tehran urban construction, land developers' enabling factors, the inefficiencies imposed by the construction management system, and various stakeholders' roles in the urban construction of Tehran and its consequences.

Conclusion

The findings of this study demonstrated that Tehran's construction management system is based on different actors' cooperation to transform space into financial value, according to land developers' lived experiences. Although there are actors here who link this financial value to the use value due to their natural need, their expertise, or the functional nature of the space, their influence is generally limited to setting minimums. Therefore, these actors do not have a high power with respect to others to influence the production of spaces. Finally, the urban construction management system of Tehran can be explained and interpreted as the system sought to stabilize its position and apply authority to obtain its required income by developing the physical urban environment to carry on missions whose violation would have political costs or legal consequences. Moreover, these measures are taken based on inefficient processes and contents, relying on constructors' assets and skills at the cost of commodifying urban spaces.

Key words

Construction; Phenomenology; Urban Management; Political Economy of Space; Land Developers' Lived Experiences

Acknowledgment

This article is taken from the third author's master's dissertation on urban management, entitled "Explaining the Tehran's Building Governance" and to the first author's supervisor and the second author's advisor at Allameh Tabataba'i University.

A Phenomenological Study of the Lived Experiences of land developer in Tehran's Building Management System

Gholamreza Kazemian¹ - Department of Urban Management, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Hosein Aslipour - Department of Public Management & Policy Making, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Arash Taqipour Akhtari - Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Received: 23 December 2021 Accepted: 05 March 2022

Highlights

- Realization of urban construction as a social construct forms a knowledge stock to mine theoretical concepts and develops the goodness of urban building governance at the same time.
- One of the most important categories in the identification and comprehension of actors' behavior and expectations in the field of Tehran's construction management in the context of the truth revealed in the study of everyday social life is the distinction between land developers as industrial investors (those whose capitals come mainly from built spaces) and land developers as commercial investors (those whose main capitals involve cash and who move between different markets to earn profit), along with the diverse role of real-estate agents as appraisers or marketers.
- A categorized, cyclical statement of assumptions about urban construction management is provided between the three principles of urban management, built environment, and land developers.

Extended abstract

Introduction

According to the citizens, it is years that the urban physical space of Tehran has been characterized by uneven growth and increasing injustice, and its spatial development management is also described as inefficient by various experts. Urban construction is the act of creating a physical space to advance urban functions, and the city's spatial organization is formed in solidarity with its continuity. Thus, management of the spatial-physical development of the city is a mission pursued by urban management, and the existence of an efficient, effective urban management, as a government infrastructure and an executive attempt to realize good governance and then sustainable urban development is a matter of consensus. By accepting the spatial inefficiencies in Tehran's urban development and rejecting the gap between content and form, this research introduces its problem as an explanation and interpretation of how Tehran's urban construction management system functions.

Theoretical Framework

Construction is always a different experience and creates a heterogeneous good. The literature review also demonstrates that each research has described urban construction from its own theoretical-philosophical perspective and background. In fact, the variety of theoretical approaches to urban construction held by political philosophies is accompanied by a unique resultant of the actuals at any time. Therefore, construction is introduced sometimes as the agent of meeting expectations and sometimes as the cause of the current conditions. This gives construction the status of a social construct.

1 Responsible author: kazemian@atu.ac.ir

humane spaces.

Theoretical Framework:

The final criteria were evaluated with the methods of analyzing the content, watching the movie, and surveying the city in the movie. Based on the conceptual model, the final criteria include the following in the order specified from the filmmaker's point of view: the qualities of the urban space in the movie, diversity in the use of urban spaces, method of payment for the place, types of urban space, and types of character. The criterion of diversity in urban spaces, which concerns the use of these spaces in different parts of the city (not only in a specific region) with the urban surveying method in the movie, seeks the diversity of urban spaces presented in the city of Tehran in the fiction movies of choice produced after the revolution, and the final map is generated in the GIS software. 5 more criteria were examined first in the most important movies produced after the revolution with the method of content analysis and movie watching.

Methodology:

In a comparative study, what can help the researcher to achieve his goal is greater emphasis on simultaneous analysis and examination of contrasts, as practiced in this research.

Findings and Discussion:

All the above points indicate that the Iranian moviemaker still considers the city and its imposed modernity to be the source of many problems.

Another issue emphasized by Iranian moviemakers is to demonstrate the constant development of the city and its spaces regardless of the events of the story and peoples' wishes. In some movies, no emphasis is placed on the urban space if actually depicted, and it is regarded simply as a background for the events of the story. All locations are focused on certain areas in Tehran and the like.

Conclusion:

The results of the research demonstrate that we have not been very successful in creation of urban spaces in the past decades, and the few spaces that have been created and recreated have not been welcomed by cinematographers for various reasons. Moreover, the represented urban areas have been restricted to certain areas in Tehran, which has been subject to the conditions mentioned in the section on findings.

Furthermore, most of the selected movies in the fiction and urban fields were filmed in Tehran, and we are faced all around Iran with a pure centralism in terms of selection of the location of filming in urban spaces despite the availability of a variety thereof. This process should be corrected to address different aspects of various cities in Iran in fiction movies.

Keywords:

Movies, City, Urban Design, Urban Space, Content Analysis, Tehran

Citation: Salehi, S.S., Sajadzadeh, H., Izadi, M.S., Ketabollahi, K., (2022) Evaluating the representation of urban spaces in the selected works of Iranian cinema with a focus on public spaces in Tehran, *Motaleate Shahri*, 11(44), 17–30. doi: 10.34785/J011.2022.332/Jms.2022.130.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Evaluating the representation of urban spaces in the selected works of Iranian cinema with a focus on public spaces in Tehran

Seyedeh Sara Salehi - Department of Urban Design, Faculty of Art and Architecture, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

Hassan Sajadzadeh¹ - Department of Urban Design, Faculty of Art and Architecture, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

Mohammad Saeed Izadi - Department of Urban Design, Faculty of Art and Architecture, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

Kasra Ketabollahi - Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

Received: 28 March 2021 Accepted: 21 November 2021

Highlights

- The relationship between the city and the movies was addressed, and the cinematic sequences were evaluated.
- Movie locations and the need to benefit from the diversity of urban spaces in Iran were addressed.
- The streets of big cities in Iranian movies are places to pass through, not to attend.

Extended abstract

Introduction

The bond between the city and the movies is a two-way, strong one more than a century old. The movies has always been defined with respect to the city and urban spaces since the first days of its creation—late 19th century.

If the audience perceives urban spaces as having various functions and appropriate spatial qualities in the movie, the perception is associated with the real space and causes different feedbacks than those spaces in the long term.

Despite the increasing global desire to use the cinematic image of the city to achieve various layers of information, the Iranian movies still fails to present a correct image of the city. The beating heart of every city, urban spaces are still not used in the Iranian movies in the general sense.

While large, important cities such as Paris, London, New York, and Berlin are always in a two-way relationship with the movies and urban spaces, where the city and the various relevant issues are always exposed to cinematic representations as everyday, critical, or praiseworthy matters, reflection on such issues is still heretical in Iran. Especially, critical reflection about Tehran, as the main location in the Iranian movies, has not received much attention. A way to understand the urban space is to represent the city, urban spaces, and the complex, contradictory whole using the movies. Therefore, the main purposes of this research are to 1- examine the characteristics of different periods of the Iranian movies from the beginning of its formation to 2019, 2- examine different dimensions of selected works of the Iranian fiction movies after the Islamic Revolution of 1978, 3- extract urban space creation criteria in the fiction movies works, and 4- represent the image of a more human-oriented urban space in the Iranian movies. The latter suggestion is made because it is assumed that the Iranian cinematographer can achieve a dialectic of indicating the positive and negative aspects of the existing spaces in the country's cities by using the correct criteria for representation of urban spaces in the movies, thereby nurturing informed, insistent viewers and causing active measures on the part of environmental designers to create more

1 Responsible author: sajadzadeh@basu.ac.ir

Citation: Irandost, K., Doostvandi, M., Ashouri, K., Ghanezade, S.M., (2022) Application of Futuristic Approach (Informal Armature) in the Regularization of urban Spontaneous Settlements (in Sanandaj city Situation), *Motaleate Shahri*, 11(44), 3–16. doi: 10.34785/J011.2022.391/Jms.2022.130.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Motaleate Shahri. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



before the occupation of land with a preventive, futuristic attitude. This approach approves of spontaneous urban settlements' innovative, innate socio-spatial features and adopts this as a point to begin improvement. The conditions that need to be met for a successful IA approach include pre-emptive and transformative nature (political acceptance of the informality, presentation of appropriate public land with participation from the public and private sectors, and instruction of staff capable of implementing the approach), consideration of physical and performative components, hybrid and multi-scalar operations, environment-friendly nature, consideration of flexible planning components, and adaptability to different site conditions. Moreover, corridors, patches, and custodians are major components in planning and design based on the IA approach.

Methodology

The paradigm governing this research is pragmatism, which some contemporary methodologists have considered the foundation of research methodology with hybrid methods. In accordance with this worldview, the conceptual framework of the research has first been extracted besides an examination of the theoretical views on the topic based on Gouverneur's perspectives in order to provide the background. Then, it was investigated how the approach could be adapted to Sanandaj in line with the research purpose. The statistics required to apply the approach to Sanandaj were extracted from the censuses of individuals and dwellings and the village lexicons, and satellite images and location data on the current state of Sanandaj in ArcGIS were used for the analysis of the spatial conditions of the city.

Results and discussion

Sanandaj is a city with particular topographic features and looks as if located in a space cup due to the highs around the city and the variety of hills inside it. It can be extended mainly on the eastern side. Moreover, three spatial layers of spontaneous urban settlements have taken shape in Sanandaj so far. The first layer is the fixed layer inside the city; the origination dates back to the period between the 1960s and 1980s and is regarded today as the distressed middle area of the city. The second layer involves settlements with backgrounds as villages located within the limits of Sanandaj, which are known today as unconnected urban areas and have been excluded from the informal settlement. A third layer is also taking shape around the city, given the barren lands inside it, including villages with growing populations. The investigations demonstrated that Sanandaj could be considered for pilot research on the application of the IA approach, given its features.

Conclusion

Inspired by the international policies, different approaches have been adopted so far in Iran with respect to spontaneous urban settlements. However, these approaches have failed to stop the extension process of these settlements, and about twelve million of the country's urban population thus resides in these settlements today. Moreover, all the previous approaches have mainly disregarded the important idea of future development of these settlements and the combination of the planning, morphological, and administrative components, while the IA approach has successfully filled the gap. The informal armatures approach can prevent fundamental problems, particularly in terms of infrastructure, in future spontaneous urban settlements through mutual government-people management and consideration of residents' financial capability and planning tools such as the interconnection of corridors around the city, provision of patches, and protection of valuable land. Moreover, this approach can contribute significantly as one of the most effective futuristic, collaborative approaches (top-down and bottom-up), as it provides widespread coverage of informal urban settlement in Iran.

Keywords:

Urban Informality, Informal Armature, Sanandaj, spontaneous settlement

Application of Futuristic Approach (Informal Armature) in the Regularization of urban Spontaneous Settlements (in Sanandaj city Situation)

Kayomars Irandoost¹ - Department of urban planning and design, Faculty of Art and Architecture, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

Milad Doostvandi - Department of urban planning and design, Faculty of Art and Architecture, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

Kasra Ashouri - Department of urban planning and design, Faculty of Art and Architecture, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

Seyed Mohamad Ghanezade - Department of urban planning and design, Faculty of Art and Architecture, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

Received: 17 December 2021 Accepted: 31 January 2022

Highlights

- Different approaches and policies have been adopted to confront spontaneous urban settlements, which have failed to stop the development process of these settlements.
- The informal urban settlement needs to be politically approved in developing countries, such as Iran, as it will be involved in a significant part of the urbanization process.
- Presenting a novel approach known as informal armatures, David Gouverneur attempted to adopt a futuristic, protective, realistic perspective on spontaneous urban settlements and to consider administrative, environmental, morphological, planning, and design issues.
- In Sanandaj, it can be helpful to consider the informal armatures approach, given that three spatial layers of the spontaneous urban settlement have taken shape so far, and the city can develop in the eastern part of the city.

Extended abstract

Introduction

During the past few decades, there has been widespread immigration to urban centers of wealth for utilization of opportunities and better conditions in prospect due to the dominance of the city-oriented capitalist economy, shortcomings, and failures of governments and official markets, and inequality in southern countries. Along with the inefficiency of governments and urban planning systems in satisfying needs, particularly those for dwelling and employment, this trend has led to spontaneous urban settlements. Therefore, it is essential to provide low-income groups with dwellings and present solutions in accordance with the residents' financial capability. David Gouverneur presented a novel approach in 2015, which came to be known as informal armatures (IA). He believes that spontaneous urban settlements involve numerous physical and social complexities, and to simplify, the environment, morphology, and administrative aspects need to be balanced. He states that the problems with these settlements can be solved by the people, local governments, and central governments. This research has investigated the informal armatures approach in Sanandaj, Iran.

Theoretical framework

Beyond the theoretical controversies in this regard, the IA approach presents a framework for spontaneous neighborhoods

1 Responsible author: k.irandoost@uok.ac.ir

Motaleate Shahri

Content

- **Application of Futuristic Approach (Informal Armature) in the Regularization of urban Spontaneous Settlements (in Sanandaj city Situation)**
Kayomars Irandoost, Milad Doostvandi, Kasra Ashouri, Seyed Mohamad Ghanezade
- **Evaluating the representation of urban spaces in the selected works of Iranian cinema with a focus on public spaces in Tehran**
Seyedeh Sara Salehi, Hassan Sajadzadeh, Mohammad Saeed Izadi, Kasra Ketabollahi
- **A Phenomenological Study of the Lived Experiences of land developer in Tehran's Building Management System**
Gholamreza Kazemian, Hosein Aslipour, Arash Taqipour Akhtari
- **The Effects of Physical - Spatial Measures of Urban Streets on Pedestrians Emotional Responses Using EEG**
Esmat Paikan , Mohammad Reza Pourjafar, Ehsan Ranjbar
- **Qualitative framework for Planning and Designing the Shared Spaces of Residential Complexes to Promote Children's Independent Mobility**
Case Study: Tehran | Masoumeh Mirsafa, Zeinab Talebi, Mansoureh Kianersi
- **Socio- spatial Segregation in Iran: Systematic Review and Qualitative Meta-Analysis**
Narges Ghodsi, Mahin Nastaran, Vahid Ghasemi
- **The Impact of Information and Communication Technology and the Covid-19 Pandemic (A Systematic Review)**
Nikoo Medghalchi , Seyed Hossein Bahraini, Mojtaba Rafeian
- **Identification of the Effective Components to Improve the Quality of Urban Public Spaces for Children Regarding the Conceptual Model of the Right to the City**
Case Study: Tehran | Zahra Tamjidi, Zahra Sadat Saeideh Zarabadi, Farah Habib

Motaleate Shahri

Journal of Urban Studies - University of Kurdistan

Director: Hooshmand Alizadeh, Associate Professor, University of Kurdistan

Editor-in-Chief: Mozafar Sarrafi, Professor, University of Shahid Beheshti

Secretary : Kayoumars Irandoost, Associate Professor, University of Kurdistan

Administrative Manager: Kayoumars Habibi, Associate Professor, University of Kurdistan

Coordinator: Mohammad Bashir Robati

Editorial Board:

Azizi, Haji Hussein, Professor, University of Kurdistan

Behzadfar, Mostafa, Professor, University of Science and Industry

Habibi, Kayoumars, Associate Professor, University of Kurdistan

Hejazi, Mehrdad, Associate Professor, University of Esfahan

Irandoost, Kayoumars, Associate Professor, University of Kurdistan

Lotfi, Sedigheh, Professor, University of Mazandaran

Nourian, Farshad, Associate Prof. University of Tehran, Iran

Pakzad, Jahanshah, Professor, University of Shahid Beheshti

Partovi, Parvin, Professor, University of Tehran

Sadr Mousavi, Mirsatar, Professor, University of Tabriz

Sajadzadeh, Hassan, Urban Planning, Associated Professor, Buali Sina University

Shahabi, Himan, Associate professor, Geomorphology Department, Natural Resources Faculty, University of Kurdistan

Shieh, Esmaeil, Professor, University of Science and Industry

Soltani, Ali, Professor, University of Shiraz

Zebardast, Esfandyar, Professor, University of Tehran

International Editorial Board:

Nadhir Al-Ansari, Professor, Luleå University of Technology, Sweden.

Assefa M. Melesse, Professor, Florida International University, USA.

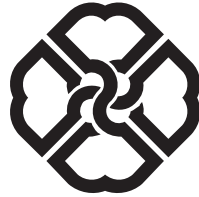
Robert Musil, Working Group Leader, Institute for Urban and Regional Research (Austrian Academy of Sciences), Austria.

Cover Design: kuresh Anbari

Layout: Javad Dadejani, Lecturer, University of Kurdistan

Persian Editor: Farahnaz Nobakht

English Editor: Navid Baradaran Hemmati



University of Kurdistan

Motaleate Shahri

No.44, Autumn 2022